

# موسوعه آسان در بیان فرقه‌ها و گروه‌ها

(به زبان فارسی)

نویسنده:

دکتر حماد الجهنی

مترجم:

محمد طاهر (عطائی)

الناشر:

مركز الثقافة الإسلامية «بخاري»

حقوق الطبع محفوظة لمركز الثقافة الإسلامية «بخاري»

عنوان کتاب:

موسوعه آسان در بیان فرقه‌ها و گروه‌ها

نویسنده:

دکتر حماد الجهنی

مترجم:

محمد طاهر (عطائی)

موضوع:

فرق و مذاهب اسلامی (بررسی فرق) - تاریخ و بررسی فرق و جنبش‌ها

نوبت انتشار:

اول (دیجیتال)

تاریخ انتشار:

آبان (عقرب) ۱۳۹۴ شمسی، ۱۴۳۶ هجری

منبع:



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

[www.aqeedeh.com](http://www.aqeedeh.com)

[book@aqeedeh.com](mailto:book@aqeedeh.com)

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

[www.aqeedeh.com](http://www.aqeedeh.com)

[www.mowahedin.com](http://www.mowahedin.com)

[www.islamtxt.com](http://www.islamtxt.com)

[www.videofarsi.com](http://www.videofarsi.com)

[www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)

[www.zekr.tv](http://www.zekr.tv)

[www.sadaiislam.com](http://www.sadaiislam.com)

[www.mowahed.com](http://www.mowahed.com)



[contact@mowahedin.com](mailto:contact@mowahedin.com)

بسم الله الرحمن الرحيم

## فهرست مطالب

فهرست مطالب	أ.....
مقدمه مترجم	١.....
مقدمه کتاب	٣.....
اباضیه	٧.....
تعریف:	٧.....
تأسیس و افراد برازنده:	٧.....
افکار و معتقدات:	٨.....
ریشه‌های فکری و اعتقادی:	١١.....
انتشار و جاهای نفوذ:	١١.....
مراجع:	١٢.....
اخوان المسلمین	١٣.....
تعریف:	١٣.....
تأسیس و افراد برازنده:	١٣.....
افکار و معتقدات:	١٦.....
ریشه‌های فکری و اعتقادی:	١٩.....
انتشار و جاهای نفوذ:	١٩.....
مراجع:	٢٠.....
استشراق	٢١.....
تعریف:	٢١.....
تأسیس و افراد برازنده:	٢١.....
١- اوائل تأسیس:	٢١.....

- ۲۲ ..... ۲- مستشرقین منصف: .....  
 ۲۳ ..... ۳- مستشرقین متعصب: .....  
 ۲۵ ..... افکار و معتقدات: .....  
 ۲۵ ..... اول: اهداف استشراق: .....  
 ۲۵ ..... ۱- هدف دینی: .....  
 ۲۵ ..... ۲- هدف تجارتي: .....  
 ۲۶ ..... ۳- هدف سياسي: .....  
 ۲۶ ..... ۴- هدف علمي خالص: .....  
 ۲۶ ..... دوم: مؤلفات بزرگ شان: .....  
 ۲۷ ..... سوم: مراکز و جمعيات: .....  
 ۲۷ ..... چهارم: مجله‌های استشراق: .....  
 ۲۸ ..... پنجم: استشراق در خدمت استعمار: .....  
 ۲۸ ..... ششم: آراء و افکار خطرناک استشراق: .....  
 ۳۰ ..... ریشه‌های فکری و اعتقادی: .....  
 ۳۰ ..... انتشار و جاهای نفوذ: .....  
 ۳۰ ..... مراجع: .....  
 ۳۱ ..... مراجع بیگانه: .....  
**۳۳ ..... إسماعیلیه**  
 ۳۳ ..... تعريف: .....  
 ۳۳ ..... تأسیس و افراد برازنده: .....  
 ۳۳ ..... أول: اسماعیلیه قرامطه: .....  
 ۳۳ ..... دوم: اسماعیلیه فاطمیه: .....  
 ۳۵ ..... سوم: اسماعیلیه حشاشین: .....  
 ۳۶ ..... چهارم: اسماعیلیه شام: .....  
 ۳۶ ..... پنجم: اسماعیلیه بهره: .....  
 ۳۷ ..... ششم: اسماعیلیه آغاخانی: .....  
 ۳۷ ..... هفتم اسماعیلیه واقفه: .....  
 ۳۷ ..... افکار و معتقدات: .....  
 ۳۸ ..... از معتقدات بهره: .....

۳۹..... ریشه‌های فکری و اعتقادی:.....

۴۰..... انتشار و جاهای نفوذ:.....

۴۰..... مراجع:.....

### ۴۳ ..... الاویوس دیی

۴۳..... تعریف:.....

۴۳..... تأسیس و افراد برازنده:.....

۴۴..... افکار و معتقدات:.....

۴۴..... اول: افکار دینی و تنظیمی:.....

۴۶..... دوم تشکیلات تنظیمی:.....

۴۷..... سوم: تألیفات:.....

۴۷..... چهارم: امکانات تنظیم:.....

۴۷..... ریشه‌های فکری و اعتقادی:.....

۴۸..... انتشار و جاهای نفوذ:.....

۴۸..... مراجع:.....

### ۴۹..... ابیه و یا بهائیه

۴۹..... تعریف:.....

۴۹..... تأسیس و افراد برازنده:.....

۴۹..... افکار و معتقدات:.....

۵۰..... ریشه‌های فکری و اعتقادی:.....

۵۰..... انتشار و جاهای نفوذ:.....

۵۱..... مراجع:.....

### ۵۳ ..... بریلویت

۵۳..... تعریف:.....

۵۳..... تأسیس و افراد برازنده:.....

۵۴..... افکار و معتقدات:.....

۵۸..... ریشه‌های فکری و اعتقادی:.....

۵۸..... انتقاداتی که بر بریلوی‌ها وارد می‌شود:.....

- انتشار و جاهای نفوذ: ..... ۵۹
- مراجع: ..... ۵۹
- حزب بعث عربی اشتراکی** ..... ۶۱
- تعریف: ..... ۶۱
- تأسیس و افراد برازنده: ..... ۶۱
- از افراد بارزی که در تاریخ حزب به ظهور رسید: ..... ۶۲
- افکار و معتقدات: ..... ۶۴
- بعضی رهنمایی‌های عام و فیصله‌های مجلس چهارم قومی: ..... ۶۵
- انتقاداتی که می‌تواند وارد شود: ..... ۶۶
- ریشه‌های فکری و اعتقادی: ..... ۶۶
- انتشار و جاهای نفوذ: ..... ۶۷
- مراجع: ..... ۶۷
- بلالیون** ..... ۶۹
- تعریف: ..... ۶۹
- تأسیس و افراد برازنده: ..... ۶۹
- افکار و معتقدات: ..... ۷۱
- اول: دوران والاس د.فارد: ..... ۷۱
- دوم: دوران الیجا محمد: ..... ۷۲
- سوم: دوران وارث الدین محمد: ..... ۷۳
- ریشه‌های فکری و اعتقادی: ..... ۷۵
- انتشار و جاهای نفوذ: ..... ۷۵
- مراجع: ..... ۷۶
- نای برث یا فرزندان عصر** ..... ۷۷
- تعریف: ..... ۷۷
- تأسیس و افراد برازنده: ..... ۷۷
- افکار و معتقدات: ..... ۷۸
- اول: شعارهای ظاهری و اعلان شده: ..... ۷۸

۷۸	..... دوم: اهداف حقیقی:
۸۰	..... ریشه‌های فکری و اعتقادی:
۸۰	..... انتشار و جاهای نفوذ:
۸۰	..... مراجع:
<b>۸۳</b>	<b>..... بودایی</b>
۸۳	..... تعریف:
۸۳	..... تأسیس و افراد برازنده:
۸۳	..... افکار و معتقدات:
۸۵	..... از وصایای بودا:
۸۵	..... بودایی‌ها به دو بخش تقسیم‌اند:
۸۶	..... بودایی‌ها دو مذهب بزرگ دارند:
۸۶	..... کتاب‌های بودایی‌ها:
۸۶	..... ریشه‌های فکری و اعتقادی:
۸۷	..... انتشار و جاهای نفوذ:
۸۷	..... مراجع:
<b>۸۹</b>	<b>..... جماعت تبلیغ</b>
۸۹	..... تعریف:
۸۹	..... تأسیس و افراد برازنده:
۸۹	..... مشایخ و استاذان شیخ‌الیه:
۹۰	..... دوستان نزدیکش:
۹۱	..... افکار و معتقدات:
۹۱	..... طریقه و روش در نشر دعوت شان قرار ذیل است:
۹۴	..... بعضی ملاحظات و انتقادات بالای آنان:
۹۴	..... ریشه‌های فکری و اعتقادی:
۹۴	..... انتشار و جاهای نفوذ:
۹۵	..... مراجع:
<b>۹۷</b>	<b>..... تجانیه</b>

تعریف:	۹۷
تأسیس و افراد برازنده آن:	۹۷
افراد مشهورشان بعد از مؤسس:	۹۷
افکار و معتقدات:	۹۸
ریشه‌های فکری و اعتقادی:	۱۰۲
انتشار و جاهای نفوذ:	۱۰۲
مراجع:	۱۰۲

### حزب تحریر ..... ۱۰۵

تعریف:	۱۰۵
تأسیس و افراد برازنده:	۱۰۵
افکار و معتقدات:	۱۰۶
اول: مسائل دعوت:	۱۰۹
دوم: مسائل فقهی:	۱۰۹
ریشه‌های فکری و اعتقادی:	۱۱۰
انتشار و جاهای نفوذ:	۱۱۱
مراجع:	۱۱۱

### تغریب ..... ۱۱۳

تعریف:	۱۱۳
تأسیس و افراد برازنده:	۱۱۳
افکار و معتقدات:	۱۱۹
اول: افکار تغریبی:	۱۱۹
دوم: مجالس تغریبی:	۱۲۲
سوم: کتاب‌های خطرناک تغریبی:	۱۲۲
ریشه‌های فکری و اعتقادی:	۱۲۳
انتشار و جاهای نفوذ:	۱۲۴
مراجع:	۱۲۴
مراجع بیگانه:	۱۲۵



۱۲۷	تنصیر .....
۱۲۷	تعریف: .....
۱۲۷	تأسیس و اشخاص برازنده: .....
۱۲۹	افکار و معتقدات: .....
۱۲۹	اول افکار: .....
۱۳۱	دوم: مجالس ایشان: .....
۱۳۳	سوم: مراکز و معاهد مشهور تنصیری: .....
۱۳۳	چهارم: بعضی کتاب‌های تنصیری: .....
۱۳۴	پنجم: وسایل و امکانات شان: .....
۱۳۴	۱- طریق طبابت: .....
۱۳۵	۲- طریق تعلیم: .....
۱۳۵	۳- کارهای اجتماعی: .....
۱۳۶	۴- نسل: .....
۱۳۶	۵- برپا کردن فتنه‌ها و افروختن جنگ‌ها: .....
۱۳۶	۶- امکانات و وسائل: .....
۱۳۷	ریشه‌های فکری و اعتقادی: .....
۱۳۸	انتشار و جاهای نفوذ: .....
۱۳۸	مراجع: .....
۱۴۱	<b>جماعت اسلامی در شبه قاره هند - پاکستان .....</b>
۱۴۱	تعریف: .....
۱۴۱	تأسیس و اشخاص برازنده: .....
۱۴۱	اول: داعی و مؤسس آن: .....
۱۴۳	دوم: اشخاص بارز: .....
۱۴۳	۱- در پاکستان: .....
۱۴۴	۲- در هند: .....
۱۴۴	۳- در بنگلادیش: .....
۱۴۵	۴- در جاهای دیگر: .....
۱۴۵	افکار و معتقدات: .....
۱۴۷	ریشه‌های فکری و اعتقادی: .....

انتشار و جاهای نفوذ: ..... ۱۴۸

مراجع: ..... ۱۴۸

### حزب جمهوری در سودان ..... ۱۵۱

تعریف: ..... ۱۵۱

تأسیس و اشخاص بارز: ..... ۱۵۱

افکار و معتقدات: ..... ۱۵۲

ریشه‌های فکری و اعتقادی: ..... ۱۵۸

انتشار و جاهای نفوذ: ..... ۱۵۹

مراجع: ..... ۱۵۹

### چینی ..... ۱۶۱

تعریف: ..... ۱۶۱

تأسیس و افراد برازنده: ..... ۱۶۱

افکار و معتقدات: ..... ۱۶۳

اول: کتاب‌های شان: ..... ۱۶۳

دوم: اله و یا پروردگار: ..... ۱۶۴

سوم: بعضی از معتقدات‌شان: ..... ۱۶۴

۱- کارما: ..... ۱۶۴

۲- نجات: ..... ۱۶۵

۳- تقدیس و احترام هر زنده جان: ..... ۱۶۵

۴- عواطف: ..... ۱۶۶

۵- عریان بودن: ..... ۱۶۶

۶- خود کشی تدریجی: ..... ۱۶۶

چهارم: افکار و معتقدات دیگر آنان: ..... ۱۶۷

ریشه‌های فکری و اعتقادی: ..... ۱۶۸

انتشار و جاهای نفوذ: ..... ۱۶۸

مراجع: ..... ۱۶۹

مراجع بیگانه: ..... ۱۶۹

**حشاشون ..... ۱۷۱**

تعریف: ..... ۱۷۱

تأسیس و افراد برازنده: ..... ۱۷۱

۱- حسن بن الصباح: ..... ۱۷۱

۲- کیا بزرگ آمید: ..... ۱۷۲

۳- محمد بن کیا بزرگ آمید: ..... ۱۷۲

۴- حسن ثانی بن محمد: ..... ۱۷۲

۵- محمد ثانی بن حسن ثانی: ..... ۱۷۲

۶- جلال الدین حسن سوم بن محمد دوم: ..... ۱۷۲

۷- محمد سوم بن حسن سوم: ..... ۱۷۳

۸- رکن الدین خورشاه: ..... ۱۷۳

۹- شمس الدین محمد بن رکن الدین: ..... ۱۷۳

حشاشون در بلاد شام: ..... ۱۷۴

افکار و معتقدات: ..... ۱۷۵

ریشه‌های فکری و اعتقادی: ..... ۱۷۶

انتشار و جاهای نفوذ: ..... ۱۷۶

مراجع: ..... ۱۷۶

**داروینیه ..... ۱۷۷**

تعریف: ..... ۱۷۷

تأسیس و افراد برازنده: ..... ۱۷۷

افکار و معتقدات: ..... ۱۷۸

اول نظریه داروین: ..... ۱۷۸

دوم: آثاری که این نظریه از خود بجا گذاشت: ..... ۱۷۹

سوم: فعالیت یهود و قوای تخریبکار در نشر این نظریه: ..... ۱۸۲

چهارم: کسانی که بر ضد این نظریه اند و بر آن نقد نوشته‌اند: ..... ۱۸۲

پنجم: داروینیه جدید: ..... ۱۸۳

ریشه‌های فکری و اعتقادی: ..... ۱۸۴

انتشار و جاهای نفوذ: ..... ۱۸۴

۱۸۵.....	مراجع:
<b>۱۸۷ .....</b>	<b>دروز و یادرزیه .....</b>
۱۸۷.....	تعریف:
۱۸۷.....	تأسیس و افراد برازنده:
۱۸۸.....	از جمله رهبران معاصر این فرقه:
۱۸۸.....	افکار و اعتقادات:
۱۹۰.....	بعضی کتاب‌های درزی‌ها:
۱۹۱.....	ریشه‌های فکری و اعتقادی:
۱۹۱.....	انتشار و جاهای نفوذ:
۱۹۱.....	مراجع:
<b>۱۹۳ .....</b>	<b>راسمالیه .....</b>
۱۹۳.....	تعریف:
۱۹۳.....	تأسیس و افراد برازنده:
۱۹۵.....	افکار و معتقدات:
۱۹۵.....	۱- پایه‌های راسمالی:
۱۹۶.....	۲- اشکال و انواع راسمالی:
۱۹۶.....	۳- افکار و معتقدات دیگر:
۱۹۷.....	۴- عیب‌ها و خرابی‌های راسمالی:
۱۹۹.....	۵- اصلاحاتی که در راسمالی آورده شد:
۲۰۰.....	ریشه‌های فکری و اعتقادی:
۲۰۱.....	انتشار و جاهای نفوذ:
۲۰۱.....	مراجع:
۲۰۲.....	مراجع بیگانه:
<b>۲۰۳ .....</b>	<b>روتاری .....</b>
۲۰۳.....	تعریف:
۲۰۳.....	تأسیس و افراد برازنده:
۲۰۴.....	افکار و معتقدات:

۲۰۶..... ریشه‌های فکری و اعتقادی:.....

۲۰۷..... انتشار و جاهای نفوذ:.....

۲۰۷..... مراجع:.....

### روحانیت جدید ..... ۲۰۹

۲۰۹..... تعریف:.....

۲۰۹..... تأسیس و افراد برازنده:.....

۲۱۰..... افکار و معتقدات:.....

۲۱۲..... ریشه‌های فکری و اعتقادی:.....

۲۱۳..... انتشار و جاهای نفوذ:.....

۲۱۳..... مراجع:.....

### زیدیه ..... ۲۱۵

۲۱۵..... تعریف:.....

۲۱۵..... تأسیس و افراد برازنده:.....

۲۱۷..... افکار و معتقدات:.....

۲۱۹..... ریشه‌های فکری و اعتقادی:.....

۲۲۰..... انتشار و جاهای نفوذ:.....

۲۲۰..... مراجع:.....

### حزب السلامة الوطنی (ترکیه) ..... ۲۲۳

۲۲۳..... تعریف:.....

۲۲۳..... تأسیس و افراد برازنده:.....

۲۲۵..... افکار و معتقدات:.....

۲۲۸..... ریشه‌های فکری اعتقادی:.....

۲۲۸..... انتشار و جاهای نفوذ:.....

۲۲۸..... مراجع:.....

### دعوت سلفیة و یا دعوت شیخ محمد بن عبد الوهاب ..... ۲۳۱

۲۳۱..... تعریف:.....

۲۳۱	.....	تأسیس و افراد برازنده:
۲۳۴	.....	افکار و معتقدات:
۲۳۷	.....	ریشه‌های فکری و اعتقادی:
۲۳۷	.....	انتشار و جاهای نفوذ:
۲۳۷	.....	مراجع:

### سیکیزم ..... ۲۳۹

۲۳۹	.....	تعریف:
۲۳۹	.....	تأسیس و افراد برازنده:
۲۴۰	.....	افکار و معتقدات:
۲۴۰	.....	اول: زیر بنای فکری:
۲۴۲	.....	دوم: خواص (باختا):
۲۴۴	.....	سوم: کتاب‌های شان:
۲۴۵	.....	ریشه‌های فکری و اعتقادی:
۲۴۵	.....	انتشار و جاهای نفوذ:
۲۴۶	.....	مراجع:

### شهود یهوه ..... ۲۴۹

۲۴۹	.....	تعریف:
۲۴۹	.....	تأسیس و افراد برازنده:
۲۴۹	.....	افکار و معتقدات:
۲۵۰	.....	نشان تنظیم:
۲۵۱	.....	بعضی کتاب‌های تنظیم:
۲۵۱	.....	ریشه‌های فکری و اعتقادی:
۲۵۱	.....	انتشار و جاهای نفوذ:
۲۵۲	.....	مراجع:

### شیعه امامیه (اثنا عشریه) ..... ۲۵۳

۲۵۳	.....	تعریف:
۲۵۳	.....	تأسیس و افراد برازنده:

۲۵۵	افکار و معتقدات:
۲۵۸	ریشه‌های فکری و اعتقادی:
۲۵۹	انتشار و جاهای نفوذ:
۲۵۹	مراجع:

### کمونیزم ..... ۲۶۱

۲۶۱	تعریف:
۲۶۱	تأسیس و افراد برازنده:
۲۶۲	افکار و معتقدات:
۲۶۴	ریشه‌های فکری و اعتقادی:
۲۶۵	انتشار و جاهای نفوذ:
۲۶۶	مراجع:

### صابئة مندائيه ..... ۲۶۷

۲۶۷	تعریف:
۲۶۷	تأسیس و افراد برازنده:
۲۶۷	افکار و معتقدات:
۲۶۷	اول: کتب آنان:
۲۶۹	دوم: طبقات رجال دین:
۲۷۰	سوم: إله و یا پروردگار:
۲۷۰	چهارم: المندی:
۲۷۱	پنجم: نماز:
۲۷۱	ششم: روزه:
۲۷۱	هفتم: طهارت:
۲۷۲	هشتم: تعمید و اقسام آن:
۲۷۴	نهم: افکار و معتقدات دیگر:
۲۷۵	ریشه‌های فکری و اعتقادی:
۲۷۶	انتشار و جاهای نفوذ:
۲۷۷	مراجع:

**صهیونیزم ۲۷۹**

- تعریف: ۲۷۹.....
- تأسیس و افراد برازنده: ۲۷۹.....
- افکار و معتقدات: ۲۸۱.....
- ریشه‌های فکری و اعتقادی: ۲۸۶.....
- انتشار و جاهای نفوذ: ۲۸۶.....
- مراجع: ۲۸۷.....

**صوفیه ۲۸۹**

- تعریف: ۲۸۹.....
- تأسیس و افراد برازنده: ۲۸۹.....
- افکار و معتقدات: ۲۹۳.....
- اول: اصول و قواعد: ۲۹۳.....
- دوم: درجات سلوک: ۲۹۵.....
- سوم: مکاتب صوفیه: ۲۹۶.....
- چهارم: طرق صوفیه: ۲۹۷.....
- پنجم: شطحیات صوفیه: ۲۹۹.....
- ریشه‌های فکری و اعتقادی: ۳۰۲.....
- انتشار و جاهای نفوذ: ۳۰۳.....
- مراجع: ۳۰۴.....
- مراجع بیگانه: ۳۰۵.....

**طاویه ۳۰۷**

- تعریف: ۳۰۷.....
- تأسیس و افراد برازنده: ۳۰۷.....
- افکار و معتقدات: ۳۰۸.....
- اول: کتب: ۳۰۸.....
- دوم: مفکوره‌شان درباره‌ی پروردگار: ۳۰۹.....
- سوم: محافل دینی و شعائر طاویه: ۳۱۰.....
- چهارم: افکار طاویه: ۳۱۰.....



۳۱۱	ریشه‌های فکری و اعتقادی:
۳۱۲	انتشار و جاهای نفوذ:
۳۱۲	مراجع:
۳۱۳	مراجع به زبان بیگانه:

### ۳۱۵ ..... علمانیه

۳۱۵	تعریف:
۳۱۵	تأسیس و افراد برازنده:
۳۱۸	افکار و معتقدات:
۳۱۹	ریشه‌های فکری و اعتقادی:
۳۲۰	انتشار و جاهای نفوذ:
۳۲۰	مراجع:

### ۳۲۱ ..... فرویدیه

۳۲۱	تعریف:
۳۲۱	تأسیس و افراد برازنده:
۳۲۱	اول: مؤسس و زندگی‌اش:
۳۲۳	دوم: بعضی دوستان و شاگردانش:
۳۲۴	سوم: فرویدی‌های جدید:
۳۲۵	افکار و معتقدات:
۳۲۵	اول: زیر بنای نظریه:
۳۲۸	دوم: آثار منفی فرویدیه:
۳۳۱	اشیاء ذیل در انتشار افکار وی کمک نمود:
۳۳۱	ریشه‌های فکری و اعتقادی:
۳۳۲	انتشار و جاهای نفوذ:
۳۳۲	مراجع:
۳۳۳	مراجع بیگانه:

### ۳۳۵ ..... قادیانیت

۳۳۵	تعریف:
-----	--------

۳۳۵	تأسیس و افراد برازنده:
۳۳۶	افکار و معتقدات:
۳۳۷	ریشه‌های فکری و اعتقادی:
۳۳۷	انتشار و جاهای نفوذ:
۳۳۷	مرجع:

### ۳۳۹ ..... قرامطه

۳۳۹	تعریف:
۳۳۹	تأسیس و افراد برازنده:
۳۴۰	افکار و معتقدات:
۳۴۲	ریشه‌های فکری و اعتقادی:
۳۴۲	انتشار و جاهای نفوذ:
۳۴۳	مراجع:

### ۳۴۵ ..... قومیت عربی

۳۴۵	تعریف:
۳۴۵	تأسیس و افراد برازنده:
۳۴۷	افکار و معتقدات:
۳۴۹	ریشه‌های فکری و اعتقادی:
۳۴۹	انتشار و جاهای نفوذ:
۳۵۰	مراجع:

### ۳۵۳ ..... حزب قومی سوری

۳۵۳	تعریف:
۳۵۳	تأسیس و افراد برازنده:
۳۵۴	افکار و معتقدات:
۳۵۵	ریشه‌های فکری و اعتقادی:
۳۵۶	انتشار و جاهای نفوذ:
۳۵۶	مراجع:

۳۵۹	.....	کونفوشیوسیه
۳۵۹	.....	تعریف:
۳۵۹	.....	تأسیس و افراد برازنده:
۳۵۹	.....	اول: کونفوشیوس:
۳۶۰	.....	دوم: صفات شخصی وی:
۳۶۱	.....	سوم: اشخاص برازنده:
۳۶۲	.....	چهارم: تطور و ترقی تاریخی مفکوره کونفوشیوسی:
۳۶۴	.....	افکار و معتقدات:
۳۶۵	.....	اول: کتب:
۳۶۵	.....	دوم: معتقدات اساسی:
۳۶۶	.....	سوم: افکار و معتقدات دیگر:
۳۶۹	.....	ریشه‌های فکری و اعتقادی:
۳۶۹	.....	انتشار و جاهای نفوذ:
۳۷۰	.....	مراجع:
۳۷۰	.....	مراجع بیگانه:
۳۷۱	.....	لیونز
۳۷۱	.....	تعریف:
۳۷۱	.....	تأسیس و افراد برازنده:
۳۷۱	.....	افکار و معتقدات:
۳۷۳	.....	خطر این گروه:
۳۷۴	.....	ریشه‌های فکری و اعتقادی:
۳۷۴	.....	انتشار و جاهای نفوذ:
۳۷۵	.....	مراجع:
۳۷۵	.....	مراجع به زبان انگلیسی:
۳۷۷	.....	مارونیه
۳۷۷	.....	تعریف:
۳۷۷	.....	تأسیس و افراد برازنده:
۳۸۰	.....	افکار و معتقدات:

۳۸۱	ریشه‌های فکری و اعتقادی:
۳۸۱	انتشار و جاهای نفوذ:
۳۸۲	مراجع:
۳۸۳	مراجع بیگانه:
<b>۳۸۵</b>	<b>ماسونیه</b>
۳۸۵	تعریف:
۳۸۵	تأسیس و افراد برازنده:
۳۸۶	افکار و معتقدات:
۳۸۸	آنان سه مرتبه دارند:
۳۸۹	ریشه‌های فکری و اعتقادی:
۳۸۹	انتشار و جاهای نفوذ:
۳۹۰	مراجع:
<b>۳۹۱</b>	<b>مهاریشیه</b>
۳۹۱	تعریف:
۳۹۱	تأسیس و افراد برازنده:
۳۹۱	افکار و معتقدات:
۳۹۴	ریشه‌های فکری و اعتقادی:
۳۹۴	انتشار و جاهای نفوذ:
۳۹۶	مراجع:
<b>۳۹۹</b>	<b>مهدیه</b>
۳۹۹	تعریف:
۳۹۹	تأسیس و افراد برازنده:
۳۹۹	اول: مؤسس:
۴۰۱	دوم: شخصیات دیگر:
۴۰۲	سوم: نواسه‌های مهدی:
۴۰۲	افکار و معتقدات:
۴۰۵	ریشه‌های فکری و اعتقادی:

انتشار و جاهای نفوذ: ..... ۴۰۶

مراجع: ..... ۴۰۶

### مورمون ..... ۴۰۹

تعریف: ..... ۴۰۹

تأسیس و افراد برازنده: ..... ۴۰۹

افکار و معتقدات: ..... ۴۱۳

اول: کتاب‌هاییکه فعلا نزد آنان مقدس است: ..... ۴۱۳

دوم: ارکان ایمان نزد آنان: ..... ۴۱۵

سوم: مراتب دینی و تنظیمی شان: ..... ۴۱۶

چهارم: خلاصه افکار و عقاید شان: ..... ۴۱۷

بعضی علامه‌های قیامت: ..... ۴۲۰

بعد از حساب چند مملکت تشکیل می‌گردد: ..... ۴۲۰

پنجم: مورمون و یهود: ..... ۴۲۱

ریشه‌های فکری و اعتقادی: ..... ۴۲۳

انتشار و جاهای نفوذ: ..... ۴۲۳

مراجع: ..... ۴۲۴

### مونیه و یا حرکت توحیدی صن مون ..... ۴۲۷

تعریف: ..... ۴۲۷

تأسیس و افراد برازنده: ..... ۴۲۷

افکار و معتقدات: ..... ۴۲۸

ریشه‌های فکری و اعتقادی: ..... ۴۳۲

انتشار و جاهای نفوذ: ..... ۴۳۲

مراجع: ..... ۴۳۳

### نصرانیت ..... ۴۳۵

تعریف: ..... ۴۳۵

تأسیس و افراد برازنده: ..... ۴۳۵

افکار و معتقدات: ..... ۴۳۷

۴۳۷	.....	اول: کتاب‌ها و انجیل‌هایش:
۴۳۹	.....	دوم: اجتماعات نصرانیت:
۴۳۹	.....	سوم: فرقه‌های نصرانی:
۴۴۱	.....	چهارم: معتقدات:
۴۴۳	.....	ریشه‌های فکری و اعتقادی:
۴۴۵	.....	انتشار و جاهای نفوذ:
۴۴۵	.....	مراجع:
۴۴۶	.....	مراجع بیگانه:

### ۴۴۷ ..... **نصیریه**

۴۴۷	.....	تعریف:
۴۴۷	.....	تأسیس و افراد برازنده:
۴۴۹	.....	افکار و معتقدات:
۴۵۲	.....	ریشه‌های فکری و اعتقادی:
۴۵۲	.....	انتشار و جاهای نفوذ:
۴۵۳	.....	مراجع:

### ۴۵۵ ..... **نورسیه در ترکیه**

۴۵۵	.....	تعریف:
۴۵۵	.....	تأسیس و افراد برازنده:
۴۵۷	.....	افکار و معتقدات:
۴۵۹	.....	انتقاداتی هم بالای جماعت وارد می‌شود:
۴۶۰	.....	ریشه‌های فکری و اعتقادی:
۴۶۱	.....	انتشار و جاهای نفوذ:
۴۶۱	.....	مراجع:

### ۴۶۵ ..... **هندویت**

۴۶۵	.....	تعریف:
۴۶۵	.....	تأسیس و افراد برازنده:
۴۶۵	.....	افکار و معتقدات:

۴۶۵	.....	اول: کتاب‌های‌شان:
۴۶۷	.....	دوم: مفکوره هندویت درباره خدایان:
۴۶۸	.....	سوم: طبقات در جامعه هندوی:
۴۷۰	.....	چهارم: معتقدات‌شان:
۴۷۱	.....	پنجم: افکار و معتقدات دیگر:
۴۷۲	.....	ریشه‌های فکری و اعتقادی:
۴۷۳	.....	انتشار و جاهای نفوذ:
۴۷۳	.....	مراجع:
۴۷۴	.....	مراجع بیگانه:
<b>۴۷۵</b>	<b>.....</b>	<b>وجودیه</b>
۴۷۵	.....	تعریف:
۴۷۵	.....	تأسیس و افراد برازنده:
۴۷۵	.....	افکار و معتقدات:
۴۷۷	.....	ریشه‌های فکری و اعتقادی:
۴۷۷	.....	انتشار و جاهای نفوذ:
۴۷۷	.....	مراجع:
<b>۴۷۹</b>	<b>.....</b>	<b>یزیدیه</b>
۴۷۹	.....	تعریف:
۴۷۹	.....	تأسیس و افراد برازنده:
۴۸۱	.....	افکار و معتقدات:
۴۸۱	.....	اول: مقدمه برای فهم معتقدات یزیدیان:
۴۸۲	.....	دوم: معتقدات‌شان:
۴۸۴	.....	ریشه‌های فکری و اعتقادی:
۴۸۶	.....	انتشار و جاهای نفوذ:
۴۸۶	.....	مراجع:
<b>۴۸۹</b>	<b>.....</b>	<b>یهود دونمه</b>
۴۸۹	.....	تعریف:

۴۸۹.....	تأسیس و افراد برازنده:.....
۴۸۹.....	از جمله مهم‌ترین شخصیات این گروه بعد از تأسیس‌کننده وی:.....
۴۹۰.....	افکار و معتقدات:.....
۴۹۰.....	ریشه‌های فکری و اعتقادی:.....
۴۹۱.....	انتشار و جاهای نفوذ:.....
۴۹۱.....	مراجع:.....

## یهودیت ..... ۴۹۳

۴۹۳.....	تعریف:.....
۴۹۳.....	تأسیس و افراد برازنده:.....
۴۹۶.....	افکار و معتقدات:.....
۴۹۶.....	اول: گروه‌های یهودی:.....
۴۹۷.....	دوم: کتاب‌های آنان:.....
۴۹۹.....	سوم: عیدهای آنان:.....
۴۹۹.....	چهارم: إله و پروردگار:.....
۵۰۰.....	پنجم: افکار و معتقدات دیگر:.....
۵۰۳.....	ریشه‌های فکری و اعتقادی:.....
۵۰۴.....	انتشار و جاهای نفوذ:.....
۵۰۴.....	مراجع:.....
۵۰۵.....	مراجع بیگانه:.....



## مقدمه مترجم

إن الحمد لله نحمده ونستعينه ونستغفره ونعوذ بالله من شرور أنفسنا ومن سيئات أعمالنا من يهده الله فلا مضل له ومن يضلل فلا هادي له وأشهد أن لا إله إلا الله وأشهد أن محمدا عبده ورسوله، صلوات الله عليه وعلى آله وأصحابه وسلم تسليما كثيرا...

در این شکی نیست که بخش روحی و معنوی هر جامعه و ملت را همانا افکار و معتقداتش تشکیل می‌دهد، و تا وقتی که مفکوره و معتقدات آن درست و خالی از انحرافات باشد، سلوک و اخلاقش نیز رضایت بخش و پسندیده خواهد بود، ولی هرگاه با نفوذ اجانب و بیگانگان افکار منحرف داخل جامعه گردد آنگاه ملت و جامعه دچار بی‌نظمی و تصادمات فکری و عقیدتی خواهد شد، صهیونیسم جهانی، مبشرین کلیسائی و دیگر حلقات مغرض چون بر این نکته آگاه‌اند در راه منحرف ساختن جوانان مسلمان و مشوش کردن اذهان شان سخت کمر بسته‌اند تا بدین وسیله آنان را از عقاید ناب اسلامی دور نموده افراد بی‌ماهیت و لاابالی سازند که طبق میل آنان حرکت نمایند، بنابراین بر علماء و دانشمندان مسلمان لازم است که در راه جلوگیری از نشر و گسترش عقاید منحرف و غیر اسلامی سعی و تلاش نموده نگذارند که دست‌های پلید بیگانگان جوانان ما را به بیراهه بکشانند، لله الحمد در این مورد علماء و دانشمندان روشن ضمیر فعالیت‌هایی نموده‌اند و کتاب‌هایی تألیف کرده‌اند که می‌توان از آنجمله کتاب «الموسوعة الميسرة في الأديان و المذاهب المعاصرة» را نام برد، کتاب مذکور با وجود خردی حجم و مختصر بودنش معلومات فراوانی را با کمال دقت و امانت ارائه نموده است، ولی چون در اصل به زبان عربی نوشته شده بود اکثر برادران ما از آن بی‌بهره بودند، لذا ما آن را به زبان دری ترجمه نمودیم تا تمام کسانی که به زبان فارسی آشنائی دارند از کتاب مذکور سودمند شوند، و در ضمن این عمل ما گامی در راه خدمت به اسلام و فرهنگ اسلامی شمرده شود.

- قبل از اختتام سخن می‌خواهم توجه خوانندگان محترم را به نکات آتی جلب

نمایم:

- ۱- در بعضی از موارد که بخاطر روشن شدن مطلب کلماتی از نزد خود افزوده‌ایم آن را داخل اینگونه قوس‌ها [ ] نموده‌ایم تا امانت علمی در ترجمه به حد توان حفظ گردد.
- ۲- چون هدف کتاب تنها معرفی ادیان و مذاهب می‌باشد لذا ما در راه تردید و یا تأیید گروه و یا مذهبی قلم فرسائی نکرده‌ایم.
- ۳- تاریخی که بعد از نام شخصی در میان دو قوس ذکر می‌شود اشاره به وقت تولد و وفات شخص مذکور می‌باشد، و اگر بعد از شخصیات دین و یا دولت می‌آید اشاره به زمان زمامداری شان خواهد بود، ولی اگر به این شکل (ت ۱۲۲) نوشته شده بود آن تنها تاریخ وفات را بیان نموده است.
- ۴- در تاریخ بعضی اشخاص غلطی طباعتی صورت گرفته بود که ما آن را به کمک منجد اعلام اصلاح نمودیم.
- ۵- با توجه به این نکته که بعضی اصطلاحات علمی و سیاسی در کتاب وجود دارد، ترجمه آن مشکلاتی را با خود داشت، بنابراین مترجم که تلاش زیادی در راه دریافت معانی دقیق آن به خرج داده بازهم به این باور است که شاید سکتگی‌ها و اشتباهاتی وجود داشته باشد، لذا امیدوار است که با دریافت رهنائی‌های سودمند دانشمندان محترم این نقصیه را در چاپ‌های آینده مرفوع سازد.
- ۶- در وقت ترجمه خویش از طبع دوم کتاب استفاده نموده‌ایم که در سال ۱۴۰۹هـ / ۱۹۸۹م طبع گردیده است.
- در پایان سخن از همه برادران و دوستانیکه در انجام این رسالت با ما همکاری نموده‌اند اظهار سپاس و قدردانی نموده از خداوند متعال برای شان اجر جزیل و پاداش بزرگ خواهانم.

وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین.

م. ط. «عطائی»

## مقدمه کتاب

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيد الأنبياء والمرسلين وبعده...

دوست داریم که برای خوانندگان محترم کتابی را پیشکش نمائیم که آن پاره‌ای از حقایق را، از افکار و معتقدات برخی گروه‌های فکری و سیاسی احزاب، ادیان، مذاهب و فرقه‌ها، تقدیم نماید، و معلومات جدیدی در باب خود باشد. عصر حاضر انقلاب و پیشرفتی را، در اتصالات و علاقه‌ها، نقل افکار و معلومات، کوتاهی زمان و مکان، مشاهده می‌کند که هرگز در گذشته ندیده بود، بحدی که گوئی تمام عالم یک قریه کوچک است<sup>(۱)</sup> انقلاب و پیشرفت مذکور عده‌ای از نتایج و مشکلات را به بار آورده که مردم سابق به آن‌ها دوچار نبودند، از آن جمله این که گوشه‌گیری حالا برای هیچ کس ممکن نیست، نه افراد می‌توانند گوشه‌گیری اختیار کنند و نه دولت‌ها، و از آنجمله مشکلات این که افراد این زمان خود را در مقابل موجی از معلومات پراکنده و متناقض، از احزاب، گروه‌های سیاسی، مذاهب، ادیان و فلسفه‌ها، میابند، که نمی‌توانند حق را از باطل تمییز کنند.

- به همین منظور خواستیم برای آماده‌سازی کتابی علمی و موضوعی اقدام نمائیم که تمام آن معلومات را در بر گیرد، و از خلال آن بتوانیم برای خوانندگان محترم بحث سریعی که حقایق را در چوکات دقیق موضوعی بگنجانند تقدیم نمائیم، البته بحثی خالی از اسهاب و پرگویی، بدور از سطحی‌گرایی و عدم تحقیق، ملتزم به صدق و امانت، مجتنب از تاخت و تاز، و معتمد بر مصادر و مراجع بنا برین ما آرزو مندیم که برای خواننده محترم یک حقیقت علمی را تقدیم نموده باشیم.

در اینجا مناسب است گفته شود که بحث ما متوجه حرکات و مذاهبی است که فعلاً زنده‌اند و وجود واقعی خویش را درعالم امروزی حفظ نموده‌اند، اما حرکات و مذاهبی که فرسوده شده‌اند و زمان اثر آن‌ها را از خود زدوده است و از حافظه تاریخ بدور افتیده‌اند، از بحث ما خارج‌اند و به آن‌ها توجهی نکرده‌ایم.

---

۱- یعنی: تمام عالم از احوال همدیگر چنان زود باخبر می‌شوند که گوئی افراد یک قریه کوچک‌اند. م

ما که به حرکات و مذاهب ازبین رفته توجهی نکردیم، و بحث خود را متوجه مذاهب معاصر نموده‌ایم البته بدین معنی نیست که آن‌ها ارزشی ندارند و این‌ها با ارزش‌اند، بلکه خواستیم با این عمل خویش توشه فکری و علمی معتمدی برای جوانان عصر تقدیم بداریم، تا بدین وسیله عقاید و افکار زمانه خویش را بدانند، و راه برای شان روشن گردیده، و بتوانند موقف مناسبی، در پذیرش و یا تردید آن اتخاذ نمایند. موضوعات کتاب را به ترتیب حروف ابجد تهیه نموده‌ایم که آن دوفایده مهم را در بر دارد: اول آسانی یافتن موضوع، دوم: اضافه کردن هر موضوع جدیدی که در آینده دریافت شود، در جای مناسبش، در چاپ‌های آینده به سهولت انجام خواهد شد.

طرزی که در بحث از گروه‌ها، احزاب و ادیان از آن پیروی شده قرار آتی می‌باشد:

۱- تعریف: و آن عبارت از شناخت مختصری است که تقریباً همه موضوع را به طور

اختصار در بر می‌گیرد.

۲- تأسیس و افراد براننده: اینجا سخن از اوائل پیدایش حزب، اهداف رهبران،

و علل ایجاد آن می‌باشد، همچنان تعریف اشخاص براننده آن که از خود اثری

در حزب گذاشته باشند و در پیشبرد حزب سهم فعالی داشته باشند، تحت این

عنوان ذکر می‌شود.

۳- افکار و معتقدات: درین بحث سخن از عقاید، افکار، خصوصیات مهم حزب،

سلوک افراد حزب، طرز تفکر آنان، ذکر مبادی و اساسات حزب، و هر آنچه که به

آن‌ها تعلق می‌گیرد، می‌باشد، این بحث مهم‌ترین و درازترین بحث در هر

حرکت و مذهب خواهد بود.

۴- ریشه‌های فکری و اعتقادی: در این بحث ذکر منابعی می‌شود که حزب و یا

افکار و معتقداتش از آن‌ها اخذ شده باشد.

۵- انتشار و جاهای نفوذ: زیر این عنوان ذکر جاهائی می‌شود که عقاید و افکار حزب

آنجا وجود داشته باشد، و همچنان اندازه نفوذ و اسباب تأیید و قوت آن، یاد آوری

می‌گردد.

۶- مراجع: اینجا ذکر مراجعی می‌شود که در بحث از آن استفاده شده، تا اگر کسی

بخواهد که معلومات بیشتری حاصل کند به آن مراجع روی بیاورد.

قبل از شروع در کتاب مناسب است که برای خوانندگان محترم معذرت خویش را، از

کمبودی‌ها و ناهنجاری‌هایی که در کتاب میانند تقدیم بداریم، زیرا مشکل بودن موضوع،

و تنوع مباحثش، علاوه بر پیچیدگی آن و کمی مراجع برای بعضی مذاهب همه اینها موانع قوی در راه رسیدن به مطلوب ایجاد می‌کنند، لیکن کوشش ما درین کار آنست که هدف ما، که عبارت از تقدیم نمودن مجموعه‌ای از معلومات معتمد به شکل مسلسل است، برآورده شود.

و امیدواریم که درکار خود موفق شده باشیم، و تاحدی کامیابی را به دست آورده باشیم، همچنان آرزومندیم که در آینده، با اضافه نمودن موضوعات جدید و مراجعه موضوعات سابقه نیز خدمتی به کتاب نماییم، به همین مناسبت ما به آراء، نظریات و ملاحظات برادران خواننده ضرورت داریم، خصوصاً به نظریات آنانیکه مشغول به مباحث علمی‌اند، یعنی مباحثی که کتاب بر آنها مشتمل است، نظریات و ملاحظاتی که برای ما بیاید این شاء مورد توجه جدی قرار خواهد گرفت.

ومن الله التوفیق

مدیر عمومی مرکز عالمی جوانان مسلمان

د. مانع ابن حماد الجهنی



## اباضیه

### تعریف:

اباضیه گروهی میانه رو از گروه‌های خوارج است، مگر پیروان این مذهب خود را از جمله خوارج نمی‌شمارند، بلکه مذهب خویش را مذهبی اجتهادی و فقهی از مذاهب اهل سنت می‌دانند، مثل مذاهب چهار گانه دیگر اهل سنت، یعنی: حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی.

### تأسیس و افراد برازنده:

- تأسیس کننده این مذهب عبدالله بن اباض مقاعسی مزی است، که به اباض منسوب می‌شود و آن قریه‌ای در یک جانب یمامه است.

- از اشخاص برازنده شان جا برابن زید (۲۱- ۹۶هـ) است، وی از جمله کسانیست که نخستین تدوین کنندگان حدیث شمرده می‌شوند، علوم خویش را از عبدالله ابن عباس، عائشه، انس ابن مالک، عبدالله ابن عمر و دیگر بزرگان صحابه، اخذ نموده است.

- ابو عبیده مسلمه ابن ابی کریمه: از مشهورترین شاگردان جابر ابن زید است.

وی بعد از جا برابن زید مرجع اباضیه گردید، و مشهور به لقب «قفاف» است.

- ربیع بن حبیب فراهیدی: وی در نصف قرن دوم هجری زندگی نموده، و مسندی [کتابی به طرز مسند] از احادیث نیز تصنیف نموده که بنام (مسند ربیع بن حبیب) یاد می‌شود، این کتاب مطبوع و متداول است.

- از جمله امامان شان در شمال آفریقا، در دوران حکومت عباسی: حارث بن تلید، بعد از وی ابو خطاب عبدالاعلی بن السمح معافری، بعد از وی ابو حاتم یعقوب بن حبیب، بعد از وی حاتم مروزی بود.

- آن امامان شان که بعد از یکدیگر، در دولت رستمی بر تاهرت مغرب حکومت کردند عبارت‌اند از: عبدالرحمن، عبدالوهاب، افلاح، ابوبکر، ابوالیقظان، ابو حاتم. - از جمله علماء شان:

۱- سلمه بن سعد: وی در اوائل قرن دوم، مذهب شان را در آفریقا نشر نمود.

۲- ابن مقطع الجوننی: علوم خویش را در بصره فرا گرفت، بعد به وطن خود، در (جبل نفوسه) که در لیبیا واقع است، باز گشت تا در نشر مذهب اباضی سهم گیرد.

۳- عبد الجبار بن قیس مرادی: وی در دوران امام شان حارث بن تلید، قاضی بود.

۴- سمح، ابوطالب: وی از زمره علماء شان در نصف دوم قرن دوم هجری به شمار می‌رفت. در دوران عبدالوهاب بن رستم تا مدتی وزیر وی بود، بعدا منحیث والی وی بر جبل نفوسه و اطراف آن در لیبیا ایفای وظیفه نمود.

۵- ابوذر ابان بن وسیم: از جمله علماء شان، در نصف اول قرن سوم هجری بوده، و منحیث والی برای افلح بن عبدالوهاب، بر مناطق طرا بلس ایفای وظیفه نموده است.

### افکار و معتقدات:

- اباضی‌ها به تنزیه مطلق پروردگار دعوت می‌کنند، و آنچه از قرآن کریم و احادیث شریف را که ظاهرا افاده تشبیه می‌نماید طوری تأویل می‌کنند که معنی داشته باشد و مفضی به تشبیه نشود، اسماء حسنی وصفات را برای خداوند عزوجل ثابت می‌نمایند، همانطوری که خداوند آن‌ها را برای خویش ثابت کرده است، (مثلا) استواء خداوند بر عرش باید تأویل مجازی شود، و دست خداوند (که در قرآن آمده) باید به قوت و یا به نعمت تأویل شود.

- به دیدار خداوند در آخرت قائل نیستند، و در این مورد از این آیت: ﴿لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ﴾ استدلال می‌نمایند.

- برخی مسائل آخرت را، از قبیل ترازوی اعمال و پل صراط و غیره، تأویل مجازی می‌کنند.

- افعال انسان را خداوند خلق کرده، و خود انسان کسب نموده است، درین مسئله آنان موقف وسطی میان قدریه و جبریه اتخاذ نموده‌اند.

- صفات خداوند زیاده بر ذات خداوند نیست بلکه عین ذات خداوند هستند.

- قرآن کریم نزد آنان مخلوق است.

- به «المنزلة بین المنزلتین» قائل نیستند [چنانکه معتزله‌ها به آن قائل‌اند] یعنی میان

کفر و ایمان جای سومی وجود ندارد زیرا آندو، مانند زندگی و موت، و مانند حرکت



وسکون ضد همدیگراند، و می‌گویند هر گاه کسی از ایمان خارج شود، در کفر داخل می‌شود، [چون جای سوم وجود ندارد]، بنابراین کسی که مؤمن نبود حتمی کافر است، درین مسئله به این قول خداوند استدلال می‌کنند: ﴿إِنَّمَا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا



- مردم به نظر آن‌ها به سه گروه تقسیم می‌شوند:

- ۱- مؤمنانی که تقاضاهای ایمان خویش را پوره کرده‌اند.
- ۲- مشرکانی که شرک شان ظاهر و آشکار است.
- ۳- گروهی که کلمه توحید را می‌خوانند و به اسلام معترف‌اند، ولی در سلوک و عبادت ملتزم به اسلام نیستند، بنابراین این‌ها مشرک نیستند زیرا به توحید و یکتایی خداوند اقرار دارند، و مؤمن نیز نیستند، چون آنان به آنچه ایمان تقاضا دارد ملتزم نیستند، پس این گروه در احکام دنیا با مسلمانان‌اند، به خاطر اقرار شان به توحید، و در احکام آخرت، به خاطر عدم وفای شان به ایمان و مخالفت شان با آنچه توحید تقاضا می‌کرد با مشرکین‌اند.
- وطن مسلمانان دیگر که مخالف آنان‌اند دار توحید است، جز اردوگاه پادشاه که آن دار بغی می‌باشد.
- عقیده دارند که مخالفین شان، از اهل قبله، کافر هستند نه مشرک، عروسی و مناکحه با آنان جائز است، میراث بردن میراث دادن به آن‌ها حلال است، غنیمت اموال شان از قبیل سلاح، اسب و غیره اسباب جنگی درست بوده، و غنیمت اشیاء دیگر شان حرام است.
- مرتکب کبیره کافر است، و ممکن نیست که در حال گناه کردنش و اصرارش بر آن، بدون توبه از آن، داخل جنت شود، زیرا خداوند گناهان کبیره را، برای مرتکبین آن، تا که قبل از مردن توبه نکنند، نمی‌بخشد.
- بالای کسی که گناهی از گناهان کبیره را مرتکب می‌شود لفظ «کافر» را استعمال می‌کنند، آنهم به این فکر که این کفر کفر نعمت است، نه کفر ملت، ولی اهل سنت والجماعت بالای وی کلمه «عاصی» یا «فاسق» را استعمال می‌کنند، و به نظر اهل سنت کسی که درین حال (در حال فسق و عصیان) بمیرد در دوزخ تا وقتی عذاب می‌شود که از گناه پاک شود، بعد از آن به جنت برده می‌شود.

- خلافت مخصوص به قریش نیست، بلکه هر مسلمانی که در آن شرائط خلافت موجود باشد صلاحیت خلاف را دارد، و هر خلیفه‌ای که منحرف شود مناسب است بر طرف کرده شود و دیگری در جایش تعیین گردد.
- خلافت به طریق وصیت در مذهب آنان باطل و نادرست می‌باشد، و باید خلیفه از راه بیعت تعیین گردد و تعدد خلفاء (پادشاهان) در چندین جای درست است.
- قیام در مقابل پادشاه ظالم را نه واجب می‌دانند و نه هم از آن منع می‌کنند، بلکه آن را جائز می‌دانند، اما وقتی اوضاع برای قیام مناسب باشد، و ضرر قیام هم کم ارزیابی شود آنگاه همین جواز به طرف وجوب نزدیک می‌شود، و اگر اوضاع برای قیام مناسب نباشد و ضررها هم زیاد به نظر بیاید و در حصول مطلوب هم چندان اطمینان وجود نداشته باشد آنگاه جواز به طرف عدم جواز و منع نزدیک می‌شود، باز هم در هیچ وضع از قیام منع صورت نمی‌گیرد، و کتمان حق (و باز نشتن) در صورتیکه پادشاه ظالم باشد، به هیچ وجه خوشایند نیست.
- می‌گویند: پدر پدر [بابای پدری] در نگهداری طفل [حضانه] از مادر مادر [مادر کلان] مستحقر است، و اکثر مذاهب به خلاف آن قائل‌اند.
- می‌گویند: پدرکلان برادران را از میراث محروم می‌سازد در حالیکه دیگر مذاهب قائل‌اند که برادران با پدرکلان در میراث شریک می‌شوند.
- نزد آنان دعاء کردن به شخص به خوبی‌های جنت و آخرت درست نیست مگر به شخصی که مسلمان باشد و مقتضیات دین خود را به طور کامل انجام دهد و به سبب طاعت خویش مستحق ولایت باشد اما دعاء کردن به نیکی‌های دنیا و یا به خیرهاییکه انسان را از اهل دنیا بودن برهاند و اهل آخرت سازد این نوع دعاء برای هر مسلمان درست است چه متقی باشد و چه گنهگار.
- آنان گروهی می‌داشته باشند بنام (حلقه العزابه) که تعداد محدودی را در بر می‌گیرد و متشکل از افراد دانشمند و مصلح اهل قریه می‌باشد، اینان تنظیم امور دینی، تعلیمی، اجتماعی و سیاسی جامعه اباضی را بدوش دارند همچنان این‌ها در زمان ظهور و دفاع حیثیت مجلس شوری را دارا می‌باشند اما در زمان خمول و کتمان وظایف امام را بدمه می‌گیرند و امور امامت را پیش می‌برند.

- آنان گروه دیگری دارند بنام (ایروان) این گروه مجلس شوری را تشکیل می‌دهد و همکار (حلقة العزابة) می‌باشند، بنابراین این گروه قوه دوم را در قریه تشکیل می‌دهد، یعنی بعد از قوه عزابه این‌ها هستند.
- در میان خویش حلقاتی تشکیل می‌دهند که متصدی جمع آوری زکاة و توزیع آن به مستحقین و فقراء می‌باشند، و از خواستن زکاة، کمک و هر نوع چشم داشتن در مال مردم شدیداً منع می‌نمایند.
- از گروه اباضی چندین فرقه دیگر انشعاب کرد که حالا از آنان اثری باقی نیست و آنان قرار آتی اند:
- حفصیه: پیروان حفص بن اَبی المقدام.
- حارثیه: پیروان حارث اباضی.
- یزیدیه: پیروان یزید بن انیسه.
- سائر اباضی‌ها از افکار این گروه‌ها بیزارى خویش را اعلان نموده‌اند و آنان را بخاطر پراگنده گویی و دوری شان از خط سیر اصلی اباضی که تا امروز باقی است کافر می‌دانند.

### ریشه‌های فکری و اعتقادی:

- اباضی‌ها به قرآن، حدیث، إجماع، و قیاس اعتماد نموده از آن‌ها استدلال می‌نمایند.
- از مذهب اهل ظاهر نیز متأثراند چون در بعضی مواضع نصوص دینی را تفسیر ظاهری و حرفی می‌نمایند.
- همچنان از مذهب معتزله متأثر بوده قول به مخلوق بودن قرآن کریم می‌نمایند.

### انتشار و جاهای نفوذ:

- آنان در جنوب جزیره عربی نفوذ و ظهوری داشتند، بحدیکه به مکه مکرمه و مدینه منوره رسیده بودند و در شمال افریقا دولتی داشتند بنام دولت رستمیه که پایتختش تاهرت بود.
- حکمرانی آنان در شمال افریقا به مدت یکصد و سی سال پی در پی بطور مستقل ادامه یافت تا آنکه فاطمی‌ها حکومت شان را از میان برداشتند.

- اباضیه در عمان نیز دولتی مستقل برپا کردند که تا عصر حاضر نیز حکمفرمایان اباضی بر آن حکومت می‌کنند.
- از جاهای تاریخی شان (جبل نفوسه) در لیبیا می‌باشد، که پایگاه شان بوده و از همان جابه نشر مذهب اباضی پرداخته و امور گروه اباضی را تنظیم می‌نمودند.
- آنان وجود خویش را تا امروز در عمان، حضرموت، یمن، لیبیا، تونس، الجزائر، و صحراء عربی حفظ نموده‌اند.

### مراجع:

- ۱- الإباضية في موكب التاريخ على يحيى معمر- مكتبة وهبه - القاهرة ۱۲۸۴هـ / ۱۹۶۴م.
- ۲- المذاهب الإسلامية محمد أبو زهرة - المطبعة النموذجية.
- ۳- الفرق الإسلامية (ذیل کتاب شرح المواقف للكرمانی) تحقیق سلیمه عبد الرسول - مطبعة ارشاد - بغداد - ۱۹۷۲م
- ۴- إسلام بلا مذاهب د.مصطفى الشكعة- الدار المصرية للطباعة و النشر - بیروت.
- ۵- الملل و النحل للشهرستاني- الطبعة الثانية- دار المعرفة- بیروت.
- ۶- الإباضية بين الفرق الإسلامية على يحيى معمر- مكتبة وهبه- ط ۱- ۱۳۹۶هـ / ۱۹۷۶م - القاهرة.
- ۷- الفرق بين الفرق عبدالقادر البغدادي.
- ۸- مقالات الإسلاميين أبو الحسن الأشعري.
- ۹- الفصل في الملل و الأهواء أبو محمد بن حزم. و النحل
- ۱۰- المذاهب و الفرق و عبدالقادر شبیه أحمد. الأديان المعاصرة
- ۱۱- الفرق الإسلامية في الشمال فردبل ترجمة عبد الافريقا الرحمن بدوي.
- ۱۲- تاريخ فلسفة الإسلام د. يحيى هويدى.

## اخوان المسلمین

### تعریف:

اخوان المسلمین بزرگ‌ترین حرکات اسلامی معاصر است، شعارش بازگشت به سوی اسلام حقیقی می‌باشد، اسلامیکه مطابق قرآن و سنت باشد، می‌خواهد که شریعت اسلامی در زندگی انسان‌ها تطبیق شود، حرکتی است که در مقابل سیلاب «علمانی» در مناطق عربی و اسلامی و سائر مناطق می‌ایستد و مقاومت می‌کند.

### تأسیس و افراد برازنده:

- مؤسس این حرکت شیخ حسن البنا (۱۲۲۴ - ۱۲۶۸هـ) (۱۹۰۴ - ۱۹۴۹م) است، وی در قریه‌ای از قریه‌های بحیره مصر تولد شد، و در یک خاندان متدین نشو و نمو نمود که آثار آن در تمام زندگی اش جلوه گر بود.

- در پهلوی تعلیمات دینی‌اش در خانه و مسجد در مدارس حکومتی نیز درس خواند و بعداً به دارالعلوم در قاهره پیوست و در سال (۱۹۲۷م) از آنجا فارغ شد.

- در یکی از مدارس ابتدایی اسماعیلیه مدرس تعیین شد و در آنجا فعالیت دینی‌اش در میان مردم شروع شد، خصوصاً در قهوه خانه‌ها و در میان کارکنان کانال.  
- در ماه ذو القعدة ۱۳۲۷هـ / اپریل ۱۹۲۸م تهداب حرکت اخوان المسلمین گذاشته شد.

- در ۱۹۳۲م استاد حسن البنا به قاهره انتقال نمود و با انتقال وی حرکت نیز به قاهره انتقال کرد.

- در سال ۱۳۵۲هـ/ ۱۹۳۲م جریده هفت‌هفته وار (اخوان المسلمین) انتشار یافت و مدیر آن استاد محب الدین خطیب (۱۳۰۳ - ۱۳۸۹هـ) (۱۸۸۶ - ۱۹۶۹م) تعیین گردید بعد از آن در سال (۱۳۵۷هـ / ۱۹۳۸م) «النذیر» انتشار یافت و بعد از آن در سال (۱۳۶۷هـ / ۱۹۴۷م) «الشهاب» به نشر رسید... و مجله‌ها و جریده‌های متعلق به حرکت پیهم شروع به انتشار نمود.

- در سال ۱۹۴۱م اولین هیئت تأسیسیه متشکل از صد عضو تشکیل یافت که افراد آن را خود حسن البنا انتخاب نمود.
- اخوان المسلمین در سال ۱۹۴۸م در جنگ فلسطین شرکت نمودند و با نیروی خاصی که داشتند در معرکه داخل شدند، این رویداد را استاد کامل شریف در کتاب خود «الإخوان المسلمین فی حرب فلسطین» به تفصیل ذکر نموده است.
- در ۸ نومبر ۱۹۴۸م محمود فهمی نقراشی - صدراعظم مصر در آن وقت - فیصله‌ای را صادر نمود که طبق آن باید جماعة اخوان المسلمین منحل گردیده دارایی‌هایش ضبط شود و افراد برا زنده آن زندانی گردد.
- در دسمبر ۱۹۴۸م محمود فهمی ترور شد و اخوان المسلمین متهم به قتل آن گردید، طرفداران محمود فهمی نقراشی در جنازه‌اش اعلان نمودند: سر حسن البنا در مقابل سر نقراشی، همان بود که در ۱۲ فروری ۱۹۴۹م حسن البنا ترور کرده شد.
- در سال ۱۹۵۰م دوران وزارت نحاس آمد و مجلس دولت فیصله نمود که: امر به انحلال جماعت باطل است و دیگر اساس ندارد بنابر همین فیصله قیودات از سر راه جماعت برداشته شد.
- در سال ۱۹۵۰م استاد حسن الهضیبی (۱۳۰۶ - ۱۳۹۳هـ) (۱۸۹۱ - ۱۹۷۳م) به حیث رهبر اخوان المسلمین تعیین گردید، وی یکی از بزرگ‌ترین قاضیان مصر بود و چندین بار زندانی شده بود و در سال ۱۹۵۴م حکم اعدامش صادر شد بعد از اعدام به حبس ابدی تخفیف یافت ولی در سال ۱۹۷۱م برای آخرین بار از زندان رهایی یافت.
- در برج اکتوبر ۱۹۵۱م روابط مصر و بریطانیا قوی گردید بنابرین اخوان المسلمین جنگ‌های چریکی را ضد انگلیس در کانال سویس آغاز کردند که آن را کامل شریف در کتاب «المقاومة السریة فی قناة السویس» ثبت نموده است.
- در ۲۳ یولیو ۱۹۵۲م افسران مصری به سرکردگی محمد نجیب انقلاب یولیورا با همکاری اخوان المسلمین براه انداختند ولی اخوان المسلمین بعد از پیروزی انقلاب اشتراک در حکومت را ترک کردند، زیرا هدف افسران از انقلاب واضح بود [یعنی آنان حکومت اسلامی را نمی‌خواستند] جمال عبدالناصر ترک نمودن آنان را یکنوع دسیسه پنداشت و در میان افسران و اخوان المسلمین تنش و خصومت ایجاد شد بعدا این تنش

و خصومت بالا گرفت و بحدی رسید که در سال ۱۹۵۴م حکومت به گرفتاری اخوانی‌ها اقدام نمود و هزاران نفر آنان را تبعید کرد، حکومت در این اقدام خود این را بهانه کرد که: اخوانی‌ها می‌خواستند جمال عبد الناصر را در میدان المنشیه در اسکندریه به قتل برسانند، در همین ایام شش تن آنان اعدام کرده شد که آنان عبارت‌اند از: عبد القادر عوده، محمد فرغلی، یوسف طلعت، هنداوای دویر، ابراهیم الطیب، و عبد اللطیف.

- در سال ۱۹۶۵ - ۱۹۶۶م بار دیگر خصومت و تنش میان حکومت و اخوان شدت گرفت و حکومت بار دیگر به گرفتاری، تعذیب و اعدام دست زد که در این باره سه تن را اعدام نمود و آنان عبارت‌اند از:

۱- سید قطب (۱۳۲۴ - ۱۳۸۷ هـ) (۱۹۰۶ - ۱۹۶۶م) وی کسی بود که مفکر دوم بعد از حسن البنا در جماعت اخوان المسلمین و یکی از رهبران مفکوره جدید اسلامی شناخته می‌شود.

\* در سال ۱۹۵۴م زندانی شد ده سال را در زندان سپری نمود و در سال ۱۹۶۴م به سفارش رئیس جمهور عراق عبد السلام عارف از حبس رها شد، لیکن دیری نگذشت که دو باره به زندان برده شد و به حکم اعدام مواجه گردید.

\* وی چندین کتاب ادبی و فکری اسلامی نوشته که از آنجمله است: «العدالة الإجتماعية في الإسلام، خصائص التصور الإسلامي ومقوماته في ظلال القرآن، معالم في الطريق» و غیره.

۲- یوسف هوش

۳- عبد الفتاح اسماعیل.

- جماعت اخوان تا وفات عبد الناصر ۱۹۷۰/۹/۲۸م کار خویش را به طریق مخفی پیش می‌برد.

- در دوران انور السادات افراد جماعت تدریجا رهایی یافتند.

- بعد از هضیبی عمر تلمسانی (۱۹۰۴ - ۱۹۸۶م) رهبر جماعت تعیین گردید، مقام رهبری جماعت اخوان المسلمین با سر پرستی وی تمام دارایی‌های ضبط شده خویش را که در دور عبد الناصر ضبط شده بود و همچنان همه حقوق خویش را به طور کامل درخواست نمود و رهبر جماعت افراد جماعت را به طریقی واداشت که از

خصوصیت و درگیری‌ها با حکومت بدور بمانند و همیشه توصیه می‌کرد که باید دعوت و کار خویش را به حکمت پیش برده تندروی و جانب واقع شدن را کنار بگذارند.

- بعد از استاذ تلمسانی محمد حامد ابونصر رهبر تعیین گردید و روش استاد تلمسانی را در پیش گرفته از اسلوب وی استفاده کرد.

- تعدادی از افراد برا زنده اخوان المسلمین در خارج مصر نیز ظهور نمودند که برخی از آن‌ها را اینجا ذکر می‌کنیم:

۱- شیخ محمد محمود الصواف که مؤسس و رهبر اخوان المسلمین در عراق بود، وی چندین کتاب نوشته و در نشر اسلام در افریقا نقش بارزی داشت آنهم بعد از هجرتش از عراق و استقرارش در مکه مکرمه سال ۱۹۵۹م.

۲- دکتر مصطفی السباعی (۱۳۳۴-۱۳۸۴هـ) (۱۹۱۵-۱۹۶۴م) اولین رهبر عام اخوان المسلمین در سوریا، وی دکتوری خود را سال ۱۹۴۹م از دانشکده شرعیات ازهر اخذ نمود، در سال ۱۹۴۸م گروه‌های اخوانی را به طرف فلسطین سوق داد و رهبری نمود، همچنان در سال ۱۹۴۹م خود را به حیث وکیل دمشق کاندید کرد، وی خیلی سخنور و خطیب ممتاز بود، سال ۱۹۵۴م دانشکده شرعیات را در دمشق تأسیس کرد و خودش اولین رئیس آن بود، وی چندین کتاب نوشته که از جمله آن‌ها «السنة و مکاتنها فی التشریح الإسلامی، المرأة بین الفقه والقانون، قانون الأحوال الشخصية» و غیره می‌باشد.

۳- در ۱۳ رمضان ۱۳۶۴هـ مطابق ۱۹۴۵/۱۱/۱۹م جماعت اخوان المسلمین در اردن تأسیس گردید و اولین رهبر آن شیخ عبد اللطیف أبو قوره بود، سال ۱۹۴۸م وی گروه‌های اخوان المسلمین را در اردن به طرف فلسطین قیادت نمود.

- در ۱۹۵۳/۱۱/۲۶م استاذ محمد عبد الرحمن متولد سال (۱۹۱۹م) ناظر عام بر اخوان المسلمین در اردن تعیین گردید و تا حالا در منصب خود ایفاء وظیفه می‌کند، وی سه قطعه شهادت نامه علمی را دارا می‌باشد.

### افکار و معتقدات:

- برداشت اخوان المسلمین از اسلام این است که: اسلام همه شمول بوده مقتصر به جانبی نیست.



- اخوان المسلمین می‌کوشند که دائره کارشان وسعت پیدا کند و حرکت جهان شمول وعالمی گردد.

- حسن البنا حرکت را چنین معرفی نموده می‌گوید: «اخوان المسلمین دعوت سلفی، طریقه سنی، حقیقت صوفیه، هیئه سیاسی، گروه ریاضت کشیده، پیوند علمی و ثقافتی، شرکت اقتصادی و مفکوره اجتماعی است».

- حسن البنا مؤکدا می‌گوید: شعار و علامات اخوان المسلمین امور آتی است:

۱- دوری از مواضع اختلاف.

۲- دوری از بدگویی بزرگان.

۳- دوری از فرقه گرائی و حزب گرائی.

۴- توجه جدی به خود سازی و مرحله به مرحله پیش رفتن.

۵- ترجیح دادن جانب عملی به نسبت جانب دعوائی و اعلانات.

۶- توجه جدی به جانب جوانان.

۷- سرعت انتشار در قریه‌ها و شهرها.

- وی می‌گوید: خصوصیات اخوان امور ذیل می‌باشد:

\* دعوت ربانی است زیرا اساسی که محور اهداف ماست همانا نزدیکی مردم به پروردگارشان می‌باشد.

\* دعوت جهان شمول وعالمی است، زیرا این دعوت متوجه همه مردم است و همه مردم در نظر دعوت برادر هم‌اند، اصل شان یکی، پدرشان یکی، نسب شان یکی است، برتری میان شان فقط به تقوی است و به خیر و فضیلتی است که به جامعه تقدیم می‌نمایند.

\* دعوت اسلامی است چون منسوب به سوی اسلام می‌باشد.

- أستاذ حسن البنا می‌گوید: مراحل کار مطلوب از برادر راستین به ترتیب آتی است:

۱- إصلاح شخص خود تا که جسم قوی، خلق حسن، فکر روشن، وعقیده سالم داشته باشد، عبادتش درست باشد، و برکسب توانا باشد.

۲- إصلاح خانواده مسلمان، یعنی أهل خانواده‌اش را وادار به احترام مفکوره خود سازد و همچنان آنان را وادار بسازد که آداب اسلامی را در تمام امور خانوادگی خویش رعایت نمایند.

- ۳- رهنمایی جامعه توسط تعمیم خیر و صلاح و مقابله با بدی‌ها و منکرات.
- ۴- آزاد سازی وطن از هر نوع تسلط سیاسی، اقتصادی و روحی بیگانگان غیر مسلمان.
- ۵- اصلاح حکومت تا که واقعا اسلامی باشد.
- ۶- باز گردانیدن مراکز حکومتی به امت اسلامی توسط آزاد سازی ممالک اسلامی و زنده ساختن مجد و عزتش.
- ۷- تعمیم همه عالم به نشر دعوت اسلامی در هر گوشه و اکناف آن تا که دیگر فتنه‌ای باقی نماند و دین همه‌اش از آن خدا باشد ﴿وَيَأْتِي اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ﴾ [التوبة: ۳۲] و خداوند ﷻ نور خود را پوره کردنی است.
- ۱- تعریف. ۲- ساختن. ۳- اجراء نمودن.
- ۱- «أستاذ بنا در «رسالة التعاليم» می‌گوید: «ارکان بیعت ما ده چیز است آنان را بیاد دارید:

«فهم، إخلاص، عمل، جهاد، قربانی، ثبات، تجرد، برادری، و اعتماد» بعد از آن به شرح هر یکی از این ارکان می‌پردازد سپس می‌گوید: (ای برادر راستین این خلاصه دعوت تو و مختصر مفکوره توست و می‌توانی که همه این ارکان را در پنج کلمه خلاصه سازی: الله هدف ماست، رسول الله ﷺ رهبر ماست، قرآن قانون ماست، جهاد راه ماست، شهادت آرزوی ماست. و می‌توانی که مظاهر و اعمال آن را در پنج کلمه دیگر خلاصه سازی: صاف و ساده بودن، تلاوت قرآن کریم، نماز، نظامی بودن، و أخلاق».

۱- «أستاذ سید قطب فهم خود و فهم اخوان المسلمین را از اسلام در کتاب خود «خصائص التصور الإسلامي ومقوماته» منعکس ساخته می‌گوید: خصائص تصور اسلامی بر این‌ها استوار است: «ربانی بودن.. ثبات.. شمول.. توازن.. مثبت بودن.. واقع گرائی و توحید» بعد مؤلف مذکور برای هر یکی از این خصائص فصل مستقلی منعقد می‌سازد و آن را شرح داده معنایش را واضح می‌کند.

- سمبول اخوان المسلمین دو شمشیر به شکل متقاطع که در میان شان قرآن کریم قرار دارد و این کلمه قرآنی ﴿وَأَعِدُّوا﴾ و این سه کلمه دیگر: حق، قوه، حریت، می باشد.

### ریشه‌های فکری و اعتقادی:

- اخوان المسلمین تأکید بر ضرورت جستجوی دلیل و اهمیت بازگشت به سوی دو منبع اصلی یعنی قرآن و سنت و پرهیز از هر نوع شرک بخاطر رسیدن به توحید کامل می نمایند، این همه را از دعوت سلفی اخذ نموده اند.

- دعوت شان از دعوت شیخ محمد بن عبد الوهاب، از دعوت سنوسی، و از دعوت سید رشید رضا متأثر است و اغلب این دعوت‌ها در حقیقت گسترش مکتب شیخ ابن تیمیه متوفی سال ۷۲۸هـ - ۱۳۲۸م می باشد که آن مأخوذ از مدرسه احمد بن حنبل رحمه الله تعالی است.

- اخوان المسلمین از صوفیه نیزاموری را که به تهذیب و تربیه نفس تعلق دارد و نفس را به مدارج کمال بالا می برد اخذ نموده اند همانطوریکه صوفیان اوائل بودند یعنی سالم بودن عقیده و دوری از هر نوع بدعت، کجروی، ذلت و امورسلبی.

- حسن البنا مفاهیم سابقه را در دعوت خود گنجانیده و علاوه بر آن اموری را که عصر تقاضا می کند از قبیل مقاومت و ایستادگی در مقابل افکاری که در همه مناطق عموماً و در مصر خصوصاً رو به گسترش نهاده، نیز درج نموده است.

### انتشار و جاهای نفوذ:

- حرکت در اسماعیلیه شروع شد و از آنجا به قاهره انتقال نمود و از آنجا به اکثر شهرها و قریه‌های مصر نشر شد، شاخه‌های اخوان در مصر در اواخر دهه چهل به (۳۰۰۰) شاخه رسیده بود که این شاخه‌ها تعداد کثیری از اعضاء را در خود گنجانیده بود.

- حرکت به مناطق عربی دیگر نیز منتقل شد و وجود قابل ملاحظه‌ای در سوریه، فلسطین، اردن، لبنان، عراق، یمن، سودان، و غیره پیدا کرد و الحال در اکثر اکناف عالم پیروانی دارد.

## مراجع:

- ١- حسن البنا مبادئ وأصول في مؤتمرات خاصة - المؤسسة الإسلامية - دار الشهاب بالقاهرة - ط١ - ١٤٠٠هـ / ١٩٨٠م.
- ٢- قانون جمعية الإخوان مطبعة الإخوان المسلمين - ١٣٥٤هـ. المسلمين العام المعدل.
- ٣- الإخوان المسلمين أحداث صنعت التاريخ - محمود عبد الحليم - دار الدعوة - الإسكندرية - ط١ - مطابع جريدة السفير - ١٩٧٩م.
- ٤- حسن البنا الداعية أنور جندي - دار القلم - بيروت. الإمام المجدد الشهيد
- ٥- الشهيد سيد قطب يوسف العظم - دار القلم - بيروت.
- ٦- الإخوان المسلمون د. زكريا سليمان بيومي - مكتبة وهبة - القاهرة. و الجماعات الإسلامية.
- ٧- مذكرات الدعوة والداعية حسن البنا - المكتب الإسلامي - ط٤ - بيروت - ١٣٩٩هـ / ١٩٧٩م.
- ٨- مجموعة رسائل الإمام دار الشهاب - القاهرة. الشهيد حسن البنا
- ٩- الإخوان المسلمين د. ريتشارد ميتشل - ترجمة عبد السلام رضوان - مكتبة مدبولي - ط١ - القاهرة ١٩٧٧م.
- ١٠- الإخوان المسلمين كبرى اسحاق موسى الحسيبي. الحركات الإسلامية الحديثة.
- ١١- كبرى الحركات محمد على ضناوي - ط١ - القاهرة - الجماعة الإسلامية الإسلامية في العصر الحديث الحديثة جامعة القاهرة - صوت الحق - ٨.
- ١٢- الإخوان المسلمين محمد شوقي زكي. و المجتمع المصري.

## استشراق

### ORIENTALISM

#### تعریف:

استشراق یک موج فکری است که متصدی تحقیقات مختلف از شرق اسلامی می‌باشد، تحقیقاتی که مشتمل بر: تمدن، ادیان، آداب، لغات، و ثقافت آن می‌شود، این گروه در ایجاد تصورات و پندارهای غرب دربارهٔ عالم اسلامی سهم گرفته از پشتوانهٔ فکری آن در مقابلهٔ تمدن‌ها در میان آندو استفاده نموده است.

#### تأسیس و افراد برازنده:

##### ۱- اوائل تأسیس:

- تعیین شروع استشراق خیلی مشکل است زیرا بعضی از تاریخ نویسان ابتداء آن را به زمان دولت اسلامی در اندلس بر می‌گردانند، در حالیکه بعضی دیگر آن را به دوران صلیبیان می‌رسانند.

- لیکن استشراق لاهوتی وقتی به شکل رسمی شروع شد که انجمن کلیسایی فیینا سال ۱۳۱۲م فیصله‌ای مبنی بر ایجاد مراکز زبان عربی در چندین دانشگاه اروپایی صادر نمود.

- مفهوم استشراق در اروپا فقط در اواخر قرن هجدهم میلادی آشکار گشت اولین بار در سال ۱۷۷۹م در انجلترا آشکار شد و در فرانسه سال ۱۷۹۹م ظاهر گشت و در قاموس اکادیمی فرانسه در سال ۱۸۳۸م این کلمه درج گردید.

- جریردی اورلیاک (۹۳۸-۱۰۰۳م) Jerbert de oraliac که از جملهٔ رهبانان بندکتیه بود به اندلس رفت و نزد استادان آنجا درس خواند و بعد از بازگشتش (۹۹۹-۱۰۰۲م) به حیث حبر اعظم «عالم بزرگ» بنام سلفتر دوم تعیین گردید، بنابراین وی اولین پاپ فرانسوی به شمار می‌رود.

- در سال ۱۱۳۰م رئیس اسقف‌های طلیطله به ترجمهٔ بعضی کتاب‌های علمی عربی اقدام نمود.

- جیراردی کریمون (۱۱۱۴-۱۱۸۷م) Gerard de Gremona ایتالیایی به طلیطله رفت و آنجا دست کم ۸۷ کتاب را در فلسفه، طب، فلک، و رمل اندازی ترجمه کرد.

- بطرس المکرم (۱۰۹۴-۱۱۵۶م) Pierre Le venerable فرانسوی از جمله رهبانان بندکتیه و رئیس دیر کلونی بود وی به تشکیل گروهی از مترجمین اقدام نمود، البته بخاطر حصول شناخت از اسلام، وی خودش ناظر و مراقب بر اولین ترجمه معانی قرآن کریم بود که سال ۱۱۴۳م به لغت لاتینی توسط روبرت اوف کیتون Robert of Ketton انگلیس انجام یافت.

- یوحنا اشیلی یهودی بود بعد نصرانی شد وی در اواسط قرن دوازدهم ظهور نمود و به علم نجوم توجه کرد، وی به همکاری ادلر اوف باث چهار کتاب ابومعشر بلخی (۱۱۳۳م) را به عربی نقل کرد.

- روجر بیکن (۱۲۱۴-۱۲۹۴م) Roger Bacon. انگلیس، علوم خود را در اکسفورد و پاریس فرا گرفت، و دکتری خود را در رشته لاهوت اخذ نمود، کتاب مرآة الکیمیاء را از عربی ترجمه کرد، (نورمبرج ۱۵۲۱م).

## ۲- مستشرقین منصف:

- هادریان ریلاند (ت ۱۷۱۸م) Hardrian Roland: وی استاذ لغات شرق در دانشگاه اوترشت در هولندا بود، کتابی دارد بنام «الديانة المحمدية» در دو جزء، به لغت لاتینی، لیکن کلیسا کتاب وی را در اروپا در جمله کتاب‌هایی قرار داد که استفاده از آن‌ها ممنوع است.

- یوهان ج. رایسکه (۱۷۱۶-۱۷۷۴م) J. Reiske: وی اولین مستشرق آلمانی قابل ذکر است، بخاطر موقف ایجابی و میلانش به اسلام متهم به کفر و زندقه شد، زندگی خشن و سختی سپری نمود و به مرض سل مرد، به کوشش وی مرکز خوبی برای تدریس و تحقیق لغت عربی در آلمان ایجاد شد.

- سلفستر دی ساسی (۱۸۳۸م) Silstre de sacy: وی توجه جدی به ادب و نحو نمود، و از غور و بررسی در علوم اسلامی کناره گرفت، و به کوشش وی پاریس مرکز تدریسات علوم عربی گردید، وی از جمله کسانی بود که رفاعة طهطاوی با ایشان ملاقات و دیدار نموده بود.

- توماس ارنولد انگلیس (۱۸۶۴ - ۱۹۳۰م): وی کتابی دارد بنام «الدعوة إلى الإسلام» که به ترکی، اردو، و عربی ترجمه شده است.
- غوستاف لوبون: وی مستشرق فیلسوف مادیگرا بود به هیچ دین ایمان نداشت، انصاف وی و توصیفش از تمدن اسلامی، در مباحث و کتبش باعث شده که غربی‌ها به آن توجهی نکنند و از وی ستایشی ننمایند.
- زیجرید هونکه: نوشته‌های وی نیز منصفانه است، و در کتاب مشهور خود «شمس العرب تسطع على الغرب» تأثیر تمدن عربی بر غرب را ابراز نموده است.
- و از جمله منصفین: جاک بیرک، انا ماری شمل، کار لایل، رینیه جینو، دکتور جرینیه و جوته آلمانی‌اند.

### ۳- مستشرقین متعصب:

- جولد زیهر (Goldizher ۱۸۵۰-۱۹۲۰م): وی یهودی بود از مجارستان، از جمله کتاب‌هایش «تاریخ مذاهب التفسیر الإسلامی» است، وی رئیس علوم اسلامی در همه اروپا گردید.
- جون ماینارد J. Maynard. امریکایی: خیلی متعصب بود، و از جمله نویسندگان مجله «الدراسات الإسلامية» است.
- س. م. زویمر S. M. Zweimer: وی مستشرق و از جمله مبشرین بود، و همچنان مؤسس مجله امریکایی «العالم الإسلامی» بود، کتابی بنام «الإسلام تحد لعقيدة» دارد که سال ۱۹۰۸م طبع گردید، و کتابی هم بنام «الإسلام» دارد که آن عبارت از مجموعه مقالاتی است که به مجلس دوم تبشیری لکهنؤ هند، سال ۱۹۱۱م تقدیم کرده شد.
- غ. فون. غرونباوم G. Von Grunbaum. آلمانی یهودی: در دانشگاه‌های امریکا درس خوانده، کتابی دارد بنام «الأعياد المحمدية ۱۹۵۱م» و کتابی هم بنام «دراسات في تاريخ الثقافة الإسلامية ۱۹۵۴م».
- ا. ج. فینسینک A. J. Wensink دشمن اسلام، وی کتابی دارد بنام «عقيدة الإسلام ۱۹۳۲م».

- کینیث کراج K. Gragg امریکایی متعصب، کتابی دارد بنام «دعوة ومثذنة ۱۹۵۶م».
- لوی ماسینیون L. Massignon. فرانسوی مبشر، وی بحیث مشاور در وزارت مستعمرات فرانسه برای امور شمال افریقا ایفاء وظیفه می نمود، کتاب «الحلاج الصوفي الشهيد في الإسلام» که سال ۱۹۲۲م از چاپ برآمد، از نوشته وی است.
- د. ب. ماکدونالد D. B. Macdonald. امریکایی متعصب تبشیری، و کتابی دارد بنام «تطور علم الکلام والفقہ والنظرية الدستورية» که سال ۱۹۳۰م چاپ گردید، و کتابی هم بنام «الموقف الديني والحياة في الإسلام» که سال ۱۹۰۸م به چاپ رسید.
- مایلز جرین M. Green. سکرتر تحریر مجله شرق اوسط.
- د. س. مرجلیوٹ Margoliouth. D. S. انگلیس (ت ۱۹۴۰م): خیلی متعصب بود، طه حسین و أحمد امین در مکتب وی درس خوانده‌اند، وی کتابی دارد بنام «التطورات المبكرة في الإسلام» چاپ سال ۱۹۱۳م، و کتابی بنام «محمد ومطلع الإسلام» چاپ سال ۱۹۰۵م، و کتابی هم بنام «الجامعة الإسلامية» که سال ۱۹۱۲م به چاپ رسید.
- ۱. ج. اربری A. J. Arberry. انگلیس متعصب دشمن اسلام، از جمله کتاب‌هایش «الإسلام اليوم» چاپ ۱۹۴۳م، و «التصوف» چاپ ۱۹۵۰م.
- بارون کارادی فو Baron Carra de voux فرانسوی متعصب، از بزرگ‌ترین نویسندگان دائرة المعارف الإسلامية بود.
- ه. ا. ر. جب H. A. R. Gibb. انگلیس (۱۸۹۵ - ۱۹۶۵م)، از جمله کتاب‌هایش: «المذاهب المحمدي ۱۹۴۷م» و «الاتجاهات الحديثة في الإسلام ۱۹۴۷م» است.
- ر. ا. نیکولسون R. A. Nickolson. انگلیسی، وی از اینکه اسلام دین روحی باشد منکر است، و اسلام را به مادی گرایی و عاری بودن از اخلاق عالیه انسانی توصیف می کند، کتاب «متصوفوا الإسلام ۱۹۱۰م» و «التاريخ الأدبي للعرب - ۱۹۳۰م» از تالیفات وی است.



- هنری لامنس یسوعی ( H. Lammans ۱۸۷۲-۱۹۳۷م)، فرانسوی متعصب بود، کتابی دارد بنام «الإسلام» و کتابی بنام «الطائف»، و نیز از نویسندگان دائرة المعارف الإسلامیه می باشد.
- جوزیف شاخت J. Schacht، آلمانی، متعصب و ضد اسلام بود، کتاب «أصول الفقه الإسلامی» از وی است.
- بلا شیر: در وزارت خارجه فرانسه به حیث کار شناس در امور عرب و اسلام، کار می کرد.
- الفرد جیوم A. Geom، انگلیسی، وی متعصب و دشمن اسلام بود از جمله کتاب هایش: «الإسلام» است.

### افکار و معتقدات:

#### اول: اهداف استشراق:

##### ۱- هدف دینی

- باعث بر ایجاد استشراق همین هدف دینی بوده و در تمام مراحل دور و دراز خود همین هدف را باخود داشته است.
- شبهه اندازی در صحت پیامبری محمد، و ایجاد کردن این پندار که حدیث نبوی از ساخته و بافته خود مسلمانان طی قرون سه گانه اول است.
- شبهه اندازی در صحت قرآن کریم و طعن وارد کردن در آن.
- بی ارزش جلوه دادن فقه اسلامی، و به وجود آوردن این پندار که آن مأخوذ از فقه رومی است.
- بدگویی لغت عربی و این پندار که لغت عربی قادر نیست قافله پیشرفت را همراهی کند.
- ایجاد این گمان که اسلام از منابع یهودی و نصرانی أخذ شده.
- تبشیر و نصرانی سازی مسلمانان.
- پیش کردن احادیث ضعیف و موضوع برای تقویت افکار و معتقدات شان.

##### ۲- هدف تجارتنی:

- مؤسسات و شرکت‌های بزرگ و همچنان پادشاهان، بخاطر شناخت و معرفت کشورهای اسلامی، و جمع آوری معلومات از آن‌ها، برای پژوهشگران مال‌های هنگفتی می‌دادند، این روش در دوران قبل از استعمار غرب بر جهان اسلام، در قرن‌های نوزدهم و بیستم خیلی شایع بود.

### ۳- هدف سیاسی:

- ضعیف ساختن روح برادری میان مسلمانان، و تفرقه اندازی، تا باشد که سلطه‌شان بر مسلمانان مستحکم گردد.

- توجه به لهجه‌های عامیانه، و بحث از عادت‌های رواج یافته.

- مؤظفین خویش را در مستعمرات متوجه آموزش لغات و بحث از آداب و دین همان مناطق می‌کردند، تا بدانند که چگونه بر آن مناطق حکمفرایی نمایند، و چه سیاستی را در پیش گیرند.

### ۴- هدف علمی خالص:

- بعضی از مستشرقین فقط بخاطری به بحث و تحقیق پرداخته‌اند که حق و حقیقت را بشناسند، تعدادی از این افراد به حقانیت اسلام پی برده و در آن داخل گردیده‌اند، که از جمله آنانند:

\* توماس ارنولد که در کتاب خود «الدعوة إلى الإسلام» خیلی با مسلمانان منصفانه رفتار نموده است.

\* مستشرق فرانسوی (دینیّه)، مسلمان شد و در الجزایر زندگی اختیار نمود، وی کتابی دارد بنام «أشعة خاصة بنور الإسلام»، در فرانسه وفات نمود و در الجزایر دفن گردید.

### دوم: مؤلفات بزرگ شان:

- ۱- تاریخ الأدب العربي: کارل برو کلمان (ت ۱۹۵۶م).
- ۲- دائرة المعارف الإسلامية: چاپ اولش در مدت ۱۹۱۳-۱۹۳۸م به زبان‌های: انگلیسی، فرانسوی و آلمانی به نشر رسید، و چاپ جدید آن به تاریخ ۱۹۴۵-۱۹۷۷م تنها به زبان‌های فرانسوی و انگلیسی به نشر رسید.

- ۳- المعجم المفهرس لألفاظ الحدیث الشریف: این کتاب مشتمل بر احادیث صحاح سته [بخاری، مسلم، ابو داود، نسایی، ترمذی، ابن ماجه]، مسند دارمی، موطا امام مالک، و مسند امام احمد بن حنبل می‌باشد، و دارای هفت مجلد بزرگ است، چاپ و نشر آن از سال ۱۹۳۶م به بعد شروع شد.
- ۴- آنچه مستشرقین در علوم شرق، در مدت یک و نیم قرن (از اوائل قرن نوزدهم الی نصف قرن بیستم) نوشته‌اند بالغ بر شصت هزار کتاب می‌گردد.

### سوم: مراکز و جمعیات:

- اولین مرکز بین المللی برای مستشرقین سال ۱۸۷۳م در پاریس برگزار گردید.
- بعد از آن مراکز پیههه گشوده می‌شد و فعلا بالاتر از سی مرکز بین المللی برای مستشرقین برگزار گردیده است، این‌ها علاوه بر مجالس و دیدارهای زیادی است که منحصر به هر اقلیم و هر دولت است، مثل مجلس مستشرقین آلمان که در شهر درسدن آلمانیا سال ۱۸۴۹م برگزار گردید، و پیههه اینطور مجالس به استمرار تا حال برگزار می‌گردد.
- درین مجالس و مراکز صدها عالم از علماء مستشرقین حاضر می‌شوند، طور مثال: در مجلس اکسفورد (۹۰۰) دانشمند، از ۲۵ دولت، ۸۰ دانشگاه، و ۶۹ جمعیت علمی، حاضر شده بود.
- چندین جمعیت استشراقی دیگر هم وجود دارد، مثل جمعیه آسیویه در پاریس، که سال ۱۸۲۲م تأسیس شد، و جمعیت ملکیه آسیویه در بریطانیا و ایرلندا، که سال ۱۸۲۳م تأسیس شد، و جمعیه شرقی امریکایی، تأسیس سال ۱۸۴۲م، و جمعیه شرقی آلمانی، تأسیس سال ۱۸۴۵م.

### چهارم: مجله‌های استشراق:

- برای مستشرقین در این ایام خیلی زیاد مجله و روزنامه وجود دارد که تعدادش از سیصد مجله متنوع به زبان‌های مختلف، تجاوز می‌کند، و از آنجمله به طور مثال این‌ها را ذکر می‌کنیم:

\* مجله العالم الإسلامي The Muslim World، این مجله را صمویل زویمر (وفات ۱۹۵۲م) در بریتانیا، سال ۱۹۱۱م ایجاد نمود، و همین زویمر رئیس مبشرین در شرق اوسط بود.

\* مجله عالم الإسلام Mir Islama، در بطر سبرج، سال ۱۹۱۲م انتشار یافت، لیکن دیری دوام نکرد.

\* مجله ینایع الشرق، که آن را هامر برجشتال در فیینا از سال ۱۸۰۹الی سال ۱۸۱۸م نشر می نمود.

\* مجله الإسلام سال ۱۸۹۵م در پاریس نشر شد، و در سال ۱۹۰۶م جای آن را مجله العالم الإسلامي گرفت، صادر کننده این مجله یک جمعیت علمی فرانسوی بود که در مغرب بودند، بعد این مجله هم به الدراسات الإسلامیه تبدیل یافت.  
\* در سال ۱۹۱۰م مجله آلمانی الإسلام انتشار یافت.

#### پنجم: استشراق در خدمت استعمار:

- کارل هنیریش بیکر Karl Heinrich Becker (وفات ۱۹۳۳م) مؤسس مجله آلمانی اسلامی، وی در ضمن تحقیقاتی که داشت خدمت اهداف استعماری را در آفریقا می کرد.

- بار تولد Barthold (وفات ۱۹۳۰م) مؤسس مجله روسی عالم الإسلام مباحث و مضامینی را به نشر می رسانید که متضمن منافع سیطره روس بر آسیای میانه باشد.

- سنوک هر جرونجه Snouck Hurgonje G. هالندی (۱۸۵۷-۱۹۳۶م) تحت اسم عبد الغفار، سال ۱۸۸۴م به مکه آمد، و مدت شش برج آنجا اقامت نمود، بعد از آنجا بازگشت کرد و مباحثی در خدمت استعمار بر شرق اسلامی نوشت، وی قبلا در جاوه مدت ۱۷ سال اقامت نموده بود.

- معهد لغات شرق که سال ۱۸۸۵م در پاریس تأسیس شده بود، مقصود اصلی از آن حصول معلوماتی از دول شرقی و شرق اقصی بود تا زمینه را طوری مساعد سازد که کار استعمار در این مناطق آسان گردد.

ششم: آراء و افکار خطرناک استشراق:

- جورج سیل Salc. G. در مقدمه ترجمه‌اش برای معانی قرآن کریم اظهار می‌دارد: قرآن از اختراع و تألیف محمد است، و این مطلبی است که هیچ قابل تردید نیست.

- ریتشارد بل Richard Bell می‌گوید: محمد قرآن را از مصادر یهودی و نصرانی و از کتب سابقه به قسم خاصی اخذ نموده است.

- دوزی (وفات ۱۸۸۳م) می‌گوید: قرآن بسیار سلیقه ناهنجار دارد، چیز نو و جدید در آن کم است، همچنان می‌پندارد که: در آن خیلی اطناب و اضافه گویی خسته کن وجود دارد.

- در نامه وزیر مستعمرات بریتانیایی (اومسبی غو)، که برای رئیس جمهور دولت خود، به تاریخ: ۹ ینایر ۱۹۳۸م ارسال نموده بود، آمده است: «تاجایی که ما می‌دانیم یگانه خطر بزرگ که بر امپراطوری لازم است از آن هراس داشته باشد و در مقابل آن مبارزه نماید همانا وحدت و یکپارچگی مسلمانان است، این تنها متوجه امپراطوری نیست، بلکه فرانسه هم در این شریک است، لیکن به ما جای خوشی است که خلافت از بین رفت، و امیدوارم که رفتنش بدون بازگشت باشد».

- شلدون آموس می‌گوید: شریعت نیست مگر قانون رومانی برای امپراطوری شرق، که در آن مطابق اوضاع و احوال سیاسی ممالک عربی تعدیلات صورت گرفته است، وی همچنان می‌گوید: قانون محمدی همان قانون جستنیان است در لباس عربی.

- رینان فرانسوی می‌گوید: فلسفه عربی همان فلسفه یونانی است که با حروف عربی نوشته شده.

- لوئیس ما سینیون رهبر حرکتی بود که مرامش نوشتن به لهجه‌های عامیانه، و به حروف لاتینی بود.

و لیکن باید گفت:

- در این شک نیست که مستشرقین در اخراج کتاب‌های زیادی از کتب علمی سابقه، و نشر آنان به قسم محقق، مبوب، و مفرس، کار بزرگی را انجام داده‌اند.

- همچنان شک نیست که بعضی از آنان منهج علمی خاصی را دارا هستند که در بحث به آنان کمک می‌کند.

- در این هم شکی نیست که بعضی از آنان در تحقیق، تمحیص و پیگیری مسائل خیلی شکیبیا، و توانااند.

- بناء بر مسلمان باکی نیست که اشیاء مفید را از کتب ایشان بگیرد، ولی از مواضع تخلیط و تحریف شان آگاه باشد، تا از آن بپرهیزد، یا آن را به دیگران نشاندهی کند، و یا بر آن رد نماید، زیرا حکمت گمشده مسلمان است هر جا بیابدش وی مستحق آن است.

### ریشه‌های فکری و اعتقادی:

- استشراق زاده تصادم میان شرق اسلامی و غرب نصرانی، در ایام صلیبیان است، آنهم از طریق سفارت‌ها و رفت و آمدها.

- باعث اساسی همانا جانب لاهوتی نصرانی بود، تا اسلام را توسط مکر، فریب، و بدجلوه دادن، از داخل شکست دهند، لیکن استشراق بعدها و در ایام آخر شروع به خروج از این دایره نموده، خود را به روح علمی نزدیک می‌سازد.

### انتشار و جاهای نفوذ:

- چراگاه پرعلمی که مستشرقین در آن می‌چرخند همانا سرزمین غرب است، که از جمله آنان: آلمانی‌ها، بریطانی‌ها، فرانسوی‌ها، هالندی‌ها و مجارستانی‌ها اند. و تعدادی از آنان در اسپانیا و ایتالیا نیز ظهور نموده‌اند، لیکن ستاره استشراق در امریکا خوب طلوع نموده و در آنجا خیلی مراکز تأسیس کرده‌اند.

- حکومتها، جمعیت‌ها، شرکت‌ها، مؤسسه‌ها، کلیساها، هیچ یکی از این‌ها هیچ وقتی از اوقات، در راه تقویه، تأیید و گسترش استشراق بخل نورزیده و از دادن مال و دارائی صرفه نکرده‌اند، همچنان راه نفوذ آن را در دانشگاه‌ها باز نموده‌اند، بحدی که تعداد مستشرقین به هزارها انسان رسیده است.

- حرکت استشراق مسخر در خدمت استعمار و تنصیر بود، و در این اواخر در خدمت یهودیت و صهیونیسم، که مقصد عمده‌اش ضعیف ساختن شرق اسلامی، و مستحکم کردن سلطه خویش بر آن، به طریق مستقیم یا غیر مستقیم می‌باشد، قرار گرفته است.

### مراجع:

۱- الإستشراق. ادوارد سعید- ترجمه کمال أبو ایوب مؤسسه الأبحاث العربیه- بیروت

- ٢- المستشرقون نجيب العقيلي - دار المعارف - القاهرة ١٩٨١ م.
- ٣- الإستشراق و المستشرقون د.مصطفى السباعي - ط ٢ المكتب الإسلامي - ١٩٧٩ م.
- ٤- السنة ومكانتها في التشريع د.مصطفى السباعي - بيروت ١٩٧٨ م. الإسلامي
- ٥- انتاج المستشرقين مالك بن نبي.
- ٦- اوروبا و الإسلام. هشام جعيط- ترجمه طلال عتريسي- دار الحقيقة - بيروت ١٩٨٠ م.
- ٧- الثقافة الغربية في رعاية د. جورج سارطون - ترجمه د. عمر فروخ- ط ١ الشرق الأوسط - مكتبة المعارف - بيروت - ١٩٥٢ م.
- ٨- الإستشراق و الخلفية د. محمود حمدي زقزوق - ط ١- كتاب الأمة الفكرية للصراع الحضارى - ١٤٠٤ هـ.
- ٩- الفكر الإسلامي الحديث محمد البهي - دار الفكر- بيروت- ١٩٧٣ م. وصلته بالإستعمار الغربي
- ١٠- المدخل لدراسة الشريعة د.عبد الكريم زيدان- مؤسسة الرسالة- بيروت الإسلامية ١٩٨١ م.
- ١١- الإسلام في الفكر الغربي محمود حمدي زقزوق- دار القلم- كويت- ١٩٨١ م.
- ١٢- الدراسات الإسلامية رودي بارت- ترجمه د. مصطفى ماهر - قاهره - بالعربية في الجامعات الألمانية ١٩٦٧ م.
- ١٣- اضواء على الإستشراق د. محمد عبد الفتاح عليان- ط ١- دار البحوث العلمية- كويت - ١٩٨٠ م.

مراجع بيكانه:

1- Rudi Paret: Der Koran Uebersetzung stuttgart 1980.

- 
- 2- C. E. Bosworth: Orientalism and orientalists (in Arab Islamic Bibliography).1977 Great Britain.
  - 3- H. A. Flacher- Bernicol: Die Islamische Revol- ution Stuttgart 1981
  - 4- Johann Fueck: Die arabischon Studien in Europa Leipzig 1955.
  - 5- Custar Pfonn Mueley: Handbuch dey Islami lete ratuy Beylin 1933.
  - 6- M. Rodinson: Mohammed: Frank Fur 1975.



## إسماعیلیه

### تعریف:

اسماعیلیه فرقه‌ای است که خود را به اسماعیل بن جعفر صادق منسوب می‌داند، در ظاهر طرفدار اهل بیت می‌باشد و حقیقتش نابود ساختن عقاید اسلامی است، فرقه‌های اسماعیلیه با گذشت زمان شاخه شاخه شد و ادامه یافت، حتی تا زمان مابهم وجود خویش را حفظ نموده‌اند.

### تأسیس و افراد برازنده:

#### أول: اسماعیلیه قرامطه:

(بحث قرامطه را در همین کتاب مطالعه کنید)

این فرقه بعد از آنکه علم نافرمانی را در مقابل خود امام اسماعیلی برداشتند و اموال وی را غارت کردند، در شام و بحرین ظاهر گردیدند امام شان از ترس آنها، از سلمیه سوریه به ماوراء النهر فرار نمود، و از جمله افراد برازنده شان:

- عبد الله بن میمون قداح، وی در جنوب فارس، سال ۲۶۰هـ ظاهر گردید.  
- الفرج بن عثمان قاشانی (ذکروه)، در عراق ظاهر شد و به طرف امام مستور دعوت می‌نمود.

- حمدان قرمط بن اشعث (۲۷۸هـ)، دعوت خود را در نزدیک کوفه اشکار کرد.  
- احمد بن قاسم که قافله‌های تجار و حجاج را غارت نمود.  
- حسن بن بهرام (أبوسعید جنابی) که در بحرین ظاهر شد و مؤسس دولت قرامطه شناخته می‌شود.

- پسر وی سلیمان بن حسن بن بهرام (أبوطاهر) که سی سال پادشاهی نمود، و در زمان وی حکومتش وسعت پیدا کرد، و در سال ۳۱۹هـ بر کعبه حمله کرد، حجرالأسود را دزدید، و تقریباً زیاده از بیست سال حجرالأسود نزد وی باقی ماند.  
- حسن اعصم (کر) ابن سلیمان، در سال ۳۶۰هـ بالای دمشق سلطه یافت.

#### دوم: اسماعیلیه فاطمیه:

- این همان حرکت اسماعیلیه اصلی است که چندین مرحله را پشت سر گذاشته است:

۱- مرحله اخفاء و پنهان بودن: این مرحله از زمان موت اسماعیل (۱۴۳هـ) شروع می‌شود و تا ظهور عبد الله مهدی دوام می‌کند و به سبب پنهان بودن شان در نام‌های ائمان این دوره نیز اختلاف است.

۲- ابتداء ظهور: ابتداء ظهور از دوران حسن بن حوشب داعی شروع می‌شود که وی دولت اسماعیلیه را در یمن سال ۲۶۶هـ تأسیس نمود، فعالیتش به شمال افریقا هم رسید و بزرگان کتامة را از خود کرد، در پی وی رفیقش علی بن فضل ظهور نموده دعوای نبوت کرد و پیروان خود را گفت که دیگر نماز و روزه بالای شما نیست.

۳- مرحله ظهور: این مرحله وقتی شروع می‌شود که عبید الله مهدی ظاهر شد، وی در سلمیه سوریه مقیم بود، بعداً از آنجا به شمال افریقا گریخت و در آنجا با یاران و همکاران کتامة خود پیوست و از آنان یاری خواست.

- عبید الله، داعی خود ابو عبد الله صنعانی شیعه و برادرش ابو عباس را گشت، آنهم بخاطر تردد آندو در شخصیت عبید الله، زیرا آندو می‌گفتند که وی غیر آنست که در سلمیه دیده بودند.

- عبید الله اولین دولت اسماعیلیه فاطمی را در مهدیه افریقا (تونس) تأسیس کرد، و در سال ۲۹۷هـ بالای رقاده سلطه یافت، بعد از وی فاطمی‌ها پیهم بر حکومت خود ادامه دادند که پادشاهان شان قرار ذیل است:

\* المنصور بالله (ابو طاهر اسماعیل) ۳۳۴ - ۳۴۱هـ.

\* المعز لدین الله (ابو تمیم معد) ۳۴۱ - ۳۶۵هـ.

- در دور حکومت وی سال ۳۵۸هـ مصر فتح شد، و در رمضان سال ۳۶۲هـ خود معز آنجا نقل مکان نمود.

\* العزیز بالله (ابو منصور نزار) ۳۶۵ - ۳۸۶هـ.

\* الحاکم بامر الله (ابو علی منصور) ۳۸۶ - ۴۱۱هـ.

\* الظاهر (ابو الحسن علی) ۴۱۱ - ۴۲۷هـ.

\* المستنصر بالله (ابو تمیم) ۴۲۷هـ سال ۴۸۷ وفات نمود.

- بعد از وفات وی اسماعیلیه فاطمی به دو بخش تقسیم شد:

۱- نزاریه شرقیه. ۲- مستعلیه غربیه.

- سبب پارچه شدن شان این بود که مستنصر وصیت کرد که بعد از وی نزار حکومت را به دست گیرد چون وی پسر بزرگش بود، ولی افضل بن بدر جمالی که وزیر بود، نزار را دور ساخت و امامت پسر خرد وی مستعلی را اعلان نمود، زیرا مستعلی خواهر زاده وزیر بود، نزار را گرفتار نموده در زندان انداخت و دروازه زندان را دیوار نمود و نزار در آنجا مرد.

- حکومت فاطمیة مستعلیه بر مصر، حجاز و یمن، به کمک صلیحی‌ها ادامه یافت و امامان شان قرار ذیل اند:

\* المستعلی (أبو القاسم احمد) ۴۸۷-۴۹۵هـ.

\* الآمر (أبو علی منصور) ۴۹۵-۵۲۵هـ.

\* الحافظ (أبو المیمون عبد المجید) ۵۲۵-۵۴۴هـ.

\* الفائز (أبو القاسم عیسی) ۵۴۴-۵۴۹هـ.

\* العاضد (أبو محمد عبد الله) ۵۴۹-۵۵۵هـ.

- زوال دولت شان توسط صلاح الدین ایوبی شد.

### سوم: اسماعیلیه حشاشین:

(بحث حشاشین را در همین کتاب مطالعه کنید) ایشان همانا اسماعیلیه نزاریه هستند که در شام، فارس و بلاد شرق جایگزین بودند، در زمان حرمان نزار شخصی از فارس بنام (حسن بن صباح) نزد امام مستنصر به مصر آمده بود، چون وی حادثه پارچه شدن را مشاهده نمود به سوی بلاد فارس بازگشت کرد و دعوت را به سوی امام مستور (پنهان) شروع نمود، وی سال ۴۸۳هـ بالای قلعه الموت سلطه یافت و در آنجا دولت اسماعیلیه نزاریه شرقی را تأسیس کرد، همین گروه‌اند که به اسم الحشاشین [چرسی‌ها] مشهور شدند (زیرا چرس زیاد می‌نوشتند)، وی فدائینی را به مصر فرستاد تا الآمر بن مستعلی را به قتل برسانند، وی خیلی شخص تشنه به خون بود، حتی دو پسر خود را نیز قتل نموده بود، و سال ۵۲۸هـ بدون اینکه پسری از خود بجا بگذارد درگذشت.

- دعوتگران حشاشین این‌ها اند:

\* حسن بن صباح، وفات سال ۱۱۲۴م

- \* کیا بزرگ آمید وفات سال ۱۱۳۸ م
- \* محمد پسر کیا بزرگ آمید وفات سال ۱۱۶۲ م
- \* حسن ثانی بن محمد وفات سال ۱۱۶۶ م
- \* محمد ثانی بن حسن ثانی وفات سال ۱۲۱۰ م
- \* حسن ثالث بن محمد ثانی وفات سال ۱۲۲۱ م
- \* محمد ثالث بن حسن ثالث وفات سال ۱۲۵۵ م
- \* رکن الدین خورشاه از سال ۱۲۵۵ م تا پایان دولت شان و سقوط قلعه شان توسط لشکر هلاکو مغولی که وی رکن الدین خورشاه را به قتل رسانید و افرادش هر طرف پراکنده شد، و تا این زمان هم پیروان دارند.

#### چهارم: اسماعیلیه شام:

- ایشان نیز اسماعیلیه نزاریه هستند که در طی دوره‌های دور و دراز بر عقیده خود باقی‌اند، و بر آن عقیده در قلعه‌ها و حصارهای خود آشکارا زندگی می‌نمایند، مگر آنان باوجود اینکه در گذشته‌ها نقش بارزی داشتند حالا به حیث یک فرقه دینی‌اند که از خود دولتی و حکومتی ندارند، و فعلا هم در سلمیه، قدموس، مصیاف، بانیاس، الخوابی و الکهف وجود دارند.
- از جمله شخصیات شان (راشد الدین سنان) ملقب به شیخ الجبل است، وی در کارهای خود مشابه حسن بن صباح می‌باشد، و مؤسس مذهب سنانیه است که علاوه بر عقاید اسماعیلیه به تناسخ نیز عقیده دارند.

#### پنجم: اسماعیلیه بهره:

- ایشان اسماعیلیه مستعلیه‌اند، به امام مستعلی قائل‌اند، بعد از وی به الامر و بعد از وی به پسرش طیب قائل‌اند، از همین جهت آنان را طیبیه هم می‌گویند، ایشان در هند و یمن زندگی می‌کنند، آنان سیاست را ترک نموده به تجارت پرداختند و به هند رسیدند، هندوهایی که مسلمان می‌شدند نیز با ایشان می‌پیوستند بعدا مشهور به «بهره» شدند، بهره لفظ هندی قدیم است که مفهوم تاجر را افاده می‌کند.
- امام طیب در ۵۲۵هـ پنهان و مستور گردید و امامان مستور نیز از نسل وی می‌باشند، که تاحال ما از زندگی آنان هیچ چیزی نمی‌دانیم حتی نام‌های شان هم غیر معروف است، و حتی علماء بهره هم آنان را نمی‌شناسند.

بهره هم به دو بخش تقسیم شد:

- ۱- بهره داوودیه: که منسوب به قطب شاه داوود داعی است، ایشان از قرن دهم هجری به اینطرف در هند و پاکستان اقامت دارند و داعی شان در بمبئی می‌باشد.
- ۲- بهره سلیمانیه: که منسوب به سوی داعی شان سلیمان بن حسن، می‌باشند، ومزکر ایشان تا امروز در یمن می‌باشد.

#### ششم: اسماعیلیه آغاخانی:

- این قرقه در ثلث اول قرن نوزدهم میلادی در ایران ظهور نمود، و داعیان شان قرار ذیل‌اند:

- ۱- (حسن علی شاه) وی آغاخان اول می‌باشد، انگلیس وی را در رهبری کودتایی گماشت که آن بهانه برای مداخله شان باشد، بناء وی دعوت به سوی اسماعیلیه نزاریه را شروع نمود، از ایران به افغانستان تبعید گردید و از آنجا هم به بمبئی تبعید گردید، لقب (آغاخان) را هم انگلیس برایش اعطا نموده است، سال ۱۸۸۱م درگذشت.
- ۲- (آغاعلی شاه) وی آغاخان دوم می‌باشد: ۱۸۸۱-۱۸۸۵م.
- ۳- بعد از وی پسرش (محمد حسینی) میاید که وی آغاخان سوم است ۱۸۸۵-۱۹۵۷م، وی اقامت در اروپا را ترجیح می‌داد، و در اطراف و اکناف دنیا گشته بود، وقتی می‌مرد خلافت را به نواده خود (کریم) وصیت کرد و این وصیتش مخالف قانون اسماعیلیه بود زیرا آنان به پسر بزرگ وصیت می‌کردند،
- ۴- (کریم) وی آغاخان چهارم می‌باشد، که از سال ۱۹۵۷م تا امروز در مقام خود باقی است، دروس خویش را در یکی از دانشگاه‌های امریکا خوانده است.

#### هفتم اسماعیلیه واقفه:

- این گروه فرقه‌ای از اسماعیلیه است که بر امامت محمد بن اسماعیل که اولین امامان مستور است، توقف نموده‌اند و قول به بازگشتش کرده‌اند، [یعنی بعد از وی دیگر امامی را نمی‌پذیرند و می‌گویند: امام همان محمد بن اسماعیل است].

#### افکار و معتقدات:

- ضرورت به وجود امام معصوم منصوص علیه [امام قبلی وی را صریحا تعیین نموده باشد] که از نسل محمد بن اسماعیل باشد، به شرط اینکه پسر بزرگ امام قبلی باشد، مگر ازین قاعده چندین بار تخلف صورت گرفته است.
- عصمت نزد آنان در عدم ارتکاب معاصی و گناه نیست بلکه معاصی و گناهان را طوری تأویل می‌کنند که مناسب به عقاید شان باشد.
- کسی که امام زمان خود را نمی‌شناسد و از وی بیعتی در گردن خود نمی‌داشته باشد، موت وی موت جاهلیت است [یعنی مثل یک فرد کافر و جاهل از دنیا رفته است].
- به امام خود صفاتی را نسبت می‌دهند که وی را بالا برده مشابه به پروردگار می‌سازند، وی را دانای علم باطن می‌دانند و پنجم حصه کسب خود را به وی اعطا می‌نمایند.
- معتقد به تقیه و پنهان کاری‌اند، و آن را در اوقات خطرناک تطبیق می‌کنند.
- امام محور دعوت اسماعیلیه است و عقیده شان هم در محور شخصیت امام می‌چرخد.
- زمین خالی از امام نمی‌باشد: یا ظاهر و مکشوف می‌باشد و یا باطن و مستور، اگر امام ظاهر بود جائز است که حجتش مستور باشد، ولی اگر امام مستور بود ضرور است که حجتش و داعیانش ظاهر باشند.
- قائل به تناسخ‌اند، و می‌گویند: امام وارث همه امامان سابقه است.
- صفات خداوند را منکراند، زیرا خداوند عزوجل در نظر شان از دسترس عقل بالا است، بنابراین می‌گویند: وی نه موجود است و نه غیر موجود، نه عالم است نه جاهل، نه قادر است نه عاجز، ایشان نه به اثبات مطلق، قائل‌اند و نه به نفی مطلق بنابراین خداوند عزوجل در نظر شان پروردگار دو متقابل، خالق دو متخاصم و حاکم بین دو متضاد است، نه قدیم است، نه حادث، قدیم امرش و کلماتش، و حادث خلق و ایجادش است.

#### از معتقدات بهره:

\* در مساجد دیگر مسلمانان نماز نمی‌گزارند.

\* در ظاهر عقاید شان مشابه عقاید دیگر فرقه‌های معتدل اسلامی است، اما باطن شان چیز دیگری است، آنان نماز می‌خوانند اما نماز شان برای امام اسماعیلی مستور است که از اولاده طیب بن آمر می‌باشد.

\* مثل دیگر مسلمانان به مکه حج می‌روند، ولی می‌گویند: کعبه رمزی از امام است.

- شعار حشاشین اینست (هیچ حقیقتی وجود ندارد و کل چیز مباح است) کارشان ترورهای منظم و پناه بردن به قلعه‌ها و حصارهای مستحکم بود.

- امام غزالی درباره آنان می‌گوید: چیزی که از آنان نقل شده اباحت مطلق، دور ساختن حجاب، مباح و حلال دانستن چیزهای ناجائز و انکار شریعت‌ها است، مگر آنان همه شان، و قتی این امور برای شان نسبت داده شود از آن انکار می‌ورزند [یعنی می‌گویند: ما برین عقیده نیستیم].

- معتقدند که خداوند مستقیماً عالم را نیافریده، بلکه از طریق عقل کلی و به توسط وی آفریده است و عقل کلی محل همه صفات خداوند می‌باشد و آن را حجاب می‌نامند و می‌گویند: عقل کلی در انسانی حلول نموده و داخل شده که آن انسان همان پیامبر است، همچنین در امامان مستور که خلیفه پیامبراند حلول نموده است، محمد ناطق و علی اساس است که تفسیر می‌کند.

### ریشه‌های فکری و اعتقادی:

- مذهب ایشان در عراق نشأت نمود، بعداً از آنجا به فارس، خراسان، و ماوراء النهر مثل هند و ترکستان فرار نمودند، بنابراین در مذهب شان عقاید و آراء قدیم فارس و عقاید هندی خلط گردید، همچنان با آنان افراد منحرف و هواپرست یکجا شد که این خود سبب از دیاد انحراف و گمراهی شان گردید.

- با برا همه هند، فلسفی‌های اشراقی، بودائی‌ها، بقایای کلدانی‌ها، و فارسی‌های [قدیم] یکجا شدند و از آنان عقاید و افکاری را در مورد روحانیات، ستاره‌ها و علم نجوم أخذ نمودند، و در اندازه أخذ این خرافات از ایشان با هم متفاوت‌اند، پنهانی و سری بودن شان همچنان در خرافات و انحرافات شان افزود.

- بعضی از ایشان (مثل قرامطه) مذهب مزدک و زردشت را در مورد اباحت و اشتراکی بودن پذیرفته‌اند.

- عقاید شان از قرآن و سنت أخذ نشده، بلکه فلسفه‌ها و عقایدی در مذهب شان جای گرفته که آنان را از اسلام خارج کرده است.

### انتشار و جاهای نفوذ:

- سرزمینی که بر آن اسماعیلی‌ها سیطره و تسلط داشتند نظر به تغییر اوضاع و گردش احوال، در طول و عرض خود، در مدت زمان طویلی، از هم مختلف بوده است، نفوذ آنان همه عالم اسلامی را دربر می‌گیرد، اما به تشکیلات مختلف که در هروقت و زمان از هم تفاوت می‌کند:

\* قرامطه بر الجزیره، بلاد شام، عراق و ماوراء النهر سلطه داشتند.

\* فاطمی‌ها دولتی پایه گذاری کردند که امتدادش از محیط اطلس و شمال افریقا بود، و مصر و شام را نیز قبضه نمودند، مردم عراق نیز به مذهب شان گردن نهادند و در سال ۵۴۰هـ بنام آنان بر منابر بغداد خطبه خوانده می‌شد، لیکن دولت شان به دست صلاح الدین ایوبی سرنگون گردید.

\* آغاخانیه‌ها در نیروبی، دار السلام، زنجبار، مدغشقر، کنغو، بلجیکی، هند، پاکستان و سوریه سکونت دارند، و مرکز رهبری عمومی شان شهر کراچی است.

\* بهره در یمن و هند و سواحل نزدیک به این دو منطقه زندگی اختیار نموده‌اند.

\* اسماعیلیه شام چند قلعه و حصاری را در طول و عرض شهرها تصرف نموده‌اند که تا این زمان هم بقایایی از آنان در سلمیه، خوابی، قدموس، مصیاف، بانیاس و الکهف موجود است.

\* حشاشین در ایران پراکنده شدند، و قلعه الموت را در جنوب بحر قزوین تصرف نمودند، سلطنت شان وسعت پیدا کرد، اقلیم بزرگی را در میان دولت عباسی سنی مذهب، به خود اختصاص دادند، قلعه‌ها و حصارها را پیهم تصرف می‌کردند تا که به بانیاس، حلب و موصل رسیدند، و یکی از آنان در زمان صلیبی‌ها قضاء دمشق را به عهده گرفت، بالآخره سلطنت شان را هلاکو مغلی برچید.

### مراجع:

۱- تاریخ المذاهب الإسلامیة محمد أبوزهره. الجزء الأول

۲- اسلام بلا مذاهب د. مصطفی شکعه.



- ٣- طائفة الإسماعيليه، تاريخها، د. محمد كامل حسين - مكتبة النهضة المصرية نظمها، عقائدها ١٩٥٩ م.
- ٤- دائرة المعارف الإسلاميه مادة الإسماعيلية.
- ٥- الملل و النحل محمد عبد كريم الشهرستان - طبع دوم - دار المعرفة.
- ٦- المؤامرة على الإسلام انور جندي.
- ٧- تاريخ الجمعيات السرية محمد عبدالله عنان. و الحركات الهدامة.
- ٨- اصول الإسماعيلية و الفاطمية لبرنارد لويس. و القرامطة
- ٩- كشف اسرار الباطنية و محمد بن مالك اليان الحمادي. اخبار القرامطة
- ١٠- فضايح الباطنية إمام أبو حامد غزالي.



## الوپوس دیی

### EL OPUS DEI INSTITUTO SECULAR

#### تعریف:

الابوس دیی یک گروه دینی بدون رهبانیت، نصرانی کاتولیکی معاصر است، که بخاطر رواج یافتن تعالیم انجیل، و بازگشت به مسیحیت اول می‌کوشد، آنهم مطابق ضوابط و قوانین تنظیمی دقیق و محکم، و استفاده فراوان از اسباب عصر جدید، راه پشرفت خود را ضمن سیطره بر جوانب سیاسی، اقتصادی و تربیوی جستجو می‌نماید، نامش مفهوم: «جمعیت صلیب مقدس» وهمچنان «تنظیم کار فی سبیل الله» را افاده می‌نماید.

#### تأسیس و افراد برازنده:

- این تنظیم را قسیس خوسیه ماریا اسکریفا J OSE MARIAESCRIVA در تاریخ ۲ اکتوبر ۱۹۲۸م در اسپانیا تأسیس نمود، وی بخاطر اینکه تنظیم خود را مقدس جلوه دهد می‌گوید: او از جانب خداوند ﷺ توسط وحی برین کار گماشته شده است.

- در سال ۱۹۳۰م بخش نسوانش نیز بر وفق بخش ذکورش تأسیس گردید، نظم و انتشارش همانند بخش ذکور بود.

- افکار اسکریفا زمین پر علفی در اسپانیا، در دور حکومت جنرال فرانکو، برای خود یافت خصوصاً بعد از به پایان رسیدن جنگ داخلی در آن کشور.

- از جملهٔ اعضاء حزب افرادی هم است که به وزارت اسپانیا رسیده‌اند و فعلاً هم وزیر هستند، بلکه بخش اعظم وزراء را همین افراد تشکیل می‌دهند، که از جملهٔ این‌هاند:

۱- وزیر صنایع: لوبیث برافو.

۲- وزیر عدلیه: اومیرو.

۳- وزیر تربیه: تاناچو.

۴- وزیر زراعت: امبروار.

- از جمله افراد برازنده تنظیم در ایتالیا: وزیر تربیه: فلاکوی، وزیر داخله: سیلفارو، رئیس مناهج وزارت تربیه: فازو، و رئیس دانشگاه کاتولیکی میلاد: ادرینو بوسدا، که سال ۱۹۸۵م به ریاست آن رسید.
- آنان فعلا حد اقل سی نماینده در پارلمان اسپانیا دارند که همه اعضاء تنظیم است و طبق اوامر آن کار می‌کنند.
- اسقف‌ها و قسیس‌هایی هم است که به طور پنهانی عضو تنظیم‌اند و در بین طبقات و جمعیات مختلف مردم اسپانیا، و در داخل اردو کار می‌کنند.
- ریاست دراسات لاهوتی در روما نیز متعلق به همین تنظیم است، که آن ریاست در حقیقت شاخه دانشگاه نافارای اسپانیا است.

### افکار و معتقدات:

#### أول: افکار دینی و تنظیمی:

- اهداف این تنظیم، دینی مسیحی خالص است، تنظیم بخاطر اعلاء و پخش مسیحیت طبق عقاید کاتولیکی، از طریق تربیه، سیاست و اقتصاد کار می‌کند.
- تنظیم مشتمل بر افراد دینی، و سائر مسیحیان، غیر از افراد دینی می‌باشد، همچنان مشتمل بر طبقه ذکور و اناث می‌باشد، ولی توجه جدی به جوانان دارد.
- تنظیم افراد خود را تشویق می‌کند که الگوی خوبی برای دیگران باشند، همچنان به سری بودن و پنهان کاری توصیه می‌نماید.
- تنظیم به تربیه جدی افراد خود که مبنی بر جدیت، عفت، حسن خلق، و زندگی خشن باشد توجه زیادی مبذول می‌دارد، گویی می‌خواهد در افراد خود روحیه مسیحیان اوائل را زنده سازد.
- تنظیم در پذیرش افراد، در معامله بین اعضاء بعد از مرحله پذیرش، و حتی در حالات استعفاء و کناره گیری، بر ضوابط دقیقی استوار است، کارها را طوری توزیع می‌کند که هر کار را به کاردان آن می‌سپارد، و به افراد خود حق شکایت و اعتراض را می‌دهد.
- تنظیم روی به تکمیل بوده می‌خواهد بین جوانب روحی و دینی و بین استفاده از هر آنچه تمدن جدید به ارمغان می‌آورد از قبیل اسباب تنظیمی دقیق که دارای بر نامه‌ها، اهداف، ضوابط، و موارد مالی می‌باشد، ملائمت و موافقت بیاورد.

- در اصل این تنظیم بخاطری نشأت کرد که در پهلوی نظام جنرال فرانکو باشد، تأیید و پشتیبانی فرانکو از این تنظیم تأثیر زیادی در نفوذ و انتشارش از خود بجا گذاشت.

- ممکن است که گفته شود: آن یک تنظیم دینی کاتولیکی است که حرکتش به مقتضای اهداف و حسب مصلحتش در سیطره سیاسی و اقتصادی بر کشورهای مختلف عالم و خصوصاً بر اسپانیا می‌باشد، همین تنظیم یک امپراطوری اقتصادی و صنعتی عجیبی را تشکیل داده که به شکل پیشرفته‌ترین و جدیدترین امپراطوری‌های اقتصادی و صنعتی مختلف الانواع موجود در عالم می‌باشد.

- تنظیم می‌خواهد با تمام جدیت در مقابل مفکوره سازمان‌های دست چپی، لیبرالی و ماسونی بایستد.

- وقتی کسی پیشنهاد شامل شدن را در تنظیم می‌کند بر وی لازم است که منتظر (اراده رب) باشد، و اراده رب نزد آنان اینست که شخص باید در تنظیم داخل شود و بعد از شش ماه زندگی در تنظیم و میان روحانیت آن به شکل رسمی پذیرفته می‌شود. - شش سال بعد از پیوستن، مجلس اخلاص و وفاء برگزار می‌شود تا که عضویت سابقه‌اش را به شکل نهایی تأکید نماید، و در همین مجلس برایش انگشتی داده می‌شود که نگین آن از احجار کریمه می‌باشد، و بر وی لازم است که آن انگشت را در طول زندگی خویش با خود داشته باشد.

- تعداد زیادی از افراد تنظیم خر را شعار خود می‌گردانند و می‌گویند: عیسی علیه السلام وقتی در قدس داخل می‌شد بر خر سوار بود، از جمله دعا‌های اسکریفا این قولش بود که خطاب به پروردگارش می‌گفت: (من خر گرگین توام).

- جوانب روحی حرکت بر اشیاء آتی تمرکز دارد:

۱- بوسیدن زمین وقت بیدار شدن از خواب.

۲- نیم ساعت برای حمام کردن و تراشیدن.

۳- سی دقیقه برای نماز فردی، و بعد از آن ده دقیقه تقدیس اجتماعی.

۴- بعد از چاشت زیارة قربانگاه مقدس، و بعد از آن به مدت سه ساعت خاموشی کوچک (صمت الأصغر).

- ۵- (العصرونیه) و آن وقت خاصی است برای مجلس و کار اجتماعی که در آن بعضی دعوت شدگان حاضر می‌باشند، و مناقشات و بحث‌هایی در امور دین و یا دربارهٔ حادثهٔ خاصی از امور دین دایر می‌گردد.
- ۶- سی دقیقه برای نماز اختصاص دارد.
- ۷- در آخر روز که آنوقت نماز هم ادا می‌شود، بعد از ادای آن از کارهای روحی و یا مالیکه در خلال روز انجام یافته، ارزیابی و بازرسی صورت می‌گیرد، بعد از این‌ها صمت اکبر (خاموشی بزرگ) شروع می‌شود که تا روز آینده سخن گفتن را ممنوع می‌سازد.
- ۸- قبل از خواب اعضای حزب نقش صلیب را با دست‌های خویش بر جسم خود رسم می‌کنند، و آب مقدس را بر بستر خود می‌پاشند، بعداً نماز کوتاهی ادا می‌کنند و می‌خوابند.

### دوم تشکیلات تنظیمی:

- مجلس عام: متشکل از رئیس عام، سکرتر عام، معاون عمومی، و افراد برازنده از چهارده کشور می‌باشد، همین مجلس است که تصمیم‌های نهایی را می‌گیرد و فیصله‌های عمومی از همین جا صادر می‌شود، این مجلس قوت عالی و بالا در تنظیم به سطح تمام عالم شناخته می‌شود، یعنی تنظیم با همه فروع و اقسام سه گانه‌اش که عبارت از: قسیس‌ها، شهری‌ها، و بخش اناث است، زیر سلطه و تأثیر همین مجلس است.
- قسیس بودن: این بالاترین مرحله‌ای است که یک عضو به آن می‌رسد.
- عضو نظامی. - فدایی.
- عضو غیر نظامی. - مددگار.
- اعتراف نیمه رسمی کلیسای اسپانیا برین تشکیلات تنظیمی الاوبوس دی، تنظیم را تقویت بخشید و در انتشارش کمک نمود.
- مؤسس تنظیم توجه خوبی را از جانب فاتیکان مشاهده نمود، و همین باعث شد که از اسپانیا به روما انتقال کند، و آنجا به طور نهایی اقامت گزیند، و آنجا را مقر رهبری حزب گرداند.
- اسکریفا در طول حیات خود رهبر و رئیس همین تنظیم بود، و در سال ۱۹۷۵م درگذشت.

**سوم: تألیفات:**

- اسکریدا سال ۱۹۳۴م کتاب خردی نوشت بنام (اعتبارات روحیه) ولی کتاب ناگهان مخفی کرده شد و جایش را کتاب (الطریق) گرفت که به حیث انجیل تنظیم شناخته می‌شود.
- اسکریدا کتاب دیگری هم دارد که برآن دکتوری خود را گرفته است، همچنان کتاب‌های خرد دیگری هم دارد درباره نمازهای شان.
- از جمله کتاب‌های تنظیم کتاب «القيمة الإلهية للانسان» است که آن را خوسی اور تیغا تألیف نموده، و در آن از انسان کاتولیکی صلیبی صحبت می‌کند، و کتابی بنام «روحانية العلمانيين» که آن را خوان بارکیستا توریو تألیف نموده است.

**چهارم: امکانات تنظیم:**

- اعضاء تنظیم در این ایام تقریبا به ۷۲۰۰۰ بالغ می‌گردد، که این عدد از ۷۸ جنسیت است، نیم آن‌ها در اسپانیا می‌باشند، همچنان تنظیم زیاده از ۷۰۰ مکتب ابتدائی، تمهیدی، ثانوی، معهد، لیله برای طلاب، و مرکز ثقافتی، در اختیار خود دارد، که در هر گوشه عالم منتشر می‌باشد، واز آنجمله ۴۹۷ دانشگاه و مکتب عالی است.
- همچنان در تصرف و ملکیت تنظیم است: ۵۲ دستگاه رادیوئی، ۱۲ شرکت سینمائی، ۶۹۴ مجله ۳۸ آژانس خبری، ۱۳ بانک، و دیگر شرکت‌ها، مراکز صنعتی و محلات.
- تنظیم تسلط تقریبا کامل بر مجلس اعلی اباحت علمی در اسپانیا یافته است.
- تنظیم تنها در اسپانیا ۲۱ لیله طلاب را در اختیار دارد که مستقیما آنان را سرپرستی می‌نماید.

**ریشه‌های فکری و اعتقادی:**

- این تنظیم یک تنظیم نصرانی کاتولیکی است که به بازگشت به طرف نصرانیت اول دعوت می‌کند، و از امکانات عصر جدید استفاده می‌نماید.

- تنظیم دینی، سیاسی، اقتصادی، و تربیوی است. - تنظیم به همه عقاید نصرانیت از قبیل: تثلیث [عقیده به سه خدا] پدر و پسر و روح القدس، عذراء، صلیب، فداء، قربانی‌ها، خطاً و خوردن گوشت خنزیر<sup>(۱)</sup> و دیگر عقاید نصرانیت معتقد است.

### انتشار و جاهای نفوذ:

- هیچ قریه مسیحی در عالم نیست که در آن این تنظیم وجود نداشته باشد، آنقدر دایره نفوذش فراخ شده که تقریباً زیاده از پنجاه دولت را شامل گردیده است و طی این نفوذش در تمام جوانب فکری، ثقافتی، سیاسی، و مالی دست یافته است.

- قوت اصلی آن در مناطق آتی تمرکز دارد: اسپانیا که لنگر اساسی‌اش آنجا واقع گردیده است، ایتالیا که مرکز رئیسی و عمومی‌اش در روما جاده فیلا برورو است، و وظیفه این مرکز اداره و تنظیم امور است، فلپین در شرق آسیا، مکسیکو و فنزویلا در امریکای لاتین، و در کولومبیا، بیرو، تشیلی، و اخیراً در ارجنتین و در کینیا در افریقا، نیز در میان زندگی مردم عام نفوذ کرده‌اند، ولی اندازه نفوذ باهم تفاوت دارد.

### مراجع:

- ۱- کتاب‌ها و مؤلفاتی که خود تنظیم آن را نشر می‌نماید، که بعضی از آن‌ها در فقرة مؤلفات، در همین بحث ذکر شد.
- ۲- منظمة الأوبوس دبی: النشأة، تقریری است در فایل‌های «الندوة التنظيم، التطور العالمية للشباب الإسلامي».
- ۳- دستور هیئة الأوبوس دبی نیز تقریری است در فایل‌های «الندوة العالمية للشباب الإسلامي»

۱- تفصیل این عقاید را در معتقدات نصرانیت در همین کتاب مطالعه نمایید.



## ابیه و یا بهائیه

### تعریف:

باییه و یا بهائیه حرکتی است که سال ۱۲۶۰هـ/ ۱۸۴۴م تحت نظر استعمار روس، انگلیس و یهودیت عالمی، بخاطر فاسد ساختن عقاید مسلمانان، از بین بردن وحدت آنان و مصروف ساختن شان از قضایای اساسی، نشأت نمود.

### تأسیس و افراد برازنده:

- این حرکت را میرزا علی محمد رضا شیرازی (۱۲۳۵ - ۱۲۶۵هـ) (۱۸۱۹ - ۱۸۴۹م) سال ۱۸۴۴م / ۱۲۶۰هـ تأسیس نمود، و اعلان کرد که وی «الباب» است، وقتی وی مرد پسرش میرزا حسین علی، مشهور به بهاء امور را بدست گرفت، و حرکت را هم به «بهائیه» نام گذاری کرد، وی کتابی هم دارد بنام «الأقدس»، بهاء در سال ۱۸۹۲م درگذشت، شخصیات مهم حرکت بعد از مؤسس و جانشین آن اینهااند:

۱- قره العین (۱۲۳۰ - ۱۲۶۹هـ) وی زن بد رفتار منحرفی بود که از نزد شوهرش فرار نمود و در جستجوی متعه شد، سال ۱۲۶۹هـ در مجلس بدشت اعلان نمود که شریعت اسلامی منسوخ شده است، و در همان سال شاه اعدامش نمود.

۲- یحیی علی، برادر بهاء: وی ملقب به «الازل» است، با برادرش در جانشینی «الباب» منازعه نمود، و به همین سبب از وی جدا گردید، وی کتابی دارد بنام «الأرواح» برادرش با وی خیانت کرد، و آن را با پیروانش به قتل رسانید.

### افکار و معتقدات:

بهائیه ها عقیده دارند که: باب است که همه چیزها را به کلمه خود خلق نموده است، وی مبدأ و منبعی است که از وی تمام اشیاء ظاهر گردیده است.

- قائل به حلول و اتحاد هستند.

- قائل به تناسخ و جاوید بودن کائنات اند، و می گویند که پاداش و عذاب فقط بر

ارواح است، آنهم به شکلی که شباهت به امر خیالی دارد.

- عدد «۱۹» را گرامی می‌دارند، تعداد ماه‌ها را «۱۹» می‌گردانند، عدد روزهای هر ماه را هم «۱۹» می‌دانند.
- قائل به پیامبری بودا، کنفوشیوس، براهما، زردشت، و امثال شان از حکماء هند، چین و فارس قدیم‌اند.
- در قائل بودن به مصلوب شدن (به دار کشیده شدن) عیسی علیه السلام، با یهود و نصارا موافق‌اند.
- قرآن را تأویلات باطنی می‌نمایند تا موافق به مذهب شان شود.
- از معجزات پیامبران، از حقیقت جن و ملائکه و از جنت و دوزخ منکرند.
- حجاب را به زن حرام می‌دانند، متعه و اشتراکی بودن در زنان و اموال را جائز می‌شمارند.
- می‌گویند: دین باب [یعنی دین میرزا] ناسخ شریعت محمد است.
- قیامت را به ظاهر شدن بهاء تأویل می‌کنند، قبله شان در شیراز است، همان خانه که در آن باب تولد شده.
- از اینکه محمد خاتم النبیین و آخرین پیامبران باشد منکراند، و ادعا می‌کنند که وحی ادامه دارد، و در مقابل قرآن کریم کتابی هم تألیف کرده‌اند.

### ریشه‌های فکری و اعتقادی:

- کسی که در عقاید این حرکت فکر و تأمل کند میابد که این حرکت افکار و اعتقادات خود را از چندین منبع أخذ نموده که عمده‌ترین آن‌ها این‌هااند:
  - \* بودایی، برهمی، زردشتی، مانویه، مزدکیه، و همه فرقه‌های باطنی.
  - \* یهودی، نصرانی، و دهریت.
  - \* شیعه، و فرهنگ فارس قبل از اسلام.
- در عقب حرکت در تمام حرکاتش این‌ها قرار داشتند:
  - ۱- یهود. ۲- استعمار روس. ۳- استعمار انگلیس.

### انتشار و جاهای نفوذ:

- اکثریت بزرگ بهایی‌ها در ایران جایگزین‌اند، و تعداد کمی از آن‌ها در عراق، سوریه، لبنان و فلسطین اشغالی نیز میباشند.

## مراجع:

- ١- المذاهب المعاصرة د. عبد الرحمن عميره.
- ٢- البهائية اضواء وحقائق. احسان الهي ظهير.
- ٣- هذه هي البهائية اصدار رابطه عالم اسلامي.
- ٤- البايون والبهائيون، عبد الرزاق حسين. ماضيهم وحاضرهم.
- ٥- البايية والبهائية محمود الملاح.
- ٦- البهائية تاريخها وعقيدتها عبد الرحمن وكيل.
- ٧- البهائية في الميزان محمد كاظمي قزويني.
- ٨- البهائية في نظر الشريعة علي علي منصور. و القانون.
- ٩- البهائية محب الدين خطيب.
- ١٠- البهائيون وقاديانيون د. محمد حسن اعظمي
- ١١- البيانات أبو الأعلى مودودي.
- ١٢- تاريخ الجمعيات السرية و محمد عبد الله عنان. الحركات الهدامة.
- ١٣- حقيقة البايية والبهائية د. محسن عبد الحميد.



## بریلویت

### تعریف:

بریلویت یک فرقه صوفی مشرب است که در دور استعمار بریتانیا در هند پیدا شد، این فرقه در دوستی و تقدیس پیامبران و اولیاء، خصوصاً پیامبر آخر زمان صلی الله علیه و سلم افراط و بالا روی می‌نمایند، و به آنان صفاتی را نسبت می‌دهند که ایشان را از بشر بودن بالا می‌برد.

### تأسیس و افراد برازنده:

- مؤسس این گروه احمد رضاخان پسر تقی علی خان (۱۲۷۲ - ۱۳۴۰هـ) (۱۸۶۵ - ۱۹۲۱م) می‌باشد، که خود را عبد المصطفی نامگذاری کرده بود، در قریه بریلی، ولایت اترپردیش تولد شده، نزد میرزا غلام قادر بیک برادر بزرگ میرزا غلام احمد قادیانی، شاگردی نموده و درس خوانده است.

- سال ۱۲۹۵هـ به زیارت مکه مکرمه رفت و آنجا نزد بعضی شیوخ درس خواند، وی خیلی لاغر، تند مزاج، تیز قهر، بدزبان و مصاب به امراض مزمنه بود، از جمله کتاب‌های مشهورش: «أبناء المصطفی»، «خالص الاعتقاد»، «دوام العیش»، «الأمن و العلی لناعتی المصطفی»، «مرجع الغیب»، «الملفوظات» و دیوان شعری بنام «حدایق بخشش» است.

- در وصیتش آمده که اگر به نزد یکان و خویشاوندان همراه با فاتحه هر هفته دوبار یا سه بار روان کردن این اشیاء میسر شد، روان کنند: شیر خشک، گل ریانی، کباب شامی، نان با روغن، قیماق، فرینی، نسک، برنج با زنجبیل، آب سیب، آب انار، و ایسکریم، این وصیت در میان پیروانش تا امروز عملی می‌شود.

- دیدار علی بریلوی: سال ۱۲۷۰هـ در نواب پور ولایت الور بدنیا آمد، و در اکتوبر ۱۹۳۵م وفات نمود، از جمله تألیفاتش: (تفسیر میزان الادیان) و (علامات الوهابیة) است.

- نعيم الدين مراد آبادی (۱۳۰۰ - ۱۳۶۷هـ) = (۱۸۸۳ - ۱۹۴۸م)، وی مدرسه‌ای داشت به نام «الجامعة النعمية» لقبش صدر الافضل است، از جمله کتاب‌هایش: «الكلمة العليا» و «في عقيدة علم الغيب» است.
- أمجد علی پسر جمال الدين پسر خدا بخش: در کهوسی تولد شد، و از مدرسه الحنفیه جونبور ۱۳۲۰هـ فارغ گردید، سال (۱۳۶۸هـ) مطابق به (۱۹۴۸م) در گذشت، وی کتابی دارد بنام «بهار شریعت».
- حشمت علی خان: در لکهنو به دنیا آمد، از دروس خویش سال ۱۳۴۰هـ فارغ گردید، و خود را «سگ احمد رضاخان» می‌نامید و به این نام افتخار می‌کرد، همچنان ملقب به «غیظ المنافقین» بود، و کتابی دارد بنام «تجانب أهل السنة»، سال (۱۳۸۰هـ) درگذشت.
- أحمد یار خان (۱۹۰۶ - ۱۹۷۱م)، خیلی متعصب بود، از جمله مؤلفاتش: «جاء الحق وزهق الباطل» و «سلطنت مصطفی» است.

### افکار و معتقدات:

- افراد این طایفه معتقداند که پیامبر قدرتی دارد که توسط آن بر کاینات حکم فرمایی می‌کند.
- امجد علی می‌گوید: پیامبر نائب مطلق الله سبحانه و تعالی است، همه عالم تحت تصرفات وی می‌باشد، هرچه بخواهد می‌کند، هرچیز به هرکس بخواهد می‌دهد، و هرچه بخواهد می‌گیرد، و هیچ یکی در عالم وجود ندارد که حکم و فیصله‌اش را تغییر دهد، سردار انسان‌هاست، کسی که وی را مالک خود نمی‌داند از حلاوت سنت محروم است.
- برای محمد و اولیاء بعد از وی قدرت تصرف و تغییرات در کاینات موجود است، أحمد رضاخان می‌گوید: «یاغوث (یعنی یا عبد القادر جیلانی) قدرت «کن» برای محمد از جانب پروردگارش حاصل است، برای تو از جانب محمد حاصل است، و همه آنچه از تو ظاهر می‌شود دلالت به قدرت و توانایی تو بر تصرف می‌کند، و دلالت بر این می‌نماید که فاعل حقیقی در عقب حجاب تو هستی».

- نظریهٔ شان دربارهٔ پیامبر خیلی غلو و افراط آمیز است، حتی به مرتبه ای نزدیک به مرتبه خدایی - العیاذ بالله - وی را رسانیده‌اند، احمد رضاخان در حدائق بخشش ۱۰۴/۲ می‌گوید: «یا محمد گفته نمی‌توانم که تو الله هستی، و نمی‌توانم که میان شما دو فرق بگذارم، امرت را به خدا می‌سپارم، وی به حقیقت تو داناتر است.

- همچنان در توصیف نمودن پیامبر به اوصافی که از حقیقت به دور است مبالغه نموده‌اند، حتی که وی را عالم الغیب می‌دانند، احمد رضاخان در کتاب خالص الاعتقاد ص ۳۳ می‌گوید: «الله تبارک و تعالی برای صاحب قرآن سیدنا و مولانا محمد همهٔ آنچه در لوح محفوظ است داده بود».

- می‌پندارند که پیامبر و اولیاء آنچه را خداوند علمش را به خود تخصیص داده است می‌دانند، احمد رضاخان در خالص الاعتقاد ص ۵۳ - ۵۴ می‌گوید: «برای پیامبر هیچ چیزی از امور پنجگانه که خداوند در ایت شریفه ذکر نموده پوشیده و پنهان نیست، چگونه بر وی پوشیده بماند در حالیکه قطب‌های هفتگانه امت شریف وی آن اشیاء را می‌دانند، در حالیکه قطب‌ها پایین تر از غوث‌اند، چه برسد به سید اولین و آخرین که وی سبب وجود همه چیز و از وی همه چیز است».

- نزد شان عقیده‌ای وجود دارد بنام «عقیده الشهود» یعنی به عقیده آنان پیامبر در هر زمان و مکان حاضر است و بر افعال و کردار مخلوق ناظر می‌باشد، احمد یارخان در کتاب «جاء الحق» ۱۶۰/۱ می‌گوید: «معنی شرعی حاضر و ناظر آنست که صاحب قوه قدسیه می‌تواند از همانجا که است تمام عالم را همانند کف دست خود ببیند، و آوازه‌ها را از دور و نزدیک بشنود، و در یک لحظه در اطراف عالم چرخ بزند، بیچارگان را کمک کند، دعاء کنندگان را اجابت نماید».

- احمد سعید مؤلف کتاب «تسکین الخواطر» ص ۸۵ می‌گوید: «هیچ مکانی نیست که رسول الله در آنجا موجود نباشد [بلکه در هر زمان و هر مکان موجود است]».

- صفت حاضر و ناظر را به اشخاص دیگری نیز ثابت می‌نمایند، طور مثال به خود احمد رضاخان، در کتاب خود (انوار رضا) ص ۲۴۶ می‌گوید: احمد بریلوی زنده و موجود بوده در میان ما می‌باشد، برای ما کمک می‌کند، و به فریاد ما می‌رسد».

- بشر بودن پیامبر را منکراند و او را نوری از انوار خداوند عزوجل می‌شمارند.

- احمد یارخان در کتاب خود «مواعظ نعیمیة» ص ۱۴ می‌گوید: رسول نوری از نور خداوند است، و دیگر همه مخلوقات از نور وی‌اند، احمد رضاخان در اشعار خود می‌گوید: «وقتیکه نور الهی حلول کرده در صورت بشر نباشد این گل و آب چه ارزش دارد».

- پیروان خویش را به استغاثه و فریادرسی خواستن از انبیاء و اولیاء تشویق می‌کنند، و کسی که این کار شان را انکار کند وی را متهم به الحاد و بی‌دینی می‌کنند، امجد علی در کتاب خود «بهار شریعت» ۱۲۲/۱ می‌گوید: «کسانیکه از استمداد و مدد خواستن از انبیاء و اولیاء و قبرهای شان منکراند، آنان ملحداند».

- قبرها را تعمیر و آباد می‌کنند، پخته کاری می‌نمایند، رنگ می‌کنند، بالای آن‌ها چراغ‌ها و شمع‌ها را روشن می‌کنند، به قبرها نذر به گردن می‌گیرند، به آن‌ها تبرک می‌جویند، مجالس و جشن‌ها بر سر آن‌ها برگزار می‌نمایند، بالای قبرها گل‌ها، چادرها و پرده‌های هر قسم می‌گذارند، و اتباع خود را بخاطر تبرک جستن به طواف در اطراف قبر دعوت می‌کنند.

- در تقدیس و تمجید شخصیت عبد القادر جیلانی غلو و افراط شدید می‌نمایند، و دیگر امام‌های صوفیه را نیز تعظیم می‌کنند، و به آنان امور خیالی، و خارق العاداتی را نسبت می‌دهند که دروغ بودن و خرافی بودن آن‌ها آشکار است.

- و از جمله عقاید پوچ و بی‌محتوای شان آنست که در کتاب «ملفوظات» احمد رضاخان ۲۷۶/۳ آمده «زنان انبیاء علیهم السلام نزد انبیاء علیهم السلام برده می‌شوند و آنان شب را با زنان خویش سپری می‌نمایند».

- قائل به اسقاط‌اند، و آن صدقه‌ای است که از جانب میت، به همان مقدار که نماز، روزه، و غیره را ترک کرده باشد داده می‌شود، مقدار صدقه: در مقابل هر نماز یا روزه یک روز که میت آن را ترک کرده باشد به اندازه صدقه فطر است، گاهی در این کار دست به حيله می‌زنند، اول مقداری را که یکساله کفاره نماز و روزه‌اش شود توزیع می‌نمایند، بعد دو باره آن را به طور بخشش پس می‌گیرند و باردیگر به توزیعش می‌پردازند، و این عمل را به اندازه سال‌هایی که آن شخص این فریضه را ترک کرده باشد تکرار می‌کنند.

- بزرگ‌ترین عیده‌های شان همان مولود شریف است که در آن اموال فراوان را مصرف می‌نمایند، و این روز روز مقدس و مبارکی در نزدشان می‌باشد، در آن روز شعر



خوانی‌ها می‌کنند که در خلال آن ضمن قصه‌های دروغ و خرافی پیامبر را ستایش و توصیف می‌نمایند، و در آن روز کتاب «سرور القلوب فی ذکر المولد المحبوب» را می‌خوانند، این کتاب را احمد رضاخان تألیف نموده و آن را از خرافات و افسانه‌ها پر کرده است.

- عرس‌ها: مراد از عرس زیارت قبور به طور دست جمعی، و اجتماع بر سر آنان می‌باشد، مثل عرس شیخ شاه وارث، در شهر (دیوه)، عرس خواجه معین الدین چشتی، که در آن میلیون‌ها انسان جمع می‌شوند، و مردان با زنان خلط و یکجا می‌باشند، و در نتیجه آن مفاسدی رخ می‌دهد که عاقبت خوب ندارد.

- کسی که روزه یا نماز را ترک کند راه خلاصی برایش امید است، ولی قیامت کلان و مصیبت بزرگ نزد آنان متوجه کسی است که از مجالس مولود شریف، یا فاتحه، و یا از مجلس عرس تخلف ورزیده باشد، آنان مسلمانان غیر بریلوی را به اندکی سبب تکفیر می‌کنند، و هیچ گروه اسلامی، و شخصیت اسلامی را از وصف کفر به دور نگذاشته‌اند، و در بسیاری جاهای کتاب‌های شان بعد از تکفیر شخص این جمله می‌آید: «کسی که وی را کافر نداند خودش کافر است» تکفیر ایشان دیوبندی‌ها، ندوی‌ها، رهبران تعلیم و اصلاح، و آزاد کنندگان هند از چنگ استعمار را نیز شامل می‌باشد همچنان تکفیر شان شامل شیخ اسماعیل دهلوی است، وی از جمله علمائی بود که در مقابل بدعت‌ها و خرافات مبارزه می‌کردند، محمد اقبال لاهوری، ضیاء الحق رئیس جمهور پاکستان و تعدادی از وزیرانش را نیز تکفیر می‌کنند.

- شیخ الإسلام ابن تیمیه را نیز تکفیر نموده وی را مختل و فاسد العقل می‌گویند، با وی شاگردش ابن قیم را نیز یکجا می‌سازند.

- در روی زمین در ظاهر وباطن آن دشمنی برای آنان بدتر و شدیدتر از شیخ محمد بن عبد الوهاب یافت نمی‌شود وی را به کفر و بدترین تهمت‌ها متهم می‌نمایند، اینهمه بخاطر آنکه وی در مقابل خرافات قاطعانه مبارزه کرده و مردم را به توحید خالص دعوت می‌نمود.

- آنان همیشه در پارچه ساختن صفوف مسلمانان، ناتوان ساختن قوت شان و داخل کردن شان در راهگمی‌های اختلافات بی‌فایده می‌کوشند، که از آن جمله است بدعت بوسه کردن هردو انگشت ابهامه در وقت اذان و مالیدن آن به چشم و شمردن آن از امور اساسی، به نظر آنان این عمل را فقط کسی ترک می‌کند که دشمن پیامبر باشد،

می‌پندارند: کسی که این کار را کند هرگز چشم درد نمی‌شود، کتاب شان «نیر العین فی تقبیل الإبهامین» را مطالعه کنید.

### ریشه‌های فکری و اعتقادی:

- این فرقه از حیث اصل در زمره اهل سنت، و ملتزم به مذهب احناف‌اند، لیکن عقاید خویش را به عقاید دیگری خلط و مزج نموده‌اند که آن عقاید مأخوذ از نصرانیت است، مثل جشن گرفتن از روز ولادت پیامبر، که آن به تأسی از جشن‌هایی است که در اول سال میلادی از طرف نصرانی‌ها برگزار می‌شود، و شخصیت پیامبر را بالا می‌برند تا با خرافاتی که به شخصیت عیسی نسبت داده شده برابر شود.

- چون ایشان در قاره هند زندگی می‌نمایند، و در قاره هند دیانت‌های مختلف وجود دارد، بنابراین عقایدی از هندوها و بودایی‌ها نقل کرده و به عقاید اسلامی آنان خلط گردیده است.

- به پیامبر و اولیاء صفاتی را نسبت می‌دهند که مشابه به صفاتی است که شیعه‌ها آن را به امامان معصوم - به نظر خود شان - خویش نسبت می‌دهند.  
- عقاید غالی‌های صوفیه و قبرپرستان و شرکیات شان نیز به این فرقه منتقل شده، همچنین افکارشان درباره حلول، وحدت و اتحاد نیز به این‌ها منتقل گردیده و این امور بخشی از عقیده شان گردیده است.

### انتقاداتی که بر بریلوی‌ها وارد می‌شود:

- افراط و غلو شدید در تصویر شخصیت پیامبر و سائر انبیاء علیهم السلام، و خلط ساختن آن به عقاید مشرکین.  
- ساقط کردن فریضة حج.  
- دوری شان از حق در تاخت و تاز و افتراآت شان بر شیخ الإسلام ابن تیمیه و بر شیخ محمد بن عبد الوهاب و بر هرکس دیگری که دعوت به سوی توحید خالص می‌نمایند.

- سرعت و بیباکی شان در تکفیر مسلمانان به مجرد مخالف بودن آنان در نظریه.  
- کوشش همیشگی شان در پارچه ساختن وحدت مسلمانان و تضعیف قوت شان.

- به رغم آنچه گذشت این فرقه به کسانی ضرورت دارد که راه را برای شان روشن سازند، و از چشمان پیروان این فرقه پرده‌های جهل و خرافات را دور نمایند، تا به جاده مستقیم قرار گیرند.

### انتشار و جاهای نفوذ:

- این فرقه از بریلی ولایت اوتراپردیش برخاست تا در همه قاره هند (هند و پاکستان) منتشر گردد.

- در بریتانیا نیز وجود دارند، و آنجا فرقه شان بنام «جمعیت أهل السنة» و «جمعیت تبلیغ الإسلام» یاد می‌شود، و کارشان در آنجا فقط تخریب کارهای دیگران، و ایجاد وحشت و پراگندگی میان شان می‌باشد، به سبب کار آنان بود که حادثه خونین سال ۱۹۸۰م میان مسلمانان واقع شد «الغار دیان، اغسطس ۱۹۸۰م» را مطالعه کنید.

### مراجع:

۱- البریلویة عقاید و تاریخ احسان الهی ظهیر - ط ۱ - ۱۴۰۳هـ / ۱۹۸۳م - اداره السنة - لاهور پاکستان.

۲- بریلویہ رسالہ ماستری - کہ بہ جامعہ اسلامی امام محمد بن سعود، کلیہ اصول الدین در ریاض پیش کرده شده است.

۳- الأمن و العلی لناعتی المصطفی احمد رضا خان - قادری بکدبو - بریلی - هند.

۴- أنباء المصطفی احمد رضا خان - مطبعه صبح صادق - در دیوان هند - ۱۳۱۸هـ.

۵- انوار رضا جماعتی از مؤلفین - لاهور ۱۳۹۷هـ.

۶- بهار شریعت امجد علی اعظمی - دلہی هند.

۷- تجانب اهل سنت حشمت علی خان - بریس بیلی بہیت - هند - ۱۳۶۱هـ.

۸- جاء الحق و زهق الباطل احمد یار خان نعیمی - کانفور - هند.

۹- حدائق بخشش احمد رضا خان - مراد آباد - هند.

۱۰- خالص الاعتقاد احمد رضا خان - بریلی - هند ۱۳۲۸هـ.

- 
- ۱۱- سلطنت مصطفی احمد یارخان - کانفور - هند.
- ۱۲- مجلهء صراط المستقیم محمود احمد میرفوری - برمنجهام - بریطانیا -  
 اغسطس ۱۹۸۰م.
- ۱۳- ملفوظات احمد رضاخان - لاهور - پاکستان.
- ۱۴- الکوکبة لشهائية في کفريات احمد رضاخان - عظیم آباد - هند الوهابية. -  
 ۱۳۱۶هـ.
- ۱۵- تسکين الخواطر في مسألة الحاضر احمد سعيد - طبعة سکر - پاکستان. و الناظر.

## حزب بعث عربی اشتراکی

### تعریف:

حزب بعث حزبی است قومی، علمانی<sup>(۱)</sup>، به سوی انقلاب عام در چوکات مفاهیم و ارزش‌های عربی فرا می‌خواند تا آن را ذوب نموده به توجیهاات اشتراکی تغییرش دهد، شعار اعلان شده‌اش اینست «امت عربی واحد است و دارای رسالت جاویدان می‌باشد» که آن همان رسالت حزب است، اهداف حزب شامل بر وحدت، حریت، و اشتراکیت می‌باشد.

### تأسیس و افراد برازنده:

- در سال ۱۹۳۲م هر یک: میثیل عفلق (مسیحی منسوب به کلیسای شرقی) و صلاح بیطار (سنی) بعد از تحصیلات عالی شان، با افکار نشنلستی و فرهنگ بیگانه، از پاریس به دمشق آمدند.

- هر یکی از عفلق و بیطار شروع به تدریس نمودند، و در ضمن تدریس افکار خویش را میان دوستان، طلاب و جوانان نشر کردند.

- گروهی که عفلق و بیطار تأسیس نموده بودند مجله‌ای را بنام «الطلیعة»، همراه با مارکسیست‌ها به تاریخ ۱۹۳۴م به نشر رسانیدند، و گروه خود را بنام «جماعة الإحياء العربي» نامگذاری کردند.

- در نیشان ۱۹۴۷م حزب، تحت اسم «حزب البعث العربي» تأسیس گردید که تأسیس کنندگانش هر یک: میثیل عفلق، صلاح البیطار، جلال سید، ذکی ارسوزی بودند، همچنان فیصله نمودند که مجله‌ای بنام (بعث) به نشر برسد.

- در حکومت‌هایی که بعد از استقلال سوریه در آنجا روی کار شد نقش فعالی داشتند، و آن حکومت‌ها قرار ذیل‌اند:

۱- حکومت شکری قوتلی: از ۱۹۴۶ تا ۱۹۴۹/۳/۲۹م.

---

۱- به بحث علمانیت در همین کتاب رجوع کنید.

۲- حکومت حسنی زعیم: که چند برج در سال ۱۹۴۹م حکومت را به دست گرفت.

۳- حکومت اللواء سامی الحناوی: که شروع و پایان حکومتش در سال ۱۹۴۹م بود.

۴- حکومت ادیب شیشکلی: که تا سال ۱۹۵۴م دوام کرد.

۵- حکومت شکری قوتلی: وی بار دوم به حکومت رسید و تا امضاء اتفاقی، مبنی بریکجا شدن با مصر سال ۱۹۵۸م ادامه یافت.

۶- حکومت یکپارچگی به ریاست جمال عبد الناصر: ۱۹۵۸-۱۹۶۱م.

۷- حکومت جدایی به ریاست دکتور ناظم قدس: انفصال و جدایی از ۱۹۶۱/۹/۲۸م تا ۱۹۶۳/۳/۸م ادامه یافت. حرکت جدایی خواهان را عبد الکریم نحلاوی رهبری می‌کرد.

۸- از تاریخ ۱۹۶۳/۳/۸م تا امروز حکومت سوریه به دست حزب بعث قرار دارد، و طی این مدت چندین حکومت بعثی آمده و رفته، که آنان قرار ذیل‌اند:

۱- حکومت رهبری انقلاب: ۱۹۶۳م، که درین حکومت صلاح بیطار به حیث رئیس وزراء تبارز نمود.

۲- حکومت حافظ امین: از ۱۹۶۳م تا ۱۹۶۶م.

۳- حکومت نورالدین اتاسی: ۱۹۶۶-۱۹۷۰م در این مدت قیادت محلی حزب رول مهمی را در حکومت بازی نمود، در طی این مدت افراد ذیل تبارز نمودند: صلاح جدید که به حیث منشی عمومی قیادت محلی ایفاء وظیفه کرد، و حافظ اسد که به حیث وزیر دفاع ایفاء وظیفه نمود.

۴- حکومت حافظ اسد: از سال ۱۹۷۰م تا امروز.

### از افراد بارزی که در تاریخ حزب به ظهور رسید:

- سامی جندی: بعد از انقلاب ۱۹۶۳م وزارت اطلاعات و کلتور را به دوش گرفت.

- حمود شوفی: به حیث سکرتر عام قیادت محلی کار می‌کرد، ولی بعدا در مارچ سال ۱۹۶۴ از حزب با گروه خود، انشعاب نمود، و فعلا در عراق است.

- منیف رزاز (اردنی سنی) به حیث سکرتر عام رهبری قومی حزب، از ابریل

۱۹۶۵م تا فروری ۱۹۶۶م کار کرد.

- مصطفی طلاس (سنی): سال ۱۹۳۲م به دنیا آمد، درس خود را در دانشکده نظامی حمص خواند، به تاریخ ۱۹۴۷م به حزب جذب شد، از سال ۱۹۶۳م به بعد به حیث رئیس محکمه امنیت قومی، در منطقه وسطی کار کرد، از سال ۱۹۶۴م تا ۱۹۶۶م به حیث رئیس ارکان لواء پنج زره پوش ایفاء وظیفه نمود، از شباط ۱۹۶۸م به حیث رئیس ارکان قوای مسلح تعیین گردید، از سال ۱۹۶۸م تا ۱۹۷۲م به حیث معاون وزیر دفاع ایفاء وظیفه کرد. و در مارچ ۱۹۷۳م وزیر دفاع تعیین گردید که تا امروز به همین و وظیفه خود ادامه می‌دهد.

- اللواء یوسف شکور: جانشین مصطفی طلاس، در ریاست ارکان گردید، وی از منطقه حمص می‌باشد.

- اللواء ناجی جمیل: وی از منطقه دیر الزور بود، از نومبر ۱۹۷۰م تا مارچ ۱۹۷۸م فرمانده دافع هوایی بود.

- سلیم حاطوم: می‌خواست در سال ۱۹۶۶م انقلابی را به راه اندازد ولی ناکام شد، و در سال ۱۹۶۸م اعدام کرده شد.

- زکی ارسوزی: (از لواء اسکندرون) وی همچون میشل علق از مؤسسين حزب بوده و از همقطاران وی می‌باشد.

- شبلی عیسی: سال ۱۹۳۰م تولد شد، از سال ۱۹۶۳ تا ۱۹۶۴م اولاً به حیث وزیر زراعت کار کرد، بعد از آن به حیث وزیر معارف، بعد به حیث وزیر ثقافت و ارشاد قومی، و در سال ۱۹۶۵م به حیث معاون منشی عمومی حزب بعث تعیین گردید.

- عبدالکریم جندی: که سال ۱۹۶۹م خود را انتحار نمود، وی از طرفداران صلاح جدید بود.

- سلیمان عیسی: (از لواء اسکندرون) مناظر، مفکر و شاعر بود.

- احمد خطیب: ریاست جمهوری را در تشرین ثانی ۱۹۷۰م بدوش گرفت، و

در شباط ۱۹۷۱م استعفاء نمود، این دوره همان دوره انتقالی میان حکومت نورالدین اتاسی و حکومت حافظ اسد بود، از سال ۱۹۶۵م به بعد عضو قیادت محلی توسعه یافته گردید، و مدت کوتاهی هم ریاست مجلس شعب (قبایل) را به دوش داشت.

- یوسف زعین: در بوکمال سال ۱۹۳۱م بدنیا آمد، وی طبیب بود، و از ۱۹۶۳م تا ۱۹۶۴م به حیث وزیر زراعت کار کرد، بعد در بریتانیا سفیر شد، و در ۱۹۶۵م به حیث

عضو قیادت قطری پذیرفته شد، و از شباط ۱۹۶۶م تا تشرین اول ۱۹۶۸م به حیث صدر اعظم تعیین گردید، و تا ۱۹۷۰م دوام کرد.

- جلال سید: وی عضو تأسیس کننده حزب بعث است، و از شهر دیر زور می‌باشد، وی حزب را ترک نمود، ولی در سیاست سوریه شخص فعالی است.

- عبد الحلیم خدام: سال ۱۹۳۲م در بانیاس به دنیا آمده بود، از دانشکده حقوق در دمشق فارغ گردید، وی چندین وظیفه را یکی بعد دیگری به دوش می‌گرفت، مدتی به حیث محافظ شهر حماه کار کرد، بعد به حیث محافظ شهر قنیطره، و سال ۱۹۶۴م به حیث محافظ شهر دمشق، سال ۱۹۶۹م به حیث وزیر اقتصاد، از ۱۹۷۰م به بعد به حیث وزیر خارجه تعیین گردید، در سال ۱۹۸۴م ارتقی نمود و معاون رئیس جمهور در امورسیاست شد، وی از ۱۹۶۹م به بعد در عضویت قیادت قطری پذیرفته شده بود.

- حافظ اسد: سال ۱۹۳۰م در قرداحه که قریه‌ای از قریه‌های لاذقیه است، بدنیا آمد، در دانشکده نظامی خواند و از آنجا سال ۱۹۵۵م فارغ گردید، سال ۱۹۶۳م به حیث قومندان مرکز رهدار هوائی شروع به کار کرد، و سال ۱۹۶۴م به حیث قومندان سلاح پرواز کار کرد، در ۱۹۶۵م به مجلس وطنی انقلاب پیوست، در انقلاب ۱۹۶۶م با صلاح جدید یکجا شد، و از ۱۹۶۶ تا ۱۹۷۰م به حیث وزیر دفاع ایفاء وظیفه نمود، وی حرکت اصلاحی را به راه انداخته رهبری نمود، که همانا حرکت وی را، در تشرین ثانی ۱۹۷۰م به ریاست جمهوری رسانید.

- زهیر مشارقه: وی از حلب بود، در بعدها به حیث معاون رئیس جمهور در امور حزب تعیین گردید.

- سال ۱۹۵۳م «حزب بعث» و «حزب عربی اشتراکی» که آن را اکرم حورانی رهبری می‌کرد، با هم یکجا شدند و حزب واحدی را بنام «حزب البعث العربی الإشتراکی» تشکیل دادند.

### افکار و معتقدات:

- حزب بعث عربی اشتراکی حزبی است قومی، علمانی انقلابی، طرح‌های فکری متعددی دارد که گاهی یکجا کردن آن‌ها مشکل می‌نماید، چه رسد به پذیرفتن آن‌ها، درباره افکار حزب خیلی نوشته شده، و رهبران حزب خیلی از آن‌ها سخن گفته‌اند،



ولی تفاوت خیلی زیاد است میان گفتارها و کردارهای قبل از به قدرت رسیدن و میان گفتارها و کردارهای بعد از به قدرت رسیدن.

- به نظر حزب تنها رابطه قومیت است که باید در دولت عربی حفظ شود، دولتی که ضامن انسجام میان هموطنان، و متکفل ذوب شدن شان در چوکات واحد و ضامن مقابله با هرگونه تعصبات مذهبی، طائفه‌ای، قبیله‌ای، خویشاوندی، و اقلیمی است.

- سیاست تریبوی حزب اعلان می‌دارد که هدف وی ایجاد یک قشر عربی جدید است که مؤمن به وحدت امت عربی، و خلود رسالتش باشد، فکر علمی داشته باشد، از قیود خرافات، تقلید و ارتجاعیت آزاد باشد، سرشار از روح نیکبختی، مسابقه، و همکاری با هموطنانش در راه تحقق انقلاب شامل عربی، و پیشرفت انسانیت باشد.

### بعضی رهنمایی‌های عام و فیصله‌های مجلس چهارم قومی:

- رهنمایی چهارم چنین می‌گوید: (مجلس چهارم قومی ارتجاع دینی را یکی از خطرهای بزرگ می‌پندارد، خطری که رفتن به پیش را در مرحله حاضر تهدید می‌نماید، به همین خاطر رهبری قومی به ترکیز در فعالیت فرهنگی و کار در راه علمانی ساختن حزب توصیه می‌نماید، خصوصا در ابعادی که طائفه‌گرایی بر کار سیاسی لطمه وارد کند.

- رهنمایی نهم: «بهترین راه برای توضیح فکر قومی ما همانا شرح و اظهار مفهومش است، که آن عبارت است از: پیشرفت علمانی، و پرهیز از روش تقلیدی رومانطیقی در جانب فکر قومی، بنابراین مسابقه ما درین مرحله در محور علمانیت حرکت ما و در اطراف مفهوم اشتراکی آن می‌چرخد، تا مرکزی ایجاد شود قومی نه طائفه‌ای، که آن متشکل از هر گروه مردم باشد.

- درباره وحدت می‌گویند: وحدت عربی این نیست که اجزاء وطنش باهم متصل و یکجا شود، بلکه ذوب شدن و درهم شدن همین اجزاء باهم است، بنابراین وحدت یک انقلاب است در تمام ابعاد معانی و سطوحش، وحدت انقلابی است در راه از بین بردن مصالح اقلیمی، و مصالحی که طی قرن‌ها زندگی نموده و توسعه یافته، انقلابی است که مصالح و طبقاتی را که معارض وحدت باشند بد می‌بیند و در مقابل شان می‌ایستد

«المنطلقات النظرية للمؤتمر القومي السادس».

- مراد از اشتراکی تربیهٔ اهل وطن است به تربیهٔ اشتراکی علمی که اهل وطن را از همه چوکات‌ها و تقلیده‌های میراثی عقب ماندهٔ اجتماعی رهایی بخشد، تا زمینه برای ایجاد انسان عربی نوین، با فکر باز علمی مساعد گردد، انسانیکه بهره مند از اخلاق اشتراکی جدید، و معتقد به ارزش‌های اجتماعی باشد.
- رسالت خالده: در تفسیر آن می‌گویند: امت عربی دارای رسالت و پیام جاویدانی است که به اشکال جدید و متکامل خود در مراحل تاریخ ظاهر می‌شود، مرامش تجدید ارزش‌های انسانیت، و سرعت بخشیدن به پیشرفت بشر، رشد دادن نظم و همکاری میان امت‌ها است.

### انتقاداتی که می‌تواند وارد شود:

- کلمهٔ دین اصلا در متن مرامنامهٔ حزب نیامده.
- کلمهٔ ایمان به خدا به طور عموم، در متن مرامنامه نه در تفصیلاتش وارد شده و نه هم در عمومیاتش، که این امر خود علمانی بودن حزب را تأکید می‌نماید.
- در مسائل خانوادگی و تکوین خانواده اصلا به حرام بودن زنا و آثار بد آن اشاره نمی‌کنند.
- در سیاست خارجی به هیچگونه ارتباطی با عالم اسلامی اشاره نمی‌نمایند.
- به تاریخ اسلامی، که توسط آن ملت عربی میان ملت‌های دیگر قدر و عزت یافت، اشاره‌ای نمی‌کنند.

### ریشه‌های فکری و اعتقادی:

- ۱- بنای حزب بر فکر قومی است مفکورهای که بعد از سقوط خلافت عثمانی، توسط اروپا و رهبر قومیت عربی، در آن وقت ساطع حصری، بر عالم عربی ظهور و بروز نمود.
- ۲- همچنان بنای حزب بر فکر علمانی است، زیرا مسئلهٔ عقیدهٔ دینی را یکطرف گذاشته و به آن هیچگونه ارزش قائل نیست، نه در سطح فکر حزبی، نه در سطح پیوستن به حزب، و نه هم در ساحةٔ تطبیق عملی.
- ۳- حزب از فکر اشتراکی الهام می‌گیرد، و نقش قدم مارکسیستی را تعقیب می‌نماید، فرقی که میان ایندو وجود دارد آنست که مارکسیستی جهانی است و

حزب بعث قومی است، از این گذشته دیگر افکار مارکسیستی ستون فقرات فکر و عقیده حزب بعث را تشکیل می‌دهد.

۴- حزب دارای روشی است که تمام روش‌های گروهی (از قبیل درزیه - نصیریه - اسماعیلیه - مسیحیه) در تحت آن داخل گردید، و این افراد از داخل حزب، با افکار باطنی خویش شروع به حرکت نمودند، وزیر شعار انقلاب، وحدت، حریت، اشتراکیت، و پیشرفت به طرح و تطبیق نظریات باطنی خویش پرداختند، و گروه نصیریه در استفاده جویی از حزب مبنی بر تحقیق اهداف و تحکیم وجود خود از دیگران پیشقدم تر بودند.

### انتشار و جاهای نفوذ:

- ۱- حزب اعضای دارد که در اغلب ممالک عربی پراکنده‌اند، بعضی شان به شکل پنهانی و بعضی شان به شکل علنی و آشکار کار می‌نمایند، وجود و تأثیر شان از یک شهر به شهر دیگر، نظر به نوعیت منطقه و حکومت آن فرق می‌کند.
- ۲- حزب بعث بر دو کشور مهم عربی سوریه و عراق حکومت می‌کند.
- ۳- می‌کوشند که سلطنت تمام اطراف و اکناف مناطق عربی را بدست گیرند، زیرا به نظر آن‌ها مناطق عربی یک جزئی است که قابل تجزیه نمی‌باشد، و این یکی از آرزوهای بعید شان می‌باشد.

### مراجع

- ۱- نضال البعث بشیر داعوق - بیروت - ۱۹۷۰م.
- ۲- حزب البعث الاشتراکی تألیف شبلی العیسمی - بیروت - ۱۹۷۵م. مرحلة الأربعينات التأسيسية
- ۳- التجربة المرة منيف رزاز - بیروت - ۱۹۶۷م.
- ۴- البعث سامي جندی - بیروت - ۱۹۶۹م.
- ۵- تجریتی مع الثورة محمد عمران - بیروت - ۱۹۷۰م.
- ۶- حزب البعث مطاع صفدی.

- ٧- الصراع من اجل سوريه باتريك سيل - لندن - ١٩٦٥ م.
- ٨- اعاصير دمشق فضل الله أبو منصور - بيروت - ١٩٥٩ م.
- ٩- مذكراتي عن الانفصال عبد الكريم زهر الدين.
- ١٠- الدروز فؤاد الاطرش.
- ١١- الحركات القومية محمد منير نجيب - ط١ - ١٩٨١ م - مكتبة الحديثة في ميزان الإسلام الحرميني.
- ١٢- جريدة الحياة البيروتية ١٠/٢/١٩٦٥ م - ١٥/٢/١٩٦٦ م - ٨/٩/١٩٦٦ م.
- ١٣- جريدة النهار البيروتية ١٥/١٢/١٩٦٤ م.
- ١٤- جريدة المحرر البيروتية ١٣/٩/١٩٦٦ م.
- ١٥- مجلة المجتمع الكويتية شماره ٢٣١ - ٢٤/١٢/١٣٩٤ هـ - ٧/١/١٩٧٥ م.
- ١٦- مجلة الدعوة المصرية شماره‌هاى ٧٠، ٧١، ٧٢، ٧٣، ٧٤، ٧٥.

## بلالیون

### THE BIL ALIANS

#### تعریف:

(بلالیون و یا أمة الإسلام) حرکتی است که میان سیاه پوستان امریکا ظاهر گردید، اسلام را با مفاهیم خاصی که بر آن روح مادی غالب بود پذیرفته بودند، بعدها خیلی اصلاحات در عقاید و افکار شان آمده و به اسم «بلالیون» معروف شدند.

#### تأسیس و افراد برازنده:

- مؤسس این حرکت والاس د. فارد. Wallace D Fard. است، وی شخص سیاه پوست مجهول الهویتی بود که ناگاه در دیترویت سال ۱۹۳۰م ظاهر شد، و دعوت را به سوی مذهب خود در میان سیاه پوستان آغاز کرد، و در یونیو ۱۹۳۴م به شکل غامضی مختفی و ناپدید گردید.

- الیچاپول Elijah Pool و یا الیجا محمد (۱۸۹۸ - ۱۹۷۵م)، به حرکت پیوست و در مناصب آن ترقی نمود، تا آنکه رئیس و جانشین فارد بعد از وی شد، در سال ۱۹۵۹م به سعودی، ترکیه، ائیوییا، سودان، و پاکستان سفر نمود، و در این سفر پسرش والاس محمد با وی همراهی می کرد، و به حیث ترجمانش نیز بود.

- مالکم اکس (مالک شباز): وی وزیر معبد شماره (۷) در نیورک، خطیب و مفکر بود، سفری به شرق عربی کرد و در سال ۱۹۶۳م حج نمود، بعد از بازگشتن خود بر اساسات مادی حرکت انکار ورزید و از آن انشعاب نموده جماعتی تشکیل داد به نام «جماعت أهل السنة» و در ۲۱ فبرایر ۱۹۶۵م ترور کرده شد.

- وزیر لویس فرخان. Lwis Farrakhan: در سال ۱۹۵۰م در اسلام داخل شد و جانشین مالکم اکس بر معبد شماره (۷) گردید، وی نیز خطیب، نویسنده و سخنور بود، خیلی ارتباط محکم با عقیده قذافی دارد، دعوت به سوی برپا شدن دولت مستقل برای سیاه پوستان در امریکا می نماید، مگر در صورتی که حقوق اجتماعی و سیاسی شان کاملاً تأمین شود.

- والاس محمد: که بنام «وارث الدین محمد» یاد می‌شد، در دیترویت ۳۰ اکتوبر ۱۹۳۳م بدنیا آمد، و از سال ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۰م به حیث وزیر حرکت در معبد فیلا دلفیا کار کرد، سال ۱۹۶۷م فریضة حج را ادا نمود، و چندین بار به مملکت سعودی سفر کرد.
- سال ۱۹۶۴م از حرکت جدا شد و از مبادی پدرش دوری جست، لیکن پنج ماه پیش از وفات پدرش دو باره به حرکت بازگشت، آنهم به امید اینکه از داخل حرکت اصلاحاتی در آن بیاورد.
- در دسمبر ۱۹۷۵م به مرکز اسلامی در واشنتن سفر نمود.
- در مجلسی که رابطه عالم اسلامی در نیوارک، در ولایت نیوجرسی، به تاریخ ۱۳۹۷هـ/۱۹۷۷م برگزار کرده بود، نیز حاضر شد.
- در مجلس اسلامی که در کندا، سال ۱۹۷۷م برگزار گردیده بود، حاضر شد، و در هر بار راستی عقیده اسلامی خود را اعلان می‌نمود و می‌گفت که خواهد کوشید تا عقاید و مفاهیم نادرست را از جماعت خود دور سازد.
- سال ۱۹۷۶م به سعودی، ترکیه، و تعداد دیگری از ممالک شرق سفر کرد، و باشخصیات بزرگ و مهم درین کشورها ملاقات نمود.
- سال ۱۹۷۵م اسامی اشخاصی را اعلان نمود که در ریاست خود بر جماعت، بالای آنان اعتماد داشت، و برازنده‌ترین شان این‌ها بودند:
- \* معاون خاصش: کریم عبد العزیز و دکتور نعیم اکبر.
  - \* سخنگوی تنظیم: عبد الحلیم فرحان.
  - \* مشاوران فرهنگی: د. عبد العلیم شباز، د. فاطمه علی، فهیمه سلطان.
  - \* منشی عمومی: جون عبد الحق.
  - \* رئیس قومندانی عسکری: الیجا محمد ثانی.
  - \* ریموند شریف: قومندان اعلی پولیس حرکت که مسمی به «ثمره الاسلام» Fruit of Islam بود و رمز آن F.O.I. است، و در سال ۱۹۳۷م تأسیس شده بود، بعدا وی وزیر عدلیه گردید.
  - \* امینه رسول: مسؤول جهاز ترقی زن M. G. T.
  - \* د. میکال رمضان: سرپرست لجنه‌های مساجد و رئیس مجلس پلان.

\* ثیرون مهدی: سال ۱۹۶۷م به حرکت پیوست، و رئیس هیئت کشف الفساد والآفات الإجتماعیه بین افراد حرکت گردید، این هیئت سال ۱۹۷۶م تحت اسم Blight Arrest Pioneer Patrol تشکیل شد، و رمز آن B. A. P. P. است، و این هیئت در حقیقت عوض F. O. I. است.

\* ابراهیم کمال الدین: مدیر هیئت گروه جدید زمین (Nem Earth Team (N.E.T که اداره پروژه اسکان در ناحیه جنوب شیکاگو را پیش می برد.  
\* سلطان محمد: یکی از نواده های الیجامحمد: می گویند که وی اسلام را درست می دانست، وی امام معبد واشنتن بود.

\* محمد علی کلای بوکسور مشهور جهان: گفته اند که وی را مالکم اکس به حرکت جذب نمود، و همچنان وی یکی از بزرگان مجلسی بود که آن را والاس محمد، بعد از بدست آوردن ریاست حرکت، بخاطر پلان و طرح امور مهم در حرکت، برگذار نموده بود.

### افکار و معتقدات:

- باید در نظر گرفت که افکار این حرکت به تدریج تغییر میافت، متأثر از شخصیت زعیم و سرپرستی می بود که امور آن را اداره می کرد، بنابراین باید تغییرات حرکت را به سه مرحله تقسیم کرد.

### اول: دوران والاس د.فارد:

- حرکت در ابتداء تأسیس بنام «أمة الإسلام» Nation of Islam شناخته می شد، و اسم دیگری هم داشت که آن «أمة الإسلام المفقودة المكتشفة» بود.  
- تأکید بر دعوت به سوی آزادی، مساوات، عدالت، و کار بخاطر پیشرفت امور جماعت.

- بالا دانستن جنس سیاه پوست، و اصیل پنداشتن آن، تأکید بر چسپانیدن سیاه پوستان به اصل و تبار افریقایی، بدگویی سفیدپوستان و توصیف شان که آنان شیاطین اند.

- کار بخاطر برگردانیدن اتباعش از تورات و انجیل به سوی قرآن کریم.

- ایجاد دو بخش، بخشی برای زنان بنام «تدریب البنات المسلمات Training Muslim Girls» و بخشی برای مردان بنام «ثمره الإسلام» اینهمه بخاطر ایجاد لشکر قوی بود که از حرکت و مرکز اجتماعی و سیاسی آن دفاع نماید.

#### دوم: دوران الیجا محمد:

- الیجا محمد اظهار و اعلان نمود که خدا چیزی غیبی نیست، بلکه لازم است خدا متجسد و ظاهر در شخصی باشد، و آن شخص همانا فارد است که در وی خدا حلول نموده است، بنابراین وی سزاوار عبادت و دعاء است، بدین ترتیب وی افکار باطنیه را در جماعت خود داخل نمود.

- برای خود مقام پیامبری را اختیار نمود، و به نام «رسول الله» Allah Messenger of یاد می‌شد.

- بر پیروان خود گروگیری، نوشیدن شراب، تنباکونوشی، تخمه درطعام وزنا را حرام گردانید، اختلاط زن را با مرد بیگانه منع کرد، بر ازدواج میان دختران و جوانان حرکت تشویق کرد، و از رفتن در اماکن لهو و لعب و رستوران‌های عام منع کرد.

- اصرار ورزیدن بر بالا داشتن جنس سیاه، و پنداشتن آن منبع هر خیر و نیکی، و دوام بر حقیر شمردن جنس سفید پوست و وصف آن به پستی و رذالت، در این هیچ شک نیست که شامل شدن در حرکت مشروط به سیاه پوست بودن است، و برای سفید پوستان هیچگونه مجال شمول نیست.

- الیجا محمد جز به اشیائیکه در تحت حس و مشاهده قرار می‌گیرند به چیز دیگری ایمان نداشت، بنابراین نه به ملائکه ایمان داشت و نه هم به حشر جسمانی، زیرا بعث و برانگیخته شدن نزد وی جز بعث عقلی برای سیاه پوستان امریکا چیز دیگری نبود.

- به ختم رسالت و خاتم النبیین بودن محمد ایمان نداشت، و اعلان می‌نمود که خود وی خاتم پیامبران است، زیرا هر پیامبر به زبان قوم خود می‌باشد، وی - یعنی الیجا محمد - نیز به زبان قومی خود، یعنی سیاه پوستان، فرستاده شده و از طرف فارد برای وی وحی فرستاده می‌شود.



- به کتاب‌های آسمانی ایمان دارد، ولی می‌پندارد که کتابی به زبان قومش که سیاه پوستان است نیز نازل خواهد شد، کتابی که آخرین کتاب آسمانی برای بشریت خواهد بود.

- نماز در دوران وی عبارت بود از: خواندن فاتحه (الحمد لله) و یا چند ایت دیگر، و دعاء مأثور، باروی نمودن به طرف مکه مکرمه و حاضر ساختن چهره فارد در ذهن، روزی پنج بار.

- روزه هر سال در ماه دسمبر به عوض ماه رمضان بود.

- هر عضو دهم حصه درآمد خود را به حرکت می‌داد.

- کتاب‌هایی تألیف نمود که از خلال آن‌ها افکارش ظاهر می‌گردد، و از آنجمله است:

۱- رساله‌ای به سوی مرد سیاه در امریکا. Message to the black Man

۲- نجات دهنده ما فرا رسید Our saviour has arrived.

۳- کتاب حکمت علیا S upreme Wisdom.

۴- سقوط امریکا The fall of America.

۵- چگونه باید خورد و چگونه باید زیست. How to eat to live

۶- روزنامه‌ای که از طرف آنان سخن می‌گفت ایجاد نمود بنام «محمد حرف می‌زند Muhammad speaks».

### سوم: دوران وارث الدین محمد:

- در ۲۴ نومبر ۱۹۷۵م وارث الدین اسم جدیدی برای حرکت خود اختیار نمود که

آن عبارت است از (بلالیون)، منسوب به سوی بلال حبشی مؤذن پیامبر ﷺ.

- در ۱۹ یونیو ۱۹۷۵م وارث الدین قانون عدم شمول سفید پوستان را در تنظیم

ملغا اعلان کرد و در ۲۵ فبرایر ۱۹۷۶م تعدادی از سفید پوستان جذب شده در تنظیم در پهلوی سیاه پوستان در مرکز کنفرانس‌ها به نظر می‌آمد.

- پرچم امریکا در پهلوی پرچم تنظیم گذاشته می‌شد، در حالیکه سابق پرچم

امریکا مثل و نشان شخص سفید پوست، چشم سبز و شیطان، قوقازی بود.

- در ۲۹ اغسطس ۱۹۷۵م فرمان صادر کرد که باید رمضان روزه گرفته شود، و از

عید رمضان جشن گرفته شود.

- در ۱۴ نومبر ۱۹۷۵م نام روزنامه از «محمد حرف می‌زند» به «بلالیان نیوز» تبدیل گردید.
- اعلان کرد که لقبش در عوض رئیس وزراء «امام بزرگ» است، همچنان که کلمه «وزراء معابد» را به کلمه «امام» تبدیل نمود، و خودش امور دینی را بدوش گرفت، و دیگر امور را به دیگر افراد برازنده حرکت سپرد.
- معابد را آماده برگذاری نمازها نمود.
- در ۳ اکتوبر ۱۹۷۵م فرمان صادر کرد که باید نمازها همانطور اداء شود که دیگر مسلمانان می‌نمایند، هر روز پنج وقت به شکل درست آن.
- تأکید بر اخلاق و روش اسلامی، ذوق و حسن شکل و قواره، پوشیدن لباس مناسب به زن.
- داعیان حرکت به زندان‌ها می‌رفتند و در میان زندانی‌ها دعوت خویش را نشر می‌نمودند، مأمورین امنیت مشاهده می‌کردند که شخص سیاه پوستی که خیلی متمرد و سرکش در داخل زندان بود به مجرد داخل شدنش در اسلام خیلی انسان درست و با انضباط می‌گردد، به همین وجه مأمورین و صاحبان سلطه به دعوت داعیان خیلی خوش بودند.
- درست ساختن مفاهیم اسلامی که در دوران فارد و الیجا محمد حرکت به طرز نادرست آن را پذیرفته بود، و اقدام به تصویب آن.
- امریکه سابقاً ذکر کردیم دلالت برین ندارد که حرکت صد در صد اسلامی شده، ولی دال بر آنست که قدری اصلاحات و خوبی در افکار و معتقدات حرکت، نسبت به سابقه آمده است، ولی هنوز هم به اصلاحاتی در عقیده و عمل محتاج است، تا در جاده مستقیم اسلام قرار گیرد.
- امور میان رهبران حرکت خیلی مضطرب و پراکنده گردید، که در نتیجه آن در ۲۵ مایو ۱۹۸۵م وارث الدین حرکت را منحل اعلان کرد، و گذاشت که هر بخشش به طور مستقل کارکند، و هر روز امور جدیدی رخ می‌دهد و حرکت تغییر می‌کند.
- مداخلاتی از قذافی و مداخلاتی هم از ایران وجود دارد که هرکدام می‌خواهند حرکت را به وفق خواهش و نظر خود بچرخانند، همچنان در میان حرکت شخصیتاتی جدید به ظهور می‌رسند، اشخاصی هم پنهان می‌شوند، و تغییراتی صورت می‌گیرد که آن تهدید به همه است.

### ریشه‌های فکری و اعتقادی:

- این حرکت برای در شکستن دو حرکت قومی دیگر که در میان سیاه پوستان ظهور کرده بود، برخاست، که آن دو حرکت عبارتند از:

۱- حرکت «الموریه» که مؤسس و داعی آن سیاه پوست امریکایی تیموئی نوبل دروعلی (Drew Timothy Ali ۱۸۸۶-۱۹۲۹م) بود، و حرکت خود را سال ۱۹۱۳م تأسیس نموده بود، و آن یک دعوتی است مأخوذ از مبادی اجتماعی و عقاید دینی آسیویی مختلط، ولی خود را مسلمان می‌شمردند، و بعد از وفات رهبر شان حرکت به جانب ضعف گرایید.

۲- تنظیم مارکوس جارفی (Marcus Garvey ۱۸۸۷-۱۹۴۰م) که وی تنظیم سیاسی خود را برای سیاه پوستان، سال ۱۹۱۶م تحت اسم (Association Universal Negro improvement) تأسیس نمود، این حرکت به نصرانی بودن موصوف است، ولی عیسی علیه السلام و مادرش را سیاه پوست می‌دانند، در سال ۱۹۲۵م رهبر این تنظیم از امریکا تبعید کرده شد، و این امر منجر به از بین رفتن حرکت گردید.

- بنا بر آن می‌توان گفت که این حرکت به طرف اسلام به این نظر می‌بیند که آن یک میراث روحی است که می‌تواند سیاه پوستان را از سیطره و سلطه سفیدپوستان نجات دهد و آنان را قادر به تشکیل ملتی خاص و متمیز، دارای حقوق، کسب و عزت، سازد.

### انتشار و جاهای نفوذ:

- شماره سیاه پوستان در امریکا به ۳۵ میلیون انسان می‌رسد، که از آنجمله تقریباً یک میلیون آن مسلمان است.

- مساجد خود را بنام معابد (Temples) یاد می‌کنند، و آنان فعلاً ۸۰ شعبه و شاخه در شهرهای مختلف امریکا دارند، و مدارس شان نیز بالغ بر زیاده از ۶۰ معهد، در اماکن مختلف امریکا می‌گردد، که ساعت اول درس شان همه روزه به تعلیم دین اسلام تخصیص داده شده است.

- مراکز مسلمانان سیاه پوست در دیترویت شیکاگو و واشنگتن قرار دارد، و به فکر برپا شدن دولت مستقل هستند، در مسائلی که به سیاه پوستان تعلق می‌گیرد به طور عموم کمک می‌کنند.

### مراجع:

- ۱- المسلمون الزوج في امريكا تأليف دكتور ج. اريك لنكولن - ترجمه عمر ديراوی - دار العلم للملايين - ط ۱ - بیروت - ۱۹۶۴ م.
- ۲- الإسلام في امريكا محمدیوسف شواربی - لجنة البيان العربي - قاهره - ۱۳۷۹ هـ / ۱۹۶۰ م.
- ۳- منظمة الايجا محمد الامريكية تأليف د. عبد الوهاب ابراهيم أبو سليمان - ط ۱ - دار الشروق - جده - ۱۳۹۹ هـ / ۱۹۷۹ م.
- ۴- الوجود الإسلامي في الولايات عبد الله أحمد داری - ط ۱ - مطبعة الجمعية العربية السعودية المتحدة الامريكية للثقافة و الفنون - جده - ۱۴۰۳ هـ / ۱۹۸۳ م.
- ۵- الفرق الباطنية المعاصرة في بلال فيليس - رسالة ماستري - در دانشکده تعليم و تربيه الولايات المتحدة دانشگاه ملک سعود - رياض - ۱۴۰۵ هـ / ۱۹۸۴ م.
- ۶- المسلمون تحت السيطرة محمود احمد شاکر - المكتب الإسلامي - ط ۱ - بیروت الرأسمالية ۱۳۹۷ هـ.
- ۷- المسلمون في اوروبا و امريكا د. علی منتصر الکتانی - دار ادريس - ط ۱ - الرباط - ۱۳۹۶ هـ.
- ۸- مجلة المسلمون ۱۴۰۵/۹/۲۰ - ۱۹۸۵/۶/۸ م.
- ۹- مجلة المستقبل شماره ۴۲۲ - ۱۹۸۵ م.
- ۱۰- جريدة الجزيرة السعودية شماره ۱۶۸۳ - ۱۲ محرم ۱۳۹۷ هـ - ۲ يناير ۱۹۷۷ م.
- ۱۱- جريدة اخبار العالم الإسلامي شماره ۴۷۰ - ۲۳ ربيع الاول ۱۳۹۶ هـ و شماره ۵۱۰ - ۲۰ / ۱ / ۱۳۹۷ هـ از رابطه عالم اسلامی صادر می‌شود.
- ۱۲- مجلة المجتمع كويت - شماره ۴۲۸ - ۲۸ / ۳ / ۱۳۹۹ هـ - ۳۰ مارس ۱۹۷۹ م.

## نای برث یا فرزندان عصر

.B. NAI B. RITH

### تعریف:

(بنای برث) گروهی است از پیشرفته‌ترین گروه‌های ماسونی معاصر و بازویی از بازوهای ویرانگر وی به شمار می‌رود، در اصول، مبادی و مقاصد با ماسونیه فرقی ندارد، فرقی که است آنست که عضویت این حزب خاص به افراد یهودی است، و خدمتش بخاطر تحکیم پایه‌های صهیونستی در جهان می‌باشد.

### تأسیس و افراد برازنده:

- یهودی آلمانی (هنری جونس) از شهر هامبورگ: سرپرست ده تن یهودی که به نیویارک هجرت کرده بودند، تعیین گردید و به تاریخ ۱۳/۱۰/۱۸۴۳م به تأسیس این حزب اجازه یافتند.

- از سال ۱۸۶۵م به بعد حزب می‌کوشید که در فلسطین وجودی به خود کسب کند، و در سال ۱۸۸۸م اولین محفل خود را تشکیل داد، لغت کار رسمی حزب عبرانی است، از برازنده‌ترین افرادش این‌هااند: ناحوم سوکولوف - دزنکوف - حاییم نخمان - دافیدیلین - مائیر برلین - حاییم وایزمن - جاد فرامکین.

- بخاطر ایجاد مستعمرات یهودی خرد و کوچک در فلسطین کار می‌گردند، و (موتسا) اولین قریه در نزدیک قدس بود که این‌ها در سال ۱۸۹۴م آن را تأسیس می‌گردند، بدین ترتیب اولین پایه دولت اسرائیل فعلی را آنوقت گذاشتند.

- سیجموند فروید یهودی روان شناس مشهور (۱۸۵۶ - ۱۹۳۹م)، سال ۱۸۹۵م به حزب پیوست و بر حضور در اجتماعات و محافلش مواظب بود (بحث فرویدیه را مطالعه کنید).

- در سال ۱۹۱۳م جماعتی تشکیل دادند بخاطر مقابله باهانت و تحقیری که یهودیان در جهان به آن روبرو بودند.

- فیلیپ کلوزنیک Philip kluznick وقتی که وی در دوران ریاست ایزنهاور رئیس «وفد امریکایی برای باز دید از جمعیت عامه اقوام متحده» تعیین گردید، رئیس این حزب نیز بود.

- جون فوستردالاس: وزیر خارجه ایالات متحده امریکا در سال ۱۹۵۸م، وی نصرانی پروتستانی است، در مجلسی که حزب آن را به تاریخ ۱۹۵۶/۵/۸م برگزار کرده بود وی شرکت ورزید و در آن مناسبت گفت: تمدن غرب در اساس خود بر عقیده یهودیت نسبت به طبیعت روحی انسان استوار می‌باشد، بنابراین بر دولت‌های غربی لازم است بدانند که کار جدی بخاطر دفاع از این تمدن که مرکز آن اسرائیل می‌باشد، ضروری است.

- رهبران ایالات متحده همیشه از فعالیت و کار این فرقه تمجید و توصیف می‌نمایند.

### افکار و معتقدات:

#### اول: شعارهای ظاهری و اعلان شده:

- دوستی خیر و فلاح برای انسان و کار بخاطر رفاهیت و نیکبختی انسان.
- کمک برای ناتوانان و ضعیفان، و مصیبت زده گان، امداد و تقویه بیمارستان‌های خیریه.
- افتتاح و بازگشایی مراکز برای جوانان در تمام اطراف عالم.
- دفاع از حقوق انسان.
- منع نمودن از اهانت و تحقیر یهودیان.
- توجه به مظلومین یهود.
- بالا بردن سطح تبادل نظرهای ثقافتی و توجه جدی به ضروریات فرهنگی برای طلاب یهودی آنهم از طریق مؤسسه (The Hillel Foundation).
- توجه به بخش تدریبات نیروی دریایی.
- کمک به قربانیان حوادث طبیعی.
- باز نمودن دروازه مذاکرات با مسئولین حکومت‌ها درباره حقوق شهری، هجرت، و تجاوزات.

#### دوم: اهداف حقیقی:

- این گروه گروه یهودی است و آنان جز بالا بردن یهود بخاطریکه بر تمام عالم سرداری کنند، مقصد دیگری مهم‌تر از این ندارند.
- تأیید و تقویۀ ماسونیه در تمام پروگرام‌ها و برنامه‌های ویرانگرش.
- تقویۀ وجود اسرائیل در فلسطین و تشویق دیگر یهودیان به مهاجرت به آنجا.
- کار بخاطر از بین بردن اخلاق، حکومت‌های وطنی وادیان ما سوی یهودیت.
- همکاری با ماسونیست‌ها و صهیونیست‌ها بخاطر مشتعل ساختن جنگ‌ها و فتنه‌ها، در جنگ جهانی اول نیز نقش فعالی داشتند.
- وقتی هتلر سال ۱۹۳۳م به حکومت رسید این‌ها بودند که هجوم عمومی را بالای وی طرح ریزی کردند.
- در مقدمه گذاری جنگ دوم جهانی هم این‌ها نقش فعالی داشتند.
- جمع آوری اخبار و اشغال نمودن مراکز حساس در دولت‌های مختلف، ایجاد گروه‌های داخلی و سری، و شبکه‌هایی از کارکنان به طور پنهانی.
- این گروه در زندگی امریکایی‌ها وانگلیس‌ها رخنه کرده و در امور اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی این دو کشور وجود خود را استحکام بخشیده است.
- آن‌ها در راه برآوردن اهداف ویرانگر یهودیت از مال، جنس (زن) و تبلیغات پیگیر استفاده می‌نمایند.
- سال ۱۹۶۰ م بخاطر اختطاف (ادولف اینمان) نازی مشهور کار کردند، تا وی از ارجنتین اختطاف کرده شد و به اسرائیل برده شد و به تاریخ ۱۹۶۲/۵/۳۱ م در آنجا اعدام گردید.
- مقابله با هر کسی که قصد بد گوئی یهود را نماید، و ترور نویسندگانی که به آنان تعرض نماید، تا بدین شیوه همه به هیبت و شوکت شان گردن نهند.
- گروهی است که خدمتش منحصر به افراد یهودی است، و کار به خاطر تقویه، بالا بودن و سیطرۀ آنان می‌نمایند.
- در اجتماعی که در شهر (بال) در سوئیسرا، به تاریخ ۱۸۹۷م برگذار شده بود، رئیس وفد امریکایی گروه (بنای برث) گفت: «زود است زمانی فرارسد که مسیحی‌ها خودشان از یهودی‌ها بخواهند که زمام سلطنت را بدست گیرند».
- (بنای برث) در ملل متحد نیز از وجود خویش بهره مند است، آنهم از خلال عضویتش در مجلس تنسیقی سازمان‌های یهودی.

- زمام امور تنظیم را رئیس بدوش می‌گیرد که از طرف مجلس اعلی مدت سه سال تعیین می‌شود، مجلس اعلی متشکل از سرپرست‌های مجالس محلی می‌باشد، یک لجنة اداری چندین مدیریت‌های دیگر نیز هست که در اداره سرپرستی تنظیم شرکت می‌ورزند.

### ریشه‌های فکری و اعتقادی:

- آن یک تنظیم یهودی است، و تلمود<sup>(۱)</sup> محور اصلی عقیده و فکرشان می‌باشد.  
 - پروتوکولات حکماء صهیونست رکن اساسی برنامه‌ها و اهداف شان است.  
 - مقاصد ویرانگر ماسونست‌ها امر مهمی است که باید در راه برآورده شدن آن کار کرد.

### انتشار و جاهای نفوذ:

- (بنای برت) در نیویارک تأسیس شد، و شعبات وی در ایالات متحده امریکا، بریتانیا، آلمان، و فرانسه منتشر گردید، و در این دولت‌ها جاهای قویی برای نفوذ خود یافت.  
 - شاخه‌های وی به استرالیا، افریقا و بعضی دولت‌های آسیایی ریشه دوانیده است.  
 - در مصر دو مجلس از این تنظیم برگزار گردیده، یکی از آندو مجلس ماغین دافید شماره ۴۳۶، که قانون آن به زبان عربی چاپ شده است، و دوم آن مجلس میمونت شماره ۳۶۵، است که قانونش به زبان آلمانی چاپ شده است، و در دهه شصت فعالیت آندو منع کرده شد.

### مراجع:

- ۱- الماسونیه ماهی حقیقتها، رابطة العالم الإسلامی - الامانة العامة للمجلس أسرائها، أهدافها الاعلی للمساجد - الدورة الثالثة - ۱۳۹۸هـ / ۱۹۷۸م.
- ۲- خطر اليهودية العالمية على عبد الله التل - المكتب الإسلامی - بیروت الاسلام و المسيحية و دمشق - ط ۳ - ۱۳۹۹هـ / ۱۹۷۹م.

۱- کتابی است که شرایع و احکام و سنت‌های یهودی و دستور العلماء دینی آن‌ها در آن نوشته شده است. فرهنگ جدید، ترجمه منجد الطلاب.



- ۳- حقیقة نوادي الروتاري از رساله‌های جمعیه الاصلاح الاجتماعی کویت - ط ۲- ۱۳۹۴هـ/ ۱۹۷۴م.
- ۴- الإسلام و الحركات الهدامة معالي عبد الحميد حموده - سلسله دعوة الحق - شماره ۲۵ - صادر از رابطه العالم الإسلامي - ۱۴۰۴هـ / ۱۹۸۴م.
- ۵- جذور البلاء عبد الله التل - المكتب الإسلامي بيروت و دمشق - ط ۲ - ۱۳۹۸هـ / ۱۹۷۸م.
- ۶- الصهيونية و دورها في السياسة هايان لوفر - دار الثقافة الجديدة - دمشق - ط ۱ العالمية - ۱۴۰۰هـ / ۱۹۸۰م.
- ۷- شهادات ماسونيه حسين عمر حماده - دار قتيبه - دمشق ط ۱ - ۱۴۰۰هـ / ۱۹۸۰م.
- ۸- التراث اليهودي الصهيوني د. صبري جرجس - عالم المكتب - طبع ۱۹۷۰م. في فكر الفرويدي.
- ۹- الموسوعة البريطانية ( Encyclopedia Britannica Vol ۱۹۷۶B nai B rith).



## بودایی

### تعریف:

بودایی دینی است که در قرن پنجم قبل از میلاد، بعد از دین برهمی، در هند ظاهر گردید، در ابتدای پیدایش متوجه به رعایت انسان بود، همچنانکه به تصوف، زندگی خشن، دور کردن عیش پرستی و رفاهیت، ایجاد دوستی، تسامح، و انجام دادن کارهای نیک، دعوت می نمود، ولی بعد از مردن مؤسسش دیری نگذشت که به طرف اعتقادات باطل بت پرستی تغییر کرد، و پیروانش در شخصیت مؤسس آن آنقدر افراد و غلو نمودند که وی را پروردگار و معبود پنداشتند.

### تأسیس و افراد برازنده:

- مؤسس آن سدهارتا جوتاما ملقب به «بودا» (۵۶۰ - ۴۸۰ ق م) است، «بودا» به معنای: عالم و دانشمند می باشد، وی همچنان ملقب به «سکیا مونی» بود که معنای آن معتکف است، بودا در قریه ای از حدود نیبال نشأت نمود، چون امیر بود در زندگی مترفانه و رفاه بخش بزرگ شد و در سن نوزده سالگی ازدواج نمود، چون به عمر ۲۶ رسید همسر خود را ترک نمود و روبه زهد، زندگی خشن، تأمل و فکر در کاینات، و ریاضت نفسی آورد، و به این عزم شد که باید در راه نجات انسان از دردها و آلامش که منبع آن شهوات است، کار کند، بعدا به سوی پذیرفتن نظریات و افکارش دعوت نمود، و تعداد زیادی از مردم از وی پیروی نمودند.

### افکار و معتقدات:

- بودایی ها عقیده دارند که بودا پسر خدا است، و همانا وی است که بشر را از غمها و دردهایش نجات می دهد، و از آنان تمام گناهان شان را وی به دوش می گیرد.  
- عقیده دارند که تجسد بودا توسط حلول روح القدس در «مایا» عذراء بود.  
- می گویند: وقتی بودا تولد شد باشندگان آسمان خوشحال گردیدند، وملائکه بخاطر مولود مبارک ترانه های خوشی سرودند.

- می‌گویند: حکماء بودا را می‌شناختند و اسرار لاهوت وی را درک کرده بودند، یک روزهم از ولادتش نگذشته بود که مردم وی را تحیه و سلام نمودند، بودا در حالیکه طفل بود به مادر خود گفته بود که وی بزرگ‌ترین همهٔ مردم است.
- می‌گویند: باری بودا در یکی از هیکل‌ها داخل شد و همهٔ بت‌ها وی را سجده کردند، و شیطان خواست که وی را فریب دهد و اغوا کند ولی کامیاب نشد.
- عقیده دارند که بودا در روزهای آخر تغییر کرد و بر وی نوری نازل شد که سرش را احاطه نمود و از جسدش نور بزرگی میدرخشید، و کسانی که می‌دیدندش می‌گفتند: وی بشر نیست، بلکه وی إله و پروردگار بزرگ است.
- بودائی‌ها برای بودا نماز می‌گزارند و عقیده دارند که وی آنان را داخل جنت خواهد کرد، و نمازشان در اجتماعاتی ادا می‌شود و تعداد زیادی از پیروان بودا در آن حاضر می‌شوند.
- وقتی که بودا مرد پیروانش گفتند: وی بعد از آنکه وظیفهٔ خود را در زمین انجام داد با جسد خویش به آسمان رفت.
- عقیده دارند که بودا بار دیگر به دنیا باز خواهد گشت تا امنیت و برکت را به آن باز گرداند.
- عقیده دارند که بودا یگانه موجود بزرگ ازلی است و وی از نور است غیر طبیعی، و اوست که از مردگان حساب می‌گیرد.
- عقیده دارند که بودا فرائض و وظائفی را برای بشر گذاشت که انجام آن‌ها تاروز قیامت بالای بشر ضروری است، و می‌گویند که بودا در روی زمین مملکت دینی را تشکیل داد.
- بعضی تحقیق‌کنندگان می‌گویند: بودا از الوهیت و نفس انسانی منکر بود، و قائل به تناسخ بود.
- در تعالیم بودا دعوت به سوی: محبت، تسامح، معامله به نیکی، صدقه بر فقراء، ترک ثروتمندی، ترک عیش پرستی، باعث ساختن نفس بر زندگی خشن، تحذیر از زنان و مال، ترغیب به دوری از عروسی وجود دارد.
- بالای شخص بودایی التزام به هشت چیز ضروری است تا بعد از آن بتواند بر نفس و شهوات خود غالب آید و آن هشت چیز این‌هااند:

- ۱- اقدام صحیح و درست که خالی از سلطه شهوات و لذات باشد، یعنی در وقت شروع به هرکار.
- ۲- تفکر و سنجش درست و مستقیم که متأثر از خواهشات نفسانی نباشد.
- ۳- کشف و اشراق درست و مستقیم.
- ۴- اعتقاد درستی که همراه باشد با اطمینان بر کار و عملی که انجام می‌دهد.
- ۵- توافق زبان با قلب.
- ۶- موافقت عمل با قلب و زبان
- ۷- زندگی درستی که اساس آن را ترک لذت‌ها تشکیل دهد.
- ۸- کوشش درست در راه مستقیم ساختن زندگی بر جاده علم و حق و ترک جمع آوری مال.
- در تعالیم بودا آمده که منبع بدی‌ها سه چیز است:
  - ۱- تسلیم شدن به خواهشات و شهوات.
  - ۲- نیت بد در جمع آوری اشیاء.
  - ۳- غبی و نادان بودن و عدم درک امور به وجه درستش.

### از وصایای بودا:

- ۱- زندگی هیچ زنده جان را باید از بین نبری.
- ۲- دزدی مکن، غصب مکن.
- ۳- دروغ مگو.
- ۴- به اشیاء نشه آور و مسکر نزدیک مشو.
- ۵- زنا منما.
- ۶- خوراکی که در غیر موسمش پخته شده باشد آن را مخور.
- ۷- رقص مکن و در مجالس رقص و سرود حاضر مشو.
- ۸- خوشبویی و عطریات را از خود دور دار.
- ۹- بستر نرم به خود مگیر.
- ۱۰- طلا و نقره برای خود مگیر.

### بودایی‌ها به دو بخش تقسیم‌اند:

- ۱- بودایی‌های متدین: این جماعت به همه رهنمایی‌ها و وصایای بودا پابنداند.

- ۲- بودایی‌های شهر نشین و متمدن: این‌ها فقط به بعضی از تعالیم و وصایای بودا عمل می‌نمایند.
- مردم در نظر بودا همه برابراند هیچکسی بالای هیچکسی برتری ندارد مگر به معرفت و غلبه بر خواهشات نفسانی.

### بودایی‌ها دو مذهب بزرگ دارند:

- ۱- مذهب شمالی: پیروان این مذهب درباره شخصیت بودا خیلی افراط کرده‌اند، حتی که به مرتبه خدایی وی را رسانیده‌اند.
- ۲- مذهب جنوبی: غلو و افراط، نسبت به بودا در عقاید این مذهب کم‌تر است.
- روابط شان با مسلمانان خوب است، دشمنی شدید با آنان ندارند، و برای دعوت اسلامی، میان آنان مجال خوبی وجود دارد.

### کتاب‌های بودایی‌ها:

- کتاب شان منزل از آسمان نیست و نه خودشان ادعای آن را می‌نمایند، بلکه عباراتی است مسنوب به بودا، و یا حکایاتی از افعال وی است که آن را بعضی پیروان‌هایش ثبت نموده‌اند، عبارات این کتاب‌ها، نظر به انقسام بودایی‌ها به دو بخش، از هم فرق می‌کند، کتاب‌های بودایی‌های شمال مشتمل بر خرافات زیادی است که تعلق به شخصیت بودا دارد، ولی کتاب‌های جنوب قدری از خرافات دورتراند.
- کتاب‌های شان به سه بخش تقسیم می‌شود.
- ۱- مجموعه قوانین و روش‌های بودایی‌ها.
- ۲- مجموعه خطبه‌هایی که بودا آن را ایراد نموده است.
- ۳- کتابی که مشتمل به اصول مذهب و مشتمل به افکاریست که مذهب از آن سرچشمه گرفته.

### ریشه‌های فکری و اعتقادی:

- شواهدی در دست نداریم که ثابت سازد برای مذهب بودایی ریشه‌های فکری و اعتقادی وجود دارد، ولی کسی که ادیان وضعی قبل از وی و یا معاصر وی را مطالعه کند میان آن‌ها و میان بودایی همانندی‌هایی در بعضی از جوانب میابد، مثل:
- ۱- هندویی: در قول به تناسخ و توجه به طرف تصوف.

- ۲- کنفوشیه: در عقیده توجه به انسان و رها سازی وی از دردها.
- ۳- مناسب است که مشابهت و همانندی بزرگی که میان بودایی و نصرانیت وجود دارد نیز ملاحظه کرده شود، خصوصا میان اموریکه تعلق به ولادت عیسی علیه السلام و زندگی اش و اموریکه تعلق به زندگی بودا می گیرد، و این مشابهت تأکید میناید که نصرانیت در بسیاری از معتقدات خود متأثر از بودایی است.

### انتشار و جاهای نفوذ:

- دین بودایی در میان تعداد زیادی از اقوام آسیایی پخش و منتشر گردیده است، وچنانکه قبلا گفتیم بودایی دو مذهب بزرگ دارد.
- ۱- مذهب شمالی: کتب مقدس این مذهب به زبان سنسکریتی تدوین شده و این مذهب در چین، جاپان، تبت، نیبال، و سومطره رائج است.
- ۲- مذهب جنوبی: کتب مقدس این مذهب به زبان بالی مدون می باشد، و این مذهب در برما، سیلان و سیام نفوذ دارد.

### مراجع:

- ۱- الملل و النحل ج ۲ محمد عبد الکریم شهرستانی.
- ۲- مقارنة الأديان (الدیانات القديمه) محمد أبوزهره.
- ۳- في العقاید و الأديان د. محمد جابر عبد العال الحینی.
- ۴- ( Encyclopaedia Britannca, Vol. ۱۹۷۶Press ) ( ۳ p ۳۶۹-۴۱۴).





## جماعت تبلیغ

### تعریف:

جماعت تبلیغ یک گروه اسلامی که دعوتش متوجه به تبلیغ فضائل اسلام برای هرکسی که وصول به وی ممکن باشد است، بر پیروانش لازم می‌سازد که بخشی از وقت خود را برای تبلیغ و دعوت مصرف نمایند، این جماعت بدور از تشکیلات حزبی و مسائل سیاسی است، و می‌توان گفت که این جماعت خیلی موافق به حالت مسلمانان هند می‌باشد، چون آنان در یک جامعه بزرگ اقلیت کمی را تشکیل می‌دهند.

### تأسیس و افراد برازنده:

اول: مؤسس این جماعت شیخ محمد الیاس کاندهلوی (۱۳۰۳ - ۱۳۶۴ هـ) است، وی در کاندله که قریه‌ای از قریه‌های سهارنفور هند است تولد شد، تعلیمات ابتدایی خود را در همان قریه فرا گرفت، بعد به دهلی رفت و دروس خود را در مدرسه دیوبند تکمیل نمود، مدرسه دیوبند بزرگ‌ترین مدرسه احناف در شبه قاره هند به شمار می‌رود که سال ۱۲۸۳ هـ / ۱۸۶۷ م تأسیس شده است.

### مشایخ و استاذان شیخ الیاس:

- علوم ابتدایی خود را نزد برادر بزرگ خود شیخ محمد یحیی فرا گرفت، وی در مدرسه مظاهر العلوم سهار نفوذ مدرس بود.
- شیخ رشید احمد گنگوهی (۱۸۲۹ - ۱۹۰۵ م) شیخ محمد الیاس سال ۱۳۱۵ هـ با وی بیعت طریقه نمود.
- بار دیگر بیعت خود را با شیخ خلیل احمد سهار نفوری تجدید کرد.
- با شیخ عبد الرحیم رائی فوری یکجا شد و از علوم و تربیه وی استفاده نمود.
- بعضی از علوم خود را نزد شیخ اشرف علی تهانوی (۱۲۸۰ - ۱۳۶۴ هـ) (۱۸۶۳ - ۱۹۴۳ م) فرا گرفت، وی ملقب به «حکیم الامت» است نزد آنان.
- شیخ محمود حسن (۱۲۶۸ - ۱۳۳۹ هـ) (۱۸۵۱ - ۱۹۲۰ م) که از علماء بزرگ مدرسه دیوبند و مشایخ جماعت تبلیغ بود، نیز استاذ وی می‌باشد.

### دوستان نزدیکش:

- شیخ عبد الرحیم شاه دیوبندی تبلیغی: وی زمان زیادی را در راه تبلیغ با شیخ الیاس و پسرش شیخ محمد یوسف بعد از وی صرف نموده بود.
- شیخ احتشام الحسن کاندهلوی: شوهر خواهر شیخ محمد الیاس و معتمد خاص وی، که بخش بزرگی از عمر خود را در راه پیشبرد امور جماعت و همراهی شیخ محمد الیاس سپری نمود.
- استاذ أبو الحسن علی حسنی ندوی: مدیر دار العلوم ندوة العلماء لکهنو هند، و نویسنده بزرگ اسلام، وی خیلی روابط محکمی با جماعت تبلیغ داشت.
- دوم:** شیخ محمد یوسف کاندهلوی (۱۳۳۵هـ/۱۹۱۷-۱۹۶۵م)، وی پسر شیخ محمد الیاس و جانشین وی می‌باشد، در دهلی تولد شده و در طلب علم خیلی سفر نموده است، و بعد از طلب علم بخاطر دعوت و نشر آن سفرهای زیادی کرده، چندین بار به سعودی مسافرت نموده و از پاکستان با هر دو بخشش چندین بار بازدید نموده بود، در لاهور وفات نمود و جسدش از آنجا نقل داده شد و در جوار پدرش در نظام الدین دهلی دفن گردید.
- وی کتاب «امانی الأحبار» شرح معانی الآثار طحاوی، و کتاب مشهورش «حیات الصحابه» را تألیف کرده است، و پسری از خود بجا گذاشت به بنام «شیخ محمدهارون» که وی منهج و طریقه پدر را تعقیب می‌نماید.
- شیخ محمد زکریا کاندهلوی (۱۳۱۵-۱۳۶۴هـ/۱۹۴۴م)، وی پسر کاکا و شوهر خواهر شیخ محمد یوسف است، تربیه و رهنمایی شیخ یوسف را نیز وی بدوش داشت، وی را به ریحان هند و برکت عصر توصیف می‌کردند، شیخ الحدیث و ناظر اعلی جماعت بود، فعلا در صفوف جماعت فعالیت می‌نماید.
- شیخ محمد یوسف بنوری: مدیر و شیخ الحدیث مدرسه عربیه در نیوظاون کراچی و مدیر مجله ماهانه اردو زبان، و از علماء جماعت، و نیز عضو پارلمان مرکزی پاکستان بود.
- مولوی غلام غوث هزاروی: از علماء جماعت، و نیز عضو پارلمان مرکزی پاکستان بود.

- مفتی محمد شفیع حنفی: (مفتی اعظم پاکستان) مدیر مدرسه دارالعلوم لاندھی کراچی، و جانشین حکیم الامه اشرف علی تھانوی و از جمله علماء جماعت التبلیغ.
- شیخ منظور احمد نعمانی: از علماء جماعت، و از یاران شیخ زکریا، و دوست استاذ ابوالحسن ندوی، و از جمله علماء دیوبند بود.
- سوم:** انعام الحسن: وی امیر سوم جماعت است که بعد از وفات شیخ محمد یوسف این وظیفه را بدوش گرفت و تا الحال برین منصب قرار دارد، وی با شیخ محمد یوسف، در درس و سفرهایش همراه بود، بناء آندو در سن باهم نزدیک و در حرکت و دعوت باهم مشابه بودند.
- شیخ محمد عمر بالنبوری: از همراهان شیخ انعام و مشاورین نزدیک وی بود.
- شیخ محمد بشیر: امیر جماعت در پاکستان، مرکز عمومی شان در پاکستان «ریوند» است که در اطراف لاهور قرار دارد.
- شیخ عبد الوهاب: یکی از مسئولین بزرگ مرکز در پاکستان.

### افکار و معتقدات:

- مؤسس این جماعت برای جماعت شش اصل مقرر نموده و آن را اساس دعوت خویش گردانیده است، و آن شش اصل عبارت‌اند از:
  - ۱- کلمه طیبہ لا إله إلا الله محمد رسول الله.
  - ۲- اقامت و برپا داشتن نمازها.
  - ۳- علم و ذکر.
  - ۴- اکرام هر مسلمان.
  - ۵- اخلاص.
  - ۶- خروج و برآمدن در راه خداوند ﷺ.

### طریقه و روش در نشر دعوت شان قرار ذیل است:

- ۱- چند فردی از ایشان خود را برای دعوت یکی از قریه‌ها نامزد می‌نمایند، بعد هر کدام ازین افراد برای خود فرش خواب بسیطی و به اندازه کفایت توشه و مصرف می‌گیرد، ولی باید غالباً خوراک شان خشن و بدور از تنعم باشد.

۲- وقتی که به قریهٔ مطلوب رسیدند خود را تنظیم نموده بعضی شان مؤظف به تنظیف مکان اقامت شان می‌شوند، و افراد باقیمانده به کوچه و بازار و دکان‌های قریه ذکر کنان گردش می‌کنند و مردم را به شنیدن تبلیغ و یا (بیان) طوری که خود شان می‌گویند دعوت می‌نمایند.

۳- هنگامیکه وقت بیان فرا رسید همهٔ شان بخاطر شیدن آن جمع می‌شوند، بعد از ختم بیان کسانی که حاضراند آنان را به چند بخش تقسیم می‌کنند و حلقه حلقه می‌سازند، و هر دعوتگر برای بخشی از آنان وضوء را، یا سوره فاتحه را یا نماز را یا تلاوت قرآن کریم را و یا... تعلیم می‌دهد و این کار را چند روز تکرار می‌کنند.

۴- قبل از آنکه مدت اقامت شان در همانجا به پایان برسد مردم را به طرف خروج و برآمدن فی سبیل الله بخاطر رسانیدن دعوت برای دیگران، و بخاطر عملی ساختن این قول خداوند ﷻ: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ﴾ [آل عمران: ۱۱۰] دعوت می‌نمایند، بعد اشخاصی خود را برای همراهی آنان به مدت یک روز یا سه روز یا یک هفته یا یکماه و یا... نامزد می‌نمایند، هر کس به اندازهٔ توان و امکانات و فارغ بودنش.

۵- بخاطری که از امور دعوت و ذکر به چیز دیگر مشغول نشوند و بخاطریکه عمل شان خالص فی سبیل الله باشد هیچ نوع دعوت اهل قریه را به سوی طعام و غیره نمی‌پذیرند.

۶- به طرف ازالهٔ منکرات (نهی از منکر) توجه نمی‌نمایند و به این عقیده هستند که فعلاً مرحلهٔ ایجاد یک جو و فضاء مناسب برای زندگی اسلامی است، و قیام به کار «ازالهٔ منکرات» موانع و عقباتی را در راه دعوت ایجاد می‌نماید و مردم را از آنان متنفر می‌سازد.

۷- به این فکراند که وقتی هر فرد را جدا جدا اصلاح نمودند منکرات خود به خود از جامعه دور می‌شود و از بین می‌رود.

۸- خروج و تبلیغ و دعوت مردم برای خود داعی نیز از امور تربیوی به شمار می‌رود، زیرا وقتی وی مردم را دعوت می‌کند خودش احساس می‌نماید که من به حیث پیشوای مردم هستم بنا بر آن باید آنچه مردم را به سوی آن دعوت می‌کنم اول خودم آن را عملی نمایم و به آن ملتزم باشم.

- تقلید مذاهب را واجب می‌دانند، و از اجتهاد منع می‌نمایند، البته بدلیل اینکه شروط مجتهدی که برایش حق اجتهاد است در علماء این زمان مفقود می‌باشد.
- از طریقه‌های صوفیه که در هند موجود است متأثراند، بنابراین برخی از امور که صوفی‌ها بر آن متصف‌اند بالای این‌ها هم تطبیق می‌شود، از قبیل:
- ۱- برای هر مرید شیخی ضروری است که با وی بیعت کند، و کسی که بمیرد و در گردنش بیعتی نباشد همچون شخص جاهل (کافر) مرده است، بسا اوقات بیعت برای شیخ در محضر عام صورت می‌گیرد، که در آن مجلس چادرهای کلان کلان که یکی با دیگری متصل می‌باشد بالای مردم پهن کرده می‌شود، و کلمات بیعت را به طور دست جمعی تکرار می‌نمایند، و این کار در میان جمعیت زنان نیز صورت می‌گیرد.
  - ۲- مبالغه در دوستی شیخ و همچنان افراط در دوستی و محبت پیامبر ﷺ گاهی آنان را از ادبی که باید آن را در مقابل پیامبر ﷺ مراعات کرده، شود خارج می‌سازد.
  - ۳- برای رؤیا و خواب دیدن ارزشی قائل می‌شوند که آن را به مقام حقیقت می‌نشانند، حتی این رؤیاها قاعده‌ای تلقی می‌شود که بران امور را طرح زبری می‌نمایند و اثری بر مسیر دعوت می‌گذارد.
  - ۴- معتقداند که تصوف نزدیک‌ترین راه برای درک کردن حلاوت ایمان در قلب است.
  - ۵- نام‌های صوفیان بزرگ ورد زبان شان است، مثل: (عبد القادر جیلانی متولد در جیلان سال ۴۷۰هـ، سهروردی، أبو منصور ماتریدی متوفی سال ۳۳۲هـ و جلال الدین رومی متولد سال ۶۰۴هـ صاحب کتاب مثنوی).
- روش شان بر ترغیب و ترهیب و تأثیر عاطفی استوار است، و توانسته‌اند تعداد زیادی را که غرق در شهوت پرستی و منغمس در گناه بودند از آن حالت خارج نموده، به طرف ایمان، عبادت، ذکر و تلاوت قرآن کریم بکشانند.
- در سیاست حرف نمی‌زنند و افراد خود را نیز از آن منع می‌نمایند و نمی‌گذارند در مشکلات آن داخل شوند، و بالای هر کسی که در سیاست دست می‌زند انتقاد می‌نمایند، شاید اختلاف اساسی هم میان ایشان و میان جماعت اسلامی همین نقطه باشد، زیرا جماعت اسلامی مقابله را با دشمنان اسلام در قاره هند ضروری می‌داند.

### بعضی ملاحظات و انتقادات بالای آنان:

- ایشان توسعه افقی و کمی پیدا می‌کنند، نه توسعه نوعی، زیرا تفوق و توسعه نوعی محتاج به دوام تربیه افراد است، و این امریست که در این جماعت وجود ندارد، زیرا افرادی که اینان وی را دعوت می‌کنند گاهی چنین هم می‌شود که دیگر هزگر باوی یکجا نمی‌شوند، و این فرد یا افراد نظر به تأثیر فریب زندگانی و فتنه‌های آن باردیگر به روشی که بودند باز می‌گردند.
- ایشان به طور منظم در تنظیم واحدی قرار ندارند بلکه میان افراد و داعیانش علاقه‌هایی وجود دارد که استوار بر تفاهم و دوستی می‌باشد.
- کارشان برای جاری ساختن احکام اسلامی در زندگی مردم کافی نیست، همچنان کارشان برای مقابله با موج‌های فکری دشمنان اسلام که با همه توان خود بخاطر مقابله و جنگ با اسلام و مسلمانان آماده می‌شوند، کفایت نمی‌کند.
- تأثیر کارشان بالای افرادی است که به مساجد رفت و آمد دارند، اما کسانی که دارای افکار و اعتقادات مختلف‌اند [و به مساجد نمی‌روند] تأثیرشان بالای اینگونه افراد نزدیک به هیچ است.
- گفته می‌شود که: آنان بخشی از اسلام را گرفته‌اند و بخش دیگر آن را ترک کرده‌اند، و این تقسیم و تجزی خود منافی باطبیعت یکپارچه اسلام است.

### ریشه‌های فکری و اعتقادی:

- این جماعت یک جماعت اسلامی است که مأخذهای اصلی آن قرآن کریم و سنت پیامبر ﷺ می‌باشد، و طریقه‌اش طریقه اهل سنت و جماعت است.
- از بعضی طریقه‌های صوفی‌ها نیز متأثراند مثل طریقه چشتیه که موجود در هند است، و برای صوفیان بزرگ در تعلیم و تربیه خود اعتبار خاصی قائل‌اند.
- بعضی‌ها معتقداند که این جماعت افکار خود را از جماعت نور ترکیه اخذ نموده است.

### انتشار و جاهای نفوذ:

- دعوتشان درهند شروع شد و در پاکستان و بنگلادیش نشر گردید، و به عالم اسلامی و عربی منتقل شد، در سوریه، اردن، فلسطین، لبنان، مصر، سودان، عراق و حجاز پیروانی یافتند.

- در اکثر بلاد عالم دعوت شان نشر گردیده، از قبیل اروپا، امریکا، آسیا، و افریقا، و در زمینه دعوت غیر مسلمانان به سوی اسلام، در اروپا و امریکا کوشش‌های بارزی کرده‌اند.
- مرکز عمومی شان در نظام الدین دهلی است و از همانجا امور دعوت را در عالم سرپرستی می‌کنند.
- در بخش تمویل مالی، بالای خود داعیان اعتماد می‌نمایند [یعنی هر داعی مصرفش را خودش می‌پردازد] کمک‌های متفرقه دیگری هم از بعضی ثروتمندان وجود دارد، که یا مستقیماً می‌باشد و یا مصرف بعضی داعیان را به دوش می‌گیرند.

### مراجع:

- ۱- حیات الصحابة شیخ محمد یوسف کاندهلوی - دار القلم - دمشق - ط ۲ - ۱۴۰۳هـ / ۱۹۸۳م.
- ۲- جماعة التبلیغ عقیدتها وافکار میان محمد اسلم پاکستانی، بحثی است که در مشائخ‌ها سال درسی ۱۳۹۶، ۱۳۹۷هـ به دانشکده شرعیات جامعه اسلامیة مدینه منوره پیش کرده شده بود.
- ۳- الطريق إلى جماعة المسلمين حسن بن محسن بن علی بن جابر - دار الدعوة - کویت - ط ۱ - ۱۴۰۵هـ / ۱۹۸۴م.
- ۴- الموسوعة الحركية فتحی یکن - دار البشیر - عمان - اردن - ط ۱ - ۱۴۰۳هـ / ۱۹۸۳م.
- ۵- مشکلات الدعوة و الداعية فتحی یکن - مؤسسة الرسالة - بیروت - لبنان - ط ۳ - ۱۳۹۴هـ / ۱۹۷۴م.
- ۶- السراج المنیر دکتور تقی الدین هلالی.
- ۷- الدعوة الإسلامية فريضة دكتور صادق امين - جمعية عمال شرعية وضرورة بشرية. المطابع التعاونية - عمان - اردن - ۱۹۷۸م.





## تجانیہ

### تعریف:

تجانیہ یک فرقة صوفی مشرب است که پیروان آن به تمام افکار و معتقدات صوفیہ عقیدہ مند می باشند، و علاوه بر آن عقاید خاصی نیز دارند مانند: ممکن بودن ملاقات مادی و حسی در همین دار دنیا، با پیامبر خدا ﷺ و اینکه پیامبر ﷺ برای آنان درود «الفتاح لما أعلق» را تعلیم داده است، این درود نزد ایشان از عظمت و شأن خاصی برخوردار می باشد.

### تأسیس و افراد برازنده آن:

- مؤسس آن أبو العباس احمد بن محمد بن مختار بن احمد بن محمد سالم تجانی است، که در سال های (۱۱۵۰ - ۱۲۳۰هـ) (۱۷۳۷ - ۱۸۱۵م) زندگی نموده و تولدش در قریه (عین ماضی) بوده، این قریه از قریه های الصحراء متعلق الجزایر فعلی می باشد.

- علوم شرعی را فرا گرفت و به مناطق: فاس، تلمسان، تونس، قاهره، مکه، مدینه، و وهران سفر نموده بود.

- طریقه خود را سال (۱۱۹۶هـ) در قریه أبو سمغون ایجاد نمود و مرکز اولی این طریقه قریه فاس بود که از همان جا به تمام افریقا انتشار یافت.

- از مشهورترین آثارش که از خود به جا گذاشت یکی برج تجانی است که در فاس موقعیت دارد، و دومی کتابش است بنام «جواهر المعانی و بلوغ الامانی فی فیض سیدی أبو العباس التجانی»، این کتاب را شاگرد تجانی علی حرازم جمع آوری نموده است.

### افراد مشهورشان بعد از مؤسس:

- علی حرازم أبو الحسن بن العربی برادة المغربی الفاسی، وی در مدینه منوره وفات نمود.

- محمد بن المشری الحسنی السابحی السباعی (وفات ۱۲۲۴هـ) صاحب کتاب «الجامع لما افترق من العلوم» و کتاب «نصرة الشرفاء في الرد علي اهل الجفاء».

- احمد سکیرج العیاشی (۱۲۹۵- ۱۳۶۳هـ) در فاس تولد شده، و در مسجد القرویین درس خواند و همانجا مدرس تعیین گردید، وظیفه قضا را نیز بدوش گرفت و از یکتعداد شهرهای مغرب بازدید بعمل آورد، وی کتابی دارد بنام «الکوکب الوهاج سنة ۱۳۱۸هـ» و نیز کتاب دیگری بنام «کشف الحجاب عن تلاقی مع سیدی احمد التجانی من الأصحاب».

- عمر بن سعید بن عثمان الفوتی السنغالی، سال (۱۷۹۷م) در قریه «الفار» که از قریه‌های دیمار در سنغال است، تولد شده، علوم خویش را در الأزهر فرا گرفت، وقتی به وطن خود بازگشت کرد شروع به نشر کردن علوم خود در میان بت پرستان نمود، و در مقابله و مقاومت بر ضد فرانسوی‌ها کوشش‌های قابل ملاحظه‌ای نموده بوده، در سال (۱۲۸۳هـ) وفات کرد، و دو نفر از پیروانش جانشین وی گردیدند، مهم‌ترین کتاب‌هایش همانا کتاب «رمح حزب الرحیم علی نحور حزب الرجیم» است که آن را سال (۱۲۶۱هـ/ ۱۸۴۵م) نوشته است.

- محمد الحافظ بن عبد اللطیف بن سالم الشریف الحسنی التجانی المصری (۱۳۱۵- ۱۳۹۸هـ) وی رهبر تجانی‌ها در مصر بود واز خود کتاب خانه‌ای بجا گذاشت که فعلا در برج تجانی در قاهره موجود است، وی کتاب‌هایی دارد بنام‌های: «الحق فی الحق والخلق» و «الحد الأوسط بین من أفرط ومن فرط» و «شروط طریقه التجانیة»، همچنان در سال (۱۳۷۰هـ/ ۱۹۵۰م) مجله‌ای را بنام «طریق الحق» پایه گذاری کرد.

### افکار و معتقدات:

- به اعتبار اصل آنان ایمان به الله ﷻ دارند.
- آنان به اموریکه دیگر صوفیان عقیده دارند معتقدند که از آنجمله است ایمان به وحدة الوجود (جوهر المعانی ۲۵۹/۱ را مطالعه کنید) و عقیده (فناء) که آن را وحدة الشهود می‌نامند (همچنان جوهر المعانی ۱۹۱/۱ را مطالعه کنید).
- غیب را به دو بخش تقسیم می‌کنند: غیب مطلق که دانستن و علم آن خاص به خداوند است، دوم غیب مقید که آن از بعضی مخلوقات غائب است و از بعض دیگر نیست.

- معتقدند که مشائخ ایشان غیب را می‌دانند چه رسد به پیامبران علیهم السلام که آنان به طریق اولی می‌دانند، دربارهٔ شیخ و رهبرشان احمد تجانی می‌گویند: «... از جمله کمالات وی علیه السلام و شدت بصیرت وی و فراست نورانیش، بصیرتی که به مقتضای آن در معرفت احوال همصحبتان و غیره از قبیل ظاهر ساختن چیزهای پوشیده و اخبار از غیبات و دانستن عواقب امور و حاجات و دیگر اموری که برین‌ها مرتب می‌شود از مصالح و آفات و دیگر امور واقع شدنی» جواهر المعانی ۶۳/۱ را مطالعه کنید.

- رهبرشان احمد تجانی ادعا می‌کند که وی با پیامبر صلی الله علیه و آله ملاقات نموده یعنی ملاقات حسی و مادی و با وی مشافهه صحبت نموده، و از پیامبر صلی الله علیه و آله درود «الفتاح لما أغلق» را آموخته است.

- لفظ درود مذکور چنین است: «اللهم صلی علی سیدنا محمد الفاتح لما أغلق و الخاتم لما سبق، ناصر الحق بالحق الهادی إلى صراطك المستقیم و علی آله حق قدره و مقدره العظیم» آنان دربارهٔ این درود اعتقاداتی دارند که بعضی از آنان را ذکر می‌نماییم:

\* پیامبر صلی الله علیه و آله به وی یعنی به احمد تجانی گفته است که یکبار خواندن این درود معادل به شش بار خواندن قرآن است.

\* پیامبر صلی الله علیه و آله بار دیگری به وی خبر داده و گفته که یکبار خواندن این درود معادل مساوی به شش هزار بار خواندن قرآن و هر ذکر و دعای بزرگ و کوچک دیگر است (جواهر المعانی ۱۳۶/۱).

\* این فضیلت به خداندن این درود حاصل نمی‌شود مگر برای کسی که اجازه خواندن داشته باشد، یعنی اجازه‌ای که سلسله وار از احمد تجانی رسیده باشد.

\* این درود از جمله کلام خداوند متعال است مثل احادیث قدسی «الدرة الفریدة» ۱۲۸/۴.

\* کسی که ده بار درود فاتح را تلاوت کند چنان اجر و ثوابی را نصیب می‌شود که اگر شخص عارف بالله [خداشناس و عابد] یک میلیون سال زندگی کند ولی این درود را تلاوت نکند به ثواب و اجر آن نمی‌رسد.

\* کسی که یکبار این را خواند تمام گناهانش بخشیده می‌شود و هموزن شش هزار تسبیح و ذکر و دعاء برایش پاداش داده می‌شود... «کتاب مشتهی الخارف الجانی ۲۹۹-۳۰۰».

- یکی از انتقاداتی که بالای شان وارد می‌شود اینست که آنان مطابق میل و دلخواه شان امور کوچک را بزرگ و امور بزرگ را کوچک جلوه می‌دهند که این کار باعث شده تا تکاسل و تهاون در ادای عبادات میان شان شائع گردد و رواج یابد، زیرا آنان اجرها و پاداش‌های بزرگ و زیادی را توسط کم‌ترین عمل که یکی از ایشان انجام می‌دهد، حاصل می‌دانند.

- می‌گویند که برای آنان خصوصیتی است که ایشان را در روز قیامت از دیگر افراد بشر بالا و بلند می‌سازد، و از آنجمله خصوصیات است:

\* سكرات و شداید موت بر آنان تخفیف می‌شود.

\* خداوند ایشان را در سایهٔ عرش خود سایه می‌کند.

\* برای شان برزخی است که خاص خودشان بوده در سایهٔ آن زندگی می‌نمایند.

\* ایشان [به پندار خود شان] نزد دروازهٔ جنت همراه با کسانی که در امن وامان هستند، قرار می‌داشته باشند و همراه با گروه اول داخل جنت می‌شوند یعنی همراه با محمد ﷺ و یاران مقرب وی [ﷺ].

\* می‌گویند که پیامبر ﷺ احمد تجانی را از توسل به اسماء الله الحسنی منع نموده و به توسل به درود «الفاتح لما أغلق» امر کرده است؛ و این عقیده مخالف با صریح ایهٔ کریمه است ﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا﴾ [الأعراف: ۱۸۰] یعنی برای خداوند ﷻ اسماء حسنی است پس شما وی را توسط همین اسماء حسنی دعاء کنید.

- بر پیامبر ﷺ افترا می‌بندند که وی بخشی از وحی پروردگار را که به او وحی شده بود پنهان کرده بود تا آنکه وقت اظهارش فرا رسید و آن را به شیخ شان احمد تجانی اظهار و بیان نمود، که از آن جمله است درود «الفاتح لما أغلق» که قبلا ذکر گردید، این قول مخالف با این گفتهٔ خداوند ﷻ است: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ...﴾ [المائدة: ۳] یعنی امروز دینتان را تکمیل نمودم.

- آنان مثل دیگر طرق صوفیه توسل را به ذات پیامبر ﷺ و بنده‌های صالح خداوند ﷺ جاز می‌دانند، و از ایشان و از شیخ عبد القادر جیلانی و از خود احمد تجانی استمداد می‌جویند، و این کاری است که شریعت خداوند حکیم از آن منع نموده است.
- در کتب شان القاب صوفیان، بسیار ذکر می‌شود مثل: نجباء، تقباء، ابدال، اوتاد، و کلمه غوث و قطب نزد ایشان مرادف است و آن نزد ایشان عبارت از همان انسان کاملی است که توسط وی خداوند نظام وجود را حفظ می‌نماید.
- می‌گویند: مثلیکه پیامبر ﷺ خاتم الانبیاء است احمد تجانی خاتم الاولیاء می‌باشد.
- احمد تجانی می‌گوید: «کسی که مرا دید داخل جنت می‌شود» همچنان می‌گوید: کسی که برایش دیدار وی در روزهای جمعه و دوشنبه حاصل شود داخل جنت می‌شود، و به اتباع خود تأکید می‌گوید که خود پیامبر خدا ﷺ برای وی و اتباعش جنت را تضمین نموده که بدون حساب و عقاب به آن داخل شوند.
- از احمد تجانی نقل می‌کنند که گفته است «تمام چیزهایی که برای هر عارفی داده شده باشد برای من نیز داده شده است».
- همچنان این قولش را نقل کرده‌اند «اگر گروهی از پیروانش با اقطاب امة محمد ﷺ وزن کرده شوند اقطاب برابر با یک موی یک فرد ایشان نمی‌شوند چه رسد به خود وی».
- و این قولش نیز: تمام اولیائی که از دور خلق آدم تا نفع صور بوده‌اند و می‌باشند این هر دو پای من بر گردن ایشان است.
- ایشان وردی دارند که آن را صبح و بیگاه می‌خوانند، و وظیفه ای که روزی یکبار خوانده می‌شود، صبح و یا بیگاه، و ذکری که روز جمعه بعد از عصر منعقد می‌شود و منتهی به غروب می‌باشد و این ذکر و وظیفه ضرورت به طهارت دارند، ایشان وردهای متعدد دیگری نیز دارند که به مناسبت‌های گوناگون خوانده می‌شوند.
- کسی که وردی را وظیفه گرفت باید به آن ملتزم باشد و جاز نیست که از آن تخلف ورزد، اگر تخلف نمود و ترک کرد هلاک می‌شود و عذاب بزرگ نصیبش می‌گردد.

- احمد تجانی خود را در روز قیامت، در مقام نبوت جا داده است، چون می‌گوید: «روز قیامت برای من منبری از نور گذاشته می‌شود، و منادی ندا درمیدهد و آن ندا را تمام کسانی که در موقف‌اند می‌شنوند: ای اهل موقف این همان پیشوای شما است که از وی استمداد می‌جستید بدون اینکه بدانید» الافادة الاحمدية ص ۷۴ را نظر کنید.

### ریشه‌های فکری و اعتقادی:

- در این هیچ شک نیست که اکثر افکارش همانا نظریات صوفیان است، ولی چیزی از نزد خود بر آن‌ها افزوده است.
- از کتب عبد القادر جیلانی، ابن عربی، حلاج و دیگر اعلام متصوفه آراء خود را اخذ نموده است.
- در دوران تشکیل این طریقه قبل از تأسیس آن با تعدادی از مشائخ صوفیان ملاقات نمود و از آنان اجازه و اورادی اخذ کرد که از بارزترین این طریقه‌ها قادریه و خلوتیه است.
- از کتاب «المقصد الأحمدي في التعريف بسيدنا أبي عبد الله أحمد» که از تألیف أبو محمد عبد السلام ابن طیب قادری حسینی می‌باشد، استفاده نموده است، این کتاب سال ۱۳۵۱هـ در فاس طبع شده.
- انتشار جهل و نادانی میان مردم تأثیر بزرگی در پخش و گسترش این طریقه داشت.

### انتشار و جاهای نفوذ:

- ابتدا از فاس شروع شد و رو به گسترش نهاد تا آنکه به خود اتباع زیادی در بلاد مغرب، سودان غربی (سنغال) نیجیریا، افریقای شمالی، مصر، سودان و دیگر مناطق افریقای پید کرد.
- صاحب کتاب «التجانیه» که علی بن محمد است، اندازه این گروه را در سال ۱۴۰۱هـ / ۱۹۸۱م تنها در نیجیریا زیاده از ده میلیون قلمداد می‌نماید.

مراجع:

- ۱- الهدية الهادية الى الطائفة التجانية دكتور محمد تقى الدين هلالى - دار الطباعة الحديثة بالدار البيضاء - ط ۲ - ۱۳۹۷ھ/۱۹۷۷م.
- ۲- كتاب مشتہي الخارف الجاني محمد الخضر ابن سيدي عبد الله بن مايي جكني في رد زلقات التجاني الجاني الشنقيطي - طبع در مطبعه دار احياء الكتب العربية در مصر.
- ۳- التجانية علي بن محمد دخيل الله - نشر و توزيع دار طيبه - رياض - دار مصر للطباعة - ۱۴۰۱ھ / ۱۹۸۱م.
- ۴- الأنوار الرحمانية هداية الفرقة عبد الرحمن بن يوسف افريقي - ط ۴ - توزيع التجانية الجامعة الإسلامية در مدينه منوره - ۱۳۹۶ھ / ۱۹۷۶م.
- ۵- جواهر المعاني و بلوغ الاماني في جمع و ترتيب آن را على حرازم نموده، (اين كتاب فيض سيدي ابى العباس التجاني، در دو جز چاپ شده) - مطبعه مصطفى بابي و در خواشى آن رماح حزب حلبى و پسرانش در مصر - ۱۳۸۰ھ - ۱۹۶۱م. الرحيم على محور حزب الرجيم
- ۶- المقصد الأمد في التعريف بسيدنا ابو محمد عبد السلام بن طيب قادرى حسيني - مطبعه ابى عبد الله احمد حجرى در فاس - طبع سال ۱۳۵۱ھ.
- ۷- الدررة الخريدة شرح الياقوتة الفريدة محمد فتحا بن عبد الواحد سوسي نظيفي - طبع سال ۱۳۹۸ھ / ۱۹۷۸م.
- ۸- بغية المستفيد شرح منية المرید محمد العربي سائح - دار العلوم للجميع - ۱۳۹۳ھ / ۱۹۷۳م.
- ۹- أقوي الأدلة و البراهين على أن حسين حسن طابى تجانى آن را جمع نموده است - أحمد التجاني خاتم الأقطاب دار الطباعة المحمديه - قاهرة. المحمدين ييقين
- ۱۰- شماره هائى از مجله طريق الحق اين مجله مخصوص به طريقت تجانى است و در قاهره نشر مى شود.





## حزب تحریر

### تعریف:

حزب تحریر یک حزب اسلامی و سیاسی است که ترکیب دعوتش بر واجب بودن اعاده خلافت اسلامی می‌باشد، و فکر را یگانه مؤثر قوی در تغییر نظام می‌داند، از این حزب اجتهادات و فتوهای شرعی نیز صادر شده که آن‌ها باعث انتقاد جمهور علماء مسلمانان بالای این حزب گردیده است.

### تأسیس و افراد برازنده:

- مؤسس حزب شیخ تقی الدین نبهانی (۱۹۰۹ - ۱۹۷۹م) فلسطینی می‌باشد که در قریه اجزم قضاء حیفا تولد شده، دروس ابتدائی خود را در قریه فرا گرفت، بعد به الأزهر پیوست و علوم خویش را در قاهره تکمیل کرد، بعدا به فلسطین بازگشت و در تعدادی از شهرهای فلسطین به حیث مدرس و بعد از آن به حیث قاضی کار نمود.
- در اثر حادثه ۱۹۴۸م. وی با فامیلش فلسطین را به قصد بیروت ترک گفت.
- بعدا در محکمه استیناف شرعی در بیت المقدس به حیث عضو تعیین گردید، و بعد از آن به حیث مدرس در دانشکده اسلامی در عمان ایفاء وظیفه نمود.
- در سال ۱۹۵۲م حزب خود را تأسیس کرد و بخاطر ریاست آن از دیگر کارها خود را فارغ ساخت و درین دور کتب و نشریه‌هایی به نشر رسانید که آن‌ها من حیث المجموع منبع فرهنگی و ثقافتی حزب شناخته می‌شوند، بین اردن، سوریه و لبنان رفت و آمد می‌کرد تا آنکه در بیروت وفات کرد و در همانجا دفن گردید.
- شناخت افراد برازنده این حزب خیلی مشکل است البته بخاطریکه اختفاء و پنهان کاری در امور حزبی در این حزب خیلی معمول است.
- بعد از وفات نبهانی، عبد القدیم زلوم به حیث رئیس حزب تعیین گردید، وی در شهر الخلیل در فلسطین تولد شده، و نیز مصنف کتاب «هكذا هدمت الخلافة» می‌باشد.

- بنابر پیشنهادی که آن را هر یک: علی فخر الدین - طلال بساط - مصطفی صالح - مصطفی نحاس و منصور حیدر تقدیم نموده بودند شاخه‌ای برای حزب در لبنان به تاریخ ۱۳۷۸/۱۰/۱۹ هـ تشکیل گردید.
- شیخ احمد داعور: وی مسئول شاخهٔ حزب در اردن بود، سال ۱۹۶۹ م بعد از اقدام حزب بخاطر بدست گرفتن قدرت و حکومت گرفتار شد و محکوم به اعدام گردید، ولی بعداً حکم اعدام لغو گردید.
- در ماه اغسطس ۱۹۸۳ م از تقدیم (۳۲) نفر از افراد حزب برای محاکمه در مصر خبر داده شد، و اعلان گردید که این‌ها که متهم به کودتا و تغییر نظام هستند رهبران شان اشخاص آتی الذکراند: عبد الغنی جابر سلیمان «مهندس» صلاح الدین محمد حسن «دکتور در کیمیا» که هر دو در نمسا اقامت داشتند، کمال أبو لحيه فلسطینی «دکتور در الکترونیات» مقیم در آلمان، و علاء الدین عبد الوهاب حجاج «محصل در جامعه قاهره».
- عبد الرحمن المالکی: از سوریه است و از اشخاص رهبری حزب به شمار می‌رود، وی صاحب کتاب «العقوبات» می‌باشد.

### افکار و معتقدات:

- دعوت شان خارج از این نیست که ایشان گروهی از گروه‌های اسلامی و دارای مفکرهٔ اهل سنت و جماعت می‌باشند.
- مقصود و مراد شان بازگشت زندگی اسلامی از طریق برپا ساختن دولت اسلامی اولاً در مناطق عربی و بعد از آن در سائر مناطق اسلامی می‌باشد، و بعد از آن کار دعوت توسط امت مسلمان به ممالک غیر اسلامی رسانیده خواهد شد.
- امتیاز و علامهٔ اصلی که حزب به آن متصف می‌باشد همانا توجه جدی و بزرگ حزب به جانب ثقافت و فرهنگ، و اعتماد وی است بر همین جانب در تکوین شخصیت مسلمان اولاً و امت مسلمان آخراً، و حزب بر بالا بردن ناحیهٔ ثقافتی در افراد منسوب به حزب خیلی کوشا می‌باشد.
- حزب خیلی توجه جدی به باز گردانیدن اعتماد بر اسلام دارد، چه از ناحیهٔ عمل ثقافتی و فرهنگی و چه از ناحیهٔ کارهای سیاسی، طریق عمل ثقافتی و کار سیاسی قرار ذیل است:

۱- عمل ثقافتی و فرهنگی: این عمل از طریق بافرهنگ ساختن میلیون‌ها مردم به ثقافت مجتمع و ثقافت اسلامی می‌باشد، و این عمل بالای حزب لازم می‌سازد که در جلوی مردم عام قرار گرفته برای مناقشه، جواب سوال‌ها دفع شکوک و شبهه‌ها و تأییدات شان آماده باشد تا آنان را در داخل اسلام ذوب نماید، (از کتاب مفاهیم اساسیه ص ۸۷).

۲- عمل سیاسی چنین است که در رصد و انتظار حوادث می‌باشند و حوادث و واقعات را طوری توجیه می‌نمایند که به صحت افکار اسلام و صدق اعتقاداتش دلالت نماید و بدین وسیله نزد میلیون‌ها انسان اعتماد و ثقه بر اسلام پیدا می‌شود (نداء حار ص ۹۶).

- حزب فلسفهٔ وصول خود را به هدف چنین توجیه می‌نماید: «در هر مجتمع انسان‌ها در میان دو دیوار بلند زندگی می‌نمایند: دیوار عقیده و مفکوره و دیوار نظام‌هایی که علاقه‌ها و امور زندگی مردم را انسجام می‌بخشد، بنابراین هرگاه خواسته شود که انقلابی در مجتمع، توسط مردم خود آن مجتمع آورده شود حمله و هجوم را متوجه به جانب دیوار خارجی [یعنی به جانب عقیده و فکر] کرد که بواسطهٔ این هجوم مقابلهٔ فکری به میان آمده و در نتیجه انقلاب فکری ایجاد می‌شود و بعد از آن انقلاب سیاسی را در پی می‌داشته باشد.

- حزب مراحل انقلاب و تغییر را به سه بخش قرار آتی تقسیم می‌نماید:

\* مرحلهٔ اول: مقابلهٔ فکری و فرهنگی، و آن به فرهنگ و ثقافتی می‌باشد که حزب آن را القاء و طرح می‌نماید.

\* مرحلهٔ دوم: انقلاب فکری، و این به تفاعل و تعامل همراه مجتمع صورت می‌گیرد آنهم از طریق عمل سیاسی و ثقافتی.

\* مرحلهٔ سوم: بدست گرفتن زمام حکومت به طور کامل از طریق ملت و مردم. - حزب معتقد است که در مرحلهٔ سوم طلب کمک از رئیس یک دولت، یا رئیس یک گروه، یا رهبر یک جماعت، یا پیشوای یک قبیله و یا سفیری و امثال این‌ها ضروری می‌باشد.

- اولا حزب مدت وصول بر حکومت را سیزده سال از ابتدای تأسیسش تعیین نمود، بعدا نظر به اوضاع و مشکلات گوناگون این مدت را به سی سال (۳۰) تمدید نمود، ولی آنهم گذشت و اینهم گذشت مگر هیچ چیزی واقع نشد.

- حزب از امور روحی تغافل می‌نماید و به نظر سطحی به طرف آن می‌بیند و می‌گوید: «در انسان شوق‌های روحی و کشش‌های جسدی وجود ندارد، بلکه در انسان ضرورات و غرائزی است که آن‌ها را باید اشباع کرد» «وقتی‌که این حاجات و غرائز به طبق نظامی که از جانب خداوند آمده است اشباع و پوره کرده شد مسیرش به جانب روح می‌باشد و روح را تقویه می‌بخشد، ولی اگر این حاجات و غرائز بدون نظام اشباع کرده شد و یا طبق نظامی کرده شد که از نزد الله نیست آنوقت اشباع مادی خواهد بود و مفضی به شقاء و بد بختی انسان خواهد شد».

- شیخ تقی الدین معتقد است که مشکلاتی که در مقابل برپا شدن دولت اسلامی قرار دارند قرار ذیل اند:

- ۱- وجود افکار غیر اسلامی و مقابله‌اش با جهان اسلام.
  - ۲- وجود برنامه‌های تعلیمی بر اساس وضع استعمار گران.
  - ۳- بزرگ دانستن بعضی از معارف و فرهنگ‌ها و آن را علوم جهانی جلوه دادن.
  - ۴- دوام تطبیق برنامه‌های تعلیمی بر اساس وضع مستعمرین و طبق طریقه‌ای که آن‌ها می‌خواهند.
  - ۵- زندگی مجتمع‌های مردم در جهان اسلام به زندگی غیر اسلامی.
  - ۶- دوری میان مسلمانان و میان حکومت اسلامی، خصوصاً در مورد سیاست فرمانروائی و سیاست مالی، چون این ابعاد تأثیر خود را می‌افکند و برداشت مسلمانان را از زندگی اسلامی ضعیف می‌سازد.
  - ۷- وجود حکومتات که به اساس دیموکراتیک برپا شده‌اند و نظام رأسمالی را تطبیق می‌نمایند، یعنی وجود اینچنین حکومت‌ها در بلاد مسلمین.
  - ۸- وجود نظریه عام از وطن پرستی قوم پرستی و اشتراکی.
- حزب اعتقاد به عذاب قبر و ظهور مسیح دجال را بالای اعضای خود حرام ساخته و معتقد به آن را گنهگار می‌شمارد.
- رهبران حزب امر به معروف و نهی از منکر را از جمله موانع کار در این مرحله می‌دانند و معتقد به عدم تعرض به آن هستند و این امر و نهی را از وظایف دولت اسلامی، که برپا خواهد شد، می‌شمارند.

- برای حزب قانونی است مؤلف از ۱۸۷ ماده این قانون برای دولت اسلامی که توقع آن را دارند تهیه گردیده است و این عمل بیرون از آن نیست که یک عمل فکری بدور از واقع باشد.

پژوهشگران بالای حزب اموری را انتقاد می نمایند که از آن جمله امور آتی اند:

### اول: مسائل دعوت:

- توجهش بر جوانب فکری و سیاسی و عدم توجهش به جهات تربیوی و روحی.
- مصروف شدن افراد حزب در مناقشه و جدال با همه گروه‌های اسلامی دیگر.
- قایل شدن اهمیت خیلی زیاد برای عقل در تکوین شخصیت و در جهات اعتقادی.
- اعتماد حزب بر عوامل خارجی در راه رسیدن به حکومت از راه‌های طلب کمک، که گاهی در آن حادثه و گرفتاری غیر متوقع رخ می دهد.
- خالی بودن حزب از امر بالمعروف و النهی عن المنکر در مرحله فعلی.
- کسی که افکار حزب را مطالعه می کند به این نتیجه می رسد که مقصود اول حزب همانا رسیدن به قدرت و حکومت است.
- محدود بودن حزب در بعضی مقاصد و اقتصرش به بعضی اهداف اسلامی و عدم توجهش به بخش‌های دیگر آن.
- این مفکوره شان که مرحله کار ثقافتی و فرهنگی آنان را به مرحله انقلاب فکری و این مرحله به مرحله تسلیم شدن حکومت می رساند، در حالیکه این فکر مخالف سنة الهی در امتحان دعوت‌ها بوده و بدور از واقعیتی است که با هزارها موانع محفوف و محاط می باشد.
- دشمنی با همه تنظیم‌هایی که در مناطق این حزب وجود دارد از جمله چیزهایی است که حزب را گرفتار و پابند مقابله‌ها و گرفتار شدن‌های مستمر و همیشگی نموده است، شاید پنهان کاری شدید و حرص شان به رسیدن به حکومت یگانه سبب خوف دیگر تنظیم‌ها از ایشان باشد که آن سبب شده تا با آنان روش نرمی اختیار نمایند.

### دوم: مسائل فقهی:

حزب به اصدار فتواها و احکام فقهی نا آشنائی اقدام نمود که از فقه اسلامی و روحیه اسلام بدور است، و اتباع خود را به پیروی از این احکام و نشر آن‌ها دستور داد، که از آن جمله است احکام آتی:

- قول به جواز عضویت غیر مسلمان و عضویت زن در مجلس شوری.
- مباح بودن و جواز نظر به طرف روی‌های برهنه.
- مباح و جائز بودن بوسیدن زن بیگانه و همچنان مصافحه با آن.
- قول به جواز پوشیدن دریشی برای زن، و اگر شوهرش را در ترک آن فرمان نبرد ناشزه و گنهگار شمرده نمی‌شود.
- قول به اینکه اگر فرمانروای دولت مسلمان یک شخص کافر باشد هم جائز است.
- قول به جواز دادن جزیه از طرف دولت مسلمانان به دولت کفار.
- قول به جواز جنگ کردن زیر پرچم شخصی که از طرف دولت کافر موظف شده باشد، بشرطیکه جنگ در میان خود کفار باشد.
- قول به سقوط نماز از شخص مسلمان فضاء نورد.
- قول به سقوط نماز و روزه از ساکنین هر دو قطب.
- قول به ده سال حبس برای کسی که بایکی از محارم همیشگی خویش ازدواج نماید.
- قول به اینکه گذرگاه‌های آبی از جمله کانال سویس گذرگاه‌های عام بوده، منع کردن هیچ قافله از مرور در آنجا جواز ندارد.
- قول به جواز رکوب بر وسائل مواصلاتی (کشتی‌ها و طیاره‌ها...) که متعلق به شرکت‌های اجنبی باشد، و حرام بودن این رکوب در صورتیکه متعلق به شرکت‌های مسلمانان باشد، زیرا قسم دوم از اهل معامله در نظر آنان نیست.

### ریشه‌های فکری و اعتقادی:

- بنیانگذار حزب دارای افکار قومی بود، به همین وجه در سال ۱۹۵۰م کتابی بنام «رسالة العرب» به نشر رساند، اثرات این فکر در بعضی اولویات، از قبیل اولویت قائل شدن به اقامت دولت اسلامی در مناطق عربی اولاً و بعداً در مناطق اسلامی دیگر منعکس گردیده است.

- نیهانی در اوائل کار خود با اخوان المسلمین در ارتباط بود، در مجالس اخوان المسلمین سخنرانی می‌کرد، از حزب اخوان المسلمین و از رهبرشان یعنی حسن البناء تمجید و توصیف می‌نمود، ولی دیری نگذشت که برپا شدن حزب خود را به طور مستقل و جداگانه اعلان نمود.

- اشخاص زیادی از وی مصرانه خواستند که از تشکیل این تنظیم منصرف شود، از آنجمله استاد سید قطب که هنگام بازدیدش از قدس سال ۱۹۵۳م با وی خیلی گفتگو و مناقشه نمود و به طرف توحید عمل و کوشش دعوتش کرد، لیکن نیهانی به موقف خود اصرار ورزید، در آن هنگام سید این کلام مشهور خود را گفت: «بگذارید شان انتهای کارشان به آنجا خواهد رسید که اخوان از آنجا شروع کرده بودند».

### انتشار و جاهای نفوذ:

- حزب در ابتداء اردن، سوریه، و لبنان، را مرکز کار خود قرار داد، بعدا تشکیلاتش به کشورهای مختلف اسلامی امتداد یافت، و اخیرا به اروپا خصوصا به نمسا و آلمان رسید.

- حزب هفته نام‌های داشت به نام «الحضارة» که در بیروت نشر می‌شد.

- حزب قطرهایی که در آن کار می‌کند به نام ولایات یاد می‌کند، حزب را در هر ولایت مجلس شورای همان ولایت رهبری می‌کند، و آن مجلس را «لجنة الولاية» می‌نامند، این لجنه از سه نفر الی ده نفر تشکیل می‌شود.  
- لجنه‌های ولایات زیر فرمان مجلس رهبری سری‌اند.

### مراجع:

۱- الدعوة الإسلامية فريضة شرعية. د. صادق امين - جمعية عمال المطابع التعاونية - عمان - ۱۹۷۸م.

۲- الموسوعة الحركية {جزءان} فتحي يكن - ط ۱- دار البشير - عمان ۱۴۰۳هـ / ۱۹۸۳م.

۳- الطريق الى جماعة المسلمين حسين بن محسن بن علي جابر - ط ۱- دار الدعوة - كويت - ۱۴۰۵هـ / ۱۹۸۴م

- ۴- الموسوعة الفلسطينية اصدار هيئة الموسوعة الفلسطينية - طبع در مطابع ميلا نوستامبا ايطاليا - ط ۱ - ۱۹۸۴م.
- ۵- هكذا هدمت الخلافة عبد القديم زلوم.
- ۶- الفكر الإسلامي المعاصر غازي التوبه - ط ۱ - ۱۳۹۹هـ / ۱۹۶۹م.
- ۷- مشكلات الدعوة والداعية فتحي يكن - مؤسسة الرسالة - بيروت - ط ۳ - ۱۳۹۴هـ / ۱۹۷۴م.

الدوسية (و آن اموری است که حزب آن را برای خود برگزیده است).

نص نقد درست کرده شده شدۀ دستور ایرانی که برای بحث در مجلس خبره گان تقدیم کرده شده بود، همچنان نص دستور اسلامی که مأخوذ از کتاب الله و سنت رسول الله بود که این هر دو دستور را حزب تحریر به تاریخ ۷ شوال ۱۳۹۹هـ / ۳۰ آب ۱۹۷۹م به آیه الله خمینی و مجلس خبره گان تقدیم نموده بود.

- ۸- از کتاب‌های حزب که آن‌ها را شیخ نبهانی و خود حزب تألیف نموده است که آن کتب به اعتبار مجموع فکر و ثقافت حزب را تمثیل می‌نماید، و آن کتب عبارت‌اند از: الفكر الإسلامي - نظام الإسلام - النظام الاقتصادي في الإسلام - نظام الحكم في الإسلام - الدستور الإسلامي - نقطة الانطلاق - التكتل الحزبي - مفاهيم سياسية لحزب التحرير - كتاب التفكير - كتاب الخلافة - سرعة البديهة - نقض النظرية الاشتراكية - الشخصية الإسلامية - نداء حار الى العالم الإسلامي.



## تغریب

### WESTERNIZATION

#### تعریف:

تغریب یک حرکت بزرگ است که دارای ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و فنی می‌باشد، مقصودش آراسته ساختن زندگی همه ملت‌ها به طور عموم و ملت‌های مسلمان به طور خاص، به اسلوب و طریقه زندگی غرب، و هدفش از این کار از بین بردن شخصیت‌های مستقل شان و نابود کردن خصوصیات آن‌ها و اسیر گردانیدن شان در قید تابعیت کامل برای تمدن غربی می‌باشد.

#### تأسیس و افراد برازنده:

- شرقی‌ها در عالم اسلامی شروع به تجدید و تقویة لشکریان خود نمودند، البته از طریق روان کردن هیئات به کشورهای اروپایی و توسط طلب کردن کاردانان غربی به بخاطر تدریس و تشکیل نهضت جدید، این عمل کرد در اواخر قرن هجدهم و اوائل قرن نوزدهم و به خاطر مقابله با شروع شدن گسترش نفوذ استعماری غربی‌ها، در پی شروع نهضت اروپا بود.

- سلطان محمود ثانی سال ۱۸۲۶م بر انکشاریت عثمانی خاتمه بخشید، و تمام مردم شهر و عسکریان را مأمور به پوشیدن لباس اروپایی نمود.

- سلطان عبدالمجید عثمانی سال ۱۲۵۵هـ / ۱۸۳۹م قانونی را به تصویب رسانید که آن قانون به غیر مسلمانان اجازه دخول در خدمت عسکری را اعطاء می‌نمود.

- سلطان سلیم سوم انجیرانی را از سوید، فرانسه، مجر، و انجلترا، بخاطر ایجاد مکاتب و مدارس حربی و بحری طلب نمود.

- والی مصر محمد علی که سال ۱۸۰۵م ولایت را بدست گرفت لشکری مطابق نظام اروپا ترتیب داد و نیز شاگردان ازهر را بخاطر تخصص به اروپا میفرستاد.

- احمد باشا بای اول در تونس یک لشکر نظامی ترتیب داد، و مدرسه‌ای بخاطر تدریس علوم حربی افتتاح نمود که در آن لشکر و مدرسه ضابطان و مدرسین فرانسوی، ایتالیائی و انگلیسی وجود داشت.
- خاندان قاجار که در ایران حکومت داشت، سال ۱۸۵۲م مدرسه‌ای بخاطر تدریس علوم و فنون به اساس غرب افتتاح کرد.
- حرکت تغریب در لبنان از سال ۱۸۶۰م از طریق روان کردن افراد شروع گردیده از آنجا به مصر کشانده شد آنهم بواسطه اسماعیل حدیوی که می‌خواست مصر را قطعه‌ای از اروپا سازد.
- اسماعیل حدیوی و سلطان عبد العزیز عثمانی که هر دو به دعوت امپراطور نابلیون سوم سال ۱۲۸۴هـ - ۱۸۶۷م به خاطر شرکت در جشن سالانه فرانسه، آمده بودند باهم ملاقات و دیدار نمودند، این دو شخص زیر تأثیر تمدن غرب رفته بودند.
- هر یکی از رفاعه طهطاوی و خیر الدین تونسلی به پاریس روان کرده شدند که شخص اول مدت پنج سال - ۱۸۲۶ - ۱۸۳۱م و شخص دوم مدت چهار سال ۱۸۵۲ - ۱۸۵۶م در آنجا اقامت نمودند، ایندو با افکاری بازگشت نمودند که طبق آن باید جامعه مطابق اساس علمانی [یعنی لا دینی] عقلانی تنظیم کرده شود.
- سال ۱۸۳۰م کسانی که به اروپا رفته بودند و بازگشت نموده بودند به ترجمه کتاب‌های فولتیر، روسو، و مونتسکیو اقدام کردند، این کار البته بخاطر نشر افکار اروپایی و افکاری بود که در قرن هجدهم، در مقابل دین به پا خاسته بود.
- کرومر در اسکندریه دانشکده فیکتوریا را بخاطر تربیه جماعتی از پسران حاکمان، رهبران و بزرگان در یک محیط انگلیسی ایجاد نمود تا که این‌ها در آینده آله و اسباب برای نقل و نشر فکر و تمدن غربی باشند.
- وقتی که این دانشکده در سال ۱۹۳۶م افتتاح می‌شد لورد لوید (نماینده عالی رتبه بریتانیا در مصر) گفت: «بالای این شاگردان زمان طولیلی نخواهد گذشت که همه سرشار از فکر و نظریه بریتانیا باشند، البته به برکت روابط محکمی که بین معلمین و شاگردان خواهد بود.
- نصرانیان شام اولین کسانی بودند که به گروه‌های ارسالی تبشیری یکجا شدند، همچنان همین‌ها اولین کسانی بودند که فرهنگ فرانسوی و انگلیسی را پذیرفتند و فکر علمانی تحرری را تقویه می‌نمودند، این همه بخاطر عدم حس محبت و دوستی

میان آنها و دولت عثمانی بود، بنابر آن پیهم اموری از آنان ظاهر می‌شد که دال بر میلان شان بر طرف غرب و خوشی شان از آنها و دعوت به پیروی و دنباله روی از آنها بود، این امور در جرائدی که تأسیس نموده بودند به وضاحت به نظر می‌رسید.

- ناصیف یازجی (۱۸۰۰ - ۱۸۷۱ م) و پسرش ابراهیم یازجی (۱۸۴۷ - ۱۹۰۶ م) رابطه محکمی با گروه‌های ارسالی امریکایی انجیلی داشتند.

- سال (۱۸۶۳ م) بطرس بستانی (۱۸۱۹ - ۱۸۸۳ م) مدرسه‌ای برای تدریس لسان عربی و علوم جدید تأسیس نمود بنابراین وی اولین مسیحی بود که به طرف عربیت و وطن پرستی دعوت می‌نمود و درین راستا شعارش این بود: «حب الوطن من الإیمان» یعنی دوستی وطن از ایمان است، وی روزنامه‌ای هم بنام «الجنان» در سال ۱۸۷۰ م به نشر رساند که این روزنامه شانزده سال دوام کرد، وی منصب ترجمه را در قنصلگری امریکا در بیروت بدوش گرفت و به حیث مشارک در ترجمه تورات پروتستانی با دو امرکایی یعنی سمیث وفاندیک اقدام نمود.

- سال (۱۸۹۲ م) جرجی زیدان (۱۸۶۱ - ۱۹۱۴ م) مجله الهلال را در مصر تأسیس کرد، وی قصه‌های تاریخی مسلسلی داشت که همه آنها را پر از افتراء و دروغ در مقابل اسلام و مسلمانان نموده بود، این شخص با فرستاده شدگان امریکائی ارتباط داشت.

- سلیم نقلا مجله الاهرام را در مصر تأسیس کرد، این شخص علوم خود را در مدرسه عبیه لبنان فرا گرفته بود، این مدرسه را مبشر امریکائی فاندیک تأسیس نموده بود.

- سلیم نقاش مجله‌ای داشت بنام «المقتطف» که هشت سال در لبنان به نشر می‌رسید، بعداً در سال ۱۸۸۴ م به مصر انتقال نمود.

- جمال الدین افغانی (۱۸۳۸ - ۱۸۹۷ م) شخصی بود دارای تحولات و حالات غریب و ناآشنا، در زندگیش پیچیدگی‌ها و ابهام وجود دارد، در شرق و غرب جهان اسلام گردش نمود، نظام گروه‌های سری عصر جدید را در مصر داخل کرد، در محافل ماسونی‌ها اشتراک می‌ورزید، با مستر بلنت بریطانیایی رابطه نیک داشت، رشید رضا درباره وی می‌گوید: وی [یعنی سید جمال الدین] میلان به طرف وحدة الوجود داشت، و کلام خود جمال الدین در نشوء و ترقی مشابه به کلام داروین است.

- محمد عبده (۱۸۴۹-۱۹۰۵م) از بارزترین شاگردان جمال الدین افغانی واز جمله شریکانش در تأسیس مجله العروة الوثقی بود، وی با لورد کرومر و مستر بلنت دوستی خاص داشت، مدرسه وی که از جمله شاگردانش رشید رضا است به طرف مقابله با تقلیدها و به طرف تجدید نظر در شریعت اسلامی دعوت می‌نمود، و فتوایی که معتمد به دورترین تأویلات در نصوص شرعی بود صادر نمودند این همه تأویلات بعید و دور را بخاطری مرتکب می‌شدند که میان اسلام و تمدن غرب نزدیکی و توافق حاصل نمایند، همچنین وی بود که در خواست نمود تا علوم عصری در جامعه الازهر، بخاطر پیشرفته شدن و عصری شدنش داخل کرده شود.

- مستر بلنت مستشرق که با همسرش لباس عربی را پوشیده برای دعوت به طرف قومیت عربی و برپا شدن خلافت عربی هر طرف می‌رفتند و دعوت می‌کردند، مقصد از این دعوت از بین بردن رابطه اسلامی میان مسلمانان بود.

- قاسم امین (۱۸۶۵-۱۹۰۸م) وی شاگرد محمد عبده بود و کسی بود که دعوت بطرف آزادی زن و اشتراکش در کارها و وظایف عامه را رهبری می‌کرد، و کتابی نوشته بنام «تحریر المرأة - ۱۸۹۹م» و کتابی بنام «المرأة الجديدة - ۱۹۰۰م».

- سعد زغلول: به آراء و افکار محمد عبده خیلی متأثر بود، سال ۱۹۰۶م به حیث وزیر معارف تعیین گردید، وی فکر سابقه کرومر را نافذ ساخت که آن فکر مبنی بود به ایجاد مدرسه‌ای برای قضاء شرعی، مقصد از ایجاد مدرسه مذکور [به نظر آنان] پیشرفته ساختن فکر اسلامی، توسط مدرسه‌ایکه تعلق به الازهر نداشته باشد، و در مقابل ازهر قرار داشته باشد، بود.

- سید احمد لطفی (۱۸۷۲-۱۹۶۳م) وی یکی از بزرگ‌ترین تأسیس کنندگان حزب دستوری احرار بود، که سیاست از سعد زغلول جدا شده بودند، وی به طرف اقلیمیت دعوت می‌نمود، [یعنی باید هر اقلیم از اقلیم دیگر مجزا و جدا باشد] وی بود که در بیانیه خود سال ۱۹۰۷م گفته بود: «مصر للمصرین» یعنی مصر برای مصریان است، از سال ۱۹۱۶م که حکومت مصر را به دست آورد، تا سال ۱۹۴۱م امور جامعه مصر را نیز بدوش گرفت.

- طه حسین (۱۸۸۹-۱۹۷۳م) وی از بارزترین داعیان به سوی تغریب و غرب گرایبی در عالم اسلام به شمار می‌رود، علوم خود را نزد دورکایم مستشرق فرا گرفته

بود، خترناک‌ترین افکار و آراء خود را در این دو کتابش به نشر رسانیده است «الشعر الجاهلی، مستقبل الثقافة في مصر».

- در کتابش الشعر الجاهلی ص ۲۶ می‌گوید: «تورات باید برای ما از ابراهیم و اسماعیل حکایت کند، قرآن نیز باید حکایت کند، لکن ورود این دو اسم در تورات و قرآن برای اثبات وجود تاریخی شان کفایت نمی‌کند».

- بعد از آن می‌گوید: «قریش در قرن نهم میلادی خیلی مستعد و آماده برای پذیرش این اسطوره بودند» همچنان وی از اینکه نسب پیامبر ﷺ به اشراف قریش برسد انکار می‌ورزد و آن را نفی می‌نماید.

- طه حسین تقریری که درباره لغت و ادب ایراد نموده بود آن را اول به الحمد لله و درود به پیامبر ﷺ شروع کرد و بعد از آن گفت: «شاید حاضرین، از اینکه من تقریر خود را به الحمد لله و درود به پیامبرش شروع کردم بخندند، زیرا اینکار مخالف عادت عصر و زمانه است» «مجله الهلال» شماره اکتوبر و نومبر ۱۹۱۱م).

- بعد از سیطره متحدین بر حکومت، در دولت عثمانی‌ها و سقوط سلطان عبد الحمید سال ۱۹۰۸م حرکت تغریب اوج گرفت و ترقی کرد.

- سال ۱۹۲۴م که حکومت مصطفی کمال اتاترک خلافت عثمانی را لغو نمود راه را برای روان شدن ترکیه در قافله علمانی جدید هموار ساخت و غربگرایی را بالای ترکیه به صورت جدی و تند آن لازمی گردانید.

- علی عبد الرزاق: سال ۱۹۲۵م کتاب خود را بنام «الإسلام و أصول الحكم» به نشر رسانید، این کتاب به زبان‌های انگلیسی و اردو ترجمه گردیده است، مؤلف می‌خواهد در این کتاب خواننده را قناعت دهد که اسلام دین است ولی دولت نیست، سمیث باری بیان می‌کرد که: تحریریت و علمانیت عالمی در عالم اسلامی رواج نمی‌یابد مگر در صورتی که به آن رنگ و صبغه اسلامی داد، در این بیان خود همین کتاب را طور مثال ذکر نمود، به تاریخ ۱۹۲۵/۸/۱۲م همین کتاب و مؤلف آن از طرف هیئة علماء ازهر محکوم شد و ضدش حکمی صادر شد که طبق آن وی را از جمله علماء و دانشمندان خارج کردند.

- شخص مذکور به حیث مدیر مجله رابطه شرق ایفاء وظیفه می‌نمود، وی به مناسبت تکریم از صدمین سال روز وفات لارنست رینان مستشرق، که در تاخت و تاز

در مقابل مسلمانان و عرب هیچ نوع کوششی را دریغ ننموده بود، محفلی در جامعه مصریه برگزار نمود.

- محمود عزمی از بزرگ‌ترین داعیان به سوی فرعونیه در مصر بود، درس نزد استاذش دورکایم خوانده بود، دور کایم کسی بود که در وقت درسش برای وی می‌گفت: «وقتی اقتصاد را ذکر کردی نام از شریعت مبر و وقتیکه شریعت را ذکر کردی نام از اقتصاد مبر».

- منصور فهمی (۱۸۸۶ - ۱۹۵۹م): وی در اولین کتابی که بخاطر دکتوراه خود نوشت و آن را به استاد خود لیفی بریل تقدیم نمود بر نظام ازدواج در اسلام تاخت و تاز کرده بود و موضوع کتابش «حال زن در تقالید اسلامی و مراحل آن» بود، در همین کتاب خود می‌گوید: «محمد برای همه مردم قانون می‌گذارد و خود را از آن قانون استثناء می‌نماید» و می‌گوید: «وی خود را از قانون مهر و شاهدان هم رها نموده» لکن همین منصور فهمی بعدا سال ۱۹۱۵م بالای حرکت تعریب انتقاد کرد، و نظر خود را در مورد غلطی‌هایی که طه حسین و مدرسه‌اش مرتکب شده بود اظهار نمود.

- اسماعیل مظهر نیز از پیشوایان مدرسه تعریب بود «مجلة العصور» ولی دیری نگذشت که در اوائل زمان نهضت جدید از این مفکوره تحول نمود.

- زکی مبارک: از پیش آهنگان شاگردان طه حسین بود، نزد مستشرقین درس خوانده بود، وی رساله دکتوراه خود را درباره غزالی و مأمون نوشت و در آن بالای غزالی خیلی شدید تاخت و تاز کرده بود، لیکن بعدها از این نوشته خود رجوع نمود و این مقاله معروف خود را نوشته کرد «إليك أعتذر أيها الغزالي»، یعنی «ای غزالی به پیشگاه تو عذر خواهی می‌نمایم».

- محمد حسین هیکل (۱۸۸۸ - ۱۹۵۶م) رئیس تحریر جریده سیاست، وی از جمله بارزترین غرب زدگان است، بخاطر پیروی از عقل، معراج را با روح و جسد انکار ورزیده، «حیة محمد» ولی بعدا خیلی معتدل شد، و مفکوره جدید خود را در مقدمه کتاب خود «فی منزل الوحي» نوشته است.

- امین خولی: وی از جمله مدرسین مضمون تفسیر و بلاغت در جامعه مصر بود، افکار طه حسین را مبنی بر تدریس فنی قرآن به قطع نظر از منزله دینی آن، ترویج

می‌داد وی به کوشش خود در این باره در سال ۱۹۴۷م ادامه داد تا آنکه شیخ محمود شلتوت رازش را افشاء نمود.

- شبلی شمیل (۱۸۶۰-۱۹۱۷م) وی دعوت به سوی علمانیت و تاخت و تاز علیه ارزش‌های دینی و اخلاقی را رهبری می‌کرد.

### افکار و معتقدات:

#### اول: افکار تغریبی:

- پیامبر ﷺ از دوستی با کفار، امت خود را بر حذر داشته و گفته است: «التبعن سنن من قبلکم شبرا بشبر و ذراعا بذراع حتی لو دخولوا جحر ضب لدخلموه» یعنی: «روش کسانی را که قبل از شما بودند [یهود و نصارا را] وجب به وجب، گز به گز پیروی خواهید نمود، حتی اگر آنان در غار سوسماری داخل شوند شما نیز داخل خواهید شد».

- ابن خلدون موقف مغلوب را در برابر غالب شرح نموده می‌گوید: «مغلوب همیشه دوست دارد که غالب را در تمام احوال و رفتارش پیروی نماید، حتی در شعارش، در لباسش و سائر امورش».

- مستشرق انگلیسی جب کتابی دارد بنام «الی این یتجه الإسلام» وی درین کتاب خود می‌گوید: از جمله مهم‌ترین مظاهر سیاست تغریب در عالم اسلامی بالا بردن سطح کوشش در راستای زنده ساختن تمدن‌های قدیمی است، وی در همین بحث خود به صراحت بیان می‌دارد که هدف بحث و تحقیق آنست که دانسته شود حرکت تغریب شرق تا کدام اندازه رسیده، و نیز دانسته شود: عواملی که در مقابل این حرکت و تحقق آن مانع ایجاد می‌کنند چه چیزها اند.

- وقتیکه لورد لنبی به تاریخ ۱۹۱۸م داخل قدس گردید اعلان نمود: «حالا دیگر جنگ‌های صلیبی خاتمه یافت».

- لورنس براون می‌گوید: خطر حقیقی همانا در نظام اسلام و قدرت آن بر توسع و سیطره و در زنده بودن آن نهفته است، و یگانه دیوار مستحکم در مقابل استعمار غربی نظام اسلامی می‌باشد».

- دعوت به سوی اینک عالم اسلامی لباس تمدن غربی را بر تن نماید.

- کوشش بخاطر ایجاد نمودن یک نوع فکر اسلامی پیشرفته، چنان فکری که مخالفت‌های فکر غربی را با فکر اسلامی نادیده گرفته بدین وسیله ممیزات شخصیت اسلامی را از بین ببرد، این همه بخاطر ایجاد نمودن روابط ثابت و پایرجا میان غرب و عالم اسلام است تا مصالح و منافع غرب تأمین گردد.

- دعوت به سوی وطن پرستی، تدریس تاریخ قدیم، دعوت به سوی آزادی [یعنی به شیوه غرب]، و قرار دادن آن به حیث اساس نهضت امت، عرضه نمودن نظام‌های اقتصادی غربی همراه با اعجاب و خوب جلوه دادن آن‌ها، تکرار نمودن جملاتی پیرامون تعدد همسران در اسلام، محدود بودن طلاق و اختلاط جنس ذکور و اناث.

- نشر مفکورهٔ عالمیت و انسانیت، پیروان این مفکوره می‌پندارند که این یگانه راهی است برای جمع کردن همهٔ مردم بریک دین و مذهب و بدین وسیله تمام اختلافات دینی و مذهبی از بین خواهد رفت که در نتیجه همهٔ زمین وطن واحد گردد، دارای یک دین باشد، به یک لسان تکلم کنند و ثقافت مشترک داشته باشند، و این در صورتی می‌شود که مفکورهٔ اسلامی ذوب شده در قالب زورمندان و سیطره داران انداخته شود، یعنی در قالب مفکورهٔ کسانی که بر همهٔ عالم نفوذ دارند.

- نشر مفکورهٔ قوم پرستی قدمی بود به سوی تغریب در قرن نوزدهم که از اروپا نشأت نمود و به مناطق عربی، ایرانیان، ترک، اندونوزیا و هندوستان نشر گردید، البته بخاطر از بین رفتن کتله‌ها و جماعت‌های بزرگ و تقسیم شدن آن‌ها به گروه‌های خرد و کوچک که رابطهٔ جغرافیائی مشترک، آنان را گردهم جمع کرده باشد.

- بالا بردن سطح توجه به طرف روی صحنه آوردن تمدن‌های قدیمی، مستشرق جب می‌گوید: «از مهم‌ترین مظاهر سیاست تغریب در عالم اسلامی بالا بردن سطح توجه به طرف روی صحنه کشیدن تمدن‌های قدیمی است، تمدن‌هایی که در بلاد مختلف اسلامی از میان رفته و فرسوده شده، شاید فعلا نتیجهٔ آن تقویةٔ روحیةٔ دشمنی با اروپا باشد، اما ممکن است که در آینده در قوی ساختن فکر قوم پرستی محلی و مهم جلوه دادن ارزش‌های آن رول مهمی بازی نماید».

- صهیونیست متعصب روکفلر ده میلیون دالر تبرع نمود تا توسط آن نمایشگاهی برای آثار فرعونى در مصر تأسیس شود و در پهلوی آن معهدی برای تربیةٔ متخصصین در این فن درست شود.



- اهتمام به تحقیقات و بررسی از اشخاص منزوی شده در تاریخ اسلام، امثال سهروردی، ابن راوندی و أبو نواس، لويس ماسینیون مستشرق متصدی تحقیقات پیرامون حلاج شده و در سال ۱۹۱۲م کتاب خود را بنام «الحلاج الصوفي الشهيد في الإسلام» به نشر رسانید، همچنان کتاب حلاج را بنام «الطواسین» و دیوان وی را تحقیق نموده به نشر رسانید.

- تقویه و گسترش دادن حرکات کجرو امثال: قادیانیه، بهائیه، شعوبیه، فرعونیه، فینیقیه، و بربریه، همچنان جلوه دادن حرکت قرامطه و حرکت زنج را، به عنوان حرکات آزادی خواه و انقلابی در اسلام، و همچنان بالابردن اشخاص خطرناک در اسلام امثال: سیر سید احمد خان (۱۸۱۷-۱۸۹۸م)، امیر علی (۱۸۴۹-۱۹۲۸م)، نامق کمال (۱۸۴۰-۱۸۸۸م) عبد الحق حامد (۱۸۵۱-۱۹۳۷م) توفیق فکرت (۱۸۷۰-۱۹۱۵م) و سغولاجی (۱۸۹۰-۱۹۴۳م).

- استعمار، استشراق، کمونستی، ماسونی باشاخه‌هایش، صهیونستی و داعیان اتحاد میان ادیان همه و همه در تقویه و تأکید حرکت تغریب دست بایکدیگر داده باهم متفق‌اند و هدف شان از آن در هم پیچیدن عالم اسلام و دنباله رو ساختن آن است که در نتیجه آله دست آنان گردد.

- نشر ادیان و مذاهب گمراه کن همچون: فرویدیه، داروینیه و مارکسیه، قول به ترقی اخلاق (لیفی بریل) و ترقی مجمع (دورکایم)، توجه جدی به مفکوره وحدة الوجود، علمانی، و تحریری، تحقیقات از تصوف اسلامی، دعوت به سوی قوم پرستی، اقلیم پرستی و وطن پرستی، دعوت به سوی جدائی دین از مجتمع، خرده گیری بالای دین، و تاخت و تاز بالای قرآن، نبوت، وحی و تاریخ اسلامی، شبهه انداختن در ارزش‌های اسلامی، دعوت به سوی جدا شدن از اصالت و ممیزات خویش، ترسانیدن از مرگ و تنگدستی، تابدین وسیله مسلمانان را از فکر جهاد به دور نگه دارند، و شایع ساختن این سخن که سبب عقب ماندگی عرب و سائر مسلمانان همانا پابند بودن شان به اسلام است.

- قرآن را فیضی از عقل باطن می‌پندارند البته همراه با اظهار زبر دستی پیامبر ﷺ و اظهار تیزهوشی و صفاء ذهنش و توصیف نمودن وی به اشراق روحی، این عقیده مقدمه‌ای برای از بین بردن صفت پیامبری و نبوت از وی ﷺ می‌باشد.

**دوم: مجالس تغریبی:**

۱- سال (۱۹۴۲م) مجلسی در بلتیمور برگزار شد که وظیفه‌اش جستجو و برانگیخته ساختن گروه‌های سری در میان مسلمین بود.

۲- در سال (۱۹۴۷م) مجلسی در دانشگاه برنستون امریکا بخاطر تحقیقات پیرامون امور ثقافتی و اجتماعی خاور نزدیک برگزار گردید. بحث‌های این مجلس زیر شماره (۱۱۶) از ماده (۱۰۰۰) به عربی ترجمه شد که به حیث یک کتاب در مصر وجود دارد. در این ترجمه: کوپلر یونغ، حبیب کورانی، عبد الحق ادیوار و لوئیس توماس اشتراک ورزیده بودند.

۳- در تابستان سال (۱۹۵۳م) مجلسی بنام «مجلس ثقافت اسلامی و زندگی عصر جدید» نیز در همان دانشگاه برگزار گردید که در آن مفکرین بزرگ از قبیل: میل بروز، هارولد سیمث، روفائیل باتای، هارولد آلن، جون کر سویل، شیخ مصطفی زرقا، کنث کراج، اشتیاق حسین و فضل الرحمن هندی اشتراک ورزیده بودند.

۴- در سال (۱۹۵۵م) در لاهور پاکستان مجلس سومی برگزار گردید، ولی این مجلس بزودی از کار افتاد و پلان شان افشاء شد، البته بخاطر آنکه ایشان خواستند که پژوهشگران مسلمان و مستشرق مشترکا پیرامون نظریات اسلام تحقیق و بررسی نمایند.

۵- در سال (۱۹۵۳م) مجلسی در بیروت بخاطر اتحاد بین اسلام و مسیحیت برگزار گردید و در سال (۱۹۵۴م) همین مجلس در اسکندریه منعقد شد و بعد از آن بخاطر همین غرض مجالسی و ملاقات‌های پیهم در روما و دیگر مناطق انجام یافت.

**سوم: کتاب‌های خطرناک تغریبی**

۱- (اسلام در عصر جدید) مؤلف: ولفرد کانتول سمیث مدیر معهد دراسات اسلامی و استاذ (الدین المقارن) در دانشگاه ماکجیل کندا، به نوشتن همین کتاب دکتوراه خود را از دانشکده برنستون زیر نظر ه. ا. ر. جب مستشرق در سال (۱۹۴۸م) گرفت. مؤلف مذکور در دانشگاه کمبریج شاگرد همین مستشرق بود، این کتاب به سوی آزادی، بیدینی، و جدائی دین از دولت دعوت می‌نماید.

۲- (اسلام به کدام سو می‌رود) (إلى أين يتجه الإسلام) این کتاب را ه.ا.ر. جب با گروهی از مستشرقین نوشته بودند و در سال (۱۹۳۲م) آن را در لبنان به نشر رسانیدند. این کتاب پیرامون اسباب و وسائلی تحقیق می‌نماید که توسط آن‌ها کار و دعوت غربگرائی در عالم اسلامی مؤثرتر می‌گردد و به خوبی پیش می‌رود.

۳- پروتوکول‌های حکماء صهیونست که سال (۱۹۰۲م) در تمام عالم آشکار گردید ولی از وارد شدن به خاور میانه و عالم اسلامی تا سال (۱۹۵۲م) یعنی تقریباً تا وقت قیام دولت اسرائیل در قلب امت عربی و اسلامی ممنوع بود. بدون شک این ممنوعیت بطور عموم خدمتی به حرکت تغریب بود.

۴- انعکاس دادن بعضی از شخصیات اسلامی در صورتی از ابتذال، بی‌حیائی و لجام‌گسختگی، مانند کتاب‌های (هزار و یکشب) (هارون الرشید)، کتاب‌های جرجی زیدان، و همچنان کتاب‌هاییکه افسانه‌های قدیم را به تاریخ اسلامی خلط می‌کند، مثل کتاب طه حسین (برحاشیة سیرة نبوی) و کتاب (محمد رسول الحریه) از شرفاوی که در آن از نبوت و وحی انکار نموده [این‌ها همه از جمله همان کتاب‌های خطرناک می‌باشند].

### ریشه‌های فکری و اعتقادی:

- بعد از واقعه حطین حمله صلیبی رو به شکست نهاد، و عثمانی‌ها سال (۱۴۵۳م) پایتخت دولت بیزانس و مقر کلیسای شان را فتح نموده آن را پایتخت خلافت خود ساخته نامش را به (اسلامبول) یعنی دارالاسلام تغییر دادند. همچنان در سال (۱۵۲۹م) عساکر عثمانی به اروپا رسیده فینیا را مورد تهدید قرار داد و این تهدید الی سال (۱۶۸۳م) باقی ماند. پیش از این‌ها اندلس سقوط نموده مقر خلافت اموی‌ها گردیده بود، این امور همه و همه باعث بر ایجاد مفکوره تغریب گردید، که تبشیر نیز فرع و زاده آن می‌باشد. البته ایجاد مفکوره تغریب به خاطر آن بود تاریخ‌نویس‌یکه عالم اسلامی را می‌شکند و از بین می‌برد از داخل آن باشد.

- تغریب یک هجومی است که از جانب نصرانیت، صهیونست و استعمار، در آن واحد روی هدف واحد صورت می‌گیرد که آن هدف عبارت است از جاری ساختن

عادات و اخلاق غرب در جهان اسلام تابدین شیوه ممیزات شخصیت اسلامی را از بین ببرند.

### انتشار و جاهای نفوذ:

- حرکت تغریب توانسته که در تمام جهان اسلام و بلاد شرق به امید سیطره و گسترش تمدن مادی جدید غرب بر این بلاد و ارتباط دادن شان به کاروان غرب داخل شود.

- تأثیر این حرکت در همه جا یکسان نیست در مصر، بلاد شام، ترکیه، اندونوزیا و المغرب عربی تأثیر این حرکت خیلی به وضاحت به چشم می‌رسد و بعد از این کشورها در سائر بلاد اسلامی و شرقی کم و کاست مظاهر این حرکت دیده می‌شود.

### مراجع:

- ۱- حصوننا مهدده من داخلها د. محمد محمد حسین - مؤسسة الرسالة - بیروت - ط ۷- ۱۴۰۲هـ-۱۹۸۲م.
- ۲- العالم الاسلام والمکاید الدولیه فتحي یکن - مؤسسه الرساله - بیروت - ط ۲ خلال القرن الرابع عشر الهجري - ۱۴۰۳هـ-۱۹۸۳م.
- ۳- الاتجاهات الوطنية في الادب د. محمد محمد حسین - دار الارشاد - بیروت - المعاصر طبع عام - ۱۳۸۹هـ-۱۹۷۰م.
- ۴- الاسلام والحضارات الغربیه د. محمد محمد حسین - مؤسسة الرسالة - بیروت - ط ۵- ۱۴۰۲هـ-۱۹۸۲م.
- ۵- شبهات التغریب في غزو انور جندی - المكتب الاسلامی - بیروت - الفكر الإسلامی طبع عام - ۱۳۹۸هـ-۱۹۷۸م.
- ۶- یقظة الفكر العربی انور جندی - مطبعه زهران - القايره - ۱۹۷۲م.
- ۷- تحریر المرأه قاسم امین - ط ۲ - مطبعه روز الیوسف - ۱۹۴۱م.
- ۸- زعماء الاصلاح في العصر احمد امین - ط ۱ - مطبعه مکتبه النهضه الحديث المصریه - ۱۹۴۸م.

- ٩- تاريخ الدعوة الى العامية و دكتوراه نفوسه زكريا- دار الثقافة و آثارها في مصر بالإسكندرية- ١٣٨٣هـ/١٩٦٤م.
- ١٠- حاضر العالم الإسلامى لوثرروب ستودارد- ترجمه عجاج نويهض و تعليق شكيب ارسلان -مصر -١٣٤٣هـ/١٩٢٥م)
- ١١- الغارة على العالم الإسلامى أ. ل. شاتلية- ترجمه مساعد اليافي و محب الدين الخطيب - مصر - ١٣٥٠هـ.
- ١٢- مستقبل الثقافة في مصر طه حسين - مصر - ١٩٤٤م.
- ١٣- اليوم و الغد سلامة موسى - مصر - ١٩٢٧م.
- ١٤- إلى اين يتجه الاسلام هـ. أ. ر. جب - ط لبنان - ١٩٣٢م.

## مراجع بيگانہ:

- 1- Islam Modern Hisory: W. C. Smih, Princeton University. Press New Jercy 1957.
- 2- Whither Islam? H. A. R. Gibb London 1932
- 3- Arabic Thought in the Liberal Age: A. Hourani, Oxford 1962.
- 4- Egypt since Cromer: Lord Loyd London 1933
- 5- Modern Egypt the Earl of Cromer: Lodon 1911..
- 6- Great Britain Egypt (F. W. Polson Newmen 1928).
- 7- Reports by His Majesty s Agent and Consul General on the Finances, Adminsistration and condition of Egypt and the Soudan.



## تنصیر

### تعریف:

تنصیر یک حرکت دینی، سیاسی و استعماری است که بعد از شکست جنگ‌های صلیبی شروع به ظهور نمود، هدفش نشر نصرانیت میان ملت‌های مختلف در کشورهای سوم، خصوصا میان مسلمین می‌باشد، تا باشد که سیطره‌اش بر این اقوام و کشورها استحکام یابد.

### تأسیس و اشخاص برآزنده:

- ریمون لول: اولین نصرانی است که بعد از عقیم شدن جنگ‌های صلیبی شروع به تبشیر و دعوت به سوی نصرانیت نمود، وی لغت عربی را خیلی به مشکل آموخت، بعد از آن شروع به رفت و آمد در بلاد شام و مناقشه با علماء مسلمین نمود.

- در قرن پانزدهم و در اثناء اکتشافات برتقالی مبشرین کاتولیک به افریقا داخل شدند. خیلی بعد از آن رساله‌های تبشیری پروتستانی انگلیسی، آلمانی، و فرانسوی قدم به ورود نهاد.

- بیتر هیلنغ: در همین وقت‌های نزدیک با مسلمانان سواحل افریقا مناظره و مناقشه مینمود.

- البارون دوبیتز: سال ۱۶۶۴م نصاری را به ایجاد یک دانشکده که مرکز تعلیم دعوت به مسحیت باشد تشویق کرد.

- مسترکاری: که در اواخر قرن هجدهم و اوائل قرن نوزدهم ظهور نمود از اسلاف خود در کار دعوت و تبشیر سبقت جست.

- هنری مارتن مبشر(۱۸۱۲م) در روان کردن مبشرین به بلاد آسیای غربی مزیت خاصی داشت وی تورات را به زبان‌های: هندی، فارسی، وارمنی ترجمه نموده بود.

- سال ۱۷۹۵م (گروه تبشیری لندن) تأسیس گردید و در عقب آن گروه‌های دیگری در اسکوتلند و نیورک تشکیل شد.

- در سال ۱۸۱۹م جمعیت کلیسای پروتستانی باقبطی‌های مصر توافق نموده یک گروه ارسالی تشکیل داده نشر انجیل را در افریقا به عهده ایشان سپرد.
- دافید لیفنتون (۱۸۱۳-۱۸۷۳م): وی یک جهان گرد بریتانیایی بود که در وسط آفریقا زیاد گشت و گذار کرده بود، وی پیش از این که کشف کننده باشد مبشر بود.
- در سال ۱۸۴۹م فرستادن گروه‌های تبشیری به سوی بلاد شام شروع گردید که همین گروه‌ها تقسیم مناطق را نیز به عهده داشتند.
- در سال ۱۸۵۵م گروه (جوانان مسیحی) از انگلیس و آمریکا تأسیس شد که وظیفه و رسالت مهم آن داخل کردن ملکوت مسیح - چنانچه گمان می‌کنند- در میان جوانان بود.
- در سال ۱۸۹۵م گروه (اتحاد طلبه مسیحی در جهان) تشکیل گردید، رسالت این گروه بررسی احوال شاگردان در تمام مناطق و نشر روح محبت در میان شان بود (مراد از محبت تبشیر به نصرانیت است).
- صموئیل زویمر: وی رئیس ارسالیات تبشیر عربی در بحرین و رئیس گروه‌های تنصیری در شرق میانه بود، ادارهٔ مجله انگلیسی العالم الإسلامی را، که سال ۱۹۱۱م تأسیس نموده بود و تا حال از هارتیفورد نشر می‌شود نیز سرپرستی می‌کرد سال ۱۸۹۰م به بحرین داخل شد و از سال ۱۸۹۴م به بعد کلیسای اصلاحی امریکائی امکانات کامل در خدمت وی گذاشت و نتایج کاری را که گروه زویمر انجام داده بود تبارز داد، این کار در اجتماع طیبیان در منطقه خلیج انجام یافت و در تعقیب آن نمائشگاهی در بحرین، کویت، مسقط و عمان تأسیس گردید، همین زویمر از جمله بزرگ‌ترین ارکان تنصیر در عصر جدید به شمار می‌رود.
- کنث کراج: جانشین صموئیل در ریاست مجله العالم الإسلامی، وی مدتی به تدریس در دانشگاه امریکایی در قاهره مشغول بود، و رئیس بخش لاهوت مسیحی در هارتیفورد امریکا، که معهد مبشرین بشمار میرود، نیز بود، از جمله کتاب‌هایش «دعوة المئذنة» است که سال ۱۹۵۶م به نشر رسید.
- لوپس ماسینیون: سرپرستی تنصیر و تبشیر را در مصر به عهده داشت، وی عضو انجمن لغت عربی در قاهره بود، همچنان به حیث وزیر مشاور در امور شمال افریقا در وزارت مستعمرات فرانسه ایفای وظیفه می‌نمود.



- دانیال بلس: وی می‌گوید: «دانشکدهٔ روبرت در استانبول (دانشگاه امریکائی فعلی) دانشکدهٔ مسیحی است، که در هیچ ناحیه‌اش پنهان کاری نیست نه در تعلیمش و نه در روحیه‌ایکه برای طلابش آماده می‌سازد، زیرا مؤسس آن مبشر بود و تا امروز نیز ریاست آن را مبشرین به دوش دارند».

- الأب شانتور: زمان طولی در ایام قیام فرانسوی رئیس دانشکدهٔ عیسوی در بیروت بود.

- مستر نبروز: سرپرستی دانشگاه امریکائی بیروت را سال ۱۹۴۸م بدوش داشت، وی می‌گوید: «به دلیل، ثابت شده که تعلیم بزرگ‌ترین وسیله‌ای بوده که مبشرین امریکائی در راه تنصیر سوریه و لبنان از آن استفاده کرده‌اند.

- دون هک کری: وی بزرگ‌ترین شخصیت در مجلس تبشیری لوزان سال ۱۹۷۴م بود، وی پروتستانی است که مدت بیست سال را به حیث مبشر در پاکستان کار کرده است، و از جملهٔ شاگردان مدرسهٔ تبشیر عالمی فلر بود، و بعد از مجلس تبشیری کولورادو ۱۹۷۸م به حیث مدیر معهد صموئیل زویمر که دارای مرکز نشر و توزیع دراسات امور تنصیر مسلمین بود، تعیین گردید، این مرکز، که کورس‌های آموزشی را جهت آماده سازی مبشرین تشکیل می‌داد، مقرش در کالیفورنیا بود.

## افکار و معتقدات:

### اول افکار:

- مقابله با وحدت اسلامی: قسیس سیمون می‌گوید: وحدت اسلامی آرزوهای اقوام مسلمان را جمع نموده و بر نجات از سیطرهٔ اروپا کمک می‌نماید، و تبشیرعامل بزرگی در شکست قوت و نیروی این حرکت است بنابراین لازم است تا توسط تبشیر و دعوت به سوی نصرانیت میان مسلمانان و وحدت آنان حائل واقع شویم.

- لورنس براون می‌گوید: وقتی که مسلمانان تحت امپراطوری عربی متحد شوند ممکن است که خطر و عذابی بر جهان باشند و همچنان ممکن است که سبب رفاه و خوشبختی باشند اما اگر همینطور متفرق و پراکنده باقی باشند بی‌تأثیر و بی‌ارزش خواهند بود.

- مستر بلس می‌گوید: همانا دین اسلام است که سد بزرگی در مقابل دعوت به سوی نصرانیت در افریقا واقع گردیده است.

- گسترش اسلام توسط شمشیر: مبشر نلسون می‌گوید: شمشیر اسلام اقوام افریقا و آسیا را یکی بعد دیگری تابع خود ساخت.
- هنری جسپ مبشر امریکائی می‌گوید: مسلمانان به حقیقت ادیان نمی‌فهمند و قدر آن را نمی‌دانند، آنان دزدان، آدمکشان و عقب ماندگان‌اند، و دعوت تبشیری در راه متمدن ساختن شان کار خواهد کرد.
- لطفی لیفونیان که ارمنی بود و در مقابل اسلام چندین کتاب نوشته است می‌گوید: تاریخ اسلام یک سلسله مخفی از خونریزی‌ها، جنگ‌ها و کشتارها می‌باشد.
- ادیسون درباره حضرت محمد ﷺ می‌گوید: محمد نتوانسته است که نصرانیت را درست بداند، و دین خود را که به آن عرب متدین می‌باشد بر همان فهم نادرست خود بنا نهاده است.
- مبشر نلسن می‌گوید: اسلام دینی است که از دیگر ادیان تقلید شده است، و بهترین اموری که در آن وجود دارد از نصرانیت گرفته شده، و دیگر آموزش از بت پرستان بدون تغییر و یا با اندکی تغییر اخذ گردیده است.
- جسپ مبشر می‌گوید: اسلام بیشتر از آنکه به قرآن اتکاء داشته باشد بر افسانه‌ها متکی می‌باشد، که اگر ما افسانه‌های دروغین را از آن بدور بیندازیم از اسلام هیچ چیز باقی نمی‌ماند، همچنان می‌گوید: اسلام یک دین ناقص می‌باشد، و زن در آن همچون برده زندگی می‌نماید.
- ف. ج هابر مبشر می‌گوید: محمد در حقیقت بت پرست بود، زیرا تصور و ادراک وی درباره خداوند مفهوم کاریکاتوری را داشت.
- جون تالکی مبشر می‌گوید: لازم است که ما به مردم نشان دهیم که آنچه در قرآن درست است امر جدیدی نیست و آنچه جدید است درست نیست.
- صموئیل زویمر در کتاب خود «العالم الإسلامي الیوم» می‌گوید واجب است که مسلمانان را قناعت داده شود که نصارا دشمنان ایشان نیستند. همچنان می‌گوید لازم است که کتاب مقدس به لغات مختلف مسلمانان به نشر برسد زیرا این کار بزرگی است در راه دعوت بسوی مسیحیت. می‌گوید: دعوت مسلمانان بسوی نصرانیت باید توسط شخصی از خودشان و از میان صفوف شان باشد زیرا درخت را یکی از شاخه‌های خودش قطع می‌نماید. در ادامه می‌گوید: برمبشرین لازم است که وقتی نتیجه کار و دعوت خود را در مقابل مسلمین ضعیف یافتند بر آن قناعت نکنند زیرا واضح است که

در قلوب مسلمانان گرایش شدیدی به سوی علوم اروپائیان و به سوی آزادی زنان پیدا شده است».

- صموئیل زویمر در مجلس تنصیری قدس سال ۱۹۳۵ میلادی می‌گوید: «... مقصد تبشیر که دولت‌های مسیحی شمارا در مناطق اسلامی به خاطر آن روان می‌کند این نیست که مسلمانان را در مسیحیت داخل سازید زیرا این کار سبب هدایت و عزت برایشان خواهد بود بلکه مقصد اصلی تان آنست که شخص مسلمان را از اسلام خارج نمایید که در نتیجه تعلق به خدا و به اخلاق نداشته باشد اخلاقی که ملت‌ها مطابق آن زندگی خویش را به پیش می‌برند». «... شما یک طبقه ای را آماده می‌سازید که تعلق را با خداوند نمی‌شناسند و نمی‌خواهند که بشناسند و مسلمان را از اسلام خارج نموده و در مسیحیت نیز داخل نموده اید در نتیجه این طبقه مطابق اراده و خواست استعمار نشأت نموده است که برکارهای بزرگ توجه نداشته و راحت را دوست دارند و قتیکه چیزی را می‌آموزند آنهم به خاطر شهرت خواهد بود و وقتی مقامی را اشغال می‌نمایند در راه شهرت خویش تمام چیزها را صرف می‌نمایند.

### دوم: مجالس ایشان:

- از برای آنان همیشه مجالس منطوقی و جهانی زیادی بوده که از آنجمله است: مجلس قاهره سال ۱۳۲۴هـ / ۱۹۰۶م این مجلس به دعوت زویمر تشکیل شده بود و هدف از تشکیل آن جمع نمودن گروه‌های فرستاده شده تبشیری پروتستانی، بخاطر فکر نمودن درباره نشر انجیل میان مسلمین بود.

- تعداد اهل مجلس به ۶۲ تن از مردان و زنان می‌رسید که زویمر رئیس آن بود.

- مجلس تبشیری جهانی در ادن بره باکو تلنده سال (۱۳۲۸هـ / ۱۹۱۰م) در این مجلس دعوت شدگان از (۱۵۹) گروه تبشیری از تمام جهان گردهم آمده بودند.

- مجلس تبشیری در لکنو هند (سال ۱۳۲۹هـ / ۱۹۱۱م) در این مجلس صموئیل زویمر نیز حاضر بود و بعد از اختتام مجلس ورق‌هایی برای اهل مجلس توزیع گردید که بر یکطرف آن تاریخ مختصر لکنو از سال ۱۹۱۱م و برطرف دیگر ورق این جملات نوشته شده بود «اللهم یا من یسجد له العالم الاسلامی خمس مرات فی الیوم بخشوع أنظر بشفقة إلى الشعوب الإسلامیة وإلهمها الخلاص بیسوع المسیح».

- مجلس بیروت سال (۱۹۱۱). مجلس‌های تبشیر در قدس سال‌های: (۱۳۴۳هـ/ ۱۹۲۴م). سال (۱۹۲۸م) مجلس تبشیر دولی. سال ۱۳۵۴هـ/ ۱۹۳۵م که در این مجلس ۱۲۰۰ نماینده شرکت نموده بود. و مجلس دیگری هم در سال (۱۳۸۰هـ/ ۱۹۶۱م).
- مجلس کلیساهای پروتستانی سال ۱۹۷۴م در لوزان سوئیس را.
- از جمله خطرناک‌ترین مجالس شان مجلس کولورادو در ۱۵ اکتوبر ۱۹۷۸م بود که تحت اسم «مؤتمر آمریکا الشمالية لتنصیر المسلمین» تشکیل شده بود. در این مجلس ۱۵۰ عضو که از فعال‌ترین عناصر تنصیری در جهان به شمار می‌رفتند شرکت نموده بودند. این مجلس دوهفته به شکل مغلقی ادامه یافت و با تعیین نمودن یک استراتیجی که بخاطر مهم بودنش پنهان ماند به پایان رسید، و نیز در این مجلس برای انجام دادن همین استراتیجی به پرداخت هزار میلیون دالر فیصله گردید که تادیه این مبلغ فوراً انجام یافته و در یکی از بانک‌های بزرگ امریکائی گذاشته شد.
- مجلس جهانی تنصیر که در سوئد در اکتوبر ۱۹۸۱م زیر نظر مجلس فدرالی لوثرانی برگزار گردید. در این مجلس درباره نتایج مجلس‌های لوزان و کولورادو بحث صورت گرفت. و درباره تنصیر ماوراء البحار تحقیقات زیادی بخاطر تمرکز دعوت بر کشورهای سوم صورت گرفت.
- و همچنان از جمله مجالس شان: مجلس استامبول - مجلس حلوان در مصر - مجلس تبشیری لبنان - مجلس تبشیری بغداد - مجلس تبشیری قسنطینه در الجزایر (که قبل از استقلال بود) مجلس شیکاگو می‌باشد.
- مجلس مکاتب تبشیری در بلاد هند که این مجلس هر ده سال یکبار منعقد می‌شد.
- مجلس بلتیمور در ایالات متحده امریکا سال ۱۹۴۲م که این یک مجلس بسیار خطرناک به شمار می‌رفت، در این مجلس از جمله یهودیان ابن غوریون حاضر شده بود.
- بعد از جنگ جهانی دوم نصرانیت نظام جدیدی را به خود اتخاذ نمود و آن اینکه مجلس کلیساهای در هر شش و یا هفت سال بطور انتقالی از یک شهر به شهر دیگر برگزار می‌گردید که از آن جمله مجالس ذیل می‌باشد: مجلس امستردام هالند سال ۱۹۴۸م مجلس ایفانستون امریکا سال ۱۹۵۴م - مجلس دهلی نو هند ۱۹۶۱م -

مجلس اوفتالا ۱۹۶۷م در اروپا - مجلس جاکارتا ۱۹۷۵م در اندونوزیا که در این مجلس سه هزار مبشر نصرانی اشتراک نمود بود.

#### سوم: مراکز و معاهد مشهور تنصیری:

- معهد صموئیل زویمر در ولایت کلفورنیا، ایجاد این معهد مطابق فیصله‌های مجلس کولو رادو بود.

- مرکز عالمی برای تحقیق و تبشیر در کلفورنیا، این مرکز تمویل نمودن و استخدام اشخاص لازم برای آماده ساختن مجلس کولورادو و تهیه نمودن اسباب پیشرفت این مجلس را به عهده داشت.

- دانشگاه امریکایی در بیروت (که همان دانشکده انگلیسی سابقه در سوریه بود) این دانشگاه سال ۱۸۶۵م تأسیس شد.

- دانشگاه امریکایی در قاهره که بخاطر رقابت و همچشمی با دانشگاه الازهر تأسیس گردیده بود.

- دانشکده فرانسوی در لاهور.

- گروه تبشیری کلیسای انگلیسی که از مهم‌ترین گروه‌های پروتستانی به شمار می‌رود، از ایجاد این گروه تقریباً دو قرن می‌گذرد.

- ارسالیات تبشیری امریکائی که از مهم‌ترین آن‌ها گروه تبشیری امریکائی به شمار می‌رود، سابقه این گروه به سال ۱۸۱۰م باز می‌گردد.

- جمعیت ارسالیات تبشیری آلمان شرق که آن را قسیس لسیوس ۱۸۹۵م تأسیس نموده بود و کار خود را عملاً در سال ۱۹۰۰م شروع نمود.

- سال ۱۸۰۹ انگلیس گروهی را بنام «جمعیة اللندنیة» بخاطر نشر نصرانیت بین یهود تأسیس نمود و ابتداءً فعالیت این گروه این بود که یهودی‌هایی را که در گوشه و اطراف جهان متفرق بودند بسوی فلسطین سوق داد.

#### چهارم: بعضی کتاب‌های تنصیری:

- مباحث مجلس قاهره سال ۱۹۰۶ در کتاب بزرگی بنام «وسایل تبشیر به نصرانیت بین مسلمین» جمع آوری گردیده.

- زویمر کتابی تصنیف نمود که در آن بعضی بیانات تبشیری را جمع آوری نموده بنام «العالم الإسلامي الیوم» نام گذاری کرد، در این کتاب از وسائلی که مفضی به اختلافات بین گروه‌های غیر مسیحی و جلب آن‌ها بسوی مسیحیت می‌گردد. بحث نموده و طرقی را که برای مبشر پیروی از آن‌ها لازم است بیان می‌کند.
- تاریخ التبشیر: از مبشر ادوین بلس پروتستانی.
- کتاب مستر فاردنر: بخشش در این کتاب پیرامون افریقا و طرق نشر نصرانیت در آن و موانع نشر و دور کردن موانع می‌باشد.
- مجله ارسالیات تبشیری پروتستانی که در شهر بال درسویرا نشر می‌گردید واز مجلس ادنبره سال ۱۹۱۰م بحث می‌نماید.
- مجله شرق مسیحی آلمانی، این مجله را گروه تبشیری آلمان شرقی از سال ۱۹۱۰م بدینسو به نشر می‌رساند.
- دایرة المعارف الإسلامية، این کتاب به چندین زبان رائج به چاپ رسیده است.
- مختصر دایرة المعارف الإسلامية.

### پنجم: وسایل و امکانات شان:

#### ۱- طریق طبابت:

- آنان خدمات طبی را انجام می‌دهند، البته به خاطرآنکه از این خدمت در راه دعوت بسوی تنصیر استفاده نمایند.
- بول هاریسون کتابی دارد بنام «الطیب فی بلاد العرب» وی می‌گوید: ما خود را در بلاد عرب چنان مشاهده می‌نمودیم که مردان و زنان را گرفته در نصرانیت داخل می‌کردیم.
- س. ا. موریسون که نویسنده در مجله العالم الاسلامی است می‌گوید: در این وقت موقع خیلی مساعد می‌باشد که همین طبیب دعوت نصرانیت را در بین تعداد زیادی از مسلمانان در قریه‌های زیادی، در طول و عرض شهر انجام دهد.
- مبشره رید هاریس می‌گوید: بر طبیب لازم است که فرصت را بشناسد تا خود را به گوش و قلب مسلمانان برساند.

- مستر هاربر می گوید: ارسالیات طبی لازم است که خیلی زیاد باشد زیرا افراد این گروه همیشه با مردم عام سروکار دارند و آنان نسبت به مبشرین دیگر تأثیر زیادی بر مسلمانان دارند (مجلس قاهره سال ۱۹۰۶).
- بعضی از طبیبان مبشر این‌ها می‌باشند: آن آساوودج، فورست، کارنیلوسی فاندیک، جورج بوست، تشارلز کلهون، ماری آوی و دکتور طومسون.

## ۲- طریق تعلیم:

- آنان تمام فشار خود را در راه استفاده از این طریقه و سوق دادن آن بوجهی که اهداف تنصیری شان را برآورده سازد تمرکز داده‌اند.
- تأسیس مدارس، دانشکده‌ها، دانشگاه‌ها، معهدهای عالی و همچنان ایجاد کودکانستان‌ها و پذیرفتن شاگردان در مراحل ابتدائیه، متوسطه و ثانوی.
- در خلال یکصد و پنجاه سال زیاده از هزار میلیون نسخه از نسخه‌های عهد قدیم و عهد جدید، [یعنی تورات و انجیل] ترجمه شده به یکهزار و یکصدوسی لسان نشر و توزیع نموده‌اند، البته این‌ها علاوه بر نشریات و مجله‌هایی بوده که ارزش آن‌ها تقریباً به هفت هزار میلیون دالر بالغ می‌گردد.
- استشراق و تنصیر در راه خدمت اهداف مشترک شان از طریق تعلیم با هم همکاری می‌نمایند.

## ۳- کارهای اجتماعی:

- ایجاد لیلیه‌ها برای شاگردان ذکور و اناث.
- ایجاد سالون‌ها.
- توجه به ایجاد مهمانخانه‌ها، جاهای بودوباش بزرگان، دارالایتام‌ها دارالمساکین‌ها.
- توجه به کارهای عام المنفعه و استخدام رضا کاران برای امثال این گونه خدمات.
- تأسیس کتابخانه‌های تبشیری و استخدام نشرات به شکل گسترده.
- ایجاد مراکز اکتشافات که از این مراکز در راه تنصیر استفاده شایانی می‌نمایند.
- بازدید از محبوسین و از مریضان در شفاخانه‌ها و تقدیم نمودن تحفه‌ها و خدمات دیگر برایشان.

- ولسون و هلدائی [که دو زن نصرانی‌اند] در مجلس قاهره سال ۱۹۰۶م از فعالیت یک زن مبشر صحبت نموده گفتند: باید زن مبشر به نشر نصرانیت در میان زنان مسلمان بپردازد.

#### ۴- نسل:

- در اجتماع پاپ شنوده (۱۹۷۳/۳/۵م) قسیس‌ها و سرمایه داران در کلیسای مرقسیه اسکندریه چندین ماده را به تصویب رسانیدند که از آنجمله بود: از بین بردن محدودیت‌ها در توالد و تناسل در میان گروه‌های کلیسایی و تشویق به تکثیر نسل توسط تعیین کردن جوائز و مساعدات مادی و معنوی، و تشویق بر ازدواج‌های جدید میان نصراری، و در مقابل آن ایجاد محدودیت‌ها در توالد و تناسل میان مسلمانان به طور خاص، و این را باید دانست که زیاده از ۶۵٪ اطباء و کارکنان صحتی را افراد کلیسائی تشکیل می‌دهد.

#### ۵- برپا کردن فتنه‌ها و افروختن جنگ‌ها:

- بخاطر ضعیف ساختن مسلمانان می‌کوشند که میان شان فتنه‌ها و جنگ‌ها برپا کنند.

- برانگیختن اضطرابات و ناآرامی‌های مختلف توسط روشن کردن آتش دشمنی و عداوت و بیدار کردن احساسات تنگ قوم پرستی و گروه پرستی، مثل گروه فرعونیه در مصر و فینقیه در شام و فلسطین و لبنان، آشوریه در عراق و بربریه در شمال آفریقا.

- زویمر در مجلس تبشیری (۱۹۱۱م) در لکنو هند می‌گوید: انقسام سیاسی فعلی در عالم اسلامی دلیل روشن بر کار کردن دست خداوند در تاریخ است که آن را به نفع دیانت مسیحی می‌چرخاند و کار آن به پیش می‌رود.

#### ۶- امکانات و وسائل:

- در اندونوزیا به وسائل نشراتی تسلط دارند، و چندین رادیوی تبشیری و جرائد قومی در خدمت شان می‌باشد، احصائیه سال ۱۹۷۵م نشان می‌دهد که در آن کشور: (۹۸۱۹) کلیسا، (۳۸۹۷) قسیس و (۸۵۰۴) مبشر فارغ‌البال از گروه پروتستانی و (۷۲۵۰) کلیسا، (۲۶۳۰) قسیس و (۵۳۹۳) مبشر فازغ‌البال از گروه کاتولیک می‌باشد، و پلانی طرح کرده‌اند که مطابق آن باید از تنصیر مکمل اندونوزیا در سال ۲۰۰۰م فارغ گردند.



- در بنگلادیش ارسالیات تبشیری زیادی برای نصرانی ساختن مسلمانان وجود دارد.
- در کینیا نیز سال ۲۰۰۰م را سال تکمیل تنصیر آن می‌دانند.
- فشار قوی تنصیر در مالیزیا، دول خلیج و افریقا است.
- در مجلس عدم انسلاک در کولالمپور ذکر شد که تقریباً ۲۵۰۰ دستگاه رادیویی از ۶۴ لسان قومی وجود دارد که در مقابل اسلام صریحاً هجوم نموده ضد آن تبلیغ می‌نمایند.
- مجموع ارسالیات موجود در ۳۸ شهر افریقا به ۱۱۱۰۰۰ ارسالی می‌رسد که در خدمت بعضی از آن‌ها هواپیماها قرار دارد و توسط آن‌ها طبیبان، ادویه و کارکنان صحتی را بخاطر تداوی مریضان در اطراف دور دست و صعب العبور انتقال می‌دهند.
- فعلاً زیاده بر ۲۲۰ هزار مبشر در جهان وجود دارد که ۱۳۸۰۰۰ آن کاتولیکی و باقی ۸۲۰۰۰ پروتستانی می‌باشند، تنها در افریقا ۱۱۹۰۰۰ مبشر و مبشره وجود دارد که سالانه دو بلیون دالر را به مصرف می‌رسانند.

### ریشه‌های فکری و اعتقادی:

- دعوت تنصیر و توسع آن عقب شکست‌هایی بود که در خلال دو قرن (۱۰۹۹-۱۲۵۴م) در راه بدست آوردن بیت المقدس و اخراج آن از دست مسلمانان، صلیبی‌ها به آن مبتلا شدند.
- پاپ یسوعی میبزم می‌گوید: «جنگ‌های سرد صلیبی که آن را مبشرهای ما در قرن هفدهم شروع کرده‌اند تا الحال ادامه دارد، راهب و راهبه‌های فرانسوی همیشه تعداد زیادی از آن‌ها در شرق وجود داشته‌اند».
- مستشرق آلمانی بیکر به این عقیده است که: «نصرانیت با اسلام دشمنی شدیدی دارد، زیرا وقتی اسلام در قرون وسطی به نشر رسید سد بزرگی در مقابل نشر نصرانیت واقع شد، دیگر اینکه اسلام به جاهائی رسید و گسترش نمود که مطیع و منقاد نصرانیت بود».
- هدف اساسی تنصیر دست یافتن غرب نصرانی بر بلاد اسلامی بوده که این خود مقدمه‌ای بر استعمار و سبب مباشر برای از بین بردن قوت مسلمانان و ضعیف ساختن آنان است.

**انتشار و جاهای نفوذ:**

- تنصیر بر تمام کشورهای سوم انتشار و نفوذ نموده است.
- این دعوت پشتوانه دولتی بزرگی از: امریکا، اروپا، کلیساهای مختلف، هیئت‌ها، دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های جهانی، به دست آورده است.
- تمرکز فشار بزرگ این دعوت متوجه عالم اسلامی است.
- تمرکز این دعوت در اندونوزیا، مالیزیا، بنگلادیش، پاکستان و عموم افریقا می‌باشد.

**مراجع:**

- ۱- الفكر الإسلامی الحدیث د. محمد البهی - ط ۸- مکتبه وهبه در قاهره - ۱۳۹۵هـ/۱۹۷۵م.
- ۲- التبشیر و الاستعمار المستشار محمد عزت اسماعیل طهطاوی المطابع الامیریة بالقاهره - ۱۳۹۷هـ/۱۹۷۷م.
- ۳- التبشیر و الاستعمار د. مصطفی الخالدی و د. عمر فروخ - ط ۵- ۱۹۷۳م.
- ۴- الغارة على العالم الإسلامی ا. ل. شاتلیه، ترجمه محب الدین خطیب و مساعد یافی - ط ۳- المطبعة السلفية - ۱۳۸۵هـ.
- ۵- معاول الهدم والتدمير اباهیم سلیمان الجبهان - ط ۴- عالم الکتب فی النصرانیة و التبشیر - الرياض - ۱۹۸۱م.
- ۶- اضواء على الاستشراق د. محمد عبدالفتاح علیان - ط ۱- دارالبحوث العلمیة - ۱۹۸۰م/۱۴۰۰هـ.
- ۷- قادة الغرب يقولون جلال العالم - ط ۲- ۱۳۹۵هـ ۱۹۷۵م.
- ۸- مجلة البلاغ شماره ۴۸۴ تاریخ ۱۴/۲/۱۹۷۹م.
- ۹- دائرة المعارف الإسلامیة
- ۱۰- دائرة معارف الدین و الأخلاق

---

- Encyclopaedia of Religion and Ethics

.Focuc on Christian - Muslim Relations - ١١



## جماعت اسلامی در شبه قاره هند - پاکستان

### تعریف:

- جماعت اسلامی شبه قاره هند پاکستان یک گروه اسلامی معاصر است که تمام کوشش خود را در راه نفاذ و تطبیق شریعت اسلامی در زندگی مردم و مقابله جدی با همه گروه‌های علمانی که می‌خواهند بر منطقه سلطه حاصل کنند، تمرکز داده است.

### تأسیس و اشخاص برانزنده:

#### اول: داعی و مؤسس آن:

- ابوالاعلی مودودی: (۱۳۲۱ - ۱۳۹۹ هـ) (۱۹۰۳ - ۱۹۷۹ م) در شهر اورنگ آباد دکن ولایت حیدرآباد تولد شد، تربیه و تعالیم ابتدائی خود را نزد والدش سید احمد حسن فراگرفت، نسبش به خاندان قطب الدین مودودی که مشهور به دیانت و روحانیت بود، می‌رسد.

- مرحله دعوتش از زمان دخول در میدان نویسندگی و امور فرهنگی در سال ۱۹۱۸ م شروع شد. در سال ۱۹۲۰ م یک جبهه فرهنگی از روزنامه‌ها و مجلات تشکیل داد که هدف از آن آزادی ملت مسلمان و تبلیغ اسلام بود. وی در چندین جریده به حیث نویسنده، مدیر، و رئیس ایفاء وظیفه نمود.

- کتابش «الجهاد فی الاسلام» که سال ۱۹۲۸ م به نشر رسید، تأثیر بزرگی در تشویق نفوس و برانگیختن آن‌ها در مقابل انگلیس و بت پرستان و در مقابل تمام دشمنان اسلام در همه جا داشت.

- سال ۱۹۳۳ م مجله «ترجمان القرآن» را از حیدرآباد دکن به نشر رسانید، شعار این مجله این بود که «ای مسلمانان: دعوت قرآن را با خود داشته بر پاخیزید و عالم را حلقه کنید» از طرف همین مجله افکار خود را به مردم پاکستان رسانید که این کار راه را به تأسیس جماعت اسلامی وی بعدها هموار ساخت.

- در سال ۱۹۳۷ - ۱۹۳۸ م نظر به دعوت محمد اقبال (۱۸۷۳ - ۱۹۳۸ م) به لاهور رفت، و در باثانکوت دار الاسلام تأسیس نمود که در آنجا اشخاص را تربیه می‌نمود و

کتاب تألیف می‌کرد، ولی علامه اقبال بعد از رسیدن مودودی چند ماهی زنده بود و بعد از آن جهان فانی را وداع گفت.

- از طریق مجله ترجمان القرآن مودودی علماء و رهبران مسلمانان را به سوی مجلسی که در لاهور ۲۶ اگستس ۱۹۴۱ م/ ۱۳۶۰ هـ ترتیب داده بود، فراخواند، در این مجلس (۷۵) شخص که ممثل بلاد مختلف هند بودند حضور داشتند و در همین مجلس جماعت اسلامی تأسیس گردیده و شخص مودودی به حیث امیر جماعت تعیین گردید.

- در آن ایام که زمام سلطه به دست بریتانیایی‌ها بود، مودودی فتوای جرئت‌مندانه خود را، مبنی بر حرام بودن خدمت و کار در قوای اشغالگر، صادر نمود، که این خود جماعت را در ابتداء ظهورش مورد هجوم قوای استعماری قرار داد.

- در ۲۸ اگستس ۱۹۴۷ م پاکستان با هر دو جزء خود [پاکستان فعلی و بنگلادیش] از هند بت پرست به حیث یک کشور مستقل جدا شد. در عقب آن قیادت نوی برای جماعت اسلامی در هند قدم به ظهور نهاد این کار صرف بخاطر تسهیل امور اداری جماعت بود و بس، و در آن اوقات جماعت به پای خود ایستاده شده بود، برای مسلمانان مهاجر اردوگاه‌هایی تشکیل داده به آن‌ها کمک‌های اضطراری می‌کرد.

- مودودی در زندگی خود، بخاطر جرأتی که در مقابل معارضین تطبیق شریعت اسلامی در پاکستان داشت، چندین بار محبوس گردیده بود که در بعضی از آن‌ها حکم اعدامش نیز صادر گردید، ولی بعداً تخفیف شده حکم اعدام عملی نمی‌شد، اما این محبوسیت‌ها در عزم متین وی تغییری نیاورد، بلکه ایمانش به دعوت و مبادی اسلامی‌اش را سختر می‌گردید.

- جماعت اسلامی مجاهدین کشمیر را در راه جهاد علیه هند کمک نموده برای شان مرکزهای طبی و کمپ‌ها تشکیل می‌داد.

- در نومبر ۱۹۷۱ م پاکستان به دویخش تقیسم گردید: پاکستان غربی که نام خود را حفظ نمود، پاکستان شرقی که بنام بنگلادیش مسمی گردید، این انقسام استاذ مودودی را خیلی ناراحت ساخت.

- در اوائل نومبر ۱۹۷۲ م مودودی نظر به درخواست خودش و بخاطر مختل بودن صحتش از مقام خود که به حیث امیر جماعت بود استعفاء نموده به بحث، تحقیق و

نوشتن رو آورد و به تکمیل کتاب خود «تفهیم القرآن» پرداخت، بعد از استعفاء وی میان طفیل محمد به حیث امیر جماعت تعیین گردید.

- در ۲۷ فبرایر ۱۹۷۹م جائزه خدمت اسلام از طرف ملک فیصل به مودودی اعطاء گردید، ولی وی این مبلغ را برای تأسیس «مجمع المعارف الإسلامیه» در لاهور صرف نمود.

- در ۱۳۹۹/۱۱/۱هـ - ۱۹۷۹/۹/۲۲م بعد از یک عملیات جراحی که در نیورک به وی صورت گرفت مودودی به جانب پروردگارش شتافت، جنازه اش با سوکواری عالم اسلامی به لاهور نقل داده شد.

مودودی دعوتی، رجالی و کتابخانه‌ای که آباد از تألیفاتش بود از خود به میراث گذاشت، البته کتب و تألیفاتش به چندین لسان ترجمه گردیده به کرات و مرات به چاپ رسیده است.

## دوم: اشخاص بارز:

### ۱- در پاکستان:

- میان طفیل محمد: متولد (۱۹۱۴م) یکی از اعضاء مؤسسين، در زندگی مودودی به حیث معاون جماعت ایفاء وظیفه می نمود، بعدا در سال ۱۹۷۲م به جای مودودی به حیث امیر جماعت تعیین گردید، و در سال ۱۹۷۷م انتخابش بار دیگر تجدید گردیده و تا سال ۱۹۸۱م در این منصب خود باقی ماند، وی با مودودی محبوس نیز شده بود، و در بسیاری از مجالس در داخل پاکستان و خارج از آن شرکت ورزیده بود، چندین شهادتنامه دانشگاهی در علم فزیک، ریاضیات و قانون بدست آورده بود.

- قاضی حسین احمد: وی نیز به حیث معاون جماعت ایفاء وظیفه می نمود، بعد از میان طفیل محمد ۱۹۸۷م به حیث امیر جماعت انتخاب گردید.

- خورشید احمد: نائب امیر، و وزیر سابقه در مجلس وزراء ۱۹۷۸م، و عضو مجلس صوبائی پاکستان.

- محمد اسلم سلیمی: منشی عمومی جماعت.

- خلیل احمد حامدی: مدیر دارالعروبة و مدیر معهد عالمی مودودی برای تدریسات اسلامی.

- خرم جاه مراد: مدیر مؤسسه اسلامی در انجلترا (لیستر)، امیر جماعت اسلامی در پایتخت پاکستان شرقی قبل از تقسیم و فعلا نائب منشی عمومی.
- امین احسن اصلاحی: از علماء بزرگ که همراه با مودودی محبوس گردید، ولی وی جماعت را بخاطری که در میدان سیاست و انتخابات داخل گردید، ترک نمود، اما کتیش فعلا هم ضمن منهج درسی جماعت، تدریس می‌شود.
- پروفیسور عبد الغفور احمد: وی امیر جماعت اسلامی گراچی، عضو پارلمان مرکزی و وزیر معادن و صنایع در دور وزارت ۱۹۷۸ م بود.
- محمود اعظم الفاروقی: عضو پارلمان و وزیر اطلاعات و کلتور ۱۹۷۸ م.
- سید اسعد جیلانی: امیر صوبه پنجاب، و فعلا عضو پارلمان مرکزی که از جانب جماعت انتخاب گردیده است، بیشتر از (۸۰) کتاب، در نواحی مختلف زندگی اسلامی از وی به نشر رسیده است.
- چودری رحمت الهی: وی وزیر آب و برق، در دور وزارت ۱۹۷۸ م بود.

## ۲- در هند:

- أبوليث الإصلاحي الندوی: اولین امیر جماعت در هند، بعدا اماره را ترک نمود، ولی بار دیگر انتخاب گردید و تاحال به وظیفه خویش ادامه می‌دهد.
- شیخ محمد یوسف: وی بعد از دوره اول أبو لیث، به حیث امیر جماعت ایفاء وظیفه نمود.
- سید حامد حسین: وی از جمله خطیبان و داعیان مشهور بود و بعد از حج سال ۱۴۰۵ هـ در جده وفات نمود.
- افضل حسین: وی فعلا منشی عمومی جماعت است، و کار شناس در امور تربیه می‌باشد، تقریباً سی کتاب در این مورد نوشته است.
- سید احمد عروج القادری: فعلا نائب امیر جماعت، و رئیس تحریر مجله «زندگی» که زبان فعلی جماعت اسلامی درهند می‌باشد، است.

## ۳- در بنگلادیش:

- ابو کلام محمد یوسف: اولین امیر جماعت در بنگلادیش بعد از جدائی از پاکستان سال ۱۹۷۲ م.
- عباس علی خان: امیر فعلی جماعت.



- غلام اعظم: حکومت بخاطر بیم دادن وی و تنگ ساختن ساحه بر حرکت داعیانه وی تذکره هویتش را مصادره نموده است، بنابراین وی بدون تذکره زندگی می‌نماید، وی امیر جماعت در پاکستان شرقی قبل از جدائی بود.

#### ۴- در جاهای دیگر:

- امراء و شخصیات بارز دیگری هم است در: سریلانکا، کشمیر، و سیلان.

#### افکار و معتقدات:

- عقیده جماعت همان عقیده مسلمانان اهل سنت و جماعت است و فکر شان به طور اجمال از این عقیده بیرون نیست که آن عبارت است از دعوت به سوی یکتا پرستی، تمسک به کتاب خداوند ﷺ و سنت پیامبر خدا ﷺ و کوشش جدی در راه تطبیق شریعت اسلامی در زندگی بشر.

- عقیده دائمی مودودی این بود که: اسلام یک نظام فلسفی صرف نیست بلکه یک نظام کامل برای زندگی است و تا وقتی که نمونه و مثال آن را عملاً در پیش روی خود نبینیم، از راه کلام و سخن هیچ خدمتی به اسلام کرده نمی‌توانیم.

- برنامه‌های اصلاحی مودودی از چهار نقطه تشکیل می‌شود:

۱- تزکیه و پاک کردن افکار.

۲- اصلاح خود فرد.

۳- اصلاح اجتماع.

۴- اصلاح نظام حکومت.

- مودودی جهاد و کوشش خود را درمقابل چهار چیز تمرکز داده بود:

۱- درمقابل مفکوره اتحاد قومی که در داخل هند وجود داشت. البته این دعوتی بود که حزب کانگرس هند آن را ایجاد نموده بود، حزبی که بسوی اتحاد قومی میان مسلمانان و هندوها دعوت می‌کرد مودودی در این باره دو کتاب نوشته که یکی بنام «المسلمون والصراع الحالی» دوم بنام «مسألة القومية» است.

۲- ضد سیطره و تسلط تمدن غربی.

۳- ضد فرمان‌روایانی که دارای افکار ضد اسلامی بودند.

۴- ضد تنگ نظری‌های دینی.

- مودودی بخاطر مستحکم شدن حرکت به سه نقطه تأکید می‌کرد:

۱- شخص باید به این قناعت نکند که همراهانش در عقیده خویش قوی هستند بلکه در رفتار فردی خویش نیز باید رضایت بخش باشند.

۲- باید نظام دعوت چنان محکم و قوی باشد که هیچ نوع تساهل و سستی را نپذیرد.

۳- باید دعوت مشتمل بر دو نوع از داعیان باشد:

الف: داعیانی که دارای ثقافت اسلامی قدیمه باشند.

ب: داعیانیکه دارای ثقافت و علوم عصری جدید باشند.

- در سخنرانی که مودودی در دانشکده حقوق لاهور بتاريخ ۱۹۴۸/۲/۱۹م ایراد فرموده بود چهار درخواست اساسی را که حیثیت اهداف دولت آینده پاکستان را داشت، اعلان نمود، که آن‌ها قرار ذیل می‌باشند:

۱- حاکمیت در پاکستان خاص خداوند ﷻ بوده حکومت پاکستان جز نافذ ساختن اوامر خداوند ﷻ حق دیگری ندارد.

۲- یگانه قانون اساسی دولت، شریعت اسلامی می‌باشد.

۳- الغای تمام قوانینی که مخالف شریعت اسلامی باشد و در آینده نیز قانونی وضع نشود که مخالف شریعت باشد.

۴- حکومت پاکستان سلطه خود را در داخل حدودی نافذ کرده می‌تواند که آن را شریعت تعیین کرده است.

- نقاط چهارگانه مذکور هنگامه وسیعی را در پی داشت طوری که هزاران رساله و مکتوب از مناطق مختلف در تأیید آن‌ها و مطالبه به آن‌ها وارد گردید، حکومت فوراً برضد آن‌ها قیام نموده مودودی و همراهانش را به سبب آن زندانی نمود، ولی دیری نگذشت که حکومت در مقابل آن نرمش نشان داد و فیصله گروه تأسیسه که بنام فیصله‌های اهداف معروف است، و تا حال به حیث اساس نظریه اسلامی در دولت پاکستان شمرده می‌شود، در مارچ ۱۹۴۹م صادر گردید.

- مودودی طریقه دعوت خود را در اسالیب ذیل منحصر ساخته بود:

\* اسلوب زراعت.

\* اسلوب طبابت.

\* اسلوب تصنیف (طلبه - کارگران - زارعین - مدافعین - طبیبان...)

\* اسلوب در نظر داشت امر مهم درجه اول و بعد درجه دوم.

\* اسلوب عمل قبل از سخن.

- جماعت بخاطر ایجاد یک حرکت منظم طلاب اسلامی کار نمود که بعداً آن حرکت بنام (اسلامی جمعیت الطلبه) مسمی گردید. این حرکت یک گروه مستقل در کار و اداره خود بوده اشتراکی‌ها، کمونست‌ها، و علمانی‌ها را مغلوب خود ساخته‌اند و اکثر کرسی‌ها را در مجالس مختلف طلاب اشغال می‌نمایند.

- جماعت اسلامی به طرفداری مهاجرین و مجاهدین افغانی برخاست و برای شان اردوگاه‌ها و شفاخانه‌ها تشکیل داد واز آنان پشتیبانی کرد، و تا حال وظیفه مهم جماعت در پاکستان همین است.

- جماعت به مدت نو سال (۱۹۴۷ - ۱۹۵۶م) در مقابل اشتراکی‌ها، هندوها و بیدین‌ها داخل معرکه و مجادله گردید، تا آنکه قانون ۱۹۵۶م وضع شد که تأیید و جانبداری از نظر اسلامی به شمار می‌رود، ولی این مقابله با اشکال مختلف تا امروز ادامه دارد.

- در مرامنامه جماعت اسلامی در پاکستان چنین آمده است:

\* جماعت باید کتاب خداوند ﷺ و سنت رسولش ﷺ را به حیث دو مصدر احتجاج و استدلال در تمام امور زندگی باخود داشته باشد.

\* به خلاف گروه‌های سری در جهان، مقابله و کوشش جماعت بخاطر رسیدن به هدفش باید از راه‌های مخفی نباشد، بلکه هر کاری که انجام می‌دهد آشکارا و در روشنی روز باشد.

\* جماعت، بخاطر عملی کردن اصلاحاتی که در جستجوی آنست و انقلابی که در طلبش قرار دارد از طرق دستوری و قانونی پیش می‌رود، همچنان به خاطر تغییر و نو آوری که آن را هدف قرار داده است در تلاش کسب نمودن رای عام مردم است.

### ریشه‌های فکری و اعتقادی:

- أبو الأعلى مودودی در قدم اول دعوت خود را از کتاب خداوند ﷺ و سنت رسولش ﷺ اخذ نموده است.

- دعوت وی متأثر از دعوت شیخ محمد بن عبد الوهاب است، زیرا مودودی نیز بر پاک کردن عقیده از شوائب شرک، ضروری بودن بازگشت به سوی دو سرچشمه زلال (قرآن و حدیث)، رجوع به سوی دلیل در هر امری و از بین بردن بدعات وارده در دین، شدیداً و دائماً اصرار می‌ورزید.

- مودودی از فیلسوف اسلام محمد اقبال لاهوری، که فکر جدائی پاکستان مسلمان از هندوستان بت پرست، را به میان آورد، نیز متأثر بود و اقبال را خیلی دوست داشت، ایشان فقط سه بار باهم ملاقات کرده‌اند و در هر سه بار فکرهای شان خیلی زیاد باهم مطابقت داشت.

- بین دعوت اخوان المسلمین و دعوت جماعت اسلامی تأثیر و تأثر [تأثیر دهی و تأثیر پذیری] وجود داشت و کتب هر یکی از این دو جماعت در منہج دیگر تدریس می‌شد. حسن البنا کتاب «الجهاد في الإسلام» را که مودودی تألیف نموده بود مطابق به افکار جهادی خود یافته تعجب و خوشی خود را از آن اظهار نمود.

### انتشار و جاهای نفوذ:

- مرکز جماعت در پاکستان می‌باشد.  
 - مرکز جماعت اسلامی در پاکستان همانا المنصوره شهر لاهور است.  
 - افراد جماعت رهبری‌های متعددی در بنگلادیش، هند، سریلانکا، کشمیر، و غیره دارند، که این تعدد تنها بخاطر کارهای اداری است و در غیر آن همه آن‌ها دارای فکر و جهت واحدی هستند و یک منطقه بامنطقه دیگر هیچ نوع اختلافی ندارند.  
 - جماعت اسلامی در پاکستان نفوذ قوی و تأیید گسترده مردم را باخود دارد که حتی در مجالس مختلف حکومتی جای خود را اشغال نموده است.

### مراجع:

- ۱- أبو الأعلى المودودي: اسعد جیلانی - ترجمه دکتور سمیر عبد الحمید فکرة و دعوتہ ابراہیم - شرکت فیصل در لاهور - طبع اول به عربی - ۱۳۹۸ھ - ۱۹۷۸م.
- ۲- الإمام أبو الأعلى المودودي: خليل احمد الحامدی - المكتبة العلمية - لاهور حیاتہ، دعوتہ، جهادہ - پاکستان - ۱۹۸۰م.

- ۳- الموسوعة الحركية (دو جلد) فتحى يكن - دار البشير - عمان - الاردن -  
۱۴۰۳هـ / ۱۹۸۲م.
- ۴- دستور الجماعة الإسلامية خليل احمد الحامدى آن را به عربى نقل داده  
پاکستان. است - دار العروبة - المنصورة - لاهور - پاکستان - ۱۹۸۲م.
- ۵- کتب و تألیفات أبو الأعلى مودودى که زیاد و مشهور است.



## حزب جمهوری در سودان

### تعریف:

این حزب یک حزب سودانی است که مؤسس آن، محمود محمد طه به سوی ایجاد حکومت فیدرالی، دیموکراتی، و اشتراکی، که شریعة انسانی در آن حکمفرما باشد، دعوت می‌کند، مبادی حزب مختلط از افکار و فلسفه‌های گوناگون بوده خیلی غموض و پیچیدگی در آن وجود دارد، مقصود از این غموض و پیچیدگی در قدم اول پنهان ساختن بسیاری از حقایق، و در قدم دوم جلب توجه دانشمندان است.

### تأسیس و اشخاص بارز:

- مؤسس این حزب مهندس محمود محمد طه است که سال ۱۹۱۱م تولد شده و سال ۱۹۳۶ در ایام انگلیس، از دانشگاه خرطوم، که در آن وقت بنام «کلیة الخرطوم التذکارية» یاد می‌شد، فارغ گردیده.

- حزب وی در ایام استعمار بریتانیا بر سودان متولد گردید و محمود بطور مستمر از ابتداء تأسیس در سال ۱۹۴۵م تا وقت مرگش به حیث رئیس حزب ایفاء وظیفه نمود.

- در ایام انگلیس زندانی شد و چند سال هم گوشه نشینی اختیار نمود و بعد از آن به افکار سیاسی خود بیرون شد، افکاری که سوی تفاهم با اسرائیل دعوت می‌نمود، همچنان یک تعداد نظریات دینی را ابراز نمود که خلط با نظریات شخصی بوده و هیچ یکی از علماء و ائمة دین بآن قول نکرده است.

- در مجادله و مناظره مهارت خاصی داشت.

- در دور اخیر زندگی‌اش باردیگر به زندان برده شد و اندکی بعد رهاگردید، لکن به مجرد خروجش از زندان فعالیت گرمی را، در مقابل تطبیق شریعت اسلامی در سودان، براه انداخت، و مسیحی‌های جنوب را نیز ضد تطبیق شریعت بر انگیخت، همین بود که حکم اعدام وی با چهار تن از همکارانش به جرم زندیق شدن و مقابله با تطبیق شریعت اسلامی، صادر گردید.

- برایش سه روز مهلت داده شد تا توبه کند ولی توبه نکرد، و صبح روز جمعه ۲۷ ربیع الثانی ۱۴۰۵ هـ مطابق به ۱۹۸۵/۱/۱۸ م به دار آویخته شد و اعدام گردید، اعدام وی به پیش چشم همان چهار همکارش صورت گرفت، همکارانش عبارت بودند از:
- ۱- تاج الدین عبدالرزاق، (۳۵) ساله، کارگر در یکی از شرکت‌های نساجی.
  - ۲- خالد بکیر حمزه، (۲۲) ساله، طالب دانشگاه قاهره - شاخه خرطوم.
  - ۳- محمد صالح بشیر، (۳۶) ساله، مستخدم در شرکت تجاری الجزیره.
  - ۴- عبد اللطیف عمر، (۵۱) ساله کارمند در جریده الصحافة، این‌ها همه، بعد از دو روز توبه خود را اعلان نموده گردن‌های خویش را از ریسمان دار نجات دادند.

### افکار و معتقدات:

- این حرکت دارای افکار و معتقدات ناآشنائی است که از مفکوره اسلامی بعید و دوراست، رهبر این حزب، اهدافی را که به سوی آن سعی و تلاش می‌کنند در نقاط ذیل تعیین نموده است:

- ۱- ایجاد افراد آزادی که مطابق خواست خویش فکر می‌کنند، مطابق فکر خویش سخن می‌گویند، و مطابق گفتار خویش عمل می‌کنند.
- ۲- ایجاد جامعه صالح «جامعه‌ایکه مبنی بر مساوات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی باشد».
- \* مساوات اقتصادی آن از اشتراکیت شروع شده به سوی کمونستی پیش می‌رود.
- \* مساوات سیاسی از دیموکراتی نیایی مباشر شروع شده به آزادی مطلق فردی ختم می‌شود، البته آزادی‌یکه برای هر فرد شریعت خاص خودش باشد.
- \* مساوات اجتماعی عبارت است از نابود ساختن تفرقه به حسب طبقه، رنگ، عنصر و عقیده.

۳- مقابله با خوف و ترس... «خوف [مرادش خوف و ترس از خداوند عز و جل است] پدر شرعی از برای تمام نواقص اخلاقی و معایب سلوک به شمار می‌رود، مردی که خوف داشته باشد هرگز کمالات مردی وی تکمیل نخواهد شد، همچنان زنی که خوف داشته باشد هرگز کمالات زنی وی پوره نخواهد شد، به هر اندازه‌ایکه ترس داشته باشد و به هررنگی که بترسند، بنابراین باید گفت که: کمال در سلامت از خوف است» رساله الصلاة ص ۶۲.



- دین به فکر وی از خوف پیدا شده، چنانچه می‌گوید: «انسان اول چون در آن جوء طبیعی که خداوند وی را در آن پیدا کرده بود، خود را از هر جانب محاط به دشمن‌ها یافت بخاطر حفظ زندگی خود شروع به فکر و عمل نمود و خداوند وی را توسط عقل و فکری که به وی داده بود به این رهنمائی کرد که توانست قوت‌هایی را که محاط به وی بودند به دو بخش تقسیم نماید، یعنی دوستان و دشمنان، بعدا دشمنان را نیز به دو بخش تقسیم کرد: دشمنانیکه توان آن‌ها را دارد و به قوت خود آن‌ها را دفع کرده می‌تواند، و دشمنانیکه قدرت آن‌ها فوق قدرت وی است و از دفع شان عاجز است... بعدا بخاطر دفع دشمنانی که توان شان را داشت، مثل حیوان درنده و دشمنان انسانی، به مقابله آن‌ها پرداخت، ولی در مقابل دوستان بزرگ و دشمنان قوی اینطور چاره جوئی نمود که به آن‌ها اظهار چاپلوسی، تواضع و تملق نموده قربانی‌ها پیشکش نماید و به دوستان امید ببندد و از دشمنان خوف داشته باشد، از همین روز بود که مراسم عبادت شروع شد و دین به وجود آمد» رساله الصلاة ص ۳۱.

- راه رسیدن به این اهداف همانا فعالیت بخاطر برپا کردن یک حکومت در سودان است که دارای نظام جمهوری فدرالی، دیموکراتی، و اشتراکی باشد.

- آنان - در حکومت خویش - شریعت انسانی را نافذ خواهند ساخت، چنانچه می‌گویند - شریعتی که کم‌ترین آن قانون دستوری است، و جوهر آن قانون، از بین بردن قیومیت از میان زنان و مردان است.

- رهبرشان همیشه تکرار می‌کرد که: «در قرآن قانون دستوری وجود ندارد» و به این نقطه نیز تأکید می‌کرد که: «مبنای شریعت اسلامی بر قیومیت است، چون امت قاصر بود پیامبر متولی امور بود، حتی متولی امور مردان، و مردان به نوبه خود با وجود قصوری که در آن‌ها وجود داشت متولی امور زنان بودند» و حالا چون مردم به رسالت دومی که آن را (محمود طه) با خود آورده، رسیده‌اند، وقت آن رسیده که این قیومیت از میان مردان و زنان برداشته شود.

- پیامبر ﷺ رسالت خود را از خداوند توسط جبرئیل اخذ نمود و این حالت را - حالت اخذ رسالت توسط وحی - حالت ادراک شفعی نام کرده، چون در این حالت دمیدن از خارج است خوف نیز موجود می‌باشد.

- اما دعوت جمهوری که گمان می‌کند وی آن را از خداوند مباشرة و بدون واسطه اخذ نموده، آن مرحله وتری [تنهایی] است که در این حالت نفخ و دمیدن از داخل بوده و خوف نیز در آنجا راهی ندارد.

- دین در نظر وی همانا زنگ و چرگ است و آن به سبب رسوب و ذلتی که در نشأت اجتماع بشری جریان داشته و فعلا نیز جریان دارد، به وجود آمده است، البته دین در سایه اوهام، خرافات و اباطیل به وجود آمده که در ساحة شناخت ما از خداوند و حقایق اشیاء تأثیر افکنده و نیز در آنچه در مقابل خودمان، در مقابل خدا، و در مقابل اجتماع واجب می‌باشد تأثیر افکنده است.

- وی می‌گوید که سطح شریعت اصول همانا سطح رسالت دوم اسلام است و این آن رسالتی است که وی زندگی خود را در راه دعوت و تبشیر به سوی آن وقف نموده است.

- می‌گوید که تنها محمد ﷺ، در تمام امتش انسان (کامل) بود زیرا وی شریعت خاصی داشت که مبنی به اصول اسلام بود، و شریعت امتش قایم بر فروع است بود.  
- اشاره می‌گوید که کمونستی با اشتراکی فقط در مقدار تفاوت دارد گویا اشتراکیت حرکت مرحله‌ای به سوی کمونستی است این مطلب را در کتاب الرسالة الثانية خود ص ۱۴۷ ذکر کرده.

- خواهران جمهوری را [زنانی که شامل حزب جمهوری‌اند] تشویق می‌نمایند که در تشیع جنایز اشتراک نمایند، و اگر مجبور به نماز خواندن شوند همانا زن جمهوری در حضور مردان اذان می‌گوید.

- از نکاح و ازدواج جمهوری باکی ندارند، و در عید اضحی قربانی نمی‌کنند، که این خود مخالفت با سنت است.

- شهادتین: رهبر آنان در کتاب «الرسالة الثانية» ص ۱۶۴ - ۱۶۵ می‌گوید: «... پس وی وقتیکه از دروازه شهادة آن لا إله إلا الله و أن محمدا رسول الله، داخل می‌شود می‌کوشد که توسط محکم ساختن همین تقلید بالا برود، تا آنکه توسط شهادت توحید به مرتبه‌ای برسد که از شهادت خالی شود و این امر را مشاهده نماید که شاهد عین مشهود است، در همین وقت است که به دروازه می‌رسد و بطور مباشرة بدون حجاب مکالمه و مخاطبه می‌نماید، ﴿قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ﴾ [الأنعام: ۹۱].

- نماز: معنی قریب نماز همان است که در شریعت آمده و دارای حرکات معروف است، ولی معنی بعید نماز: همانا تعلق بدون واسطه همراه خداوند ﷻ می باشد که به تعبیر دیگر نماز اصلی همین است.

- معتقدند که در مرحله، ای از مراحل مکلفیت از انسان خلاص می شود (یعنی عبادات از وی ساقط می شود) البته بخاطر کامل شدن وی، زیرا در این وقت دیگر ضرورتی به عبادت نیست.

- مؤسس حزب می گوید: «... در آن وقت بنده مکلف نمی باشد، بلکه مختار می باشد زیرا وی از خداوند ﷻ به حدی اطاعت کرده که در مقابل و عوض فعل وی خداوند از او اطاعت می کند، بنابراین وی زنده است به زندگی خداوند ﷻ قادر است به قدرت خداوند ﷻ مرید است به اراده خداوند ﷻ و خدا می باشد [نص عبارتش چنین است: فیکون حیا حیاة الله، وقادرا قدرة الله، ومریدا أرادة الله، ویکون الله].

- رئیس شان می گوید: جبرئیل ﷺ از پیامبر ﷺ عقب ماند و خود (پیامبر) معصوم ﷺ بدون واسطه به حضور شهود ذاتی شتافت، زیرا شهود ذاتی همراه با واسطه حاصل نمی شود... پیامبر نیز که حیثیت جبرئیل را برای مایان دارد هر یکی ما را به سدره المنتهی خودش می رساند و خود آنجا می ایستد همانطور که جبرئیل ایستاد، و لقاء بین عابد مجرد و بین خداوند بدون واسطه حاصل می شود، و هر عابد مجرد از امت اسلام، شریعت فردی خود را بدون واسطه اخذ می نماید، پس وی از خود شهادت خاصه، نماز خاصه، روزه، زکاة و حج خاصه می داشته باشد که در همه این ها خودش اصل بوده تابع غیر نمی باشد.

- بعضی امور دینی وجود دارد که آن را ایشان اصلا از اسلام نمی شمارند، مثل زکاة، حجاب، و تعدد زوجات [یعنی جائز بودن چهار زن به یک مرد].

- نزد آنان مصداق و مفهوم انسان کامل کسیست که در روز قیامت، به نیابت خداوند ﷻ وی با انسانان محاسبه خواهد کرد، زیرا که قیامت - به نظر آنان - زمان و مکان است و خداوند سبحانه و تعالی منزّه از زمان و مکان است.

- فلسفه اش پیرامون مفهوم سنت: «آنچه را که مردم نوشته اند که سنت پیامبر ﷺ عبارت از گفتار، اقرار و عملش است در حقیقت این نادرست و خطاء است، زیرا قول و

اقرار پیامبر ﷺ از جمله سنت نیست بلکه آندو شریعت‌اند، و عمل وی در خاصه نفس خودش عبارت از سنت می‌باشد».

- زعیم شان می‌گوید: «از چیزهای کتیف [ضحیم و کبیر الحجم] چیزهای لطیف خارج می‌شود بنا بر همین قاعده مستمره انجیل از تورا خارج شد، و همینطور امت مسلمین از مؤمنین خارج خواهد شد، و رسالت احمدی (یعنی جمهوری) از محمدی و اخوان از اصحاب خارج خواهد شد».

- محمود طه در باره قرآن کریم می‌گوید: «قرآن یک موسیقی علوی است، همه چیز را برایت می‌آموزاند ولی هیچ چیز مشخص را برایت نمی‌آموزاند، قوای احساس رابیدار می‌سازد، و اسباب حس را تیز می‌کند بعدا تو را با عالم ماده می‌گذارد تا آن را با اسلوب خاص خود درک کنی، این است حقیقت قرآن».

- صاحب این مذهب به این نیز اشاره می‌نماید که: قرآن شعر ملتزم است [یعنی شعری است که قائل آن به آن التزام دارد] و آنچه را قرآن نفی می‌نماید عدم صدق و عدم التزام است، وی می‌گوید «آنچه را خداوند ﷻ از قرآن نفی می‌کند شعر بودن قرآن نیست بلکه خداوند از قرآن لوازم شعر را که عبارت از عدم صدق و عدم التزام است، نفی و سلب کرده است» در ادامه می‌گوید: «وقتی به دقایق قرآن متوجه شوی میدانی که آن شعر است».

- وی نظر خاصی در مورد معنی شرک و توحید دارد:

\* شرک نزد وی: «همان رسوب و ذلتی است که توسط آن نفس انسانی به عقل هوشمند و عقل باطن تقسیم شده، و در بین ایندو تضاد و تعارض وجود دارد».

\* توحید به نظر وی: «فکر مستقیم و درست نمی‌باشد مگر در صورتی که نقطه جمع شدن را میان هر دو ضد یعنی عقل هوشمند و عقل باطن بیابد، همین است توحید».

- درباره اسلام می‌گوید: «اسلام در اصول خود مشتمل به شریعت انسان است ولی در فروع خود همیشه مشتمل به شعایر درهم پیچیده‌ای از قانون جنگل بوده است.

- آنان به ایات مکی و آنعده آیات مدنی که شبیه به ایات مکی است، اعتماد و استناد می‌کنند و آن‌ها را ایات اصول می‌نامند.

- رسالت پیامبر ﷺ رسالت اول بود که در آن پیامبر ﷺ قائم به شریعت اصول و مسلمانان قائم به شریعت فروع بودند.

- و رسالت دوم همین رسالت جمهوری است که آن را محمود محمد طه آورده و این رسالت، مباشرة قائم به شریعت اصول می‌باشد.

- عقیده دارند که: آنانیکه در اطراف پیامبر ﷺ بودند اصحاب و یاران پیامبر ﷺ بودند اما آنانیکه دعوت جمهوری را پیروی می‌نمایند برادران پیامبر ﷺ هستند، در این مورد به حدیثی استناد می‌کنند که ابن ماجه در کتاب زهد از أبوهیرهؓ روایت می‌کند که پیامبر ﷺ فرمود: «...دوست داشتیم که برادران خود را می‌دیدیم، گفتند: ای پیامبر خدا ﷺ ایا ما برادرانت نیستیم؟ گفت: شما یاران من هستید و برادرانم کسانی‌اند که بعد از من می‌آیند، و من پیشفرستاده شما بر حوض هستم».

- ازدواج جمهوری:

\* در کتابش «تطویر شریعة الأحوال الشخصية» ص ۶۸ می‌گوید: «اولین پذیرنده به تجلیات انوار ذات قدیمه - ذات خداوندی - همان انسان کامل است، از همین جهت وی زوج (جفت) همان ذات می‌باشد».

\* می‌گوید: «انسان کامل از این جهت زوج [جفت] خداوند ﷻ می‌باشد که وی در مقام عبودیت بوده و مقام عبودیت مقام انفعال و تأثیر پذیری است، در حالی که مقام ربوبیت مقام فعل و تأثیر گذاری می‌باشد، بنابراین پروردگار فاعل و بنده منفعل است، بعدا از انسان کامل زوجه‌اش به وجود آمد که مقام زوجه نسبت به انسان کامل [زوجش] همان مقام انسان کامل است نسبت به ذات [یعنی ذات خداوند] پس زن منفعل و مرد فاعل بوده که این در حقیقت همان سطح علاقه جنسی میان مرد و زن می‌باشد».

\* وی می‌گوید: «...هما نظوری که نتیجه علاقه جنسی میان ما و زنان ما توالد و تناسل می‌باشد، نتیجه علاقه میان ذات قدیم و زوجش، که انسان کامل است، همان معارف لدنی می‌باشد، زیرا انفعال و اثر پذیری عبودیت از برای ربوبیت پرده‌هائی را که نفس به ما آورده است دور می‌کند، یعنی نفسی که آن اصل ما است - نفس خداوند تبارک و تعالی - ، و وقتی که لقاء میان این دو زوج یعنی ذات الهی و انسان کامل (مرد جمهوری و زن جمهوری) حاصل شد علم لدنی با فیضی که بنده صالح را از هر طرفش می‌پوشاند فوران می‌کند، این علم لدنی نصیب مردان و زنان می‌شود».

\* و نیز می‌گوید: «پس همین وضع که میان ذات الهی و انسان کامل صورت می‌گیرد».

\* انفعال عبودیت برای ربوبیت - عینا در میان مردان و زنان نیز صورت می‌گیرد که آن عبارت از انفعال انوٲت از برای ذکور است، که در میان ما بنام علاقهٔ جنسی یاد می‌شود».

\* در ادامه می‌گوید: «انفعال انوٲت به ذکور - که نزد ما بنام علاقهٔ جنسی یاد می‌شود - فائدهٔ مباشر واولی آن، حاصل کردن زندگی و مستحکم ساختن آن و وصل شدن به خداوند بدون حجاب می‌باشد که این آخرین مرتبهٔ لذت به شمار می‌رود».

\* و در همان کتاب خود می‌گوید: «خداوند تعالی صورتی ندارد که آن را درست کند، و نه کدام مقصد آخرینی دارد که به آن برسد، بلکه وظیفه‌اش اینست که تکوین و تخلیق همیشگی داشته باشد، آنهم به طریق تجدید حیات فکر شعورش در هر لحظه، که مقصود از عبادت هم همین است».

\* وی می‌گوید: «ممکن است که ازدواج جمهوری را چنین تعریف کنیم: آن یک عقد مشترک میان دو شریک همانند بوده که هر دوی شان در حقوق و واجبات مساوی‌اند، مرد بالای زن سلطه ندارد و زن بالای مرد ندارد... هر دو حق دخول را به اختیار و رضای خود دارند، و در خروج از آن نیز حق مساوی دارند».

\* وی می‌گوید: «در این ازدواج مهر و ولی وجود ندارد، و طلاق همانطوری که حق مرد است حق زن نیز می‌باشد».

### ریشه‌های فکری و اعتقادی:

- افکار این حزب درهم پیچیده، مضطرب و خلط از ادیان، افکار و مذاهب زیادی، اعم از سابقه و جدید أخذ گردیده است.

- مؤسس این حزب برآراء محی الدین ابن عربی در کتابش «فصوص الحکم» توجه و اعتماد نموده است که این کار بعضی از نقاد را معتقد بر آن ساخته که این حزب یک حرکت باطنی صوفیانه است، علاوه بر آن ایشان دخانیات را جائز می‌دانند، و با نغمه‌های ایقاعی، در جاده‌های عمومی، و در حلقه‌های ذکر جمهوری می‌رقصند.

- در بسیاری از نظریاتش از افکار فروید و داروین استفاده می‌کند.

- در مباحث خود پیرامون انسان کامل - که عوض خداوند وی با مردم محاسبه خواهد کرد - ممکن متأثر از نصرانیت باشد. افکار خود را در این مورد از کتاب «الإنسان الكامل» که عبد الکریم جیلی تألیف نموده، اخذ کرده است.
- در تحدید و طرز العمل دولت آینده که به طرف آن دعوت می‌کند برافکار اشتراکی مارکسیستی اعتماد نموده است.
- در بسیاری از افکار خویش با بهائیه و قادیانیه توافق دارند.
- علی الرغم آنچه گذشت، وی کتب خود را به آیات قرآنی و احادیث نبوی آغاز نموده و در آنچه به سوی آن دعوت می‌کند از آیات و احادیث استدلال می‌نماید، لکن این کار وی دعوتش را دعوت اسلامی نمی‌سازد بلکه این رنگ دیگری از ارتداد و کفر است.

#### انتشار و جاهای نفوذ:

- منشأ و نموی این حزب در سودان است، طرفدارانش به ده‌ها هزار رسیده بود، ولی بعد از اعدام رهبرشان، تعداد آنان خیلی زیاد رو به کمی نهاد، در میان شان تعدادی از دانشمندان که از ثقافت و علوم اسلامی بی‌بهره‌اند نیز وجود دارد، لکن در نتیجه بیداری دینی که در سودان به میان آمده است امید می‌رود که این حزب به کلی ختم شود.

#### مراجع:

- ۱- اسس دستور السودان محمود محمد طه - کتابیست نادر، بخاطریکه آن را از بازار جمع‌آوری نموده نابود می‌سازند.
- ۲- تطویر شریعة الأحوال محمود محمد طه. الشخصية
- ۳- طریق محمد محمود محمد طه.
- ۴- کتاب رسائل ومقالات محمود محمد طه.
- ۵- کتاب الاسلام والفنون محمود محمد طه.
- ۶- رسالة الصلاة محمود محمد طه.

- ۷- همچنان جمهوری‌ها کتابی به نشر رسانیدند بنام «الضحیة لیست بواجبة لأعلى الأغنیاء ولا على الفقراء» یعنی: قربانی واجب نیست، نه بالای ثروتمندان و نه بر تهیدستان.
- ۸- الفكر الجمهوری تحت المجهر نور محمد احمد - مطبوعات اتحاد طلاب جامعة ام درمان الإسلامية - امانة الشؤون الثقافية.
- ۹- دراست و تحقیقات مفصل از حزب جمهوری در فایلهای الندوة العالمية للشباب الإسلامي.



## جینه

### تعریف:

- جینه دین منشعب از دین هندو است، که در قرن ششم قبل از میلاد، به دست مؤسس آن (مهاویرا) قدم به ظهور نهاد و تا امروز وجود دارد، بنای این دین بر اساس خوف از تکرار تولد است، دعوت کننده به سوی آزادی از قیود زندگی و از خوشگذرانی بوده و اینکه انسان باید بدور از احساس به زشتی‌ها از قبیل عیب، گناه، خیر و شر باشد و نیز مبنای این دین بر ریاضت بدنی، رهبانیت، تفکرات عمیق نفسانی است، البته این ریاضت و تفکرات بخاطر خاموش ساختن شعله زندگی در نفوس پیروانش می‌باشد.

### تأسیس و افراد برازنده:

- (مهاویرا) مؤسس حقیقی دین جینه به شمار می‌رود که معتقدات آن نیز از وی ظاهر شده و تا امروز باقی است.
- (مهاویرا) از خاندانی از طبقه کاشتر بود که مختص به امور سیاست و حربی بودند.
- پدر وی (سدهارتها) امیر شهری در ولایت بیهار بود.
- تولد (مهاویرا) سال ۵۹۹ ق م صورت گرفته و وی پسر دومین والدین خود بود.
- مرحله اول زندگی خود را در سایه پدر و مادر خود سپری نموده مستفید از خادمان و لذات مادی بود، به والدین خود خیلی احترام داشت، در این مرحله ازدواج نیز کرد و دارای یک دختر گردید.
- وقتی والدینش وفات نمود درباره سبکدوش شدن از ولیعهدی و دور شدن از پادشاهی و القاب، از برادر خود اجازه خواست.
- سر خود را تراشید، زیورات و لباس‌های فاخره خود را از تن کشید و مرحله زهد، خلوت‌گزینی و گوشه نشینی را آغاز نمود، در آنوقت سی سال داشت.
- دو روز و نیم، روزه گرفت، موی بدن خود را کند، برهنه در شهرها شروع به گشت نمود و به ریاضت شاقه و تفکرات عمیق آغاز کرد.

- نام اصلی اش (وردهاماتا) است ولی اتباع و پیروانش ویرا (مهاویرا) یعنی «قهرمان بزرگ» می‌نامند و معتقدند که این نام را خدایان برایش اختیار نموده‌اند، و همچنان بر وی (جینا) اطلاق می‌کنند، یعنی غالب بر شهوات و میل‌های مادی.
- پیروان این گروه ادعا می‌نمایند که دین جینی به رجعت به بیست و سه شخص جینی بوده که مهاویرا بیست و چهارم آن‌ها به شمار می‌رود.
- مهاویرا علوم خود را از (بارسواناث) که وی را جینی بیست و سوم می‌شمارند، اخذ نموده است، اصول جینی را از وی فراگرفت بعداً در بعضی امور با وی مخالفت نموده برآن چیزهایی را اضافه کرد که آنچیزها را به تجربه و زکات خود حاصل نموده بود، همین بود که وی به حیث مؤسس حقیقی شناخته شد.
- در تفکرات و رهبانیت خود به مدت سیزده ماه غرق بود که در این مدت با جسد برهنه، موی کنده، در شهرها سرگردان بود، با خاموشی تمام مراقب نفس خود بود، زندگی خود را با همان صدقاتی که برایش داده می‌شد پیش می‌برد، بعد از این مدت مستقیماً به درجه چهارم رسید زیرا سه درجه دیگر، چنانچه می‌گویند از اول برایش حاصل بود.
- بعد از آن شروع به رحلت عدم احساس نمود تا آنکه به درجه پنجم نایل گردید که این درجه علم مطلق بوده و رسیدن به مرحله نجات است.
- یک سال بعد از ریاضت و تهذیب نفسی به درجه مرشد نایل گردید که بعد از آن مرحله دعوت را به سوی عقیده خود شروع نموده اولاً خاندان خود، بعداً قوم و بعد از آن اهل شهر خود را دعوت کرد، و بعد از آن پادشاهان و سرلشکران را دعوت نمود که تعداد زیادی از آن‌ها با دعوت وی - که قیام بر ضد براهمه بود - موافقه نمودند.
- به دعوت خود تا سن ۷۲ سالگی ادامه داد، و در سال ۵۲۷ ق. م، وفات نموده از خود مذهبی، پیروان و اتباع و خطبه‌هایی بجا گذاشت.
- بعد از وی جینی به دو بخش تقسیم شد:
- ۱- دیجامیرا: یعنی دارندگان زی [لباس و هیئۀ] آسمانی که برهنه و عریان بودند، این گروه از جمله افراد خاصه‌اند که میلان به سخت‌گذرانی و زهد دارند و اکثر آنان را کاهنان، رهبانان و نساک تشکیل می‌دهند که زندگی (مهاریرا) را نمونه والگو برای خویش قرار داده‌اند.

۲- سویتامبرا: یعنی دارندگان لباس سفید، ایشان طبقه معتدل عامه‌اند که زندگی اول (مهاویرا) را، در احترام پدر و مادر چراغ راه خویش قرار داده‌اند، یعنی آن دور زندگی‌اش که در آن از لذت‌ها و خدمتگاران استفاده می‌کرد، آنان تمام کارهایی که در آن خیر باشد انجام می‌دهند، و از هر امری که در آن بدی و شر وجود داشته باشد و یا سبب مرگ زنده جانی شود پرهیز می‌نمایند، لباس می‌پوشند [برهنه نمی‌باشند مثل گروه اول]، و مبادی عام جینی را بالای خود تطبیق می‌کنند.

- پادشاهان و حکام در هند به پذیرفتن جینیه روی آوردند که این امر سبب غلبه جینیه بر عصر ویدای هندوی شمرده می‌شود، البته پذیرفتن ملوک و حکام بخاطری بود که دین جینیه به سوی: عدم ضرر رسانیدن به مطلق زنده جان، واجب بودن اطاعت مردم از حاکم خویش و ذبح کردن کسی که از حاکم سرکشی نموده نافرمانی اوامرش را می‌نماید، دعوت می‌کرد، بنابراین ایشان در قرون وسطی در دربار بسیاری از ملوک و حکام نفوذ پیدا کردند.

- در زمان فرمانروائی اسلامی در هند از احترام و عزت زیادی بر خور دار بودند، حتی کار به جائی رسید که امپراطور «اکبر» که از (۱۵۵۶-۱۶۰۵م) بر هند حکومت داشت، از اسلام گشت و مرتد شده بعضی از عقاید جینیه را پذیرفت، باهندوان دامادی و خویشی کرد، معلم جینیه (هیراویجیا) را از مقربین دربار قرار داده لقب «معلم دنیا» را به وی اعطاء کرد.

### افکار و معتقدات:

#### اول: کتاب‌های شان:

- مهاویرا قبل از مرگش در شهر بناپوری ولایت تبنا آمده پنجاه و پنج خطابه ایراد فرمود و از سی و شش سوال پاسخ گفت، بعدا همین خطابه‌ها و همین سوال و جواب‌ها کتاب مقدس ایشان گردید.

- در پهلوی آن، خطابه‌ها و وصایائی که به مریدان، رهبانان و نساک جینیه منسوب است قرار دارد.

- فرهنگ دینی شان به طریق مشافهه [غیرکتبی] نقل می‌شد، و در قرن چهارم قبل از میلاد خواستند آن را تدوین نمایند ولی در جمع کردن مردم پیرامون آنچه نوشته بودند ناکام ماندند، بنابراین کتابت آن تا سال ۵۷۷ م تاخیر افتاد.
- در قرن پنجم میلادی بزرگان جینیه در شهر (ویلابهی) جمع شدند تا فرهنگ دینی خود را به زبان سنسکریتی بنویسند، و زبان و لغت اصلی آن (اردها مجدی) بود.

### دوم: اله و یا پروردگار:

- جینیه در اصل قیامی بود بر ضد براهمه، ایشان آلهه هندوان را قبول ندارند، خصوصا آلهه سه گانه ایشان را (برهما - فشنو - سیفا) از همین جهت حرکت ایشان را بنام حرکت الحادی نام نهاده‌اند.
- جینیه به روح اکبر ویا خالق بزرگ برای کائنات قائل نیستند ولی به وجود ارواح جاوید قائل هستند.
- هر روحی از ارواح جاوید، از دیگرش مستقل بوده در آن‌ها تناسخ جاری می‌شود.
- خود را از فکر الوهیت کاملا آزاد کرده نتوانستند بنابراین بخاطر اینکه دین در اذهان شان تکمیل شود، و فراگی که از عدم اعتراف شان به خدای واحد پیدا شده بود پرشود، به شکل و صورت (مهاویرا) معبودی به خود ساخته و بیست و سه جینی دیگر را نیز به آن یکجا کرده‌اند.
- طبیعت مسالمت آمیزی که دارند ایشان را مجبور ساخته تا به آلهه هندوان (بغیر از آلهه سه گانه) اعتراف نموده، و به آن‌ها احترام و تعظیم نمایند، ولی در تعظیم به درجه تعظیم براهمه نمی‌رسند، همچنان ایشان براهمه را به اعتبار اینکه یک گروه معظم در بین هندوان‌اند، احترام و تعظیم می‌کنند.
- در دین ایشان نمازی و قربانی وجود ندارد، و به نظام طبقاتی قائل نیستند، بلکه به ضد آن قیام کرده‌اند، در میان ایشان صرف دو طبقه وجود دارد: طبقه خاصه و طبقه عامه، ولی به طبقه خاصه خویش که از جمله رهبانان‌اند هیچ نوع امتیازی قائل نیستند، و این امر سبب شده که راهبان در مشقت، قربانی و تکلیف زیادی قرار گیرند.

### سوم: بعضی از معتقدات شان:

#### ۱- کارما:

- کارما نزد آنان یک موجود مادی است که با روح خلط شده آن را احاطه می‌نماید، و روح جز به طریق ریاضت و محروم بودن از لذت‌ها، از آن نجات نمی‌یابد.

- انسان تا وقتی که کارما به روحش تعلق داشته باشد فقط تولد می‌شود و می‌میرد، و تا وقتی که از کارما جدا نشده باشد نفسش پاک نمی‌شود، وقتی از کارما جدا شد رغباتش ختم می‌شود و زنده جاوید در نعمت‌های نجات باقی خواهد ماند.

## ۲- نجات:

- مقصد از نجات دست یافتن به سرور همیشگی که خالی از غم، درد و اندوه است، و نیز پاک شدن از اوساخ مادی حیوانی می‌باشد که غایت آن دور شدن از تکرار تولد و مرگ و تناسخ می‌باشد.

- راه رسیدن به نجات همانا انجام دادن کارهای خوب و دوری جستن از بدی‌ها، گناهان و معاصی است، و به آن وقتی انسان خواهد رسید که از موانع مشکلات زندگی بشری، توسط کشتن عاطفه‌ها و شهوات، عبور نماید.

- مقام شخص نجات یافته بالاتر از خلاء کونی بوده و نجاتش ابدی و سرمدی می‌باشد.

## ۳- تقدیس و احترام هر زنده جان:

- هر زنده جان را تقدیس و احترام عجیبی می‌نمایند.

- بعضی از راهبان شان باخود جاروب می‌داشته باشند که با آن راه خود و جای نشستن خود را بروبند تا مبادا زنده جانی را پایمال کنند.

- بعضی از آنان بر روی خود پرده ای را می‌اندازند و از عقب آن تنفس می‌کنند تا مبادا زنده جانی که در هوا باشد به حلق وی فرو رود و از بین برود.

- کار زراعت را نمی‌کنند تا کرم‌ها و حشرات خردی که در زمین زندگی می‌نمایند به قتل نرسند.

- حیوانات را ذبح نمی‌کنند و گوشت آن را نمی‌خورند، از همین جهت آنان بنام «نباتی‌ها» یاد می‌شوند.

- در معارک و جنگ‌ها، بخاطر اینکه خون کسی نریزد و زنده‌ها کشته نشوند، شرکت نمی‌ورزند، به همین جهت ایشان همیشه در صلح زندگی می‌کنند و از شدت و تندی به دور هستند.

**۴- عواطف:**

- باید تمام عواطف و احساس‌ها کشته شود، راهب به دوست داشتن و بدبینی، به غم و خوشی، به سردی و گرمی، به خوف و حیاء، به خیر و شر، و به گرسنگی و تشنگی احساس ندارد، بنابراین واجب است بروی که به درجهٔ خمود و جمود و غفلت برسد، بحدی که تمام عواطف انسانی را در نفس بکشد.

- بعضی از آن‌ها را چنین مشاهده می‌کنی که موی جسدش کنده می‌شود ولی هیچ نوع دردی از آن احساس نمی‌کند.

**۵- عریان بودن:**

- بهترین و بلندترین کشتن عواطف رسیدن به مرحلهٔ برهنگی است که آن از بارزترین شعار جینییه به شمار می‌رود، کسی که به این مرحله رسید در جاده‌ها بدون لباسی که بدنش را بپوشاند، سیر می‌کند و به شرم و حیاء احساس نمی‌کند. - راهب‌ها برهنه زندگی می‌کنند و این عمل شان از مفکورهٔ فراموشی عار و حیاء سر چشمه می‌گیرد، که این عمل، ایشان را [به نظر خودشان] به مرحلهٔ نجات و جاویدانی می‌رساند.

- اگر شخص برهنه به حیاء، خوبی و بدی احساس کرد آن شخص هنوز هم به دنیا تعلق و بستگی دارد که این خود مانع از رسیدنش به کامیابی و نجات است.

- احساس کردن به حیاء متضمن تصور گناه است و عدم احساس به حیاء معنایش عدم تصور گناه است، پس کسی که می‌خواهد زندگی داشته باشد که از دردها خبری نداشته باشد باید برهنه زندگی کند و لباسش آسمان و هوا باشد.

**۶- خود کشی تدریجی:**

- راهبان و نساک ایشان بخاطر آنکه گرسنگی را احساس نمی‌کنند و بخاطر قطع علایقی که ایشان را به زندگی مرتبط می‌سازد، طعام را و هر چیزی را که غذای جسم باشد ترک می‌کنند و این کار مفضی به خود کشی تدریجی از طرف گرسنگی می‌شود.

- رسیدن به این مرحله به این معناست که شخص از زیر سلطهٔ جسد فانی خود بر آمده، حالا وی موی بدن خود را می‌کند و جسد خود را به پدیده‌های مشکل طبیعی پیش می‌کند و گرسنه می‌سازدش تا آنکه بمیرد.

- خود کشی و انتحار مرتبه‌ایست که به آن جز رهبان‌های خاص الخاص جینی کس دیگر نمی‌رسد، آنان بخاطر رغبت و میل به نجات و خلود این کار را می‌کنند، و به این مرتبه وقتی می‌رسند که سیزده سال را در مبادی و تعالیم مشکل رهبانیت این دین سپری نمایند.

- مردم عام جینیہ بر این اکتفاء می‌کنند که کسی را نکشند، گوشت نخورند، و از ضرر رسانیدن به انسان و حیوان دوری جویند و بالای رغبات مادی غلبه حاصل کنند.

#### چهارم: افکار و معتقدات دیگر آنان:

- روح تا آنوقت در بند مرگ و ولادت گرفتار است که به مرحله نور و سعادت برسد، وقتی به این مرحله رسید لذتی را میابد که هیچ لذت دنیایی به آن برابر شده نمی‌تواند.  
- به راه نور انسان توسط تطبیق اشیاء ذیل خواهد رسید:

۱- اعتقاد درست به رهبران بیست و چهارگانه جینیہ و دور شدن از اوساخ گناہانی که به نفس انسان چسپیده است.

۲- علم درست: که توسط آن شناخت کائنات از ناحیہ مادی و روحی حاصل می‌شود.

۳- اخلاق درست: توسط آراسته بودن به نیکی‌ها، خالی بودن از بدی‌ها، عمل به عفت و پرهیزگاری.

- مراتب علم جینی پنج است:

۱- ادراک به طریق حواس.

۲- علم از طریق وثائق مقدسه.

۳- علم به وجدان محدود که آن توسط روح، بعد از پاک شدنش از اوساخ، درک می‌شود.

۴- علم به وجدان محیط که آن توسط روح، بعد از گذشتنش از زمان و مسافه، درک می‌شود.

۵- علم به اشیاء پوشیده در ضمیرها و به تصورات مخفی، که انسان به این مرتبه نمی‌رسد مگر بعد از ریاضات شاقه و مشکل.

- (مهاویرا) سه مرتبه‌اش را از اول با خود داشت و دو مرتبه دیگرش نیز برایش حاصل گردید تا مرشد و داعی مذهب خود شد.

- برای جامعهٔ جینی معبد چیز ضروری بوده آباد کردن آن از جملهٔ فرائض دینی بالای شان به شمار می‌رود.

### ریشه‌های فکری و اعتقادی:

- جینیه قیامی است بالای هندویت که از آلهه و طبقات آن انکار می‌ورزد، ولی از روش عام و شعایر بارز آن خود را آزاد کرده نتواست، بنابراین برای خود معبودانی اتخاذ نموده است.

- افکار جینیه اصلا بر افکار هندویت استوار است مثل اعتقاد به انطلاق، کارما، نجات، تناسخ، تکرار تولد، دعوت به سوی امور سلبی، ولی با اندکی رنگ آمیزی این عقاید به رنگ جینیه و تطویر و تغییر آن تا با عقاید جینیه ملائمت و موافقت نماید.

- جینیه ادعا می‌کند که فلسفهٔ وی به جینی اول باز می‌گردد، که وی در تاریخ‌های خیلی قدیم میزیسته وهمچنان به جینی‌هایی باز می‌گردد که یکی بعد دیگری آمده‌اند، و بیست وسوم آن‌ها (بارسوانات) و بیست چهارم آن‌ها (مهاویرا) بود و شعایر این دین، که در مرحلهٔ دور و درازی از زمانه‌ها تشکیل شده، به دست وی استقرار یافت.

- ظهور این دین هم‌کاب با ظهور دین بودائی بود که هر دو به حیث دو نهضت در داخل فکر هندویت بود.

- چنین عقیده وجود دارد که نصرانیت مفکورهٔ روزه گرفتن را از چیزی که در آن حیات باشد از جینیه گرفته‌اند، زیرا نصاری در چند روز محدود، از گوشت و از هر چیزی که از گوشت درست می‌شود روزه می‌گیرند و در آن ایام با طعام‌های نباتی زندگی می‌کنند.

### انتشار و جاهای نفوذ:

- جینیه از هند خارج نشده، معابدش در کلکتا و دلوارا زیاد است، و نیز معابدی در کهجورا و جبل آبو دارند که در زینت و زخرفه از عجائب دنیا به شمار می‌رود، و در قرن دوم قبل از میلاد غار بزرگ شان را، که بنام (هاتی کنبا) مسمی است، در منطقهٔ ادریسه، حفر نمودند، آنان غارهای دیگری هم در اطراف هند دارند، که بر مهارت ایشان در کندنکاری تماتیل و رسوخ قدم شان در اعمار معابد و تزئین آن به نقش‌های عجیب، دلالت می‌کند.



- شمار فعلی شان به یک میلیون نفر می‌رسد که در تجارت و قرض دادن به بانکها کار می‌کنند، اکثر آنان از جمله ثروتمندان اند که این امر ایشان را در نشر کتب شان و تأثیر شان بر فرهنگ هند، کمک کرده است.

### مراجع:

- ۱- حضارة الهند غوستاف لوبون.
- ۲- مهاویرا: مؤسس الجينية ثقافة الهند- دسمبر ۱۹۵۱ م.
- ۳- الفلسفة الجينية محي الدين ألوائي.
- ۴- تاريخ الإسلام في الهند عبد المنعم نمر.
- ۵- فلسفة الهند القديمة مولانا محمد عبدالسلام الرامبوري.
- ۶- اديان الهند الكبرى د. احمد شلبي - ط ۶- النهضة المصرية.
- ۷- حقائق عن الهند منشورات ادارة الاستعلامات الهندي.
- ۸- اديان العالم الكبرى حبيب سعيد.

### مراجع بیگانه:

- 1- H. G. Wells: A short History of the World.
- 2- Berry: Religions of the World.
- 3- History of Budhist Though: Edward thomas.
- 4- Weeche and Rylamds: The peoples and Religions of India.



## حشاشون

### ASSASSIN

#### تعریف:

حشاشون یک گروه اسماعیلی، فاطمی، نزاریه مشرقیه‌اند که از دیگر فاطمی‌ها جدا شده‌اند و به امامت نزار بن مستنصر بالله و اولاد وی دعوت می‌کنند، مؤسس شان حسن بن الصباح بود که قلعه «الموت» را بحیث مرکز دعوت و پایتخت دولت خود قرار داده بود، این فرقه در قتل و ترور، بخاطر اهداف سیاسی و دینی، و در تعصب، امتیاز خاصی داشتند، کلمه «حساسین» (ASSASSIN) به اشکال مختلف در لغت اروپایی‌ها داخل شده و به معنای: قتل ناگهانی، قتل بطور غدر و خیانه، و یا قاتل حرفوی، استعمال می‌شود.

#### تأسیس و افراد برازنده:

##### ۱- حسن بن الصباح:

- سال ۴۳۰هـ در ری تولد شد و به مذهب شیعه زندگی خود را آغاز نمود، بعدا در عمر (۱۷) سالگی طریقه اسماعیلیه فاطمیه را در پیش گرفت، سال ۴۷۱هـ/۱۰۷۸م به طرف امام خود المستنصر بالله رفته حج نمود و بعد از آن بازگشت کرد تا دعوت را در فارس به نشر برساند، تعدادی از قلعه‌ها را تصرف کرد و مهم‌ترین آن‌ها قلعه الموت بود که آن را پایتخت دولت خود ساخت.

- در زمان وی سل ۴۸۷هـ/۱۰۹۴م امامش المستنصر بالله مرد، و وزیر بدر الجمالی، پسر بزرگ و ولی عهدش یعنی (نزار) را به قتل رسانید تا امامت را به پسر کوچک (المستعلی) که خواهر زاده وزیر بود، انتقال نماید، این کار سبب شد که فاطمیه به دو بخش تقسیم شود: نزاریه مشرقیه و مستعلیه مغریه.

- حسن بن الصباح به امامت نزار دعوت نموده مدعی شد که امامت به نواسه نزار، که به طریق مخفی به قلعه الموت آورده شده، نقل نموده است، گاهی چنین اظهار نظر گردید که وی طفل بوده از مصر به فارس گریختانده شده و گاهی هم گفته می‌شد که

زنی از زنان نزار که از وی حامل بود به الموت آورده شد و آنجا وضع حمل نمود. همینطور امر و سرنوشت امام جدید در کتمان و خفاء باقی ماند.

- حسن بن الصباح در سال (۱۱۲۴هـ/۱۱۲۴م) بدون نسل و اولاد وفات نمود، زیرا وی در زندگی خود دو پسر خود را به قتل رسانیده بود.

#### ۲- کیا بزرگ آمید:

از سال (۱۱۲۴هـ/۱۱۲۴م) تا سال (۱۱۳۸هـ/۱۱۳۸م) حکومت کرد، وی در اول قومندان قلعه «لاماسار» به مدت بیست سال بود، در دوران حکومتش با همسایه‌های سلجوقی‌اش چندین بار داخل معرکه و جنگ شده بود، وی نسبت به حسن بن الصباح در سیاست رسیده تر و بردوبارتر بود.

#### ۳- محمد بن کیابزرگ آمید:

از سال (۱۱۳۸هـ/۱۱۳۸م) تا سال (۱۱۶۲م) حکومت نمود، در دعوت به سوی امام خیلی توجه داشت و احترام ظاهری به فرائض اسلام را لازم گردانید، به قتل بسیاری از پیروانش که به امامت پسرش عقیده داشتند اقدام نموده یک تعداد دیگرش را عذاب و تبعید کرد.

#### ۴- حسن ثانی بن محمد:

حکومت وی از سال (۱۱۶۲م) تا سال (۱۱۶۶هـ/۱۱۶۶م) بود، در رمضان سال ۵۵۹هـ برپاشدن قیامت را اعلان نموده شریعت را به پایان رسانید (لغوکرد)، تکالیف را ساقط کرد، خوردن را در رمضان مباح دانست، بعد از آن اقدام به کار بزرگ‌تری نمود و ادعا کرد که وی در ظاهر گرچه نواسه کیابزرگ است ولی در حقیقت امام عصر و پسر امام سابق و از نسل نزار می‌باشد.

#### ۵- محمد ثانی بن حسن ثانی:

حکومتش از سال (۱۱۶۶هـ/۱۱۶۶م) تا سال (۱۲۱۰هـ/۱۲۱۰م) بود، نظریه قیامت را پیشرفته‌تر ساخت و محکم گردانید، در این امر، ضعیف شدن و فروپاشی حکومت سلجوقی‌ها در دوران وی، ظهور ترکی‌ها و شروع توسعه آنان، به وی کمک نمود.

#### ۶- جلال الدین حسن سوم بن محمد دوم:

حکومتش از (۶۰۷هـ/۱۲۱۰م) تا (۱۲۲۱م) بود، وی عقاید اجداد خود را دربارهٔ قیامت ترک نموده آنان را لعنت و تکفیر کرد، کتاب‌های شان را سوخت و اسلام خویش را اعلان نمود، و ارتباط را با عالم اسلامی شروع کرده به خلیفهٔ عباسی الناصر لدین الله، و به سلطان سلجوقی خوارزم شاه و دیگر ملوک و امراء نامه نوشت و به ایشان دعوت راستین خود را به سوی تعالیم اسلام اعلان می‌نمود، به این عملکرد وی، همهٔ بلاد اسلامی خوشحال شدند، و پیروانش به عنوان مسلمانان جدید شناخته می‌شدند.

#### ۷- محمد سوم بن حسن سوم:

(در بعضی کتاب‌ها بنام: علاء الدین محمود ذکر شده) حکومتش از سال (۱۲۲۱م) تا سال (۱۲۲۵م) بود: در عمر (۹) سالگی جانشین پدرگردید، وزیر پدرش حاکم الموت شد، در دوران وی، مردم بار دیگر به محرمات، ارتکاب گناهان و الحاد رو آوردند. این طفل پنج شش سال حکومت کرد، بعد از آن تکلیف عقلی (عصبی) برایش پیش شد و دزدی، رهنزی و تجاوزها عام گردید.

#### ۸- رکن الدین خورشاه:

(۱۲۵۵-۱۲۵۸م): سال ۱۲۵۶م هلاکو حمله ای را به هدف قلعه‌های اسماعیلیه به راه انداخت، و همینطور به پیش می‌رفت تا آنکه سال ۶۵۴هـ رکن الدین قلعهٔ الموت را با چهل قلعه و حصن دیگر که بعداً همهٔ آن‌ها به خاک برابر کرده شد، تسلیم وی کرد، بنابراین هلاکو از رکن الدین استقبال نمود و یک دختر مغلی را به نکاحش در آورد، ولی در سال ۱۲۵۸م قتل ناگهانی (ترور) کردش و کارش را به آخر رسانید، و به قتل وی دولت سیاسی حشاشی‌ها نیز در فارس ختم شد.

#### ۹- شمس الدین محمد بن رکن الدین:

روایات اسماعیلیه چنین می‌گویند: رکن الدین پسر خود شمس الدین محمد را مخفی نموده بود که بعداً خود را نا آشنا ساخته، از گیر هلاکو، به جهتی در جنوب قوقاز گریخت، و بعدها در راهی که میان اصفهان و همدان قرار دارد، درقریهٔ (انجودا) استقرار یافت، و تا وفات خود در نصف اول قرن هشتم هجری، همانجا باقی ماند، از نسل وی سلسله‌ای از ائمه در قرن نهم به ظهور رسید که خاندان آغاخان نیز از آن جمله است. بعد از شمس الدین، حشاشون به دو بخش تقسیم شدند:

\* بعضی‌شان امامت محمدشاه را اعلان نموده به امامت وی و به امامت ائمه ای که از نسل وی آمدند اعتراف نمودند، سلسله‌شان در نصف قرن دهم هجری ختم شد که آخرین آنان امام ظاهر شاه سوم معروف به (دکنی) بود، وی به هند هجرت نموده آنجا در سال ۹۵۰هـ وفات کرد و سلسله قطع شد، ولی تاحال هم پیروانی از ایشان در مصیاف و قدموس در سوریه وجود دارد.

\* پیروان سلسله دیگر به امامت قاسم شاه اعتقاد دارند، ولی فرقه اول نسبت به این فرقه تعداد زیادی را تشکیل می‌دهند، این‌ها به بلندی‌های نهر جیحون هجرت نموده بودند.

### حشاشون در بلاد شام:

- از میان آنان در بلاد شام نیز رهبرانی ظهور نمود، مثل: بهرام استر آبادی و اسماعیل فارسی داعی، ایشان توسط جلب رضوان بن تتش والی حلب به مذهب خویش استفاده زیادی نمودند، تعداد زیادی از اسماعیلیه فارس به آنسوکوچ نمودند و این کار سبب قوت و شوکت شان در بلاد شام گردید.

- شخصیت دیگری نیز تبارز نمود که وی عبارت است از: شیخ الجبل سنان ابن سلیمان بن محمود معروف به رشید الدین، وی در بصره نشأت نموده علوم خود را در قلعه الموت فرا گرفته بود و همصنفی ولیعهد، حسن ابن محمد بود که همین ولیعهد وقتی حکومت برایش رسیده بود سنان را به کوچ کردن به بلاد شام امر کرده بود.

- وی به بلاد شام انتقال نموده اسماعیلیه را به اطراف خود جمع کرد و به این صورت دارای نفوذ و قوت گردیدند، مردم به امامت وی اعتراف نمودند، ولی بعد از مرگش دوباره به طاعت امامان قلعه الموت باز گشتند، وی شخص مخفی بود و آنان وی را از جمله بزرگ‌ترین شخصیات خویش، علی الاطلاق می‌دانند.

- تعدادی از قلعه‌ها را تصرف نمودند، با زنگی‌ها مقاوت نمودند، و چندین بار قصد ترور صلاح الدین ایوبی را کردند.

- وی جانشینان ضعیفی از خود به جا گذاشت که به سهولت توسط ظاهر بیبرس ختم شدند.

- از جمله قلعه‌های شان در شام: قلعه بانیا، حصن قدموس، حصن مصیاف، الکهف، الخوابی، المنیقه، و القلیعه است.

## افکار و معتقدات:

- ۱- عقاید شان نسبت به ضرور بودن امام معصوم که منصوص علیه و پسر بزرگ امام سابق باشد، بادیگر اسماعیلیه موافقت دارد.
- ۲- هر رهبری که از رهبران حشاشون ظهور می‌کنند به حیث حجت و داعی برای امام مستور شمرده می‌شود، البته به استثناء حسن ثانی و پسرش که این دو ادعا کردند که خود شان امام هستند و از نسل نزار می‌باشند.
- ۳- رشید الدین سنان بن سلیمان که امام حشاشون در بلاد شام بود، بر علاوه از عقاید اسماعیلیه که به آن اعتقاد دارند، عقیده تناسخ را ایجاد نموده ادعا کرد که وی غیب را می‌داند.
- ۴- حسن ثانی بن محمد: برپا شدن قیامت را اعلان نموده شریعت را لغو کرد و مکلفیت را ساقط ساخت.
- ۵- حج در نظرشان ظاهرا بسوی بیت الحرام (بیت الله) بوده ولی در حقیقت بسوی امام زمان است، چه ظاهر باشد چه مخفی و مستور.
- ۶- در بعضی از مراحل شعار شان این بود: «در وجود هیچ موجود نیست و کل چیز مباح است».
- ۷- یکی از وسائل شان ترور منظم بود، طوریکه اولاً اطفال خود را به طاعت کورکورانه و اعتقاد به هر چه که برای شان گفته می‌شد تربیه می‌کردند، وقتی بازوی شان قوی می‌شد آنان را به سلاح معروف وقت خصوصا به خنجر آشنا می‌ساختند، پنهان کاری و اختفاء را نیز برای شان می‌آموختند، حتی فدائی قبل از اینکه یک کلمه از اسرار خود را فاش کند باید خود را به کشتن دهد. به همین طریق گروه فدائی را تربیه کرده بودند که توسط آن عالم اسلامی را تهدید می‌کردند.
- ۸- توسط سلسله‌ای از قلعه‌ها و حصارها از خود دفاع می‌کردند، و در هر جای بلند قلعه‌ای به خود درست کرده بودند، و هر قلعه‌ای را که می‌دیدند در تصرف آن می‌کوشیدند.
- ۹- کمال الدین بن العدیم مؤرخ درباره‌ی شان می‌گوید: در سال (۵۷۲هـ/۱۱۷۶م) باشندگان جبل السماق در گناهان و فسوق فرو رفتند و خویش را متطهرین (پاک شونده گان) نام نهادند، در مجالس شراب نوشی، زنان و مردان خلط

شده حتی مرد از خواهر و دختر خود پرهیز نمی‌کرد، زنان لباس مردان را پوشیدند و بعضی از آن‌ها اعلان می‌کرد که سنان پروردگارش است.

### ریشه‌های فکری و اعتقادی:

- اصول اساسی شان اصول شیعه و در قدم دوم اسماعیلیه است.
- بعد از موت امام المستنصر بالله امامت را به پسر بزرگش نزار ادعا کردند که وی قبل از تسلیم شدن امامت با پسرش کشته شد.
- مفکورهٔ تربیه کردن فدائیان را حسن بن الصباح از امام خود المستنصر، در وقت ملاقاتش با او، اخذ نموده بود.
- قتل و ترور یگانه وسیلهٔ دینی و سیاسی، در راه استحکام عقایدشان و ایقاع رعب و خوف در دل‌های دشمنان شان، بود.
- مفکورهٔ تناسخ که رشید الدین سنان به سوی آن دعوت می‌کرد از نصیریه اخذ شده بود.

### انتشار و جاهای نفوذ:

- دعوت شان از کرمان و یزد به طرف وسط ایران و اصفهان پیش رفت، بعدا به خوزستان و بعد به دامنهٔ کوه دیلم رسید و در قلعهٔ الموت مستقرشد، از جانب شرق به مازندران و قزوین رسیدند و مناطق رودبار، لاماسار و کوهستان را تصرف کردند، و بسیاری از قلعه‌ها و حصارهایی را در طول و عرض بلاد تصرف نمودند، که از جملهٔ قلعه‌های شان: بانیاس، مصیاف، قدموس، الکهف، الخوابی و سلمیه به شمار می‌رود.

### مراجع:

- ۱- الحشاشون تألیف برنارد لویس، برگرداننده به عربی محمد العزب موسی - دارالمشرق العربي الكبير - بیروت - ط ۱ - ۱۴۰۰هـ/۱۹۸۰م.
- ۲- طائفة الاسماعیلیه: د. محمد کامل حسین. تاریخ‌ها نظم‌ها، و عقاید‌ها
- ۳- اسلام بلا مذاهب د. مصطفی الشکعة.
- ۴- اصول الاسماعیلیه و برنارد لویس. الفاطمیه و القرطمیه



## داروینیه

### تعریف:

حرکت فکری داروینیه منسوب به پژوهشگر انگلیسی تشارلز داروین می‌باشد، شخص مذکور کتابش را «اصل الأنواع» سال (۱۸۵۹م) به نشر رسانید، مفکوره نشوء و ارتقاء را در آن مطرح نموده توسط آن ارزش‌های دینی را متزلزل ساخته آثار سلبی را بر فکر جهانی بجا گذاشت.

### تأسیس و افراد برازنده:

- تشارلز داروین که صاحب همین مدرسه فکری بود، پژوهشگر انگلیسی است، در سال ۱۸۵۹م کتابش را بنام «اصل الانواع» به نشر رسانید، وی در این کتاب نظریه خود را پیرامون نشوء و ارتقاء مورد بررسی قرار داده و اصل حیاة [زندگی انسان] را مکروبی می‌پندارد که چندین میلیون سال قبل در آب گرم جمع شده‌ای وجود داشته، و این مکروب مرحله به مرحله پیشرفت نموده در یکی از مراحل به شکل بوزینه در آمده و آخر به صورت انسانی تکمیل گردیده است، این شخص باهمین نظریه خود عقیده دینی را که انسان در ابتداء منسوب به سوی آدم و حواء علیهما السلام هستند، به دور انداخته است.

- آرترکیت: داروینی متعصبی است، ولی اعتراف دارد که این نظریه تاحال دلائلی ندارد، بنابراین به تحریر جدیدی ضرورت دارد، وی می‌گوید: «نظریه نشوء و ارتقاء تاهنوز بدون دلیل بوده و همینطور خواهد ماند و یگانه سبب گرایش ما بدان اینست که تنها بدیلی که برای آن وجود دارد ایمان به خلق موجوده است که آن علی الاطلاق درست نیست».

- جولیان هکسلی: داروینی ملحدی است که در قرن بیستم قد علم کرد، وی درباره این نظریه می‌گوید:

\* «همینطور علم حیاة انسان را در مرکز مشابه به آنچه بالایش انعام شده، به حیث سید مخلوقات قرار می‌دهد، البته همانطور که ادیان می‌گوید».

\* «از جمله مسلمات و امور پذیرفته شده اینست که انسان در زمان حاضر سردار مخلوقات است، ولی ممکن است که مقام وی را گربه و یا موش اشغال نماید».

\* وی می‌پندارد که انسان مفکوره «الله» [خدا پرستی] را در زمان عاجزی و نادانی خود اختراع نموده بود، اما حالا که می‌داند و برطبیعت خودش سیطره نموده است دیگر ضرورتی [به خدا پرستی] ندارد و خودش در یکزمان واحد هم عابد است و هم معبود.

\* وی می‌گوید: «بعد از نظریه داروین انسان نمی‌تواند که خود را از جمله حیوانات بشمارد».

\* لیکونت دی نوی: از مشهورترین مترقیان جدید است، که در حقیقت خودش صاحب نظریه مترقی «تطوریه» مستقل می‌باشد.

- د. ه. سکوت: خیلی داروینی متعصب است، وی می‌گوید: «مفکوره نشوء بخاطری آمده است که باقی بماند، و ممکن نیست که از آن دوری جوییم، ولو که به حیث یک عمل اعتقادی گردد».

- برتراند راسل: یک فیلسوف ملحد می‌باشد که مفکوره داروینی را تأیید نموده آن را از ناحیه میخانیکی تقویه می‌نماید، و می‌گوید: «همان عملی که جالیلای و نیوتن بخاطر فلک انجام دادند، داروین بخاطر علم حیاة انجام داد».

## افکار و معتقدات:

### اول نظریه داروین:

این نظریه پیرامون چند فکر و چند امور فرضی چرخ می‌خورد که آن‌ها قرار ذیل‌اند:

- داروین چنین تخمین می‌کند که موجودات عضوی که دارای ملیون‌ها حجره‌اند در اصل موجود حقیر و دارای حجره واحد بوده‌اند.

- این نظریه چنین تخمین می‌کند که کائنات عضوی از سوی سادگی و عدم تعقید به سوی اغلاق و تعقید ترقی نموده‌اند.

- این کائنات از سوی انحطاط به سوی ترقی به تدریخ پیش می‌روند.

- طبیعت به اشیاء قوی النوع اسباب بقاء، نمو، و کیفیت پذیری باهمزیستانش بخشیده است، تا در برابر حوادث مقاوت نموده در نردبان ترقی بالا رود، که این خود مؤدی به تحسین و ترقی نوعی مستمر می‌شود و از آن انواع جدید مترقی به میان

می‌آید، همچون بوزینه و انواع مترقی تری که در صورت انسان جلوه گر می‌گردد، و بر عکس می‌ایم که طبیعت همین قدرت را از اشیاء ضعیفه سلب نموده است که آنان افتیده از بین می‌روند.

- داروین این نظریه خود را از «الاتقاء الطبیعی» مالتوس اخذ نموده است.

- ممیزات فردی در داخل یک نوع به مرور زمانه‌های طویل منتج به انواع جدید خواهد شد.

- طبیعت بدون کدام نقشه پلان شده می‌دهد و محروم می‌سازد، بلکه رفتار کورکورانه دارد، و خط سیر ترقی و تطور در ذات خود کج و مضطرب بوده به یک قاعده و قانون دوامدار منطقی سیر نمی‌کند.

- نظریه در ذات خود فرضی و بیولوژیکی بوده از نظریات فلسفی بدور می‌باشد.

- نظریه به دو اصل استوار بوده که هر یکی از دیگرش مستقل و جدا است:

۱- موجودات حیه در زمانه‌های تاریخی به تدریج پیدا شده و به یکبارگی پیدا نگردیده‌اند، برای اثبات این اصل ممکن است برهان و دلیل بیاورند.

۲- این مخلوقات سلسله میراثی دارند که طی عملیه تطور و ترقی تدریجی دور و درازی، بعضی از آن‌ها از بعضی دیگرشان به طریق تعاقب پیدا شده‌اند، و این اصلی است که تاحال دلیلی به اثبات آن آورده نتوانسته‌اند، زیرا در سلسله تطوری که آن‌ها گمان می‌کنند، یک حلقه و یا چندین حلقه مفقود است.

- نظریه چنین تخمین می‌کند که هر مرحله‌ای از مراحل ترقی بطور حتمی و ضروری زاده مرحله قبلی خود است، یعنی عوامل خارجی است که نوعیت این مرحله را تعیین می‌نماید، هر چه خط سیر تطور و ترقی در ذات خود، در تمام مراحلش، یک خط مضطرب و مشوش بوده که یک غایه معین و هدف عالی ندارد، زیرا پیدا کننده آن که طبیعت است، عقل و دانش ندارد بلکه کورکورانه سیر می‌کند.

**دوم: آثاری که این نظریه از خود بجا گذاشت:**

- قبل از این نظریه، به سبب انقلاب فرانسه، مردم به سوی آزادی عقیده دعوت می‌کردند، ولی بعد از آن الحاد خویش را اعلان نمودند، الحادی که به طریقه عجیبی نشر شده از اروپا به اطراف جهان نقل گردید.

- طبق این نظریه، برای کلمه: آدم، حواء، جنت، درختی که آدم و حواء از آن خوردند، و خطیئة «طبق عقیده نصاری که عیسی علیه السلام بخاطر نجات یافتن بشر از گناه موروثش به دار آویخته شد، گناهی که از وقت آدم تا وقت دارکشیدن به آنان چسپیده بود» دیگر مدلول و مفهومی برای این کلمات باقی نماند.
- افکار مادی بر عقول طبقه دانشمند سیطره نموده مادی بودن انسان و مسخربودنش را تحت قوانین ماده تلقین کرد.
- تعداد زیادی از مردم خود را از ایمان به الله، بطور کامل و یا نزدیک به کمال خالی و فارغ نمودند.
- عبادت و پرستش طبیعت: داروین می‌گوید: «طبیعت هر چیز را خلق می‌کند و قدرتش در خلق نمودن بیحد و اندازه است».
- در ادامه می‌گوید: «تفسیر نشوء و ارتقاء به آن گونه که خداوند در آن دخالت داشته باشد به منزله داخل کردن عنصر خارق طبیعت در قانون میکانیکی صرف است».
- دیگر فائده‌ای در بحث پیرامون غایه و هدف از وجود انسان به نظر آنان دیده نمی‌شود، زیرا داروین نسب انسان را به بوزینه ربط داده است، بلکه چنین فکر نموده که جد حقیقی انسان همان مکروب کوچکی بوده که پیش از چندین میلیون سال در آب جمع شده ایستاده‌ای زندگی می‌کرده.
- علوم غربی مفکوره «غائیه» را [علمی را که از غایات و نتایج بحث می‌کند]، بدلیل اینکه دیگر پژوهشگر علمی به آن ضرورت ندارد و آن در دائره علمش داخل نمی‌شود، به کلی مهمل گذاشته‌اند.
- توسط این نظریه تعدادی از فکرها گرفتار یأس، ناامیدی و ضیاع گردید، و گروه‌های حیران، و مضطرب که با خلاء روحی مبتلاند به ظهور رسیدند.
- بالای زندگی بی‌نظمی عقیدتی چیره شد، و این زمان زمان اضطراب و ضیاع گردید.
- نظریه داروین هشدار و مقدمه‌ای برای تولد و ظهور نظریه فروید در تحلیل نفسی، نظریه برجسون در روحانیت جدید، نظریه سارتر در وجودیه، و نظریه مارکس در مادیت بود، تمام این نظریات، در طرز تفکر و تفسیرشان از انسان، حیات و سلوک از همان اساسی استفاده کرده‌اند که داروین وضع کرده بود و بالای آن اعتماد نموده‌اند.

- داروین چنین فکر می‌کند که انسان حیوانی مثل دیگر حیوانات است، همین فکر وی علوم و عقاید را هیجان زده ساخته است.
- انسان در نظر آنان صرف یک آئینه است که در آن تقلبات و تغییرات بدون سنجش طبیعت منعکس می‌شود.
- مفکوره ترقی «تطور» حیوان بودن انسان را تلقین کرد و تفسیر علمی ترقی و تطور به مادی بودنش اشاره نمود.
- نظریه تطور بیولوژیکی بخاطری نقل گردید که به حیث یک فکر فلسفی قرار گرفته، دعوت به سوی تطور مطلق در هر چیز نماید، تطوری که بدون حد و حدود باشد، بعدا این تطور بالای دین، ارزش‌ها و تقالید بازگشت نموده این اعتقاد را بمیان آورد که هر عقیده و یا نظام و یا اخلاق و عاداتی که در عقبش دیگری وجود داشته باشد البته به وجود زمانی، آن عقیده و نظام و اخلاق افضل و کامل‌تر است.
- برتراند راسل می‌گوید: «کمالی که ثابت باشد وجود ندارد و نه حکمتی که بعد از آن دیگری نباشد، و هر عقیده‌ای که ما به آن معتقد باشیم آن همیشه باقی نمی‌ماند، گرچه که فکر کرده باشیم که آن مشتمل بر حق ابدی است، زیرا مستقبل ضامن آنست که بالای ما بخندند».
- مارکس از نظریه داروین در مادی بودن انسان استفاده نموده، و مقصودش را در زندگی منحصر به سه چیز کرده بود: حصول غذا، حصول مسکن، و پوره کردن غریزه جنسی، و تمام عوامل روحی را مهمل گذاشته است.
- فروید از نظریه داروین در حیوان بودن انسان استفاده نموده و از همین نظریه مدرسه خود را در تحلیل نفسی تکوین و تشکیل نموده، سلوک انسان را فقط برمبنای غریزه جنسی تفسیر کرده است، بنابراین انسان در نظری وی یک حیوان جنسی بوده که جز فرمانبرداری از اوامر غریزه جنسی چاره دیگری ندارد اگر از آن نافرمانی کرد طعمه اعصاب خرابی خواهد شد.
- دورکایم از نظریه داروین در حیوان بودن و مادی بودن انسان استفاده نموده توسط نظریه عقل جمعی میان هر دو جمع کرده است.
- برتراند راسل از این نظریه در تفسیر تطور اخلاق استفاده نموده است، اخلاقی که نزد وی از محرم (التابو) به سوی اخلاق طاعت الهی ترقی و تطور نموده واز آنجا به سوی اخلاق مجتمع علمی ترقی کرده است.

تطور نزد فروید، دین را تفسیر جنسی نموده است، (دین همان احساس پشیمانی پسران است از کشتن پدرشان، پدری که آنان را از استمتاع [استفاده جنسی] مادرشان محروم ساخته بود، بعد عبادت پدر شروع شد، بعدا عبادت (طوطم) وبعد از آن عبادت قوای پنهانی در صورت دین آسمانی شروع گردید، و همه دوره‌های آن از عقده اودیپ سر چشمه می‌گیرد و بر آن تمرکز می‌کند.

### سوم: فعالیت یهود و قوای تخریبکار در نشر این نظریه:

- داروین یهودی نبود بلکه نصرانی بود، لیکن یهود و دیگر قوت‌های تخریبکار، گمشده خود را که در عقب آن سرگردان بودند در نظریه وی یافتند، بنابراین در راه استفاده از آن بخاطر ازبین بردن ارزش‌ها در زندگی مردم کار کردند.

- پروتوکولات حکماء صهیونست چنین می‌گوید: «چنین تصور نکنید که سخنان ما کلمات میان تهی است و ملاحظه خواهید کرد که کامیابی داروین، مارکس و نیتشه را ما قبلا طرح ریزی کرده بودیم، و اثر غیر اخلاقی روش این علوم، بر فکر اممی [بر فکر غیر یهودی] برای ما تأکید واضح خواهد بود».

- در حالیکه این نظریه یک نظریه خالی از دلیل کافی بوده و همینطور بلا دلیل خواهد ماند، می‌بینیم که به سرعت دهشت آوری گسترش میابد که این خود - دلیلی بر وجود دست‌های پنهانی در نشر آن می‌باشد.

- تقدیس و تعظیم خارق العاده و عجیب از داروین، که وی از بزرگ‌ترین آزادکنندگان فکر بشری است و اینکه وی مغلوب کننده طبیعت می‌باشد [نیز از دلائل دست داشتن یهود در این مسئله به شمار می‌رود].

- میلان ورغبت جریده‌ها به صورت کامل به اینکه وی را در مقابل کلیسا ایستاده نمایند و دشمنان این نظریه را تشهیر و تمسخر کنند، البته این بخاطری است که ملکیت اکثر جراید به یهود و اتباع آنان تعلق دارد.

### چهارم: کسانی که برضد این نظریه‌اند و بر آن نقد نوشته‌اند:

آگاسیز در انجلترا و اوین در امریکا بر آن نقد نوشته و گفته‌اند: «نظریه وافکار داروینیه خرافات علمی محض بوده و به زودی فراموش خواهد شد». همچنان دانشمند فلکی هرشل و اکثر استادان دانشگاه‌ها در قرن گذشته بر آن نقد کرده‌اند.

- کریسی موریسون می‌گوید: (قائلین به نظریهٔ تطور، دربارهٔ وحدات موروثی «الجينات» هیچ چیزی نمی‌دانستند، و در آنجائیکه حقیقهٔ تطور شروع می‌شود جابجا ایستاده می‌شوند، یعنی در نزد خلیه [حیوان خردی که داری حجرهٔ واحد است].
- انتونی ستاندن صاحب کتاب «العلم بقرة مقدسة» دربارهٔ حلقهٔ مفقوده بحث می‌کند - و آن سرحدی است که داروینی‌ها از بستن آن عاجز آمده‌اند - وی می‌گوید: «نزدیکتر به حق اینست که بگوییم: حصه و بخش بزرگی از سلسله مفقود بوده نه صرف یک حلقه، بلکه در وجود خود سلسله ما شک و تردید داریم».
- ستیوارت تشیس می‌گوید: «علماء علم حیات بطور جزئی قصهٔ آدم و حواء را همانطور که ادیان روایت می‌کند تأیید کرده‌اند و مفکورهٔ درست در اجمال آن است».
- اوستن کلارک می‌گوید: «هیچ علامه و نشانه‌ای وجود ندارد که انسان را وادار به این عقیده کند که یک مرتبهٔ بزرگی از مراتب حیوانی از مرتبهٔ دیگرش به وجود آمده است، بلکه هر مرحلهٔ آن وجود خاصه و متمیز خود را دارد که زادهٔ عملیهٔ تخلیق خاصه و ممتازی بوده است، انسان در روی زمین ناگهان و برهمن شکلی که فعلاً آن را می‌بینیم موجود و ظاهر گردیده است.
- باستور افسانهٔ توالد ذاتی را باطل نموده و تحقیقاتش ضربهٔ شدیدی بر نظریهٔ داروین به شمار می‌رود.

### پنجم: داروینیة جدید:

- دارندگان نظریهٔ داروینیة جدید در مقابل نقد علمیی که بالای نظریه وارد شد مضطرب و پریشان گردیده نتوانستند که نقاط ضعف آن را جبران نمایند، بنابراین مجبور شدند که بخاطر تقویةٔ آن و بخاطر یافتن دلیلی بر تعصب شدید شان افکار و نظریات جدیدی از خود ارائه نمایند و یک سلسله تغییراتی بیاورند که از آنجمله است:
- \* اقرارشان به اینکه قانون ارتقاء طبیعی از تفسیر عملیهٔ تطور قاصر می‌باشد، و آن را به قانون دیگری تبدیل کرده و آن قانون را بنام «قانون تحولات ناگهانی» و یا «الطفرات» نام نهادند و مفکورهٔ تصادف را به میان آوردند.
- \* مجبور به اعتراف نمودن به این امر شدند که در آنجا چندین اصول وجود دارد که از آن‌ها تمام انواع به وجود آمده‌اند، اینطور نیست که صرف یک اصل وجود داشته باشد چنانچه اسلاف شان به این عقیده بودند.

\* مجبور شدند که اقرار نمایند: گرچه میان انسان و شادی «بوزینه» مشابهت و مماثلت ظاهری وجود دارد، انسان دارای بیولوژی خاص و جداگانه می‌باشد و این نقطه‌ای است که داروین و همعصران وی در آن سقوط کرده بودند.

\* تمام چیزهایی که اصحاب داروینیة جدید با خود آورده‌اند افکار و نظریات ضعیف و ناتوانی‌اند و نمی‌توانند این نظام حیاتی و کونی را که با نهایت دقت، به تدبیر ذات حکیم، ﴿الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ حَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى﴾ [طه: ۵۰] به سیر خود ادامه می‌دهد، تفسیر نمایند.

### ریشه‌های فکری و اعتقادی:

- این مفکوره پیش از داروین نیز دانسته شده بود، دانشمندان به این پی برده بودند که انواع متأخیره در وجود و ظهور نسبت به انواع سابقه مترقی‌تراند، که از جمله دانشمندان مذکور: رای باکنسون و لینو، به شمار می‌روند.
- آنان گفته‌اند: «تطور و ترقی یک طرز مشخص است که در آن برای تمام عالم رحمت وجود دارد» ولی نظریه آن‌ها موصوف به صفت لاهوتی بوده، و در میان معاملات احیاء فراموش گردیده است.
- داروین نظریه خود را از علم دراسة السكان خصوصا از نظریه مالتوس تلقین گرفته، و از قانون وی در انتخاب و انتقاء استفاده برده است، قانونی که پیرامون از بین رفتن ضعیف توسط طبیعت بخاطر مصلحت اشیاء قوی، می‌چرخد.
- از ابحاث جیولوجیکی (لیل) نیز استفاده نموده نظریه میخانیکی تطور را درست کرده است.
- این نظریه درجوع و اوضاع مناسبی به دینا آمد، زیرا تولدش وقتی بود که پادشاهی کلیسا و دین ازین رفته بود، یعنی بعد از انقلاب فرانسه و انقلاب صنعتی، درست وقتیکه نفوس آماده پذیرش تفسیر مادی زندگی و نیز آماده قبول هر طرح فکری که آنان را به الحاد نزدیک‌تر و از تفسیرات لاهوتی و دینی دور سازد، بودند، برابر بود که آن نظریات درست باشد و یا غلط.

### انتشار و جاهای نفوذ:

- داروینیة سال ۱۸۵۹م ظهور نموده در اروپا منتشر گردید و بعد از آن به تمام اطراف عالم نقل داده شده و تا حال هم در بسیاری از دانشگاه‌های جهان تدریس



می شود، این نظریه درعالم اسلامی نیز، درمیان کسانی که تربیة غربی شده اند و در دانشگاه های اروپائی و امریکائی درس خوانده اند، پیروانی به خود پیدا کرده است

### مراجع:

- ١- أصل الأنواع تشارلز داروین - ترجمة إسماعيل مظهر - بيروت - ١٩٧٣ م.
- ٢- سلسلة تراث الإنسانية مجموعة من الأساتذة - الهيئة العامة للكتاب - مصر.
- ٣- الطريق الطويل للإنسان روبرت ل. ليرمان - ترجمة ثابت جرجس - بيروت - ١٩٧٣ م.
- ٤- معركة التقاليد محمد قطب - مصر.
- ٥- العلم و أسرارہ و خفایاہ ہارلد شابلی و زمیلاہ - ترجمة الفندی و زمیلہ - مصر ١٩٧١ م.
- ٦- تاريخ العالم جمع جون أ. هامرتن - ترجمة إدارة الترجمة - مصر.
- ٧- مصير الإنسان ليكونت دي نوى - ترجمة خليل الجر - المنشورات العربية.
- ٨- الديناميكا الحرارية د. إبراهيم الشريف - مصر ١٩٧٠ م.
- ٩- العلم يدعو إلى الايمان كريس موريسون - ترجمة محمود صالح الفلكي - مصر ١٩٦٢ م.
- ١٠- العلمانية سفر بن عبد الرحمن الحوالي - مكة ١٤٠٢ هـ / ١٩٨٢ م.
- ١١- الإنسان و العلاقات ستيوارت تشيس - ترجمة أحمد حمودة - مصر ١٩٥٥ م.  
البشرية
- ١٢- معالم تاريخ الإنسانية ه. ج. ويلز - ترجمة عبد العزيز توفيق جاويد - القاهرة - ١٩٦٧ م.
- ١٣- نظرية داروین بين قيس القرطاس - بيروت ١٣٩١ هـ. مؤيديها و معارضيها.
- ١٤- التطور و الثبات محمد قطب.
- ١٥- اللامتمي كولن و لسوف - ترجمة أنيس زكى حسن - بيروت ١٩٥٨ م.

- ۱۶- أثر العلم في المجتمع برتراند راسل - ترجمة تمام حسان - مصر.
- ۱۷- منازع الفكر الحديث تأليف جود - ترجمة عباس فضلى - العراق ۱۳۷۵هـ.
- ۱۸- الإنسان بين المادية و محمد قطب - مصر - ۱۹۵۸م. الإسلام
- ۱۹- العقل و الدين وليم جيمس - ترجمة محمود حب الله - مصر - ۱۳۵۸هـ.
- ۲۰- العقل و المادة برتراند راسل - ترجمة أحمد إبراهيم الشريف - القاهرة - ۱۹۷۵م.
- ۲۱- مذهب النشوء و منيرة على القادياني - تقديم محمد البهى - مصر - الارتقاء ۱۳۹۵هـ.
- ۲۲- بروتوكولات حكماء ترجمة محمد خليفة التونسى - مصر. صهيون
- ۲۳- معالم التحليل النفسي سيجموند فرويد - ترجمة عثمان نجاتي - القاهرة ۱۹۶۶م.

## دروز و یادرزیه

### تعریف:

دروز یک فرقه باطنیه است که به الوهیت خلیفه فاطمی الحاکم بامرالله قائل هستند، اکثر عقائد خویش را از اسماعیلیه گرفته‌اند، این فرقه به نشتکین درزی منسوب است، از مصر نشأت کرد ولی به زودی به سوی شام هجرت نمود، عقاید شان مختلط از چندین دین و چندین مکفوره است، همچنان به لازم بودن مخفی نگهداشتن افکار خویش عقیده دارند، بنابراین افکار خویش را میان مردم نشر نمی‌کنند، حتی به اطفال خویش، تا به سن چهل سالگی نرسند، آن را نمی‌آموزند.

### تأسیس و افراد برازنده:

- محور عقیده درزیه همان خلیفه فاطمی است، یعنی: أبو علی المنصور بن العزیز بالله بن المعزالدین الله الفاطمی که ملقب به الحاکم بامر الله بود، سال ۳۷۵هـ/۹۸۵م تولد شده و سال ۴۱۱هـ/۱۰۲۱م کشته شد، وی در افکار، رفتار، و عملکردهای خود شخص شاد و ناآشنائی بود، خیلی قسی القلب بود و در افکارش تناقض وجود داشت، در مقابل مردم حاقد و کینه توز بود، خیلی زیاد کشتارها و تعذیب‌های بی‌موجب و بی‌علت نمود.

- مؤسس مباشر و حقیقی این عقیده حمزه بن علی بن محمد زوزنی (۳۷۵هـ/۴۳۰هـ) می‌باشد، و همین شخص بود که در سال ۴۰۸هـ خدائی الحاکم بامر الله را اعلان نموده به سوی آن دعوت نمود، و کتب عقاید درزیه را نیز وی تألیف نموده است، این شخص به نزد درزیه چنان از احترام و تقدیس برخوردار است که حضرت محمد ﷺ نزد مسلمانان می‌باشد.

- محمد بن اسماعیل درزی معروف به نشتکین، که در وقت تأسیس عقاید درزیه با حمزه یکجا بود، ولی وی در اعلان نمودن الوهیت الحاکم عجله نموده سال ۴۰۷هـ آن را اعلان کرد که به این سبب حمزه بالایش قهر شده مردم را در مقابلش تحریک کرد، بنابراین وی به سوی شام فرار نموده آنجا مردم را به سوی مذهب خود دعوت کرد، و فرقه درزیه‌ای که منسوب به نام وی است قدم به ظهور نهاد، ولی با وجود آن ایشان

وی را، بخاطر آنکه از تعالیم حمزه بیرون شده، لعنت می‌کنند، بعدا حمزه پلان قتلش را طرح نموده به سال ۴۱۱هـ به قتل رسید.

- حسین بن حیدره فرغانی معروف به «اخرم» یا «اجدع»، وی به مذهب حمزه در بین مردم دعوت می‌کرد.

- بهاء الدین أبو الحسن علی بن احمد سموقی معروف به «الضیف»: وی در زمان غیاب حمزه ۴۱۱هـ تأثیر زیادی در نشر این مذهب داشت، بسیاری از رساله‌هایی که به نشر رسانیده‌اند وی تألیف نموده است، مثل «رسالة التنبیه والتأنیب و التویخ» و «رسالة التعنیف و التهجین» و غیره، و همین شخص است که دروازهٔ اجتهاد را در مذهب بست، البته بخاطر آنکه اصول وضع شده از جانب وی و حمزه و تمیمی باقی بماند.

- أبو ابراهیم اسماعیل بن حامد تمیمی: داماد و دست راست حمزه در دعوت، که در مرتبه، بعد از حمزه قرار دارد.

### از جمله رهبران معاصر این فرقه:

- کمال جنبلاط: وی از لبنان بوده و رهبر سیاسی می‌باشد، حزب التقدمی الاشتراکی «یعنی ترقی اشتراکی» را تأسیس نموده در سال ۱۹۷۷م کشته شد.

- ولید جنبلاط که وی رهبر فعلی شان و جانشین پدرش در رهبری درزیه و قیادت حزب می‌باشد.

- د. نجیب العسراوی رئیس رابطهٔ درزیه در برازیل.

- عدنان بشیر رشید رئیس رابطهٔ درزیه در استرالیا.

- سامی مکارم، وی با کمال جنبلاط در چندین تألیفش که در دفاع از درزیه نوشته است، سهم گرفته بود.

### افکار و اعتقادات:

- به الوهیت «خدائی» الحاکم بامر الله اعتقاد دارند، وقتیکه وی مرد گفتند: وی غائب شده و باز خواهد گشت.

- از پیامبران و رسولان علیهم السلام بکلی انکار نموده آن‌ها را «ابلیس‌ها» نام نهاده‌اند.

- معتقداند که مسیح «موعود» همانا رهبر آنان یعنی حمزه است.

- اهل تمام ادیان دیگر را، عموماً و مسلمانان را خصوصاً خیلی بد می‌بینند، خون، مال، و خیانت با ایشان را مباح می‌دانند.
- به این عقیده‌اند که دین ایشان تمام آنچه پیش از آن بود منسوخ ساخته است، بنابراین از تمام احکام و عبادات و اصول اسلام انکار می‌کنند.
- بعضی از مفکرین بزرگ معاصر شان به سوی هند احرام حج می‌بندند، البته به این عقیده که عقاید ایشان از حکمت هند سرچشمه گرفته است.
- به تناسخ ارواح قائل‌اند، و می‌گویند: ثواب و عقاب توسط نقل کردن روح از جسد صاحبش به جسد نیکبخت و یا بدبخت می‌باشد [یعنی اگر مستحق ثواب باشد به بدن نیکبخت و اگر مستحق عقاب باشد به بدن بدبخت نقل می‌کند].
- از جنت و دوزخ، ثواب و عقاب اخروی منکراند.
- از قرآن کریم منکراند و می‌گویند که این را سلمان فارسی تالیف نموده است، و خودشان قرآن خاصی دارند بنام «المنفرد بذاته» یعنی کتاب مستقل.
- عقاید خویش را خیلی به زمانه‌های قدیم نسبت می‌دهند، و در انتساب به سوی فرعونیه قدیمه و حکماء قدیم هند افتخار دارند.
- تاریخ به نزد آنان از ۴۰۸ هـ شروع می‌شود یعنی و قتیکه حمزه الوهیت الحاکم بامر الله را اعلان نمود.
- معتقداند که قیامت عبارت است از بازگشت حاکم بامر الله که وی ایشان را به سوی از بین بردن کعبه و نابود ساختن مسلمانان و نصارا در تمام اطراف جهان رهبری خواهد کرد، و آنان بر تمام عالم، تا ابد حکومت خواهند کرد و در آن وقت بالای مسلمانان ذلت و جزیه را وضع خواهند نمود.
- عقیده دارند که حاکم پنج پیامبر فرستاده است که عبارت‌اند از: حمزه، اسماعیل، محمد الکلمه، أبو الخیر و بهاء.
- ازدواج با دیگران، صدقه کردن بالای آنان، و کمک کردن شان را حرام دانسته تعدد زوجات و رجوع در زن طلاق شده را منع می‌کنند.
- دروزها هیچ کس را در دین خود نمی‌پذیرند و برای هیچ کس اجازه خروج از آن نیز نمی‌دهند.
- درزیه‌های معاصر از ناحیه دینی به دو بخش تقسیم شده‌اند چنانچه سابق نیز همینطور بود:

- الف: روحانیون که اسرار این گروه به آنان تعلق دارد، روحانیون نیز به سه بخش تقسیم می‌شوند: رئیسان، دانشمندان و سخاوتمندان.
- ب: جثمانی‌ها: این‌ها کسانی‌اند که به امور دنیوی توجه دارند، که این‌ها نیز بدو قسم تقسیم می‌شوند: امراء و جهال.
- اما از ناحیه اجتماعی آنان به سلطنت‌های موجوده قائل نیستند و بالای ایشان شیخ‌العقل و نائبان وی مطابق نظام اقطاع دینی حکومت می‌کنند.
- همان چیزی که فلسفی‌ها عقیده دارند آنان نیز عقیده مند هستند، از قبیل اینکه: پروردگار شان عقل کلی را خلق نمود و بواسطه آن نفس کلی پیدا شد و از نفس کلی دیگر مخلوقات بوجود آمد.
- درباره اصحاب کرام اقوال زشتی می‌گفتند که از آن جمله است این گفته شان: فحشاء و منکر عبارت‌اند از ابوبکر عمر.
- پنهانکاری و اخفا، از اصول عقاید شان به شمار می‌رود، این اخفاء و پنهان کاری از باب تقیه نیست و تقیه نیز در دین آن‌ها مشروع است.
- مناطق آن‌ها خالی از مساجد و ذکر خداوند است با وجود آن گاه گاهی بعضی از آن‌ها بخاطر مصلحت دعوای اسلام را می‌کند.
- شخص درزی عقیده خود را تا سن چهل سالگی نمی‌آموزد و به وی نمی‌آموزانند و تا این سن که آن به نزدشان سن عقلمندی است مکلف نیز به آموختن نمی‌باشند.

### بعضی کتاب‌های درزی‌ها:

- ۱- ایشان رسایل مقدسه‌ای دارند بنام رسایل حکمت که تعداد آن‌ها به (۱۱۱) رساله می‌رسد و از تألیفات: حمزه، بهاء الدین و تمیمی می‌باشند.
- ۲- ایشان قرآنی دارند بنام المنفرد بذاته.
- ۳- کتاب النقاط و الدوایر، تألیف عبد الغفار تقی الدین البعلقی که در سال (۹۰۰هـ) کشته شد.
- ۴- میثاق ولی زمان: این را حمزه ابن علی نوشته است وقتی عقیده شخص درزی برایش آموزانیده شد به همین کتاب از وی تعهد و پیمان گرفته می‌شود.
- ۵- النقص الخفی: کتابیست که در آن حمزه تمام شرایع را عموماً و ارکان پنجگانه اسلام را به طور خاص نقض نموده است.

۶- اضواء علی مسلک التوحید: تألیف دکتور سامی مکارم.

### ریشه‌های فکری و اعتقادی:

- ۱- از باطنیه‌ها بطور عموم و از باطنیه یونانیه، پیروان ارسطو، افلاطون و فیثاغورس بطور خصوص متأثراند و آنان را سرداران روحی خود می‌دانند.
- ۲- اکثر معتقدات خود را از گروه اسماعیلیه اخذ نموده‌اند.
- ۳- از دهری‌ها نیز در عقیده شان به زندگی ابدی متأثراند.
- ۴- در تعداد زیادی از افکار و معتقدات خویش از بودائی‌ها متأثراند.
- ۵- از بعضی فلاسفه فارس، هند و فرعونیه‌های سابق نیز تاثیر پذیراند.

### انتشار و جاهای نفوذ:

- درزیه‌های امروزی در لبنان، سوریه، و فلسطین زندگی می‌نمایند.
- اکثریت غالب شان در لبنان‌اند و تعداد بزرگی از آنها در فلسطین اشغالی‌اند که تابعیت اسرائیل را اخذ نموده‌اند و بعضی از آنان در اردوی اسرائیل کار می‌نمایند.
- آنان دفتری در برازیل، استرالیا و غیره نیز دارند.
- نفوذ شان در لبنان تحت رهبری ولید جنبلاط خیلی قوی است که در تحت لوای حزب اشتراکی تقدیمی جمع شده‌اند، آنها در جنگ لبنان نقش بارزی داشتند و دشمنی شان با مسلمانان برای هیچ کس پنهان نیست.

### مراجع:

- ۱- عقیده الدرروز عرض و نقد. محمد احمد خطیب.
- ۲- اضواء علی العقیده الدرزیه احمد الفوزان.
- ۳- اسلام بلا مذاهب د. مصطفی الشکعه
- ۴- اصل الموحدين الدرروز و امین طلع. اصولهم
- ۵- تاریخ الدعوة الاسماعیلیه مصطفی غالب.
- ۶- تاریخ المذاهب الإسلامیه محمد ابوزهره.
- ۷- الدرروز و الثورة السوریه کریم ناشد.

- ۸- طائفة الدروز محمد كامل حسين.
- ۹- مذاهب الدروز و التوحيد عبد الله النجار.
- ۱۰- الدروز: وجودهم، مذهبهم ابواسماعيل سليم. وتوطنهم
- ۱۱- الحركات في لبنان إلى يوسف ابو شقرا. عهد المتصرفية
- ۱۲- مذاهب الإسلاميين عبد الرحمن بدوي.



## راسمالیه

### CAPITALISM

#### تعریف:

راسمالیه یک نظام اقتصادی است که دارای فلسفه اجتماعی و سیاسی بوده بر اساس گسترش مالکیت فردی و محافظه بر آن استوار می‌باشد، مفهوم آزادی را خیلی وسیع نموده است، جهان توسط این نظام نکبات زیادی را چشیده است، راسمالیه همیشه تا حال فشارها و دخالت‌های سیاسی، اجتماعی و ثقافتی خویش را تکرار می‌نماید، و ثقل خویش را بالای گروه‌های مختلف زمین می‌اندازد.

#### تأسیس و افراد برازنده:

- اروپا تحت حکم نظام امپراطوری رومانی قرار داشت و آن نظام را نظام اقتصادی (Feudl System) به میراث برد.
- در میان قرن‌های چهاردهم و شانزدهم طبقه بورجوازیه (Bourgeois) به ظهور رسید که در عقب و داخل مرحله اقطاع قرار داشت.
- در عقب مرحله بورجوازیه مرحله راسمالیه قرار داشت که مصادف بود به شروع قرن شانزدهم، لیکن به شکل تدریجی بود.
- ابتداء، دعوت به سوی آزادی (Liberation)، دعوت به سوی ایجاد قومیات بی‌دینی و به سوی کم کردن نفوذ بابای روحی، شروع شد.
- مذهب آزاد طبیعی در نصف دوم قرن هجدهم در فرانسه قدم به ظهور نهاد، و در آنجا طبیعیین نمایان گردیدند، از مشهورترین داعیان این مذهب افراد ذیل می‌باشند:
- ۱- فرانسواکیزنی (Francois Quensnay ۱۶۹۴-۱۷۷۸م) در فرسای فرانسه تولد شده، در قصر پانزدهم لوئیس به حیث طبیب کار کرد، لکن بعداً توجه به اقتصاد نموده و مذهب طبیعی را تأسیس کرد، در سال (۱۷۵۶م) دو مقاله را از دو دهقان و از جنوب به نشر رسانید، بعد از آن در سال (۱۷۵۸م) جدول اقتصادی را صادر نمود که در آن جدول دوران مال را در میان مردم به دوران

دموی تشبیه داده است، در آن وقت میرابو در پاره آن جدول چنین گفته بود: «در دنیا سه اختراع بزرگ وجود دارد که آن‌ها عبارت‌اند از نوشتن، نقود، «پول» و جدول اقتصادی».

۲- جون لوک (John Locke ۱۶۳۲- ۱۷۰۴م) وی نظریه طبیعی آزاد را رنگ آمیزی نموده درباره مالکیت فردی می‌گوید: «این ملکیت حقی از حقوق طبیعی بوده غریزه‌ایست که با نشأت و نمو انسان نشأت و نمو می‌نماید، بنابراین برای هیچ کسی اجازه نیست که با این غریزه معارضه و مقابله نماید.

۳- و نیز از افراد برازنده این نظریه‌اند هر یکی: تورجو Turgot، میرابو Mirabou، جان باتست سای J. B. Say و باستیا.

- بعد از آن مذهب کلاسیکی قدم به ظهور نهاد، که افکارش به دست تعدادی از مفکرین آشکار گردید، که از بارزترین آنان اشخاص ذیل‌اند:

۱- آدم سمیث (A. Smith ۱۷۲۳- ۱۷۹۰م) وی مشهورترین کلاسیکی‌ها علی‌الاطلاق به شمار می‌رود، در شهر کیرکالدی در اسکاتلند تولد شده، فلسفه را فرا گرفت، در دانشگاه جلاسجو به حیث استاد علم منطق ایفاء وظیفه کرد، سال (۱۷۶۶م) به فرانسه سفر نموده در آنجا به افراد مذهب آزاد ملاقات نمود، در سال (۱۷۷۶م) کتابش را «بحث فی طبیعه و أسباب ثروة الأمم» به نشر رسانید، درباره این کتاب ادمون برک، که یکی از نقاد است، می‌گوید: «این کتاب بزرگ‌تر از تمام تألیف‌هایی می‌باشد که آن‌ها را قلم بشر نوشته است.

۲- دافید ریکاردو (David Ricardo ۱۷۷۲- ۱۸۲۳م) قوانین توزیع درآمد در اقتصاد راسمالی را شرح نمود، وی یک نظریه معروفی دارد بنام «قانون تناقص الغلة» و نیز گفته می‌شود که وی یک مفکوره فلسفی مختلط با انگیزه‌های اخلاقی داشت، البته این مفکوره را از این قولش استنباط نموده‌اند که می‌گوید: «هرکاری که از احساس محبت و دوستی بادیگران، صادر نشود آن کار منافی اخلاق شمرده خواهد شد».

۳- روبرت مالتوس (Robert Maltus ۱۷۶۶- ۱۸۳۶م) کلاسیکی اقتصاد دان انگلیسی چپگرا است. نظریه مشهوری درباره ساکنین زمین ارائه نموده

می‌گوید: تعداد ساکنین مطابق دوره هندسی زیاد می‌شود، در حالیکه حاصلات زراعتی مطابق دوره حسابی زیاد می‌گردد.

۴- جون استیوارت مل ( J. Stuart Mill ۱۸۰۶-۱۸۷۳م) وی حلقه اتصال میان مذهب فردی و مذهب اشتراکی به شمار می‌رود، سال (۱۸۳۶م) کتاب خود را «مبادی الاقتصاد السياسي» به نشر رسانید.

۵- لورد کینز ( Keynes ۱۸۸۳-۱۹۴۶م) وی صاحب نظریه‌ای است که به نام خودش تسمیه شده است، و آن نظریه پیرامون توانمندی و مشغول ساختن می‌چرخد، این نظریه از دیگر نظریه‌ها برتری و تفوق کسب نموده است، زیرا فضیلت تحقیق پیرامون مشغول ساختن کامل قوای کارگر در جامعه راسمالی، به سوی وی باز می‌گردد، این نظریه خود را ضمن کتابش «النظرية العامة في التشغيل والفائدة والنقود» ذکر کرده، و کتاب مذکور را سال ۱۹۳۶م به نشر رسانید.

۶- دافید هیوم ( ۱۷۱۱-۱۷۷۶م) صاحب نظریه نفعیه Pragmatism وی این نظریه را به شکل متکامل وضع نموده است، نظریه چنین می‌گوید: «ملکیت خاصه تقلیدی است که مردم از آن پیروی نموده‌اند، و باید هم آن را پیروی کنند، زیرا در آن فائده ایشان است».

۷- ادمون برک: وی از جمله مدافعین از ملکیت شخصی، بر اساس نظریه تاریخی ویا تقادم ملکیت، به شمار می‌رود.

### افکار و معتقدات:

#### ۱- پایه‌های راسمالی:

- جسجوی فایده به طرق واسلوب‌های گوناگون، مگر طریقی که آن را دولت به خاطر ضرر عام منع کرده باشد مثل مواد مخدر.
- احترام به ملکیت فردی از طریق اینکه راه برای هر انسان باز گردد تا تمام قدرت خود را در راه کثرت دارائی بکار اندازد، سرمایه‌اش حمایت شود، به آن تجاوز صورت نگیرد، قوانینی که سبب نمودی آن می‌گردد کاملاً مراعات شود، و دولت در زندگی

اقتصادی جز به اندازه‌ایکه آن را نظام و استحکام امنیت تقاضا دارد، دیگر دخالت نداشته باشد.

- همچشمی و سبقت جستن در بازارها (Perfect Competition).

- نظام آزادی نرخ (Price System)، جاری ساختن این آزادی مطابق تقاضاهای عرضه کردن و خواستن، و به کار انداختن قانون نرخ نازل در راه رائج ساختن مال و فروش آن.

## ۲- اشکال و انواع راسمالی:

- راسمالی تجارتي که در قرن شانزدهم، در عقب از بین رفتن اقطاع ظاهر شد، که تاجر شروع به انتقال تولیدات از مکان به مکان دیگر، مطابق تقاضای بازار نمود و بدین طریق رابطه ای میان تولید کننده و استفاده کننده ایجاد کرد.

- راسمالی صنعتی که، پیشرفت صنعت، و به میان آمدن آلات بخاریه، که آن را جیمس وات سال ۱۷۷۰م اختراع نمود، و همچنان به میان آمدن ماشین با فندگی ۱۷۸۵م، در ظهور آن کمک نموده باعث شد که در اوائل قرن نوزدهم انقلاب صنعتی اول در انجلترا و بعد از آن در اروپا به صورت عموم برپاگردد، راسمالی صنعتی بر اساس جدائی رأس المال از کارگراستوار می‌باشد، یعنی بین انسان و اسباب کار.

- نظام کارتل (Kartel System): یعنی توافق شرکت‌های بزرگ در تقسیم بازارهای جهانی میان خودشان، که این کار برای شان موقع را مساعد می‌سازد تا به آزادی کامل در این بازارها احتکار نمایند و دارائی مردم را از آن‌ها سلب نمایند، این مذهب در آلمان و جاپان منتشر گردیده است.

- نظام ترست (Trust System) مقصود از آن اینست که یکی از شرکت‌های مسابقه کننده را باید تقویه نمود تا که تولید بهتر داشته، به نفوذ و سیطره بر بازار توانمندتر باشد.

## ۳- افکار و معتقدات دیگر:

- مذهب طبیعی که اساس و تهداب راسمالی به شمار می‌رود، به امور و اشیائی فرا می‌خواند که بعضی از آن قرار آتی می‌باشد:

\* زندگی اقتصادی زیر فرمان نظام طبیعی بوده ساخته دست کسی نیست، چون به همین صفت ترقی و پیشرفت خود بخودی برای زندگی بار می‌آورد.

\* دولت باید در زندگی اقتصادی دخالت نداشته باشد، بلکه وظیفه‌اش فقط حمایت از افراد و اموال، حفظ امنیت، و دفاع از وطن می‌باشد.

\* آزادی اقتصادی برای هر فرد، به طوریکه هر فرد اختیار دارد که چه کار کند و هر کاری مناسب برایش باشد آن را اختیار کند، از این قاعده به این عبارت مشهور تعبیر کرده‌اند: «بگذار کار کند، بگذار برود» (Laisser fair Laisser Passer).

- ایمان و باور راسمالی به آزادی خیلی زیاد مفی به نابسامانی‌های اعتقادی و اخلاقی گردیده است و لغزش‌ها و نکبات غربی‌ها که ناشی از ضیاع فکری و خلاء روحی بوده و سبب تباهی جهان گردیده است متولد از همین عقیده می‌باشد.

- پایین بودن مزد و درخواست کار زیاد در کارگر باعث شده که تمام افراد یک خانواده مصروف کارشوند، و این امر مفی بر آن شده که رشته‌های خانوادگی از هم بکسلد و روابط اجتماعی در میان شان از بین برود.

- از مهم‌ترین نظریات آدم سمیث این بود که: نمو، پیشرفت و اوج زندگی اقتصادی موقوف به آزادی اقتصادی می‌باشد.

- این آزادی به نظر وی به طرق ذیل حاصل می‌شود:

\* آزادی فردی که برای انسان اختیار آن عملی را می‌دهد که موافق استعدادش باشد و درآمد مطلوبش در آن حاصل شود.

\* آزادی تجارتي که در آن تولید، داد و گرفت و صادر نمودن، در یک فضاء مسابقه آزاد تکمیل می‌گردد.

- راسمالی‌ها معتقداند که آزادی برای فرد، بخاطر حصول موافقت میان وی و میان اجتماع یک امر ضروری می‌باشد، دیگر اینکه آزادی قوه باعثه بر تولید بوده حقی از حقوق انسانی و تعبیری از کرامت و شرافت بشری می‌باشد.

#### ۴- عیب‌ها و خرابی‌های راسمالی:

- راسمالی نظامی است که ساخته و پرداخته دست بشر بوده مساوی به نظام کمونستی و دیگر نظام‌های ساخته شده بشر می‌باشد، و از نظام الله که آن را برای بندگان خود و مخلوق خود از اولاد بشر، راضی شده است بدور می‌باشد.

- خود خواهی و انانیت: طوریکه یک فرد و یا چند فرد محدود بر بازارها طبق مصالح شخصی خویش حکومت می‌کنند، و ضرورت اجتماع را در نظر نگرفته به مصلحت عامه احترام نمی‌گزارند.
- احتکار: شخص راسمالی اموال را جمع نموده یکجا انبار می‌نماید، و وقتیکه از بازار ناپدید گردید آن را برآورده به نرخ خیلی بالا آن را به فروش می‌رساند تا بدین و سیله داروندار محتاجین و ضعیفان را از ایشان سلب نماید.
- همانطور که کمونستی در سلب و الغاء مالکیت فردی افراط و مبالغه نموده راسمالی در احترام و بزرگداشت آن افراط کرده است.
- همچشمی و مسابقه: اساس راسمالی زندگی را میدان داغ مسابقه ساخته است، زیرا همهٔ مردم در راه به دست آوردن غلبه و سبقت سعی می‌کنند، و زندگی به دستور آن به جنگلی تبدیل می‌شود که در آنجا قوی ضعیف را می‌خورد، بسیاری اوقات چنین هم می‌شود که آن مفضی به مفلس شدن کارخانه‌ها و شرکت‌ها، در زمان اندک می‌شود.
- خالی ساختن دست کارگر: زیرا راسمالی کارگران را به حیث کالا مسخر به مفهوم داد و گرفت ساخته هر لحظه در معرض تغییر و تبدیلی قرار می‌دهد و این امر سبب می‌شود که کارگر کار زیادتر و بهتری کند و یا مزد کم‌تری بگیرد.
- بیکاری: در جامعهٔ راسمالی بیکاری یک پدیده مألوف و آشنا به شمار می‌رود، و آن وقتی به کثرت ظاهر می‌شود که تولید زیادتر از مصرف باشد، زیرا در این صورت صاحب کار از مزد اضافی که به دست‌های آنان قرار می‌گردد و به دوش صاحب کار سنگینی می‌کند، استغناء حاصل می‌نماید [و از دوش خود آن را دور می‌کند].
- زندگی هیجان انگیز: که این در نتیجهٔ گشتی گیری و مقابله‌ایست که میان طبقهٔ سرمایه‌دار و طبقهٔ محروم برپا می‌باشد، زیرا مقصود اصلی طبقه اول جمع کردن مال از هر طریق ممکن بوده و طبقهٔ محروم در فکر بدست آوردن قوت زندگی می‌باشد، و در میان این دو طبقه هیچ نوع تعاطف و تراحم وجود ندارد.
- استعمار: این بخاطری در نظام راسمالی وجود دارد که راسمالی در جستجوی مواد اولیه «مواد خام» و در جستجوی بازارهای جدید برای به فروش رسانیدن تولیدات خویش می‌باشد، بنابراین در راه استعمار گروه‌ها و ملت‌ها به پیش رفته در عمق آن فرو می‌رود، البته در قدم اول استعمار اقتصادی و در قدم دوم استعمار

فکری، سیاسی و ثقافتی به صورت عموم، و این علاوه بر استرقاق اقوام و تسخیر دست‌های کارگران در مصالح خویش می‌باشد.

- جنگ‌ها و ویرانگریها: بشر انواع و اقسام عجیبی از قتل و ویرانی را که در طبیعت استعمار موجود می‌باشد، مشاهده کرده است، استعماری که بدترین و شدیدترین حالات را به مردم زمین فرود آورده است.

- راسمالی‌ها در سیاست و حکومت به نظام دیموکراتی اعتماد دارند، که در بسیاری وقت‌ها این دیموکراتی با خواهشات نفسانی یکجا شده از حق، عدالت و راستی بدور می‌باشد.

- نظام راسمالی بر اساس سود «ربا» استوار می‌باشد، و این امر واضح است که سود جوهر اصلی بدی‌هایی می‌باشد که تمام عالم از آن زیانمند گردیده‌اند.

- راسمالی به انسان به این حیثیت نظر و معامله می‌کند که وی یک موجود مادی می‌باشد، از میل‌های روحی و اخلاقی‌اش به دور بوده دعوت به سوی جدائی بین اقتصاد و اخلاق می‌نماید.

- راسمالی در صورت زیاد شدن اموال، به سوختاندن اموال زیاده و یا در بحر انداختنش امر می‌کند، البته بخاطر آنکه نرخ از جهت کثرت عرضه کالا پائین نرود، این عمل را در حالتی انجام می‌دهند که بسیاری از گروه‌های مردم شکایت از گرسنگی دارند، چنان گرسنگی که ایشان را به هلاک نزدیک کرده است.

- راسمالی‌ها به تولید مواد کمالیه [اشیائیکه غیر از مواد اولیه‌اند و در زندگی روزمره، مردم به آن محتاج نیستند] می‌پردازند و برای آن دعوت‌های چشمگیری انجام می‌دهند، بدون اینکه به ضرورت‌های اولیه جامعه کدام توجهی داشته باشند، زیرا آن‌ها از اول تا آخر در جستجوی فایده‌اند.

- راسمالی بسا اوقات است که وقتی سن کارگر بزرگ می‌شود بدون حفظ تقاعدش، آن را از کار سبکدوش می‌نماید، ولی این پیش آمد، به سبب اصلاحاتی که در راسمالی در این اواخر آمده، شدت خود را از دست داده است.

۵- اصلاحاتی که در راسمالی آورده شد:

- تا سال ۱۸۷۵م بزرگ‌ترین مناطق راسمالی در تقدم و پیشرفت انجلترا بود، ولی در ربع آخر قرن نوزدهم هریکی از ایالات متحده و آلمان قدم به ظهور نهاد و بعد از جنگ جهانی دوم جاپان ظاهر شد.
- در سال ۱۹۳۲م دولت دخالت خود را به شکل گسترده‌ای در انجلترا آغاز نمود، و در ایالات متحده از سال ۱۹۳۳م دخالت دولت رو به افزایش گرفت و در آلمان از دوران هتلر شروع شد، البته این دخالت‌ها بخاطر حفظ استمرار نظام راسمالی بود.
- دخالت دولت در موصلات، تعلیم و رعایت حقوق هموطنان ظاهر شد و همچنان در درست کردن قوانینی که جنبه اجتماعی داشته باشد، مثل: ضمان اجتماعی، تقاعد، بیکاری و عاجز بودن، حفظ صحت، خوب ساختن خدمات، و بالا بردن سطح زندگی، اثر گذاشت.
- راسمالی بخاطری توجه بسوی همین اصلاحات جزئی نمود که کارگران به حیث قوه انتخاب کننده در مناطق دیموکراتی تبدیل شدند، سبب دیگرش متوقف ساختن سیلاب کمونستی بود که خود را ناصر کارگران و مدافع حقوق آنان قلمداد می‌کرد و نیز سبب سوش فشار مدافعیین حقوق بشر به شمار می‌رود.

### ریشه‌های فکری و اعتقادی:

- راسمالی در ریشه‌های خود بر اندکی از فلسفه قدیم رومان اتکاء دارد که علایم آن در رغبت وی به داشتن قوت و گسترش نفوذ و سیطره ظاهر می‌شود.
- راسمالی باتغییرات و تقلبات زیادی به پیش آمده که از اقطاع به بورجوازیه و از آن به راسمالیه نقل کرده و در خلال آن افکار و اصولی را کسب نموده که همه‌اش به مفکوره توجه و عزت بخشیدن به مالکیت فردی و دعوت به سوی آزادی جمع می‌شود.
- در اصل بر افکار مذهب آزاد و مذهب کلاسیکی استوار می‌باشد.
- راسمالی در قدم اول با دین مقابله نموده از زیر سلطه کلیسا سرکشی و تمرد می‌نماید و در قدم دوم با تمام قوانین اخلاقی مقابله دارد.
- راسمالی با هیچ قانون اخلاقی سروکار ندارد مگر با قانونی که نفعی برایش برساند، خصوصا که نفع اقتصادی باشد.
- از برای افکار و آرائی که طی انقلاب صنعتی در اروپا به میان آمده، رول مهمی در تعیین مظاهر راسمالی بوده است.



- راسمالی به سوی آزادی دعوت می‌کند و از آن دفاع می‌نماید، لکن آزادی سیاسی به آزادی اخلاقی تبدیل گردیده بعداً طی مرحله‌ای به اباحت تغییر نمود.

### انتشار و جاهای نفوذ:

- راسمالی در کشورهای: انگلتره، فرانسه، آلمان، جاپان، ایالات متحده آمریکا، و اکثر دولت‌های غربی به اوج خود رسیده.
- اکثر کشورهای جهان در فضاء دنباله روی زندگی می‌کنند، یا دنباله رو و تابع نظام کمونستی‌اند و یا از راسمالی، ولی این تابعیت [از کشوری به کشور دیگری] فرق می‌کند که در بعضی‌ها به طور مباشر دخالت دارد، و بعضی صرف در امور سیاسی و موقف‌های حکومتی بر آن اعتماد می‌کنند.
- نظام راسمالی مثل نظام کمونستی جانب اسرائیل را گرفته به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم آن را تأیید و تقویه می‌نماید.

### مراجع:

- ۱- أسس الاقتصاد بين تالیف ابولأعلى المودودی ترجمه محمد عاصم الإسلام والنظم المعاصرة حداد- ط ۳- ۱۳۹۱ هـ - ۱۹۷۱ م - مطبعة الامان - لبنان.
- ۲- المذاهب الاقتصادية الكبرى تالیف جورج سول - ترجمه راشد البراوی.
- ۳- النظم الاقتصادي في العالم د. احمد شلبی - ط ۱ - النهضة المصرية - ۱۹۷۶ م.
- ۴- معركة الاسلام والراسمالیه سيدقطب - ط ۲ - مطبعة دارالكتاب العربی - ۱۳۷۱ هـ / ۱۹۵۲ م.
- ۵- الاقتصاد في الإسلام حمزة الجمیعی الدهومي - ط ۱ - مطبعة التقدم در قاهره - ۱۹۷۹/۱۳۹۹.
- ۶- الاقتصاد الإسلامي د. محمد احمد صقر - ط ۱ - مطابع سجل مفاهیم و مرتکزات العرب - نشر دار النهضة العربية در قاهره - ۱۳۹۸ هـ / ۱۹۷۸ م.
- ۷- اقتصادنا محمد باقر صدر - دار الكتاب اللبناني - دار الكتاب المصری - ۱۳۹۸ هـ / ۱۹۷۷ م.

- ٨- فلسفتنا محمد باقر صدر- دارالتعارف للمطبوعات - بيروت - لبنان -  
١٣٧٩هـ.
- ٩- الاقتصاد الإسلامي المركز العالمي للابحاث والاقتصاد- ط١- ١٤٠٠/١٩٨٠م
- ١٠- حركات و مذاهب في فتحي يكن- مؤسسة الرسالة- ط٢- ميزان الاسلام  
١٣٩٧هـ/١٩٧٧م.

### مراجع بیگانه:

- 1- D. Villey: A La Recherche d'une Doctrine Economique, Ed: Genin Paris, 1967.
- 2- Paris 1956.»Cours deconomie politigue«- J. Marchal
- 3- J. M. Kenes, General Thory of Employment interest and Money (Harcourt. Brace and Company, 1933).
- 4- George N. Halm Econom: A Domparrative Analysis, Holt, Rinchart Winston Ltb. New York.
- 5- Gunnar Myrdal, Against the Stream, published by Panthcon press. Cambridge University Press 1972.
- 6- Lord Bowdan and S. T. S. AL- Hasani. The probphet and the loss or a fair shower of
- 7- the proceeds, the Guardian. Thursday June 5- 1975
- 8- Abdul - Hamid Ahmad Abu Sulayman: The Theory of the Economics of Islam, Proceedings of the Third East Coast Regional Conference. Theme Contempor - ary Aspects of Economic and Socaial Thinking in Islam, Moslem Students Association, Holiday Hills, April 12, 1968, PP. 26- 83.
- 9- Adam Smith, the wealth of Nations.
- 10- Encyclopaedia Britannica, vol.2 p. 535,976.

## روتاری

### تعریف:

روتاری یکی از گروه‌های ماسونیه می‌باشد که بالای آن یهودیت جهانی تسلط دارد، و به نام (مجلس روتاری) ROTARY CLUB یاد می‌شود، این اسم برای گروه مذکور از نام دیگری اخذ شده یعنی از (IN ROTATION) این عبارت، باجماعت‌های اولی این گروه، که درمکاتب خویش جلسه‌هایی به شکل نوبتی تشکیل می‌دانند، همراه بود.

### تأسیس و افراد برازنده:

- سال ۱۹۰۵م اولین مجلس روتاری را، محامی [وکیل مدافع] بول هاریس، در شهر شیکاگو، تأسیس نمود.

- بعد از سه سال شخص دیگری بنام شیرلی بری باوی یکجا شده و به صورت چشمگیری حرکت را توسعه بخشیده و به حیث سکرتر حزب تعیین گردید، ولی در سال ۱۹۴۲م از این حزب استعفاء نمود.

- بول هاریس (مؤسس) سال ۱۹۴۷م وفات نمود، و در آن وقت این حرکت به ۸۰ دولت رسیده بود و ۶۸۰۰ مجلس و ۳۲۷۰۰۰ عضو داشت.

- حرکت سال ۱۹۱۱م به دبلن ایرلند نقل داده شد، بعد از آن توسط فعالیت شخصی بنام مستر مورو در بریتانیا منتشر گردید، این شخص از هر عضو جدید چند فیصد درآمدش را طلب می‌کرد [یعنی از معاشش چند فیصد می‌گرفت].

- سال ۱۹۲۱م درمادرید مجلس روتاری تأسیس شد، ولی بعداً دوباره بسته گردید، و اجازه فعالیت برای شان در تمام اسپانیا داده نشد.

- سال ۱۹۲۱م در فلسطین نیز مجلس روتاری تشکیل شد، و قتیکه صهیونیست‌ها دولت اسرائیل را در خواب می‌دیدند، این شاخه اولین شاخه‌های این گروه در مناطق عربی به شمار می‌رود.

- در دهه‌های سی تأسیس مجالس روتاری در مراکش و الجزایر، زیر نظر استعمار فرانسه، تکمیل گردید.

- در طرابلس غربی نیز شاخه‌ای از روتاری موجود است که از اعضای مجلس اداره آن مستر جون روبنسون و مستر فون کریچ به شمار می‌روند.
- رئیس سال ۱۹۷۴م مجلس روتاری اسرائیل، یعقوب بارزیف به تاریخ ۱۹۷۴/۳/۱۴م اسرائیل را به قصد شهر (تاورمینا) در صقلیه ترک گفت، البته بخاطر اشتراک در مجلس شورای روتاری که تنظیم آن را مجلس روتاری ایتالیائی به عهده داشت، شخص مذکور در آنجا ادعا نمود که در آینده نزدیک مجلسی از عرب‌ها و اسرائیلی‌ها تشکیل خواهد شد، که در آن همراه با وفد اسرائیل وفدهای تعدادی از دولت‌های عربی نیز شرکت خواهد کرد.
- اولین سخنگوی در آن مجلس مختار عزیز، نماینده مجلس روتاری تونس بود، بعد از آن یعقوب بارزیف یهودی سخن را آغاز نمود.

### افکار و معتقدات:

- عدم اعتبار دین و بی‌ارزش شمردن آن در پذیرفتن عضو، و در روابط میان اعضا، مسئله وطن نیز هیچ ارزشی ندارد.
- مجالس روتاری برای افراد خویش تلقین می‌نماید که نزد خود جدولی تشکیل دهند و در آن جدول فهرست ادیانی را که به آن‌ها مجلس روتاری اعتراف دارد [به رسمیت می‌شناسد] عادلانه، به ترتیب ابجدی، درج نمایند: بودائیه، مسیحیه، کونفوشیوسییه - هندویه، یهودیه، محمدیه، ... و در آخر جدول تاویه قرار دارد، تاویه یک عقیده چینی است که در قرن ششم قبل از میلاد به وجود آمد، این دیانت عقیده دارد که طریق حصول سعادت و نیکبختی همانا پوره کردن خواهشات غریزه بشری و آسان ساختن علاقه‌های اجتماعی و سیاسی میان تمام افراد بشر می‌باشد.
- ساقط ساختن اعتبار دین حمایت از یهود را زیاد ساخته، دخول شان را در تمام فعالیت‌های حیاتی آسان می‌سازد، و اینکه در هر مجلس [یعنی در هر شاخه گروه روتاری] حد اقل یک یا دو فرد یهودی بالضرور وجود می‌داشته باشد ادعای قبلی را روشن می‌سازد.
- عمل خیر نزد آنان باید بدون در نظر داشت پاداش مادی و یا معنوی، انجام داده شود، و این فکر مصادم و مخالف است با نظر دینی که می‌گوید: هر عمل خیر به طریق تطوع، پاداش دو چندان به نزد خداوند دارد.

- آنان اجتماع هفته وار دارند، و بالای هر عضو لازم است که حد اقل ۶۰٪ در هر سال در این مجالس حاضر باشد.
- دروازهٔ عضویت برای هرکس باز نیست، ولی بالای شخصی که می‌خواهد شامل گروه شود لازم است که منتظر بماند تا مجلس مطابق قانون پذیرش، اعلان پذیرفتن و شمولیت را نماید.
- طبقه بندی‌ها به اساس وظائف عمده صورت می‌گیرد و طبقه بندی شان (۷۷) وظیفه را شامل می‌باشد.
- کار گران از عضویت مجلس روتاری محروم هستند، و صرف همان کس پذیرفته می‌شود که مقام عالی داشته باشد.
- عمر اعضاء را نیز در نظر می‌گیرند، و در راه جوان نگهداشتن تنظیم خویش، از طریق جذب نمودن افراد جوان، کوشش به خرج می‌دهند.
- شرط است که باید از هر وظیفه و پیشه یک نماینده (ممثل) وجود داشته باشد، ولی گاهی این قاعده بخاطر جذب نمودن یک عضو شایسته و یا دور ساختن عضو ناشایست، پایمال می‌شود.
- لازم است که در مجلس اداری، در هر شاخهٔ حزب، یک نفر و یادو نفر از بزرگان سابقه دار حزب وجود داشته باشد، یعنی از میراث بران راز روتاری و یاران (بول هاریس) باشد.
- تشارلز ماردن که به مدت سه سال عضو یکی از مجالس روتاری بود، دربارهٔ روتاری به تحقیقات پرداخت و حقایقی را کشف نمود که از آنجمله است:
- \* در میان هر ۴۲۱ عضو روتاری ۱۵۹ عضو آن به ماسونیه منسوب می‌باشند که پیشتر و بیشتر از روتاری به ماسونیه مؤکدا تعلق دارند.
- \* در بعضی اوقات عضویت روتاری مختص به ماسونیه بوده، چنانچه سال ۱۹۲۱م در ادنبرهٔ بریتانیا همینطور بود.
- \* سال ۱۸۸۱م در محافل نانس در فرانسه چنین ذکر شده است: «وقتی ماسونی‌ها گروهی را با اشتراک دیگران تشکیل دادند، بر آنان لازم است که سرپرستی را به دست دیگران نگذارند، و واجب است که اداره‌های مراکز آن به دست افراد ماسونیه باشد، و مطابق تلقین اصول آن حرکت کنند».

\* مجالس روتاری دارای شعبات بزرگی است، و وقتی که حرکت ماسونیه ضعیف و یا توقف می‌کند فعالیت این گروه، قوی می‌شود، البته این بخاطری است که ماسونی‌ها وقتی بالای شان فشار و قیودات آمد فعالیت خویش را به اینسو نقل می‌دهند، تا آنکه قیودات از سر شان رفع شود و به حال خود باز گردند.

\* حزب روتاری در اوائل شروع فعالیت ماسونیه، سال ۱۹۰۵م در آمریکا، تأسیس شد.

- چندین گروه دیگر هم است که با روتاری، در فکر و روش مشابهت دارند، مثل: لیونز - کیوانی - اکستشانج - المائدة المستديرة - القلم - بنای برث (فرزندان عصر)، این گروه‌ها به عین شکل و به عین مقصود، با اندکی تعدیلات کار می‌کنند، البته این تعدیلات و تغییرات جزئی بخاطر زیاد ساختن راه‌ها برای نشر نمودن افکار و جذب کردن مددگاران و همکاران است.

- در این گروه‌ها بازدیدهای متقابل صورت می‌پذیرد و در بعضی شهرها، برای رئیس‌ان این گروه‌ها، بخاطر تنظیم امور در میان شان مجالس وجود دارد.

### ریشه‌های فکری و اعتقادی:

- میان ماسونیه و روتاری، در مسئله دین و وطن، و بکار بردن اساس اختیار، مشابهت و مناسبت خیلی زیاد وجود دارد، عضو نمی‌تواند که خود را شامل حزب نماید، بلکه منتظر باشد تا که کارت شمولیت در حزب برایش ارسال گردد.

- ارزش‌ها و روحیه‌ایکه افراد باید دارای آن باشند در ماسونیه و روتاری یکسان است، مثل: مفکوره مساوات، برادری، روحیه انسانیت، و تعاون جهانی، این روحیه [گرچه در ظاهر خوب می‌نماید ولی] خیلی خطرناک است، زیرا هدف آن از بین بردن امتیازات و فرق‌ها میان ملت‌های مختلف، و دور کردن تمام انواع رشته‌های دوستی، است، تا تمام مردم افراد خود باخته و بی‌مفهوم گردند و بغیر از یهود که می‌خواهند بر جهان سیطره داشته باشند، دیگر قوت منظمی باقی نماند.

- روتاری و گروه‌های مشابه آن، داخل نقشه و پلان طرح شده از جانب یهود و تحت سیطره ماسونیه کار می‌کنند و ماسونیه نیز به نوبه خود، در فکر، طرز عمل و هدف خویش با یهود جهانی مرتبط می‌باشد، خلاصه که این گروه‌ها و تنظیم‌ها با فعالیت شان از اول تا آخر به یهود باز می‌گردند.

- ماسونیه باروتاری فقط در این اختلاف دارند که رهبری و رئیس ما سونی‌ها مجهول می‌باشد، ولی بر عکس ممکن است که اصول و تأسیس کنندگان روتاری شناخته شوند، لکن تأسیس هیچ شاخه‌ای، بدون اجازه ریاست تنظیم جهانی جائز نیست، آنهم باید تحت نظر حوزه سابقه باشد.

- بخاطر خوب شدن روابط میان طوائف مختلف کارهای بشر دوستانه را در پیش می‌گیرند، و چنین جلوه می‌دهند که فعالیت آن‌ها منحصر در امور اجتماعی و ثقافتی بوده و اهداف آن از طریق محافل نوبتی، گفتگوها و مجالسی که به سوی نزدیکی ادیان و از بین بردن اختلافات دینی دعوت می‌کند، پیاده می‌شود.

- ولی هدف اصلی و حقیقی آنست که یهود با دیگرملت‌ها، بنام دوستی و برادری، خلط شود و از این طریق معلومات جمع آوری نمایند، معلوماتی که ایشان را در بدست آوردن اهداف اقتصادی و سیاسی شان، و در نشر عادات و رسومی که باعث از بین رفتن قوام اجتماعی می‌شود، یاری رساند، این هدف وقتی واضح می‌گردد که بدانیم که عضویت در حزب، جز به افراد بازر و عالی مقام در اجتماع به کس دیگر داده نمی‌شود.

### انتشار و جاهای نفوذ:

- مجالس روتاری سال ۱۹۰۵م در امریکا شروع شد، و بعد از آن به تعدادی از دولت‌های اروپائی نقل داده شد، و از آنجا در اکثر دولت‌های جهان شاخه‌هایش انتقال نمود.

- این تنظیم شاخه‌ای در اسرائیل، و مجالسی هم در دولت‌های عربی چون: مصر، اردن، تونس، الجزائر، لیبیا، المغرب و لبنان دارد، و بیروت مرکز گروه‌های شرق میانه به شمار می‌رود.

### مراجع:

- ۱- الماسونیه فی العراق دكتور شیخ محمد علی الزعبي.
- ۲- اسرار الماسونیه جواد رفعت اتلخان.
- ۳- الماسونیه (تحقیق انتقادی) مصباح الاسلام الفاروقی. به زبان انگلیسی
- ۴- خطر اليهودیه العالمیه عبد الله التل. علی الاسلام و المسیحیه

- 
- 
- ۵- جذور البلاء عبد الله التل.
- ۶- گفتگوئی در مجالۀ شماره ۴۶۲۷ تاریخ ۲۳ ستمبر ۱۹۷۳ م. انوار الأحد
- ۷- گفتگوئی در مجلۀ (بیروت) شماره اول - ذوالحجه ۱۳۹۳ هـ الفکر الإسلامی  
جنوری ۱۹۷۴ م.
- ۸- جریده کویتی القیس ۱۴/۳/۱۹۷۴ م.
- ۹- ملحق به جریده اغسطس ۱۹۶۹ م. لیبیایی العلم
- ۱۰- مجلۀ فلسطین اکتوبر ۱۹۶۹ م.
- ۱۱- حقیقت مجالس روتاری از رساله‌های جمعیه اصلاح اجتماعی کویت.
- ۱۲- ROTARY AND ITS BROTHERS, CHILDS F. Marden  
(Prinsebtton) University Press- 1963
- ۱۳- O WARDS MY NEIGHBOUR., G.R.N. Nitt
- ۱۴- MY RODE TO ROTARY RAVL.P HARRIS
- ۱۵- ROTARY SERWISE
- ۱۶- SERWISE IN LIFE AND WARK



## روحانیت جدید

### تعریف:

روحانیت جدید دعوت ویرانگر و حرکت مغرضانه‌ایست که بر اساس شعبده استوار گردیده است، حاضر ساختن ارواح مردگان را، به طرق علمی، ادعا می‌کنند، و هدفش تشکیک و شبهه اندازی در عقاید و ادیان، و تبشیر به دین جدید بوده و مطابق هر حالت لباسی می‌پوشد [یعنی خود را مطابق اوضاع و حالات آماده می‌سازد]، در اوائل همین قرن، در امریکا ظاهر گردید، که عقبش یهود قرار داشت، بعد از آن در تمام جهان عرب و اسلام گسترش یافت.

### تأسیس و افراد برازنده:

- برای این حرکت مؤسس خاصی در اروپا و امریکا، تاهنوز شناخته نشده، ولی دعوت به سوی این حرکت، در اوائل همین قرن میلادی از طرف چند شخص شروع گردید که از آنجمله‌اند:

\* جان آرثر فندلای، و کتاب مشهورش بنام: «علي حافة العالم الاثري» است.

\* ادین فردریک باورز، و کتاب مشهورش بنام «ظواهر حجرة تحضير الأرواح» است.

\* آثر کونان دوویل، و کتابش بنام «حافة المجهول» می‌باشد.

\* یهود معروف دافید و جید.

\* خانم وود سمز.

- همچنان برای این حرکت در آن کشورها چندین مؤسسه ایجاد شده است، مثل:

«المعهد الدولي للبحث الروحي» در امریکا، «جمعية مارلبورن الروحية» در انگلتر.

- در عالم اسلامی نیز تعدادی بخاطر نشر آن کمر بسته و پرچم آن را بر افراشته‌اند

که از آنجمله‌اند:

\* استاذ احمد فهمی ابوالخیر منشی عمومی «الجمعية المصرية للبحوث الروحية»،

وی «مجلة عالم الروح» را به نشر رسانید که این مجله بنام همین دعوت ویرانگر سخن

می‌گوید، فعالیت شخص مذکور سال ۱۹۳۷م آغاز گردید، کتاب‌های فندلای و باورز را که قبلاً ذکر شد، ترجمه نمود.

\* استاذ وهیب دوس المحامی (ت ۱۹۵۸م)، وی رئیس جمعیت مذکور بود.

\* د. علی عبد الجلیل راضی رئیس «جمعية الاهرام الروحية» وی کتابی دارد بنام «مشاهداتی فی جمعية لندن الروحية».

\* حسن عبد الوهاب، سکرتر جمعیت.

\* شاعر لبنانی حلیم دموس، وی کسی است که یک دجال شعبده باز را بنام «داهش» تقدیس می‌نمود و آن را به مرتبه پیامبری بالا می‌برد، وی مقالاتی هم در مجله «عالم الروح»، به عنوان: الرسالة الدهشیه دارد.

### افکار و معتقدات:

- آنان می‌گویند که ارواح را حاضر می‌نمایند و در امور و مشکلات غیبی از مردگان سوال و استفتاء می‌کنند، و درعلاج امراض جسمی و روانی و دریافتن مجرمین، دانستن غیب و اطلاع از آینده، از آنان استعانت می‌جویند.

- می‌گویند: ادراک روح ممکن است و آن گاهی دارای جسد می‌شود و قابل لمس می‌گردد، همچنان ادعا می‌کنند که بعضی روح‌ها به این گمان هستند که هنوز صاحب شان زنده است.

- ارواح نزد آنان به حیث خدمتکارانی‌اند که فرمانبردار اشاره ایشان هستند.

- به این عقیده‌اند که: ارواحی را که ایشان حاضر می‌نمایند، از جانب خداوند به سوی بشر فرستاده شده‌اند، همانطور که پیامبران فرستاده می‌شدند، ولی تعالیم ارواح بالاتر و پیشرفته‌تر از تعالیم پیامبران می‌باشد.

- ادعا می‌کنند که همین ارواح، در کشف جرائم و دلالت به آثار قدیمه با ایشان همکاری می‌نمایند، همچنان ادعا دارند که ایشان توسط همین ارواح امراض روانی را معالجه می‌کنند.

- ادعا دارند که آنان می‌توانند صورت‌ها و اشکال این ارواح را تحت شعاع احمر «سرخ» دریابند.

- می‌خواهند که بر کار خویش لباس علمی بپوشانند، ولی در حقیقت عملیه شان جز شعبده، فریب، تأثیر مقناطیسی بالای حاضرین و تعلق به جن، چیز دیگری نیست.

- در عملیه‌شان شروط واضحی وجود ندارد، و به خلاف امور علمی تجربوی، تکرار آن از هر کس ممکن نیست.
- عملیه‌ حاضر ساختن را در اطاق‌های خاصی که تقریباً تاریک بوده و اندکی روشنائی سرخ وجود می‌داشته باشد، انجام می‌دهند، این ادعاهای شان که ارواح جسد پیدا نموده با ایشان مکالمه می‌نمایند، آن را حاضرین نمی‌بینند، بلکه آن را شاگرد، که مهم‌ترین شخص در عملیه به شمار می‌رود، به آنان نقل می‌دهد.
- نزد آنان شاگرد «وسیط» چیزهائی را که دیده شده نمی‌تواند، می‌بیند و چیزهائی که شنیدنی نیست می‌شنود، نوشته‌های خود به خودی نزدش می‌آید، و قدرت اتصال از راه دور را دارا می‌باشد (التلباتی).
- برای پیامبران و رسولان فقط همین وسیط بودن را ثابت می‌نمایند و بس.
- در حاضر شدن جلسه‌ تحضیر [جلسه‌ حاضر ساختن ارواح به گمان خودشان]، در کمیت و نوعیت به تفاوت‌هائی قائل‌اند، اگر زنان موجود باشند آنگاه هر یک زن با یک مرد نشست می‌باشد، و گاهی موسیقی نیز وجود می‌داشته باشد، البته این‌ها همه بخاطر غافل ساختن اذهان حاضرین از حقایق جاری در مجلس می‌باشد، همچنان ادعا می‌کنند که برای هر مجلس روح نگهبانی می‌باشد که آن مجلس را حفاظت می‌کند.
- معتقداند که معجزه‌های پیامبران نیز پدیده‌های روحی می‌باشد، مثل همان پدیده‌هائی که در اطاق تحضیر جاری و ظاهر می‌شود، می‌گویند که آنان می‌توانند معجزه‌های پیامبران را اعاده نمایند.
- افکار خویش را به هر شخص مطابق حالش عرضه می‌نمایند، به همین وجه گاهی آنان را می‌بینی که دعاوی خویش را به نصوص کتب آسمانی تأیید می‌کنند، بعد از آن هر طرف که خواستند روی می‌گردانند.
- از وحی اعراض نموده می‌گویند: درادیان چیزی وجود ندارد که به آن اعتماد کرده شود، و افراد دیندار و متدین را تمسخر می‌نمایند.
- می‌گویند که خدای آنان ظاهرتر از خدای پیامبران بوده، صفات بشری‌اش کم‌تر و صفات خدائی‌اش، نسبت به خدای پیامبران زیادتر است.
- به خاطر فریب انسان‌های ساده و بسیط، شعارهای پرزرق و برقی را، مانند انسانیت، برادری، آزادی، و مساوات، سر می‌دهند.

- تمام فعالیت شان در راه متزلزل ساختن عقاید دینی و معیارهای اخلاقی می‌باشد، و به این تصریح می‌نمایند که روحانیت دین جدید بوده به سوی جهانی بودن و دور انداختن تمام ادیان دعوت می‌کند، شعائر و فرائض آن منحصر در تدریب مردم بر تقویه و ترکیز قوه روحی می‌باشد، البته به این عقیده که این دین طریقه و افکار جدیدی را از نزد خداوند، برای زندگی آورده است.

- ادعا می‌کنند: ارواحی که با ایشان مکالمه و مخاطبه می‌نمایند، و لوکه کافر هم باشند، در فضاء خیلی گوارا و سعادت‌مند زندگی می‌کنند، این ادعا بخاطر آنست که عقیده قیامت، سزاء و جزاء را از بین ببرند، و نیز می‌گویند: دروازه توبه بعد از مرگ هم باز است، جنت و دوزخ حالت‌های عقلانی بوده که آن را فکر و خیال درست نموده مجسم می‌سازد.

- نزد آنان نصوص و عبارات زیادی وجود دارد که در آن کمونستان، بت پرستان، فرعون‌ها، و هندوان سرخ پوست را تمجید و توصیف نموده‌اند و گفته‌اند که ارواح آنان قوی‌ترین ارواح به شمار می‌روند.

- بعضی مجرمین را بری دانسته می‌گویند که آنان در این کار مجبور بوده‌اند، بنابراین باید جزاء داده نشوند.

- در راه سیطره یهود بر جهان سعی می‌نمایند، تا دولت شان بر خرابه‌های ویرانی عمومی برپا گردد.

- مجله «سینتفک امریکان» برای کسی که بر راست بودن پدیده‌های روحیه دلیل بیاورد، جائزه بزرگی را اعلان نمود، ولی هنوز هم منتظر است که کدام شخص به این مطلب دست خواهد یافت، همچنان ساحر امریکائی (دنجر) به همین خاطر جائزه‌ای تعیین نموده که تا حال کسی مستحق آن نگردیده است، که این خود از بزرگ‌ترین دلائل بر باطل بودن این طریقه می‌باشد.

### ریشه‌های فکری و اعتقادی:

- روابط شخصی و فکری با ماسونیه و شهود یهوه [نام گروهی است] داشته‌اند، و مجالس روتاری به این پدیده تشویق نموده و دست همکاری را به سویش دراز می‌نماید، ترویج و گسترش آن را نیز متولی شده است، و در بسیاری از معتقدات خویش از یهود متأثراند.

## انتشار و جاهای نفوذ:

- این حزب نفوذ عجیبی خصوصا در امریکا و اروپا دارد، زیرا تقریباً هیچ شهری از شاخه‌های این حزب خالی نیست، و بسیاری از روزنامه‌ها و مجله‌ها وجود دارد که به نام حزب سخن می‌گویند، در امریکا مرکز جهانی بحوث روحیه نیز وجود دارد، در جهان عرب و اسلام نفوذ شایانی پیدا کرده است، زیرا سرعت انتشارش خیلی تعجب‌انگیز است، خصوصا در مصر که آنجا چندین اجتماعات دارد، و چندین روزنامه و مجله دیگری، علاوه بر مجله «عالم الروح» که خاصه حزب می‌باشد، نیز وجود دارد که آن را ترویج و گسترش می‌دهد، مثل: مجله صباح الخیر، آخر ساعة، المصور، المقتطف، و صحیفة الازهرام.

## مراجع:

- ۱- مشاهداتی فی جمعیة لندن الروحیة د. علی عبدالجلیل راضی.
- ۲- ظواهر حجرة تحضیر الارواح ترجمه احمد فهمی ابوالخیر.
- ۳- علی حافة العالم الأثیری ترجمه احمد فهمی ابوالخیر.
- ۴- حافة المجهول آرثر کونان دوویل.
- ۵- الروحیة الحدیثة دعوة هدامة د. محمد محمد حسین.



## زیدیه

### تعریف:

زیدیه نزدیک‌ترین گروه‌های شیعه به اهل سنت و جماعت می‌باشد، متصف به میانه روی و اعتدال بوده از افراط و غلو بدور می‌باشند، این گروه به مؤسس آن زید بن علی زین العابدین منسوب است، وی کسی بود که نظریه شیعی خاصی در سیاست و حکومت داشت که در راه آن جهاد کرد و در راه آن کشته شد.

### تأسیس و افراد برازنده:

- زیدیه منسوب به زید بن علی زین العابدین بن الحسین بن علی رضی الله عنه (۸۰-۱۲۲هـ) می‌باشد، وی کسی بود که یک انقلاب شیعی را بر ضد اموی‌ها، در ایام هشام بن عبد الملک رهبری نمود، او را مردم کوفه بر این قیام بر انگیزتند، ولی وقتی که دانستند وی از شیخین [یعنی از ابوبکر و عمر] رضی الله عنهما اظهار برائت نمی‌کند و بر آنان لعنت نمی‌گوید، بلکه از آن‌ها اظهار رضایت می‌کند، فوراً از وی دور شده او را ترک کردند، آنگاه مجبور شد که با لشکر اموی‌ها در حالی مقابله کند که جز ۵۰۰ نفر سوار دیگر کسی همراهش نبود، در این جنگ تیری به پیشانی‌اش اصابت نموده به قتل رسید.

- برای طلب علم در قدم اول و بخاطر طلب حق اهل بیت در امامت در قدم دوم، به طرف بلاد شام و عراق سفر نمود، وی شخص متقی، پرهیزگار، عالم، دانشمند، مخلص، شجاع، باوقار و مهیب بود، و به قرآن کریم و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله دسترس داشت.

- علوم را از برادر بزرگش محمد باقر آموخت، که وی یکی از امامان دوازده گانه، نزد شیعه امامیه به شمار می‌رود.

- با واصل بن عطاء رئیس معتزله یکجا شده با وی علوم را مدارس و تکرار می‌نمودند، بنابراین از افکار وی متأثر شد و بعضی از آن افکار را به افکار فرقه زیدی انتقال داد.

- نزد وی ابوحنیفه نعمان بن ثابت [رحمه الله] شاگردی نموده از وی علم آموخته است.
- از مؤلفات وی این کتاب‌ها اند: کتاب «المجموع» در حدیث و کتاب «المجموع» در فقه، که آندو به حیث کتاب واحد بنام «المجموع الکبیر» می‌باشد، این دو کتاب را شاگرد وی ابو خالد عمرو بن خالد واسطی «و به اعتبار ولاء» هاشمی، از وی روایت کرده، وی در ربع سوم قرن دوم هجری وفات نموده است.
- پسرش یحیی بن زید نیز با پدر خود در جنگ‌ها شرکت نموده، ولی وی توانست که به سوی خراسان فرار نماید، لکن در آنجا هم از شمشیر اموی‌ها نجات نیافت و سال ۱۲۵هـ به قتل رسید.
- بعد از یحیی امر به محمد و ابراهیم سپرده شد.
- محمد در مدینه قیام نموده توسط والی آن عیسی بن ماهان به قتل رسید.
- و ابراهیم در بصره قیام کرد و به امر منصور کشته شد.
- احمد بن عیسی بن زید - نواسه مؤسس زیدیه - در عراق اقامت داشت، از شاگردان امام ابوحنیفه علم آموخت و مذهب خویش را ترقی داده غنی ساخت [کمبودی‌های علمی و عقیدوی آن را پرکرد].
- از جمله علماء زیدیه قاسم بن ابراهیم مرسی بن عبدالله بن الحسین بن علی بن ابی طالب (۱۷۰ - ۲۴۲هـ) به شمار می‌رود، برای وی یک طائفه دیگر از زیدیه تشکیل گردیده که بنام «القاسمیه» شناخته می‌شود.
- بعد از وی نواسه‌اش، الهادی الی الحق یحیی بن الحسین بن القاسم (۲۴۵ - ۲۹۸هـ) قرار دارد که برایش در یمن امامت [امارت] برپا گردید، و در آنجا با قرامطه جنگ نمود، برای وی نیز فرقه‌ای از زیدی‌ها تشکیل شد که بنام هادیه معروف گردید و در یمن و حجار و اطراف آن نشر شد.
- از میان زیدیه در بلاد دیلم و جیلان یک امام حسینی ظاهر شد که وی عبارت است از ابو محمد حسن بن علی بن حسن بن زید بن عمر بن الحسین بن علی علیه السلام (۲۳۰ - ۳۰۴هـ) که ملقب به «الناصر الکبیر» و مشهور به «الاطروش» بود، این امام به آن مناطق هجرت نموده مردم را به سوی اسلام مطابق مذهب زیدی دعوت می‌کرد که به اثر دعوت وی مردم زیادی به دین اسلام مشرف شده از ابتداء زیدیه گردیدند.
- و از جمله آنان است داعی دیگر صاحب طبرستان، الحسن بن زید بن محمد بن



اسماعیل بن الحسن بن زید بن الحسن بن علی علیه السلام، که به سرپرستی وی در جنوب بحر خزر سال ۲۵۰ هـ دولت زیدیه تشکیل شد.

- از جمله امامان شان محمد بن ابراهیم بن طباطبا نیز معروف است، که وی دعوتگران خود را به سوی حجاز، مصر، یمن و بصره روان کرده بود. و از اشخاص مشهور و بارز شان: مقاتل بن سلیمان، محمد بن نصر، ابوالفضل ابن العمید، صاحب بن عباد، و بعضی امیران بنی بویه به شمار می‌روند.

- از زیدیه سه فرقه جدا شد که بعضی آن‌ها در شیخین [در ابوبکر و عمر رضی الله عنهما] طعن وارد می‌کنند، و بعضی شان از نظریه امامت مفضول روگردانیده‌اند، که آن فرقه‌ها قرار ذیل می‌باشند:

۱- جارودیة: یاران ابوالجارود زیاد بن ابی زیاد.

۲- سلیمانیة: یاران سلیمان بن جریر.

۳- صالحیة: یاران حسن بن صالح بن حی.

۴- بتریة: یاران کثیر النوی الابر.

- هر دو فرقه صالحیه و بتریه در آراء و افکار مشابه و موافق‌اند.

- این فرقه‌ها هیچ کدامش در نزد زیدیه معاصر که طریق امام زید بن علی را در میانه روی و اعتدال پیروی می‌کنند، مقام و مکان بارزی ندارند.

### افکار و معتقدات:

- امامت را در تمام اولاد فاطمه رضی الله عنها جائز می‌دانند، برابر است که از نسل امام حسن باشد و یا از نسل امام حسین رضی الله عنهما.

- امامت نزد آنان منصوصی نیست، و این شرط نمی‌باشد که امام سابق باید امام آینده را تعیین نماید، یعنی امامت میراثی نبوده بلکه به اساس بیعت استوار می‌باشد، بنابراین هرکسی از اولاد فاطمه رضی الله عنها که دروی شروط امامت موجود باشد اهل آن به شمار می‌رود.

- نزد ایشان این جائز نیست که امام مستور و مخفی باشد، زیرا تعیین وی توسط اهل حل و عقد می‌باشد، و تعیین وی بدین طریق در صورتی می‌شود که خودش خود را ظاهر نموده اظهار بدارد که وی مستحق امامت است.

- وجود چند امام در اقطار مختلف و در زمان واحد به نزدشان جائز می‌باشد.
- زیدیه به امامت مفضول با وجود بودن شخص فاضل‌تر از آن، قائل‌اند، زیرا به نزد آنان شرط نیست که امام باید بهترین همه مردم باشد، بلکه جائز است مسلمانان امام فاضلی داشته باشند و دیگر شخصی هم وجود داشته باشد که از امام بهتر و افضل باشد، ولی بشرط آنکه امام در احکام به وی رجوع کند و مطابق فیصله‌های وی، در اموری که تعلق به رای دارد، فیصله نماید.
- اکثر زیدی‌ها به خلافت ابوبکر و عمر رضی الله عنهما اقرار دارند، و مثل دیگر فرقه‌های شیعه آندو را لعنت نمی‌کنند، بلکه اظهار رضایت می‌نمایند، و به صحیح بودن خلافت عثمان رضی الله عنه نیز قائل‌اند گرچه در بعضی امور انتقادهایی بالایش دارند.
- در مسائلی که به ذات خداوند تعلق دارد و همچنان مسائل جبر و اختیار به سوی معتزله میلان دارند، مرتکب گناه کبیره را مثل معتزله در «منزله بین المنزلتین» می‌دانند، ولی وی را مخلد و جاویدان در آتش نمی‌گویند، بلکه می‌گویند: به اندازه‌ای می‌سوزد که از گناهان پاک شود بعد از آن به جنت برده می‌شود.
- تصوف را به کلی رد می‌نمایند.
- در نکاح متعه با شیعه‌ها مخالف‌اند و آن را بد می‌بینند.
- در زکاة خمس و جواز تقیه، در صورت لزوم، با شیعه‌ها موافقت دارند.
- در عبادات و فرائض به شکل کامل با اهل سنت موافق هستند، مگر اختلافات اندکی که در مسائل فرعی دارند، مثل:
  - \* در اذان مثل شیعه «حي علي خير العمل» می‌گویند.
  - \* نماز جنازه نزد آنان پنج تکبیر است.
  - \* در نماز دست‌های خود را آویزان می‌نمایند.
  - \* نماز عید به شکل جماعت و تنهائی هر دو درست می‌شود.
  - \* نماز تراویح به صورت جماعت بدعت است.
  - \* در عقب فاجر و فاسق نماز نمی‌گزارند.
  - \* فرض‌های وضوء که نزد اهل سنت چهار است نزد آنان ده می‌باشد.
- دروازه اجتهاد به روی هر کسی که بخواند اجتهاد نماید باز می‌باشد، و کسی از اجتهاد عاجز بود تقلید نماید، و تقلید اهل بیت بهتر از دیگران است.

- درمقابل امام ظالم باید قیام نمود و اطاعت وی لازم نمی‌باشد.
- به خلاف اکثر فرقه‌های شیعه ایشان امامان خویش را معصوم از خطاء نمی‌دانند و دربلند بردن و تقدیس ایشان افراط نمی‌کنند.
- لکن بعضی از کسانی که منسوب به زیدیه‌اند عصمت را به چهارتن از اهل بیت ثابت می‌نمایند: به حضرت علی، فاطمه، حسن و حسین رضی الله تعالی عنهم.
- به نزد آنان کسی بنام مهدی منتظر وجود ندارد.
- بانظریه «البداء» مخالف‌اند، نظریه ای که آن را مختار ثقفی اختراع نموده بود، وی همچون کاهنان پیشگوئی می‌کرد و وقتیکه واقعه بر عکس گفته‌اش می‌آمد، می‌گفت: «قد بدا لربکم تغییر علمه» یعنی برای پروردگارتان [اوضاع طوری پیش آمد و] ظاهر شد که علم خود را تغییر دهد، زیدیه به این عقیده‌اند که علم خداوند عز و جل ازلی و قدیم بوده تغییر پذیر نمی‌باشد و هرچیز در لوح محفوظ نوشته شده است.
- ایمان به قضاء و قدر را واجب دانسته انسان را در طاعت و معصیت خداوند آزاد و مختار می‌دانند که بدین وسیله میان اراده محض و میان محبت و یا رضا خط فاصل قائل شده‌اند که همین عقیده و نظر امامان اهل بیت می‌باشد.
- مصادر استدلال نزد ایشان در قدم اول کتاب الله است، بعد از آن سنت رسول الله ص و بعد از آن قیاس بوده که استحسان و مصالح مرسله نیز در قیاس داخل می‌باشد، پس از این‌ها نوبت به عقل می‌رسد پس آنچه را عقل صحیح می‌داند و خوبی‌اش را در می‌یابد آنچه‌ی مطلوب و مشروع می‌باشد و آنچه را عقل قبیح و زشت بداند آنچه‌ی منهی عنه و ناجایز به شمار می‌رود.

### ریشه‌های فکری و اعتقادی:

- در تعدادی از مسائل به آنچه قائل‌اند که شیعه‌ها به آن قائل‌اند مثل: مستحق بودن اهل بیت به خلافت، ترجیح دادن احادیثی که از اهل بیت نقل شده بر دیگر احادیث، تقلید اهل بیت و زکات خمس، بنابر آن باوجود اعتدال و میانه روی شان، علایم و شعائر شیعه بودن در مذهب شان واضح و آشکار است.
- زیدیه از معتزله متأثر شده اعتزالییت واصل بن عطاء بالای آنان انعکاس نموده است طوریکه آن تأثیر در پاره‌ای از افکار شان ظاهر و آشکار می‌گردد مثل تعظیم و اهمیت زیاد دادن به عقل در استدلال، زیرا آنان برای عقل در فهم مسائل اعتقادی و

تطبيق احكام شريعت خيلى حصه و حق زيادى قائل اند، همچنان مثل حكم به حسن و قبح اشياء، تجزيه‌هاى عقلى در جبر و اختيار، و مسأله مرتكب گناه كبيره و خلود در دوزخ.

- امام أبوحنيفه از زيد علم أخذ نموده همانطور كه نواسه زيد يعنى احمد بن عيسى بن زيد از شاگردان امام ابوحنيفه در عراق علم اخذ نموده است، اين دو مذهب يعنى حنفى سنى و زيدية شيعى، اولاً در عراق و بعداً در بلاد ماوراء النهر باهم همزيستى نموده‌اند و اين سبب شده تا در ميان شان تأثير دهى و تأثير پذيرى متقابل وجود داشته باشد.

### انتشار و جاهای نفوذ:

- ۱- سال ۲۵۰هـ دولت زیدیه‌ای در دیلم و طبرستان برپا گردید که آن را حسن بن زید تأسیس نموده بود.
- ۲- در قرن سوم هجری دولت دومى را الهادى إلى الحق، برای زیدى‌ها، در یمن برپا کرد.
- ۳- زیدیه از طرف شرق در سواحل بلاد خزر، بلاد دیلم، طبرستان و جیلان منتشر گردید و غرباً به حجاز و مصر امتداد یافت، ولی مرکزش یمن بود که تا حال دو سوم [۶۳٪] نفوسش را آنان تشکیل می‌دهند.

### مراجع:

- ۱- الامام زيد محمد ابوزهره - دارالفكر العربى - قاهره.
- ۲- تاريخ المذاهب الاسلاميه محمد ابوزهره - دارالفكر العربى - قاهره.
- ۳- تاريخ الفرق الزيديه د. فضيله عبدالامير الشامى - مطبعة الآداب - نجف - عراق - ۱۳۹۴هـ / ۱۹۷۴م.
- ۴- اسلام بلا مذاهب د. مصطفى الشكعه - الدار المصرية للطباعة والنشر - بيروت.
- ۵- الفرق بين الفرق عبد القادر بن طاهر البغدادي.
- ۶- الفصل في الاهواء ابن حزم. و الملل و النحل
- ۷- الملل و النحل محمد بن عبد الكريم شهرستانى.

- 
- ۸- تلخیص الشافی ابوجعفر محمد بن حسن طوسی.
- ۹- الکامل فی التاریخ عزالدین ابوالحسن ملقب به ابن الأثیر.



## حزب السلامة الوطنی (ترکیه)

### تعریف:

حزب سلامة یک حزب اسلامی ترکی است که در راه اعاده و بازگرداندن پایه‌های زندگی و تجدید آن بر اساس اصول اسلام کار و فعالیت می‌نماید، و طریق سیاسی را به حیث وسیله برای جاری ساختن افکار خویش در میان مردم، اختیار نموده است، این در حالی است که تمام طاقت و توان خویش را در راه مقابله با مفکوره علمانیکه بالای ترکیه، بعد از زوال خلافت عثمانی سیطره نموده است، بکار می‌اندازد.

### تأسیس و افراد برازنده:

- مؤسس حزب نجم الدین اربکان: سال ۱۹۲۶م در شهر سینوب بر جوار بحر سیاه تولد شده، نسبش به یک خاندان بزرگی باز می‌گردد، سال ۱۹۴۸م از دانشکده هندسه در استانبول فارغ گردید، بعداً به آلمان رفت و در آنجا سال ۱۹۵۳م از دانشگاه آخن، در علم «المحركات والترمودینا میک» دکتوراه خود را گرفت.

- طی مراحل مختلف درسی بلای تمام همسال‌های خویش تفوق و برتری داشت.  
- ملف و یاد داشت دانشگاه تکنیکیه آلمان درباره وی می‌گوید: «وی در دوران پژوهش و تحقیق خویش دو چیز را زیاد انجام می‌داد: نماز و کارهای مشروع».  
- در چندین چوکی، در دانشگاه عالی شهر خود، ایفاء وظیفه نموده بود و چندین بحث علمی مختلف را که در اطراف محرکات و آلات می‌چرخید به نشر رسانیده بود.  
- اولین تحول سیاسی‌اش سال ۱۹۶۸م بود، وقتیکه به حیث عضو در مجلس اتحاد اطاق‌های تجارت و صناعت ترکیه تعیین گردید.

- در انتخابات ۱۹۶۹م اربکان خود را مستقلاً از قونیه کاندید نموده و به همکاری ده هزار جوان که از مراکز و معاهد اسلامی فارغ شده بودند، اکثر آراء را بدست آورد.  
- نجم الدین در قدم اول چندین بار با شخصیات بارز مسلمان مشوره نمود و بعد از آن با مجموعه‌ای از دوستانش به تاریخ ۲۶ینابر ۱۹۷۱م «حزب النظام الوطنی» را تشکیل داد، رمز و نشان آن: قبضه دست بالا شده به جانب هواء، که انگشت شهادت

آن طرف مقدم باز است، تعیین گردید.

- در اپریل ۱۹۷۱م تهمت‌هایی بر وی ساخته شد و به محکمه کشانیده شد و محکمه حکم به الغاء حزب وی، که هنوز زیاده از (۱۶) ماه از تأسیس آن نگذشته بود، صادر کرد، دارائی‌های حزب مصادره گردید، و افرادش را از فعالیت در چوکات هر حزب سیاسی دیگر، و از تأسیس حزب جدید منع نمود، همچنان برای شان اجازه نبود که خود را کاندید نمایند و لو که مستقل هم باشند.

- از اوائل ۱۹۷۱م شدت و اضطراب در ترکیه رو به ازدیاد نمود، و حکومت متیقن گردید که بازگشت اسلام گرایان به صحنه اوضاع را بهتر می‌سازد.

- برای اربکان ممکن نبود که درخواست اجازه برای تشکیل حزب جدید را نماید، بنابراین عوض وی اشخاص آتی درخواست را پیش کردند:

۱- عبد الکریم دوغر مدیر شرکت الازوت، که بعدا به حیث وزیر تکنولوجی تعیین گردید.

۲- طورهان اکیول که وی از رجال اقتصاد به شمار می‌رود.

- تأسیس حزب سلامت عملا به تاریخ ۱۹۷۲/۱۰/۱۱م به اجازه حکومت، تکمیل شد.

- بعد از انتخابات ۱۹۷۳/۱۰/۱۴م حزب سلامت با حزب الشعب ائتلاف نموده کابینه را تشکیل دادند و اربکان به حیث نائب رئیس الوزراء تعیین گردید، و نیز حزب، هفت وزارت را به خود کسب نمود، که عبارت‌اند از: وزارت دولت، وزارت داخله، عدلیه، تجارت و گمرکات، زراعت، بودیجه، و صنایع.

- بعد از نو و نیم ماه این کابینه از بین رفت و سقوط نمود.

- به تاریخ ۱۹۷۷/۸/۱م حزب سلامت با حزب حرکت و حزب عدالت یکجا شده کابینه ائتلافی جدیدی تشکیل دادند.

- در ۱۹۷۸/۱۲/۵م رئیس دادگاه عالی ترکیه خواستار استعفاء اربکان از حزیش گردید، البته به ادعای اینکه وی دین را در سیاست داخل نموده است، و این کاریست که مخالف اصول اتاترک علمانی می‌باشد.

- در ۱۹۸۰/۹/۱۲م جنرال کنعان ایفرین انقلابی را به راه انداخت که توسط آن زمام امور به دست نظامیان افتاد.

- نجم الدین با (۳۳) تن از رهبران و اشخاص بارز حزیش گرفتار شد و روز



۱۹۸۱/۴/۲۴ م روز محاکمه نظامی شان تعیین گردید.

- در ماه‌های اول سال ۱۹۸۵ م اربکان از حبس بیرون کرده شد، و تا آخر همان سال تحت اقامت جبری [نظر بند] قرار داشت، در ابتداء سال ۱۹۸۶ م برای اداء عمره به مکه مکرمه رفت و از همان سال فعالیت خود را در چوکات حزب جدیدش که بنام حزب رفاه بود، شروع کرد.

- از جمله افراد و شخصیات بزرگ حزب، حسن اقصای به شمار می‌رود، وی به حیث وزیر امور دینی ایفاء وظیفه نموده است.

### افکار و معتقدات:

- بین افکار حزب نظام وطنی و افکار حزب سلامت هیچگونه تغییری دیده نمی‌شود، زیرا تغییر نام فقط بخاطر یک امر ظاهری و صوری بود و بس.

- اهداف حزب سلامت به پنج اصل و مبدأ تمرکز دارد:

۱- سلامتی و امنیت در داخل.

۲- یکجا شدن مردم با دولت.

۳- ترکیه بزرگ سر از نو [اعاده به سوی ترکیه بزرگ].

۴- نهضت اخلاقی.

۵- نهضت مادی.

- در ۱۹۸۰/۴/۲۶ م اربکان در پرلمان ترکیه بیانیه‌ای ایراد فرموده و بسوی نقاط

ذیل دعوت نمود:

۱- سازمان اتحاد کشورهای اسلامی.

۲- بازار مشترک اسلامی.

۳- ایجاد واحد پولی اسلامی «الدینار الإسلامي».

۴- ایجاد قوای عسکری [مشترک اسلامی] که از جهان اسلام دفاع کند.

۵- ایجاد مؤسسات ثقافتی و فرهنگی که با فکر و ثقافت واحدی، بر اصول و اساسات اسلامی استوار باشد.

- از جمله افکار و آراء حزب:

۱- باز گردانیدن مؤسسات بزرگ و مهم به دست صاحبان اصلی آن.

۲- کار در راه سوق دادن مردم به سوی فطرتی که خداوند انسان را به طبق همان

فطرت آفریده است.

- ۳- حکومت باید در صدد رضای خداوند عز و جل و خدمت برای مردم باشد.
  - ۴- اصلاحات در منهج تعلیمی تا طوری درست شود که بسوی اخلاق نیک سوق دهد.
  - ۵- ایجاد کارخانه‌ها در آناضول (آسیای صغیر)، تا جوانان در بدل آن که بخاطر کار به اروپا بروند و در آنجا دین و اخلاق خویش را از دست دهند، در همین کارخانه‌ها مشغول کار شوند.
  - ۶- ضرورت مقاطعه با بازار مشترک اروپا.
  - ۷- اصلاح دستگاه رادیو و تلویزیون، تا در راه خدمت ملت و ترقی ثقافت آن کار کند.
- در دورانی که حزب در حکومت شریک بود این شعار را بر افراشت که «برای هر ولایت یک کارخانه» این شعار را مورد عمل و اجرا نیز قرار داده بود، ولی برای حزب وقت داده نشد تا آنچه را شروع کرده بود تکمیل نماید.
- کار در راه بیدارسازی احساسات دینی در ترکیه، به طرق ذیل:
    - ۱- باز نمودن مدارس زیاد و متعدد برای امامان و خطیبان.
    - ۲- تدریس مضمون (اخلاق) در مدارس، به حیث مضمون ضروری و اجباری.
    - ۳- اجازه دادن سفر از راه خشکه برای ترکی‌ها بخاطر حج.
    - ۴- عفو سیاسی، عفو که شامل اسلام‌گرایان باشد.
    - ۵- دعوت به سوی از بین بردن سود (ربا) با تمام اشکالش.
    - ۶- دعوت به سوی اعاده رسم الخط عربی و دور کردن رسم الخط لاتینی.
    - ۷- بناء مساجد در شهرها و قریه‌ها و تشکیل یک اداره قوی برای اوقاف اسلامی.
  - کمک کردن و جانبداری در قضیه فلسطین و شمردن آن به حیث یک قضیه اسلامی، و این مفکوره در امور آتی به ظهور رسید:
- ۱- ایستادگی در مقابل میل به سوی اسرائیل در حکومت ترکیه.
  - ۲- در خواست قطع روابط ترکیه با اسرائیل بعد از اعلان این مطلب که اسرائیل پایتختش را به قدس انتقال می‌دهد.
  - ۳- کامیابی در درخواست شان مبنی بر رای عدم اعتماد در مقابل وزیر خارجه ترکیه خیرالدین ارکمان و سبکدوش کردن وزیر مذکور از مقامش بناء بر

دوستی شدیدش با غرب و اسرائیل.

- ۴- مجلس اسلامی قونیه که روز ۱۹۸۰/۹/۶م صدهزار مسلمان از آنجا در حالی خارج می‌شدند که شعارهای اسلامی را تکرار نموده خواستار پاکسازی بیت المقدس از یهود، و باز کردن دروازه جهاد بخاطر آزادی آن، می‌شدند.
- ۵- باز نمودن دفتری برای تنظیم فلسطینی «التحریر» در ترکیه.
- ۶- تأیید و تقویة نظریات و موقف‌های مهمی که سلطان عبد الحمید در قضیة فلسطین در آن مواقف قرار داشت.

- رشد دادن احساس عزت و شرف در مسلمان بودن.

- تأکید بر این که (راست، چپ و وسط) همه آنها طرق مختلف برای کار علمانی واحد بوده بر ضد اسلام به قدم واحد ایستاده می‌شوند، و نیز تأکید بر این فکر که بدی و خطر حزب عدالت کم‌تر از حزب الشعب، در موقف دوشمنانه شان با اسلام، نیست.
- اربکان باری چنین گفت: «آنان ما را به مرتجع بودن و عقب‌گرائی متهم می‌کنند ولی آنگاه خجالت و شرمسار خواهند شد که بدانند: نمایندگان حزب سلامت در پارلمان که پنجاه نماینده است، ۹۵٪ مثقفین و روشنفکران مجلس را تشکیل می‌دهند.

- حزب سلامت در مقابل ماسونیه به پاخاست و خواستار تجدید نظر در محافل آنان گردید، و در راه کشف حقیقت ایشان، که موقف دشمنانه بادین و وطن دارند، کار و فعالیت می‌نماید.

- در همان دوری که حزب در حکومت شریک بود قوه‌های ترکیه در قبرص مداخله نموده پیروزی نظامی قوی به دست آورد.

- حزب به سوی تغییر قانون اساسی ترکیه که کمال وضع کرده بود دعوت نمود.
- در ینایر ۱۹۷۵م حزب از پارلمان خواست که دستوری صادر نماید که طبق آن به بنی عثمان اجازه بازگشت به وطن شان داده شود، آنان بعد از به قدرت رسیدن اتاترک و صدور فرمان ۱۹۲۴/۳/۳م از وطن شان اخراج گردیده بودند.
- در ترکیه دو صحیفه وجود دارد که نظریات و افکار حزب را به نشر می‌رسانند و آندو عبارت‌اند از: «مللی جازیت» و «ینی دور».

- انتقادی که بالای حزب می‌شود اینست که حزب مصارفی را که باید در تربیه و کارهای تنویری مصرف کند در جمع نمودن و زیاد ساختن افراد مصرف می‌کند.

**ریشه‌های فکری اعتقادی:**

- افکار و معتقدات شان در جوهر خود اسلامی بوده مأخوذ از کتاب الله و سنت رسول الله ﷺ می‌باشد، و در تأکید مفاهیم دینی بر طریقهٔ اهل سنت و جماعت روان هستند.
- حزب سلامت از مفکورهٔ دینی فراموش شده‌ای که جماعت نور آن را در ترکیه درست کرده بود و در راه استحکام و حفظ آن کار کرده بود، نیز استفاده نموده است، اگرچه طرفداران جماعت نور همه‌اش در این حزب جدید جذب نشدند.
- حزب سلامت درحقیقت ادامهٔ همان حزب نظام وطنی بوده و حزب فعلی رفاه ادامهٔ آندو حزب به شمار می‌رود.

**انتشار و جاهای نفوذ:**

- سرزمین ترکیه جای گسترش این حزب اسلامی می‌باشد، حزبی که بخاطر بیدار ساختن روحیه اسلامی، و حفظ ثقافت و فرهنگ اسلامی در ترکیه کار و فعالیت می‌نماید، البته این کار و فعالیت بعد از آنست که نزدیک بود شعله و نور آن، به سبب غربگرایی و علمانیت، بکلی خاموش شود.
- بر اثر توجه حزب سلامت مدارس اسلامی رو به افزایش نهاده به ۲۸۰۰ مدرسه برای حفظ قرآن کریم بالغ می‌گردد، مدارس ائمه و خطباء به ۱۷۲ مدرسه رسیده است، چهار معهد عالی افتتاح گردیده که در آن‌ها ۲۴ هزار شاگرد درس می‌خوانند، علاوه بر آن (۵۰۰۰) استاد، مضمون اخلاق را، که آن در ترکیه حقیقتاً همانا مضمون دین است، تدریس می‌نمایند.

**مراجع:**

- ۱- العلمانية و آثارها على عبد الكريم مشهداني - منشورات المكتبة الدولية بالرياض  
الاضواء الاسلامية في - مكتبة الخافقين بدمشق - ط ۱ - ۱۴۰۳ هـ / ۱۹۸۳ م  
ترکیه.
- ۲- الموسوعة الاسلامية فتحی یکن - دار البشير - عمان - ط ۱ - ۱۴۰۳ هـ / (دو جلد)  
۱۹۸۳ م.

- ٣- الحركة الاسلامية الحديثة مصطفى محمد- آلمان غرب- ط١-  
١٤٠٤هـ/١٩٨٤م. فى تركيا
- ٤- مجلة الشهاب البيروتية شماره پنجم- سال نهم- ١٩٧٤م
- ٥- مجلة الشهاب البيروتية شماره ششم- سال نهم- ١٩٧٥م.
- ٦- مجلة المجتمع الكويتيه شماره ٢٩٦- سال هفتم- ابريل ١٩٧٦م.
- ٧- صحيفة الميثاق المغربيه شماره ٢٩١- ربيع الثانى- ١٣٩٩م.
- ٨- مجلة القبس الكويتيه ١٢ ابريل ١٩٧٧م- به نقل از صحيفه انجلس تايمز.



## دعوت سلفیه و یا دعوت شیخ محمد بن عبد الوهاب

### تعریف:

دعوت سلفیه پیشتاز و قدوه حرکات اصلاحی می باشد، حرکتی که در دوران تخلف و جمود فکری درعالم اسلامی، قدم به ظهور نهاده اند، به سوی بازگشت عقیده اسلامی به طرف منابع و اصول صاف آن دعوت نموده تأکید بر پاک ساختن مفهوم توحید از انواع و اقسام شرکی که به آن خلط شده است، می نماید، بعضی کسان بالای این دعوت نام «وهابی» را اطلاق می کنند، که اشاره به سوی نسبت آن به سوی مؤسسش محمد بن عبد الوهاب، می باشد.

### تأسیس و افراد برازنده:

- محمد بن عبد الوهاب مشرفی، تمیمی نجدی (۱۱۱۵ - ۱۲۰۶هـ) (۱۷۰۳ - ۱۷۹۱م).
- در قریه عینه نزدیک به ریاض تولد شده، علوم ابتدائی خود را نزد پدرش فرا گرفت، وقتی سنش به بیست رسید قرآن کریم را حفظ نموده چیزی از فقه حنبلی و از تفسیر و حدیث خوانده بود.
- به خاطر حج به مکه رفت و از آنجا برای آموختن علوم شرعی به مدینه منوره سفر نموده در آنجا با شیخ خود محمد حیات سندی، (ت ۱۱۶۵هـ) صاحب حاشیه بر صحیح بخاری، ملاقات کرد و از وی خیلی متأثر گردید [یعنی درس و علوم شیخ بر وی تأثیر زیادی انداخت].
- دو باره به قریه عینه بازگشت نموده سال (۱۱۳۶/۱۷۲۴م) به طرف عراق سفر نمود تا از بصره، بغداد و موصل دیدار نماید، در هر یکی از این شهرها با مشائخ و علماء ملاقات نموده از آنها علم میاموخت.
- بصره را جیرا به قصد احساء ترک گفت و از آنجا به سوی حریملاء رفت زیرا پدرش به آنجا انتقال نموده به حیث قاضی کار می کرد، و در همین منطقه سال (۱۱۴۳هـ/۱۷۳۰م) شروع به دعوت علنی به سوی توحید نمود، ولی دیری نگذشت که تعدادی از مردم آنجا پلان قتلش را طرح نمودند و شیخ به همین سبب آنجا را ترک

گفت.

- به طرف عیینه رفته دعوت خود را به امیر آنجا (عثمان بن معمر) عرضه نمود، امیر [دعوتش را پذیرفته] با وی در ویران کردن قبرها و قبه‌ها و در سنگسار کردن زنی که زنا کرده بود و به آن اعتراف نموده بود، کمک کرد.

- امیر احساء عریعر بن دجین مکتوبی به سوی امیر عیینه فرستاد و به وی فرمان داد که شیخ را از دعوت منع نماید، بنابر آن بخاطری که امیر عیینه زیر فشار قرار نگیرد شیخ آن قریه را ترک نمود.

- سال ۱۱۵۸هـ به طرف درعیه مقر امارت آل سعود حرکت نموده به نزد محمد بن سویلم عرینی به حیث مهمان اقامت نمود و در آنجا شاگردانی به اطرافش جمع شدند و شیخ را عزت و اکرام نمودند.

- امیر محمد بن سعود که از (۱۱۳۹ - ۱۱۷۹هـ) حکومت نمود، از آمدن شیخ اطلاع حاصل نموده به نزد شیخ آمد و از وی اظهار قدردانی کرد و بر حمایت و تأییدش تعهد سپرد و در میان آن دو گفتگوی آتی صورت پذیرفت که آن را به خاطر اهمیت تاریخی‌اش ذکر می‌نماییم:

امیر: بشارت باد برایت به بلادی که بهتر از بلاد تو است و همچنان بشارت باد برایت به عزت و قوت.

شیخ: من تو را نیز بشارت میدهم به عزت و وقار و به کلمه لا إله إلا الله، کسی که به آن تمسک جست، و مطابق آن عمل نموده کمکش کرد توسط آن شهرها و انسان‌ها را متصرف می‌شود، و آن کلمه توحید است، کلمه‌ایست که پیامبران علیهم السلام به سوی آن دعوت کرده‌اند، و زمین را بندگان مسلمان خداوند به میراث می‌برند.

بعد از آن امیر بالای شیخ دو شرط گذاشت:

۱- از نزد آنان کوچ نکند و ایشان را تبدیل به دیگران نکند [یعنی از نزد آنان به نزد دیگران نرود].

۲- شیخ از گرفتن آنچه امیر عادت دارد که در وقت میوه از مردم درعیه می‌گردد، منع نکند.

- درباره شرط اول شیخ گفت: دستت را دراز کن تا تو بیعت کنم ... «الدم بالدم

والهدم بالهدم» [ضرب المثلی دست که در وقت اظهار موافقت کامل و ایستادگی بر



تعهد تا آخر، گفته می‌شود].

- دربارهٔ شرط دوم شیخ چنین گفت: امید است که خداوند برای تو فتوحاتی نصیب کند و در عوض آنچه می‌گیری غنیمت‌هایی نصیب نماید که بهتر از آن باشد.
- شیخ معتقد بود که در پهلوی حق، باید قوتی وجود داشته باشد که از آن حمایت نماید، زیرا خداوند آنقدر که توسط سلطان امور را پیش می‌برد توسط قرآن نمی‌برد.
- امیر و شیخ به نشر دعوت خویش در نجد ادامه می‌دادند، وقتی امیر وفات نمود پسرش عبد‌العزیز بن محمد (۱۱۱۱ - ۱۲۱۸هـ) جانشین پدر گردیده به پیشبرد دعوت با شیخ ادامه دادند، تا آنکه شیخ در درعیه وفات نموده همانجا دفن گردید.
- از جمله مددگاران، شاگردان، اولاد و نواسه‌های شیخ که هر کدام شان شخصیات مهم دعوت گردیدند:
- سعود بن عبد‌العزیز بن محمد بن سعود، که با شیخ ملاقات داشت و پیش وی درس خوانده و از وی علم آموخته است.
- حسین بن محمد بن عبد‌الوهاب، قاضی قریهٔ درعیه.
- علی بن محمد بن عبد‌الوهاب، عالم بزرگ، و پرهیزگار، که از خداوند عزوجل شدیداً خائف بود، منصب قضاء برایش عرضه کرده شد ولی قبول نکرد.
- عبد‌الله بن محمد بن عبد‌الوهاب (۱۱۶۵ - ۱۲۴۲هـ) در دوران سعود بن عبد‌العزیز بن محمد بن سعود به حیث قاضی درعیه ایفاء وظیفهٔ نمود، فهم و معرفت دقیقی داشت، در مصر وفات کرد.
- ابراهیم بن محمد بن عبد‌الوهاب: عالم، فاضل و مدقق بود.
- عبد‌الرحمن بن خمیس، امام قصر آل سعود در درعیه و قاضی زمان عبدالعزیز و سعود پسرش.
- حسین بن غنام صاحب کتاب «روضه الأفكار» وی خیلی عالم پرمعلومات بود.
- شیخ عبد‌اللطیف بن عبد‌الرحمن بن حسن بن محمد بن عبدالوهاب صاحب کتاب «تأسیس التقدیس فی الرد علی داود بن جرجیس» و کتاب «مصباح الظلام فی الرد علی شیخ الإمام».
- سلیمان بن عبدالله بن محمد بن عبد‌الوهاب (۱۲۰۰ - ۱۲۳۳هـ) شخص ذکی و شجاعی بود که وی را ابراهیم باشا بعد از سقوط درعیه به قتل رسانید، کتاب «تیسیر

العزیز الحمید فی شرح کتاب التوحید» را همین شخص نوشته است.

- عبد الرحمن بن حسن بن محمد بن عبدالوهاب (۱۱۹۳ - ۱۲۸۵هـ) وی شخص عالم و با جاهتی بود، نزد جد خود شاگردی نموده از وی أخذ علم نموده است، وظیفه قضا و تدریس را ایفاء می‌نمود، کتاب «الرد النفیس علی شبهات داود بن جرجیس» را وی نوشته است.

- شیخ محمد بن ابراهیم از نواسه‌های شیخ، در دوران ملک فیصل - رحمه الله تعالی - به حیث مفتی ایفاء وظیفه می‌نمود، وی در علم، متانت شخصیت، استقامت در امور دینی و دنیوی، معروف بود.

- و از جمله شخصیات بارز شان جناب شیخ عبد العزیز بن باز، رئیس عمومی فعلی ادارات بحوث علمی، افتاء، دعوت و ارشاد، در مملکت عربستان سعودی، به شمار می‌رود.

### افکار و معتقدات:

- شیخ مؤسس در مباحث خود، حنبلی المذهب بود، ولی در فتاوی خود جائیکه دلیل آنچه مخالف مذهب است ترجیح می‌داشت، در آنصورت به مذهب التزام نمی‌کرد [بلکه مطابق همان دلیل راجح وقوی فتوای خود را صادر می‌کرد]، بنابر آن دعوت سلفی چنین مشهور شده که در اصولش بی‌مذهب و در فروع حنبلی می‌باشد.

- دعوت به سوی باز کردن دروازه اجتهاد نمود، در حالیکه بعد از سقوط بغداد در سال ۶۵۶هـ بسته شده بود.

- تأکید در رجوع نمودن به سوی کتاب الله و سنت رسول الله ﷺ نمود، و به این نکته نیز تأکید کرد که هر امری از امور عقیده تا وقتیکه مستند به سوی دلیل مستقیم و روشن از کتاب الله و یا سنت نبوی نباشد باید پذیرفته نشود.

- در فهم دلیل و استناد به آن بر طریقه اهل سنت و جماعت روان است.

- دعوت به سوی پاک نمودن مفهوم توحید نموده از مسلمانان می‌خواهد که به همان توحیدی رجوع کنند که مسلمانان صدر اول اسلام بودند.

- توحید اسماء و صفات: که آن عبارت است از ثابت ساختن اسماء و صفاتی که خداوند به خود ثابت کرده و یا پیامبرش به وی ثابت نموده است، البته بدون تمثیل، تکلیف و تأویل.

- ترکیز و توجه به مفهوم توحید عبودیت ﴿أَنْ أَعْبُدُوا اللَّهَ وَأَجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾ [النحل: ۳۶] یعنی خدا را عبادت کنید و از طاغوت اجتناب ورزید.
- احیاء و زنده ساختن فریضه جهاد، شیخ نمونه و الگوی یک شخص مجاهد بود که برای فتح بلاد می‌رفت، و دعوت خویش را به نشر رسانیده مظاهر و علامات شرک را که مردم به آن گرفتار شده بودند، از بین می‌برد.
- از بین بردن بدعات و خرافاتی که در آنوقت به سبب جهل و جمود مردم، انتشار یافته بود، از قبیل:
- \* زیارت قبری که گمان می‌کردند وی ضرار بن الأزور صحابی است، و از وی قضاء حاجات خویش را می‌خواستند.
- \* زیارت قبری که می‌گفتند: وی زید بن الخطاب رضی الله عنه است.
- \* رفت و آمد پیش درختی که می‌گفتند: آن درخت ابودجانه است، و نیز درخت دیگری که بنام «الطرفیه» یاد می‌شد.
- \* زیارت غاری که بنام غار بنت الامیر «غار دختر پادشاه» یاد می‌شد.
- تقسیم توسل به دو نوع:
- \* توسل مرغوب و جائز که آن عبارت است از توسل جستن توسط اسماء الله الحسنی
- \* توسل بدعی و منهی عنه و آن عبارت است از توسل جستن توسط ذوات فاضله مثل «به جاه رسول، به حرمت شیخ فلانی...».
- منع از آباد کردن قبرها، لباس انداختن بر آنها و دیگر بدعت‌های مشابه به آن.
- مقابله با خرافات طرق صوفیه و با آنچه در دین داخل کرده‌اند که قبلاً آنها در دین وجود نداشت.
- تحریم قول درباره خدا [و درباره دین خدا] بدون علم، ﴿وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ [الأعراف: ۳۳] یعنی: این نیز بر شما حرام است که بالای خداوند آنچه را إفتراء کنید و بگوئید که نمی‌دانید.
- هر چیزی که شارع از آن سکوت نموده و در باره اش چیزی نگفته آن چیز عفو بوده برای هیچ کس جائز نیست که آن را حرام، یا واجب، یا مستحب، یا مکروه بسازد، ﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءَ إِنْ تُبَدَّ لَكُمْ تَسْأَلُكُمْ﴾ [المائدة: ۱۰۱] یعنی:

ای کسانی که ایمان آوردید از اشیائی پرسیان نکنید که اگر آشکار کرده شود برای شما غمگین می‌شوید.

- ترک کردن دلیل روشن و استدلال به لفظ متشابهه طریقهٔ اهل زیغ، مثل رافضه و خوارج می‌باشد، ﴿فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَبَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ﴾ [آل عمران: ۷] یعنی: کسانی که در دل‌های شان کجی وجود دارد بخاطر طلب فتنه متشابهاتش را جستجو می‌کنند تا تأویل آن را بدانند.

- پیامبر ﷺ گفته است که حلال روشن و واضح بوده حرام نیز روشن و معلوم است، در میان ایندو امور مشتبه وجود دارد، پس کسی که این قاعده را توجه نکند و بخواهد که در هر مسأله کلام روشنی ایراد کند و مسأله را واضح سازد آن شخص خودش هم گمراه می‌شود و دیگران را هم گمراه می‌سازد.

- شیخ انواع و مراتب شرک را چنین توضیح داده است:

۱- شرک اکبر: که عبارت است از شرک عبادت شرک قصد، شرک طاعت، و شرک محبت.

۲- شرک اصغر: که عبارت است از ریا و خودنمائی، پیامبر ﷺ در حدیثی که حاکم روایت نموده است چنین فرموده: «اليسير من الرياء شرك» یعنی اندک‌ترین ریا شرک است.

۳- شرک خفی: گاهی بندهٔ مؤمن درحالی به آن گرفتار می‌شود که خودش نمی‌داند، چنانکه پیامبر ﷺ فرموده است: «الشرك في هذه الأمة أخفي من دبیت النملة السوداء على صفاة سوداء في ظلمة الليل» یعنی: شرک در این امت خفی تر از رفتار مورچهٔ سیاه بالای سنگ سیاه، در تاریکی شب است.

- این دعوت در راه بیدار سازی فکر امت اسلامی، بعد از آنکه بالایش پرده ای از بازنشسته گی، خمود، و تقلید کورکورانه کش شده بود، کار و فعالیت نمود.

- توجه به تعلیم عامه و با فرهنگ ساختن شان، بازساختن گوش‌های دانشمندان و متوجه ساختن شان به سوی جستجوی دلیل، و تشویق آن‌ها به جستجو در مراجع و کتب بزرگ قبل از قبول کردن هر مفکوره ای که باشد و قبل از تطبیق آن.

- شیخ مصنفات زیادی دارد که بهترین آن‌ها کتب ذیل می‌باشد: «کتاب التوحید

فیما یجب من حق الله علی العیید» و «کتاب الإیمان» و «کشف الشبهات» و «آداب المشی إلى

الصلاة» و «مسائل الجاهلیه» و تعداد دیگری از مختصرات و رساله‌هایی که پیرامون امور فقهیه و اصولیه می‌چرخد و اکثر آنها نیز درباره توحید است.

### ریشه‌های فکری و اعتقادی:

- شیخ در دعوت خویش سه شخص را قده‌ خویش قرار داده به طریقه آنان به پیش رفته است:

۱- امام احمد بن حنبل (۱۶۴ - ۲۴۱هـ).

۲- ابن تیمیه (۶۶۱ - ۷۲۸هـ).

۳- محمد بن القیم الجوزیه (۶۹۱ - ۷۵۱هـ).

- در حقیقت دعوت شیخ نشر افکار اشخاص مذکور و بیان اهداف شان، در صحنه عمل بوده است.

### انتشار و جاهای نفوذ:

- عقیده سلفی همراه حکومت سعودی در بلاد نجد به نشر رسید، و سال ۱۱۸۷هـ به ریاض رسید همانطور که در تمام اطراف جزیره عرب انتشار یافت و سال ۱۲۱۹هـ همراه با حکومت سعودی به مکه مکرمه و مدینه منوره داخل شد و اهل مدینه سال ۱۲۲۰هـ بیعت نمودند.

- همراه با وفدهای حجاج این دعوت به خارج جزیره عرب منتقل گردید.

- این دعوت روشی و آثاری بر حرکات اصلاحی که در جهان اسلام بعد از وی ظهور نمود، نیز بجا گذاشت، مثل: مهدیه، سنوسیه، مدرسه افغانی و محمد عبده در مصر، و حرکات دیگر در قاره هند.

### مراجع:

۱- عنوان المجد فی تاریخ نجد تألیف الشیخ عثمان بن عبدالله بن بشر الحنبلی - طبعة وزارة المعارف بالمملكة العربية السعودية.

۲- روضة الأفكار الشیخ حسین بن غنام - تحقیق الدكتور ناصر الدین الأسد - مطبعة المدنی - مصر.

۳- آثار الشیخ محمد بن تألیف د. أحمد محمد الضبیب - المطابع الأهلیة

- عبدالوهاب. للاوفست - الرياض - ١٣٩٧هـ.
- ٤- الإمام محمد بن عبدالوهاب عبد الحليم الجندي- دار المعارف- مصر. انتصار المذهب السلفي.
- ٥- محمد بن عبد الوهاب أحمد عبدالغفور عطار- طبعة- ١٣٩٧هـ.
- ٦- الوهابية (حركة الفكر وعبدالرحمن سليمان الرويشد- ط١- دار العلوم الدولة الإسلامية) للطباعة - القاهرة- ١٣٩٧هـ- ١٩٧٧م.
- ٧- بحوث أسبوع الشيخ مركز البحوث بجامعة الامام محمد بن سعود محمد بن عبدالوهاب. الإسلامية- الرياض- ١٤٠٣هـ- ١٩٨٣م.
- ٨- مؤلفات الشيخ الإمام مطبوعات جامعة الامام محمد بن سعود محمد بن عبدالوهاب. الاسلامية بالرياض.
- ٩- مجموعة الرسائل طبعة مطبة المنار. والمسائل النجدية.
- ١٠- كتاب لمع الشهاب تحقيق و تعليق الشيخ عبدالرحمن بن في سيرة محمد بن عبدالوهاب. عبداللطيف آل الشيخ- مطبوعات دار الملك عبدالعزيز.
- ١١- انتشار دعوة الشيخ محمد كمال جمعة - ط٢- مطبوعات دار محمد بن عبدالعزيز خارج الملك عبد العزيز- الرياض- ١٤٠١هـ/ الجزيرة العربية ١٩٨١م.
- ١٢- كيف كان ظهور شيخ الإسلام لمؤلف مجهول- دراسة وتحقيق وتعليق محمد بن عبد الوهاب. دكتور عبدالله الصالح العثيمين- مطبوعات دار الملك عبد العزيز- الرياض- ١٤٠٣هـ/ ١٩٨٣م.

## سیکیزم

### SIKHISM

#### تعریف:

سیک یک مجموعهٔ دینی از هندوان است که در اواخر قرن پانزدهم و اوائل قرن شانزدهم قدم به ظهور نهاده و به سوی دین جدیدی دعوت می‌نماید، دینیکه مرکب از هر دو دین، یعنی دین اسلام و دین هندو، بوده و به این عنوان شعار می‌دهد: (نه هندو و نه مسلمان). در دور تاریخ خویش با مسلمانان دشمنی شدیدی نموده‌اند همانطور که با هندوان، بخاطر بدست آوردن وطن مستقل برای خودشان، دشمنی کرده‌اند، ولی با انگلیس‌ها، در دوران استعمار بریتانیا برهند، دوستی گرمی داشتند.

#### تأسیس و افراد برازنده:

- مؤسس اول «نانک» نام دارد و به نام «غورو» یعنی معلم نیز یاد می‌شود، سال ۱۴۶۹م در قریهٔ «ری بوی دی تلفندی» که چهل میل از لاهور فاصله دارد، تولد گردیده است، ابتدا زندگی‌اش مطابق دین تقلیدی هندوان بود.

- وقتی جوان شد به حیث حسابدار برای یک زعیم افغانی در سلطانیپور ایفاء وظیفه نمود، در آنجا همراه یک خانوادهٔ مسلمان (ماردانا) که به همین زعیم خدمت می‌کرد معرفی گردید، و در آن وقت شروع به نظم اشعار دینی نموده و طعامخانه‌ای درست نمود که در آن مسلمانان و هندوان طعام بخورند.

- علوم را فراگرفت، و در بلاد به سیر و سیاحت پرداخت، و از مکه و مدینه نیز دیدن نموده و از تمام اطراف عالم که نزد وی مشهور بود باز دید کرد.

- ادعا نمود که وی پروردگار را دیده و پروردگار وی را به دعوت بشر امر کرده است، بعد از آن، وقتیکه در یکی از جوی‌های آب غسل می‌گرد، به مدت سه روز غائب گردیده بعد از آن ظاهر شد و این شعار را سرداد (نه هندو و نه مسلمان).

- از یک طرف اسلام را دوست داشت و از طرف دیگر بر عقاید و افکار هندوی خود که بر آن از ابتداء تربیه شده بود، خیلی محکم و استوار بود، که همین امر سبب شد تا

در راه نزدیک ساختن هر دو دین باهم کار و فعالیت کند، همان بود که دین جدیدی را در قاره هند ایجاد نمود، بعضی از پژوهشگران به این باوراند که وی در اصل مسلمان بود و بعداً این مذهب جدید خود را اختراع کرد.

- اولین معبد را از برای سیک‌ها در کارتار بور (در پاکستان فعلی) تأسیس نمود، پیش از وفات خود سال ۱۵۳۹ م یکی از پیروان خود را بحیث جانشین خود تعیین کرد، وی در قریه (دیره بابا نانک) که از قریه‌های پنجاب هندی می‌باشد دفن گردید، و همیشه بالای قبرش لباسی که در آن سوره فاتحه و بعضی سوره‌های کوتاه قرآن کریم نوشته شده است، انداخته شده می‌باشد.

- بعد از وی ده خلیفه (معلم) یکی بعد دیگری جانشین وی گردیدند و آخرشان غوبند سنج (۱۶۷۵ - ۱۷۰۸ م) بود، وی ختم سلسله خلفاء (معلمین) را اعلان نمود.  
- بعد از وی رهبران شان به نام (مهراجا) یاد می‌شدند که از آنجمله است مهراجا رانجیت سنج، متوفی سال ۱۸۳۹ م.

### افکار و معتقدات:

#### اول: زیر بنای فکری:

- دعوت به سوی توحید نموده، در حرمت عبادت بت‌ها با مسلمانان موافقت دارند.  
- بر وحدانیت خالق زنده ای که نمی‌میرد، شکل و صورتی ندارد و از فهم بالاتر است، تأکید می‌نمایند، و همچنان تعدادی از نام‌های هندوی و مسلمانی را بالای پروردگار استعمال می‌کنند که از آنجمله است:

«واه غورو» و «الجاب» و بهترین آن‌ها نزد نانک «الخالق الحق» می‌باشد، و ماعدای آن وهم و خیال «مایا» است.

- تمثیل پروردگار را در صور و اشکال منع می‌نمایند، و همچنان از عبادت آفتاب، نهرها و درختانی که هندوان آن را عبادت می‌کنند، انکار می‌نمایند، همانطور که به طهارت و حج به نهر غانج توجه ندارند، بنابراین به تدریج از دین هندوی خارج شده دارای شخصیت و دیانت مستقل گردیده‌اند.

- نانک شراب و خوردن گوشت خنزیر را مباح گردانید، و بخاطر موافقت با هندوان گوشت گاو را حرام ساخت.

- اصول دین نزد آنان پنج است (پانچ کهکها) یعنی پنج کاف، زیرا اصول پنجگانه



- شان، بزبان کورمکیه، به حرف کاف شروع می‌شود، اصول خمسۀ شان عبارت است از:
- ۱- گذاشتن موی، بدون کوتاه کردن، از گهواره تاگور، البته بخاطر مانع شدن از دخول بیگانگان در میان ایشان به قصد جاسوسی، [یعنی اگر کسی بخواهد که به قصد جاسوسی درمیان شان داخل گردد، وی افشاء شود].
  - ۲- باید مرد، دستانۀ آهنین درهر دو دست خود به نیت تواضع واقتداء به درویشان، نماید.
  - ۳- باید مرد، زیر تنبان خود نیکر (لباسی که مشابه به لباس شناوران است) بپوشد که آن اشاره‌ای به سوی عفت و پاکدامنی می‌باشد.
  - ۴- باید مرد شأنۀ خردی بر سر خود بگذارد تا توسط آن موی خود را شانه نموده اصلاح نماید.
  - ۵- باید سیک یک نیزه یا شمشیر کوچک با خود به طور مداوم داشته باشد، که آن اظهار آمادگی وقوت بوده در صورت لزوم از خود دفاع نماید.
- معتقداند که این امور از جانب نانک نیست بلکه آن‌ها را خلیفۀ دهم (غوبند سنج) که تدخین را نیز بر اتباع خود حرام نموده بود وضع کرده است، و مقصدش از وضع آن‌ها متمیز بودن شان از تمام مردمان دیگر می‌باشد.
- معلمین سیک از معجزات و از قصه‌های خرافی و افسانوی انکار می‌نمایند، ولی با وجود آن سیک‌ها چند معابد خویش را «غور دوارا»، بناءً بر آن قصه‌های افسانوی که از معجزات واقع شده حکایت می‌کند، اعمار کرده‌اند.
- مرتبه و منزلهٔ دینی معلم (غورو) بعد از مرحلهٔ پروردگار می‌باشد، همان معلم است که (به عقیدهٔ ایشان) سوی حق و صدق رهنمائی می‌نماید، ایشان پروردگار را توسط اشعار دینی که معلمین به رشتهٔ نظم درآورده‌اند، عبادت می‌کنند.
- معتقداند که تکرار نمودن اسماء الله «الناما» انسان را از گناهان پاک نموده، منابع شر و فساد را در نفوس از بین می‌برد، و خواندن اشعار «کیرتا» و تأمل نمودن با رهنمائی معلم «غورو» همهٔ این‌ها انسان را به خداوند متصل می‌سازد.
- به این عقیده‌اند که روح هر معلم از وی نقل نموده به معلم دیگر که در پی آن قرار دارد تعلق گرفته است.
- نزد آنان پیشگوئی‌هایی قرار دارد بنام (سا و ساکی) صد قصه که منسوب به

- سوی معلم غوبند سنج بوده پیرامون انقلاب در حکومت موجوده و آمدن نجات دهنده‌ای که میاید و دین سیک را در تمام اکناف جهان به نشر می‌رساند، می‌چرخد.
- معتقد به تکرار ولادت و موت انسان (کارما) هستند، طوریکه زندگی آینده انسان در روشنایی زندگی سابقه تقرر میاید، و نجاتش نیز بر همین مرحله موقوف می‌باشد.
- رهنمائی معلم (غورو) برای رسیدن به مرحله (موکا) ضروری به شمار می‌رود.
- عدد پنج را تقدیس می‌نمایند که آن عدد معنی صوفیانه‌ای در سرزمین پنجاب دارد، یعنی نهرهای پنجگانه.
- اختلافات دینی را مجلس دینی حل و فصل می‌نماید که در (امرتیسار) برگزار می‌گردد، فیصله‌های این مجلس از قوت روحی زیادی برخوردار می‌باشد.
- نزد آنان طبقه دینی وجود ندارد که مشابه به طبقه برا همه هندوان باشد، زیرا ایشان همانطور که اختصاص تعلیم دینی را به طبقه برا همه نپذیرفته‌اند، به شکل عموم از طبقات هندوان انکار می‌ورزند.
- خود را به اعتبار نسب تقسیم می‌نمایند.. که از جمله آنان است الجات «قبائل زراعت پیشه» و غیر الجات، و مذهبی، که ایشان طبقه پائین و حقیر هستند، ولی حالت ایشان از طبقات حقیر نزد هندوان، خیلی بهتر است.
- تنها با یک زن ازدواج می‌کنند و بس.
- عیده‌های سیک‌ها همان عیده‌های هندوان شمال هند است، ولی به اضافه نمودن عید مولود معلم (غورو) اول و آخر، و عید یاد بود از شهادت معلم پنجم و نهم.

### دوم: خواص (باختا):

- سیک‌ها مورد شکنجه و فشار مغول‌ها قرار گرفتند و آنان دو معلم ایشان را اعدام کردند، شدیدترین مغول در مقابل آنان نادرشاه (۱۷۳۸ - ۱۸۳۹ م) بود که بالای شان تعرض نموده آن‌ها را مجبور به فرار در کوه‌ها و دره‌ها نموده بود.
- غوبند سنج که معلم دهم ایشان است، دست به ایجاد تنظیم «باختا» یعنی تنظیم خواص زد، که مردان این تنظیم بنام «اسودا» و زنانش بنام «لبوات» یاد می‌شد.
- جوانان سیک خواهش داشتند که اهلیت آن را پیدا کنند که از جمله رجال و افراد تنظیم خواص بگردند و به تعلیم آن اطلاع یابند.
- تنظیم خواص مجموعه‌ای از جوانان بود که مرتبط به یک نظام سلوکی و دینی

شدیدی بودند، که بخاطر حق و عدالتی که به آن عقیده داشتند، مشغول جهاد و نماز بودند، و از مخدرات، مسکرات، و دخانیات پرهیز می‌گردند.

- بعد از سال ۱۷۶۱م، هنگام ضعیف شدن مغول آنان بالای پنجاب حاکم شدند، و سال ۱۷۹۹م لاهور را تصرف نمودند، و سال ۱۸۱۹م حکومت شان تا مناطق باتان امتداد یافت، و در دوران مهراجا را نجیت سنگ (ت ۱۸۳۹) دولت شان تا دروازه خیبر رسیده بالای افغان‌ها غلبه حاصل نمودند.

- وقتی انگلیس آمد میان آن‌ها و میان سیک‌ها جنگ‌هایی به وقوع پیوست و سیک‌ها را مجبور ساخت که عقب بروند و به نزد نهر سوتلج توقف نمایند، که همین منطقه به حیث سرحد جنوب شرق دولت سیک‌ها شناخته شد.

- بعدا شکست‌ها و عقب نشینی‌های زیادی کردند، و بریطانی‌ها آنان را مجبور ساختند که تاوان زیادی به ایشان بپردازند، جامو و کشمیر را نیز تسلیم نموده در لاهور پایگاهی به بریطانیا قائل شدند که از آنجا امور باقی مملکت سیک‌ها را اداره کنند.

- بعد از آن، دوستی شان با انگلیس خیلی گرم شد، بلکه در اشغال پنجاب با آنان همکاری نمودند.

- سیک‌ها سال (۱۸۵۷م) آله دست انگلیس گردیدند که توسط آن‌ها حرکات ضد خویش را خاموش می‌ساختند.

- سیک‌ها امتیازات زیادی از انگلیس حاصل نمودند که از آنجمله است دادن زمین‌های زراعتی و رسانیدن آب به آن‌ها توسط کندن نهرها، به همین سبب زندگی مادی شان خیلی خوب شد و از دیگر ساکنین منطقه در این مورد امتیاز داشتند.

- در جنگ جهانی اول زیاد تر از ۲۰% لشکر هند بریطانی را سیک‌ها تشکیل می‌دادند.

- وقتی میان آنان و بریطانیا مشکلات ایجاد شد، باحرکت گاندی در آزادی خواهی یگجا شدند.

- بعد از سال ۱۹۴۷م بین دو دولت هند و پاکستان تقسیم شدند، که در اثر مصادماتی که میان آن‌ها و مسلمانان واقع شد دو و نیم میلیون آنان مجبور به ترک پاکستان شده به هند رفتند.

- حکومت هند امتیازات سیک‌ها را که از انگلیس به دست آورده بودند لغو نمود، و

این امر باعث شد که آنان در طلب پنجاب به حیث وطن خویش برآیند.  
 - در عقب درگیری‌های ادامه دار میان هندوها و سیک‌ها، اندراگانندی رئیس‌الوزراء هند، در ماه یونیو ۱۹۸۴م امر به داخل شدن در معبد طلائی امرتیسار نمود و در آنجا جنگ شدیدی میان طرفین درگرفت و تقریباً ۱۵۰۰ تن از سیک‌ها و ۵۰۰ تن از لشکر هند به قتل رسید.

- در ۳۱ اکتوبر ۱۹۸۴م بخاطر انتقام از داخل شدن معبد، سیک‌ها اقدام به کشتن رئیس‌الوزراء نمودند، وبعد از ترور آن درگیری‌هایی میان طرفین صورت گرفت و به سبب آن چند هزار سیک کشته شد، که بعضی آن را نزدیک به پنج هزار تخمین می‌کند.

- سیک‌ها در دوران حکومت خویش در سختگیری، ظلم، ستم، و شدت بالای مسلمانان معروف بودند، از قبیل منع کردن مسلمانان از اداء فرائض دینی، اذان و بناء مساجد در قریه‌هایی که اکثریت می‌داشتند، این‌ها علاوه بر درگیری‌های مسلحانه ای است که میان آن‌ها و مسلمانان واقع می‌شد و به سبب آن تعداد زیادی از مسلمانان بیگناه گشته می‌شد.

### سوم: کتاب‌های شان:

- کتاب (آدی گرانت) این کتاب مجموعه‌ای از اشعار دینی است که آن را پنج معلم اول تألیف نموده و تقریباً به ۶۰۰۰ شعر دینی بالغ می‌گردد، معلم آخر غوبند سنگ ۱۱۵ شعر دیگر را که پدرش (تیغ بهادور) نظم کرده بود، به آن کتاب علاوه کرده است، علاوه بر آن این کتاب مشتمل بر اشعاری است که آن را شیوخ خواص (باختا) و بعضی اشخاص صوفیه مسلمان خصوصاً ابن الفارض و بعضی شعراء دربار (غورو) به رشته نظم درآورده‌اند، این کتاب همانا کتاب مقدسی است که اساس سلطه روحی به نزد شان شمرده می‌شود.

- سابقه‌ترین مرجع که درباره زندگی نانک وجود دارد پنجاه الی هشتاد سال بعد از وفاتش نوشته شده است، و اکثر دانشمندان سیک تعدادی از قصه‌های آن را انکار می‌نمایند.

- کتاب‌های تاریخی سیکی دیگری هم وجود دارد که به قرن‌های هجدهم و نوزدهم باز می‌گردد.

- کتاب «راحت ناما» که مشتمل بر تقالید و تعالیم خواص «باختا» می‌باشد.

- کتاب مقدس دیگری هم دارند که به زبان کورمکیه نوشته شده و آن را بنام «کرانته صاحب» یاد می‌کنند.

### ریشه‌های فکری و اعتقادی:

- حرکت آنان در اصل باز می‌گردد به ظهور حرکت «فیسنافا باختی»، که این حرکت در میان هندوها و در منطقه تامل توسط رامانوجا (۱۰۵۰-۱۱۳۷م) قدم به ظهور نهاد و به طرف شمال رسید.

- در قرن چهاردهم و پانزدهم، بعد از درگیری‌ها با مسلمانان، این حرکت در صحراء الغانج انتشار یافت.

- از همین جهت می‌گویند که نانک شخص اول در مذهب سیکی خود نبوده بلکه پیش از وی شخص صوفی دیگری بنام کبیر (۱۴۴۰-۱۵۱۸م) وجود داشته است، این شخص دین اسلام را هم فرا گرفته و خوانده بود و دین هندورا نیز، و حرکت وی حرکت یکجا سازی هر دو دین بود، زیرا وی می‌خواست از طریق تأمل و توجیهاات صوفیان میان هر دو دین موافقت و یگانگی ایجاد نماید.

- همین شخص کبیر نام در پذیرفتن بسیاری از عقائد هندوی تساهل نموده آن را به دین اسلام یکجا می‌کرد، ولی توحید را به حیث اساس خویش نگه می‌داشت، لکن در این کار خود کامیاب نشد و به مجرد مردنش مذهبش نیز ختم گردید، و از خود مجموعه اشعاری به زبان پنجابی به جا گذاشت و آن اشعار خلط ساختن هر دو عقیده یعنی عقیده اسلام و عقیده هندو را نشان می‌دهد، که هر دو عقیده را به طریق صوفیان ربط داده و یکجا ساخته است.

- اساس نظریه شان درباره کائنات از نصوص هندوها مأخوذ است.

- مردگانشان را مثل هندوان می‌سوزانند.

### انتشار و جاهای نفوذ:

- شهر «امرتیسار» که متعلق به پنجاب می‌باشد و در وقت تقسیم در قلمرو هند داخل گردیده، شهر مقدس آن‌ها بود و در آنجا اجتماعات بزرگ و مهم خویش را برگزار می‌نمایند.

- چهار تخت نزد آنان وجود دارد که از قداست و عظمت برخوردار می‌باشند و

آن‌ها عبارت‌اند از: عقل تخت - که در امرتیسار موقعیت دارد - ، اناندبور، بانتا، و باندد.

- بزرگ‌ترین معبدشان در امرتیسار وجود دارد که آنجا به حج می‌روند، آن معبد بنام «دربار صاحب» یاد می‌شود، یعنی دربار پادشاه و سردار، دیگر معابد شان بنام «کرو داوهر» یعنی مرکز استاد یاد می‌شود.

- اکثریت سیک‌ها در پنجاب زندگی می‌نمایند، زیرا در آنجا ۸۵٪ آنان جاگزین هستند، و باقی آنان در ولایت هاریانا، دهلی و گوشه و کنار هند متفرق‌اند، بعضی از آنان در مالیزیا، سنگا پور، شرق افریقا، انجلترا، ایالات متحده آمریکا، و کندا مستقر شده‌اند و بعضی دیگر ایشان به خاطر کار به دول عربی خلیج رفته‌اند.

- از ۱۹۰۸م به این طرف آنان جلسه سالانه‌ای دارند که هر سال برگزار می‌گردد و بخاطر ایجاد مدارس و بازکردن بخش‌های تعلیمی در دانشگاه‌ها برای تدریس دین سیک ونشر تاریخ آن، کار و فعالیت می‌نمایند.

- یک بخش از سیک‌ها از مکفوره عام سیک‌ها جدا شدند و پیروی پسر بزرگ نانک را کردند که به نام «ادواسی» یاد می‌شوند، زیرا آنان به سوی تصوف روی آوردند، اما خواص «باختا» به ختم نسل غوروی دهم «غوبند سنگ» باور نداشته معتقداند که درمیان مردم معلمی زنده وجود دارد و همیشه وجود می‌داشته باشد.

- آنان اعتقاد راسخ بر ضرور بودن ایجاد یک دولت مستقل برای خود شان دارند، و این رکنی از ارکان ایمان شان به شمار می‌رود، از همین جهت در آخر هر عبادت خود ترانه‌ای می‌خوانند و می‌گویند: «زود است که رجال خواص «باختا» حکومت را به دست گیرند» همچنان از خواب‌های دیرین شان اینست که شاندیگار پایتخت ایشان باشد.

تعداد نفوس سیک‌ها، در داخل و خارج هند فعلا ۱۵ میلیون تخمین می‌شود.

### مراجع:

- ۱- مجلة الدعوة المصرية شماره ۹۵- ذو الحجة ۱۴۰۴هـ/سبتمبر ۱۹۸۴م
- ۲- الموسوعة البريطانية طبعة ۱۹۷۴م. J. 16 Encyclopaedia Britanica 1974 Vol
- 3- D. Cunningham: History of the Sikhs, 2<sup>nd</sup> ed. (1953).
- 4- M. A. Macauliffe: The Sikh Religion, 6 Vol. (1909).
- 5- SHER SINGH: Philosophy of Sikhism (1944).

6- KHUSHWANT SINGH: A History of the Sikhs, 2 Vol (1963— 1966).

7- W. H. Ncleod: Guru Nanak and the Sikh Religion (1968).





## شهود یهوه

### تعریف:

شهود یهوه یک تنظیم دینی، سیاسی، و جهانی است که بر اساس مخفی بودن تنظیم و آشکار بودن مفکوره استوار می‌باشد، در نصف دوم قرن نوزدهم، در امریکا ظاهر گردید، خودش ادعا می‌کند که مسیحی است ولی در واقع تحت سیطره یهود بوده و به مصرف آنان کار می‌نماید، این تنظیم، علاوه بر نام مذکور، به نام «جمعية العالم الجدید» نیز شناخته می‌شود، و به نام سابق الذکر از سال ۱۹۳۱ م معروف گردید، در امریکا قبل از معروف شدنش به این نام یعنی سال ۱۸۴۴ م این تنظیم به رسمیت شناخته شده بود.

### تأسیس و افراد برازنده:

۱- این تنظیم را سال ۱۸۷۴ م تشارلز راسل راهب (۱۸۶۲ - ۱۹۱۶ م) تأسیس نمود که در آنوقت بنام‌های: «مذهب الراسلیة» و «الدارسون الجدد للانجیل» یاد می‌شد.

۲- بعد از آن جانشین شخص مذکور در ریاست تنظیم، فرانکلین رز فورد (۱۸۶۹ - ۱۹۴۲ م) گردید که وی در سال ۱۹۱۷ م کتابی تألیف نمود بنام «سقوط بابل» که مرادش از بابل تمام نظام‌های موجوده در عالم می‌باشد.

۳- بعد از وی نارثان هر مرکنور (۱۹۰۵ م) آمد و در دوران وی، چنانچه می‌گویند، تنظیم حیثیت یک دولت را در میان دولت گرفت.

### افکار و معتقدات:

- به یهوه منحیث پروردگار و به عیسی منحیث رئیس مملکت خداوند ﷺ ایمان دارند.

- به کتاب مقدس نصارا نیز ایمان دارند، ولی آن را مطابق مصلحت‌های خویش تفسیر می‌نمایند.

- طاعت و فرمانبرداری کورکورانه از رئیس‌ان شان.
- از نام مسیح و کتاب مقدس در راه وصول به هدف شان، که همانا برپا کردن دولت دینی و دنیوی بخاطر سیطره و حاکمیت بر عالم می‌باشد، استفاده جوئی می‌کنند.
- به آخرت و دوزخ ایمان ندارند و معتقداند که جنت در دنیا و در مملکت آن‌ها خواهد بود.
- عقیده دارند که عنقریب جنگ آزادی خواهی، که آن را عیسی علیه السلام رهبری می‌نماید و آنان لشکر وی خواهند بود، برپا می‌گردد، و در آن جنگ تمام حکام روی زمین را از بین خواهند برد.
- از کتاب مقدس بخش‌هایی را که اسرائیل و یهود دوست دارند جدا نموده آن را به نشر می‌رسانند.
- به روح و به جاویدان بودن آن ایمان ندارند، و معابد خاصی برای خود دارند که آن را بنام «القاعة الملكية» و یا «بیت الرب» یعنی خانهٔ پروردگار یاد می‌کنند.
- برادری انسانی مقصور در میان خود شان است نه به دیگر انسانان [یعنی دیگر انسانان را برادر خود نمی‌دانند].
- با نظام‌های وضعی دشمنی نموده دعوت به سوی بغاوت می‌نمایند، و با تمام ادیان، غیر از دین یهود، دشمنی می‌کنند، تمام رئیس‌ان شان نیز از جملهٔ یهودیان می‌باشد.
- نوزده کتابی را که یهودیان به آن‌ها احترام می‌نمایند و آن‌ها را تقدیس می‌کنند ایشان نیز اعتراف نموده تقدیس می‌کنند.
- به تثلیث قائل‌اند و آن را به «یهوه، ابن، روح القدس» تفسیر می‌نمایند.
- عضو تنظیم مراحل مشکل را سپری نموده و بخاطر شمول در آن شرائط سختی را می‌پذیرد.

### نشان تنظیم:

- ۱- برگزیدن «المینورا» که عبارت است از شمعدان هفت دانه‌ای که آن نشان دینی و وطنی یهود می‌باشد.
- ۲- برگزیدن ستارهٔ شش ضلعی که آن نیز نشان یهود می‌باشد.
- ۳- برگزیدن نام «یهوه» و آن را به عبرانی مینویسند که عبارت از «آله» نزد یهود

می باشد.

### بعضی کتاب های تنظیم:

- مجله ای که بنام «برج مراقبه صهیون» به نشر می رسید از زبان این تنظیم سخن می گفت، بعدا این مجله را بخاطر پنهان ساختن لفظ صهیون بنام «برج المراقبه» تبدیل کردند.
- هذا الخبر الجيد عن المملكة (مراد از مملکت همان مملکت خودشان است که در خیال شان وجود دارد).
- الأساس في الإیمان بعالم جدید.
- لقد اقترب علاج الامم.
- العیش بأمل نظام عادل جدید.

### ریشه های فکری و اعتقادی:

- ممکن است گفته شود که ایشان یک فرقه مسیحی جدا گانه، و دارای برداشت خاصی اند، ولی به صورت واضحی زیر سیطره و نفوذ یهود واقع شده اند، و فی الجمله عقاید یهود را اختیار نموده بخاطر برآورده شدن اهداف آن کار می نمایند.
- از افکار فلاسفه قدیم، خصوصا فلاسفه یونان متأثر شده اند.
- آنان علاقه محکمی با اسرائیل و تنظیم های یهودی جهانی مثل ماسونیه دارند.
- آنان رابطه همکاری و تعاون با تنظیم های تبشیری، کمونستی و اشتراکی دولی نیز دارند.
- با مردمان صاحب نفوذ یونان و ارمن نیز علاقه خوبی دارند.

### انتشار و جاهای نفوذ:

- تقریبا هیچ دولتی در جهان از فعالیت این تنظیم مخفی خطرناک خالی نیست.
- مرکز عمومی شان در قریه بروکلین در نیویارک امریکا است.
- تعداد مناطقی که آنان سال ۱۹۵۵م در آنها فعالیت می کردند به ۱۵۸ دولت بالغ می گردد، اعضای تنظیم در آنوقت به ۶۳۲۹۲۹ عضو می رسید، تعداد داعیان شان ۱۸۱۴ داعی بود، تخمین شود که حالا تعداد شان به چند خواهد رسید، بعضی دولت ها

به خطرناک بودن شان پی بردند و فعالیت شان را منع نموده آنان را تعقیب می‌نمایند که از آنجمله دولت‌هاوند: سنگاپور - لبنان - ساحل العاج - فلپین - عراق - نروج - کامیرون - چین - ترکیه - سویسرا - رومانی - هولندا... ولی در این کشورها به فعالیت مخفی خویش ادامه می‌دهند، هر چه در افریقا و دول اسلامی غالب فعالیت شان با همکاری تنظیم‌های تبشیری انجام می‌شود.

- هزاران کتب، نشریه و روزنامه را چاپ نموده مجانا توزیع می‌نمایند که این خود نمایانگر پشتوانه قوی اقتصادی شان است.

- آنان مدارس، مزارع، کتابخانه‌ها، و مراکز نشراتی خاصی دارند و هر کدام آن‌ها اداره خاصی دارد که آن را سرپرستی می‌کند.

- همچنان ایشان چندین دارالترجمه و التألیف، لجنه‌های عالی دینی برای تفسیر کتاب مقدس مطابق مصلحت خودشان، دارند.

- با تنظیم‌های مثل خود شان که در خدمت یهود هستند، همکاری و تعاون بزرگی دارند.

- این تنظیم از اعضای خود در استخبارات، جاسوسی و دعوت کار می‌گیرد.

### مراجع:

۱- شهود یهوه د. محمد حرب.

۲- دوکتاب دیگر به زبان ترکی از استاذ حکمت تانیو، وآن دوکتاب عبارت‌اند از:

Yehora sahitleri..

Tarih Boyunca Turkler Ve Yahudiler

## شیعه امامیه (اثنا عشریه)

### تعریف:

شیعه امامیه اثنا عشریه فرقه‌ای از مسلمانان است که به حق علی در میراث بردن خلافت قائل‌اند، و از خلافت شیخین [ابوبکر و عمر] و عثمان رضی الله عنه اجماعین، منکر هستند، همچنان قائل به دوازده امام‌اند که آخر آنان - نظر به پندار ایشان - در سردابی در سامراء داخل گردیده است، ایشان در افکار و آراء جداگانه خویش، قسیم و مقابل اهل سنت و جماعت می‌باشند، و در پی آنند که مذهب شان در تمام جهان اسلام به نشر برسد.

### تأسیس و افراد برازنده:

- دوازده امامی که شیعه امامیه آنان را امام خویش می‌دانند سلسله نسب شان قرار ذیل می‌باشد:

- ۱- علی ابن ابی طالب رضی الله عنه که ایشان وی را مرتضی لقب می‌کنند - خلیفه راشد چهارم، داماد رسول الله صلی الله علیه و آله، ۱۷ رمضان سال ۴۰هـ در مسجد کوفه، توسط عبد الرحمن بن ملجم خارجی ناگهان به قتل رسید [ترور شد].
- ۲- حسن بن علی رضی الله عنهما، که به وی «مجتبی» لقب می‌دهند.
- ۳- حسین بن علی رضی الله عنهما، لقبش نزد آنان «شهید» است.
- ۴- علی زین العابدین بن حسین (۳۸ - ۹۵هـ) لقبش نزد آنان «سجاد» است.
- ۵- محمد باقر بن علی زین العابدین (ت ۱۱۴هـ) لقبش «باقر» است.
- ۶- جعفر صادق بن محمد باقر (ت ۱۴۸هـ) لقبش «صادق».
- ۷- موسی کاظم بن جعفر صادق (ت ۱۸۳هـ) لقبش «کاظم».
- ۸- علی رضا بن موسی کاظم (ت ۲۰۳هـ) لقبش «رضا».
- ۹- محمد جواد بن علی رضا (۱۹۵ - ۲۲۶هـ) لقبش «تقی».
- ۱۰- علی هادی بن محمد جواد (۲۱۲ - ۲۵۴هـ) لقبش «نقی».
- ۱۱- حسن عسکری بن علی هادی (۲۳۲ - ۲۶۰هـ) لقبش «زکی».

۱۲- محمد مهدی بن حسن عسکری (... \_ ...)، لقبش نزد آنان «الحجة القائم المنتظر» است.

- چنین می‌پندارند که امام دوازدهم شان در سردابی در خانه پدرش در سامراء داخل گردید و دیگر باز نگشته است.

- در این اختلاف دارند که وی در وقت مخفی شدن چند ساله بود، بعضی گفته: چهار ساله، و بعضی گفته: هشت ساله بود، ولی اکثر پژوهشگران به این باورند که وی اصلا وجود نداشته بلکه از اختراعات شیعه می‌باشد، بنابراین وی را امام معدوم و امام موهوم نام می‌نهند.

- از اشخاص بارز تاریخی شان یکی هم عبد الله بن سبأ می‌باشد، وی از جمله یهودیه‌های یمن بود که ظاهرا مسلمان شد، و افکاری، که در دین یهودی داشت آن را به مذهب شیعه نقل داد، از قبیل: قول به رجعت، عدم مردن، مالک شدن زمین، قدرت داشتن به چیزهایی که هیچ کسی از مخلوق به آنها قدرت ندارد، اثبات علم به چیزهاییکه آن را هیچکسی از خلق نمی‌داند، و اثبات بداء و فراموشی به خداوند: «تعالی الله عما یقولون علوا کبیرا» وی در یهودیت خود می‌گفت که یوشع بن نون وصی موسی علیهما السلام است، وقتی مسلمان شد گفت که علی وصی محمد ﷺ است، از مدینه به مصر، کوفه، فسطاط، و بصره رفت، و برای حضرت علی چنین گفت: «أنت أنت» یعنی تو خدا هستی، بنابراین حضرت علی ﷺ به کشتنش تصمیم گرفت ولی عبد الله بن عباس رضی الله عنه به وی مشوره داد که آن را نکشد، سپس به مدائن تبعیدش نمود.

- منصور احمد بن ابی طالب طبرسی متوفی سال ۵۸۸هـ صاحب کتاب «الإحتجاج» که سال ۱۳۰۲هـ در ایران طبع گردیده است.

- کلینی، صاحب کتاب «الکافی» که سال ۱۲۷۸هـ در ایران چاپ شده است، این کتاب نزد آنان به مثابه صحیح البخاری نزد اهل سنت و جماعت می‌باشد، می‌گویند که در وی ۱۶۱۹۹ حدیث وجود دارد در حالیکه احادیث صحیح که از رسول الله ﷺ روایت شده‌اند در حدود ۶۰۰۰ حدیث است، در این کتاب خرافات و دورغ‌های خیلی زیاد نیز وجود دارد.

- الحاج میرزا حسین بن محمدتقی نوری طبرسی متوفی سال ۱۳۲۰م که در

مشهد مرتضوی در نجف دفن شده است، وی صاحب کتاب «فصل الخطاب في أثبات تحریف کتاب رب الأرباب» می‌باشد، وی در این کتاب خود می‌پندارد که در قرآن کریم زیادت‌ها و نقصاناتی آورده شده، که از آنجمله است ادعای شان در سوره انشراح ﴿الْمُ نَشَّرْ حُ﴾ که می‌گویند: از آن این عبارت «وجعلنا عليا صهرك» کم شده است، معاذ الله که این ادعای شان درست باشد، این کتاب سال ۱۲۸۹م در ایران چاپ شده است.

- آیه الله مامقانی، صاحب کتاب «تنقیح المقال في أحوال الرجال» این شخص نزد ایشان امام جرح و تعدیل به شمار می‌رود، وی در این کتاب خود ابوبکر و عمر رضی الله عنهما را بنام جبت و طاغوت یاد می‌کند، (۱/۲۰۷) را مطالعه کنید، این کتاب سال ۱۳۵۲ هـ در مطبعه مرتضوی در نجف به چاپ رسیده است.

- ابوجعفر طوسی صاحب کتاب «تهذیب الاحکام»، و محمد بن مرتضی معروف به ملا محسن کاشی صاحب کتاب «الوافی» و محمد بن حسن الحر العاملی صاحب کتاب «وسائل الشیعه إلى أحادیث الشریعة»، و محمد باقر ابن شیخ محمدتقی معروف به مجلسی، صاحب کتاب «بحار الأنوار في أحادیث النبی والأئمة الأطهار»، و فتح الله کاشانی صاحب کتاب «منهج الصادقین»، و ابن ابی الحدید، صاحب «شرح نهج البلاغه».

- آیه الله خمینی از شخصیات معاصر شیعه، که انقلاب شیعی را در ایران رهبری نمود، و حکومت را بدست آورد، کتاب «کشف الأسرار» و کتاب «الحکومة الإسلامية» از تألیف وی می‌باشد، با وجود آنکه وی مفکوره ولایت فقیه را به میان آورد و در اوائل انقلاب شعارهای عام اسلامی را سر می‌داد ولی دیری نگذشت که تعصب شیعیت تنگ نظرانه خود را ظاهر نموده مردم را به یک جنگ تباه کن با همسایه‌های عراقی خویش رهبری نمود.

### افکار و معتقدات:

- امامت: به نص ثابت می‌باشد، زیرا لازم و واجب است که امام سابق امام آینده را شخصا و عینا تعیین نماید نه اینکه اوصاف و علاماتش را بیان کند، امامت از امور مهم و بزرگی است که برای پیامبر صلی الله علیه و آله جائز نیست که خودش برود و امت را بدون سر نوشت

بگذارد و هر یکی به فکر خود چیزی بگوید، بلکه لازم است که شخصی را تعیین نماید تا مردم را رهبری کند و مردم به طرف وی رجوع نمایند.

- در این مورد استدلال می‌کنند که پیامبر خدا ﷺ روز غدیر خم حضرت علی را به صراحت جانشین خود تعیین نمود.

- همچنان می‌پندارند که علی به امامت هر دو پسر خود حسن و حسین تصریح نمود... و همینطور... هر امام به امام بعدی خود تصریح نموده آن را به طریق وصیت تعیین می‌کرد. از همین جهت امامان خویش را «اوصیاء» می‌گویند.

- عصمت: تمام امامان از خطا و فراموشی و از گناهان صغیره و کبیره معصوم می‌باشند.

- علم: برای تمام امامان علمی از طرف پیامبر ﷺ داده شده که شریعت را توسط آن تکمیل نمایند، و هر یکی از ائمه دارای علم لدنی بوده بین آنان و پیامبر فرقی وجود ندارد، مگر اینقدر که به آنان وحی نازل نمی‌شود، پیامبر ﷺ اسرار شریعت را نیز نزد آنان به ودیعت گذاشته، تا برای مردم مطابق زمان شان بیان نمایند.

- خارق العادات: جایز است که از دست امام خارق العادات صادر شود و آن را معجزه می‌نامند، و قتیکه یکی از امامان از طرف امام سابق تعیین نشده باشد در این صورت ثبوت امامت وی از طریق خارق العادات می‌باشد.

- غایب شدن: معتقداند که هیچ گاه زمانه از حجت خداوند خالی نمی‌باشد که بر این امر عقل و شرع گواه است بنا بر همین اعتقاد شان می‌گویند: امام دوازدهم در سرداب غایب گردیده است و او دو گونه غایب شدن دارد: غیبت صغری و غیبت کبری، این از جمله افسانه‌های دروغین شان می‌باشد.

- رجوع کردن: به این عقیده‌اند که حسن عسکری در آخر زمان به اجازه خداوند باز خواهد گشت، آنان هر شب بعد از نماز شام با مرکبی نزد دروازه سرداب ایستاده می‌شوند و امام غایب خویش را با گرفتن اسمش دعوت به خروج می‌نمایند، این کار شان تا طلوع نمودن ستاره‌ها ادامه نموده بعد از آن، کار را به شب آینده موکول نموده باز می‌کردند. همچنان می‌گویند: وقتی امام غایب عودت نماید زمین را همانطور که پر از ظلم و ستم است پر از عدل و انصاف خواهد کرد و از دشمنان شیعه در طول تاریخ قصاص خواهد گرفت، امامیه به صورت عموم به رجوع کردن قائل‌اند و بعضی فرقه‌های دیگر شان به رجوع نمودن بعضی مردگان نیز قائل‌اند.



- تقیه: تقیه را آنان اصلی از اصول دین می‌دانند، کسی که آن را ترک نماید به منزله آنست که نماز را ترک کرده باشد و وجوب این تقیه تاوقتی ادامه دارد که امام غایب خارج شود، بنابراین کسی که آن را قبل از خروج وی ترک نماید از دین خدا و دین امامیه خارج شده است، بر اثبات تقیه خود از این آیه مبارک استدلال می‌نمایند:

﴿إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاتَهُ﴾ [آل عمران: ۲۸] و همچنین از این قول که آن را به امام ابو جعفر امام پنجم نسبت می‌دهند استدلال می‌کنند: «تقیه دین من و دین پدران من می‌باشد و کسی که تقیه ندارد ایمان ندارد» آنان در مفهوم تقیه چنان مبالغه نموده‌اند که به ارتکاب دروغگوئی و کارهای حرام رسیده‌اند.

- متعه: آنان معتقداند که متعه نمودن با زنان بهترین عادات و خوب‌ترین قربیه‌ها می‌باشد و در این مسأله به این قول خداوند استدلال می‌نمایند: ﴿فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً﴾ [النساء: ۲۴] یعنی: آنچه که استفاده می‌کنید از زنان پس عوض آن را برای شان بدهید که این یک شیء تعیین شده است. در حالیکه اسلام این نوع نکاح را که در آن زمان محدودی تعیین می‌شود حرام ساخته است، ولی اهل سنت نیت دوام و همیشگی را در نکاح شرط می‌دانند، برای نکاح متعه تأثیرات منفی زیادی بالای اجتماع وجود دارد.

- معتقداند که نزد آنان قرآن دیگری وجود دارد بنام مصحف فاطمه، کلینی در کتاب خود الکافی صفحه ۵۷ طبع ۱۲۷۸هـ از ابوبصیر «یعنی از جعفر الصادق» نقل می‌کند: نزد ما مصحف فاطمه علیه السلام وجود دارد، می‌گوید برایش گفتم مصحف فاطمه چیست؟ گفت مصحفی است که آن سه برابر قرآن شما است، سوگند به خدا که در آن حرفی از قرآن شما وجود ندارد.

- براءت و یابیزاری: آنان از خلفاء سه گانه ابوبکر، عمر، و عثمان رضی الله عنهم بیزاری خود را اعلان نموده آنان را به بدترین صفات یاد می‌کنند، زیرا آن سه به عقیده ایشان خلافت را از علی که وی مستحق آن بود غصب نموده‌اند، همچنان آنان در هرکار در بدل گفتن بسم الله به لعنت گفتن ابو بکر و عمر رضی الله عنهما شروع می‌کنند، تعداد زیاد دیگری از اصحاب کرام را نیز لعنت نموده از طعن و لعنت ام المؤمنین حضرت عائشه صدیقه نیز پرهیز نمی‌کنند.

- غلو و افراط: بعضی از آنان در شخصیت علی رضی الله عنه افراط می‌نمایند، شیعه‌های غالی

مثل فرقه «سبئیه» وی را به مرتبه خدائی بالا برده‌اند، و بعضی از فرقه‌های دیگر شان می‌گویند: جبرئیل در آوردن وحی و رسالت غلط نموده به عوض آنکه بالای حضرت علی وحی را نازل کند بالای محمد ﷺ نازل نمود، زیرا علی با محمد ﷺ چنان مشابهت داشت که زاغ با زاغ می‌داشته باشد، از همین وجه این فرقه را «غرایبه» گفته‌اند، [غراب به عربی زاغ را می‌گویند].

- عید غدیر خم: این عید شان مصادف است به هجدهم ذوالحجه، این عید را از عید اضحی و عید فطر بهتر می‌دانند، و آن را عید اکبر می‌گویند، روزه گرفتن در آن روز نزدشان سنت موکد است، البته این عید عبارت از همان روزی است که ادعا می‌نمایند: حضرت محمد ﷺ در این روز علی را به جانشینی خود وصیت نمود.

- عید نوروز را که از عیدهای فارسیان [سابق] می‌باشد، تعظیم می‌نمایند، و بعضی شان غسل نمودن را در آن روز سنت می‌گویند.

- آنان عید دیگری هم دارند که آن را نهم ربیع الاول برگذار می‌نمایند، و آن عید پدرشان (بابا شجاع الدین) است، این نام را برای ابولولو مجسوسی که حضرت عمر بن الخطاب ؓ را به قتل رسانیده بود، لقب نهاده‌اند.

- در دهه اول ماه محرم مراسم عزاء و گریه برگذار می‌نمایند و در آن تصویرها درست می‌کنند، سینه زنی می‌کنند و اظهار جزع و چندین کارهای حرام دیگر از آنان صادر می‌شود، البته به این عقیده که این کارها سبب قربت به نزد خداوند ﷻ بوده کفاره خطایا و گناهان شان می‌شود، کسی که در مراسم آنان در جاهای مقدس شان مثل کربلاء، نجف، قم، و ... برود چیزهای عجیب و غریبی را مشاهده خواهد کرد.

### ریشه‌های فکری و اعتقادی:

بعضی از پژوهشگران تشیع را به روز جمل رجع می‌دهند، بعضی دیگر به تاریخ کشته شدن عثمان ؓ و بعضی دیگر هم ابتداء ظهور آن را روز صفین می‌دانند.

- معتقدات فارسیان [قبل از اسلام] در تشیع انعکاس نمود، فارسیانی که شیعه‌ها به ملک میراثی آنان عقیده دارند، فارس در تشیع سهم فعالی گرفت تا از اسلام که شوکت و دولت آنان را شکستاده بود، به نام خود اسلام، انتقام بگیرد.

- فکر شیعی با فکری که از عقاید و ادیان آسیائی مثل: بودائی، مانوی و برهمیه آمده بود، خلط گردیده قول به تناسخ و حلول نیز نموده‌اند.

- شیعه‌ها افکار خویش را از یهودیت نیز گرفته‌اند افکاری که در آن علایم بت پرستان، آشوریه و بابلیه نیز موجود است.
- اقوال شان درباره علی بن ابی طالب و ائمه اهل بیت مشابه به اقوال نصاری درباره عیسی علیه السلام می‌باشد، در کثرت عیدها، کثرت تصویرها، و درست کردن خارق العادات و نسبت دادن آن به سوی ائمه نیز با نصاری مشابهت دارند.

### انتشار و جاهای نفوذ:

فعلا شیعه امامیه (اثنا عشریه) در ایران منتشر گردیده در آنجا تمرکز دارد، تعداد زیادی از آنان در عراق نیز وجود دارند، وجود شان به پاکستان نیز امتداد یافته تعدادی از آنان در لبنان و در سوریه نیز تعداد کمی از آنان وجود دارد، ولی ایشان ارتباط محکمی با فرقه نصیریه، که از شیعه‌های غالی می‌باشند، دارند.

### مراجع:

- ۱- المذاهب الاسلامیه محمد ابوزهره- مطبعة نموذجیه - در قاهره.
- ۲- مقالات الاسلامیین ابو الحسن الاشعري - ط ۲- ۱۳۸۹هـ / ۱۹۶۹م.
- ۳- الشافعی محمد ابوزهره- دارالفکر العربی- مصر.
- ۴- تاریخ الإمامیه و أسلافهم د. عبد الله فیاض- مطبعة اسعد- بغداد- الشیعه ۱۹۷۰م.
- ۵- دراسات فی الفرق د. صابر طعیمه- مکتبه المعارف بالریاض- ۱۴۰۱هـ / ۱۹۸۱م.
- ۶- مختصر تحفة الإثناعشریه تحقیق محب الدین خطیب- قاهره- المطبعة السلفیه- ۱۳۷۳هـ.
- ۷- الملل و النحل ابوالفتح شهرستانی- دار المعرفة- بیروت- ط ۲- ۱۳۹۵هـ / ۱۹۷۵م.
- ۸- الشیعه و السنة احسان الهی ظهیر- اداره ترجمان السنة- لاهور پاکستان - ط ۵- ۱۳۹۷هـ / ۱۹۷۷م.

٩- الشيعة و التشيع احسان الهي ظهير - ادارة ترجمان السنة - لاهور- ط١- ١٤٠٤ هـ / ١٩٨٤ م.

١٠- الشيعة واهل البيب احسان الهي ظهير- ادارة ترجمان السنة.

١١- الشيعة والقرآن احسان الهي ظهير - ادارة ترجمان السنة - ط٣- ١٤٠٣ هـ / ١٩٨٣ م.

١٢- الفصل في الملل و الاهواء ابن حزم- جده- طبع ١٤٠٢ هـ / ١٩٨٢ م و النحل

١٣- الخطوط العريضة محب الدين خطيب - ط٥- القاهرة- المطبعة السلفية - ١٣٨٨ هـ.

## کمونیسم

### تعریف:

کمونیسم یک مذهب فکری الحادی می‌باشد که مبنای آن بر الحاد بوده ماده را اساس تمام اشیاء می‌داند، و تاریخ را به مقابله در میان طبقات، و عوامل اقتصادی، تفسیر می‌نماید، این حزب توسط مارکس و انگلز در آلمان قدم به ظهور نهاده در انقلاب بلشویکی، که سال ۱۹۱۷م در روسیه، به طرح یهود به راه افتاد، قوت گرفت، و توسط آتش و آهن توسعه یافت، مسلمانان از این حزب خیلی زیاد متضرر گردیدند، واقوامی هم بوده که توسط آن از صفحه تاریخ محو گردیده است.

### تأسیس و افراد برازنده:

- تهداب فکری و نظری این حزب توسط کارل مارکس یهودی آلمانی (۱۸۱۸-۱۸۸۳م) وضع گردیده است، وی نواسهٔ حاخام یهودی معروف به (مرد خای مارکس) می‌باشد، کارل مارکس یک شخص خود خواه، متغیر المزاج، و مادی بود، از جملهٔ تالیفاتش کتاب‌های ذیل است:

\* البيان الشيوعي «تفسیر و بیان اشتراکی و کمونستی» که سال ۱۸۴۸م ظاهر گردید.

\* رأس المال، سال ۱۸۶۷م ظاهر گردید.

- در مفکوره‌سازی برای مذهب، فردریک انگلز (۱۸۲۰-۱۸۹۵م) که دوست صمیمی کارل مارکس بود، با وی همکاری نمود، این شخص در نشر مذهبش نیز با وی همکاری نموده نفقهٔ مارکس و فامیلش را تا وقت مردنش به دوش گرفته بود، از تالیفات وی کتب ذیل می‌باشد:

\* أصل الأسرة. \* الخاصة و الدولة.

\* الثنائية في الطبيعة. \* الإشتراكية الخرافية و الإشتراكية العلمية.

- لینین: نام اصلی‌اش: «ولادیمیر الیتش بولیانوف» بود، وی رهبر انقلاب خونخوار بلشویکی (۱۹۱۷م) در روسیه، و دکتاتور خوفناک آن می‌باشد، خیلی سنگدل، مستبد

الرأی، وکینه توز بالای بشر بود، سال (۱۸۷۰م) تولد گردیده و سال (۱۹۲۴م) درگذشت، بعضی تحقیقات نشان می‌دهد که لنین در اصل یهودی بوده و نامش هم از نام‌های یهودی بود و بعداً به اسم روسی که به آن مشهور است خود را مسمی کرد، و در این کار وی با تروتسکی مشابهت دارد.

- لنین کسی است که کمونستی را نافذ نموده مورد اجرا قرار داد، وی کتب، سخنرانی‌ها، و نشرات زیادی دارد که مهم‌ترین آن‌ها در مجموعه‌ای تحت اسم «مجموعه المؤلفات الکبری» جمع آوری شده است.

- ستالین: نام اصلی اش «جوزیف فادیونوفتش زو جاشفلی» (۱۹۷۹م - ۱۹۵۴م)، وی سرکرته حزب کمونستی و رئیس آن بعد از لنین بود، در سنگدلی، ظلم، طغیان، دکتاتوری، و اصرار به رأی و نظریه خود، شهرت داشت، وی در پاکسازی دشمنان طریقه قتل و کشتن و تبعید را اختیار می‌نمود، عملکردهایش این را ثابت نموده که به خاطر خودش حاضر بود تمام ملت‌ها را قربان سازد، باری همسرش با وی مناقشه نمود بنا بر آن وی را به قتل رسانید.

- تروتسکی: (۱۸۷۹م) تولد شده و سال (۱۹۴۰م) به طرح استالین ترور گردیده است، وی یک یهودی بود و نام اصلی اش «بروشتاین» می‌باشد، وی مقام بزرگی در حزب داشت، بعد از انقلاب امور خارجی را به دوش داشت، بعد از آن امور جنگی به وی سپرده شد، بعداً به اتهام فعالیت ضد مصلحت حزب از حزب اخراج گردید، البته این بخاطری بود که میدان ستالین خالی شود، که بعداً به خاطر نجات کامل از وی تدبیر ترورش را سنجیده وی را به ترور رسانید.

### افکار و معتقدات:

- انکار از وجود خداوند ﷻ و از تمام غیبیات، و قول نمودن به اینکه اساس تمام اشیاء ماده است، شعارشان این بود که: به سه کس ایمان داریم: مارکس، لنین و ستالین، و به سه چیز کافر هستیم: الله، دین، ملکیت شخصی، لعنت خدا بر آنان باد.

- تاریخ بشر را به مقابله میان طبقه سرمایه داران و طبقه تهیدستان تفسیر نموده‌اند و این مسابقه به پندارشان توسط دکتاتوری تهیدستان به پایان خواهد رسید.

- با آدیان دشمنی نموده آن را وسیله در دام انداختن اقوام، و خادم راسمالیزم و امپریالیزم و استثمار می‌دانند، ولی از این میان یهودیت را استثناء نموده می‌گویند که

یهود یک طبقه مظلوم بوده به دین خود ضرورت دارند تا حقوق غصب شده خویش را دوباره اعاده نمایند.

- با ملکیت شخصی دشمن اند و قول به اشتراکیت و الغاء وراثت می نمایند.
- در مقابل ماده و طرق تولید، کار نزدشان ارزشی ندارد.
- تمام تغییراتی که در عالم میاید به نظر آنان همه آن نتیجه حتمی تغییر وسائل تولید است، فکر، تمدن و ثقافت نیز زاده پیشرفت اقتصادی می باشد.
- می گویند: اخلاق نیز از امور نسبتی بوده، که در حقیقت انعاس اسباب تولید می باشد.
- بالای اقوام توسط آهن و آتش حکومت می نمایند، کار فکری آنجا مجالی ندارد، نزد آنان در راه رسیدن به هدف از هرگونه وسیله استفاده کردن جائز است.
- معتقدند که آخرت وجود ندارد، و جز در همین دنیا دیگر نه عذاب وجود دارد و نه هم ثواب.
- به ازلیت و قدیم بودن ماده ایمان داشته معتقداند که محرک اول از برای افراد و جماعت عوامل اقتصادی می باشد.
- به دکتاتوری طبقه کارگر قائل بوده بشارت به حکومت جهانی می دهند.
- کمونستی به مقابله و شدت باور داشته در راه بر انگیختن کینه و دشمنی میان کارگران و طبقات دیگر سعی و کوشش می نماید.
- دولت عین حزب و حزب عین دولت می باشد.
- مکتب سیاسی اول انقلاب بلشویکی از هفت شخص تشکیل می شود که به جز یک آنان دیگران همه یهودی بودند، و این خود اندازه ارتباط میان کمونستی و یهودیت را ظاهر می نماید.
- می پندارند که قرآن در دوران حکومت عثمان - رضی الله عنه - وضع گردیده و تا قرن هشتم چندین بار تغییرات در آن آمده است، و چنین می گویند که قرآن سلاح در دام انداختن اقوام می باشد.
- مارکسیست ارتباط خانوادگی را انکار نموده آن را سبب تقویه جامعه سرمایه داری می داند، بنابراین ضرور است که جای آن را اختلاط جنسی اشغال نماید.
- در راه رسیدن به هدف خویش از هیچگونه کاری، هر اندازه که کار خراب باشد، امتناع نمی ورزند، و هدفشان هم عبارت از آنست که تمام جهان کمونستی گردیده

تحت سیطره و حکومت آنان باشد. لینین می‌گوید: «از بین رفتن و هلاک شدن سه ربع عالم (۷۵٪) کار مهمی نیست، ولی مهم آنست که یک ربع باقی آن کمونست گردد»، این قانون را آنان در دوران انقلاب و بعد از آن در روسیه تطبیق نمودند، همچنان در چین و مناطق دیگر که میلیون‌ها انسان را هلاک کردند، تجاوزشان در افغانستان، بعد از تجاوز آنان در جمهوریت‌های اسلامی دیگر مثل: بخارا، سمرقند، و بلاد شیشان و شرکس، نیز تحت همین قاعده جنایت انگیز داخل می‌شود.

- مساجد را تخریب نموده بعضی از آنها را جاهای اجتماع و مراکز حزب می‌سازند، و مسلمانان را از اظهار شعائر دینی شان منع می‌نمایند، داشتن قرآن کریم باخود جرم بزرگی است که جزاء آن یک سال کامل حبس می‌باشد.

- توسعه و گسترش آنان بالای مسلمانان بود، بلادشان را اشغال نمودند، مردم شان را نابود ساختند، دارائی‌های شان را به سرقت بردند و به حرمت دین و مقدسات شان تجاوز کردند.

- برای از بین بردن و دور کردن مخالفین از راه خیانت، عهد شکنی و ترور نمودن‌ها استفاده می‌نمایند و لو که از اعضاء حزب شان هم باشد.

### ریشه‌های فکری و اعتقادی:

- کمونیسم نمی‌تواند موافقت و همدستی خود را با یهود و کار خود را بخاطر برآورده ساختن اهداف یهود، پنهان نگه دارد، در هفته اول انقلاب، فرمانی دارای دو شق، به طرفداری یهود صادر گردید:

الف: دشمنی با یهود دشمنی باجنس عالی شناخته شده قانون در مقابل آن مجازات خواهد کرد.

ب: اعتراف به حق یهود در ایجاد یک وطن قومی برای خود در سرزمین فلسطین.

- مارکس خودش تصریح می‌نماید که وی با فیلسوف صهیونزم یکجا شده تهداب نظری حزب را وضع نمود، مراد از فیلسوف مذکور (موشیه هیس) استاد هرترزل رهبر مشهور صهیونیزم، می‌باشد.

- پدرکلان مارکس همانا حاخام یهودی می‌باشد که در میان یهود بنام (مردخای مارکس) مشهور است.

- مارکسیسم علاوه بر مفکوره یهودی، به تعدادی از افکار و نظریات الحادی دیگر



نیز متأثر گردیده که از جمله آن‌ها نظریات ذیل می‌باشد:

- \* مدرسهٔ عقلی و مثالی هیجل. \* مدرسهٔ حسّی وضعی کومت.
- \* مدرسهٔ فیورباخ در فلسفهٔ طبیعی انسان \* مدرسهٔ باکونین صاحب مذهب مختلط بی‌منهج.

### انتشار و جاهای نفوذ:

- فعلا کمونیسم بالای چندین کشور حکومت دارد که از آنجمله است کشورهای ذیل:

- ۱- اتحاد شوروی. ۲- چین. ۳- چکسلواکیا. ۴- مجر. ۵- بلغاریا. ۶- پولندا. ۷-
- آلمان شرق. ۸- رومانیا. ۹- یوگوسلاویا. ۱۰- البانیا. ۱۱- کوبا.

- معلوم است که دخول کمونیسم در دولت‌های مذکور از طریق زور، آتش و تسلط استعماری بود، از همین جهت اکثر ملت‌های این کشورها، بعد از آنکه کمونیسم را دانستند، درغم واندوه مضطرب گردیده فهمیدند که این آن جنت فردوسی نیست که برای شان وعده داده شده بود، بنابراین شورش‌ها و انقلاب‌هایی که گاه اینجا و گاه آنجا ظاهر می‌گردد شروع شد، چنانچه در پولندا، مجر، و چکسلواکیا به وقوع پیوست، همانطور تقریباً دو دولت کمونستی را نمی‌یابی که میان شان اتفاق پایدار وجود داشته باشد.

- در کشورهای اسلامی از جهل و نادانی بعضی حکمرانان، و آزمندی آنان بر دوام چوکی شان حتی در بدل دین، استفاده نموده‌اند، همچنان کمونست‌ها افغانستان را اشغال نموده گروه‌های مسلمانش را مجبور به ترک وطن کرده‌اند، و در بعضی کشورهای اسلامی دیگر توسط عمال خویش حکومت می‌کنند.

- دولت‌های کمونستی میلیون‌ها کتاب و نشریه را، در تمام اطراف عالم، بخاطر انتشار مذهب خویش، مجاناً توزیع می‌نمایند.

- کمونیسم تقریباً در تمام کشورهای عربی و اسلامی احزابی برای خود تشکیل داده است، در مصر، عراق، سوریه، لبنان، فلسطین، اردن، تونس و غیره احزابی از آن وجود دارد.

- آنان به اممیت [داخل کردن املاک شخصی در بیت المال] ایمان دارند و در راه تحقق

خواب دیرین شان که همانا حکومت جهانی می‌باشد کوشش می‌نمایند و به آن مردم را بشارت می‌دهند.

### مراجع:

- ۱- السرطان الاحمر د. عبدالله عزام.
- ۲- بلشفة الإسلام د. صلاح الدين.
- ۳- حقایق الشيوعية نهاد غادري.
- ۴- الشيوعية والشيوعيون د. عبدالجليل شبلي. في ميزان الاسلام.
- ۵- السراب الاكبر أسامة عبدالله خياط.
- ۶- المذاهب العاصره و د. عبدالرحمن عميره. موقف الاسلام منها
- ۷- حوار مع الشيوعية في عبد الحليم خفاجى. اقبية السجون
- ۸- لهذا نرفض الماركسيه د. عبدالرحمن البيضانى.
- ۹- الشيوعية وليدة الصهيونية احد عبد الغفور عطار.

## صابئة مندائیه

### تعریف:

صابئة مندائیه یگانه گروه صابئه است که تا امروز باقی مانده، این طایفه «یحیی» علیه السلام را پیامبر خود می‌دانند، ستاره‌ها را تقدیس و تعظیم می‌نمایند، روی گردانیدن به طرف ستاره قطب شمال و تعمید در آب‌های جاری از شعائر بزرگ این دین به شمار می‌رود، اکثر فقهاء مسلمانان گرفتن جزیه را از اهل این دینت مثل گرفتن از اهل کتاب یعنی یهود و نصارا جائز می‌دانند.

### تأسیس و افراد برازنده:

- صابئة مندائیه ادعا می‌کنند که سابقه دین ایشان به دوران آدم علیه السلام باز می‌گردد.
- خود را به سام بن نوح علیه السلام نسبت می‌دهند، بناء آنان سامی‌اند.
- می‌پندارند که یحیی علیه السلام پیامبر ایشان است و به سوی آنان فرساده شده بود.
- اولاً در قدس اقامت داشتند، بعد از میلاد از فلسطین اخراج کرده شدند، و به شهر حران هجرت نمودند و در آنجا به اطرافیان خویش تأثیر گذاشتند و خودشان نیز از ستاره پرستان یعنی از صابئة حران متأثر گردیدند.
- از حران به وطن فعلی شان در جنوب عراق و ایران هجرت نموده آنجا تاحال زندگی می‌نمایند، و بنام صابئة بطایح شناخته می‌شوند.
- کنز برا شیخ عبدالله بن شیخ سام از جمله ایشان است که سال ۱۹۶۹م به حیث رئیس روحی آنان در بغداد اقامت داشت، و سال ۱۹۵۴م در خانه‌ای که در جوار سفارت بریتانیا، در کرخ بغداد موقعیت داشت اقامت می‌نمود.

### افکار و معتقدات:

#### اول: کتب آنان:

- نزد آنان تعدادی از کتب مقدسه وجود دارد و به لغت سامیه که نزدیک به لغت سریانی می‌باشد، نوشته شده است، و آنان عبارت‌اند از:

- ۱- کتزاربا: یعنی کتاب بزرگ، معتقداند که آن صحیفه‌های آدم علیه السلام است، در آن کتاب، مباحث بزرگی از نظام تکوین عالم، حساب مخلوقات، دعاها، وقصه هاوجود دارد، نسخهٔ کاملی از آن در خزانهٔ متحف عراقی موجود است، این کتاب سال ۱۸۱۵م در کوبنهاجن و سال ۱۸۶۷م دربی‌زیغ چاپ شده است.
- ۲- دراشة ادیپا: یعنی تعالیم یحیی، در این کتاب تعالیم وزندگی نامهٔ یحیی علیه السلام وجود دارد.
- ۳- فلستا: یعنی کتاب عقد نکاح، این کتاب به محافل و نکاح شرعی و خطبه تعلق دارد.
- ۴- سدره ادنشائا: این کتاب پیرامون: تعمید، سوکواری، دفن، انتقال روح از جسد به زمین واز آنجا به عالم انوار، می‌چرخد، یک نسخهٔ جدیدی از این کتاب که به لغت مندائیه نوشته شده، در خزانهٔ متحف عراقی موجود است.
- ۵- کتاب الادیونان: در این کتاب قصه‌ها و تصویرهای بعضی روحانیون وجود دارد.
- ۶- کتاب اسفر ملواشه: یعنی سفر بروج بخاطر شناختن حوادث سال آینده از طریق علم فلک و نجوم.
- ۷- کتاب النیانی: یعنی اشعار واذکار دینی، یک نسخهٔ آن در متحف عراقی موجود است.
- ۸- کتاب قهاها ذهیقل زیوا: این کتاب دارای دوصد سطر بوده و عبارت از حرز و حجابی است که آنان دربارهٔ آن چنین عقیده دارند: کسی که آن را باخود داشته باشد در آن شخص سلاح و آتش کار نمی‌کند.
- ۹- تفسیر بغره: این کتاب مخصوص به تشریح جسم انسان و ترکیب آن بوده، و نیز طعام‌هایی را بیان می‌کند که در مناسبات و مراسم مختلف دینی خورده می‌شوند.
- ۱۰- کتاب ترسراف شیهاله: یعنی کتاب دوازده هزار سؤال، این کتاب در برگیرندهٔ غلطی‌های طریقه‌ها و طریق مغفرت آن بوده، همچنان بعضی شعائر دینی دیگر را نیز مشتمل می‌باشد.

۱۱- دیوان طقوس التطهیر: آن کتابی است که طرق تعمید را با انواع واقسامش بیان نموده و به شکل دیوان می‌باشد.

۱۲- کتاب کداوا کدفیاتا: یعنی کتاب تعویذات.

### دوم: طبقات رجال دین:

شرط است که باید شخصیت دینی جسم سالم، حواس درست، متأهل، فرزنددار، وختنه ناشده باشد، سخن شخصیت دینی در امور دینی این طائفه، مثل حالات ولادت، نام گذاری، تعمید، ازدواج، نماز، ذبح و جنازه، مقبول و نافذ بوده قرار ذیل طبقه بندی شده‌اند:

۱- حلالی: به نام «شماس» یاد می‌شود، وظیفه‌اش اینست که با جنازه می‌رود و سنت ذبح را میان مردم برپا می‌نماید، این شخص جز با دختر خانه با دیگر کسی ازدواج نمی‌کند، اگر با بیوه ازدواج نماید از رتبه‌اش افتیده و از وظیفه‌اش سبکدوش می‌گردد، مگر در صورتی از رتبه‌اش پایین نمی‌آید که خودش با همسرش (۳۶۰) بار در آب نهر جاری غوطه بخورند.

۲- ترمیده: وقتی حلالی هر دو کتاب مقدس را یعنی «سدره ادنشماتا و نیانی» را که کتاب‌های تعمید و اذکار است، دانست، وظیفه‌ی تعمید را توسط غوطه خوردن در آبی که نزد «المندی» موجود است، انجام می‌دهد، و تا هفت روز دیگر بخاطری که احتلام نشود، بیدار باقی می‌ماند، البته در آن هفت روز باید لحظه‌ای هم چشمش بسته نشود، بعد از آن همین حلالی به مرتبه ترمیده ارتقا نموده وظیفه‌اش در عقد و نکاح نمودن دختران خانه منحصر می‌باشد.

۳- ایسق: ترمیده‌ای که مختص به عقد بیوه گان شود، وی به ایسق تبدیل شده از این رتبه‌اش دیگر انتقال نمی‌کند.

۴- کنزبرا: ترمیده دانشمندی که هرگز عقد بیوه گان را نبسه باشد ممکن است که به کنزبرا تبدیل شود، البته این در صورتی می‌شود که کتاب کنزرا را حفظ نماید، در آن وقت وی مفسران گردیده چیزهائی که به دیگران جائز نیست به وی جائز می‌گردد، و اگر کسی را از افراد این طائفه قتل نماید از وی قصاص گرفته نمی‌شود، زیرا وی رئیس الهی بالای طائفه می‌باشد.

۵- ریش امه: یعنی رئیس امت و صاحب کلام مقبول و نافذ در امت، در میان صابئة

امروزی کسی که به این مرتبه رسیده باشد وجود ندارد، زیرا وی به علم زیاد و قدرت کامل ضرورت دارد.

۶- ربانی: به این درجه جز یحیی بن زکریا علیهما السلام دیگر هیچ کس نرسیده است، همچنان جائز نیست که در یک وقت و زمان دو ربانی وجود داشته باشد، شخص ربانی بالا می‌رود تا در عالم انوار سکونت کند، باز پایین می‌آید تا به گروه خود تعالیم دین را برساند، و دوباره به عالم ربانی و نورانی خود بالا می‌رود.

### سوم: إله و یا پروردگار:

- در اصل به وجود إله و پروردگار یکتا، خالق و ازلی که حواس او را درک نمی‌کند و مخلوق به او نمی‌رسد، عقیده دارند.

- لیکن بعد از این پروردگار، آنان عقیده دارند که (۳۶۰) شخص دیگر وجود دارد که کارهای پروردگار را انجام می‌دهند، این اشخاص خدایان و آلله نیستند، ملک و فرشته نیز نیستند ولی همه کارها را، از قبیل رعد، برق، باران، آفتاب، شب، روز، و ... انجام می‌دهند، آن اشخاص غیب را می‌دانند و هر کدام شان در عالم انوار مملکتی دارند.

- این (۳۶۰) شخص مثل دیگر مخلوقات زنده خلق نشده‌اند، لیکن خداوند آنان را نام گرفته ندا نمود و آنان خلق شده به زانی از جنس خود شان ازدواج نمودند، طریق توالد و تناسل شان اینطور است که فردی از آنان کلمه‌ای را تلفظ نموده در اثر آن زنش فوراً حامل شده یکی از آنان را تولد می‌کند.

- معتقداند که ستاره‌ها جای سکونت ملائکه است، از همین جهت ستاره‌ها را تعظیم و تقدیس می‌نمایند.

### چهارم: المندی:

- مندی عبارت از معبد صابئه می‌باشد، کتب مقدس شان نیز آنجا می‌باشد، مراسم تعمید شخصیات دینی نیز در آن انجام داده می‌شود، که حین تعمید به کنار راست نهر جاری ایستاده می‌شوند، یک دروازه می‌داشته باشد که به طرف جنوب می‌باشد به قسمی که شخص داخل شونده رویش طرف ستاره قطب شمال قرار گیرد، وجود یک جوی آب که متصل به آب نهر باشد ضروری می‌باشد، دخول زنان در آن جائز نیست، و در اوقات کار وجود پرچم یحیی علیه السلام در بالای آن حتمی است.

**پنجم: نماز:**

- در یک روز سه بار ادا می‌شود: پیش از آفتاب برآمد، وقت زوال و پیشتر از غروب، و در روزهای یکشنبه و عیدها مستحب است که با جماعت ادا شود، و در نماز ایشان ایستاده شدن، رکوع، نشستن بر زمین بوده سجده ندارد، تقریباً یک ساعت و پانزده دقیقه را در بر می‌گیرد، نماز گزار در وقت نماز متوجه بطرف برج جدی بوده لباسش پاک و پاهایش برهنه باشد، هفت بار قرائت نماید که در قرائت خود پروردگار را تمجید نموده از وی استمداد نماید و در خواست سهولت اتصال به جهان انوار را نماید.

**ششم: روزه:**

- صابئة امروزی روزه را حرام دانسته آن را از جمله تحریم نمودن چیزهای حلال خداوند می‌دانند.

- لاکن در طول سال به مدت سی و شش روز از خوردن گوشت‌هاییکه برای شان حلال است امتناع می‌ورزند، البته این ایام ضروری نیست که پی در پی باشد.

- ابن ندیم متوفی سال ۳۸۵هـ در فهرست خود و ابن عبری متوفی سال ۶۸۵هـ در تاریخ مختصر دول چنین می‌گویند که روزه در هر سال ۳۰ روز بالای شان فرض بود [ولی صابئة امروزی آن را تغییر داده‌اند].

**هفتم: طهارت:**

- طهارت بالای مرد و زن یکسان و بدون تفاوت فرض می‌باشد.

- طهارت در آب‌های جاری که از مجرای طبیعی‌اش قطع نشده باشد انجام می‌شود.

- جنابت به طهارت ضرورت دارد که آن با غوطه خوردن سه بار در آب جاری بانیت غسل انجام می‌شود، البته بدون قرائت. زیرا در آن حالت قرائت جائز نیست.

- بعد از غوطه خوردن در آب وضو کردن واجب بوده، و وضو کردن برای هر نماز نیز واجب می‌باشد. طریقه وضو چنین است که شخص در وقت وضوکردن متوجه به ستاره قطب بوده به کیفیتی آن را انجام می‌دهد که مشابه به وضوء مسلمان است. در وقت وضو دعا‌های خاصی را نیز می‌خوانند.

- شکننده‌های وضو: بول، غائط، باد، دست زدن به زن حائضه و نفاس.

**هشتم: تعمید و اقسام آن:**

- تعمید بزرگ‌ترین شعائر این دین به شمار می‌رود و آن انجام نمی‌شود مگر در آب جاری و تکمیل نمی‌شود مگر به غوطه خوردن در آب، برابر است که تابستان باشد و یا زمستان، ولی در این اواخر رجال دین برای شان اجازه غسل کردن در حمام را نیز داده‌اند و همچنان برای شان طهارت کردن در آب‌های چشمه را اجازه داده‌اند.

- باید تعمید توسط شخصیات دینی انجام شود.

- تعمید در حالت ولادت، نکاح، و تعمید اجتماعی و عیدها، به شرح ذیل انجام

می‌شود:

الف - ولادت: طفل بعد از چهل و پنج روز تعمید کرده می‌شود تا از پلیدی‌های ولادت پاک شود، یعنی طفل در آب جاری تازانوهایش در حالی داخل کرده می‌شود که رویش بطرف ستاره قطب باشد و در دستش انگشتر سبزی از آس باشد.

ب - تعمید نکاح: این تعمید در روز یکشنبه به حضور ترمیده و کنز برا، با غوطه خوردن سه بار در آب، همراه با تلاوت کتاب فلستا، با لباس خاصی انجام می‌شود، بعد از آن زن و شوهر از گیلادی که پر از آب شده باشد و آن آب از نهریکه بنام ممبوهه یاد می‌شود گرفته شده باشد، می‌نوشند. بعد از آن هر دو (البهته) را می‌خورند و پیشانی خویش را بر روغن کنجد چرب می‌کنند، این عملیه به زن و شوهر به هر کدام جدا جدا انجام می‌شود. بعد از آن بخاطر اینکه آندو پلیداند تا هفت روز کسی بطرفشان نزدیک نمی‌شود. بعد از گذشت هفت روز هر دو شخص بار دیگر تعمید نموده ظرفی که در آن‌ها خورده بودند و یا نوشیده بودند شسته می‌شود.

ج - تعمید اجتماعی: این تعمید در هر عید (پنجه) در کیسه هر سال [شرح کیسه عنقریب می‌آید] به مدت پنج روز انجام می‌شود، و تمام افراد طائفه را، اعم از مرد و زن، کلان، و خرد، شامل می‌باشد، که توسط غوطه خوردن سه بار، در آب جاری، قبل از خوردن طعام، در هر روز از روزهای پنجگانه، صورت می‌پذیرد. و مقصود از آن کفاره و مغفرت گناهان و خطایائی است که در تمام سال گذشته مرتکب شده‌اند، در این ایام پنجگانه انجام تعمید در شب و روز درست است ولی در مراسم دیگر، تعمید جز در روز نهم در روز یکشنبه دیگر جائز نیست.

د - تعمید عید: و عیدها قرار ذیل‌اند:

\* عید بزرگ: عید پادشاه انوار، در این عید (۳۶) ساعت پی در پی، درخانه‌های



خویش به اعتکاف می‌نشینند، و در این مدت از خوف اینکه شیطان نیاید لحظه‌ای هم به خواب نمی‌روند، زیرا احتلام خوشی شان را از بین می‌برد، بعد از اعتکاف متصلًا به آب غوطه می‌خورند، مدت عید چهار روز می‌باشد، که در آن روزها بره‌ها و مرغ‌ها ذبح می‌شود، و به هیچ کاری از کارهای دنیوی نمی‌پردازند.

\* عید کوچک: که شرعاً یک روز است ولی گاهی بخاطر کثرت رفت و آمد به سه روز طول می‌کشد، این عید (۱۱۸) روز بعد از عید بزرگ انجام می‌شود.

\* عید پنجه: سخن از این عید پیشتر گذشت، به مدت پنج روز ادامه می‌داشته باشد، که چهار ماه بعد از عید کوچک می‌آید.

\* عید یحیی: یک روز می‌باشد و از مقدس‌ترین ایام به شمار می‌رود که (۶۰) روز بعد از عید پنجه می‌آید، در این روز تولد یحیی عليه السلام، که وی را پیامبر خاص خود می‌دانند، صورت گرفته بوده، پیامبری که آمده بود تا خرافاتی را که در دین آدم عليه السلام، به سبب دوری زمان، داخل شده بود، دور نموده دو باره آن دین را صفاء بخشد.

ه- تعمید شخص قریب الموت و دفن آن:

\* وقتی صابی نزدیک مردن می‌شود- قبل از بیرون شدن جانش - باید به آب جاری برده شود تا عملیۀ تعمیدش انجام شود.

\* کسی که بدون تعمید بمیرد وی نجس بوده لمس کردن آن حرام می‌باشد.

\* در وقت تعمید، وی را روی به طرف ستاره قطب شمالی نشانده غسل می‌دهند، بعداً به خانه‌اش آورده روی به طرف ستاره قطب، بر فرازش می‌نشانند، تا آنکه وفات نماید.

\* سه ساعت بعد از موتش غسل داده می‌شود، کفن کرده می‌شود و در همانجا که وفات کرده دفن می‌شود، زیرا نقل آن از یک قریه به قریه دیگر مطلقاً جائز نیست.

\* کسی که ناکرہانی کشته شود و یا بمیرد، غسل داده نمی‌شود و لمس کرده نمی‌شود، بلکه کنزبراً واجب تعمید را از طرف وی انجام می‌دهد.

\* صابی به این طریق دفن می‌شود که: به پشت خوابانیده شده رویش و پاهایش بطرف برج جدی می‌باشد، بخاطر آنکه وی وقتی برانگیخته شد رویش به طرف ستاره ثابت بالذات باشد.

\* در دهن میت اندکی خاک می‌اندازند، البته از اولین خاکی که از قبرش کنده‌اند.

\* با لای اهل و خانواده میت گریه کردن، آواز کشیدن و بی صبری کردن حرام

است، زیرا مردن نزد آنان سبب سرور و خوشی بوده روز ماتم، نظر به وصیت یحیی علیه السلام به زوجه‌اش، روز بسیار خوشی به شمار می‌رود.

\* نزد آنان همیشه بودن در دوزخ وجود ندارد، بلکه وقتی انسان می‌میرد یا جنت برده می‌شود و یا به پاک کننده، [یعنی دوزخ] و در آنجا به درجات متفاوت، تا وقت پاک شدنش عذاب می‌شود و بعد از آن روحش به ملا الاعلی انتقال می‌نماید، و روح جاویدان بوده جسد فانی می‌شود.

### نهم: افکار و معتقدات دیگر:

- بکاره: مادر کنز برا و یا زوجه‌اش دختران خانه را، بعد از تعمید شان، تا وقت تسلیم شان به شوهر، بخاطر تاکید بقاء بکارت و دختری شان، تفتیش و بررسی می‌نماید.

- گناه: وقتی زن یا دختر فعل زنا را مرتکب شود کشته نمی‌شود، بلکه باوی ترک سخن می‌نمایند، و برایش ممکن است که توسط غوطه خوردن در آب جاری گناهش بخشوده شود.

- دین شان به طلاق اعتراف ندارد، مگر در صورتی که انحرافات بزرگ اخلاقی صورت گیرد، در آنوقت طلاق وجدائی توسط کنزبرا انجام می‌شود.

- سال مندائی ۳۶۰ روز، مشتمل به دوازده ماه است که هرماهش ۳۰ روز می‌باشد، پنج روز دیگر زیاده می‌ماند که آن‌ها را روزهای کبیسه می‌گویند و در آن روزها عید پنجه را انجام می‌دهند.

به صحیح بودن تاریخ هجری عقیده دارند و از آن استفاده نیز می‌نمایند، البته این به سبب اختلاط شان با مسلمانان می‌باشد، و علاوه بر آن ظهور حضرت محمد صلی الله علیه و آله در کتب مقدسی که نزد شان موجود است، ذکر شده.

- روز یکشنبه را مثل نصارا تعظیم و تقدیس می‌نمایند و در آن روز هیچکاری را انجام نمی‌دهند.

- از رنگ کبود نیلی خیلی نفرت دارند و آن را هرگز لمس نمی‌کنند.

- مرد غیر متزوج [نکاح ناکرده] جنت ندارد، و نه در دنیا و نه در آخرت.

- درباره امور آینده توسط نظر کردن در آسمان و ستاره‌ها و توسط بعضی حساب‌های فلکی، پیشگوئی می‌کنند.

- برای هر مراسم دینی لباس خاصی وجود دارد، و برای هر مرتبه از مراتب دینی نیز لباس خاص وجود دارد که از دیگران متمیز باشد.
- اگر شخصی بدون بدست آوردن فرزند وفات نماید به مطهر [دوزخ] برده می‌شود تا بعد از اقامتش در جهان دیگر دوباره به جهان انوار برده شود، بعدا بار دیگر به حالت بدنی خود عودت نموده روحش به جسم روحانی دیگر داخل گردیده ازدواج می‌نماید و فرزندان می‌آورد.
- به تناسخ ایمان دارند و در بعضی از جوانب عقیده خویش به تطبیق آن نیز قائل‌اند.
- برای مرد، به هر اندازه که شرائط و اوضاع زندگی‌اش اجازه می‌دهد، حق و اجازه است که ازدواج نماید.
- از نوشیدن دوا نفرت دارند، و از چرب کردن جلد خویش و از حقنه نیز امتناع می‌ورزند.
- پسران جوان و دختران جوان نزد کاهنان می‌آیند تا آنان ایشان را از روز مبارکی خیر دهند که در آن روز مراسم عروسی شان صورت می‌گیرد، همچنان کاهنان برای مردمی که از ایشان پسران می‌کنند، وقت مناسب برای تجارت و برای سفر را بیان می‌نمایند، البته اخبار ایشان از طریق علم نجوم می‌باشد.
- از حیوان ذبح شده نمی‌خورند مگر در صورتی که آن را یکی از رجال دین، به حضور شاهدان ذبح کرده باشد، ذبح کننده - بعد از آنکه وضوء می‌کند - حیوان را سه بار در آب جاری غوطه می‌دهد، بعد از آن اذکار دینی خاصی را بالای آن قرائت نموده آن را، روی به طرف شمال ذبح می‌کند و خون آن را تا آخرین قطره خارج می‌سازد، ذبح کردن بعد از غروب آفتاب و قبل از طلوع آن، جز درعید پنجه، دیگر وقت‌ها حرام می‌باشد.
- عقیده‌شان به این تصریح نموده که میراث برای پسر بزرگ خاص می‌باشد، ولی بخاطر مجاورت و همسایگی شان با مسلمانان قانون اسلامی را در میراث عمل می‌کنند.

### ریشه‌های فکری و اعتقادی:

- صابئه از ادیان و مفکوره‌های زیادی که بایشان همزیستی نموده‌اند، متأثر شده‌اند.

- مشهورترین فرقه‌های قدیمی صابئه چهار فرقه است: اصحاب روحانیات، اصحاب هیاکل، اصحاب اشخاص، و حلولیه.
- در قرآنکریم، بایهود، نصارا، مجوس و مشرکین یکجا ذکر شده‌اند، آیات ۶۲/ بقره- ۶۹/ مائده- و ۱۷/ حج را مشاهده کنید، احکام خاصی هم متعلق به آنان وجود دارد، مثل جواز گرفتن جزیه از ایشان قیاس به یهود و نصاری، و یاعدم جواز آن.
- از جمله آنان صابئه حرانیین که حالاً منقرض و ختم شده‌اند، معروف‌اند، و معتقدات ایشان از معتقدات صابئه مندائیه موجوده اندکی تغییر است.
- امروز جز صابئه بطایح که در کنار نهرهای بزرگ در جنوب عراق و ایران منتشراند، دیگر کسی از صابئه باقی نمانده.
- از یهودیت، مسیحیت، و مجوسیت، بخاطر مجاورت شان با آنان، متأثر شده‌اند.
- بعد از راندن شان از فلسطین و سکونت شان با صابئه حرانیین در حران، از ایشان متأثر گردیده عبادت ستاره‌ها، و یا حد اقل تعظیم و تقدیس آن‌ها را به دین خویش نقل دادند، و در فراگرفتن و کوشش کردن درباره علم فلک و نجوم نیز از ایشان متأثر گردیدند.
- به افلاطونیة جدید، که فلسفه آن در سوریه استقرار یافت متأثر شده‌اند مثل عقیده به فیض روحی بر جهان مادی.
- به فلسفه دینی که در دوران ابراهیم خلیل علیه السلام ظاهر گردیده بود، نیز متأثر گردیدند، که مردم در آنوقت به قدرت ستاره‌ها در تأثیراند، نمودن بر زندگی مردم عقیده داشتند، به این عقیده در این قول ابراهیم علیه السلام: «إني لا أحب الآفلين» اشاره شده است.
- به فلسفه یونان که از دین جدا بود نیز متأثراند، که اثر آن در کتب شان به مشاهده می‌رسد.
- نزد صابئه حصه بزرگی از بت پرستی قدیم وجود دارد که آن در تعظیم ستارگان به صورتی از صورت‌ها، ظاهر می‌شود.

### انتشار و جاهای نفوذ:

- صابئه مندائی موجوده در کناره‌های پایانی نهرهای دجله و فرات منتشراند، و در مناطق احوار و شط العرب سکونت داشته، در شهرهای: العماره، ناصریه، بصره، قلعه

صالح، حلفایه، زکیه، بازار شیوخ، وقرنه (قرنه جای اقتران و اتصال دجله و فرات است) به کثرت وجود دارند، آنان تحت چند پرچم زندگی می‌کنند، مثل پرچم بغداد، پرچم حله، پرچم دیوانیه، پرچم کوت، پرچم کرکوک و پرچم موصل. تعداد پرکنده‌ای از آنان در ناصریه المنتفق، شرش، نهر صالح، جبایش و سلیمانیه نیز یافت می‌شود.

- همچنان در ایران درکنار نهر کارون و دز منتشراند و در شهرهای ساحلی ایران مثل محمره، ناصریه اهواز، ششتر، و دز بول سکونت دارند.

- تعداد شان تقریباً به ده هزار نفر تخمین می‌شود که اکثر شان در عراق سکونت دارند.

- معابد شان در عراق منهدم کرده شد و جز دو معبد درقلعه صالح دیگر باقی نمانده است، ولی یک معبد «مندی» در جوار المصافی در بغداد بناکرده‌اند که آن به اثر کثرت صابی‌های آمدگی که به خاطر کار آنجا آمده‌اند بوده است.

- اکثر شان در درست کردن میناء فضا برای تزئین زیورات، ظروف و ساعت‌ها کار می‌کنند، تقریباً این کسب مخصوص آنان می‌باشد، زیرا اسرار آن را مخفی نگه داشته به کس دیگری نمی‌آموزانند، همچنان در درست کردن غلاف‌های چوبی برای شمشیر، آهنگری و خنجر سازی ماهر هستند.

- مهارت شان در درست کردن میناء باعث شده تا به خاطر کار به بیروت، دمشق، واسکندریه کوچ کنند، حتی بعضی از آنان به ایتالیا، فرانسه و امریکا رسیده‌اند.

- ایشان به امور سیاسی علاقه ندارند، و به اشخاص ادیان دیگر، از جهت مشابهت‌هایی که میان آنان و دیگران وجود دارد، خود را نزدیک می‌سازند.

### مراجع:

- ۱- الصابئة المندائون الییدی در اوور- مطبعة الارشاد- بغداد- ۱۹۶۹م.
- ۲- مندائی أو الصابئة عبد الحمید عباده- طبع در بغداد- ۱۹۲۷م. الاقدمون
- ۳- الصابئة فی حاضرهم عبدالرزاق الحسنی- طبع لبنان- ۱۹۷۰م. وماضیهم
- ۴- الكنز اربا آن کتاب بزرگ صابئه است که یک نسخه از آن در خزانه متحف عراقی موجود است.
- ۵- الفهرست ابن ندیم- طبع در قاهره- ۱۳۴۸هـ.

- ۶- المختصر في اخبار البشر تأليف ابو الفداء- طبع در قاهره- ۱۳۲۵هـ
- ۷- الملل و النحل شهرستانی - طبع لبنان - ۱۹۷۵م.
- ۸- معجم البلدان ياقوت حموی - طبع در قاهره- ۱۹۰۶م
- ۹- مقاله‌ای از انستاس مجله‌ المشرق - بيروت - ۱۹۰۱م. کرملی
- ۱۰- مقاله‌ای از زویمر مجله‌ المقتطف - قاهره- ۱۸۹۷م.
- ۱۱- مقاله‌ای از ابراهیم مجله‌ البيان - قاهره- ۱۸۹۷م. یازجی
- ۱۲- اعتقادات فرق المسلمين فخر الدين الرازی - القاهر - ۱۳۵۶هـ. و المشركين.
- ۱۳- ابراهیم ابوالانبياء عباس محمود عقاد- دارالكتاب العربی - بيروت - لبنان -  
صفحه ۱۳۹ - ۱۴۸ - طبع عام ۱۳۸۶هـ / ۱۹۶۷م.

- 1- Hand Book of Classical and Modern Mandaie, Berlin 1965.
- 2- Mandaean Bibliography Oxford University Prees, 1933.
- 3- Die Mandaer: ihre Religion und ihre Geschichte Muller: Amsterdam 1916.
- 4- Frankfort Dr. Henri Archeology and the Sumerian problem, Chicago Studies in Ancient Oriental Civilization. No 4 (Univ. of Chicago Prees, 1932).
- 5- J. B. Tavernier, Les six Voyaojes - Paris 1913.
- 6- M. N. Siouffi, Etudes Sur la Religion des Soubbas Paris 1880.
- 7- E. S. Drower, The Mandaean of Iraq and Iran- London 1937.
- 8- H. Pognon, Inscriptions Mandaites des coupes de Khoubair Paris 1898.

## صهیونیزم

### ZIONISM

#### تعریف:

صهیونیزم یک حرکت سیاسی و مذهبی متعصب و افراطی بوده که هدفش برپا نمودن دولت یهود در فلسطین می‌باشد، دولتی که توسط آن بالای تمام جهان فرمانروائی نمایند، این اسم را از (جبل صهیون) کوهی که در قدس واقع است گرفته‌اند، کوهی که گروه صهیونیه می‌خواهند بالای آن هیکل سلیمان عليه السلام را درست نمایند، و دولتی به خود برپا کنند که قدس پایتخت آن باشد. حرکت صهیونیه به شخص نمساوی (هرتزل) یهودی مرتبط می‌باشد، شخصی که داعی اول به طرف فکر صهیونی شمرده شده حرکت صهیونیزم در تمام جهان بر آراء، وافکار وی بنا نهاده شده است.

#### تأسیس و افراد برازنده:

صهیونیزم جهانی ریشه‌های تاریخی، فکری و سیاسی دارد که لازم می‌سازد تا به مراحل آتی الذکر انسان واقف گردد.

۱- حرکت رنجدیدگان، که بعد از بازگشت از اسارت بابلی (۵۸۶ - ۵۳۸ ق م) صورت گرفته بود، و هدف اولی آن بازگشت به صهیون و بناء هیکل سلیمان عليه السلام بود.

۲- حرکت بارکوخبا (۱۱۸ - ۱۳۸ م)، این یهودی در دل‌های یهودیان شجاعت آفرید و آنان را به جمع شدن در فلسطین و تأسیس دولت یهودی در آنجا تشویق نمود.

۳- حرکت موزس کریتی که مشابه به حرکت بارکوخبا بود.

۴- مرحله رکود و خاموشی در فعالیت یهود، که آن به سبب مظلوم شدن و مغلوب و پراکنده بودن شان بود، ولی با وجود آن احساس قومی نزد یهودیان همانطور قوی بوده ضعیف نشده بود.

- ۵- حرکت دافید روبین و شاگردش سولومون مولوخ (۱۵۰۱-۱۵۳۲م) که یهود را به ضرورت بازگشت و تأسیس دولت اسرائیل در فلسطین، تشویق نمودند.
- ۶- حرکت منشه بن اسرائیل (۱۶۰۴-۱۶۵۷م) این حرکت تهداب اولی بود که بر اساس استخدام بریتانیا در برآورده ساختن اهداف صهیونیستی خویش طرحهای صهیونیه را، متوجه ساخته استوار نمود.
- ۷- حرکت شبتهای زفی (۱۶۲۶-۱۶۷۶م) وی ادعا نموده بود که مسیح یهود و ناجی آنان می‌باشد، بناء یهودیان آمادگی بازگشت به سوی فلسطین را شروع کردند، ولی نجات دهنده ایشان وفات نمود.
- ۸- حرکت سرمایه داران که آن را روتشیلد و موسی مونتفیوری رهبری می‌کردند، و هدف آن ایجاد مستعمرات یهودی در فلسطین بود، که آن حیثیت کار اول را در تصرف سرزمین و اقامت دولت یهودی در آنجا داشت.
- ۹- حرکت فکری و استعماری در ابتداء قرن نوزدهم که به سوی برپا ساختن دولت یهود در فلسطین، دعوت نمود.
- ۱۰- حرکت شدید صهیونیزم که بعد از کشتارهای یهودیان در روسیه سال ۱۸۸۲م م براه افتاد، در همین دور «هیکلر جرمنی» کتابی به نام (بازگشت یهود به فلسطین مطابق اقوال پیامبران) تألیف کرد.
- ۱۱- حرکت صهیونیزم جدید که این حرکت منسوب به (تیودور هرتزل) روزنامه نویس یهودی نمساوی (۱۸۶۰-۱۹۰۴م) می‌باشد، و هدف واضح و اساسی آن رهبری یهود به سوی حاکمیت بالای تمام جهان و در قدم اول برپا کردن دولت آنان در فلسطین است، برای این هدف دوبار با سلطان عبدالحمید مقابله نموده ولی شکست خورده بود، که بعد از آن یهود جهانی در راه دور ساختن سلطان و از بین بردن خلافت کار و فعالیت را آغاز نمود.
- هرتزل اولین مجلس جهانی یهود را سال ۱۸۹۷م برگزار نمود و در جمع کردن یهودیان جهان به اطراف خویش کامیاب گردید، همچنان وی یهودیان زیرک و هشیار را جمع نموده بود که خطرناک‌ترین تصویبات تاریخ جهان از آنان صادر گردید، آن تصویبات بنام «پروتوکولات حکماء صهیون» یاد می‌شود، و مأخوذ از کتب مقدس تحریف شده یهود می‌باشد، از آنوقت به بعد یهود سازمان‌های خویش را منظم و مستحکم نموده در راه تحقق اهداف خرابکارانه خویش به دقت، خفاء و هشیاری



حرکت را آغاز نمودند که در زمان ما نتایج آن به همه عیان و روشن گردید.

### افکار و معتقدات:

- صهیونیسم افکار و معتقدات خویش را از کتب مقدسی که آن را یهود تحریف نموده‌اند اخذ کرده و همچنان افکار و دستور العمل خویش را ضمن پروتوکولات حکماء صهیون درست نموده است.
- صهیونیسم یهودیان تمام جهان را اعضای یک ملیت می‌داند که ملیت اسرائیل است.
- هدف صهیونیسم تسلط یهود بر تمام جهان می‌باشد همانطور که پروردگار شان «یهوه» برای شان وعده داده است، و طریق رسیدن به آن را همانا برپا کردن حکومت خویش بر سر زمین محشر، که از دریای نیل تا دریای فرات امتداد دارد، می‌دانند.
- معتقداند که یهود جنس ممتازی است که باید سردار و بادار باشد و دیگر تمام اقوام و ملت‌ها خدمتگار آنان باشند.
- معتقداند که درست‌ترین راه برای فرمانروائی بر تمام جهان همانا برپا کردن حکومت به اساس تخویف، ارباب و شدت است.
- بخاطر سیطره بر عامه به سوی تسخیر آزادی سیاسی دعوت نموده می‌گویند: لازم است بدانیم که طعمه را [طعمه چیزی است که برای بدام انداختن شکار آن را در اطراف دام می‌گذارند] چگونه برای شان پیش کنیم تا آنان را در دام خویش اندازیم.
- می‌گویند: زمانی که دین سلطه داشت حالا گذشته است، امروز قوت و نیرو تنها برای طلا است، بنابراین لازم است که آن را به هر وسیله جمع آوری نموده در قبضه خود داشته باشیم تا تسلط ما را بر جهان آسان سازد.
- می‌پندارند که سیاست ضد اخلاق بوده در آن فریب کاری و ریا ضروری می‌باشد، فضائل اخلاق و راستی در عرف سیاست زشتی و بدی به شمار می‌رود.
- می‌گویند: غرق ساختن اممیین [ملت‌های غیر از یهود] در ذائل اخلاق، به تدبیر ما و از طریق کسانی که ما آنان را آماده می‌سازیم از قبیل استاذان، خدمتگاران، زنان تربیه کننده اطفال و زنان رقاصه، ضروری می‌باشد.
- می‌گویند: تا وقتی که آرمان ما برآورده نشده لازم و ضروری است که رشوت، فریب و خیانت را، بدون کدام تردد، به میان بیاوریم و از آن کار بگیریم.

- می‌گویند: لازم است که در راه ایجاد و انتشار خوف، که آن متضمن فرمانبرداری کورکورانه از ما می‌باشد، کار کنیم، و همین اندازه کفایت می‌کند که مشهور شود که مایان خیلی جنگی و اهل پیکار هستیم تا بدین وسیله تمام سرکشی‌ها و نافرمانی‌ها از بین برود.

- می‌گویند: شعارهایی به عنوان (آزادی، مساوات، برادری) سر می‌دهیم تا مردم به آن فریب خورده آنان نیز همان شعارها را تکرار نموده عقب چیزی بروند که ما برای شان می‌خواهیم.

- می‌گویند: ضروری است که یک نظام ارسطراطیه «حکومت طبقه اشراف» را استحکام بخشیم و آن استوار بر مالی باشد که در دست ما قرار دارد و بر علمی باشد که آن را خاص علماء ما می‌دانند.

- می‌گویند: در راه آوردن رهبران در قبضه و چنگ خود کار می‌نماییم، و زود است که تعیین آنان در دست ما قرار گیرد، و تعیین نمودن شان، به اعتبار پیشقدم بودن شان در بد اخلاقی، چوکی دستی و کم علمی خواهد بود.

- می‌گویند: بر نشرات سیطره خواهیم نمود، قوت فعالی که تمام جهان را به سوی آنچه اراده داریم سوق خواهد داد.

- می‌گویند: ضرورت است که میان حکام و رعیت شان دشمنی و مخالفت را توسعه بخشیم تا حاکم و پادشاه به مثل کورو نابینائی گردد که عصاء خویش را گم کرده است، تا بخاطر نگه داشتن چوکی خود به سوی ما پناه بیاورد.

- می‌گویند: لازم است که میان تمام قوت‌ها آتش دشمنی و جنگ افروخته شود تا میان خود جنگ کنند، و سلطنت را یگانه هدف مقدس خویش قرار داده هر یکی از قوت‌ها در راه رسیدن به آن سعی نمایند، همچنان در دادن آتش جنگ میان دولت‌ها، بلکه در داخل هر دولت ضروری می‌باشد، که در آنوقت قوت‌ها نابود گردیده حکومت‌ها سقوط می‌نمایند، و حکومت جهانی ما بر شکسته‌های آن‌ها برپا می‌گردد.

- می‌گویند: برای اقوام فقیر و مظلوم در لباس آزاد کنندگان آنان و نجات دهندگان شان از ظلم، خود را پیش می‌کنیم و آنان را به پیوستن به صفوف لشکر خودمان دعوت می‌نماییم، یعنی به صفوف اشتراکی‌ها مختلط‌ها، کمونست‌ها و ماسونیزم‌ها و توسط گرسنگی بالای مردم عام حکومت خواهیم کرد و در راه نابود ساختن مخالفین از بازوی آنان استفاده خواهیم نمود.

- می‌گویند: ضروری است که زمام‌های اقتصادی را به دست آوریم، تا همه مردم توسط طلائی که جمع نموده‌ایم فرمانبردار ما شوند.
- می‌گویند: الآن ما توسط وسائل مخفی خویش در وضع خوبی قرار داریم طوری که اگر دولتی بالای ما حمله کند دولت دیگری در دفاع از ما برپا می‌خیزد.
- می‌گویند: کلمه آزادی مردم عام را به سوی مقابله با خدا و قوانین وی میکشاند، بنابراین شعار آزادی و امثال آن را باید شائع سازیم تا آنکه سلطنت به دست ما قرار گیرد.
- می‌گویند: ما قوت مخفی و پنهانی داریم که آن را هیچکس از بین برده نمی‌تواند، با خاموشی و پنهانی و با شوکت خاصی کار می‌کند، اعضای آن، علی‌الدوام تغییر و تبدیل می‌شود، و همین قوت ضامن سوق دادن حاکمان اممی [ملت‌های غیر یهود] به آنسو که ما می‌خواهیم است.
- می‌گویند: لازم است که دولت ایمان را در قلوب مردم از بین ببریم و عقیده وجود خدا را از عقول شان بکشیم، و جای آن را به قوانین مادی ریاضی دهیم، زیرا مردم زیر رعایت دولت ایمان خوشبخت و آسوده زندگی می‌کنند، و بخاطر آنکه برای مردم فرصت بازگشت نگذاریم لازم است که آنان را به وسائل مختلف مشغول سازیم تا به سبب آن از دشمن مشترک شان در مقابله جهانی آگاه نشوند.
- می‌گویند: لازم است که تمام وسائلی را که ضامن انتقال دارائی‌های اممیین از خزانه‌های شان به صندوق‌های ما باشد به دست آوریم.
- می‌گویند: زود است که گروه‌ها و جماعت‌هایی تشکیل دهیم که از انسانیت و اخلاق دور و خالی بوده، بی‌احساس باشند، دین و سیاست را خیلی بد ببینند، و یگانه آرزویشان به دست آوردن مادیات باشد، آنوقت است که از هرگونه مقاومت عاجز بوده خوار و ذیل زیر دست ما قرار می‌گیرند.
- می‌گویند: کلید تمام قوت‌ها را به دست خود خواهیم گرفت، و بر تمام وظایف سیطره خواهیم نمود، و سیاست به دست پیروان ما خواهد بود، و بدین وسیله می‌توانیم هر مقاومتی را در مقابل یاران اممی خویش، توسط قوای خود محو و نابود سازیم.
- می‌گویند: تخم نفاق و شقاق را در همه جاکشت کرده‌ایم، به قسمیکه دور کردن آن ممکن نیست، در میان مصالح مادی و قومی اممیین تنافر و دوری ایجاد نموده‌ایم و

میان گروه‌های شان آتش تعصبات دینی و قومی را افروخته‌ایم، بلکه در طول بیست قرن در راه بر افروختن آن سعی و تلاش نموده‌ایم، بناء غیر ممکن است که یکی از حکومت‌ها بخاطر ضربه وارد کردن بر ما از حکومت دیگری کمک دریافت کرده بتواند، و دولت‌ها به هیچکاری و امری و لو کوچک هم باشد، بدون موافقهٔ ما اتفاق کرده نمی‌توانند، زیرا محرک اسباب دولت‌ها در قبضه ما است.

- می‌گویند: خداوند ما را برای حکومت جهان آماده ساخته خصوصیت‌ها و امتیازاتی به ما داده که در اممی‌ها آن موجود نیست، اگر در صفوف آنان افراد برآزنده و ممتاز وجود داشته باشد باید در مقابل ما مقاومت کرده بتوانند.

- می‌گویند: از عواطف و احساسات بر افروخته باید در بدل خاموش ساختن آن، در راه برآورده شدن اهداف خویش کار بگیریم، و باید برافکار دیگران غلبه حاصل نمود و آن را در بدل اینکه کشته شود، طوری تفسیر کرد که موافق به مصلحت‌های ما باشد.

- می‌گویند: توجه زیادی به رأی عامه مبذول خواهیم داشت، البته تا آنوقت که قدرتش را بر فکر و سنجش درست از بین ببریم و به حدی مشغولش سازیم که فکر کند شائعات و تبلیغات ما حقایقی است که درست و ثابت می‌باشد، و طوری سازیمش که قدرت تمیز میان وعده‌های ممکن و وعده‌های دورغ را نداشته باشد، بنابراین ضرور است جماعت‌هایی تشکیل دهیم که اعضاء آن مشغول سخنرانی‌های پرصدائی باشند که در آن‌ها وعده دادن‌ها زیاد باشد، و لازم است که میان اقوام و ملت‌ها این شائعه را پخش کنیم که آنان به سیاست نمی‌دانند و بهتر آنست که سیاست را به اهلش بگذارند.

- می‌گویند: در راه نشر کردن امور متناقضه، و شعله ور ساختن شهوات و عواطف کار خواهیم کرد.

- ادارهٔ حکومت عالی را طوری خواهیم ساخت که دست‌های زیادی داشته باشد و به تمام اطراف زمین برسد، اداره ای که تمام حکومت‌ها به آن سر تسلیم خواهند گذاشت.

- می‌گویند: لازم است که برصنعت و تجارت سیطره نماییم و مردم را به سوی تکبر، عیاشی و بی‌ماهیتی بکشانیم، و در راه بلند بردن مزد، آسان ساختن قرضه دادن و زیاد ساختن فایده آن، کار و فعالیت می‌نماییم که در آنوقت اممیین پیش روی ما به سجده خواهند افتاد.

- می‌گویند: بر ما واجب است که در مواضع رسمی به ضد آنچه در دل داریم ظاهر شویم، بر ظلم انکار نماییم، آواز آزادی را بلند کنیم طغیان و سرکشی را بدگوییم.
- می‌گویند: بجز چند نشریه کم ارزش دیگر همه نشریات در دست ماست، و آن را در پراکنده کردن و انتشار شائعات استخدام خواهیم کرد، به حدی که همان شائعات جای حقایق را بگیرد و اممیین را به آن مشغول خواهیم ساخت تا در عقب آنچه به فایده شان است نروند، بلکه در عقب شهوات و مادیات سعی نمایند.
- می‌گویند: حکمروایان از این عاجزاند که نافرمانی ما را بکنند، زیرا آنان می‌دانند که سرانجام سرکشی آنان زندان و یا ناپدید شدن است، بنابراین ایشان خیلی فرمانبردار ما بوده حریص به رعایت مصالح ما می‌باشند.
- می‌گویند: می‌کوشیم که طرح ما قبل از وقتش افشاء نشود، وقوت اممیین را نیز قبل از موسمش از بین نبریم.
- می‌گویند: ما هستیم که طریقه رای گیری در انتخابات را و نظام اغلیت مطلق را رائج ساختیم تا بدین وسیله هرکسی ما می‌خواهیم به قدرت برسد، البته بعد از آنکه افکار عامه را برای رای دادن به شخص مورد نظر آماده سازیم.
- می‌گویند: زود است که نظام خانوادگی را از بین ببریم، و در هر فرد روح خود خواهی را بدمیم تا سرکشی نماید، و از رسیدن اشخاص ممتاز به مناصب عالی ممانعت نماییم.
- می‌گویند: به حکومت تنها کسانی خواهند رسید که نامه سیاه و گذشته زشتی داشته باشند ولی نزد مردم افشاء نباشند، این افراد امانت داران ما در نافذ ساختن اوامر ما خواهند بود، البته از خوف افشاء شدن و رسوا گردیدن، همچنان رهبری‌هایی تشکیل می‌دهیم و آنان را بزرگ و قهرمان جلوه می‌دهیم.
- می‌گویند: ما بخاطر به هدف رسیدن، قواه خویش را طور مخفی تشکیل داده‌ایم، لکن اممی‌های چهارپای به اسرار آن نمی‌دانند، بناء به آنان اعتماد نموده در محافل شان شرکت می‌کنند، بدین گونه ما بر آنان مسلط شده و بر خدمت خویش مسخر نموده‌ایم.
- می‌گویند: پراکنده بودن گروه مختار خداوند [مراد خود شان است] نعمت بوده دلیل ضعف و ناتوانی نمی‌باشد، و همین پراکنده بودن است که ما را به سرداری جهان رسانیده است.

- می‌گویند: زود است که تمام مراکز نشرات به دست ما قرار گیرد و کست‌های تعبیر از فکر انسانی در قبضه دولت ما باشد، و هر مرکز نشراتی که مخالف فکر ما باشد در راه بستن آن به نام قانون سعی خواهیم کرد.
- می‌گویند: در آینده ما مجله‌ها و روزنامه‌های زیادی به فکرها و اصول مختلف خواهیم داشت که همه‌اش در راه هدف ما خدمت نماید.
- می‌گویند: ضرور است که دیگران را به انواع و اقسام اشیاء فریب دهنده مثل: ملاحی، بازی‌ها، مجالس عامه، فنون، میل جنسی، و مواد مخدره مشغول سازیم تا از مخالفت ما و یا ایستادگی در مقابل پلان‌های ما مصروف بمانند.
- می‌گویند: تمام امور دست جمعی را از بین خواهیم برد و مرحله خویشتن را به تغییر دادن دانشگاه‌ها شروع خواهیم کرد و تأسیس آن را طبق پلان‌های خاص خود شروع خواهیم نمود.
- می‌گویند: با هر کسی که در راه ما ایستاده می‌شود با شدت و سختی بر خورد خواهیم کرد.
- می‌گویند: محافل ماسونیزم را، بخاطر گسترش سیطره ما، زیاد ساخته آن را در هر جا به نشر خواهیم رسانید.
- می‌گویند: وقتی که سلطنت به دست ما افتاد آنگاه برای هیچ دین، جز دین خودمان در روی زمین اجازه نخواهیم داد.

### ریشه‌های فکری و اعتقادی:

- صهیونیزم قدامتی دارد به اندازه قدامت و سابقه تورات و همین تورات است که روح قومیت را نزد یهود از همان ایام اول تازه می‌دارد و حرکت هر تزل تجدید و تنظیم صهیونیزم قدیم می‌باشد.
- صهیونیزم بر تعالیم تورات تحریف شده و تلمود بنا نهاده شده است، ولی باید گفت که تعدادی از رهبران صهیونیزم از جمله ملحدین بوده و یهودیت نزد شان حیثیت روپوش را در تحقیق اهداف سیاسی و اقتصادی شان دارد.

### انتشار و جاهای نفوذ:

- صهیونیه راه و طریقه سیاسی یهود عالمی می‌باشد و آن طوریکه خود یهود می‌گویند مثل خدای هندی فشنو است که صد دست دارد، بنابراین صهیونست در اکثر

دستگاه‌های حکومتی جهان دست غالب و فعال یهودیت به شمار می‌رود و به مصلحت آن کار می‌کند.

- صهیونیست است که اسرائیل را رهبری نموده برایش پلان طرح می‌کند.
- ماسونیت طبق دستورات و رهنمائی‌های صهیونیسم کار می‌کند و رهبران و مفکرین جهان مطیع و فرمانبردار آن می‌باشند.
- برای صهیونیسم صدها گروه و حزب در اروپا و امریکا در عرصه‌های مختلف وجود دارد که در ظاهر مخالف هم معلوم می‌شوند ولی در حقیقت همه آن‌ها برای مصلحت یهود جهانی کار می‌کنند.
- بعضی‌ها در قوت و نیروی صهیونیسم خیلی مبالغه جدی می‌کنند و بعض دیگر آن را کم ارزش جلوه می‌دهند و هر دو نظر خطاء و نا درست است، و بررسی درست نشان می‌دهد که یهود فعلی در مرحله ترقی چشمگیری زندگی می‌کنند.

#### مراجع:

- ۱- جذور البلاء عبد الله التل.
- ۲- المخططات التلمودية الصهيونية انور جندي. اليهودية في غزوالعالم الإسلامي
- ۳- پرتوکولات صهیون ترجمه احمد عبد الغفور عطار.
- ۴- القوي الخفية ل. فراي
- ۵- مؤامرة الصهيونية على العالم احمد عبد الغفور عطار.
- ۶- الصهيونية و ربيبتها اسرائيل عمر رشدي.
- ۷- الصهيونية العالمية عباس محمود عقاد.
- ۸- اليهودي العالمي هنري فورد.
- ۹- هذه هي الصهيونية اسرائيل كوهين.
- ۱۰- اسرائيل الزائفة فريد عبد الله جورجی.





## صوفیه

### تعریف:

تصوف یک حرکت دینی است که بعد از گسترش فتوحات و کثرت مال و دارائی، در جهان اسلام منتشر گردید، به منزلهٔ مقابله با عیاشی و فرو رفتن در خوشگذرانی شروع شده بود، ابتداءً به خاطر مقابله با عیاشی به زهد پرداختند بعداً کارشان پیشرفته گردیده برای شان طریقه و روش خاصی بنام «صوفیه» درست شد، آنان به تربیهٔ نفوس و بالا بردن آن، بخاطر رسیدن به معرفت خداوند ﷻ از طریق کشف و مشاهده، نه از طریق تقلید و استدلال، پرداختند، ولی بعداً در طریق خویش مدهانت و نرمش کردند، و فلسفه‌های هندی، فارسی و یونانی مختلف در طریقهٔ شان داخل شد.

### تأسیس و افراد برازنده:

- ابن جوزی بغدادی (ت ۵۹۷هـ) چنین می‌گوید که صوفیه منسوب به مردی است که برایش صوفه گفته می‌شد، نامش (غوث بن مر) بود و در دوران جاهلیت در مصر ظاهر شده بود.

- البیرونی از علماء سابق و فون هامر از دانشمندان جدید به این نظراند که صوفیه مشتق و مأخوذ از (سوفیا) می‌باشد، سوفیا کلمهٔ یونانی بوده معنایش حکمت می‌باشد، این نظر قول کسانی را تأیید می‌کند که می‌گویند: تصوف اسلامی زادهٔ فلسفهٔ افلاطونی است.

- بعضی می‌گویند: صوفیه از صوف «پشم» گرفته شده زیرا صوفیه مشهور به پوشیدن لباس‌های پشمینه بودند، بعضی گفته: از صفه گرفته شده یعنی صفة مسجد رسول الله ﷺ بعضی گفته: از صفاء، و بعضی دیگر گفته: از صف اول.

- ابو سعید خراز می‌گوید: «صوفی کسی است که قلبش را پروردگارش صفائی بخشیده و نورانی کرده باشد و کسی است که با ذکر خدا لذت احساس کند»، وی در دوران محنت و عذاب صوفیه در بغداد به مصر فرار کرد.

- ابو محمد جریری (ت - ۳۱۱) می‌گوید: «تصوف عبارت است از داخل شدن در

- تمام روش‌ها و اخلاق نیک و خارج شدن از اخلاق و عادات زشت.
- ابوبکر کتانی (ت - ۳۲۲) می‌گوید: «تصوف اخلاق است، و کسی که در اخلاق از تو برتری حاصل کرد در صفا نیز حاصل کرده است». وی نیز می‌گوید: «تصوف عبارت است از صفا شدن و مشاهده».
- جعفر الخلدی (ت - ۳۴۸هـ) می‌گوید: «تصوف عبارت است از انداختن نفس در عبودیت و خروج از بشریت و نظر کردن بسوی حق به تمام معنی».
- شبلی می‌گوید: «ابتداء تصوف معرفت خدا و انتهای آن توحید وی می‌باشد».
- بشر بن حارث می‌گوید: «صوفی کسیست که قلب خود را برای خداوند صفا کرده باشد».
- قشیری: که صاحب رسالهٔ قشیریه است می‌گوید: «پرهیزگاری عبارت از ترک شبهات است».
- از شخصیات مشهورشان رابعهٔ عدوی نیز به شمار می‌رود که سال ۱۳۵هـ یا ۱۸۰هـ و یا ۱۸۵هـ وفات کرده است، وی بین زهد و حب و یا به تعبیر خودشان بین زهد و عشق الهی جمع کرده بود، همچنان وی در غنی ساختن بخش ادبی صوفیان سهم گرفته بود.
- ابراهیم بن ادهم (ت - ۱۶۱هـ) وی ملک و سلطنت را ترک نموده روی به زهد و تصوف آورد.
- همچنان سفیان ثوری (۹۷ - ۱۶۱هـ) از علماء زهاد به شمار می‌رود، وی می‌گوید: «زهد در دنیا عبارت است از کوتاه کردن آرزوها، نه خوردن چیز درشت و پوشیدن خرقة».
- ذوالنون مصری (ت ۲۴۵هـ) از مکتب زهد است، نسبش به اصل قبطنی و یا نوبی می‌رسد، وی اولین کسی است که ظهور مذهب معرفت را در تصوف مقدمه گذاری می‌کند طوریکه می‌گوید: «پروردگارم را توسط خود پروردگار شناختم و اگر پروردگارم نمی‌بود وی را نمی‌شناختم».
- ابو القاسم جنید (ت - ۲۹۷هـ) در اصل از نهانان بود ولی تولد و نشأت وی در عراق شده، و شاگرد حارث محاسبی می‌باشد، وی می‌گوید: «تصوف آنست که حق تو را از خودت بمیراند و به خودش زنده سازد»، دربارهٔ گروهی از تصوف و اهل معرفت که

به ترک نمودن اعمال از قبیل نیکی‌ها و تقرب به سوی خداوند ﷻ می‌رسند، از وی دربارهٔ آنان پرسیده شد، وی در جواب گفت: «... آنان گروهی‌اند که دربارهٔ ساقط شدن اعمال سخن گفته‌اند، و این نزد من چیز بزرگی است، کسی که دزدی و زنا می‌کند بهتر است از کسی که این سخن را می‌گوید».

- با یزید بسطامی (ت ۲۳۴هـ یا ۲۶۱) پدرکلانش مجوسی و پدرش از پیروان زردشت بود، چنین روایت شده که وی به طرف شخص مقصودی که در زهد مشهور بود رفت، دید که آب دهن خود را به طرف قبله میندازد، همان بود که از وی صرف نظر نموده برایش سلام هم نداد و چنین گفت: «این شخص دربارهٔ ادبی از آداب رسول الله ﷺ مأمون نیست [و آنرا مراعات نمی‌کند] پس در آنچه وی دعوی می‌کند چگونه مأمون باشد».

- ابو مغیث حسین بن منصور حلاج (۲۴۴ - ۳۰۹هـ) در فارس تولد شده، نواسهٔ یک مرد زردشتی بود، در واسط عراق نشأت نموده است، وی از مشهورترین حلولی‌ها و اتحادی‌ها به شمار می‌رود، متهم به کفر گردیده بخاطر چهار تهمتی که به وی نسبت داده شده بود به دار کشیده شد، و آن چهار تهمت اشیاء ذیل بود:

۱- رابطه‌اش با قرامطه.

۲- این گفته‌اش «أنا الحق» یعنی من خدا هستم.

۳- اعتقاد پیروانش به الوهیت و خدائی وی.

۴- عقیده‌اش دربارهٔ حج، زیرا وی معتقد بود که حج کردن بیت الله از جملهٔ فرائضی نیست که اداء آن لازم باشد.

- در شخصیت وی خیلی غموض و پیپی‌دگی وجود دارد. علاوه بر آن وی متشدد، سرکش و افراطی بود، کتابی دارد بنام (طوا سین) که آن را ماسینیون اخراج و تحقیق نموده است.

- ابو حامد غزالی ملقب به حجة الإسلام (۴۵۰ - ۵۰۵هـ) در طوس که از مناطق خراسان است تولد شده، به گرگان و نیشاپور سفر نمود با نظام الملک ملازمت داشت، در مدرسهٔ نظامی بغداد دروس خویش را خوانده و در منارهٔ مسجد دمشق اعتکاف نشست، به قدس نیز سفر نموده از آنجا به حجاز رفت بعدا دو باره به وطن خود عودت کرد، کتاب‌هایی هم نوشته است که از آنجمله است «تهافت الفلاسفه» و «المنتقد من

الضلال» و مهم‌ترین کتاب‌هایش «احیای علوم الدین» است، غزالی رئیس مدرسه کشف در معرفت به شمار می‌رود و از کار نامه‌های بزرگش شکست دادن فلسفه یونان و ظاهر ساختن رسوایی‌های فرقه باطنیه است.

- ابو الفطوح شهاب الدین سهروردی (۵۴۹-۵۸۷هـ)<sup>(۱)</sup> در سهرورد ایران تولد گردیده است سفرهای خیلی زیاد به هر طرف نموده. وی صاحب مکتب اشرافیة فلسفیه می‌باشد، مکتبی که اساس آن جمع نمودن بین افکار مأخوذه از دین‌ها و مذاهب فارسیان قدیم درباره دو بخش بودن وجود و بین فلسفه یونانی بشکل فلسفه و مذهب افلاطونیه جدید درباره فیض و ظهور دوامدار، می‌باشد. وی توسط فتوای علماء حلب درسوریه محاکمه گردیده بقتل رسید، از جمله کتاب‌هایش کتب ذیل به شمار می‌رود: «حکمة الأشراق» و «هیاکل النور» و «التلویحات العرشیه» و «المقامات».

- محی الدین ابن عربی ملقب به شیخ اکبر (۵۶۰-۶۳۸هـ) رئیس مکتب وحدت الوجود که خود را خاتم الاولیاء می‌داند، در اندلس تولد گردیده به مصر کوچ نمود بعداً به ادای حج رفت و از بغداد دیدن نمود و در دمشق جابجا گردیده در همانجا وفات یافت و دفن گردید. قبرش در آنجا تا الحال وجود دارد و زیارت کرده می‌شود، وی نظریه انسان کامل را طرح نمود، نظریه‌ایکه چنین می‌گوید: از میان تمام مخلوقات تنها برای انسان ممکن است که محل تجلی تمام صفات خداوندی گردد، زیرا برای انسان این امکان وجود دارد که در وحدانیت خداوند غرق شود. وی کتاب‌های زیادی دارد که بعضی آن‌ها را به چهار صد کتاب و رساله می‌رساند که تعدادی از آن‌ها تا الحال در کتابخانه یوسف آغا در قونیه و در دیگر کتابخانه‌های ترکیه محفوظ می‌باشد، کتاب‌های مشهورش عبارت‌اند از:

۱- روح القدس.

۲- ترجمان الاشواق.

۳- فتوحات مکیه.

---

۱- باید گفت که این شخص غیر از آن سهروردی است که در تصوف شهرت یافته و طریقه‌ای هم بنامش وجود دارد، زیرا وی عمر بن محمد شهاب الدین ابو حفص است که سال ۶۳۲هـ وفات نموده و از جمله مشایخ صوفیه بغداد به شمار می‌رود، در تقوی و عبادت مشهور بود. ولی نویسنده کتاب در بدل وی ابو الفتوح سهروردی را نوشته که وی صوفی نه بلکه فلسفی بود و به اتهام زندقه کشته شد. م

## ۴- فصوص الحکم.

و بارزترین آن‌ها فتوحات مکیه به شمار می‌رود.

- ابو الحسن شاذلی (۵۹۳-۶۵۶هـ) وی صاحب طریقه شاذلیه بوده و از جمله اقوالش این می‌باشد: «ما به طرف خداوند ﷻ به چشم ایمان و یقین نظر می‌کنیم بناء ما از دلیل و برهان غنی بوده به آن ضرورت نداریم».

- قطب‌های چهار گانه: عبد القادر جیلانی، احمد رفاعی، احمد بدوی و ابراهیم دسوقی، شرح احوال این‌ها خواهد آمد.

- از جمله آنان فیلسوف فرانسوی رینه نیز به شمار می‌رود که وی مسلمان شده طریق تصوف را در اروپا پیش گرفت و خود را عبد الواحد یحیی نام کرد وی از روحانیت اسلامی دفاع نموده علو مرتبه تصوف اسلامی را - مطابق نظریه خودش بیان نموده است، از جمله کتاب‌های وی کتب ذیل می‌باشد «ازمة العالم الحدیث»، «رمزیه الصلیب» و «الشرق والغرب».

## افکار و معتقدات:

## اول: اصول و قواعد:

- معتقداند که دین عبارت از شریعت و حقیقت می‌باشد، شریعت ظاهر دین بوده و آن دروازه‌ایست که از آن همه داخل می‌شوند و حقیقت باطن دین می‌باشد که در آن جز برگزیدگان و مختاران کس دیگر نمی‌رسد.

- تصوف در نظرشان هم طریقت است و هم حقیقت.

- در تصوف تأثیر روحی لازم می‌باشد و آن حاصل نمی‌شود مگر به واسطه شیخی که طریقه را از شیخ خود گرفته باشد.

- ذکر، تأمل روحی و متوجه ساختن ذهن بسوی ملاً الاعلی ضروری بوده و بلندترین درجات نزد آنان درجه ولی می‌باشد.

- عمل کردن به اوامر شرع از جمله ضروریات به شمار می‌رود:

\* سهل تستری می‌گوید: «اصول طریقه هفت چیز است: چنگ زدن به کتاب الله، اقتداء به سنت، خوردن حلال، امتناع از ضرر رسانی، دوری از گناه، لازم بودن توبه، و ادای حقوق».

\* ابو الحسن شاذلی می‌گوید: «وقتی که کشف تو با کتاب الله و سنت مقابل واقع شود به کتاب و سنت عمل نموده کشف خود را ترک نما».

\* همچنان شاذلی می‌گوید: «وقتی که فقیر (یعنی صوفی) بر نمازهای پنجگانه در جماعت حاضر نشود به آن شخص اعتناء نکنید».

\* ابو یزید بسطامی می‌گوید: «اگر شما شخصی را دیدید که دارای چنان کرامت‌هایی است که برهوا بالا می‌رود به وی فریب نخورید تا وقتیکه ببینید که وی در مقابل امر و نهی دین و حفظ حدود و عمل کردن به شریعت چگونه است».

\* وی همچنان می‌گوید: «اگر شخصی جای نماز خود را بر روی آب گستراند و در هوا چهارزانو بنشیند بازهم به وی فریب نخورید تا وقتیکه ببینید در مقابل امر و نهی چگونه می‌باشد».

\* غزالی می‌گوید: «اگر انسانی را دیدی که در هوا پرواز می‌نماید و بر روی آب قدم می‌زند ولی کاری را انجام می‌دهد که مخالف شریعت است در آنصورت بدان که آن شخص شیطان است».

- غزالی معتقد است که تنها عقل وسیله معرفت شده نمی‌تواند و ضروری است که طریق دیگری بالاتر از طریقه عقل وجود داشته باشد که در آن چشم دیگری باز شود و توسط آن انسان غیبیات و امور آینده را مشاهده کند، و آن طریق تنها برای کسی حاصل می‌شود که ایمان عارفین را داشته باشد و به نور یقین مشاهده نماید، در این مسئله به عجایبی که در خواب‌های درست وجود دارد و به خبر دادن پیامبر ﷺ از امور غیب و آینده استدلال نموده است.

- صوفیان از علم لدنی سخن می‌گویند، علمی که به نظر آن‌ها مختص به اهل نبوت و ولایت می‌باشد، چنانچه که برای خضر علیه السلام این علم حاصل بود، و خداوند ﷻ از آن خبر داده می‌گوید: ﴿وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا ۝۶۵﴾ [الکهف: ۶۵].

فناء: ابو یزید بسطامی اولین دعوتگر در اسلام بسوی این نظر به شمار می‌رود، وی این نظر را از شیخ خود ابوعلی سندی نقل نموده است، مراد از فناء استهلاک کامل به خداوند ﷻ بوده چنانچه در آخر، انسان از احساسات خود غایب شده و مشاهده کننده فنا گردیده خود و ما سوای خداوند ﷻ را فراموش می‌کند، قشیری می‌گوید: «کسی که بالایش سلطان حقیقت به حدی غلبه نمود که اغیار را ندید، نه عین آن‌ها را، نه اثر

شان و نه علامهٔ شان را در آنوقت گفته می‌شود: آن شخص از خلق فنا شده و همراه حق باقی است». بلندترین درجات فنا را مقام جمع الجمع می‌نامند که آن عبارت است از فنا شدن بنده از مشاهده فنا شدنش توسط استهلاکش در وجود حق».

- مقام فنا حالتی است که تصورات سالک میان دو قطب متعارض دوران می‌کند که آن دو قطب عبارت است از تنزیه و تجرید از یک جانب، حلول و تشبیه از جانب دیگر.

### دوم: درجات سلوک:

- میان صوفی، عابد، و زاهد فرق وجود دارد، زیرا برای هر یکی از این‌ها اسلوب، طریقه و هدف خاصی وجود دارد.

- مقامات: آن عبارت است از منازل روحی که سالک به آن مرور نموده به طرف خداوند می‌رود و بخاطر گذشتن از آن و رسیدن به منزلهٔ دوم مدتی از زمان توقف نموده مجاهده و کوشش می‌نماید، و برای گذشتن و نقل کردن از منازل به مجاهده و تزکیهٔ نفس ضرورت است.

- احوال: احوال عبارت است از نسیم‌هائی که بالای سالک می‌وزد و توسط آن چند لحظه نفس وی تازه می‌شود، بعد از آن می‌گذرد و بوی خوشی باقی می‌گذارد که روح را شوقمند بازگشت آن نسیم خوش می‌سازد، جنید می‌گوید: «حال چیزی است که بر قلوب نازل می‌شود و دوام نمی‌داشته باشد».

- احوال تحفه است و مقامات به کسب حاصل می‌شود، از این مطلب چنین تعبیر می‌کنند: «احوال از سرچشمهٔ جود می‌آید و مقامات به جهد و کوشش حاصل می‌شود»

«الأحوال تأتي من عين الجود والمقامات تحصل ببذل المجهود».

- اولین درجات سلوک دوستی خدا و رسولش بوده که علامهٔ آن اقتداء و پیروی رسول الله ﷺ می‌باشد.

- بعد از آن درجهٔ «الأسوة الحسنه» اقتداء نیکو است: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾ [الأحزاب: ۲۱].

- بعد از آن درجهٔ توبه است: که توسط دور شدن از گناه، ندامت از انجام دادن آن، و تصمیم گرفتن بر اینکه دیگر به گناه رجوع نکند، و بخشش خواستن از صاحب حق

اگر از حقوق انسان باشد، حاصل می‌شود.

- ورع: آن اینست که سالک تمام چیزهائی که در آن شبه وجود دارد ترک کند، چه در سخن باشد، چه در عمل و چه در قلب.

- زهد: یعنی دنیا بر پشت دستش باشد و قلب وی معلق به چیزی باشد که در دست خداوند قرار دارد، یکی از آنان درباره زاهد چنین می‌گویند: «فلانی راست می‌گوید، خداوند قلبش را از دنیا پاک کرده و دنیا را به دستش و به ظاهرش قرار داده است» گاهی انسان در یک زمان هم غنی می‌باشد و هم زاهد، زیرا مراد از زهد فقر نیست، بنابراین هر فقیر زاهد نیست همانطور که هر زاهد فقیر نمی‌باشد.

- توکل: می‌گویند که توکل ابتداء است و تسلیم درمیان و تفویض آخرین می‌باشد، گرچه که اعتماد بر خداوند نهایت است، سهل تستری می‌گوید: «توکل عبارت است از رفتن با خداوند هر جا که می‌خواهد».

- محبت: حسن بصری: (ت ۱۱۰هـ) می‌گوید: «علامه محبت موافقت با محبوب، رفتن با وی در تمام راههایش و در تمام امور، نزدیکی جستن به وی با تمام وسائل، و دوری جستن از تمام کارهائی که وی را در طریقهاش یآوری نمی‌کند، می‌باشد».

- رضا: یکی از آنان می‌گوید: رضا به خداوند بزرگ جنت دنیا است، و آن اینست که قلب بنده تحت حکم الله ﷻ سکونت داشته باشد. دیگری می‌گوید: «رضا آخرین مقامات است که بعد از آن در پی احوال ارباب قلوب می‌رود و به مطالعه غیبیات و تهذیب اسرار، برای صفاء اذکار و حقائق احوال، می‌پردازد».

### سوم: مکاتب صوفیه:

- مکتب زهد: پیروان این مکتب نساک، زهاد، عابدان، و گریه‌گران می‌باشند، و از آنجمله‌اند: رابعه عدویه، ابراهیم بن ادھم و سفیان ثوری.

- مکتب کشف و معرفت: این مکتب به آن مفکوره بنا نهاده شده که تنها منطق عقلی در تحصیل معرفت و درک کردن حقایق موجودات کفایت نمی‌کند، و به ریاضت نفسی، انسان به جایی می‌رسد که پرده جهل و نادانی از چشم بصیرتش دور شده، حقایق نفس الامری و حقیقی در آئینه دلش نقش بسته آشکارا می‌گردد، رهبر این مکتب ابو حامد غزالی می‌باشد.

- مکتب وحدة الوجود: رهبر این مدرسه و مکتب محی الدین ابن عربی می‌باشد و



از جمله پیروان متأخرین وی جمال الدین افغانی بود (رسالة الواردات را مطالعه نمایید) مبنای این مکتب بر آنست که: خداوند در هر چیز وجود دارد، خداوند هر چیز است، بنابراین همه چیزی که در کاینات موجود است قابل تقدیس و تعظیم می‌باشد، ابن عربی می‌گوید: «از محققین ثابت شده که در وجود جز خدا هیچ چیز دیگر وجود ندارد، ما اگر چه موجود هستیم ولی وجود ما توسط وجود وی است، بنابراین در صحنه وجود جز حق دیگر هیچ موجودی ظاهر نشده، و وجود همانا حق است و آن یکی است، لذا هیچ چیزی در آنجا وجود ندارد که مثل خداوند باشد، زیرا ممکن نیست که اصلا دو وجود موجود باشد، چه مختلف باشند و چه مماثل همانند».

- مکتب اتحاد و حلول: زعیم و رهبر این مکتب حلاج بود، در این مکتب اثرات تصوف هندی و نصرانی به چشم می‌رسد، زیرا در این مکتب صوفی چنین تصور می‌کند که خداوند در وی حلول کرده و او با خداوند یکی و متحد شده است، از جمله سخنان ایشان این است: «أنا الحق» «من حق هستم» و «ما في الجبة إلا الله» «در میان لباسم جز خدا کس دیگر نیست» و أمثال آن، از سخنان شطحیاتی که بر زبان شان در حالت نشه به شراب شهود - چنانچه می‌گویند - جاری می‌شود.

#### چهارم: طرق صوفیه:

۱- قادریه: که منسوب به عبدالقادر الجیلانی (۴۷۰ - ۵۶۱هـ) است، وی در بغداد مدفون می‌باشد و هر سال تعداد زیادی از پیروانش بخاطر تبرک به وی، آن را زیارت می‌کنند، وی به بسیاری از علوم زمانش آشنا بود، پیروانش به وی کرامت‌های زیادی را نسبت می‌دهند، چهل و نو فرزند داشت که از آنجمله یازده تن آن تعالیم وی را آموختند و آن را در جهان اسلام به نشر رسانیدند.

۲- رفاعیه: که منسوب به سوی احمد رفاعی (ت - ۵۸۰هـ) است، وی از بنی رفاعه که قبیله‌ای از عرب است می‌باشد، گروه وی از شمشیر و نیزه در اثبات کرامات استفاده می‌نمایند، وی پرهیزگار بوده خیلی ریاضت نفسانی داشت، طریقه وی در غرب آسیا نشر شده است.

۳- احمدیه: که منسوب به احمد بدوی (۵۹۶ - ۶۵۷هـ) است، وی بزرگ‌ترین اولیاء مصر به شمار می‌رود، در فاس تولد شده، بعدا حج نموده به عراق کوچ کرد، و تا وقت وفاتش در طنطا باقی ماند، و قبرش در آنجا زیارت می‌شود، در

اسپیکاری ممتاز بود، به عبادت روی آورد و از ازدواج امتناع ورزید، اتباع و پیروانش در تمام اطراف مصر منتشر می‌باشند، آنان در مصر شاخه‌هایی هم دارند مثل: بیومیه، شناویه، اولاد نوح، وشعبیه، علامه‌شان دستار سرخ است.

۴- دسوقیه: که منسوب به سوی ابراهیم دسوقی (۶۳۳-۶۷۶هـ) است، طریقه آنان به سوی خروج از نفس و خواهشات وی دعوت می‌کند، سرمایه‌شان دوست داشتن همه خلق، و تسلیم و سکون زیر اراده و فرمان شیخ است، این طریقه به سوی علم و عمل فرا می‌خواند و گوشه نشینی را مستحب نمی‌داند، مگر در صورتی که به امر شیخ باشد.

۵- اکبریه: که منسوب به سوی شیخ اکبر محی الدین بن عربی است، طریقه وی بر خاموشی، گوشه نشینی، گرسنگی بیخوابی بناء نهاده شده است، این طریقه دارای سه صفت است: شکیبائی در مقابل مشکلات و مصیبت، شکر در نعمت، و رضاء به قضاء و تقدیر.

۶- شاذلیه: که منسوب به ابو الحسن شاذلی (۵۹۳-۶۵۶هـ) است، وی در قریه‌ای نزدیک به قریه مرسیه تولد گردیده، به تونس انتقال نمود، چند بار حج کرده، درباره وی گفته‌اند: «وی طریقه را برای خلق آسان کرد» زیرا طریقه وی آسانترین و نزدیک‌ترین طریقه بوده و به کثرت علم و ذکر بناء نهاده شده است، و در آن مجاهدت و کوشش زیاد وجود ندارد، طریقه وی در مصر، یمن، و بلاد عرب نشر گردیده است، مردم شهر (مخا) به ولایت وی ایمان و عقیده عمیق و راسخ دارند، طریقه وی همچنان در مراکش، غرب الجزایر، شمال غرب افریقا به صورت عموم به نشر رسیده است.

۷- بکداشیه: ترک‌های عثمانی خود را به این طریقه منسوب می‌دانستند، این طریقه تا حال در البانیا منتشر می‌باشد، و به تصوف شعیه‌ها نزدیک‌تر است نسبت به تصوف سنی‌ها، این طریقه در نشر اسلام میان ترک‌ها و مغول‌ها نقش مهم داشته است، و بالای پادشاهان عثمانی سلطه بزرگ داشت.

۸- مولویه: این طریقه را شاعر فارسی جلال الدین رومی (ت- ۶۷۲هـ) که در قونیه مدفون می‌باشد، ایجاد نموده است، این گروه از گروه‌های دیگر، به داخل کردن رقص و بازی در حلقات ذکر، امتیاز کرده می‌شوند، آنان در ترکیه و آسیای غربی منتشر گردیده‌اند، در ایام حاضر برای آنان جز چند تکیه خانه در

- ترکیه و حلب و در بعضی مناطق شرقی، چیز دیگری باقی نمانده است.
- ۹- نقشبندیه: که منسوب به شیخ بهاء الدین محمد بن محمد بخاری، ملقب به شاه نقشبند (۶۱۸-۷۹۱هـ) است، این طریقه مثل طریقه شاذلی خیلی آسان می‌باشد، در فارس، بلاد هند و آسیای غربی به نشر رسیده است.
- ۱۰- ملامتیّه: مؤسس آن ابوصالح حمدون بن احمد بن عمار معروف به قصار (ت- ۲۷۱هـ) می‌باشد، بعضی از آنان به هدف مقابله و مجاهده با نفس و نواقص وی مخالفت نفس را جائز دانسته‌اند، افراطی‌های آنان در این اواخر در ترکیه پیدا شده‌اند که به اباحت و لا ابالی رسیده‌اند، و هر کاری را بدون مراعات و در نظر داشت اوامر و نواهی شریعت انجام می‌دهند.

### پنجم: شطحیات صوفیه:

- بعضی از آنان طریقه حاضر ساختن ارواح را پیش گرفته معتقداند که اینهم از تصوف است، چنانچه بعضی دیگرش طریقه شعبده را پیموده‌اند، ایشان به آباد کردن و عمارت کردن مرقدها و قبرهای اولیاء، روشن ساختن آن‌ها، زیارت کردن و دست مالیدن به آن‌ها، اهتمام و توجه زیادی دارند، در حالیکه همه این‌ها از بدعت‌هایی می‌باشد که خداوند عز و جل به آن دلیلی نفرستاده است.
- بعضی از آنان به دور شدن مکلفیت از شخص ولی قائل‌اند، یعنی عبادت بالای وی لازم نیست، زیرا وی به مرتبه‌ای رسیده که دیگر به اداء عبادت ضرورت ندارد، و دیگر اینکه اگر وی به مکلفیت‌های شریعت و ظاهر آن مشغول شود از حفظ باطن قطع شده توجه وی به طرف انواع واردات باطنیه بخاطر مراعات ظاهر خراب می‌شود.
- از غرالی بر کسانی که فریب و غرور بالای شان غلبه نموده، انتقاداتی نقل گردیده و فرقه‌های شان را نیز شمرده است [که در ذیل ذکر می‌گردد]:
- \* گروهی به لباس، هیئت و شکل و به منطق و سخن فریب خورده‌اند.
- \* گروهی ادعاء علم معرفت و مشاهده حق را نموده می‌گویند که از مقامات و احوال گذشته‌اند.
- \* گروهی دیگر در اباحت افتاده گلیم شریعت را جمع کرده، احوال را ترک نموده بین حرام و حلال به مساوات و برابری قائل شده‌اند.
- \* بعضی از آنان می‌گویند: اعمال ظاهری هیچ ارزشی ندارد، به قلب‌ها نظر کرده

می‌شود و قلب‌های ما واله و شیداء محبت خدا، و واصل به معرفت خدا ﷻ می‌باشد، با دست‌های خویش امور دنیا را پیش می‌بریم و قلب‌های ما در حضرت پروردگار حضور دارد، بنابراین ما در ظاهر با شهوات و خواهشات هستیم نه در باطن.

- اقوالی وجود دارد که به ابو یزید بسطامی نسبت داده می‌شود، ولی هریکی از عبدالله هروی (ت ۴۸۱هـ) و نیکلسون مستشرق در صحت نسبت این اقوال به وی اظهار شک و تردید می‌نمایند، یعنی اقوال آتی:

\*: «سبحانی ما أعظم شأنی» «پاکی است مرا چقدر بزرگ است شأن من».

\* «إني لا إله إلا أنا فأعبدون» «من، نیست معبودی جز من پس مرا عبادت کنید».

\* «از بحری عبور کردم که پیامبران در ساحل آن توقف نموده استاده‌اند».

\* «بر آسمان بالا رفتم و خیمه خویش را در مقابل عرش نصب کردم».

- حلاج که صاحب مکتب حلول و اتحاد شمرده می‌شود نیز اقوالی دارد که از آنجمله است:

أنا من أهوي ومن أهوي أنا نحن روحان حللنا بدنا

فإذا أبصرتني أبصرتنه وإذا أبصرته أبصرتنا

مزجت روحك في روحي كما تمزج الخمرة في الماء الزلال

فإذا مسك شيء مسني فإذا أنت أنا في كل حال

یعنی: «من کسی هستم که خودم آن را طلب میکنم، و کسی را که طلب میکنم آن خودم هستم ما دو روحی هستیم که در یک بدن داخل شده‌ایم - پس وقتی مرا ببینی او را نیز دیده‌ای - و وقتی او را ببینی مرا نیز دیده‌ای - روح با روح چنان خلط شده که - شراب در آب زلال و صفا خلط می‌شود - بنابراین وقتی چیزی تو را مساس کند مرا مساس کرده است - و در هر حال تو عین من هستی».

- صوفی‌ها لفظ (غوث و غیاث) را استعمال می‌کنند، ولی ابن تیمیه در مجموع

الفتاوی مجلد تصوف ص ۴۳۷ می‌گوید: لفظ (غوث و غیاث) را جز خداوند ﷻ کس

دیگر مستحق نیست، خدوند است که فریادرس داد خواهان می‌باشد، بناء برای هیچ کس جائز نیست که از دیگری فریادرسی بخواهد، نه به ملک مقرب و نه به نبی

مرسل».

- تمام طرق صوفیه به ضرورت ذکر اتفاق دارند، و آن به نزد نقشبندیه لفظ «الله» است همراه توجه به سوی معنی، نزد شاذلیه «لا إله إلا الله» است، نزد دیگران شان نیز مثل آن می‌باشد، البته همراه با استغفار و درود به پیامبر ﷺ و بعضی از آنان در وقت شدت ذکر «هو هو» می‌گویند به لفظ ضمیر.

- ولی ابن تیمیه در کتاب سلوک از مجموع الفتاوی ص ۲۲۹ می‌گوید: «اكتفا کردن به اسم مفرد، چه اسم ظاهر باشد چه ضمیر، دلیلی و اصلی ندارد، چه رسد به آنکه از ذکر خواص و عارفین باشد، بلکه آن وسیله‌ای به انواع بدعت‌ها و گمراهی‌ها بوده و سبب تصور احوال فاسده، از احوالات اهل الحاد و اهل اتحاد می‌شود».

وی نیز در ص ۲۲۷ می‌گوید: «کسی که می‌گوید: یا هو یا هو، یا می‌گوید: هو هو و امثال آن، ضمیر تنها به طرف چیزی راجع می‌شود که آن را قلب تصور نموده است، و قلب گاهی به راه صواب می‌رود و گاهی هم به بیراهه می‌رود».

- بعضی از کسانی که خود را به تصوف نسبت می‌دهند کارهای عجیبی و خارق العاداتی را انجام می‌دهند، ابن تیمیه در کتاب تصوف ص ۴۹۴ می‌گوید: «اما برهنه کردن سر، بافتن موی، و مارهارا با خود داشتن، این‌ها شعار و علامهٔ هیچیکی از صالحین، و هیچ کس از اصحاب، تابعین، شیوخ متقدمین و متأخرین مسلمانان نبوده و نه هم شعار شیخ احمد رفاعی می‌باشد، بلکه خیلی بعد از وفات شیخ اینکارها اختراع و ابتداع گردیده است».

- ابن تیمیه در کتاب تصوف ص ۵۰۴ می‌گوید: «اما نذر کردن برای مردگان از انبیاء و مشائخ و غیر شان، یا برای قبور شان و یا برای مجاورین قبور شان، نذر شرکی بوده و نافرمانی خداوند تعالی می‌باشد».

- و در ص ۵۰۶ کتاب تصوف می‌گوید: «اما قسم خوردن به غیر خداوند، از ملائکه، پیامبران، مشائخ، پادشاهان، و دیگران، منهی عنه بوده جائز نمی‌باشد».

- و در ص ۵۰۵ کتاب تصوف می‌گوید: «اما برادر خواندگی مردان با زنان بیگانه، و خلوت شان با آن‌ها و نظر کردن شان به عورت آنان، این همه به اتفاق مسلمانان حرام بوده کسی که آن را از امور دینی می‌شمارد وی از جملهٔ برادران شیاطین می‌باشد».

- دربارهٔ مقام فناء از شهود ما سوای رب، که آن فناء از اراده است، ابن تیمیه در ص ۳۳۷ کتاب سلوک می‌گوید: در این فناء گاهی می‌گویند: «أنا الحق» یا «سبحانی» یا

«ما في الجبة إلا الله» [ترجمه این عبارات پیشتر گذشت]، البته وقتی می‌گویند که توسط مشهود خود از شهود خود و توسط موجود خود از وجود خود فانی شوند، در مثل این مقام مدهوشی و مستی واقع می‌شود که همراه با موجود بودن حلاوت ایمان تمییز از وی ساقط می‌شود، چنانچه در مستی شراب و مستی کسی که عاشق صورت‌ها است واقع می‌شود.. درباره آنان چنین حکم می‌شود که اگر عقلش به سبب امر مباح زائل شده باشد در آنصورت اگر از وی اقوال و افعال حرام صادر می‌شود بر وی گناه نیست [زیرا در این صورت معذوراند]، بخلاف آن صورتی که عقلش به سبب کار حرام زائل شده باشد... همانطوریکه بالایشان گناهی نیست اینهم جائز نیست که به آن‌ها در آن کار اقتداء کرده شود، و آن کارها و سخنان را درست دانسته شود، بلکه آنان در آن حالت، درباره تکالیف ظاهری مثل غافل و دیوانه‌اند».

- درباره مقام فناء از وجود ماسوا، ابن تیمیه در ص ۳۳۷ کتاب سلوک می‌گوید: «سوم: فناء از وجود ماسوا است، یعنی چنین می‌بیند که الله عین وجود است و دیگر هیچ چیزی وجود ندارد، نه وجود قائم بر وی و نه به غیر وی، این حال حال اتحادی‌های زندیق متأخرین است، مثل: بلیانی، تلمسانی و قونوی و امثال شان، کسانی که حق را عین موجودات و حقیقت کائنات می‌دانند و می‌گویند که غیرش هیچ وجود ندارد، نه به این معنی که بقاء وجود اشیاء توسط وی است بلکه مرادشان این است که وی عین موجودات می‌باشد، بنابراین این قول و عقیده کفر و ضلالت است».

### ریشه‌های فکری و اعتقادی:

- مجاهده‌های صوفیه خیلی به زمان قدیم باز می‌گردد، یعنی وقتی که انسان به ضرورت ریاضت و مقابله با خواهشات آن احساس نمود.
- شکی نیست که آنچه صوفیان از زهد، ورع، توبه و رضاء ... به سوی آن فرامی‌خوانند از امور اسلام بوده و اسلام به سوی عمل کردن و تمسک به آن‌ها و کار به خاطر آن دعوت می‌نماید.
- لکن آنچه بعضی از صوفیان، از حلول، اتحاد، فناء، و اختیار طریق مجاهدات صعبه، به آن رسیده‌اند اموری‌اند که از مصادر بیگانه از اسلام مثل: هندویه، جینییه، بودائییه، افلاطونیه، زردشتیه و مسیحیه، در تصوف داخل شده‌اند.
- میرکس مستشرق معتقد است که تصوف از رهبانیت شام آمده است.

- جونس مستشرق آن را به فیدای هندوها باز می‌گرداند.
- نیکولسون می‌گوید: تصوف زاده اتحاد فکری یونانی با دیانات شرقی می‌باشد و به تعبیر دقیقتر زاده اتحاد فلسفه افلاطونیة جدید و دیانات مسیحی و مذهب غنوصی می‌باشد.
- سقوط در دائره عدمی، توسط ساقط ساختن تکالیف و عبور نمودن از امور شرعی کاریست که به آن براهمه آشنائی دارند، برهمی می‌گوید: «وقتیکه با براهما متحد شوم آنگاه به هیچ عمل و فرضیه ای مکلف نمی‌باشم».
- سخن حلاج در حلول و سخن ابن عربی درباره انسان کامل موافق به قول نصارا درباره عیسی علیه السلام می‌باشد.
- تصوف منحرف دروازه بزرگی بوده که از آن بدی‌های زیادی مثل: توکل، سلبيت، الغاء شخصیت انسان، و تعظیم شخصیت شیخ، داخل شده است، علاوه به گمراهی‌هایی که بعضی آن‌ها انسان را از اسلام خارج می‌سازد.

### انتشار و جاهای نفوذ:

- طریقه‌های صوفیه در انتشار اسلام در جاهائی که آن را لشکر مسلمین فتح نکرده بود مثل: اندونوزیا، بخش بزرگ افریقا و دیگر مناطق دور دست، فعالیت و کار زیادی نموده است، البته توسط تأثیر روحی که نزد آنان وجود دارد که آن را بنام (جذب) یاد می‌کنند.
- حکام در آمادگی روحی جهاد و بستن حملات کفار بر اقطاب صوفیه اعتماد می‌نمودند که از جمله آنان احمد بدوی، ابراهیم دسوقی، وشاذلی‌اند.
- تصوف به گذشت زمان به نشر رسیده بخش بزرگ جهان اسلام را در برگرفته است، گروه‌های آنان در مصر، عراق، شمال غربی افریقا، و در غرب آسیا و میان و شرق آن، ایجاد گردیده گسترش یافت.
- بالای شعر، نثر، موسیقی، و فنون غناء و انشاد تأثیر مهمی داشتند، و آثاری از قبیل ایجاد زوایا، تکایا، پناهگاه‌ها، بیمارستان‌ها، و بندرگاه‌ها، نیز از خود به جا گذاشته‌اند.
- روحانیت تأثیری در جذب نمودن غربی‌های مادی گرا به سوی اسلام، داشته و بعضی از آنان را جذب نموده است که از جمله آنان است (مارتن لنجز، وی می‌گوید:

من یک شخص اروپائی هستم ولی نجات روح خود را در تصوف یافتم).  
 - صوفیان از اواخر قرن نوزدهم و اوائل قرن بیستم شروع به عقب نشینی نمودند،  
 و آن سلطه و تأثیری که سابق داشتند باقی نماند.

### مراجع:

- ۱- التصوف الاسلامي أحمد توفيق عياد- الانجلو المصرية - ۱۹۷۰ م.
- ۲- المنقذ من الضلال لحجة د. عبدالحليم محمود- مطبعة حسان الاسلام الغزالي، مع  
 أبحاث - القاهرة. في التصوف
- ۳- مجموع فتاوي ابن تيمية المجلد (۱۱) عن التصوف. و المجلد (۱۰) عن السلوك-  
 طبعة ۱۳۹۸ هـ.
- ۴- الدعوة الاسلامية في د. حسن عيسى عبد الظاهر- مطبوعات جامعة غرب افريقيا  
 الإمام محمد بن سعود- ۱۴۰۱ هـ / ۱۹۸۱ م.
- ۵- نشأة الفلسفة الصوفية و د. عرفان عبد الحميد فتاح- المكتب الإسلامي- تطورها  
 بيروت - ۱۳۹۴ هـ / ۱۹۷۴ م.
- ۶- في التصوف الإسلامي أبو العلا عفيفي. وتاريخه
- ۷- الصوفية الإسلامية نيكلسون- ترجمة شريبه.
- ۸- إحياء علوم الدين للإمام الغزالي- دار إحياء الكتب العربية - ۱۹۵۷ م.
- ۹- الفتوحات المكية (للشيخ الأكبر محي الدين محمد بن عربي) - بيروت- دار صادر-  
 بلا تاريخ.
- ۱۰- كتاب الطواسين نشرة لويس ماسنيون- باريس ۱۹۱۳ م. (للحلاج)
- ۱۱- أخبار الحلاج نشرة لويس ماسنيون- باريس - ۱۹۳۶ م.
- ۱۲- ديوان الحلاج نشرة لويس ماسنيون- باريس ۱۹۳۱ م.
- ۱۳- كتاب اللمع لأبي نصر السراج الطوسي، تحقيق د. عبد الحليم محمود وطه عبد  
 الباقي سرور- دار الكتب الحديثة- مصر ۱۹۶۰ م.



١٤- الرسالة القشيرية لأبي القاسم عبد الكريم بن هوازن- مكتبة محمد علي صبيح -  
القاهرة- ١٩٥٧ م.

١٥- في التصوف أرنولد رينولدز نيكلسون- مجموع مقالاتي كه آن را الإسلامى و  
تاريخه دكتور أبو العلا عفيفى ترجمه نموده- القاهرة -١٩٤٧ م.

#### مراجع بيگانه:

- 1- Nicholson, R.A. Studies in Islamic, Mysticism, Combridge (1961).
- 2- Spencer Trimingham, T. The Sufi orders of Islam, Oxford (1971).
- 3- Arberry, A. J. An introduction to the History of Sufism, Oxford (1942).
- 4- Nicholson: Literary History of the Arabs.
- 5- Macdonald: Development of Moslem Theology.
- 6- Sufism: An Account of the Mystics of Islam, London (1956).
- 7- Fazlur Rahman: Islam, London, 1966.
- 8- Encyclopaedia of Religion and Ethics, 1908, The Articles: Soul-  
Pontheism- Sufis.
- 9- Encyclopaedi of Islam, The New Edition. The Arts: Al - Hallaj-  
ibn - Arabi- Al- Bistami- Asceticism.



## طاویه

### TAOISM

#### تعریف:

طاویه یکی از دین‌های بزرگ و قدیم چین بوده که تا امروز زنده و باقی است، سابقه‌اش به قرن ششم قبل از میلاد می‌رسد، تهداب مفکوره‌اش بر اساس بازگشت به زندگی طبیعی و اتخاذ موقف سلبی در مقابل تمدن و پیشرفت، استوار می‌باشد، این دین نقش مهمی در ترقی علم کیمیا از مدت چندین هزار سال داشته است، که آن درضمن سیر وی در بحث از اکسیر حیات و شناخت راز جاودانی بوده است.

#### تأسیس و افراد برازنده:

- چین می‌گویند که لوتس Lootse که تولدش سال (۵۰۷ ق. م.) بوده اساس و تهداب طاویه بوده و طاویه بر وی استوارگردیده است، بعضی دیگر معتقدات آن را به بسیار زمانه‌های سابق راجع می‌سازد، وی کتابی تألیف کرده بنام «طاو- تی - تشینگ» (Tao- te- ching) یعنی کتاب راه قوت، با وی کونفوشیوس ملاقات کرده از وی چیزهایی اخذ نموده بود و در بعضی چیزهای دیگر با وی مخالفت کرده بود.

- طاویه در مدت زیاده از دو هزار سال در افکار چینی‌ها، و در تغییرات تاریخی چین تأثیر داشت.

- در قرن چهارم و سوم قبل از میلاد (شوانگ تسو) ظاهر شده چنین ادعا نمود که لوتس یکی از معلمین آسمانی بود، همچنان وی کتاب معلم خویش لوتس را شرح نموده بر آن چیزی از فلسفه خود افزود.

- طاوی‌ها قبل از دیگران در منطقه کوه‌های (شی شوان) تنظیمی درست کردند.

- در سال (۱۴۲ م) شانگ طاولینغ ادعا نمود که برای وی از جانب پروردگار تعالی وحی آمده که مسؤولیت اصلاح دین طاوی را به دوش بگیرد، بنابراین وی ارتقا نموده بنام معلم آسمانی در میان تنظیمی که به اولاده‌اش تعلق داشت، یاد گردید، بعدا اولاده‌اش به لقب معلمین آسمانی معروف گردیدند.

- در قرن دوم میلادی طاویه شعبیه، به برکت حرکت سلیم کبیر (Tai-ping) انتشار یافت، و معلمین آسمانی در نشر آن نقش مهمی داشتند.
- در سال (۲۲۰م) خاندان (هان) از بین رفت و آن سبب شد که چینی‌ها به سه بخش تقسیم شوند و اثر بدی در اختلافات دینی و اقلیمی در میان شان گذاشت.
- بعد از سقوط خاندان هان، در قرن‌های سوم و چهارم میلادی طاویه جدید قدم به ظهور نهاد.
- در سال (۴۰۶ - ۴۷۷م) (لوهیو شینگ) مصلح ظاهر شد، وی کسی هست که مفهوم و محتوای قانون کلیسایی تمام کتب مقدس طاویه به وی باز می‌گردد.
- مؤسسين خاندان‌های تانغ (۶۱۸ - ۹۰۷م) و مینگ (۱۳۶۸ - ۱۶۴۴م) پیشگوئی‌های طاویه و جادو را، بخاطر کسب تأیید عامه به کار انداختند.
- خاندان فعلی شانغ، برای معلمین آسمانی ادعا می‌کنند که آنان از اولاده شانغ طاولینغ معلم آسمانی اول که در ایام خاندان هان ظاهر شده بود، هستند.

### افکار و معتقدات:

#### اول: کتب:

- ۱- کتاب لوتس مسمی به (طاو- تی - تشینگ) که اگر حارس (ین شی) از وی در خواست نمی‌کرد وی نمی‌نوشت بلکه همین حارس از معلم و شیخ در خواست کرد که افکار خویش را تدوین و تألیف نماید. این کتاب مجموعه‌ای از قطعه‌های ادبی بوده که مشتمل به طبیعت (طاو) می‌باشد، همچنان مشتمل بر قواعد عامه و مثال‌هایی است برای حاکمی که زمام امور طاو را به دست می‌گیرد، این کتاب در عباراتش بسیار غموض و پیچیدگی وجود دارد، زیرا غموض و پیچیدگی در آن امر مقصود است.
- ۲- شوانغ تسو: وی درباره نظریه فلسفی طاویه بحث نموده، و بحث مقایسه‌ای میان آسمان و بشر و میان طبیعت و اجتماع کرده از طاوی‌ها خواستار دور انداختن حیل‌های ساختگی شده است، در این کتاب قصه‌هایی هم وجود دارد متعلق به بشرهای کاملی که توان پرواز را دارند، آنان اشخاص جاویدی هستند که به عناصر طبیعی متأثر نمی‌شوند، به آنان گرمی و سردی نمی‌رسد، صاحبان ارواحی‌اند که در آزادی تصرفات خویش ممتازاند.

- ۳- کتاب (هوانغ - تی - نی - تشینگ) این کتاب از قرن سوم قبل از میلاد است، در این کتاب تجربه‌هایی دربارهٔ بعضی معادن، نباتات و مواد حیوانیه وجود دارد، که آن از توجه شان به حفظ صحت و تمدید زندگی نشأت کرده است.
- ۴- کتاب (باو - بو - تسو) که تألیفش سال (۳۱۷م) تکمیل گردیده، این کتاب دربارهٔ علوم کیمیا قديم بحث می‌نماید، و در آن طرق تبدیل کردن معادن به طلا، و تمديد زندگی توسط بعضی اکیسرها، وجود دارد.
- ۵- آنان ادب فلسفی و دینی مخفی هم دارند که بخشی از آن به قرن چهارم و قرن دوم قبل از میلاد بر می‌گردد، ترکیز و تأکید آن بر قناعت دادن حکام است، و بخش دیگر آن از اواخر قرن دوم میلادی شروع می‌شود، و حرکات منظم دینی را رهبری می‌نماید، این کتاب بعد از اجراء سوگند به حفظ و مخفی نگه داشتن از شیخ به شاگردانش نقل داده می‌شود.

### دوم: مفکورهٔ شان دربارهٔ پروردگار:

- پروردگار نزد آنان - نه صوت است و نه صورت، جاویدان است، فناء نمی‌شود، وجود وی از وجود غیرش مقدم بوده وی اصل موجودات می‌باشد، و روحش در دیگر موجودات جاری می‌شود.
- (طاو) مطلق موجود است، و مراد از کائنات هم همان است، جدا و منفصل از کائنات نیست بلکه در آن داخل می‌باشد آنهم به صورت دخول جوهری، تمام موجودات از وی بیرون آمده‌اند.
- آنان به وحدة الوجود ایمان دارند، زیرا [نزد آنان] خالق و مخلوق شیء واحد بوده که اجزاء آن از هم جدا نمی‌باشد، و اگر جدا شود فانی می‌شود.
- نظریهٔ شان دربارهٔ پروردگار به نظریه و مذهب حلولیه خیلی نزدیک است، زیرا حلولیه نیز قائل‌اند که خالق در تمام موجودات حلول نموده است، و خالق تا آنکه در اشیاء حلول نکند تصرف و کاری کرده نمی‌تواند.
- به قانون بزرگ آسمانی ایمان دارند، و آن را اصل حیات، فعالیت و حرکت برای تمام موجودات در زمین و آسمان می‌دانند.
- شونغ تسی چنین می‌پندارد که انسان همراه با کائنات به صحنهٔ وجود آمده است، بنابراین وی الله را دوست دارد لکن مصدری را که از آن الله آمده است، زیاد تر

دوست دارد، این مفکوره وی دلالت به آن دارد که ایشان معتقداند که قبل از الله ﷻ کدام مبدأ و مصدر دیگری هم وجود دارد.

### سوم: محافل دینی و شعائر طاویه:

- محفل شیو (Chioo) این محفل از سابقه‌ترین محافل می‌باشد، زیرا آن عبارت از تجدید رابطه اجتماعی با پروردگار می‌باشد، و این محفل در تایوان تا امروز موجود است.

- محافل دیگری هم وجود دارد بخاطر انتخاب و تعیین کردن کاهنان، و محافل دیگری هم در وقت سالگیره تولد آلهه شان.

- بعضی کاهنان محافل خاصی دارند به مناسبات دفن، عروسی، و ولادت.

- از جمله روش‌های خاص شان روشی هم در معالجه مریض دارند، به این طریق که وی را در یک اطاق معتدل داخل می‌نمایند و مریض در آنجا مدتی را در تأمل و تفکر گذرانیده مشغول به گناهان خود می‌باشد، بعضی دیگر شان واسطه‌ها را در کار میندازند، و آنان خود را به خواب می‌زنند و خود را آرام می‌گیرند، و چنین می‌پندارند که آنان نظریات آلهه و یا مردگان و یا نزدیکان و خویشاوندان را نقل می‌دهند.

- در دادن بخور [چیزهایی که سبب خوشبوئی شود] در تمام عبادات طاویه جایگاه اساسی دارد، و علاوه بر آن خنجرها، آب جادو شده، موسیقی، سلاح و کتب مقدس را نیز استعمال می‌کنند.

### چهارم: افکار طاویه:

- آنان صوفی‌اند، زیرا بالای طاوی واجب است که نفس خود را از تمام مشغولیت‌ها و شائبه‌ها پاک کند تا در داخل خود فراغی را بیابد که آن در حقیقت پرشدن نفس است، و آن توسط رسیدن به حقائق مجرد حاصل می‌شود، و رسیدن به حقائق مجرد از طریق تجرد و دوری از مادیات بدست می‌آید تا که انسان روح خالص گردد.

- بلندترین مرتبه تصوف همانا مرحله وحدت کامل بین فرد و قانون اعظم است، و آن توسط حاصل شدن خلط و درهم شدن میان صوفی و ذات عالی که هر دویشان شخص واحد بگردند، حاصل می‌شود.

- وقتی انسان به معرفت درست ارتقا نمود آنگاه می‌تواند به حالت اثیری برسد که دیگر نه موت است و نه حیات.

- طاویه - بر عکس کونفوشیوسیه - روش و منهج سلبی دارد، زیرا فضیلت نزد آنان قدرت داشتن به کار نکردن و اکتفاء به تأمل و تفکر است، و به سوی زندگی در کوه‌های مقدس و به نزدیکی جزیره‌های دور دعوت می‌کند.

- آنان با شرائع، قوانین، علم، و دیگر چیزهایی که از آثار و علائم تمدن و ترقی است، دشمنی می‌نمایند [و می‌گویند] که این‌ها فطرت انسان را در حالیکه به فطرت سلیم تولد شده بود، فاسد کرده‌اند، و بهترین طریق نزد آنان در این مورد همانا بازگشت به سوی نظام طبیعی، که در بقاء پاکی و سلامت فطرت امتیاز دارد، می‌باشد.

- طاوی‌ها به درازی عمر توجه و اهتمام دارند، کلان سن بودن را دلیل مقدس بودن می‌دانند، بنا برین کوشش در راه دراز ساختن و جاویدانی عمر یکی از اهداف تصوف طاویه به شمار می‌رود، بعضی از آنان چنین ادعا نموده‌اند که ممکن است عمر به چندین صد سال دراز کرده شود، بهترین اشخاص جاوید - در نظر آنان - کسانی‌اند که در روز روشن به سوی آسمان بالا می‌روند، این جاویدانی که به نظر آنان از جمله ممکنات است، توسط ریاضت‌های خاص جسمی و روحی حاصل می‌شود.

- اهتمام و توجه شان به جستجو از اکسیر حیات عامل مهمی در تقدم و پیشرفت طب و کیمیا توسط آنان بود، علاوه بر آن سحر، شعبده، و دجل را نیز ترقی دادند که آن سبب شد تا کهنات هم خیلی غنی گردد و وسعت یابد.

- آنان به تعالیم اخلاقی و ضرور بودن مشارکت در محافل موسمی عام علاقه داشته به آن تأکید می‌نمایند.

- نزد آنان قیامتی، و حسابی وجود ندارد، بلکه شخص نیکوکار به صحتمندی و درازی عمر پاداش داده می‌شود، و شخص بدکار توسط مرض و مردن زود جزاء داده می‌شود.

### ریشه‌های فکری و اعتقادی:

- مفکوره‌های طاویه خیلی به زمانه‌های قدیم باز می‌گردد، لکن توسط مؤسس آن لوتس ظاهر گردیده است.

- در میان طاویه، کونفوشیوسیه، و بودائیه، به سبب زندگی آن‌ها در وطن واحد و همجواری شان عوامل تأثیر و تأثر متقابل وجود دارد، طور مثال مفکوره تصوف که به اسالیب مختلف از آن تعبیر می‌شود ولی خودش تحت مضمون واحد قرار دارد در همه

ادیان مذکور به چشم می‌رسد.

- طاویه به کنفوشیوسیه نزدیک‌تر است نسبت به نزدیکی آن به بودائیه.
- طاوی‌ها بناء کردن ادیره، رهبانیت، و مجرد بودن [یعنی عدم ازدواج] را از بودائی‌ها گرفته‌اند.

- دوان در کتاب خود «خرفات التوراة وما یأثلاها فی الدیانات الأخری» ص ۱۷۲ می‌گوید: در طاویه تثلیث وجود دارد، طاو عقل ازلی اول است که از آن دیگری خارج شده، و از این، سومی خارج شده که آن مصدر تمام اشیاء می‌باشد.

### انتشار و جاهای نفوذ:

- در سال ۱۹۵۸م اعلان شد که سی هزار کاهن طاوی در جاهای مختلف چین فعلا هم فعالیت می‌نمایند، معلوم است که فرهنگ و ثقافت تقلیدی طاویه چین الحال هم در چین زنده است.

- در سال ۱۹۴۹م آخرین معلم آسمانی (شانغ این بو) به تایوان فرار نمود، و در سال ۱۹۶۰م این دین دو باره زنده شد و معابد بزرگ طاویه اعمار گردید مثل معبد (شهنان) در نزدیکی تایبیه که تمثال (لو یونگ ین) نیز در آن وجود دارد، تمثالی که - به گمان آنان - روح طاو پروردگار در آن داخل شده است، در سال ۱۹۷۰م این معلم آسمانی وفات نموده پسرش (شانغ یوان هسین) جانشین وی گردید.

- گروه‌هایی از طاویه در بعضی اطراف‌های مالیزیا، بینیانگ، سنگاپور، پانکوک، نیز یافت می‌شود.

- جاپان به اعتبار علم درباره طاویه از بزرگ‌ترین بلاد در ایام حاضر به شمار می‌رود.

- و تایوان مهم‌ترین پناهگاه برای طاویه در قرن بیستم به شمار می‌رود البته به سبب هجرت طاویه به آنجا در قرن‌های هفدهم و هجدهم.

### مراجع:

- ۱- الملل والنحل و ذیل آن تالیف شهرستانی و ذیل آن که ملحق است به آن از تالیف محمد سید کلانی می‌باشد - ج ۲ - دار المعرفة - بیروت - ط ۲ - ۱۳۹۵هـ / ۱۹۵۷م.



- ٢- الديانات و العقايد في احمد عبد الغفور عطار- ط١ - مكة المكرمة مختلف العصور -  
١٤٠١هـ / ١٩٨١م.

مراجع به زبان ييگانه:

- 1- Encyc lopaedia Britannica, 1968. Vol, 17, P. 1034- 1054.
- 2- Doane: Bible Myths and their parallels in other Religion, P. 172.



## علمانیه

### SECULARISM

#### تعریف:

علمانیه به انگلیسی (SECULARISM) گفته می‌شود که ترجمهٔ درست آن: لادینی و یا دنیویه می‌باشد، و آن دعوتی است به سوی استوار ساختن زندگی به اساس بی‌دینی و جدا از دین و مقصود آن در جانب سیاسی عدم دخالت دین در حکومت می‌باشد، این یک اصطلاحی است که به واژهٔ علم (SCIENCE) و مذهب علمی (SCIENTISM) تعلق ندارد.

#### تأسیس و افراد برازنده:

- این دعوت در اروپا شروع شد و توسط تأثیر استعمار، تبشیر، و کمونستی به تمام اطراف جهان رسید، عوامل زیادی قبل از انقلاب فرانسه سال ۱۷۸۹م و بعد از آن، در گسترش و توسعه آن و در ظهور منهج و افکارش وجود داشته است، که آن عوامل و اوقات به ترتیب آتی رونما گردید:

۱- رجال دین [یعنی دین مسیحی]، زیر پردهٔ اکلیروس، رهبانیت و عشاء ربانی به طواغیت حرفوی سیاسی و مستبدین تبدیل گردیده شروع به فروش چک‌های مغفرت نمودند.

۲- قیام نمودن کلیسا ضد علم و تبلیغات آن بر ضد فکر و تشکیل دادن محاکم تفتیش و متهم ساختن دانشمندان به ارتداد.

\* کوبر نیکوس: سال ۱۵۴۳ کتاب «حرکات الأجرام السماویة» را به نشر رسانید، و کلیسا این کتاب را تحریم نمود.

\* جردانو: تلسکوب درست نمود، وی در حالیکه عمرش به هفتاد رسیده بود شدیداً عذاب کرده شد و سال ۱۶۴۲م وفات نمود.

\* دیکارت: به سوی تطبیق منهج عقلی، در فکر و زندگی دعوت نمود.

\* بیکن: وی اصول تجربوی را به میان آورد و خواست که آن را در همه چیز

تطبيق نماید.

\* سبینوزا: صاحب مکتب نقد تاریخی، و انجامش این بود که سوختانده شد.

\* جون لوک-: وی می‌خواست که در وقت تعارض میان وحی و عقل باید وحی

تابع عقل باشد.

۳- ظهور اساس (عقل و طبیعت): علمانی‌ها به سوی آزادی عقل دعوت را شروع نموده صفات خدائی را به طبیعت ثابت نمودند.

۴- انقلاب فرانسه: در نتیجه همین مقابله که کلیسا در یک جانب بود و حرکت جدید جانب دیگر، سال ۱۷۸۹م حکومت فرانسه تولد گردید، و آن اولین حکومت بی‌دینی بود که بنام مردم حکومت می‌کرد، بعضی‌ها معتقداند که ماسونی‌ها از خطاهای کلیسا و حکومت فرانسه استفاده نموده توسط موج انقلاب در راه برآورده ساختن اهداف خویش فعالیت نمودند.

۵- عصر روشن سازی و مقدمه گذاری برای انقلاب:

\* جان جاک روسو سال ۱۷۷۸م: وی کتابی دارد بنام «العقد الإجتماعی» که

حیثیت انجیل انقلاب را دارد مونتسکیو کتابی دارد بنام «روح القوانين» - سبینوزا یهودی که رهبر علمانیت بود، آن را منهج زندگی و سلوک می‌داند، وی رساله‌ای دارد در لاهوت و سیاست - فولتیر صاحب «القانون الطبيعي» - کانت: وی کتابی دارد بنام «الدین في حدود العقل وحده» سال ۱۸۰۴م - ولیم جودین ۱۷۹۳م، کتابی دارد بنام «العدالة السياسية» دعوت وی در این کتاب صریحا دعوت علمانی است.

۶- میرابو: که سخنران، رهبر، و فیلسوف انقلاب فرانسه شمرده می‌شود.

۷- گروه‌های غوغا گر رفتند تا (باستیل) را منهدم سازند، و شعار شان (نان) بود، بعدا شعار شان به (آزادی، مساوات و برادری) تبدیل شد، که آن شعار ماسونی‌ها بود، و نیز از جمله شعارهای شان این بود (باید ارتجاعیت سقوط کند) و آن یک واژه پیچیده‌ایست که مراد شان از آن دین می‌باشد، و گاهی یهود این شعار را بخاطر شکستن موانع و دست یافتن به دستگاه حکومت، و از بین بردن مميزات دینی سرمی‌دهند و انقلاب که برضد مظالم رجال دین بود تغییر نموده بر ضد خود دین شد.

۸- نظریه تطور و ترقی: کتاب تشارلز داروین بنام «اصل الأنواع» سال ۱۸۵۹م به

نشر رسید، وی به قانون تصفیة طبیعی و بقاء شئ مناسبتر ترکیز می نماید، و جد حقیقی انسان را میکروبوک خردی می داند که قبل از میلیون ها سال در آب ایستاده زندگی می کرده، بوزینه نیز در یکی از مراحل ترقی آن قرار دارد که در آخر به انسان تبدیل شده. این نظریه بود که مفضی بر از بین رفتن عقیده دینی و انتشار الحاد و بیدینی گردید و یهود از این عقیده استفاده بدی نمود.

۹- ظهور نیتشه و فلسفه اش که چنین می پندارد: پروردگار مرده است [العیاذ بالله] و مناسب است که انسان عالی (سوبرمان) مقامش را اشغال نماید.

۱۰- دور کایم (یهودی): وی بین حیوانیت انسان و مادیتش توسط نظریة جمع عقلی جمع نموده است [یعنی قول به حیوان بودن و مادی بودنش نموده است].

۱۱- فروید (یهودی) وی غریزه جنسی را مفسر تمام پدیده ها پنداشته، و انسان در نظر وی یک حیوان جنسی می باشد.

۱۲- کارل مارکس (یهودی) صاحب تفسیر مادی از برای تاریخ و کسی که به تطور و ترقی حتمی عقیده دارد، وی دعوتگر و مؤسس اول کمونیزم بوده دین را تریاک ملت ها می داند.

۱۳- جان بول سارتر در (الوجودیه) و کولن و لسون در (لامنتمی): که هر دو به سوی مذهب وجودیه و الحاد دعوت می نمایند.

۱۴- نمونه هائی از علمانیت در جهان عرب و اسلام:

\* مصر: خدیوی اسماعیل که مفتون و شیفته به غرب بود و می خواست که مصر را قطعه ای از اروپا بسازد، سال ۱۸۸۳م قانون فرانسوی را داخل مصر نمود.

\* هند: تا سال ۱۷۹۱م احکام وفق شریعت اسلامی اجراء می شد، بعد از این تاریخ، به تدبیر انگلیس، حرکت به سوی الغاء و دور ساختن شریعت شروع گردیده و در اواسط قرن نوزدهم به صورت کلی به پایان رسید.

\* الجزائر: عقب اشغال فرانسه سال ۱۸۳۰م شریعت لغو گردید.

\* تونس: سال ۱۹۰۶م قانون فرانسوی آنجا داخل گردید.

\* المغرب: سال ۱۹۱۳م قانون فرانسوی آنجا داخل گردید.

\* ترکیه: بعد از الغاء خلافت و افتادن امور به دست مصطفی کمال اتاتورک، ترکیه لباس علمانی را به تن کرد، اگر چه پیش از آن هم اموری به طور مقدمه برای آن وجود

داشت.

\* عراق و شام: در ایام الغاء و از بین رفتن خلافت و رسیدن پای انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها در این دو کشور، شریعت لغو شد.

\* بخش بزرگ افریقا: در این مناطق حکومت‌های نصرانی وجود دارد که بعد از کوچ کردن استعمار قدرت را به دست آورده‌اند.

\* اندونوزیا و اکثر بلاد جنوب شرقی آسیا کشورهای علمانی‌اند.

\* انتشار احزاب علمانی و گروه‌های قومی: حزب بعث - حزب قومی سوریه - گروه فرعونیه - گروه طورانیه - قومیت عربی.

۱۵- از داعیان علمانی در کشورهای عربی و اسلامی: احمد لطفی سید - اسماعیل مظهر - قاسم امین - طه حسین - عبدالعزیز فهمی - میثیل عفلق - انطون سعاده - سوکارنو - سوهارتو - نهرو - مصطفی کمال اتاتورک - جمال عبدالناصر - انور السادات، صاحب شعار (دین در سیاست نیست و سیاست در دین نیست).

### افکار و معتقدات:

- بعضی علمانی‌ها اصلاً وجود خدا منکراند، و بعض دیگر شان وجود خدا را قبول دارند ولی معتقداند که میان خدا و زندگی انسان هیچ نوع علاقه وجود ندارد.  
- زندگی باید به اساس علم مطلق و تحت سلطه عقل و تجربه استوار باشد.  
- برپا کردن سد محکمی میان جهان روح و جهان ماده، ارزش‌های روحی نزد آنان امور سلبیه به شمار می‌رود.

- جدائی دین از سیاست و برپا کردن زندگی بر اساس مادیت.  
- تطبیق مبدأ نفع (براکماتیزم) بر هر چیز در زندگی.  
- اعتماد بر مبدأ و قانون (میکیافیلیه) در فلسفه حکومت و در سیاست و اخلاق.  
- نشر و گسترش اختلاط اخلاقی و از بین بردن اساس خانوادگی به این اعتبارش که حیثیت خشت اول قلعه اجتماعی را داشته باشد.  
- معتقدات علمانی در جهان اسلام و عرب که توسط استعمار و تبشیر به نشر رسیده اینست:

\* طعنه وارد کردن در حقانیت اسلام، قرآن، و نبوت.

- \* این پندار که اسلام اغراض و مقاصد خود را، که عبارت از چند روش و شعائر روحی می‌باشد، پوره نموده است.
- \* این پندار که فقه اسلامی از قانون رومانی گرفته شده.
- \* این پندار که اسلام باتمدن و پیشرفت سازگار نبوده و به عقب روی دعوت می‌نماید.
- \* دعوت به سوی آزادی زن مطابق اسلوب و روش غرب.
- \* بدجلوه دادن تمدن اسلامی و بزرگ جلوه دادن حجم حرکات ویرانگر در تاریخ اسلامی و این پندار که آن‌ها حرکات اصلاح بودند.
- \* زنده ساختن تمدن‌های قدیمی.
- \* اقتباس نظم و منهج لادینی از غرب و جاری کردن آن در اینجا.
- \* تربیه جوانان و اطفال به تربیه بی‌دینی.
- \* اگر برای وجود علمانی در غرب غدیری هم موجود باشد، برای وجود آن در شرق هیچ غدیری وجود ندارد.

### ریشه‌های فکری و اعتقادی:

- دشمنی مطلق با کلیسا در قدم اول و با دین در قدم دوم، هر دینی که باشد، برابر است که در پهلوی علم ایستاده شود، و یا با آن دشمنی نماید.
- یهود بخاطر سلطه خودش نقش بارزی در استحکام علمانیت داشت، زیرا توسط علمانیت موانع دینی را که پیش روی یهود قرار داشت و بین وی و دیگر اقوام زمین مانع واقع می‌شد، دور می‌نماید.
- فرد هوایت هیو می‌گوید: «در هر مسأله‌ای که میان دین و علم تناقض واقع شود حق جانب علم است و خطا جانب دین».
- عام ساختن مفکوره (دشمنی میان علم از یکطرف و دین از جانب دیگر) تا که دین اسلام را نیز شامل شود، در حالیکه دین اسلامی هیچگاه به ضد زندگی و علم برنخاسته و کلیسا بوده که آنطور نموده است، بلکه اسلام در تطبیق منهج تجربوی و نشر علوم پیشقدم بوده و است.
- انکار از آخرت و عدم عمل برای آن، و یقین نمودن به اینکه تنها زندگی دنیا جای نفع گرفتن و لذت بردن است.

**انتشار و جاهای نفوذ:**

- علمانیت در اروپا شروع شد، وبعد از به میان آمدن انقلاب فرانسه سال ۱۷۸۹م وجود سیاسی پیدا کرد و در قرن نوزدهم در تمام اروپا به نشر رسید، و در قرن بیستم توسط استعمار و تبشیر، اکثر دولت‌های جهان را به اعتبار حکومت و سیاست، شامل گردید.

**مراجع:**

- ۱- جاهلیة القرن العشرين محمد قطب.
- ۲- المستقبل لهذا الدين سيد قطب.
- ۳- تهافت العلمانية عماد الدين خليل.
- ۴- الإسلام والحضارة الغربية محمد محمد حسين.
- ۵- العلمانية سفر بن عبدالرحمن حوالی.
- ۶- تاريخ الجمعيات السرية والحركات الهدامة محمد عبدالله عنان.
- ۷- الإسلام ومشكلات الحضارة سيد قطب.
- ۸- الغارة على العالم الإسلامي ترجمه محب الدين خطيب.
- ۹- الفكر الإسلامي في مواجهة الافكار الغربية محمد مبارك.
- ۱۰- الفكر الإسلامي الحديث محمد البهي. وصلته بالاستعمار الغربي.



## فرودیه

### FREUDISM

#### تعریف:

فرودیه مکتبی است در تحلیل نفسی که آن را سیجموند فروید SIGMUND یهودی تأسیس نموده است، مکتبی که سلوک انسانی را تفسیر جنسی نموده غریزه جنسی را حامل و باعث در عقب هرشیء می‌داند، ارزش‌ها و عقاید را موانعی می‌داند که مانع از اشباع جنسی گردیده سبب عقده‌ها و امراض نفسانی برای انسان می‌شود.

#### تأسیس و افراد برازنده:

#### اول: مؤسس و زندگی‌اش:

- سیجموند فروید در ۶ مایو ۱۸۵۶م در شهر فریبورج در مقاطعة مورافیا چکسلواکیای فعلی، از والدین یهودی به دنیا آمد.
- مدت زیادی را خاندان پدرش در کولونیای آلمان سپری نموده بودند، در قرن چهاردهم ویا پانزدهم به جانب شرق رفتند. در قرن نوزدهم بار دیگر از لیتوانیا، به طریق گالیسیا، به طرف مورافیا هجرت نمودند، که در آنوقت تابع امپراطوری نمسا و مجر بود، یعنی قبل از نابود شدن آن توسط جنگ جهانی اول.
- مادرش در شهر برودی، دربخش شمالی گالیسیا که نزدیک حدود روسیه واقع است تولد شده، پدر مادرش در حالیکه مادرش طفل بود، به فیینا رفته بود، وقتی همین دخترک جوان شد با جاکوب فروید پدر سیجموند فروید ازدواج کرد و هفت فرزند برایش تولد کرد.
- گالیسیا شهری است در پولندا که از آنجا پدر فروید آمده بود و حیثیت مرکز عمومی یهود را در شرق اروپا داشت، ولی به سبب اوضاع نا آرام، خاندان فروید از آنجا به برسلا و به آلمان کوچ نمود که در آنوقت سن سیجموند سه ساله بود، بعد از آن بار دیگر به فیینا کوچ کردند و در آنجا اکثر عمر خود را سپری نمود و تا سال ۱۹۳۸م باقی ماند، بعدا از آنجا، در حالیکه به دانه سرطان در رویش مصاب شده بود به لندن رفت

- وزندگی آخر خود را آنجا سپری نمود، در ۲۳ ستمبر ۱۹۳۹م وفات نمود.
- تربیه اول وی در طفلی‌اش توسط یک زن پیر قدکوتاه، کاتولیکی متعصب، که تربیه وی را بدوش داشت صورت گرفت، وی آن را گاهی باخود به کلیسا هم می‌برد، و این امر سبب شد که در آینده بر ضد مسیحیت نیز عقده داشته باشد.
- به حیث یک فرد یهودی نشأت نمود، و دوستانش از غیر یهودیان بسیار کم بود، زیرا با غیر یهودی انس و الفتی نداشت.
- سال ۱۸۷۳م داخل دانشگاه شد، و در عقب آن از این امر خیلی شدیداً بد می‌برد که بخاطر یهودی بودن خود احساس حقارت و خجالت نماید، ولی با وجود آنکه مقام‌های بلندی را نصیب شده بود همین احساس موهوم و مقهور در وی وجود داشت.
- سال ۱۸۸۵م فیینا را به قصد پاریس ترک گفته آنجا به مدت یک سال نزد شارکوت شاگردی نمود، استاذش عملیهٔ تنویم مغناطیسی را، برای معالجهٔ هستیریا انجام می‌داد، وقتی برای فروید تاکید نمود که در حالتی از حالات امراض عصبی برای مریض اضطراب و حرکتی در زندگی جنسی‌اش ضروری می‌باشد، فروید خیلی به دیدهٔ اعجاب به سویش دید.
- سال ۱۸۸۶م دوبارهٔ به فیینا بازگشت نموده آنجا به بررسی حالات عصبی به صورت عموم و هستیریا به صورت خاص پرداخت، و از تنویم مغناطیسی نیز استفاده می‌نمود.
- بخاطر آنکه با مدرسهٔ نانسی آشنا شود، بار دیگر به فرانسه رفت، ولی وقتی دانست که، آنان در تنویم مغناطیسی به فقیران کامیاب‌تراند نسبت به اغنیائی که به پول شخصی خود تداوی می‌نمایند، آنگاه آرزویش به خاک زده شد.
- بار دیگر فیینا آمده و تنویم مغناطیسی را شروع کرد، ولی پیرویش معتدل و میانه بود.
- با جوز یف برویر (۱۸۴۲ - ۱۹۲۵م) که یک طبیب نمساوی و از رفیق‌های فروید بود، شروع به همکاری نمود، وی در اصل ماهر فیزیولوژی بود، ولی به کار طبی انتقال نموده بود، زیرا وی نیز از جملهٔ کسانی بود که تنویم مغناطیسی را استعمال می‌نمودند.
- هر دویشان شروع به استعمال طریقهٔ «تحدث» بامریضان نمودند، و کامیابی‌هائی هم به دست آوردند، و تحقیقات خویش را سال‌های ۱۸۹۳ و ۱۸۹۵م به نشر رسانیدند،

و طریقهٔ تداوی شان بعد از آن مرکب از طریقهٔ «تحدث» و تنویم بود، ولی دیری نگذشت که برویر ازمه طریقه‌ها صرف نظر نمود.

- فروید به کار خود ادامه داد، طریقهٔ تنویم را ترک کرد و طریقه تحدث را اختیار نمود، از مریض می‌خواست که به پهلو خواب شده تمام خاطره‌ها و سرگذشت‌های خویش را به وضاحت بیان نماید، این طریقهٔ خود را (ارتباط آزاد) نام نهاد، در این روش خود طوری عمل می‌نمود که تمام قید هارا از افکار و یاد داشت‌ها دور می‌کرد، این طریقه‌اش از طریقهٔ قبلی کامیاب‌تر بود.

- از مریض می‌خواست که خوابی را که در شب گذشته دیده آن را به وی قصه نماید، و از آن در تحلیل خود استفاده می‌نمود، کتابی تألیف نمود بنام «تفسیر الأحلام» که آن را سال ۱۹۰۰م به نشر رسانید، بعد از آن کتاب «علم نفس مریضان برای زندگی یومیه» را تألیف کرد، و بعد از آن یکی بعد از دیگری کتاب‌هایش تألیف می‌شد، و تحلیل نفسی از آنوقت به بعد حیثیت یک مکتب واضح سیکولوجی را به خود گرفت.

- در فیینا مرکز دائرهٔ علمی را تشکیل نمود و تعدادی از مردم از سویسرا و از عام اروپا به آن دائره پیوستند، و آن مفضی به این شد که در سال ۱۹۰۸م اولین مجلس تحلیل گران نفسی برگزار گردد، ولی این دائره دیری دوام نکرد و به دائره‌های مختلف تقسیم گردید.

- سال ۱۸۹۵م به گروه (بنای برث) «یعنی پسران عصر» پیوست که در آنوقت درس سی و نو سالگی عمر خویش قرار داشت، این گروه در میان اعضای خویش جز یهودی کس دیگر را نمی‌پذیرد، وی در طول چندین سال برای حضور در اجتماعات این گروه مواظبت و پابندی نموده سخنرانی‌هایی دربارهٔ تعبیر خواب‌ها می‌نمود.

- وی با تیودور هرتزل که سال (۱۸۶۰م) تولد شده، آشنائی داشت و فروید یکی از کتاب‌های خود را با تحفهٔ شخصی چیز دیگری به وی فرستاد، همچنان هر دویشان به طور مشترک در راه تحقیق بخشیدن مفکورهٔ واحد سعی و تلاش می‌نمودند، آنهم در خدمت صهیونیسمی که به آن تعلق داشتند، آن مفکورهٔ واحد عبارت بود از مفکورهٔ «دشمنی باطبقهٔ اشرافی» که هرتزل به طریق سیاسی آن را به نشر می‌رسانید، و فروید تحلیل نفسی می‌نمود.

دوم: بعضی دوستان و شاگردانش:

- از جمله دوستانش: ساخس، رایک، سالزمان، زیلبورج، شویزی، فرانکل، وینلز، و سیمل می‌باشند که همه‌شان یهودی بودند.
- لارنست جونز، مؤرخ سیرت فروید، که وی به اعتبار تولد مسیحی، به اعتبار مفکوره ملحد و به اعتبار شعور و وجدان یهودی می‌باشد، که بر وی لقب «یهودی افتخاری» نهاده‌اند.
- وللهلم ستکل، و فرنز وتلز: دو عضو مهم گروه فروید می‌باشند، مگر ایندو روی اختلافات سطحی که در بعضی نظریات و روش‌ها داشتند در مقابل وی خروج نمودند.
- اوتورانک (۱۸۸۴-۱۹۳۹م) وی نظریه‌ای را وضع نمود که در اصل بالای افکار اصلی فروید بنا نهاده شده است ولی بابعضی از تعدیلات مهم. از وی این پندارش معروف است که می‌پنداشت: صدمه عمیق میلاد بر انسان چنان تأثیر می‌گذارد که بعد از آن تلاشش بخاطر بازگذشت وزن و نمویش قطع نمی‌شود.
- الفرد آدلر: در فیینا تولد شده (۱۸۷۰-۱۹۳۷م) در اوائل، به گروه فروید پیوست ولی بعد از وی جدا شد و مکتبی تشکیل داده آن را بنام «علم نفس الفردی» نامگذاری نمود، و انگیزه‌های جنسی را که نزد فروید بود تعدادی از آن را به انگیزه‌های اجتماعی تبدیل نموده بر اراده قوت و کوشش‌های احساس تأکید نمود.
- کارل جوستاف یونج (۱۸۷۵-۱۹۶۱م) وی در زوریخ تولد شده و مسیحی می‌باشد، فروید وی را به حیث رئیس گروه عالمی تحلیل نفسی تعیین نمود، ولی وی با این اعتقاد که این مدرسه تحلیل، یک جانبه بوده و کامل نیست، در مقابل استاذ خود خروج نمود، و خروجش بالای فروید تأثیر بزرگی کرد، وی نظریه (سیکولوجیاتحلیلیه) را وضع نموده و به این امر اشاره نموده که قوت دافعه بزرگ‌تری وجود دارد که آن قوه حیاة است، و بر دوران اخبار لاشعوری که متصل به رگ و یا عنصر است تأکید نمود.

### سوم: فرویدی‌های جدید:

- وقتی فرویدیة جدید، که مرکز آن مدرسه طب عقلی و اشنطن بود، تشکیل شد، دوری و انسلاخ بزرگی از فرویدیة اصلی به میان آمد، همچنان معهد الیام آلانسون هوایت در ایالات متحده آمریکا از مراکز فرویدیة جدید می‌باشد، فرویدیة جدید مدرسه‌ایست که در تأکید بر عوامل اجتماعی امتیاز دارد، و معتقد است که علائم

اساسی انسان علائم ایجابی می‌باشد، ایشان به نقل دادن تحلیل نفسی به سوی علم اجتماع، بخاطر تحقیق و بررسی از اصول انگیزه‌های بشری در جواب گوئی درخواست‌های وضع اجتماعی، اصرار می‌ورزند، از شخصیات بارزشان:

\* هاری ستاک سلیفان (۱۸۹۲ - ۱۹۴۹م) وی به تشخیص و جداسازی مظاهر تفاعل بین مریض و دیگران، و انعکاسات آن بر ناحیه نفس، میلان داشت.

\* اریک فروم: بین (۱۹۴۱ - ۱۹۴۷م) ظاهر گردید، وی انسان را در درجه اول یک مخلوق اجتماعی می‌دانست، در حالیکه فروید وی را مخلوقی می‌دانست که غرق در ذات خود بوده محرک وی انگیزه‌های جنسی می‌باشد.

\* ابرام کاردینر: که در سال‌های (۱۹۳۹ - ۱۹۴۵م) ظاهر شده و طریق بررسی تفاعل را بین مؤسسات اجتماعی و شخصیت فردی در پیش گرفت.

\* کارن هورنی: به مدت پانزده سال از طریقه فرویدیه در اروپا و امریکا کار می‌گرفت، ولی وی تجدید نظر نموده نظریه جدیدی وضع نمود که در آن نظریه، تطبیق علاج را از بسیاری قیودی که نظریه فرویدیه تعیین نموده بود، آزاد کرد.

- علی الرغم آنچه گذشت، فرویدیه جدید به بسیاری از چیزهای فرویدیه اصلی پابندی دارد، از قبیل:

۱- اهمیت قوت‌های انفعالی با وصف مقابل بودنش با انگیزه عقلی، و عقب روی‌های اشراطیه و تکوین عادات.

۲- انگیزه لاشعوری.

۳- شکست و مقاومت و اهمیت آن در تحلیل وقت علاج و تداوی.

۴- توجه به کشش‌های داخلی و تأثیر آن در تکوین نفس.

۵- تأثیر دومی‌دار برای تجربه‌های اوائل طفولیت.

۶- طریقه مکالمه آزاد، تحلیل خواب‌ها، استعمال حقیقت نقل.

### افکار و معتقدات:

#### اول: زیر بنای نظریه:

- اصول سه گانه ای که مدرسه تحلیلیه بران اعتماد دارد: جنس - طفولیت - و شکست خوردن است، همین اشیاء مذکور کلیدهای سیکولوجیه فرویدیه می‌باشد.

- نظریه شکست: این نظریه ستون نظریه تحلیل نفسی و بخش اعظم آن شمرده

می‌شود. مطابق این نظریه لابدی و ضروری است که به دوران ابتداء طفلی و به هجوم‌های خیالی که هدف از آن‌ها خاموش ساختن میلان‌های عشق ذاتی اوائل طفولیت می‌باشد، باید رجوع کرد، زیرا در عقب همین خیالات تمام زندگی جنسی برای طفل آشکار می‌گردد.

- فروید مکیدن طفل را که انگشتانش را می‌مکد نوعی از سرور و نشاط جنسی (دهن) می‌داند، و مثل آن گزیدن اشیاء به دهنش، حتی بول و غائط نمودن را نیز نوعی از سرور جنسی (مقعدی) می‌داند، همانطور حرکات منظم دست و پای طفل را تعبیری از سرور جنسی طفولیت می‌پندارد.

- لیبیدو Libido یک قوت جنسی و یا جوع جنسی می‌باشد، این یک نظریه‌ایست که براساس تکوین بیولوژی برای انسان اعتماد دارد، و انسان را یک حیوان بشری می‌شمارد، چنین می‌پندارد که هر چیزی که ما در سخنان خویش از دوستی آن و دوست داشتن انجام دادن آن سخن می‌گوییم، آن چیز در دائره انگیزه جنسی واقع می‌شود، بنابراین نزد وی غریزه جنسی نشاطی است که لذت را می‌خواهد، و آن غریزه‌ایست که از وقت تولد شخص تا وقتی که آلات رئیسیه، که طفل را به جهان خارج ربط می‌دهد خواسته‌هایش را پوره نکند همراه با وی می‌باشد.

- دفع: می‌گوید که هر حرکتی از خود محرکی دارد، بناء در پهلوی افعال ارادیه‌ایکه آن را دوافع و آرزوها رهبری می‌کند، افعال غیر ارادی و عارضی هم وجود دارد، طور مثال: کلمه بیهوده هم که صادر می‌شود یک آرزو را پوره می‌کند، و هر فراموشی که عارض می‌شود آن را رغبتی که دوری همان چیز را می‌خواسته، آورده است.

- نزد وی گاهی سبب شل شدن و کور شدن فرار از یک حالت سختی می‌باشد که انسان را از تحقق بخشیدن آن عاجز می‌سازد، و آن را انقلاب و تبدیل رغبت به عارضه جسدی نام می‌نهند.

- خواب دیدن نزد وی انحراف از رغبت اصلی است که در عمق نفس پنهان می‌باشد، و آن رغبت شکست خورده است که صاحبش در میدان شعور با وی مقابله نموده آن را به ساحة لاشعوری نقل می‌دهد و در خواب وقتی مانع ضعیف می‌شود راه خروج را جستجو می‌نماید.

- فروید از دو اصل سخن می‌گوید که آندو لذت و واقع است، انسان به طبیعت خود توسط رغبتی که دارد به سوی لذت عاجل میل می‌کند، لکن به حقائق طبیعی محیط

به وی روی بروی شده از آن لذت اجتناب می‌ورزد و برایش دردهای بزرگی پیش می‌شود، مگر آنکه آن را برآورده سازد.

- فریوید وجود دو غریزه را در انسان تخمین می‌کند که تمام روش‌های انسان که از وی صادر می‌شود در آندو داخل است، و آندو عبارت‌اند از غریزه حیات و غریزه موت، غریزه حیات مشتمل بر مفهوم لبیدو و بخشی از غریزه حفظ ذات بوده و غریزه موت مفکوره تجاوز و تخریب را که اساسا به سوی ذات متوجه بوده و از آنجا به دیگران نقل می‌شود، رهبری می‌کند.

- نزد وی جنگ عبارت است از کوشش اجتماعی برای بقاء ذات و نفس، کسی که محاربه نمی‌کند وی خود را برای تجاوزهای داخلی تقدیم نموده، که به اثر مقابلات داخلی خود را فناء می‌سازد، بناء بهتر برای وی آنست که دیگران را فناء و نابود سازد، خود کشی مثال واضح برای شکست خوردن شخص در حفظ زندگی خود می‌باشد، این مفهوم برائتی می‌دهد که ضمایر یهود به آن راحت حاصل می‌نماید، یعنی کسانی که روش خصمانه و تباه کن دارند.

- لاشعور: منبع انگیزه‌های ابتدائی جنسی، و مقرر رغبات و آرزوهای انفعالیه شکست خورده می‌باشد، رغبات و آرزوهائی که در لغزش‌های زبان، خطاهای کوچک، و پراکنده گوئی‌ها و هنگام بعضی پدیده‌های غامض در سلوک انسان ظاهر می‌شود. آن یک منبعی است که داری قوت میکانیکی دفع کننده می‌باشد، و جای ساده نیست که صرف در آن افکار و یاد داشت‌های غیر مهم جمع شود.

- (هی): آن عبارت است از مجموعه‌ای از انگیزه‌های جنسی که نزد طفل در حالت ولادتش موجود می‌باشد و به شعور رهبری کننده ضرورت دارد، و آن غریزه‌هائی است که تمام جنس بشر در آن شریک هستند، و آن عبارت از باطن نفس بوده و از (انا) زاده شده ولی مخلوط با آن در اعماق باقی می‌ماند، یعنی تا وقتیکه (انا) لاشعور می‌باشد، و آن مشتمل بر تمام قوای دافعه می‌باشد، هر گاهی که همین رغبات شکست خوردند به سوی (هی) باز می‌گردند.

- (انا) اندکی بعد از تولد طفل احساسش به واقعت‌های خارجی زیاد می‌شود، و بخشی از مجموعه انگیزه‌ها (هی) جدا شده به ذات تبدیل می‌شود، وظیفه مهم آن اختیار واقع است که توسط آن طفل می‌تواند خواهشات خویش را به یک روش منظمی که مرتبط به حقائق واقعی و مقتضیات آن باشد، تبدیل کند، و آن عبارت از ظاهر نفس

است که به محیط ارتباط دارد.

- (انا عالی) آن عبارت از وجدان و ضمیری است که روش شخص را رهبری می‌نماید و بخش بزرگ آن لاشعور می‌باشد و ما آن را ضمیر و وجدان اخلاقی مینامیم، و آن نواهی و اوامری می‌داشته باشد که آن را بالای (انا) لازم می‌گرداند، و از علائم خاص انسان می‌باشد، زیرا آن‌ها امور ضروری است که از جهان داخلی صادر می‌شود.

- نقل: و آن اینکه گاهی مریض در وقت معالجه محبت و یا بدبینی‌های شکست خورده خود را از اعماق یاد داشت‌های خود به طبیب نقل می‌دهد. باری برویر با محبت یکی از زنانی که تحت معالجه‌اش قرار داشت متعرض شد و آن زن عواطف و محبت‌های شکست خورده خود را به وی نقل می‌کرد، که در نتیجه همین واقعه سبب انصراف و بازگذشت برویر از این طریقه شد، ولی فروید کار خود را در معالجه یکی از زنان با نقل عواطف آن بار دیگر ادامه داد تا خود را به واقعیت برساند.

- فروید از «عقدۀ اودیپ» خیلی استفاده نموده است، یعنی افسانه‌ایکه چنین می‌گوید: شخصی در حالیکه نمی‌دانست پدر خود را به قتل رسانیده با مادر خود عروسی نمود و فرزند به دنیا آورد، وقتی از حقیقت کار خود خبر شد هر دو چشم خود را کور کرد، از این قصه فروید در بسیاری از سقوط‌های نفسی استفاده سوء نموده آن را مرکز تحلیلات مختلف خویش قرار داده است.

- شخصیت انسان نتیجه مقابلات میان سه قوت است: انگیزه‌های غریزی، واقع خارجی، وجدان، این‌ها امور رئیسی‌اند که به شکل ثابتی، در حوالی سال‌های پنجم و یا ششم عمر، برای به پایان رسیدن موقف اودیپی، حدود تعیین می‌کنند.

### دوم: آثار منفی فرویدیه:

- در کتب و تحلیلات فروید - آنطور که به ذهن متبادر است - هیچ نوع دعوت روشنی به سوی انحلال وجود ندارد، تنها اشاره‌های تحلیلیه زیادی در خلال مفاهیم فرویدیه وجود دارد که به سوی انحلال دعوت می‌نماید، دانشمندان صهیون از آن مفاهیم استفاده نموده آن را طوری به مردم تقدیم نمودند که مردم را به انحلال از ارزش‌ها تشویق نموده راه آن را برای شان آسان کند و هیچگونه عذاب وجدانی هم به سوی شان متوجه نشود.

- برای آنکه به مفکوره خود روح علمانیت بخشد، به الحاد تظاهر می‌نمود، ولی با وجود آن از فرق سر تا کف پای غرق یهودیت خود بود.



- وی با مفکوره «دشمنی طبقه عالی» مناقشه می نمود، و آن عبارت است از پدیده بدبینی یهود، و آوازی است که یهود آن را بخاطر جلب ترحم دیگران بالای شان، بلند کرده اند، این پدیده بخاطر چند سبب به طرف لاشعور نفسی رد کرده شده و آن اسباب قرار ذیل اند:

\* رشک بردن اقوام دیگر از یهود، زیرا آنان [العیاذ بالله] بزرگترین پسران خدا و مقدمترین شان نزد وی هستند «تعالی الله عما یقولون».

\* عمل کردن یهود روش ختنه را، در حالی که آن نزد دیگر اقوام خوف خاصی شدن را در بردارد، مراد از دیگر اقوام نصارا می باشد زیرا آنان ختنه نمی کنند.

\* بدبینی اقوام در مقابل یهود در حقیقت بدبینی در مقابل نصارای مسیحی است که آن هم از طریق نقل می باشد، زیرا اقوامی که بلاء و عذاب نازی را بالای یهود فرود میاورند، در اصل آنان اقوام بت پرست بودند که بعدا توسط زور به نصرانیت برده شدند، بنابراین این اقوام در مقابل نصرانیت عقده گرفتند لیکن وقتی با نصرانیت متحد شدند عقدهها را به اصلی که نصرانیت به آن اعتماد نموده است انتقال دادند که آن اصل عبارت از یهود می باشد.

- به سوی اشباع غریزه جنسی دعوت می نماید، زیرا انسان دارای قوت جنسی قوی است، و نصرانیت تنها یک زن برایش اجازه می دهد، بناء یا اینکه تمام قیود دینی را ترک نموده آزادانه میل های جنسی خود را اشباع می کند، و یا اینکه دارای طبیعت ضعیفی می باشد که از قیود خارج شده نمی تواند، آنگاه شکار مرضها و عقده های نفسانی می شود.

- می گوید که امتناع از اتصال جنسی قبل از عروسی گاهی مؤدی تعطیل غریزه جنسی هنگام عروسی می شود.

- فصلی درباره «تحریم بکارت» وضع نموده می گوید که بکارت امراض و مشکلاتی را برای هر دو جانب در بر می داشته باشد، و در این مسأله استدلال نموده که بعضی از اقوام بدائی چنین می نمودند که عملیه از بین بردن بکارت را طی محفل و مراسم رسمی به شخص دیگری غیر از شوهر می سپردند.

- عشق محارم را نیز اجازه داده است، زیرا یهودیها، بخاطر تنگی که در اجتماع شان وجود دارد این کار را زیاد کرده اند، دین آنها عروسی را بالای افرادش خارج از دائره یهود حرام می داند، و این تحریم به قیدهای شدیدی که روح را در زنجیر و معطل

می‌سازد، باز می‌گردد، بناء وی با این نظریه خود در قدم اول یهود را کمک نموده از احساس گناه آزاد شان می‌سازد، و برای دیگران نیز داخل شدن را در این دروازه پر خطر، توسط ساقط ساختن همه تحریمات و شمردن آن‌ها زنجیرها و قیدهای وهمی، آسان می‌نماید، یهود از این نظریه استفاده نموده چندین فلم جنسی رسوا را که در آن نمونه‌هایی از زنا با محارم وجود دارد، درست نمودند.

- (تسعید) و یا چنانچه وی تسمیه می‌کند (اعلاء) به نظر وی روش ضعیفی برای نجات از فشارهای انگیزه‌های جنسی است، زیرا این روش را در مراحل جوانی تنها تعداد خیلی اندک مردم در بعضی از اوقات آنهم با بسیار مشکل و مشقت بدست آورده می‌توانند و بس، اما افراد باقی مانده - که اکثریت بزرگ را تشکیل می‌دهند، آنان به مرض نفسی گرفتار شده از پا در می‌ایند، همانطور که اصحاب طریقه تصعید افراد ضعیفی اندکه در ازدحام عام ضائع شده تحت قیادت و رهبری افراد قوی به سیر ناخواسته کشانیده می‌شوند.

- در راه مقابله‌اش با قیود اوامر علیائی که متوجه به نفس است، به سوی دشمنی با دین رفته آن رانوعی از عصبانی‌های وسواسی نفس قلمداد نموده است.

- مفکوره خدا پرستی نزد وی به ترتیب آتی ترقی نموده است:

\* پدر سرداری بوده که تمام طبقه اناث در قبیله در تصرف وی می‌بوده، و آنان را بالای طبقه ذکور حرام می‌ساخته.

\* پسران به قتل پدر پرداختند، بعد از آن یک پارچه گوشت آن را خام و ناپخته به قصد یکی شدن با وی، فرو بردند، زیرا وی را دوست داشتند.

\* بعدا همین پدر مورد تعظیم و تقدیر قرار گرفت، چون وی در اصل پدر شان بود.

\* از همین جهت حیوان خوف ناکی را اختیار نمودند تا همین تعظیم و تجلیل را به وی نقل دهند، که آن حیوان عبارت از «طوطم» می‌باشد.

\* دین طوطمیه اولین صورت دینی در تاریخ بشری می‌باشد.

\* بعد از آن قدم اول همانا ترقی به سوی إله واحد بود که همراه با آن مفکوره موت هم ترقی نموده که به این ترتیب قدمی به سوی زندگی دیگر که در آن انسان زنده می‌ماند و جزاء آنچه پیش کرده می‌بیند، می‌باشد.

\* الله - بنابراین آنچه گذشت - عوض پدر بوده، یا به تعبیر درست پدر بزرگ می‌باشد، و یا صورت و شکل پدر است که آن را انسان در طفلی خود می‌شناسد.

\* خلاصه اینکه عقاید دینی - نزد وی - وهمیاتی است که دلیلی ندارد، بعضی آن‌ها دور از احتمال بوده با روح و حقایق زندگی موافقت ندارد و مقارن به هذیان می‌باشد، و اکثر آن‌ها طوری است که اثبات و تحقیق صحت آن‌ها ممکن نیست، و آمدن روزی که انسان در آن روز به آواز عقل گوش دهد ضروری می‌باشد.

- در بحث وی از شکست اشاره‌های قوی و صریحی وجود دارد مبنی بر اینکه محفوظ ماندن از آن در آزادی از تمام قیود نهفته است، همچنان پابندی اخلاقی را بالای مریض در همه کارهائی که انجام می‌دهد، حرام می‌سازد، و بر آثار نفسی که بالای همین پابندی مرتب می‌شود و عقده‌های مختلف از خود بجا می‌گذارد، تمرکز می‌نماید که همین عقده‌ها سبب می‌شود تا از روش مستقیم منحرف شود.

### اشیاء ذیل در انتشار افکار وی کمک نمود:

- مفکوره داروین که انسان را به اصول حیوانی مادی راجع می‌سازد.

- روش عقلانی‌یکه در آنوقت در اروپا رواج یافته بود.

- مفکوره علمانیت که زندگی را توسط انقلاب خود شیوه ضد کلیسائی در قدم اول و ضد مفاهیم دینی در قدم دوم بخشید.

- یهودیت که مفکوره وی را با بکار انداختن وسائل مختلف نشراتی، به همه انسان‌ها رسانیدند، البته مقصودشان از این کار آن بود که رذالت و فساد گسترش یافته انجام دادن آن بر وجدان بشر آسان جلوه نماید، تا رهبری همین اقوام سفله و تشنه در عقب امور جنسی که از تمام قیود و ارزش‌ها دور شده‌اند بالای شان آسان گردد.

- از بزرگ‌ترین آثار منفی و تباہ کن افکار فروید اینست که قبلا انسان وقتی در گناه واقع می‌شد احساس جرم و گناه نموده وجدان خود را ملامت می‌کرد، فروید آمد تا وی را از این احساس آرام سازد و چنین فکر کند که وی یک عمل طبیعی را که شائیه‌ای در آن نیست انجام داده است، و در نتیجه وی به توبه کردن ضرورت ندارد و بدین ترتیب بالای فساد لباس اخلاق را انداخت اگر درست تعبیر شده باشد.

### ریشه‌های فکری و اعتقادی:

- سال ۱۷۸۰م تنویم مغناطیسی، توسط مسمر Mesmer داخل ساحه علم و طب گردید، ولی چون آن مشتمل به فریب و دروغ‌های زیادی بود، طبیبان از آن روگردان شدند، که این روگردانی تاوقت مکتب پاریس و نانسی ادامه داشت.

- دکتور شارکوت (۱۸۲۵ - ۱۸۹۳ م) از بارزترین شخصیات مکتب پاریس بود که مریضان مصاب به هستیریا را توسط تنویم مغناطیسی معالجه می‌کرد.
- از جمله شاگردان شارکوت بییر جانت Pierr Janet بود که به کارهای عصبی غیر شعوری توجه داشت و آن را آلیات عقلیه می‌نامید.
- مکتب نانسی در فرانسه نیز در تنویم مقناطیسی معتدل سهم گرفت و چنین گفت که این یک امری می‌باشد که ممکن است برای تمام اشخاص درست پیش شود، زیرا آن نیست مگر حالت انفعال و تلاقت که منشأ آن اشاره می‌باشد، این مکتب از تنویم مقناطیسی در معالجه حالات عصبی استفاده نمود.
- فروید زیر بناء نظریه خود را از آنچه گذشت گرفت و افکار خود را با استفاده از طریقه «تداعی حر» در تحلیل تنویم مقناطیسی داخل کرد. لکن برای این روش که ظاهراً علمی است روی دیگری هم وجود دارد و آن فرهنگ یهودیت بوده که فروید آن را فرا گرفت و بخش بزرگ نظریات خویش را از آن استخراج نموده بخاطر خدمت به صهیونیزم برای بشر تقدیم کرد.

### انتشار و جاهای نفوذ:

- این حرکت در فیینا شروع شد و به سوئیسرا انتقال داده شد و از آنجا به همه اروپا رسید و مکاتبی در امریکا برایش گشوده شد.
- در این ایام این نظریه به تمام جهان رسانیده شده، البته توسط طلابی که آنجا می‌روند و باز به وطن شان عودت می‌نمایند و مفکوره را در بلاد خود به نشر می‌رسانند.
- این نظریه توسط تعدادی از دانشمندان علوم نفسی غرب، در این ایام مورد اعتراضات شدید قرار گرفته است.

### مراجع:

- ۱- علم الأمراض النفسية والعقلية تألیف ریتشارد م. سوین - ترجمه أحمد عبد العزیز سلامة - دار النهضة العربية - القاهرة - ۱۹۷۹ م.
- ۲- مدارس علم النفس تألیف د. فاخر عاقل - دار العلم للملايين - بیروت - ط ۴ - ۱۹۷۹ م.

- ٣- التراث اليهودي الصهيوني تأليف د. صبرى جرجس - عالم الكتاب - طبعة في الفكر الفرويدي ١٩٧٠م.
- ٤- كتاب تاريخ حركة التحليل تأليف سيجموند فرويد - طبعة ١٩١٧م. النفسى.

#### مراجع بيگانه:

- 1- Brown, J. A. C.- Freud and The Post- Freudians Penguin Books London 1962.
- 2- Munroe, R. L.- Schools of Psycho- analytic Thought Mutchinson Medical Publications- London 1957
- 3- Fundamentals of Behavior Pathology by Richard M. Suinn- New York 1970. 4- Bakan, D.»Sigmund Freud and the Jewish Mystical Tradition«, Van Nostrand, New York 1958
- 4- Encyclopedia Britannica, 1965 edition, Vol 1, 2, 3, 4, 9, 17, 19, 21, 24.



## قادیانیت

### تعریف:

قادیانیت حرکتی است که سال ۱۹۰۰م به نقشه و طرح استعمار انگلیس، در قاره هند ایجاد گردید، وهدف از آن دور ساختن مسلمانان از دین شان وعلی الخصوص از فریضة جهاد بود، تا در مقابل استعمارگر بنام اسلام قیام نکنند، زبان گویای این حرکت مجله «الادیان» بود که به زبان انگلیسی به نشر می‌رسد.

### تأسیس و افراد برازنده:

- مرزا غلام احمد قادیانی (۱۸۳۹ - ۱۹۰۸م) آله اساسی از برای ایجاد و تأسیس قادیانیت بود. وی متعلق به خاندانی بود که مشهور به خیانت دین ووطن بودند. وی نزد پیروانش درمختل بودن مزاج، کثرت امراض، معتاد بودن به مواد مخدر معروف بود. بیشتر از پنجاه کتاب، رساله، ومقاله دارد، و مهم‌ترین کتاب‌هایش کتب ذیل می‌باشد:

۱- أزالة الأوهام.

۲- اعجاز احمدی.

۳- براهین احمدیه.

۴- أنوار الإسلام.

۵- اعجاز المسيح.

۶- التبلیغ.

۷- تجلیات الهیه.

- نورالدین: خلیفه وجانشین اول برای قادیانیت، تاج خلافت را انگلیس برسرش نهاد و مریدها پیرویش نمودند، از جمله تالیفاتش «فصل الخطاب» است.

- محمد علی: وی امیر قادیانی در لاهور، مناظر آنان، جاسوس استعمار، و مدیرمجله ای بود که بنام قادیانیان سخن می‌گفت، قرآنکریم را ترجمه تحریف شده به

زبان انگلیسی نمود، از جمله تالیفاتش: «حقیقة الاختلاف» و «النبوة في الإسلام» می‌باشد.

- محمد صادق: مفتی قادیانیان، که از جمله مؤلفات وی «خادم خاتم النبیین» می‌باشد.

- بشیر احمد بن غلام: از تالیفاتش: «سیره مهدی» و «کلمة الفصل» می‌باشد.

- محمود احمد پسر غلام و خلیفه دومش: که از تالیفاتش: «أنوار الخلافة»، «تحفة الملوك» و «حقیقة النبوة» می‌باشد.

### افکار و معتقدات:

- معتقداند که غلام همان مسیح موعود می‌باشد.

- معتقداند که خداوند روزه می‌گیرد، نماز می‌خواند، خواب می‌کند، بیدار می‌شود، نوشته می‌کند، دستخط می‌نماید، و جماع می‌کند. «تعالی الله عما یقولون علوا کبیرا» «خیلی عالی و برتر است خداوند از آنچه می‌گویند».

- قادیانی معتقد است که خدای وی انگلیسی زبان است، زیرا باوی به زبان انگلیسی سخن می‌گوید.

- قادیانیان معتقداند که نبوت و پیامبری به حضرت محمد ﷺ ختم نشده، بلکه جاری بوده خداوند پیامبران را حسب ضرورت ارسال می‌دارد، و غلام احمد بهترین تمام پیامبران می‌باشد.

- معتقداند که جبرئیل علیه السلام نزد احمد فرود می‌آید و برایش وحی می‌آورد، الهامات وی نیز مثل قرآن است.

- می‌گویند: قرآن تنها همان است که مسیح موعود (غلام احمد) آورده است، و حدیث هم تنها همان است که در روشنائی تعلیمات وی باشد، و دیگر پیامبران تحت سیادت و سرداری غلام احمد می‌باشند.

- معتقداند که به آنان نیز کتابی نازل شده که نامش «الکتاب المبین» می‌باشد، و آن غیر قرآن کریم است.

- معتقداند که آنان دین مستقل، و شریعت مستقل دارند، و یاران غلام مثل اصحاب کرام می‌باشند.



- معتقداند که شهر قادیان مثل مدینه منوره و مکه معظمه می باشد، بلکه از آن‌ها بهتر بوده و زمین آن حرم می باشد، همین شهر قادیان قبله آنان است که به ادای حج آنجا می روند.
- عقیده جهاد را لغونموده به اطاعت کورکورانه حکومت انگلیس پرداختند، زیرا حکومت انگلیس به پندار آنان، به نص قرآن اولو الامر ایشان می باشد.
- تمام مسلمانان به نزد آنان کافراند مگر کسی که در قادیانیت داخل شود، همچنان کسی که به غیر قادیانیان دختر دهد و یا از غیر آنان زن گیرد آن شخص کافر می باشد.
- شراب، تریاک، و دیگر مخدرات و مسکرات را حلال می دانند.

### ریشه‌های فکری و اعتقادی:

- حرکت تعریبی سیر سید احمد خان توسط نشر افکار منحرف، برای ظهور قادیانیت مقدمه گذاری نمود.
- انگلیس فرصت را غنیمت دانسته حرکت قادیانی را درست نمود و برای رهبری آن شخصی را از خاندانی که در مزدوری شان غرق بود اختیار کرد.
- قادیانی‌ها روابط محکی با اسرائیل دارند، اسرائیل برای شان مرکزها و مکاتب احداث نموده و ایشان را در نشر مجله‌ایکه به نام آنان سخن می گوید، و در چاپ کتب و نشریه‌ها و توزیع آن در عالم، یاری می‌رساند.
- اثر پذیری شان از مسیحیت، یهودیت و حرکات باطنیه، در عقاید و روش شان، علی الرغم ادعای اسلام در ظاهر، واضح و آشکار است.

### انتشار و جاهای نفوذ:

- بخش بزرگ قادیانیان امروز در هند و پاکستان زندگی می‌نمایند، تعداد اندکی از آنان در اسرائیل و کشورهای عربی هم هستند، و برای حاصل نمودن مراکز حساس، در هر شهری که مستقراند، با همکاری استعمار کوشش می‌نمایند.

### مرجع:

- ۱- القادیانیة احسان الهی ظهیر.

- 
- ۲- القاديانية ابو الحسن علي الحسن الندوى، ابو الاعلي المودودي، محمد الخضر حسين.
  - ۳- تاريخ القاديانية ثناء الله تسري.
  - ۴- سوداء القاديانية محمد علي الامر تسري.
  - ۵- فتنة القاديانية عتيق الرحمن (در اوائل قاديانى بود).
  - ۶- المذهب القاديانى الياس برني.

## قراмпته

### تعریف:

قراмпته یک گروه باطنی ویرانگر می‌باشد که روش نظم سری عسکری را اختیار نموده، ظاهرش پیروی و جانبداری اهل بیت بوده به سوی محمد بن اسماعیل بن جعفر صادق خود را نسبت می‌دهند، ولی حقیقتش الحاد، اشتراکیت، اباحت، نابود ساختن اخلاق و از بین بردن دولت اسلامی می‌باشد، وجه تسمیه‌اش به این نام نسبت آن به حمدان قرمط بن اشعث می‌باشد که این مذهب را در سواد کوفه سال ۲۷۸هـ به نشر رسانید.

### تأسیس و افراد برازنده:

- ترقی و پیشرفت این مذهب ضمن بررسی شخصیات آن که اثر بارزی بر حرکت و تشکیلات آن، در مدت درازی از زمانه، از خود برجا گذاشته‌اند، واضح و روشن می‌گردد.

- حرکت توسط عبد الله بن میمون قداح شروع می‌شود که وی سال ۲۶۰هـ اصول اسماعیلیه را در جنوب فارس به نشر رسانید.

- وی شخص دعوتگری در عراق داشت بنام فرج بن عثمان قاشانی معروف به ذکرویه، که دعوت را طور مخفی به نشر می‌رسانید.

- در سال ۲۷۸هـ حمدان قرمط بن اشعث شروع به نشر دعوت، به طریق آشکارا، در نزدیکی کوفه نمود، بعد از آن خانه‌ای بنا کرد و آنرا دار الهجرت نام کرد، و نماز را در یک روز پنجاه نماز ساخت.

- ذکرویه فرار نموده بیست سال پنهان شد، و اولاد خود را در بلاد مختلف روان نموده آنان به دعوت سوی مذهب پرداختند.

- ذکرویه احمد بن قاسم را جانشین خود تعیین نمود، وی قافله‌های حاجیان و تاجران را غارت کرد، و در حمص به شکست مواجه گردید، ذکرویه به بغداد برده شد و آنجا سال ۲۹۴هـ وفات نمود.

- قراмпته در بحرین اطراف حسن بن بهرام که معروف به ابوسعید جنابی بود جمع

شدند، وی سال ۲۸۳هـ به طرف بصره حرکت نمود ولی شکست خورد.

- بعد از وی پسرش سلیمان بن حسن بن بهرام، که معروف به ابوطاهر بود، متولی امور گردید، وی بر بسیاری از مناطق جزیرهٔ عرب غلبه حاصل نمود و پادشاهی‌اش در آنجا سی سال ادامه یافت، وی مؤسس حقیقی دولت قرامطه، و درست کنندهٔ برنامهٔ سیاسی و اجتماعی قرامطه به شمار می‌رود. شوکتش چنان بالا گرفته بود که حکومت بغداد به وی خراج می‌داد، و ازکارهای دهشت انگیزش امور ذیل به شمار می‌رود:

\* برحاجیان، حین بازگشت شان از مکه، غارت نموده اموال شان را چپاول کردند و آنان را در آفتاب گذاشتند تا آنکه در صحراء به هلاکت رسیدند.

\* در دوران مقتدر (۲۹۵ - ۳۲۰هـ) شش روز کوفه را در اختیار داشتند که آن را مباح اعلان کرده بودند.

\* سال ۳۱۹هـ بر مکه هجوم آورده حاجیان را به قتل رسانید، چاه زمزم را خراب کرد، کعبهٔ شریف را، پر از کشتگان ساخت، لباس کعبه را کشید، دروازهٔ بیت الله را کند، حجر الاسود را کنده آن را دزدید و به احساء برد، و حجر الاسود به مدت بیست سال، تا به سال ۳۳۹هـ آنجا باقی ماند.

سلیمان وفات نمود و امور به برادرش حسن الاعصم تعلق گرفت وی شوکتش بالا رفت و سال ۳۶۰هـ دمشق را تصرف نموده به سوی مصر روی آورد و جنگ‌هایی میان وی و خلافت فاطمی صورت گرفت، ولی اعصم بازگشت کرد و قرامطه شکست خورده به احساء آمدند.

- قرامطه حسن را بخاطر دعوتش به سوی بنی عباس، خلع قدرت نمودند، و امور به دو شخص که جعفر و اسحاق نام داشتند تعلق گرفت، آندو اولاً توسعه نمودند، ولی بعداً خلاف در میان شان پیدا شد، و اصفی تغلبی با ایشان جنگ نموده بحرین و احساء را تصرف نمود و شوکت و دولت شان را ختم کرد.

### افکار و معتقدات:

- آنان دولت اشتراکی تشکیل دادند که مبنای آن اشتراک در دارائی‌ها و عدم احترام به ملکیت شخصی بود.

- مردم را در زنان شریک می‌دانند و دلیل شان ریشه کن کردن اسباب دشمنی و بدبینی است، پس برای هیچکس جائز نیست که خانم خود را از برادران خود بپوشاند.

- لغو نمودن احکام اساسی اسلام مثل نماز، روزه و تمام فرائض دیگر.
- استفاده نمودن از شدت و خوشنت در راه بر آورده ساختن اهداف.
- عقیده دارند که قیامت و عذاب باطل و دروغ می باشد، و جنت عبارت از نعمت های دنیا، و عذاب عبارت از مشغول شدن اصحاب شریعت به نماز، روزه، حج، و جهاد می باشد.
- افکار و عقاید خویش را میان کارگران، دهقانان صحراء نشینان جاهل و ضعیف نفسان، و میان کسانی که رغبت به لذت های عاجل دارند به نشر می رسانند، بنابراین جامعه قرامطه یک جامعه ملحدین و خونریزها بوده که نفس، مال و آبروی مردم را حلال می دانند.
- به عصمت قائل اند، و می گویند که بودن امام معصوم در هر زمان ضروری است تا ظاهر را تأویل کند، و در عصمت مساوی پیامبر می باشد، از جمله تأویلات شان اشیاء ذیل می باشد:
- \* جنابت: عبارت است از عجله نمودن در افشاء راز برای پذیرنده دعوت قبل از آنکه به مرتبه استحقاق برسد.
- \* روزه: عبارت است از نگه داشتن و پرهیز کردن از افشاء راز.
- \* بعث و قیامت: عبارت است از هدایت شدن به مذهب آنان.
- \* پیامبر: عبارت از شخصی است که بالای وی از طرف خدای اول به قوت خدای دوم قوت قدسیه صافی فیضان شده باشد.
- \* قرآن: آن عباراتی است که توسط آن محمد ﷺ از معارفی که بالایش فیضان شده بود تعبیر کرده است بناء قرآن مرکب از کلام خود محمد ﷺ بوده مجازا آن را کلام خدا می گویند.
- بالای پیروان خویش چنان مالیات تعیین می کنند که نزدیک می شود درآمد هر فرد شان در آن غرق شود.
- قائل به وجود دو خدای قدیم هستند که یکی از آنها علت وجود دومی اش می باشد، و اینکه خدای اول جهان را توسط خدای دوم آفریده است، نه مستقیم و بلا واسطه، اول کامل است دوم ناقص، اول نه به وجود موصوف می شود و نه به عدم، نه موصوف است و نه هم غیر موصوف.
- بالای مردم از طریقه اظهار ظلم امت بر علی بن ابی طالب و کشتن حسین وارد

می‌شوند.

- قائل به رجعت هستند، و اینکه علی علیه السلام غیب را می‌داند، و وقتی بالای کسی راه یافتند [و آن را مایل به مذهب خود ساختند] آنگاه وی را از حقیقت مذهب خویش که عبارت از ساقط ساختن مکلفیت‌ها و ویران کردن دین است باخبر می‌سازند.
- معتقداند که ائمه، ادیان، و اخلاق جز گمراهی چیز دیگری نیست.
- به سوی مذهب خویش یهود، صابئه، نصارا، مجوس، فلاسفه، اشخاص جاهل، ملحدین، و دهری‌ها را دعوت می‌نمایند، نزد هرکس از همان دروازه‌ای پیش می‌آیند که مناسب حالش باشد.

### ریشه‌های فکری و اعتقادی:

- فلسفه‌شان فلسفه مادی بوده که در آن تعالیم ملحدین و دسیسه‌گران ائمه فارسی [یعنی سرداران مجوس فارسی] جا گرفته است.
- از اصول کلامی و سیاسی خوارج نیز متأثر بوده مذاهب دهری‌ها نیز بالای شان تأثیر گذاشته است.
- به مذاهب ملحدین امثال مزدک و زردشت نیز تعلق دارند.
- زیر بنای اعتقاد شان نپذیرفتن عبادات و محرمات بوده و برپا کردن جامعه‌ایکه بر اباحت و شرکت در مال، و زنان استوار باشد، می‌باشد.
- مفکوره اساسی شان جمع کردن تعداد خیلی زیاد مددگار و انصار می‌باشد تا آنان را در راه به دست آوردن هدفی که خودشان آن را نمی‌دانند، بکار اندازند.

### انتشار و جاهای نفوذ:

- این حرکت به مدت تقریباً یک قرن ادامه یافت، از جنوب فارس شروع شده، به سواد کوفه منتقل گردید و به احساء، بحرین، بصره و یمامه گسترش یافت، بر بخش بزرگی از جنوب جزیره عرب، یمن، صحراء وسطی، عمان خراسان سلطه یافت، در مکه داخل شد و آن را بی‌حرمتی نمود، دمشق را اشغال نموده به حمص و سلمیه رسیدند، عساکرش به سوی مصر رفت و در عین الشمس نزدیک به قاهره اردوگاه گرفتند بعداً پادشاهی شان جمع شد، دولت شان زوال نمود، و آخرین پناگاه‌های شان در احساء و بحرین سقوط نمود. با وجود آنچه گذشت بعضی کتاب‌های منحرف دیده می‌شود که می‌خواهند مذهب قرامطه و دیگر حرکت‌های ارتداد و تخریبکار را در جهان اسلام،

چنین جلوه دهند که گوئی آنها حرکت‌های اصلاحی بوده و رهبران آنها اشخاص آزاد منشی بوده‌اند که در عقب عدالت و آزادی تلاش می‌کرده‌اند.

### مراجع:

- ۱- کشف اسرار الباطنية واخبار محمد بن مالك الحمادي اليماني. القرامطه.
- ۲- تاريخ الجمعيات السرية محمد عبد الله عنان. والحركات الهدامة.
- ۳- تاريخ المذاهب الاسلامية محمد ابو زهره.
- ۴- المؤامرة على الاسلام انور الجندي.
- ۵- القرامطه عبد الرحمن بن الجوزي.
- ۶- اسلام بلا مذاهب دكتور مصطفى شكعه
- ۷- الملل والنحل ابو الفتح شهرستاني.
- ۸- فضائح الباطنية ابو حامد الغزالي.
- ۹- الفرق بين الفرق عبد القاهر بغدادي.





## قومیت عربی

### تعریف:

قومیت عربی یک حرکت سیاسی و فکری متعصب است که به سوی تمجید و تعظیم عرب و بر پا شدن حکومتی که خاص به عرب‌ها باشد، و آن حکومت در عوض رابطه دینی بر اساس رابطه خون، خویشاوندی، زبان، و تاریخ بناء شده باشد، دعوت می‌نماید، این حزب انعکاس همان فکر قومیتی است که قبلاً در اروپا ظاهر شده بود.

### تأسیس و افراد برازنده:

ابتداء فکر قومیت در اواخر قرن نوزدهم و اوائل قرن بیستم، ضمن یک حرکت مخفی، که بخاطر آن در پایتخت خلافت عثمانی، گروه‌هایی جمع می‌شد و خلوتگاه‌هایی تشکیل می‌گردید شروع شد، بعد از آن در ضمن حرکت علنی و آشکارا در اجتماعات ادبی که مقر آن در دمشق و بیروت می‌بود ظهور نمود، بعد از آن در ضمن یک حرکت سیاسی آشکارا، در مجلس اول عربی که سال ۱۹۱۲م در پاریس برگزار گردید، در صحنه آمد. در آنچه ذکر می‌شود اشاره‌ایست به مهم‌ترین گروه‌های قوم‌گرا حسب تسلسل تاریخی:

- گروه سوریه: که آن را سال ۱۸۴۷م نصارا، در دمشق تأسیس نمود و از آنجمله‌اند: بطرس بستانی و ناصیف یازجی.
- گروه سوریه (در بیروت): که آن را سال ۱۸۶۸م نیز نصارا تأسیس نمود که از جمله ایشان‌اند سلیم بستانی و منیف خوری.
- الجمعية العربية السریه: در سال ۱۸۷۵م قدم به ظهور نهاد و شاخه‌هایی در دمشق، طرابلس و صیدا نیز دارد.
- جمعية حقوق الملة العربية: در سال ۱۸۸۱م ظاهر گردیده و شاخه‌هایی نیز دارد، هدف این جمعیه اتحاد میان مسلمانان و مسیحی‌ها می‌باشد.
- جمعية رابطة الوطن العربي: این گروه را نجیب عازوری سال ۱۹۰۴م در پاریس تأسیس نمود و کتابی هم بنام «یقظة العرب» تألیف کرد.

- جمعية الوطن العربي: آن را خیر الله خیر الله سال ۱۹۰۵م در پاریس تأسیس نمود، و در همان سال اولین کتاب قومی را بنام «الحركة الوطنية العربية» به نشر رسانید.
  - الجمعية القحطانية: سال ۱۹۰۹م ظاهرشد. و آن یک گروه سری بوده مؤسس آن خلیل حماده مصری می‌باشد.
  - جمعية «العربية الفتاة» آن را طلاب عرب که از جمله ایشان محمد بعلبکی نیز بود، سال ۱۹۱۱م در پاریس تشکیل دادند.
  - الكتلة النيابية العربية: سال ۱۹۱۱م ظاهر گردید.
  - حزب لامرکزیه: سال ۱۹۱۲م.
  - الجمعيات الاصلاحية: اواخر ۱۹۱۲م، این جمعیات در بیروت، دمشق، حلب، بغداد، بصره و موصل تشکیل گردید، متشکل از افراد مختلف مسلمانان و نصارا بود.
  - المؤتمر العربي در پاریس: آن را سال ۱۹۱۲م بعضی از طلاب عرب تشکیل داد.
  - حزب العهد: ۱۹۱۲م، آن یک حزب مخفی بود که ضابط‌های عربی آن را در لشکر عثمانی تشکیل داده بودند.
  - جمعية العلم الاخضر: سال ۱۹۱۳م که از جمله تأسیس کنندگان آن دکتور فایق شاگر می‌باشد.
  - جمعية العلم: سال ۱۹۱۴م در موصل ظاهر گردید.
- با وجود آنچه گذشت دعوت قومیت عربی در محدوده مناطق اقلیت‌های غیر مسلمان و در میان تعداد محدودی از پسران مسلمان که از این مفکوره متأثر شده بودند محصور بود، و آنوقت مفکوره عام مردمی گردید که دعوت را رئیس مصر جمال عبد الناصر به سوی خود خواست و تمام اسباب نشراتی و امکانات دولت خویش را در خدمت آن گذاشت.
- ولی ممکن است که بگوییم: الحال این دعوت در مرحله کاهش و یا لا اقل در مرحله خمود و جمود زندگی می‌کند.
  - ساطع مصری (۱۸۸۰ - ۱۹۶۸) رهبر قومیت عربی، مهم‌ترین مفکر آن، و مشهورترین دعوتگران به شمار می‌رود، وی تألیفات زیادی دارد که آن‌ها حیثیت اساسی را دارد که مفکوره قومیت عربی بالای آن بنا نهاده شده است، بعد از وی و در

مرتبه دوم میشل عفلق قرار دارد.

### افکار و معتقدات:

- مفکوره قومیت رابطه رشته داری و خون شریکی را از رابطه دینی بالاتر می برد. گرچه بعضی کتب قومیت عربی درباره دین سکوت نموده اند، ولی بعضی دیگرش بر دور ساختن کامل دین از ساحه روابطی که بر آن ملت استوار می گردد، اصرار می ورزند، و می گویند که دین ملت عربی را، بخاطر وجود غیر مسلمین در میانشان، پارچه می سازد.

- این دعوت در حقیقت بازگشت به سوی جاهلیت، ونوعی از انواع مقابله فکری می باشد که عالم اسلامی به آن دچار شده است، زیرا این دعوت در حقیقت انعکاس دعوت های قومی است که در اروپا ظاهر شده بود.

- شیخ ابن باز آن را چنین توصیف می نماید: «دعوت جاهلیت و الحادی است که هدفش محاربه و جنگ با اسلام و رهایی یافتن از احکام و تعالیمش می باشد» وی نیز درباره آن می گوید: «آن را غربی های نصرانی، بخاطر جنگ و محاربه با اسلام و بخاطر از بین بردن آن در داخل خانه خودش، با اقوال مزخرف، ایجاد نموده اند...»

بعدا آن را تعداد زیادی از عرب های دشمن اسلام پذیرفتند و تعدادی هم از احمقان آنان را تقلید نمودند، و به ایجاد آن ملحدین و دشمنان اسلام، در هر جا که هستند خوش شده اند» همچنان می گوید: «آن یک دعوت باطل، خطای بزرگ، فریب و مکر آشکار، جاهلیت منکر، و دسیسه روشن در مقابل اسلام و اهل آن می باشد».

- دعوتگران قومیت عربی - با وجود اختلافی که در مورد ترتیب ارزش های مفکوره دارند - معتقداند که مهم ترین ارزش هائی که قومیت عربی بر آن استوار است عبارت اند از: زبان، خون شریکی، تاریخ، سرزمین، دردها و آرزوهای مشترکه.

- معتقداند که عرب امت واحده بوده و ارزش های یک امت را دارا می باشد، بر یک زمین زندگی می نمایند که وطن واحد عربی بوده از خلیج تا محیط امتداد دارد.

- همچنان معتقداند: حدودی که در میان اجزاء این وطن وجود دارد حدود عارضی بوده مناسب است که آنها دور کرده شود و برای عرب دولت واحد و حکومت واحد وجود داشته باشد آنها بر اساس مفکوره علمانی استوار باشد.

- فکر قومی به سوی آزادی انسان عربی به نظر آنان از خرافات، غیبیات و ادیان

دعوت می‌نماید.

- آنان چنین شعار می‌دهند: دین از الله است، ولی وطن از همه است، مراد شان از این شعار از یکطرف دور ساختن اسلام از ساحة وجود حقیقی است و از طرف دیگر مقدم ساختن اخوت وطنی بر اخوت دینی می‌باشد.

- مفکوره قومی چنین می‌پندارد که ادیان، اقلیم‌ها، و تقلیدهای میراثی موانعی‌اند که باید انسان بخاطر درست ساختن آینده امت از آنها خود را نجات دهد.

- تعدادی از رهبران این مفکوره چنین می‌گویند: ما پیش از موسی، عیسی، و محمد علیهم الصلاة والسلام، عرب بودیم.

- مفکوره قومی چنین تأکید می‌نماید که وحدت عربی حقیقت است و وحدت اسلامی خوابی بیش نیست.

- همچنین می‌گویند: مفکوره قومیت عربی یک حرکت طبیعی بوده که از عمق طبیعت اجتماعی سرچشمه می‌گیرد، نه از نظریات ساخته شده‌ایکه آن را افراد بتوانند اختراع نمایند.

- دعوتگران مفکوره قومی این شعر شاعر دهنشین را زیاد زمزمه می‌کنند:

هبوني عيدا يجعل العرب أمة      وسيروا بجثثاني على دين برهم

سلام على كفر يوحد بيننا      وأهلا وسهلا بعده بجهنم

یعنی: عیدی را برایم تبریکی بگویند که عرب را یک امت می‌سازد - و ببرید جسد مرا به دین برهمی‌ها - سلامتی باد به کفریکه میان ما اتحاد بیاورد - که بعد از آن دوزخ را نیز مرحبا می‌گوییم.

- بعضی از دعوتگران فکر قومی می‌گویند: قهرمانی عربی خود را به اشکال مختلف ظاهر می‌سازد طور مثال یک بار خود را به صورت شریعت حمیری ظاهر ساخت، بار دیگر به صورت شعر جاهلی و بار سوم هم به شکل اسلام خود را ظاهر کرد.

- یک تن از مشهورین شان می‌گوید: محمد کل عرب بود پس باید کل عرب محمد باشد.

- دعوتگران فکر قومی معتقداند که از جمله محالات است که شخص عرب از قومیت خود دور شده با فکر عالمی و عمومی به سوی ایمان برود.

- بعضی مفکرین قومیت عربی می‌گویند: چون برای هر زمان نبوت مقدس وجود

دارد، بناء قومیت عربی نبوت عصر حاضر می باشد.

- بعضی دیگر شان می گوید: عربیت دین ما عرب‌های مؤمن است، برابر است که اولاد مسلمان باشیم و یا مسیحی. زیرا عربیت قبل از اسلام و قبل از مسیحیت وجود داشت و باید از آن چنان دفاع کنیم که مسلمانان از قرآن پیامبر و مسیحیان از انجیل مسیحی دفاع می کنند.

- بعض دیگرش می گوید که مرحله قومیت در زندگی امت مرحله حتمی بوده و آن آخرین مرحله ترقی و عالی ترین درجه تفکر انسانی می باشد.

### ریشه‌های فکری و اعتقادی:

- دعوت قومیتی که در اروپا ظاهر شد بر اثر آن دولت‌هایی مثل ایتالیا و آلمان تشکیل گردید.

- همان استعمار است که به سوی دعوت قومی تشویق نموده و در راه گسترش آن در کشورهای اسلامی فعالیت می نماید تا قومیت را در جای دین جاگزین سازد و بدین وسیله اعتقادات شان از بین برود، همچنان در راه پاره پاره ساختن سیاسی شان کار و فعالیت می نماید، طوریکه میان گروه‌های مختلف مسلمان دشمنی‌ها را می انگیزد.

- در ایام دولت عثمانی فعالیت نصارای شام خصوصا لبنان در راه دعوت به سوی فکر قومی خیلی به چشم می رسید، زیرا این فکر قومی دشمنی را با دولت مسلمان عثمانی که خیلی بدش می دیدند، عمیق می سازد، از یک جانب عرب بودن شان و از جانب دیگر شخصیت غیر دینی شان سبب گردید که از دولت عثمانی ایشان را خیلی دور سازد.

- در بعضی جوانب ممکن است که ظهور فکر قومی عربی را جوابی از برای فکر قومی ترکی طورانی پنداشته شود.

### انتشار و جاهای نفوذ:

- بسیاری از جوانان عرب و مفکرین آن دارای همین مفکوره‌اند، بنابراین چندین احزاب قومیت وجود دارد که در بلاد عربی منتشر می باشد، مثل: حركة الوحدة الشعبیة، در تونس، حزب البعث با هردو شاخه‌اش در عراق و سوریه، و باقیمانندگان ناصری‌ها در مصر و بلاد شام.

- بسیاری از حاکمان در ادعای قومیت مسابقه می‌نمایند و هر یکی از آنان بر اینکه وی رهبر قومیت عربی است افتخار نموده ادعا می‌کند که وی به رهبری وزعامت آن مناسب‌تر است.

- ولی چنین مشاهده می‌شود که حالا فکر قومی در حال بازگشت و کاهش بسر می‌برد.

### مراجع:

- ۱- القومية العربية تاريخها وقوامها مصطفى الشهابي.
- ۲- اللغة و الأدب وعلاقتها بالقومية ساطع الحصري.
- ۳- العروبة أولا ساطع الحصري.
- ۴- الإقليمية جذورها وبذورها ساطع الحصري.
- ۵- قضية العرب علي ناصر.
- ۶- القومية العربية د. أبو الفتوح رضوان
- ۷- أرض العروبة عبد الحي حسن العمراني.
- ۸- بين الدعوة القومية و أبو الاعلي المودودي. رابطة الإسلامية.
- ۹- تطور المفهوم القومي عند العرب أنيس صائغ.
- ۱۰- حقيقة القومية العربية محمد الغزالي.
- ۱۱- دراسات تاريخية عن أصل د. محمد معروف الدواليبي. العرب و حضارتهم الإنسانية
- ۱۲- الشعوبية الجديدة محمد مصطفى رمضان.
- ۱۳- محنة القومية العربية أركان عبادي.
- ۱۴- معنى القومية العربية جورج حنا.
- ۱۵- نشوء القومية العربية زين نور الدين زين.
- ۱۶- نقد القومية العربية الشيخ عبد العزيز بن باز.

- ١٧- يقظة العرب ترجمة د. ناصر الدين الاسد، احسان عباس.
- ١٨- فكرة القومية العربية على صالح بن عبد الله العبود. ضوء الإسلام
- ١٩- نشأة الحركة العربية الحديثة محمد عزة دروزة.
- ٢٠- حول القومية العربية عبد المجيد عبد الرحيم.





## حزب قومی سوری

### تعریف:

حزب قومی سوری حزبی است که به سوی قومیت سوریه و مستقل بودن آن از قومیت عربی دعوت می‌کند و اینکه وطن سوری همان جایی است که در آن ملت سوری نشأت نموده است، حزب قومی سوری روح تاریخی و سیاسی قومی خود را از بالندگی‌های مردم سوریه می‌گیرد، این حزب نام «الحزب القومي الإجتماعي» را به خود أخذ نموده سمبول آن زوبعه‌ایست که چهار سر دارد و سوی آزادی، واجب، نظام، وقوت، اشاره می‌کند.

### تأسیس و افراد برازنده:

- در سال ۱۹۳۲م جوانی که از برازیل آمده بود در ساحه سیاست در لبنان ظاهر گردید، نام وی انطون سعادت بود، وی حزب منظم دقیق مرکزی تشکیل داد که بنام «الحزب القومي السوری» معرفی گردید.

- این حزب به ادعای مقابله با طائفه گرائی و فرقه گرائی نشأت نموده از وجود عواطف و دیانات مختلفه در لبنان استفاده نمود، و به سوی رابطه ای دعوت نمود که تمام ممیزات و جدائی‌ها را میان مردم لغو می‌نماید و به یک رابطه آنان را ارتباط می‌داد که آن رابطه سرزمین بود، از این حزب غرب خیلی خوش شدو آن را کمک مالی و نظامی نمود.

- مفکوره حزب با پیوستن جوانان با سواد پشرفت نموده به دست شخصیت بزرگ آن یعنی انطون سعادت ترقی نمود، وی رهبر روحی و مناظر فکری حزب بود و سال ۱۹۴۹م توسط ضرب گلوله اعدام گردید، اعدام وی در عقب قصدش بر کودتای مسلحانه بود که مرکز دولت را در لبنان تهدید می‌کرد. از جمله شخصیات بارز و پیشقدمش غسان جدید بود که در لشکر (نصرانی) سوری خیلی مقدم و پیشتاز بود، و از آنجمله: عصام محایری، دکتور عبدالله سعادت، فایز صایل و جورج عبدالمسیح می‌باشند و از جمله رئیسانش در اواخر «انعام رعد» نصرانی بود.

## افکار و معتقدات:

- مبادی و اصول حزب همان مبادی است که آن را انطون سعادت در کتاب خود «نشوء الأمم» ذکر کرده است:
- ۱- جدائی دین از دولت.
- ۲- منع نمودن رجال دین از دخالت در امور سیاسی، قضائی و قومی.
- ۳- دور کردن موانع میان طائفه‌ها و مذاهب مختلف.
- ۴- لغو نمودن اقطاع و تنظیم اقتصاد قومی بر اساس تولید، انصاف کارگر و حفظ مصلحت ملت و دولت.
- ۵- آماده کردن یک لشکر قومی که در تثبیت مصیر ملت و وطن ارزش بالفعل داشته باشد.
- همچنان حزب توجیهاتی دارد که از افکار، معتقدات و تصورات خویش دربارهٔ سیر تاریخ تعبیر می‌کند که از آنجمله است:
- سوریه از سوری‌ها است و سوری‌ها ملت واحداند.
- سوری‌ها از دیگر قوم عرب امتیاز دارند همانطور که فرانسوی‌ها از انگلیس‌ها امتیاز دارند، و همانطور که روسی‌ها از آلمانی‌ها امتیاز دارند.
- قضیهٔ سوریه همانا ملت سوری و وطن سوری است.
- ملت سوریه همانا وحدت اقوام سوری است و طی تاریخ طولانی که به ما قبل از تاریخ جلی باز می‌گردد تولد شده‌اند.
- ملت سوری یک تشکیل اجتماعی واحد است.
- مصلحت سوریه بالاتر از هر مصلحت است [یعنی در قدم اول مصالح سوریه در نظر گرفته شود].
- قومیت سوریه توسط تاریخ گذشتهٔ خیلی طولانی ممتازاند، که آن را «فینقی‌ها» با بت پرستی، شراب نوشی، آلهه‌شان، عادات و تقالید شان و لذت‌های شان به پیش می‌بردند، و به ثقافت روحی و طرز عمرانی که سوریه در بحر سوری (مشهور به بحر متوسط) انتشار داده است افتخار می‌نمایند.
- افتخار به کارنامه‌های بزرگان امثال (کرینون - بیار صلیبی - یوحنا فم الذهب - افراهم العمری - دیک الجن الحمصی - کواکبی - جبران - و ...).

- افتخار به جنگجویان تاریخی امثال (سرجون کبیر - اسرحدون سنحاریب - بخت نصر - آشوربانبال - هانی بعل - ... تابیوسف العظمة) ایشان در این مورد از مشاهیر بزرگان اسلام خود را به غفلت می‌زنند، روشن‌ترین عصر در تاریخ سوریه - به نظر آنان - همان عصر فینقی بوده است.
- فتح اسلامی نزد آنان فتح بیگانه شمرده می‌شود، و در تاریخ اسلامی سوریه بعد از فتح تنها به تاریخی نظر می‌کنند که مختص به سوریه باشد، بناء معاویه رضی الله عنه بخاطر آنکه بیست سال قبل از خلافت در دمشق زندگی کرده سوری گردیده است، بزرگان اموی همه شان بزرگان سوری محض می‌باشند، نزاعی که میان معاویه و علی رضی الله عنه بود در حقیقت نزاع بین قومیت سوری و قومیت عراقی بود، برای زمین، خاک و هوا تاثیر سحر آمیزی قائل‌اند که انسان را در طی مدت اندکی از یک قومیت به قومیت دیگر و از یک تاریخ به تاریخ دیگر نقل می‌دهد.
- وقتی از سوریه سخن می‌گویند مراد شان از آن سوریه بزرگ است که مشتمل بر سوریه فعلی، لبنان، اردن، و فلسطین، می‌باشد.

### ریشه‌های فکری و اعتقادی:

- شخصیات این حزب با دین توسط تمام قوت خویش محاربه و مقابله می‌نمایند، و رابطه دینی را میان مردم خیلی بد می‌بینند، و در این مورد معتقدات و افکار مختلف دارند:
- مفکوره خدا پرستی را انسان وقتی اختراع نمود که زیر سلطان خوف، وهم و خرافات ذلیل شده بود.
- مفکوره شان درباره کاینات، انسان و زندگی مفکوره مادیت بوده از وجود خدا، قیامت، رسالت و آخرت منکر هستند.
- خون اسلام در اصل جامد بوده، آن را خلفاء و فقهاء مترقی ساخته است.
- به جدائی دین از دولت شعار می‌دهند، در حالیکه این عقیده‌ایست که اسلام آن را به حیث اجمال و تفصیل رد می‌نماید.
- اجتماع بر اساس دین را از خطرناک‌ترین موانع در راه پیشرفت و ترقی می‌دانند، [و می‌گویند: باید این از بین برده شود] تاکیان قومی سوری از تناقضات محفوظ بماند.
- دعوت شان در حقیقت دعوت جانبگرائی است که محدود در وطن می‌باشد، بناء

این دعوت جهان بزرگ عربی و اسلامی را از بین برده آن را داخل یک منطقه کوچک و محدود می‌سازد، آنهم در عصر اجتماعات عالمی و عمومی و لشکر سازی‌های بین‌الدولی.

- این دعوت جانبگرا، خدمت مصالح غرب استعمارگر، و خدمت صهیونیسم را در پاره پاره کردن وطن بزرگ اسلامی واز بین بردن قوتی که اسرائیل را احاطه نموده است، می‌نماید.

- به سوی بی‌پروائی و استهتار در مقابل ارزش‌های اخلاقی فرامیخواند تا بدین وسیله فرصت را برای فریفتن پسران و دختران جوان آماده ساخته و آنان را در مجالس بی‌حیائی خویش جذب نمایند، مجالسی که شراب در آن چرخ می‌زند و بد اخلاقی‌های جنسی نیز به اوج خود می‌رسد.

### انتشار و جاهای نفوذ:

- این حزب لبنان را به حیث مرکز انتخاب نموده، و پیروانی در سوریه نیز یافته، ولی از طرف حکمرانان مختلف مورد هجوم قرار گرفت، زیرا این حزب با مفکوره قومیت عربی که نفوذ بیشتری دارد مخالف است، در لبنان به شکل آشکارا فعالیت می‌نماید و نام جدیدی هم بنام «الحزب القومي الإجتماعي» برای خود اتخاذ نموده است.

- انطون سعادت در کتاب خود «نشوء الأمم» از حدود قومیت سوری چنین تعبیر می‌کند که این یک منطقه جغرافیائی جدا از غیرش می‌باشد، که از کوه‌های طوروس در شمال تا کانال سویس در جنوب مشتمل بر جزیره سیناء و خلیج عقبه واز بحر سوری (متوسط) در غرب تا الصحراء در شرق به دجله امتداد دارد، ولی حالا حزب رو به کاهش شدید است.

### مراجع:

- ۱- نشوء الأمم انطون سعادت.
- ۲- المحاضرات العشر في الندوة انطون سعادت. الثقافية
- ۳- تعالیم و شروح في العقيدة انطون سعادت. القومية و الاجتماعية.

- ٤- الإسلام في رسالتيه المسيحية و انطون سعادت. المحمدية
- ٥- جريدة الشهاب الدمشقية مقالاتي از دكتور مصطفى سباعى. لعام ١٩٥٥م
- ٦- العروبة بين دعائها ومعارضيتها ساطع حصري.
- ٧- حركات و مذاهب في ميزان الإسلام فتحي يكن.
- ٨- لبنان في التاريخ فليب حتى.



## کونفوشیوسیه

### تعریف:

کونفوشیوسیه دیانت اهل چین است، و آن به حکیم فیلسوف کونفوشیوس باز می‌گردد، وی در قرن ششم قبل از میلاد ظاهر شد و به سوی احیاء شعائر، عادات و تقالید دینی دعوت نمود، عادات و شعائری که چینیان آن را از اجداد خویش به میراث گرفته بودند، البته به اضافه اشیائی از فلسفه و نظریات خویش درباره اخلاق، معاملات، و روش درست. و دیانتی است که بر اساس عبادت پروردگار آسمان و یا پروردگار بزرگ‌تر، تقدیس ملائکه و عبادت ارواح آباء و اجداد استوار می‌باشد.

### تأسیس و افراد برازنده:

#### اول: کونفوشیوس:

- کونفوشیوس مؤسس حقیقی این دین شمرده می‌شود.
- سال ۵۵۱ قبل از میلاد در شهر تسو Tsou که یکی از شهرهای مقاطعة لو Lu به شمار می‌رود چشم به جهان گشود.
- نامش کونج Kung (نام قبیله‌ایکه وی به آن تعلق دارد) فوتس Futze (که معنایش رئیس و یا فیلسوف می‌باشد) است یعنی رئیس و یا فیلسوف قبیله کونج.
- وی به خاندان بزرگی منسوب بود، پدرکلانش والی همین ولایت بود، پدرش ضابط حربی ممتازی بود، ولی خود وی در نتیجه ازدواج غیر شرعی بدنیا آمده بود، وی در سن سه سالگی بود که پدرش وفات نمود.
- یتیم زندگی نمود، چوپانی کرد، در اوائل جوانی خود قبل از سن بیست سالگی عروسی نمود و صاحب پسر و دختری گردید ولی بعد از دو سال از ازدواج در میان زن و شوهر جدائی آمد البته سببش دقت شدید وی در خورد و نوش و لباس بود که آن را زنش تحمل کرده نتوانست.
- علوم فلسفی خود را از استاد فیلسوف لوتس Laotse صاحب مذهب طاویه، فرا گرفت، لوتس به سوی قناعت و گذشت مطلق دعوت می‌نمود، ولی کونفوشیوس بعدا با

وی در این مورد مخالفت نموده به سوی جزاء بالمثل دعوت نمود تا عدالت برقرار شود.

- وقتی به سن بیست و دو سالگی رسید مدرسه‌ای برای تدریس اصول فلسفه انشاء نمود، شاگردانش رو به افزایش نهادند و به سه هزار شاگرد رسید و در میان آنان تقریباً هشتاد تن از افرادی وجود داشت که امارات زکات و نجابت در آنان دیده می‌شد.

- در چندین مقام ایفاء وظیفه نموده به حیث مشاور امیران و ولات و به حیث قاضی، حاکم، وزیر کار، و وزیر عدلیه، ایفاء وظیفه نموده در سال ۴۹۶ ق. م. به حیث رئیس الوزاء تعیین گردید، و در آن وقت به اعدام بعضی از وزیرهای سابق و تعدادی از رجال سیاست و اغتشاشگران اقدام نمود و بدین گونه مقاطعه «لو» را نمونه ای برای تطبیق آراء و اصول فلسفی مثالی که به سوی آن فرا می‌خواند ساخت.

- بعدا سفر نمود و به شهرهای زیادی رفت که حاکمان را نصیحت و رهنمائی می‌نمود، با مردم می‌دید و افکار و تعالیم خویش را در میان شان نشر می‌نمود و آنان را به اخلاق نیک تشویق می‌کرد.

- اخیرا دوباره به مقاطعه «لو» بازگشت نمود، و خود را به تدریس یاران و دوستداران خود فارغ نموده به کتب متقدمین مشغول شد، آن‌ها را تلخیص می‌نمود، ترتیب می‌داد و بعضی از افکار خود را در آن‌ها می‌گنجانید، ناگهان یگانه پسرش که به سن پنجاه رسیده بود وفات کرد، و شاگرد محبوبش (هووی) را نیز از دست داد، بناء خیلی گریه اسفناک نمود.

- سال ۴۷۹ ق. م. وفات نمود و از خود مذهب رسمی و عمومی بجا گذاشت که تا نصف قرن بیستم فعلی وجود داشت.

### دوم: صفات شخصی وی:

- نرمخوی، کشاده جبین، ادیب و باریک بین بود، از گریه دیگران متأثر می‌شد، گاهی خیلی سخت دل و ترشروی می‌گردید، بلند قامت بود، در خوردن، نوشیدن و لباس خویش دقت و توجه می‌نمود که چگونه است، دوستدار خواندن، تحقیق نمودن، آموختن، آموزانیدن، معرفت و آداب بود.

- در پی منصب سیاسی تلاش می‌نمود، البته بخاطر تطبیق نمودن اصول ومبادی سیاسی و اخلاقی‌اش و تحقق بخشیدن (مدینه فاضله) [یعنی: شهر ممتاز] که به سوی



آن دعوت می‌کرد.

- خطیب و سخنران ممتازی بود ولی کلام زیاد را دوست نداشت، عبارات و جملاتش خیلی کوتاه می‌بود که به منزله ضرب المثل‌های کوتاه و پندهای بلیغ به شمار می‌رفت.

- نزد وی احساس دینی وجود داشت، پروردگاری را که در زمانش پرستش می‌شد احترام داشت و بر اداء کردن مراسم دینی مداومت می‌کرد، در عبادات خود به طرف پروردگار بزرگ و یا پروردگار آسمان متوجه می‌شد، خاموشانه نماز می‌خواند، این را ناپسند می‌دانست که از پروردگار امید اعطاء نعمت و یا مغفرت گناهان شود، زیرا نماز نزد وی فقط بخاطر انتظام روش و سلوک افراد است و دین به نظر وی تنها ایجاد الفت میان مردم می‌باشد.

- شعر می‌خواند، سرود می‌نمود از موسیقی استفاده می‌کرد و خود کتابی هم بجا گذاشت بنام (کتاب الاغانی Book of songs همچنان به محافل و مراسم دینی علاقه زیاد داشت، به تیر اندازی، کشتی رانی، خواندن، علوم ریاضی، و بررسی تاریخ توجه می‌نمود).

### سوم: اشخاص براننده:

- بعد از وی کونفوشیوسیه به دو بخش تقسیم شد:

۱- مذهب متشدد حرفی که آن را «منسیوس» رهبری می‌کرد، این مذهب به حفظ حرف به حرف نظریات و افکار کونفوشیوس و تطبیق آن باکمال دقت، دعوت می‌نماید، منسیوس شاگرد روحی کونفوشیوس می‌باشد، زیرا وی علوم خود را از خود کونفوشیوس، بلا واسطه نگرفته، بلکه از نواسه وی اخذ کرده بود، نواسه وی Tsesze نام داشت وی کسی بود که کتاب انسجام مرکزی Central Harmony را تألیف نموده است.

۲- مذهب تحلیلی که آن را هزنتسی Hsuntse و یانجتسی Yangtse رهبری می‌نمودند، مذهب آندو براساس تفسیر و تحلیل افکار معلم و استنباط نظریات توسط الهام گرفتن از روح و معنویت نصوص کونفوشیوسی استوار بود.

- تسی کنج Tsekung سال ۵۲۰م تولد گردیده، واز بزرگ‌ترین شخصیات سیاسی

چین گردید.

- تسی هسیا Tsehsia سال ۵۰۷م تولد گردیده، واز جمله فقیهان بزرگ در دین کونفوشیوسی گردید.
- تسینکتز Tsengtse وی استاذ نواسه کونفوشیوس بود، ودر مرتبه واهمیت دوم منسیوس بود.
- تشی هزیوان Chi- Husan وی در دوران خاندان هان زندگی می‌کرد، یعنی (۱۲۷-۲۰۰م).
- تشو هزی (Cho - Hsi - ۱۱۳۰-۱۲۰۰م) وی کتاب‌های چهارگانه‌ای را که در مدارس اولیه و ابتدائیه چین تدریس می‌شد به نشر رسانید، وی یگانه کسیست که در آراء و نظریات کونفوشیوسی حجت و دلیل پنداشته می‌شود، زیرا درست ساختن امتحانات دینی که توسط آن‌ها اهلیت اشخاص برای اشغال وظیفه حکومتی دانسته می‌شود، به وی تعلق می‌گیرد.

#### چهارم: تطور و ترقی تاریخی مفکوره کونفوشیوسی:

- ۱- کونفوشیوس به نقل آراء، وافکار، ومعتقدات متقدمین اقدام نموده آن را به زبان عصر خویش نوشته، وبه سه هزار شاگرد تلقین وتعلیم می‌نمود؟
- ۲- عبادت در زمان وی درقدم اول برای پروردگار آسمان ویا به عبارت دیگر پروردگار اعظم بود و در قدم دوم برای پروردگار زمین، تقدیس وتعظیم ملائکه و عبادت ارواح اجداد نیز وجود داشت.
- ۳- وقتی کونفوشیوس وفات نمود در نزدیکی نهر استس در شمال شهر دفن گردید، بعدا مردم به تدریج در اطراف قبرش زیاد شد وقریه کونج را تشکیل دادند.
- ۴- بعدا در اطراف قبرش مجالس علمی را تشکیل می‌دادند.
- ۵- نزدیک قبرش معبدی بناکردند، بعد از آن به الهام گرفتن از افکارش شروع نموده بعد از آن به تقدیس و تعظیمش پرداختند.
- ۶- تا زمان امپرا طور اول خاندان هان ۲۰۶ ق.م همینطور به تقدیس وتعظیمش ادامه می‌دادند، ولی در زمان وی مردم به عبادتش پرداختند، نذرها برایش تقدیم می‌نمودند، و بالای وزیران، کارمندان بزرگ ورجال دولت لازم بود که قبل از اشغال وظیفه جدید باید قبر ومعبد وی را زیارت می‌کردند.

- ۷- در زمان «تشی إن شهوانج» امپراتور، صاحب دیوار بزرگ چین، کونفوشیوسیه دچار مغلوبیت و مظلومیت شدند، این مغلوبیت از سال ۲۱۲ ق م تا سال ۲۰۷ ق م. ادامه یافت، که در این دوران کتب شان را می سوختاند، دانشمندان شان را بعضا اعدام و بعضا زنده به گور می کرد، تعداد دانشمندانی که آنان را زنده به گور کرده بود به ۴۶۰ فیلسوف می رسید.
- ۸- سال ۲۰۷ ق م مردم به انقلابی اقدام نمودند که تعظیم و احترام را دوباره به اتباع کونفوشیوس اعاده نموده مجد آن، توسط درست نمودن بار دوم کتاب هایش اعاده گردید.
- ۹- وقتی امپراتور دوتی (۱۴۰-۸۷ ق م) آمد کونفوشیوسیه را دین رسمی دولت چین اعلان نمود، و کونفوشیوسیه در همین مقام عالی خود تا سال ۱۹۱۲ م باقی ماند.
- ۱۰- فیلسوف موتزی ( Motze ۴۷۰-۳۸۱ ق م) مفکوره جدیدی را اضافه نمود و آن اینکه برای پروردگار آسمان مجسمه بزرگی که مشابه به انسان بود، درست نمود.
- ۱۱- در سال ۴۲۲ م معبدی برای کونفوشیوس در Chufu، آنجا که قبرش است، بنا گردید.
- ۱۲- در سال ۵۰۵ م معبد دیگری در پایتخت اعمار گردید، کتاب هایش در مدارس به حیث کتب مقدس تدریس می شد.
- ۱۳- در سال ۶۳۰ م یکی از بزرگان امر نمود که در تمام اطراف امپراطوری معابدی بناء شود که در آنها تمثال های کونفوشیوس وجود داشته باشد، همچنان امر نمود که دانشگاه های ایجاد گردد که در آنها نظریات و آراء کونفوشیوس، که رمز وحدت سیاسی و دینی بود، تدریس و تعلیم گردد.
- ۱۴- در سال ۷۳۵ م برای کونفوشیوس لقب (ملک) داده شد.
- ۱۵- سال ۱۰۱۳ م لقب «القدیس الأعظم» برای وی اعطاء گردید.
- ۱۶- در سال ۱۳۳۰ م برای افرادی که از نسل وی بود رتبه شرف اعطاء گردید، بعد از آن ایشان طبقه شریف و نبیل به شمار می رفتند.
- ۱۷- در سال ۱۵۳۰ م تمائیلی که در معابد وجود داشت به تصویرها و لوحه ها تبدیل

- گردید، تا که کونفوشیوسیه به دین بت پرستان خلط نشود.
- ۱۸- در سال ۱۹۰۵م ستاره کونفوشیوسیه روی به افول نهاد و امتحان دینی که در تعیین وظایف ضروری بود لغو کرده شد.
- ۱۹- در سال ۱۹۱۰ م شهاب هالی Halley در آسمان چین ظهور نمود و آن غضبی از جانب آلهة بالای خاندان مانتشو شمرده شد، خاندانی که فساد در دورانش به اوج خود رسیده بود، بالآخره به انقلاب عمومی مفضی گردید و انقلاب توسط استعفاى امپراطور از تختش در سال ۱۹۱۲ م به پایان رسید، چین به نظام جمهوری تبدیل گردیده کونفوشیوسیه از ساحه سیاسی و دینی پنهان و ناپدید گردید، لکن بازهم در اخلاق و تقالید چین وجود خود را حفظ نموده بود.
- ۲۰- در سال ۱۹۲۸م به تحریم تقدیم نمودن نذرانه به کونفوشیوس و منع برپا کردن مراسم دینی برای وی، فرمان صادر شد.
- ۲۱- وقتی جاپانی‌ها بر منشوریا غلبه نمودند روح بازگشت به سوی کونفوشیوسیه در چین دوباره تازه گردیده مردم در سال‌های (۱۹۳۰-۱۹۳۴م) بار دیگر به تقدیم نذرانه‌ها پرداختند، همچنان تدریس کونفوشیوسیه در همه جا شروع گردید، زیرا آنان معتقد بودند که بدبختی‌های شان بخاطر آنست که تعالیم معلم بزرگ را ترک کرده‌اند، و حرکت احیاء جدید، به رهبری تشانج کای شیک شروع گردید و تا بعد از جنگ جهانی دوم ادامه یافت.
- ۲۲- در سال ۱۹۴۹م کمونیزم بالای چین تسلط یافت، ولی به تدریج میان چین و اتحاد شوروی مخالفت‌ها به ظهور رسید که سبب جدائی و دوری میان هر دو کشور گردید، بعد از مردن رهبر مشهور کمونیزم چینی (ماو تسی تونج) بازگشت از کمونستی در چین شروع گردید، و نیسم غرب بالایش وزیدن گرفت.
- ۲۳- پژوهشگران به این باوراند که روح کونفوشیوسیه در راه تغییر شعائر کمونیزم کار خواهد نمود و آن را از کمونستی روسی خیلی دور خواهد ساخت، زیرا دین کونفوشیوسیه بالای ملت چین سلطه روحی دارد.
- ۲۴- کونفوشیوسیه همیشه حیثیت اساس اصلی را برای نظام اجتماعی در فرمول (وطن چین) دارد.

## اول: کتب:

- علاوه بر تعداد زیادی از شرحها، تعلیقات و تلخیصات دو مجموعه اساسی وجود دارد که مفکوره کونفوشیوسی را انعکاس می‌دهد، مجموعه اول بنام کتاب‌های پنجگانه و مجموعه دوم بنام کتاب‌های چهارگانه یاد می‌شود.
- کتب پنجگانه عبارت از همان کتاب‌هایی است که خود کونفوشیوس آن‌ها را از کتب متقدمین نقل نموده و آنان عبارت‌اند از:
  - ۱- کتاب اغانی یا شعر: در این کتاب ۳۵۰ شعر همراه با شش ترانه دینی وجود دارد که با موسیقی سروده می‌شود.
  - ۲- کتاب تاریخ: در این کتاب وثایق و حکایات تاریخی وجود دارد که به تاریخ قدیم چین تعلق دارد.
  - ۳- کتاب تغییرات: در این کتاب فلسفه ترقی حوادث انسانی وجود داشت که آن را کونفوشیوس به کتاب علمی و تدریسی درباره سلوک انسان تبدیل نمود.
  - ۴- کتاب بهار و خزان: کتاب تاریخی که تاریخ مرحله (۷۲۲-۴۸۱ ق.م.) را گرفته است.
  - ۵- کتاب طقوس و یا مراسم: در این کتاب طرق مراسم دینی قدیم چین را بیان نموده نظام اساسی خاندان «تسو» را درست می‌نماید، خاندانی که در تاریخ قدیم چین رول مهمی را بازی کرده است.
- کتب چهارگانه: آن‌ها کتاب‌هایی‌اند که خود کونفوشیوس و شاگردانش تألیف نموده‌اند و اقوال استاد خویش را همراه با تفسیرات و تعلیقاتی در آن‌ها درج نموده‌اند، این کتاب‌ها فلسفه خود کونفوشیوس را انعکاس می‌دهد، و آن‌ها عبارت‌اند از:
  - ۱- کتاب اخلاق و سیاست.
  - ۲- کتاب انسجام مرکزی Central Harmony.
  - ۳- کتاب منتخبات Analects همچنان آن را انجیل کونفوشیوس می‌گویند.
  - ۴- کتاب منسیوس: این کتاب مرکب از هفت کتاب می‌باشد، و احتمال دارد که مؤلف آن خود منسیوس باشد.

## دوم: معتقدات اساسی:

معتقدات اساسی نزد آنان همان است که تعلق به پروردگار و یا اله آسمانی، ملائکه

و ارواح اجداد، دارد.

۱- پروردگار: به پروردگار بزرگ و یا پروردگار آسمانی معتقداند و در وقت عبادت به سوی وی متوجه می‌شوند، عبادت وی و پیشکش نمودن قربانی‌ها برای وی مخصوص پادشاه و امراء می‌باشد.

- برای زمین هم خدائی دارند و آن را پروردگار زمین می‌نامند، و آن را مردم عام چین عبادت می‌کنند.

- برای هر یکی از: آفتاب، مهتاب، ستاره‌ها، ابرها، کوه‌ها، و ... پروردگاری است، و عبادت آن‌ها و تقدیم نمودن قربانی‌ها برای آنان مخصوص امراء می‌باشد.

۲- ملائکه: آنان ملائکه را تقدیس و تعظیم نموده برای شان قربانی‌ها تقدیم می‌نمایند.

۳- ارواح پدران: چینی‌ها ارواح اجداد سابقه خویش را تقدیس نموده به بقاء ارواح عقیده مند می‌باشند، نذرانه‌ها عبارت از مجالسی است که در آن توسط انواع موسیقی سرور و خوشی را به همین ارواح می‌رسانند، در هر خانه معبدی برای ارواح مردگان و آلهه منزل وجود دارد.

### سوم: افکار و معتقدات دیگر:

کونفوشیوس پیامبر نبود و خودش هم ادعای آن را نکرده بود، بلکه معتقداند که وی از کسانی بوده که عنایت آسمانی برای شان شده تا ارشاد و رهنمائی مردم را بدوش گیرند، وی به مراسم و شعائر دینی و برپا نمودن آن مداومت داشت، پروردگار بزرگ را عبادت می‌نمود، آلهه دیگر را نیز عبادت می‌کرد، وی با آنان معرفت نداشت و در حقیقت نظریات دینی شان تحقیق نکرده بود.

- کونفوشیوس در راه تحقق بخشیدن «مدینه فاضله» ای که به سوی آن دعوت می‌نمود، سعی و تلاش جدی می‌کرد، مدینه فاضله وی یک شهر مثالی است، ولی از مدینه فاضله ارسطو تفاوت داشت، زیرا مدینه کونفوشیوس یک شهر مثالی بود که در حدود واقعیت بوده تحقیق و تطبیق آن ممکن می‌باشد، ولی مدینه ارسطو یک مدینه مثالی خیالی بوده از سطح تطبیق قاصر بشری بدور می‌باشد. هر دو فیلسوف در یک عصر زندگی می‌کردند.

- جنت و دوزخ: به این دو عقیده ندارند، بلکه اصلا به قیامت عقیده ندارند، زیرا تمام سعی و کوشش شان متوجه زندگی دنیا بود و از اینکه ارواح بعد از بیرون شدن

شان از جسدها کجا می‌روند سوالی نمی‌کنند، باری یکی از شاگردان استاد خود کونفوشیوس را از مرگ سوال کرد، استاد در جواب گفت: ما هنوز زندگی را بررسی نکرده‌ایم پس چگونه مرگ را بررسی کرده باشیم.

- جزاء و پاداش: ایندو به نظر آنان در زندگی دنیا می‌باشد، اگر عمل نیک بود پاداش نیک و اگر بد بود جزاء بد می‌باشد.

- قضاء و تقدیر: به ایندو عقیده دارند، وقتی عصیان و گناه زیاد شد عذاب آسمانی در مقابل آن توسط زلزله‌ها و آتشفشان‌ها می‌باشد.

- حکمفرما پسر آسمان است، وقتی سختگیری و ظلم کرد و از عدالت دور شد آسمان کسی را از رعیتش بالای او مسلط می‌کند تاوی را از مقامش خلع نموده شخص عادل‌ی جایش را بگیرد.

- اخلاق چیز اساسی و مهمی است که کونفوشیوس به سوی آن دعوت می‌کرد، و آن محور فلسفه و اساس دین می‌باشد، کونفوشیوسیه اینطور دربارهٔ اخلاق می‌کوشد که اول شخص را در حصهٔ اخلاق داخلی‌اش تربیه می‌کند تا انسجام و نظمی که در آینده بالای زندگی شخصی‌اش سیطره می‌کند قبلا به آن احساس داشته باشد، که بدین گونه خود به خود تابع قوانین اجتماعی گردد.

- مظاهر اخلاق امور آتی‌اند:

\* فرمانبرداری پدر و تواضع به وی.

\* فرمانبرداری برادر کوچک برای برادر بزرگ.

\* فرمانبرداری از حاکم و تابعیت به وی.

\* اخلاص دوست در مقابل دوستانش.

\* عدم تاخت و تاز بالای دیگران توسط زبان وقت سخن گفتن با ایشان.

\* باید گفتار به اندازهٔ کردار باشد، و ناپسند بودن تظاهر شخص در مقامی که موافق

حالش نباشد.

\* دوری از خود پسندی، واسطه شدن، و طرفداری کردن.

- اخلاق حکمفرما در امور آتی ظاهر می‌شود:

\* احترام به افرادی که سزاوار احترامش هستند.

\* دوست داشتن کسانی که باوی نزدیکی و رشته داری دارند، و انجام دادن امور

مناسب در مقابل آنان.

- \* با وزیران و دیگر وظیفه داران خود پیش آمد نیکو نماید.
- \* توجه به مصالح عام، تشویق و اقدام به کارهای پرمفعت.
- \* ترحم به اتباع کشورهای دیگر که در کشور وی جاگزین‌اند.
- \* فراهم آوردن رفاهیت و زندگی خوب برای امیران امپراطوری و برای تمام مردمش.
- کونفوشیوسیه به عادات و عنعنات میراثی احترام می‌گزارند، خیلی زیاد محافظه کار هستند، علم و امانت را مقدس می‌دانند، معامله و روش نرم را محترم می‌شمارند، ولی فروتنی در مقابل ظلم و زور را دوست ندارند.
- جامعه کونفوشیو سی براساس احترام ملکیت فردی استوار بوده، در پهلوی آن برنامه‌های اصلاحی که روح محبت را میان ثروتمندان و فقراء افزایش دهد ضروری می‌دانند.
- به تفاوت میان طبقات قائل‌اند، و این تفاوت در وقت انجام مراسم دینی، عیدهای رسمی و در وقت تقدیم نذرانه‌ها به خوبی آشکار می‌گردد.
- نظام طبقاتی نزد آنان یک نظام باز بوده برای هر شخص ممکن است که از طبقه خود به هر طبقه اجتماعی دیگری که می‌خواهد انتقال نماید، ولی به آن شرط که نزد وی امکاناتی وجود داشته باشد که وی را اهل و مستحق آن طبقه سازد.
- انسان نتیجه و ثمره مزج قوای آسمانی با قوای زمین می‌باشد، یعنی داخل شدن ارواح آسمانی در جواهر و عناصر پنجگانه زمین، بنابر همین جهت بالای انسان لازم است که از هر چیز استفاده کند ولی در چوکات اخلاق درست و مستقیم انسانی.
- افکار خویش را بر مفکوره «عناصر پنجگانه» بنا نهاده‌اند، بنابر آن:
- \* ترکیب اشیاء از پنج چیز است: معدن، چوب، آب، آتش، خاک.
- \* قربانی‌ها و نذرانه‌ها پنج است.
- \* موسیقی پنج کلید دارد و رنگ‌های اصلی پنج است.
- \* جهات پنج است: شرق، غرب، شمال، جنوب، وسط.
- \* درجه‌های رشته داری و قرابت پنج است: رشته پدری، رشته مادری، رشته روجیت، رشته فرزندی و رشته برادری.
- موسیقی رول مهمی را در زندگی اجتماعی مردم بازی می‌نماید، و در تنظیم سلوک افراد سهم می‌گیرد، و در عادت دادن شان به طاعت و نظام کار می‌کند،



بالآخره مؤدی به انسجام، الفت و فداکاری می‌شود.  
 - شخص فاضل کسیست که موقف میانه را میان ذات خود و تأثیر پذیری‌هایش اختیار می‌نماید، تا آنکه به درجهٔ ثبات کامل می‌رسد.

### ریشه‌های فکری و اعتقادی:

- کونفوشیوسیه به معتقدات چینیان قدیم باز می‌گردد، معتقداتی که به ۲۶۰۰ سال قبل از میلاد تعلق می‌گیرد، آن عقاید را در قدم اول کونفوشیوس و در قدم دوم پیروانش، بدون کدام مناقشه و جدالی و بدون فرق گذاشتن در میان حق و باطل پذیرفته‌اند.

- در قرن چهارم قبل از میلاد امر جدیدی را علاوه نمودند که آن عبادت کردن ستارهٔ قطب بود، زیرا آنان معتقداند که آن ستاره محوری است که آسمان در اطراف آن می‌چرخد، پژوهشگران به این باوراند که این عقیده از دیانت و مذهب بعضی ساکنین حوض بحر متوسط به سوی آنان سفر کرده است.

- کونفوشیوسیه در مقابل فکر کمونستی و فکر اشتراکی که در دو قرن قبل از میلاد بالایش وارد شده بودند، ایستادگی نموده بالای آن‌ها غالب گردید، همچنان توانست که بودائیة را ذوب نموده در قالب کونفوشیوسیةٔ چینی بیندازد و از آن بودائیةٔ چینی درست نماید، که با بودائیةٔ اصلی هندی تفاوت داشته باشد.

- علی الرغم تسلط سیاسی کمونیزم بالای چین معتقدات کونفوشیوسیه در عقیده اکثر چینیان معاصر وجود دارد.

### انتشار و جاهای نفوذ:

- کونفوشیوسیه در چین انتشار یافت.  
 - از سال ۱۹۴۹م کونفوشیوسیه از ساحةٔ سیاسی و دینی دور شد، ولی در روحیةٔ اقوام چین به صورت مخفی باقی مانده است، که همین امر سبب شده تا شعائر کمونستی مارکسستی در چین تغییر نماید.  
 - کونفوشیوسیه تاحال در (فرموزا) و یا (الصین الوطنیه) نظام اجتماعی را رهبری می‌نماید.

- در کوریا و جاپان نیز به نشر رسید، و در دانشگاه‌های جاپان تدریس می‌شود، و این مذهب از زیر بناهای اساسی است که در اکثر دولت‌های شرقی آسیا و جنوب

شرقی آن در عصر میانه و عصر جدید زیر بنای اخلاقی را تشکیل می‌دهد.  
 - کونفوشیوسیه از ستایش و توصیف بعضی فلاسفه غرب نیز بهره مند گردیده است، مثل فیلسوف لیبنتز (۱۶۴۶-۱۷۱۶م) و بیتر نویل، کسی که کتاب کلاسیکیات کونفوشیوس را سال ۱۷۱۱م به نشر رسانید، همچنان کتاب‌های کونفوشیوس به اکثر لغات اروپائی ترجمه شده است.

### مراجع:

- ۱- الحوار کونفوشیوس فیلسوف الصين الأكبر- ترجمة محمد مکین- المطبعة السلفية- القاهرة- ۱۳۵۴ هـ.
- ۲- کونفوشیوس: النبي الصيني د. حسن شحاته سعفان- مكتبة نهضة مصر.
- ۳- الملل والنحل للشهرستاني الطبعة الثانية- دار المعرفة- بيروت- انظر الذیل الذي هو من تألیف محمد سيد كيلاني- صفحة ۱۹.
- ۴- محاضرات في مقارنات محمد أبو زهرة- مطبعة يوسف- مصر. الاديان

### مراجع بیگانه:

- 1- Lin Yutang: The Wisdom of Confucius, N. Y. 1938.
- 2- K. Wilhelm: Kungte, leben und lehre. 1925.
- 3- Kuntse und Konfuzianismus, 1930.
- 4- H. A. Giles: Confucianism and its Rivals London 1915.
- 5- M. G. Pouthie: Doctrine de confucius, Paris.
- 6- P. Masson - oursel: la philosophie en Orient, 1938.
- 7- Social Philosophers.
- 8- Hastings: Encyclopaedia of Religion and Ethics.
- 9- Ch. Luan: la philosophie Morale et politique de Mencius 1927

## لیونز

### LIONS CLUBS

#### تعریف:

این گروه در ظاهر مجموعه‌ای از مراکز خیری و اجتماعی‌اند، ولی در حقیقت یکی از گروه‌های جهانی بوده که تابع ماسونیزم می‌باشد، و آن را یهودیان به خاطر فساد جهان وسیطره بر آن، رهبری می‌کنند.

#### تأسیس و افراد برازنده:

- در تابسان سال ۱۹۱۵م مؤسس این گروه، ملفن جونس، به سوی مفکورهٔ ایجاد مراکزی دعوت نمود که مردم کارگر را در اکناف و اطراف مختلف ایالات متحده، در برگیرد، و اولین مرکزی که از این نوع مراکز تأسیس شد در شهر سانت انطونیو- تکساس، بود.

- در مایو ۱۹۱۷م مراکز لیونز به حیث سازمان جهانی پا به عرصهٔ وجود نهاد، اولین اجتماع آن در شیکاگو، در محل سابقهٔ گروه روتاری، برگزار گردید.

- بعضی پژوهشگران به این باوراند که این گروه تابع گروه بنای برث (یعنی پسران عصر)‌اند، که این گروه در ۱۳/۱۰/۱۸۳۴م، در شهر نیورک، تأسیس شده بود.

- مراکز این گروه همه و به صورت عام، به طرق مختلف تنظیم ماسونیزم را پیروی می‌کنند.

- گروه لیونز به این هدف تأسیس شده تا در صورتی که اگر گروه‌های سابقه افشاء شوند و یا جبراً از صحنه بیرون کرده شوند، در آن صورت این گروه چون ظاهراً لباس خیر و اصلاح اجتماعی را دربردارد، جاگزین آن‌ها شود.

#### افکار و معتقدات:

- نام شان (لیونز) که به معنای «سیاهک است، اشاره به سوی قوت و شجاعت می‌باشد.

\* فعالیت و کار ظاهری شان امور آتی می‌باشد:

- \* دعوت به سوی برادری، آزادی، و مساوات.
  - \* انتشار امور خیریه و ایجاد معاونت میان اقوام.
  - \* رشد روحیهٔ صداقت میان افراد، بدور از روابط عقیدتی.
  - \* توجه به رفاهیت و پیشرفت سطح زندگی اجتماعی.
  - \* کار در راه ایجاد معرفت، با تمام وسائل ممکنه.
  - \* همکاری و مساعدت با نابینایان.
  - \* تخفیف مشکلات روز مرهٔ زندگی از هموطنان.
  - \* خدمت نمودن به مردم محل.
  - \* برپا کردن مسابقات رفاهیت.
  - \* تقویۀ پروگرام‌های خیریه.
  - \* تقویۀ پروگرام‌های ملل متحد.
- شروط عضویت:
- \* شروط عضویت در این تنظیم تفاوت زیادی با شروط عضویت در تنظیم‌های ماسونی و روتاری ندارد.
  - \* لکن فرقی از تنظیم ماسونی در آنست که در این تنظیم جائزاست برای یک شغل و پیشه دوعضو و یا زیاده از آن وجود داشته باشد.
  - \* هیچ شخص نمی‌تواند خودش درخواست عضویت نماید، بلکه خودشان اگر در وی مصلحتی دیدند، او را انتخاب نموده عضویت را برایش پیشکش می‌نمایند.
  - \* شرط است که باید عضو از افراد شغل و کسبی باشد که آن کسب کامیاب باشد.
  - \* این نیز شرط است که باید کار عضو در همان منطقه‌ای باشد که آنجا مرکز وجود دارد.
  - \* بالای هر عضو لازم است که حضری نسبی خود را در اجتماعات هفته وار حفظ نماید و سالانه از ۶۰٪ کم نباشد.
  - \* از دخول افراد عقیده دوست و کسانی که تعصب شدید وطنی دارند، جداً جلو گیری می‌نمایند.
  - \* پسران و دختران جوان را جذب می‌نمایند، البته بخاطر حفظ سطح ممکن وجود نوجوانان و به خاطر زنده نگه داشتن همیشگی مرکز، علاوه بر آنکه تأثیر بالای جوانان خیلی سهل و آسان می‌باشد.

\* زنان را نیز جذب می‌نمایند، خصوصا همسران مسؤولین بزرگ را، برای آنان وظیفه ارتباط گرفتن با اشخاص بزرگ سپرده می‌شود، آنان مراکز خاص دارند بنام «مرکز زنان لیونز».

- تشکیل تنظیم: هر مرکز متشکل است از:

\* یک رئیس.

\* یک و یا زیاده از یک معاون رئیس.

\* سکرتر - و مسؤول صندوق.

\* مجلس اداری، مرکب از (۱۲) عضو، ولی در میان آنان باید یک یا دو شخص سابق مرکز باشد که هدف از آن تسلط کامل بالای مجلس بوده تا مجلس به جانبی که رئیسان نمی‌خواهند منحرف نشود.

\* گروه‌های مختلفی از جانب مجلس تشکیل می‌شود تا که انتظام امور مختلف را در برگیرد.

### خطر این گروه:

- فعالیت ظاهری خیره‌اش کمین گاهی است که در عقب آن اهداف حقیقی و اصلی‌اش پنهان گردیده است.

- پلان شان خیلی دقیق می‌باشد، و در تمام جهات به اصول مخفیانه و طرق سری کار می‌کنند.

- در هر منطقه که کار می‌کنند، معلومات متعلق به امور سیاسی و دینی آنجا را جمع نموده به مرکز جهانی خویش می‌فرستند، در آنجا بعد از غور و بررسی آن، تصامیم و اقدامات مناسب گرفته می‌شود.

- در ضمن دیدارهای شان به اسرار و حفایای کسب‌ها آشنائی حاصل می‌نمایند بدینگونه می‌توانند بالای بازار محلی تسلط حاصل کنند و در امور اقتصادی آن قریه دخالت نمایند.

- آنان منطقه‌ای را که در آن کار می‌نمایند میان خود تقسیم می‌کنند، و بر هر گروه لازم می‌باشد که بخش فعالیتی که به وی تعلق دارد به طور مخفی پیش ببرد.

- خیلی عموض و پیچیدگی شدیدی وجود دارد که توسط آن اسرار، موارد و وسائل‌شان پوشیده است.

- مجالس ادارات مناطق لیونز اقدامات امنیتی شدیدی در اطراف خویش می‌داشته باشند.
- این شعار را همیشه تکرار می‌کنند: «دین از خدا است ولی وطن از همه است».
- اسلام نزد آنان مساوی با دیگر ادیان است، برابر است که دین آسمانی باشد و یا دین بشری، البته این در ظاهر است، ولی در حقیقت آنقدر که در مقابل اسلام دسیسه می‌نمایند در مقابل ادیان دیگر نمی‌نمایند.
- در دعوت‌ها و سخنرانی‌های شان بر اظهار شرافت و مکانت مشخص برای اسرائیل و اقوام آن تأکید می‌نمایند، همچنان افکار صهیونستی را در عقول اعضاء خویش زرع می‌نمایند.
- مجلسی در مرکز جدید لیونز مصر، در قاهره، بخاطر مذاکره صلح بین اسرائیل و مصر برگزار نمودند.
- آنان محافل رقص، و بیحیائی مختلفی را تحت شعار (محافل خیریه) تشکیل می‌دهند.
- مجمع فقهی در دور اول خود، که در مکه مکرمه به تاریخ ۱۰ رمضان ۱۳۹۸ هـ برگزار گردیده بود، فیصله‌ای صادر کرد که در آن چنین آمده بود: اصول و مبادی حرکات ماسونی، لیونز و روتاری، به صورت کلی با اصول و قواعد اسلام تناقض و ضدیت دارد.

### ریشه‌های فکری و اعتقادی:

- مراکز لیونز از دائره ماسونیه که پیروی آن را می‌نماید، خارج نیست، بنابراین ریشه‌های شان یکی است.
- به سوی مفکوره رابطه انسانی و دور کردن موانع از میان بشر، دعوت می‌نمایند.
- جوهر حقیقی خود را از فکر صهیونستی اخذ می‌کنند.

### انتشار و جاهای نفوذ:

- این تنظیم مراکزی در امریکا، اروپا و در بسیاری از کشورهای جهان دارد.
- مراکز لیونز در اوائل سال ۱۹۷۰ م ادعا نمود که تعداد اعضاء این حزب زیاده بر (۹۳۴۰۰۰) عضو می‌باشد، که در (۱۴۶) قریه تقسیم شده‌اند.
- مرکز عمومی فعلی آن در اوک بروک ولایت الینوی ایالات متحده امریکا می‌باشد.

- بعد از معاهده صلح میان مصر و اسرائیل، مراکز لیونز و روتاری در مصر نیز به فعالیت آغاز نمودند.

- آنان در مسافرخانه‌های بزرگ برای خود مرکز می‌گیرند، مثل مسافرخانه جدید سلام، مسافرخانه هیلتون، مسافرخانه شبرد، و مسافرخانه شیراتون.

- مبالغ بزرگ را، در محافل ایجاد صداقت و دوستی و در محافل اهتمام به بعضی از امور به حیث جاززه تقدیم می‌نمایند، که این خود اشاره به کیفیت موارد مالی تنظیم می‌کند.

### مراجع:

- ۱- شهادت ماسونیه حسین عمر حماده- دار قتیبة بدمشق- ط ۱- ۱۴۰۰هـ / ۱۹۸۰م.
- ۲- حقیقة نوادي الروتاري جمعية الإصلاح الاجتماعي- ط ۲- ۱۳۹۴هـ / ۱۹۷۴م.
- ۳- الماسونیه فی العراء الشيخ محمد علي الزعبي.
- ۴- أسرار الماسونیه جواد رفعت أتلخان.
- ۵- خطر اليهودیه العالمیه علي عبدالله التل. الاسلام و المسيحية
- ۶- جذور البلاء عبدالله التل.
- ۷- الماسونیه محمد صفوت السقا وسعدي أو جيب- اصدار رابطة العالم الإسلامي- مکه مکرمه - ط ۲- ۱۴۰۲هـ.
- ۸- الماسونیه و الصهيونیه و د. صابر عبدالرحمن طعيمه - دار الفكر العربي الشيعية بالقاهرة - ط ۱- ۱۹۷۸م.
- ۹- مجلة الجندي المسلم سال يازدهم - شماره ۳۴- ذو الحجة ۱۴۰۴هـ / ۱۹۸۴م.
- ۱۰- جريدة الأخبار القاهرية تاريخ ۲۷ / ۱ / ۱۹۸۴م.
- ۱۱- أنظر الموسوعة البريطانية طبعة ۱۹۷۴م - مجلد ۴- صفحه ۳۰۲ في الحديث عن الماسونیه (البنائون الأحرار).

مراجع به زبان انگلیسی

---

12- Encyclopaedia Britannica, Vol. V, p. 385, 1974.



## مارونیه

### تعریف:

مارونیه گروهی از گروه‌های کاتولیک شرقی نصارا اند که می‌گویند: عیسی علیه السلام دو طبیعت و یک اراده دارد، آنان به قدیس مارون منسوب می‌شوند، بنام «موارنه» نیز معروف‌اند، مرکزشان در لبنان است.

### تأسیس و افراد برازنده:

- این طائفه منسوب به سوی قدیس پرهیزگار متقشف عابد «مارون» می‌باشد، کسی که در کوه‌ها رفت و عزلت اختیار نمود و این کار سبب شد که مردم را به خود جذب کند و گروهی به نامش تشکیل شود، زندگی وی در اواخر قرن چهارم میلادی بوده، وحوالی سال (۴۱۰) بین انطاکیه و قورس وفات نموده است.

- بین پیروان مارون و بین کلیسای ارتودکس روم اختلاف شدیدی واقع شد و این اختلاف آنان را مجبور به ترک انطاکیه و حرکت به سوی «قلعه المضیق» که نزدیک افامیا بر جوار نهر عاصی است، نمود و در آنجا دیری بنام قدیس مارون بنا کردند.

- در اقامتگاه جدیدشان اختلاف دیگری میان آنان و میان یعاقبه ارتودکس یعنی کسانی که قائل به یک طبیعت بودند، در سال (۵۱۷م) واقع گردید، که سبب منهدم شدن دیر شان و کشته شدن (۳۵۰) تن از راهبان شان گردید.

- در مراحل بعد از آمدن به قلعه المضیق امپراطور مرقیانوس به آنان توجه نموده در سال (۴۵۲) دیر آنان را فراخ و کلان کرد، امپراطور یوستیانیان کبیر (۵۲۷-۵۶۵م.) نیز به آنان توجه نموده دیر شان را، بعد از آنکه آن را یعاقبه خراب کرده بودند، دوباره اعمار نمود. امپراطور هرقل نیز به آنان توجه داشت و در سال ۶۲۸م بعد از پیروزیش بالای فارس، از آنان دیدار نمود.

- سال ۶۵۹م مارونیه و یعاقبه معاویه بن ابی سفیان رضی الله عنه را میان خویش حکم قرار دادند تا اختلاف از میان شان برداشته شود، ولی خلاف و دشمنی در میان شان ادامه یافت و جنگ‌های انتقامی میان دو طرف آغاز گردید، که بالاخره منجر به هجرت

مارونیه به شمال لبنان شد و آنجا وطن دائمی آنان گردید.

- در وطن جدید شان در لبنان قدیس یوحنا مارون ظهور نمود که وی صاحب مارونیه جدید، بنا کننده مجد و بزرگی آن و ترتیب دهنده نظریات و معتقدات آن به شمار می‌رود. خلاصه زندگی نام‌هاش چنین است:

\* در سرزمین نزدیکی انطاکیه تولد شد، دروس خویش را در قسطنطنیه فرا گرفت.

\* به حیث اسقف بالای بترون در ساحل شمالی لبنان تعیین گردید.

\* سال ۶۶۷م عقیده مارونیه را ظاهر نمود، عقیده‌ایکه می‌گوید: در مسیح عَلَيْهِ السَّلَام دو طبیعت وجود دارد ولی یک اراده دارد، زیرا هر دو طبیعت در یک اقنوم جمع شده است.

\* کلیساهای مسیحی این عقیده را نپذیرفتند و خواستار برگذاری مجمع سوم قسطنطنیه شدند، این مجمع سال ۶۸۰م برگزار گردید و در آن ۲۸۶ اسقف حاضر گردیده و به ترک کردن این عقیده، محروم ساختن دارندگان آن، لعنت کردن، راندن، و تکفیر نمودن کسانی که به این مذهب و عقیده می‌روند، فیصله نمودند.

\* یوحنا مارون اولین بطریک [رئیس رئیسان اسقف‌ها] در گروه مارونیه به شمار می‌رود که شمار بطارکه از وی شروع می‌شود.

\* لشکر مارونیه با لشکری که آن را یوستغیان دوم، به قصد ویران کردن معابد شان و ریشه کن نمودن خود شان سوق داده بود، مقابله نموده لشکر مارونیه جانب مقابل خود را در امیون شکست داد، و بعد از آن به حیث یک قوم و گروه کوه نشین دارای شخصیت مستقل ظاهر گردیدند.

- بعد از آن کلیسای روما بخاطر نزدیک سازی آنان به خود چاره جوئی نمود، همان بود که در حوالی سال ۱۲۱۳م بطریک مارونی ارمیا عمشیتی از روما بازدید نموده در وقت بازگشت خود بعضی تعدیلات و اصلاحات در خدمت اسقف‌ها، مراسم عبادت و سیامت کاهنان آورد.

- نزدیکی میان شان به حدی زیاد شد که در سال ۱۱۸۲م اطاعت شان به کلیسای بابویه اعلان گردید، و در سال ۱۷۳۶م این نزدیکی به اتحاد کامل با کلیسا تبدیل گردید که بعد از آن کلیسای مارونیه به نزد پاپ‌های روما از جمله کلیساهای مکرم شمرده می‌شد.

- در خدمت صلیبی‌ها نیز نقش بارزی داشتند، از قبیل تقدیم رهنماها برای

صلیبیان در حمله اول شان، تا که آنان را در راهها و گذرگاهها رهنمائی نمایند، و روان کردن گروپ تیر انداز رضاکار به مملکت بیت المقدس.

- مطابق آنچه مؤرخین جنگ‌های صلیبی ذکر کرده‌اند تعداد مردان جنگی شان به (۴۰۰۰۰) تن می‌رسید.

- در ممالکی که زیر سیطره صلیبی‌ها قرار می‌گرفت، مارونیه در میان دیگر طائفه‌های نصارا مرتبه اول را بدست می‌آوردند و از حقوق و امتیازاتی که طائفه فرنجه برخوردار می‌بود آن‌ها نیز می‌بودند، مثل حق ملکیت زمین در مملکت بیت المقدس.

- لویس نهم اولین دوست فرانسوی آنان بود، وقتی وی در دشت عکا فرود آمد، وفدی متشکل از پانزده هزار مارونی که با خود هدایا و تواحف داشتند، نزدش آمدند، وی به همین مناسبت برای شان رساله مؤرخ (۱۲۵۰/۵/۲۱م) را تقدیم نمود که در آن گفته شده بود: فرانسه بر حمایت آنان تعهد می‌سپارد، و در آن رساله آمده بود: «ما به این قانع هستیم که همین ملتی که بنام قدیس مارون معروف است، جزئی از ملیت فرانسه باشد.

- مهربانی غرب با طائفه مارونیه در نسل‌های بعدی ادامه یافت، یعنی وقتی که نابلیون سوم سال ۱۸۶۰م یک گروه فرانسوی را برای آرام ساختن مردم الجبل ارسال نمود، همچنان بعد از جنگ جهانی اول که لبنان تحت نفوذ فرانسه قرار گرفت.

- تیوفیل (تیوفیلوس) بن توما یک مارونی از شمال سوریه بود که در قصر مهدی خلیفه عباسی (۷۷۵-۷۸۵م) به حیث منجم ایفاء وظیفه می‌نمود، و «إلیاذة هو میروس» را نیز ترجمه کرد.

- مؤرخ مشهور اسطفانوس دویهی نیز مارونی بود، و سال (۱۷۰۴م) وفات نمود.  
- بطریک جرجس عمیره نیز مارونی بود، وی اولین کتاب را در علوم ادبی سریانی تألف نمود، و بخاطر آسان شدن تدریس زبان مذکور بالای مستشرقین قواعد کتاب را به زبان لاتینی وضع نموده است.

- از شخصیات مشهور شان اشخاص ذیل می‌باشند: یوسف حبیش، بولس مسعد، یوحنا الحاج، و بطریک الیاس حویک.

- از جمله اسقف‌های مطران اشخاص ذیل می‌باشند: جرمانوس فرحات، یوسف سمعان سمعانی، یوحنا حبیب، یوسف دبس.

- از خاندان‌های مشهور شان: آل خازن، دحداح، حبیش، سعد، کرم، ظاهر، بستانی، شدیاق، نقاش، باز، و... می‌باشد.
- از رهبرها و زعمی‌های معاصر شان: آل جمیل، شمعون، فرنجیه، اده، و... می‌باشند.
- از جمله تنظیم‌های سیاسی، گروهی، و نظامی شان: حزب الکتائب و حزب الاحرار می‌باشد.
- به موجب پیمان و میثاق وطنی که طی آن اتحاد شفاهی میان مسلمانان و نصارا، پیرامون توزیع چوکی‌های مهم دولت لبنان به طائفه‌های مختلف دینی لبنان، صورت گرفت، از سال ۱۹۴۳م تا امروز چوکی ریاست جمهوری لبنان به گروه مارونی تعلق گرفت.

### افکار و معتقدات:

- مهم‌ترین نظریه‌ایکه اینان را از دیگر گروه‌های نصرانی جدا می‌سازد آنست که می‌گویند: مسیح علیه السلام دو طبیعت دارد، ولی اراده و مشیتش واحد و یکی است، زیرا هر دو طبیعت در اقنوم واحد جمع شده‌اند.
- به عقیده مشیت واحد بطریک امپراطور هرقل نیز سال (۶۳۸م) قائل شد تا بتواند میان عقیده طرفداران طبیعت واحد، که در نصارای سوریه اکثریت رعیتش را تشکیل می‌دادند، و میان طرفداران عقیده ارتوذ کسیه کلیسای بیزنطیه، موافقت بیاورد، ولی این کار وی در برداشتن خلاف از میان آن‌ها به نتیجه نرسید.
- معتقداند که کار و خدمتی که قدیس‌ها انجام می‌دهند مأخوذ از همان خدمتی است که آن را به یعقوب قدیس نسبت می‌دهند و معتقداند که این خدمت سابقه‌ترین خدمت در کلیسای مسیحی می‌باشد و اصول آن به عشاء ربانی اخیر باز می‌گردد.
- کلیسای مارونی تا امروز لغت سریانی را در قدیس‌های خویش حفظ نموده است.
- روحیه سریانیه همیشه در میان ایشان ساری و جاری است، حتی در کلیساهائی که به تسلط پاپ هم اعتراف دارد.
- از اوائل قرن سیزدهم در دوران پاپ انوسنت سوم بعضی تعدیلات و اصلاحات در مراسم دینی مارونی قدیم انجام یافت، تا موافقت و ملائمتش با مراسم دینی لاتینی زیادتر شود، که از آنجمله است:

- سه بار غوطه دادن معمود در آب.
- طلب واحد از برای «ثالثوث».
- وقف نمودن جوانان به دست مطارنه.
- بعد از آن کاهنان روش لاتینی را در پوشیدن انگشتر، به سرکردن کلاهی که مشابه به تاج می بود و در گرفتن عصا پیروی نمودند.
- در استعمال کردن زنگ، در بدل ناقوس‌های چوبی که آن را دیگر کلیساهای شرقی، در وقت فرا خواندن به سوی اسقف‌ها، استعمال می نمودند، نیز پیروی و تقلید لاتینی‌ها را کردند.

### ریشه‌های فکری و اعتقادی:

- مارونی‌ها شاخه کاتولیک‌های شرقی‌اند که آن‌ها به نوبه خود شاخه عام نصرانی‌ها می باشند، زیرا ریشه‌های آنان عین ریشه‌های خود نصرانیت است.
- در حفاظت شدید خویش از میراث فرهنگی خود و از زبان قدیم سریانی ممتاز هستند، و به گذشت زمان، توسط آوردن بعضی تعدیلات در مراسم دینی ماورنیه قدیم، به کلیسای بابویه روما نزدیک شده‌اند.

### انتشار و جاهای نفوذ:

- در انطاکیه آغاز شد، بعدا به قلعه المضیق کوچ کردند، و اخیرا در نصف دوم قرن نوزدهم میلادی به کوه‌های لبنان که وطن فعلی شان است رفتند.
- در قرن پانزدهم میلادی، دیر قنوبین شمال لبنان که بالاتر از طرابلس موقعیت دارد و در سر سنگ بزرگی از سنگ‌های وادی قادیشا (یعنی وادی مقدس) اعمار گردیده است، مقر مارونیه بطریکیه گردید، همچنان «بکرکی» که در بالای جونیه اعمار گردیده تا امروز مقر زمستانی آنان می باشد، زیرا سردار بکرکی همیشه ملقب به بطریک انطاکیه و سائر شرق بوده است، البته آن بخاطری است که وی از دیگر بطریک‌های شرقی مستقل بوده ابراشیات، و مطارنه گروه‌های مختلف رهبانی زیر اداره اش می باشند.
- وقتی که صلاح الدین ایوبی بالای بیت المقدس سلطه حاصل نمود، ملک غوی دی لیزنیان به طرف قبرص رفت و اکثریت زیادی از مارونی‌ها نیز با وی رفتند، زیرا در

دوران اشغال بیت المقدس در پهلوی صلیبی‌ها ایستاده بودند، وقتی آنجا رفتند درکوهی که در شمال نيقوسيا واقع است جاگزين شدند.

- در قرن‌های دوازدهم و سیزدهم تعداد زیادی از مارونی‌ها، به سبب جنگ‌ها و هجرت کردن‌ها، از لبنان فرار نموده به تکریت و دیگر شهرها میان دجله و فرات رسیدند، و بعضی شان به سوی داخل سوریه رفته در دمشق و حلب جابجا شدند، و بعضی دیگرشان به قدس رفتند و دیگرانی به مصر و رودس، و مالطه پایین شدند، تعدادی هم از آنان به امریکا، افریقا، و اندونوزیا، هجرت کردند، ولی اغلب آنان تا حال در لبنان زندگی می‌نمایند، و در رهبری سیاست فعلی لبنان اثر بزرگ دارند.

### مراجع:

- ۱- النصرانية والاسلام المستشار محمد عزت إسماعيل الطهطاوي - مطبعة التقدم- مصر - ۱۹۷۷ م.
- ۲- محاضرات في النصرانية محمد أبوزهرة- ط ۳- مطبعة يوسف -مصر- ۱۳۸۵هـ/ ۱۹۶۶ م.
- ۳- أضواء على المسيحية محمد متولي شلبي- نشر الدار الكويتية - ۱۳۸۷هـ/ ۱۹۶۸ م.
- ۴- تاريخ لبنان د. فيليب حتي - ط ۲- دار الثقافة- بيروت - ۱۹۷۲ م.
- ۵- خطط الشام محمد كرد علي - ج ۶ - ط ۲ - دارالقلم ۶ بيروت - ۱۳۹۱هـ/ ۱۹۷۱ م.
- ۶- مقارنة الاديان «المسيحية» د احمد شلبي - ط ۵- النهضة المصرية - القاهرة - ۱۹۷۷ م.
- ۷- تاريخ الطائفة المارونية اسطفان الدويهي - طبع بيروت - ۱۸۹۰ م.
- ۸- التواريخ القديمة من لأبي الفداء- نشر فليشر - ليسانغ - ۱۸۳۱ م. المختصر في اخبار البشر.
- ۹- التاريخ المجموع علي سعيد بن البطريق - نشر شيخو - الجزء الثاني التحقيق و التصديق - بيروت - ۱۹۰۹ م.

- ١٠- تاريخ مختصر الدول ابن العبري- نشره أنطون صالحاني- بيروت - ١٨٩٠م.  
 ١١- التنبيه و الإشراف للمسعودي - طبعة دي غويه- ليدن- ١٨٩٣م.  
 ١٢- المحاماة عن الموارنة أفرام الديراني - بيروت - ١٨٩٩م. وقديسهم  
 ١٣- تاريخ سورية يوسف الدبس- ج ٥- بيروت - ١٩٠٠م.  
 ١٤- الأديان المعاصرة راشد عبدالله الفرحان- ط ١- شركة مطبعة الجذور- الكويت-  
 ١٤٠٥هـ / ١٩٨٥م.

### مراجع بيگانہ:

- 1- W. Wright, Catalogue of Syriac Manuscripts in the British Museum (London, 1871).
- 2- Edward Gibbon, The History of the Decline and fall OT the Roman Empire, ed. J. Bury. Vol. V (London, 1898).
- 3- A. History of Deeds done Beyond the Sea, Tr. Emily A. Babcock and A.C. Krey (New York, 1943).
- 4- Fausto (Murhij) Naironi, Dissertation de Origine, Nomine ac religione Maronit arum (Rome,1679).
- 5- Pierre Dib, Leglise Maronite Vol. I (Paris, 1930).
- 6- Bernard G. Al - Ghaziri, Rome et Leglise Syrienne- Maronite (Paris,1906).





## ماسونیه

### تعریف:

ماسونیه در لغت به معنی «معماران آزاده» است و در اصطلاح یک تنظیم سری دهشت افکن یهودی، غامض و پیچیده بوده که نظم محکمی دارند، و هدف آن تحقیق تسلط یهود بر جهان می‌باشد، به سوی الحاد، اباحت، و فساد دعوت می‌کند، اکثر اعضایش را اشخاص مبعوض در عالم تشکیل می‌دهد، از ایشان بخاطر حفظ اسرار پیمان گرفته می‌شود، بخاطر جمع شدن، پلان طرح نمودن و تقسیم وظائف و مکلفیت‌ها، محافل تشکیل می‌دهند.

### تأسیس و افراد برازنده:

- این تنظیم را هیروُدس اکریبا (ت ۴۴م) پادشاه رومان، به همکاری دومشاور یهودی خود تأسیس نمودند، آندو عبارت بودند از: حیرام ابیود معاون رئیس، و موآب لامی رازدار اولش.

- ماسونیه از همان ایام اول خود به حيله، فریب و دهشت افگنی شروع کرد، و بخاطر فریبکاری و ارهاب رموز، نام‌ها، و اشاراتی برای خویش اختیار نمودند، مجلس خویش را بنام «هیكل اورشليم» نام گذاری کردند، تا فکر کرده شود که این همان هیكل سلیمان عليه السلام است.

- حاخام لاکویز می‌گوید: ماسونیه در تاریخ خود، تعالیم خود، وجود کلمات مخفی در آن، و در توضیحات خویش... همه و همه از اول تا آخر از شروع تا انجام یهودیت می‌باشد.

- ولی در تاریخ ظهور آن، بخاطر پنهانکاری شدیدی که در آن است، اختلاف وجود دارد، راجح آنست که در سال ۴۳م ظاهر گردیده بنام «قوه مخفی» نام گذاری شد، و هدفش [در آنوقت] ذلیل ساختن نصارا، ترور و راندن آنان و منع نمودن دین شان از انتشار بود.

- در دوران تأسیس بنام «قوه مخفی» یاد می‌شد، ولی از چند قرن به اینسو نام

ماسونیه را به خود گرفت تا از نام «معماران آزاده» برای خود نقابی گرفته در عقب آن کار خود را به پیش ببرد، بعداً این نام بالای آن بدون اینکه حقیقتی داشته باشد اطلاق گردید.

- این مرحله اول ماسونیه بود، مرحله دوم ماسونیه از سال ۱۷۷۰م توسط آدم وایز هاویت مسیحی شروع شد، وی ملحد شده بود و ماسونیه به هدف سیطره بالای جهان نزد وی تمرکز نمودند، و سال ۱۷۷۶م طرح ریزی و نقشه تکمیل گردیده در همین دوره محفلی برگزار گردید و آن مجلس بنام «محفل نورانی» از جهت نسبت آن به سوی شیطانی که آن را تقدیس می‌نمایند، نام گذاری کردید.

- آنان توانستند که دوهزار تن از رهبران سیاسی و مفکرین بزرگ را فریب دهند، و توسط آنان محفل بزرگی را که بنام محفل شرق اوسط یاد می‌شود برگزار نمایند، در این محفل آمادگی همین رهبران برای خدمت ماسونیه اظهار کرده شد، و شعارهای پرزرق ووبرقی دادند که حقیقت ایشان را پنهان می‌ساخت، همین بود که بسیاری از مسلمانان را فریب دادند.

- آدم وایز هاویت مسیحی آلمانی (ت ۱۸۳۰) ملحد شد و پلان و نقشه نومی برای ماسونیه طرح نمود.

- میرابو، وی یکی از رهبران مشهور انقلاب فرانسه بود.

- مازینی ایتالیائی که بعد از مرگ وایز هاویت امور را دوباره درست نمود.

- جنرال امریکائی (البرت مایک) از لشکر استفاده نموده کینه ماسونی خود را بالای ملت‌ها تطبیق نمود، وی کسی بود که نقشه‌های ویرانگر ماسونیه را مورد تنفیذ و اجراء قرار داد.

- لیوم بلوم فرانسوی که نشر اباحت را به عهده داشت، کتابی به نشر رسانید بنام «الزواج» که فاحشتر از آن دیگر دیده نشده است.

- کودیر لوس یهودی صاحب کتاب «العلاقات الخطرة».

- ماتسینی جوزیبی (۱۸۰۵ - ۱۸۷۲م).

- همچنان از جمله شخصیات آن: جان جاک روسو، فولتیر، جرجی زیدان، و کارل مارکس به شمار می‌روند.

**افکار و معتقدات:**

- به الله و پیامبران و کتاب‌های وی وهمه غیبات کافر و منکر بوده آن را از جمله دروغ‌ها و خرافات می‌دانند.
- در راه نابودی ادیان کار می‌کنند.
- کار در راه سقوط دادن حکومت‌های شرعی، لغو نمودن نظام حکومت‌های وطنی در کشورهای مختلف و تسلط یافتن بر آن.
- مباح دانستن عمل جنسی و استفاده کردن از زن به حیث وسیله تسلط و سیطره.
- کار در راه تقسیم کردن غیریهود به ملت‌های باهم دشمن، که همیشه در مقابل یکدیگر باشند.
- مسلح ساختن جوانب مذکور، و به میان کشیدن مسائلی که جنگ را در میان شان شعله ور سازد.
- نشر وزرع تخم نفاق در میان قریبه‌ها و زنده کردن روحیه اقلیت‌های قومی و عنصری.
- تخریب اصول اخلاقی، فکری، ودینی، و نشر اختلاط، انحلال، دهشت، و الحاد.
- استفاده از رشوت مالی و جنسی در مقابل همه، خصوصا در مقابل کسانی که دارای مناصب و چوکی‌های حساس‌اند، تا بدین وسیله آنان را به خدمت ماسونیه جذب نمایند، رسیدن به مقصود نزد آنان هرگونه وسیله را جائز می‌سازد [یعنی از هر نوع وسیله باید استفاده کرد].
- شخصی که در دام شان افتاد آن را خوب در قید خود بسته می‌کنند تا تسلط شان بالای وی خوب مستحکم شده هر طرف که بخواهند برود، سپس آن شخص تمام اوامر آنان را ذلیلانه انجام می‌دهد.
- شخصی که در خواست آنان را در شمولیت حزب می‌پذیرد بالای وی شرط می‌گذارند که از تمام روابط دینی، اخلاقی، و وطنی خود را خالی و مجرد نموده دوستی و رابطه‌اش خاص به ماسونیه باشد.
- وقتی شخصی از خود تردد نشان دهد و یا در چیزی مقابله نماید، رسوائی بزرگ برایش طرح زیری می‌شود که گاهی انجامش قتل می‌باشد.
- هر شخص که از وی استفاده نمایند و دیگر به وی ضرورتی باقی نماند، به هر وسیله ممکن خود را از وی خلاص می‌نمایند.

- کار در راه تسلط بالای رئیس‌ان بخاطر تنفیذ و تحقیق اهداف ویرانگر شان.
- تسلط بالای شخصیات برزنده‌ی ماهر و متخصص در امور مختلف، تاکار شان کامل باشد.
- تسلط بر دستگاه‌های نشراتی، اعلانات و روزنامه‌ها، و استفاده کردن از آن‌ها به حیث سلاح کشنده و کارگر.
- شائع ساختن اخبار مختلف دروغ و دسائس دروغین بحدیکه مردم آن را راست پندارند، البته بخاطر تغییر دادن افکار عامه و پنهان ساختن حقایق از چشم آنان.
- فراخواندن پسران و دختران جوان به سوی فرو رفتن در بد اخلاقی، مهیا ساختن اسباب آن، مباح ساختن یکجا شدن بامحارم، ضعیف ساختن روابط زوجیت، و از بین بردن روابط خانوادگی.
- دعوت به سوی عقیم ساختن اختیاری، و محدود ساختن نسل در میان مسلمانان.
- سیطره بر سازمان‌های دولتی توسط سرپرست ساختن یکی از ماسونی‌ها بر آن، مثل سازمان ملل متحد برای تربیه، علوم و ثقافت و سازمان‌های عام المنفعه دولتی، و سازمان‌های طلاب پسران و دختران در جهان.

### آنان سه مرتبه دارند:

- الف: کوران خرد: هدف از آن کسانی است که نو در ماسونیه داخل می‌شوند.
- ب: ماسونیة ملوکیه: به این مرتبه تنها کسی می‌رسد که از دین، وطن، و ملیت خود به صورت کلی انکار نموده خود را برای یهودیت فارغ سازد، از همین مرتبه به مرتبه سی و سوم انتخاب می‌شود، مثل تشرشل و بلفور.
- ج: ماسونیة کونیه: این بالاترین طبقات بوده تمام افراد آن یهود می‌باشد، تعداد این افراد اندک است و مرتبه‌ی شان بالاتر از اباطره، ملوک و رؤساء می‌باشد، زیرا آنان بالای اینان حکمفرمائی می‌نمایند، تمام رهبران صهیونیسم از ماسونیة کونیه می‌باشند مثل هرتزل، همین هاند که برای مصالح یهود در جهان طرح ریزی می‌نمایند.
- قبول عضو جدید در یک فضاء نا آشنا و خوفناکی انجام می‌شود، به این طور که شخص مذکور با چشم بسته به سوی رئیس برده می‌شود، به مجردی که چشمانش باز می‌شود و بخاطر حفظ اسرار سوگند داده می‌شود، با شمشیرهای برهنه در اطرافش رو

برو می‌گردد، در پیش رویش کتاب عهد قدیم را می‌بیند، در یک طرفش یک اطلاق نیمه تاریک وجود دارد که در آن مجموعه‌های انسان و بعضی اشیاء هندسی دیگر را که از چوب ساخته شده گذاشته‌اند... این همه بخاطر ایجاد خوف و رعب در قلب عضو جدید می‌باشد.

- ماسونیه - چنانچه بعضی مؤرخین می‌گویند: آله شکار است که به دست یهودیان قرار دارد و توسط آن رهبران را مغلوب ساخته ملت و اقوام جاهل را فریب داده به بیراهه می‌برند.

- در عقب تعداد زیادی از مصیبت‌ها که بالای ملت مسلمان نازل شده و در عقب اکثر انقلاب‌هایی که در جهان واقع گردیده همین ماسونیه قرار داشته است، در الغاء خلافت اسلامی، عزل سلطان عبد الحمید، انقلاب فرانسه، انقلاب بلشویکی، انقلاب بریطانی، در همه این‌ها ماسونیه دست داشت.

- ماسونیه بالای شخصی که نو به آن شامل می‌شود شرط می‌گذارد که از تمام رابطه‌های دینی، وطنی، قومی، خود را خالی نموده زمام خویش را به ماسونیه بسپارد.

- آنان تعداد زیادی از نشریه‌های مخفی دارند و سابقه‌ترین کتاب شان «القوانین» تالیف د. جمیس اندرسون یهودی است که سال ۱۷۲۳م چاپ شده، همچنان کتاب «الوصایا القدیمة» که سال ۱۷۳۴م داود کاسلی آن را نقل نموده است.

### ریشه‌های فکری و اعتقادی:

ریشه‌های ماسونیه یهودیت خالص است، از ناحیه مفکوره، از حیث اهداف، وسائل، فلسفه و اندیشه از هر ناحیه یهودیت بوده از اول تا آخر سرمایه یهود می‌باشد.

### انتشار و جاهای نفوذ:

- تاریخ هیچ تنظیم مخفی را قوی‌تر از ماسونیه در قوت، نفوذ ندیده است.  
- ماسونیه، توسط زعماء و رهبرانی که شکار نموده و آنان از ترس بر نفس و چوکی خویش مثل نقش بیجان در دست وی قرار گرفته‌اند، نفوذ و تسلط فراخی بر جهان دارد.

- وی تقریباً در همه جهان محافلی دارد، و این محافل در هر منطقه شخصیات

آنجا را به خود جمع می‌کند تا بر آنجا تسلط حاصل نماید.

- بر همه جمعیات و سازمان‌های بین المللی و سازمان‌های جوانان تسلط حاصل نموده‌اند، البته بخاطر آنکه سیر و حرکت جهان طبق اراده آن باشد و همیشه فیصله‌ها بدست وی صورت گیرد.

- بالای اکثر مراکز نشراتی و وسائل اعلام و روزنامه‌ها تسلط نموده‌اند.

- اکثر موارد اقتصاد و وسائل تولید در جهان بدست آنان قرار دارد.

- آنان گروه‌ها و دسته‌های اربابی هم بخاطر نافذ ساختن عملیات ترورستی و دور ساختن کسی که در سر راه شان، قصدا و یا بدون قصد می‌ایستد، دارند.

### مراجع:

۱- السر المصون فی شیعة الفرمسون لویس شیخو- سال ۱۹۱۲م.

۲- هیکل سلیمان یوسف الحاج- سال ۱۹۳۴م.

۳- أسرار الماسونیه جنرال رفعت أتلخان.

۴- تاریخ الجمعیات السریة و الحركات عبد الله عنان. الهدامة

۵- الماسونیه أحمد عبد الغفور عطار.

۶- تاریخ الماسونیه العام جرجي زيدان.

۷- حقیقة الماسونیه د. محمد علي الزغبي.

۸- أصل الماسونیه ترجمه عوض خوری.

۹- الدنيا لعبة إسرائيل ولیم كار.

۱۰- أحجار علی رقعة الشطرنج ترجمه سعید جزائری.

۱۱- اليهود يجب أن يعيشوا صموئيل روث.

۱۲- القوة الخفية التي تحكم العالم جان مینو.

۱۳- المذاهب المعاصرة د. عبد الرحمن عميره.

## مهاریشیه

### MAHARISHISM

#### تعریف:

مهاریشیه یک مذهب هندوایزم است که به امریکا و اروپا انتقال نموده لباسی عصری از افکار برای خود اتخاذ نموده، ولی این افکار جدید حقیقت اصلیش را پنهان نساخته، و به سوی شعائر هندوی مثل تأمل تصاعدی بخاطر حصول سعادت روحی دعوت می‌نماید، دلائلی هم وجود دارد مبنی برآنکه این مذهب با ماسونیه و صهیونیه، که به سوی از بین بردن ارزش‌ها، و روش‌های نیک دینی، شائع ساختن بینظمی‌های فکری، عقیدتی و اخلاقی، میان مردم کوشش می‌کنند، نیز ارتباط دارد.

#### تأسیس و افراد برازنده:

- مؤسس این مذهب هندوی فقیری است که ستاره‌اش در دهه شصت طلوع نمود، نام وی «مهاریشی - ماهیش - یوجی» است، از هند انتقال نموده در امریکا زندگی اختیار کرد، و آنجا افکار خود را میان جوانان ضائع شده که بعد از فرو رفتن در خندق زندگی آلوده مادی در تلاش یافتن سرمایه روحی بر آمده بودند، به نشر می‌رسانید.

- در امریکا (۱۳) سال باقی ماند، و افراد زیادی با قافله مذهب وی یکجا شد، بعد از آن از آنجا سفر نمود تا مذهب خود را در اروپا و بلاد مختلف جهان به نشر برساند.

- در سال (۱۹۸۱م) پسر روکفلر، بزرگ سابق نیویارک، در این مذهب داخل شده بخشی از مال خود را تخصیص داد تا سالانه برای این حرکت بدهد، تعلق داشتن این خاندان یهودی به حرکت صهیونیزم و مؤسسان ماسونیه معروف است.

#### افکار و معتقدات:

- افراد این مذهب به خدا ایمان ندارند، و مهاریش را به حیث پروردگار و سید عالم می‌شناسند و بس.

- به هیچ دین آسمانی ایمان نداشته از تمام عقاید و مذاهب انکار می‌ورزند، و جز به مذهب مهاریشیه که برای آنان - به پندار خودشان - قوت روحی می‌بخشد، دیگر به

هیچ عیقده التزام و اعتراف ندارند، آنان این جمله را همیشه تکرار می‌نمایند: نه پروردگاری وجود دارد و نه دینی.

- چیزی که نامش آخرت، یا جنت و یا دوزخ، یا حساب... باشد ایمان ندارند، و نمی‌خواهند بدانند که بعد از مرگ کجا می‌روند، زیرا آنان در حدود لذات دنیا توقف می‌نمایند و از آن پیش نمی‌روند.

- حقیقت شان الحاد است، ولی برای مردم اهداف پرزرق و برقی را ظاهر می‌سازند تا روپوشی باشد که توسط آن حقیقت خویش را پنهان نمایند، و از آنجمله است دعوت به سوی پیمان بخاطر (معرفت) یا (علم ذکاء خلاق)، این کلمه را طور آتی تفسیر می‌نمایند:

\* علم: به اعتبار دعوت شان به سوی بحث منهجی و تجربوی.

\* ذکاء: به اعتبار بودنش صفت اساسی برای وجود که در تفسیر هدف و نظام ظاهر می‌شود.

\* خلاق: به اعتبار و سائل قوی که قادر به ایجاد تغییرات در هر زمان و مکان باشد.

- آنان به این همه چیزها از طریق (تأمل تصاعدی) می‌رسند که - به عقیده خودشان - از دست شان گرفته ایشان را به ادراک غیر محدود می‌رساند.

- (تأملات تصاعدی) از طریق نرم ساختن و رها کردن لجام فکر، ضمیر و وجدان می‌شود، که انسان راحت عمیقی را در داخل آنان احساس نماید و بر همین حالت خاموشانه خود ادامه دهد تا آنکه تمام موانع و مشکلاتی که در طریقتش واقع بود حل شده و سعادت را که در جستجوی آن بود بدست آورد.

- کسی که شامل مذهب می‌شود تأملات تصاعدی را در ضمن چهار مجلس که در چهار روز انجام می‌شود و هر مجلس آن سی دقیقه می‌باشد، تمرین می‌نماید.

- بعد از آن خود شخص می‌رود تا تأملات خود را به تنهایی خود تمرین نماید، ولی باید هر مجلس وی کم از بیست دقیقه نباشد، و باید هر روز صبح و بیگاه با نظم درست انجام شود.

- ممکن است که این عمل را به صورت دست جمعی انجام دهند، و ممکن است که کارگران آن را در کارخانه انجام دهند این عملیه آنان را در دور ساختن مشکلات کار و در کثرت تولید نیز کمک می‌نماید.



- تأملات شان محاط به شعائر و مراسم کهنوتی می‌باشد، و توسط آن عملیۀ خویش را به جوانان غرب که غرق در مادیات بوده در جستجوی سرمایۀ روحی هستند، جاذب می‌سازند.

- در جاده‌ها دهل زده و بیت خوانده می‌روند و هیچ احساس خجالت، عیب، و بی‌ارزشی نمی‌کنند، موی‌ها و ریش‌های خود را می‌گذارند، مگر بعضی از آنان که به طور شاذ سر خود را می‌تراشد، هیئۀ و شکل شان چرکین و ناهنجار می‌باشد، این همه کارهای شان بخاطر جلب توجه مردم، و اظهار رهائی شان از تمام قیود می‌باشد.

- مهاریش نبوت و وحی را به تأملات ذاتی تبدیل نموده و در عوض الله را حتی را که در نفس‌های خود می‌بایند پذیرفته به همین ترتیب مفهوم نبوت، وحی، و الوهیت را از اعتبار ساقط کرده‌اند.

- لگام پسران و دختران جوان را در عمل کردن تمام انواع خواهشات منحرف و شاذ جنسی رها نموده‌اند، زیرا اینکار - به عقیدۀ آنان - ایشان را به بالاترین مرتبۀ سعادت و نیکبختی می‌رساند. در میان ایشان چیزی که بنام «بانکرز» یاد می‌شود هم وجود دارد، و چیزی که بنام «جنس سوم» یاد می‌شود نیز است.

- جوانان خود را به سوی ترک کار، ترک پژوهش و مطالعه و خالی ساختن از تعلق به خاک و یا وطن دعوت می‌نمایند، بنابر آن نزد آنان جز عقیدۀ مهاریشی چیز دیگری وجود ندارد، همین عقیده کار هم هست، پژوهش و مطالعه هم، و خاک هم، وطن هم.

- نپذیرفتن نفس، هر قیدی را که میان وی و خواهشات حیوانی و طبیعی‌اش حائل واقع می‌شود.

- جوانان خود را به سوی استفاده از مخدرات مثل ماریجوان و چرس دعوت می‌نمایند، تا که نفس‌های شان از قیدها رها شده در بحر سعادت وهمی شناور شوند.

- بالای پیروان خویش طاعت کورکورانه مهاریش را لازم می‌سازند، و می‌گویند: تنها از وی باید اطاعت کرد، زیرا تنها او کسی است که برایش هر چه بخواهد اجازه است که انجام دهد.

- اهداف و ساحات کار خویش را در هفت نقطۀ پرزرق و برقی خلاصه می‌نمایند که بالای حرکت شان لباس روح علمی بودن، انسانیت و جهانی بودن را می‌اندازد:

۱- ترقی دادن تمام امکانات فرد.

۲- خوب ساختن کارهای حکومتی.

- ۳- درست نمودن بلندترین سطح تعلیمی.
- ۴- استفاده نمودن زیاد از افراد ذکی برای جامعه.
- ۵- نجات از تمام مشکلات سابقه که جالب جرم و شر هست، و همچنان از هر روشی که مفی به بدبختی انسان می‌شود.
- ۶- تحقق بخشیدن به اهداف و آرزوهای اقتصادی فرد و جامعه.
- ۷- بدست آوردن هدف روحی برای انسان.
- وسائل شان که در تحقیق این اهداف بر آن اعتماد می‌نمایند اشیاء ذیل می‌باشد:
  - ۱- کشودن دانشگاه‌ها در قریه‌ها و شهرها.
  - ۲- انتشار تحقیقات پیرامون (علم ذکاء خلاق) و دعوت به سوی تطبیق آن در سطح فردی، حکومتی، تعلیمی، اجتماعی، و در جوامع مختلف.
  - ۳- ایجاد تلویزیون رنگه جهانی، برای نشر و پخش تعالیم از مراکز مختلف در جهان.

### ریشه‌های فکری و اعتقادی:

- این دین یک مذهب هندوی بوده که به رنگ عصری بودن و جدید بودن، از قبیل آزادی و ترقی رنگ آمیزی شده است.
- این مذهب مرکب از «یوگا» و دیگر ریاضات معروف نزد هندوان، می‌باشد.
- در معتقدات آن شعائری از صوفیان بودائی هندی خلط شده است.
- مذهب شان از نظریه افلاطون اسکندری در فلسفه اشراقی متأثر شده است.
- جستجوی حق از طریق تأمل ذاتی یک نظریه قدیمی در فلسفه یونانی می‌باشد، که این نظریه بار دیگر توسط: ماکس میلر، هربرت سبنسر، برجسون، دیکارت، جیفونس، اوجست، و غیره زنده گردید.
- فلسفه فروید و نظریه‌اش در تحلیل نفسی و نظریاتش درباره شکست و راه‌های خلاصی از آن، بخش بزرگی را در معتقدات این مذهب به خود اختصاص داده است، مذهبی که سعادت نفس را در اشباع جنسی به طرق مختلف جستجو می‌نماید.

### انتشار و جاهای نفوذ:

- مؤسس هندوی وی در هند برای خود جای پای نیافت، چون وی از سیاست آزادی جنسی کار می‌گرفت هندوان از زیاد شدن پیروان او خوف کردند، بنابر آن وی را در هند نگذاشتند که زندگی نماید و ساحه را برایش تنگ ساختند.
- به امریکا رفت و دانشگاهی در کالیفورنیا تأسیس نمود، از آنجا به اروپا سفر نموده در آنجا نیز پیروانی برای خود یافت، حرکت خود را به افریقا انتقال داد تا در سالیسبورگ برایش منطقه‌ای پیدا شود، دعوتش به خلیج عرب و مصر نیز رسید، این جا و آنجا برای خود پیروانی پیدامینمود، و با ثروت مالی چشمگیری حرکت می‌کرد.
- آنان امکانیاتی مادی عجیبی را مالک هستند که باعث سوال و تعجب گردیده به سوی دست‌های صهیونیه و ماسونیه اشاره می‌نماید که در عقب آنان قرار دارند واز تخریب اخلاق و ارزش‌های ملت‌ها که توسط آنان صورت می‌گیرد استفاده می‌نمایند.
- در سال ۱۹۷۱م رهبرشان دانشگاه بزرگی در کالیفورنیا ایجاد نموده آن را (دانشگاه جهانی مهاریش) نام نهاد، و می‌گویند که این کار را وقتی انجام داد که به قبول شدن مذهبش در (۶۰۰) دانشکده و دانشگاه، در اطراف عالم اطمینان حاصل کرد.
- در سال ۱۹۷۴م برپا شدن حکومت جهانی عصر انبثاق و ترقی، به ریاست (مهاریشی - ماهیشی - یوجی) اعلان گردید که مقرر آن (سویسرا) بود، این دولت از خود قانون، وزیران، پیروان، ثروت و دارائی زیاد، و استثمارات، در اطراف مختلف دنیا داشت.
- در دسمبر ۱۹۷۸م ادعا کردند که حکومت مهاریشی شان هیئتی را مرکب از (۴۰۰) محافظ به اسرائیل ارسال نمود، بخاطر آنکه آنجا سمیناری را برای سیصد نفر برگزار کنند تا که اقوام و ملت‌ها را اجتماعی ترگردانیده تندی و شدت شان را کم نماید.
- سال ۱۹۷۸م نزد آنان سال صلح شمرده می‌شود، زیرا در آن سال اعلان نمودند که دیگر بعد از این هیچ ملتی در جهان مغلوب و مقهور نشود، در همین سال به سوی برگزاری مجلسی در سالیسبورگ دعوت نمودند که آن مجلس نظام عدم تجاوز را درست نماید، همچنان در همین سال مجلس نیایی برای عصر انبثاق و ترقی تشکیل گردید.

- کتاب‌ها و مطبوعات شان به آب طلا نوشته می‌شود، در اروپا خیلی کارخانه‌های بزرگ و جایزادها رامالک هستند و قصر (برج مونتمور) را در بریتانیا خریداری کردند تا پایتخت جدید خویش را آنجا تأسیس نمایند.
- همیشه می‌کوشند که مؤسسه ایشان به حیث مؤسسه خیریه معرفی شده از مالیات عفو شود با وجودی که خیلی ثروتمند هستند.
- همراه مهاریش هفت هزار کارشناس خدمت می‌کند، و همین مهاریش که دراصل فقیر بود، ده‌ها قصر سر بفلک را خریداری می‌کند، این همه از کجا شد؟
- یهودیان این مذهب را بهترین وسیله در نشر انحلال و بی‌نظمی میان بشر یافته آن را از خود دانستند و در عقب آن ایستاده شدند، اموال و نشرات را در خدمتش گذاشتند، مجالس برای طرح نظریات آن و دعوت به سوی آن منعقد می‌نمودند.
- بعضی از آنان به (دبی) آمدند و اجتماعی در مهمان‌خانه (حیات ایجنسی) برگزار کردند و در آن به صراحت سوی مذهب خویش دعوت می‌نمودند، بعدا همان چهار نفر آنان که به ویژه سیاحت به آنجا آمده بودند گرفتار شده از منطقه اخراج کرده شدند.
- بعضی از آنان به کویت آمده آنجا در خواست نمودند که برای آنان به حیث یک مؤسسه خیریه غیر تجارتي اجازه فعالیت داده شود، در نشرات کویتی چندین مقاله به نشر رسانیدند، و تلویزیون کویت، قبل از روشن شدن اهداف حقیقی آنان، چندین مناقشه و مقابله ایشان را به نشر رسانیده بود.
- سمیناری را برای کارمندان وزارت مواصلات در کویت در مهمانخانه هیلتون برگزار نموده در اثناء سمینار از کارمندان خواستند که در میراث‌های عقیدتی و مفکوره ای خویش تجدید نظر نمایند.
- مهاریشی، بعد از آنکه تأثیر بدش بالای جوانان ظاهر گردید، از آلمان اخراج کرده شد.
- رابطه عالم اسلامی درمکه مکرمه بیانی را به نشر رسانید که در آن خطر این مذهب را بالای اسلام و مسلمانان روشن نموده به ارتباط داشتن آنان با مراکز ماسونیه و صهیونیه تاکید نموده است.

مراجع:

- ١- مجلة المجتمع الكويتية شماره ٢٨٦ - ١٠ صفر ١٣٩٦هـ.
- ٢- مجلة المجتمع الكويتية شماره ٢٩٦ - ٢٠ ربيع الآخر ١٣٩٦هـ / ٢٠ ابريل ١٩٧٦م.
- ٣- مجلة المجتمع الكويتية شماره ٢٩٩ - مايو ١٩٧٦م / جمادى الأولى ١٣٩٦هـ.
- ٤- مجلة نيوزويك شماره ٨ مارس ١٩٧٦م.
- ٥- مجلة الإصلاح الاجتماعي امارات - شعبان ١٤٠٤هـ / مايو ١٩٨٤م.
- ٦- مجلة الجندي المسلم المملكة العربية السعودية - شماره ٣٥ - ربيع الأول ١٤٠٥هـ.



## مهدیه

### تعریف:

مهدیه یکی از بارزترین حرکات اصلاحی است که در جهان عرب و اسلام، در اواخر قرن نوزدهم و اوائل قرن بیستم میلادی قدم به ظهور نهاد، این حرکت دارای برنامه دینی و سیاسی می باشد ولی در آن بعضی انحرافات عقیدتی و فکری خلط شده است، نواسه ها و انصار مهدی همیشه می کوشند که در زندگی دینی و سیاسی سودان نقشی داشته باشند.

### تأسیس و افراد برازنده:

#### اول: مؤسس:

- محمد احمد المهدی بن عبدالله (۱۲۶۰ - ۱۳۰۲ هـ) (۱۸۴۵ - ۱۸۸۵ م)، وی در جزیره لب جنوب شهر دنقله تولد شده، و گفته می شود که نسب وی به اشراف می رسد، قرآن کریم را در طفلی حفظ کرد، نشأت دینی نموده نزد شیخ محمود شنقیطی شاگردی اختیار کرد، و به طریقه سمانیة قادریه صوفیه سلوک اختیار کرد و از شیخ طریقه خود محمد شریف همیشه نور حاصل می کرد.

- محمد از شیخ خود بخاطر تهاون و تنبلی شیخ در بعضی امور، جدائی اختیار نموده به نزد شیخ قریشی ود الزین، در جزیره رفت و بیعت خود را با وی تجدید نمود، شیخ اول و شیخ دومش یعنی هر دوشیخ مشهورترین شیخ های طرق صوفیه در آنوقت بودند.

- در سال ۱۸۷۰ م در جزیره (آبا) مستقر شد، فامیلش نیز در آنجا بودند، و در یکی از مغاره ها رفته غرق در تأمل و تفکر گردید.

- در سال ۱۲۹۷ هـ / ۱۸۸۰ م شیخ قریشی اش وفات نموده مهدی قبرش را پخته کاری و گچکاری کرده گنبدی بر آن بنا کرد، و جانشین وی گردیده بیعت کنندگان نزدش آمدند و بیعت خویش را در طریقه به شخص وی تجدید نمودند.

- در سال ۱۸۸۱م فتوای جهاد را در مقابل کفار و استعمارگران انگلیس اعلان نموده در راه گسترش نفوذ جهاد در تمام اطراف غرب سودان شروع به فعالیت نمود.
- چهل روز در مغاره خود در جزیره (آبا) به اعتکاف نشست، و در اول شعبان ۱۲۹۸هـ/ ۲۹ یونیو ۱۸۸۱م برای فقهاء، مشائخ و اعیان اعلان نمود که وی همان مهدی منتظری است که زمین را بعد از آنکه پراز ظلم و ستم شده بود، مالمال از عدل و انصاف خواهد نمود.
- در ۱۶ رمضان ۱۲۹۸هـ/ اغسطس ۱۸۸۱م باقوای حکومتی روبروی شد که برای خاموش ساختن حرکتش ارسال شده بود، و در مقابل آن پیروزی بدست آورد که موقوف و ادعایش را تقویه بخشید.
- به طرف کوه ماسه هجرت نموده در آنجا پرچم‌های خویش را برافراشت، و برایش چهار خلیفه تعیین گردید که عبارت‌اند از:
- ۱- عبدالله تعایشی: صاحب پرچم کبود، که لقبش را ابوبکر گذاشت.
  - ۲- علی ود حلو: صاحب پرچم سبز، که لقبش را عمر بن الخطاب گذاشته بود.
  - ۳- محمد مهدی سنوسی: رئیس طریقه سنوسیه که نفوذ بزرگی در لیبیا داشت، مهدی به وی لقب عثمان ابن عفان را پیشکش نمود ولی سنوسی خود را غافل گرفته به وی چیزی جواب نداد.
  - ۴- محمد شریف: پسر کاکای مهدی که برای وی پرچم سرخ را داده لقب علی بن ابی طالب را برایش اعطاء کرد.
- در سال ۱۸۸۲م باشلالی، که می‌خواست اراده جیجرلر نائب حمکدار عبدالقادر حلمی را نافذ بسازد، مقابله نمود، و شلالی در این معرکه به قتل رسید.
- در ۳ نومبر ۱۸۸۳م باهکس رو برو گردید که وی نیز بعد از دو روز شروع معرکه به قتل رسید.
- لشکر مهدی بالشکر غور دون، در خرطوم روی بروی گردیده در ۲۶ ینایر ۱۸۸۵م جنگ میان طرفین شدت گرفت، و غور دون گشته شد، سرش بریده شده به مهدی فرستاده شد، ولی وی می‌خواست که او زنده گرفته شود تا با احمد عرابی تبادل گردد، احمد عرابی کسی بود که مجبور به ترک مصر به سوی منفی شده بود، سقوط خرطوم به دست مهدی در آنوقت زنگ خطری بر سقوط سلطه عثمانی بر سودان بود.



- بعد از آن روز، ديگر کسی در مقابل مهدي باقی نماند، و به تأسيس دولت خویش پرداخت و در ابتداء بناء مسجد خاص خودش را آغاز نموده محکم کاری آن در ۱۷ جمادی الاولی ۱۳۰۵ هـ تکمیل گردید.

- قضاء را به شیخ محمد احمد جباره سپرده وی را قاضی اسلام لقب نهاد.  
 - در ۹ رمضان ۱۳۰۲ هـ/ ۲۲ یونیو ۱۸۸۵ م. مهدي، بعد از آنکه پایه‌ها و ارکان دولت نو پای خود را گذاشت، وفات نمود، و در همان جائی که قبض روح شده بود دفن گردید، ولی مناسب است که گفته شود: این دولت دیر دوام نکرد، بلکه در سال ۱۸۹۶ م. لورد کتشنر که سردار مصر بود، این دولت را سقوط داد، کنبد مهدي را تخریب نمود، قبرش را باز نموده هیكلش را پراکنده کرد و جمجمه سرش را به موزیم بریطانیا فرستاد، این همه بخاطر انتقام کشته شدن غوردون بود.

#### دوم: شخصیات دیگر:

- عبد الله تعایشی: در دار التعایشه، در دارفور تولد شده بود، نزد مهدي در حلاویین جزیره در حالی آمد که وی بر قبر شیخ قریشی خود کنبد درست داشت، و با وی بیعت نمود، همین عبد الله بود که مهدي را به ادعا کردن مهدي بودن تشویق نمود، در زندگی مهدي عبد الله مقام اول را اشغال کرده بود، زیرا مرد با اراده و تطبیق بود.

- بعد از مرگ مهدي بنابر وصیت خود مهدي عبد الله جانشین و خلیفه اول گشت، مهدي درباره وی می گفت: «وی از من است و من از او».

- بعد از آنکه منصب خلافت را اشغال نمود، خود را برای نشر دعوت فارغ گردانیده برادر خود امیر یعقوب را در محل خود که قبلا نزد مهدي در آن مقام بود قرار داد.  
 - به سلطان عبد الحمید مکتوب روان کرد، و آرزو داشت که دعوت مهديه به نجد، حجاز و غرب سودان گسترش یابد.

- عبد الرحمن ستاره شناس از فرماندهان نظامی بود، وی به حیث فرمانده با لشکر بزرگی در سوم رمضان ۱۳۰۶ هـ سوم مایو ۱۸۸۹ م به طرف شمال پیش رفت تا بالشکر مصر مقابله کند، ولی بدون کدام پیشرفتی و یا پیروزیی باز گشت نمود.

- شاعر صوفی حسین زهراء (۱۸۳۳ - ۱۸۹۵ م) نیز از شخصیات مهدیه می‌باشد، وی می‌خواست بین فلسفه اشراقی ابن سینا و بین عقیده مهدیه موافقت و ارتباط برقرار نماید.

- حمدان ابو عنجه: وی رهبر لشکر مهدی در مقابل هکس بود که در خارج ابیض باوی روی بروی گردیده بود.

### سوم: نواسه‌های مهدی:

- عبد الرحمن بن محمد احمد مهدی (۱۸۸۵ - ۱۹۵۶ م) در ام درمان تولد شد، تربیه و تعلیم دینی یافت، وقتی جوان شد، بخاطر منظم ساختن مهدیه، بعد از آنکه پاشان شده بود، سعی و تلاش نمود، در سال ۱۹۱۴ م رهبر روحی برای انصارش تعیین گردید. در سال ۱۹۱۹ م حکومت وی را برای تبریکی پادشاه بریطانیا بخاطر پیروزی همپیمانان، ارسال نمود، در آنجا شمشیر پدر خود را برای پادشاه تحفه داد، پادشاه آن را پذیرفته دوباره به عبدالرحمن داد و از او خواست که آن را از طرف پادشاه حفظ نموده توسط آن از امپراطوری دفاع نماید، این کار ضمنا اعتراف پادشاه را به این گروه و اعتراف به رهبری عبد الرحمن بالای آن گروه را در برداشت، در ایام استعمار انگلیس بر سودان، عبدالرحمن «حزب الأمة» را تأسیس نمود که آن همان حزب مهدی سیاسی است.

- صدیق عبد الرحمن: وفات سال ۱۹۶۱ م.

- هادی پسر عبد الرحمن: در سال ۱۹۷۱ م کشته شد.

- حزب الامه به سه بخش تقسیم شد:

۱- یک بخش آن به رهبری صدیق بن عبد الرحمن است که این بخش فعلا قوی‌ترین بخش‌هایش در سودان می‌باشد.

۲- بخش دوم به رهبری احمد بن عبد الرحمن می‌باشد.

۳- بخش سوم هم به رهبری ولی الدین عبد الهادی می‌باشد.

- از ۲۹ نومبر تا ۲ دسمبر ۱۹۸۱ م مجلس جهانی برای تاریخ مهدیه، در خانه مهدی در خرطوم برگزار گردید، و احمد بن عبدالرحمن مهدی در این محفل سخنرانی نمود.

### افکار و معتقدات:

- شخصیت قوی مهدی و عقاید دینی که به سوی آن دعوت می‌نمود، و نارضایتی عام که در مقابل حکام شائع بود، حکامی که بالای مردم مالیات طاقت فرسا تعیین می‌کردند، همچنان شائع شدن رشوت و ظلم، تسلط ترکی‌ها و انگلیس‌ها، این‌ها همه و همه نقش مهمی در جمع شدن مردم به اطراف این دعوت داشت، زیرا هدف مردم از جمع شدن پیرامون این دعوت همانا نجات یافتن از وضع ذلتباری بود که آنان در آن قرار داشتند، و مردم در شخصیت مهدی نجات خویش را می‌دیدند.

- مهدی به سوی ضرورت بازگذشت مستقیم به طرف قرآن کریم و سنت دعوت نمود که باید مستقیماً به سوی قرآن و سنت مراجعه کرده شود نه به طرف دیگر کتبی که توسط اختلافات و شروحات شان از فهم مسلمان عادی دور می‌باشد.

- عمل به مذاهب مختلف فقهی را منع نموده، اشتغال به علم کلام را تحریم کرد، دروازهٔ اجتهاد در دین را باز کرد، همچنان کتاب کشف الغمه شعرانی، سیرت الحلبیه، تفسیر روح البیان بضاوی، و تفسیر الجلالین سیوطی را اجازه داد.

- تمام طرق صوفیه را لغو نموده همهٔ اوراد را باطل اعلان کرد، و تمام آنان را به دور انداختن اختلافات و جمع شدن به اطراف طریقهٔ مهدیه خود دعوت نمود، و وردی برای شان تألیف نمود که آن را هر روز بخوانند.

- به نظریهٔ قطبیه قائل بود، و آن مفکوره‌ایست که اصحاب آن از جمله صوفیان می‌گویند که کائنات بر قطب تمرکز دارد، و آن جوهری بوده که بالای آن کائنات می‌چرخد، و آن اساس سعادت و نیکبختی می‌باشد.

- وقتی حکومت بخاطر درهم کوبیدن مهدیه در جزیرهٔ آبا حرکت نمود، مهدی پنج پرچم درست نمود که در آنها شعار «لا إله إلا الله محمد رسول الله» را بالا نمود، در چهار دانهٔ آن اسماء چهار قطب صوفیه را نوشت که آنان عبارت‌اند از: جیلانی، رفاعی، دسوقی، و بدوی، و در پنجم آن اینطور نوشت: «محمد المهدی خلیفهٔ رسول الله»، وی می‌پنداشت که او امام، مهدی، و خلیفهٔ رسول الله ﷺ می‌باشد.

- بارزترین چیزی که در دعوت وی وجود داشت همانا اصرار و پافشاری شدید وی بر جهاد، قوت، و جوانمردی بود.

- مهدی می‌پندارد که مهدیت وی به امر پیامبر ﷺ برایش آمده است، وی می‌گوید: «پیامبر ﷺ که همراه با وی خلفاء راشدین، اقطاب و حضر علیهم السلام حاضر بودند

نزدم در بیداری آمدند، و پیامبر ﷺ از هر دودستم گرفته بالای چوکی خود نشاند و برایم گفت: توهمانا مهدی منتظرهستی، کسی که در مهدی بودن تو شک کرد کافر شده است» منشورات المهدی ص ۱۱۰.

- عصمت را به خود نسبت داده و ذکر کرده است که وی نظر به امتداد نور بزرگی که قبل از پیدایش کاینات تا به روز قیامت به جانب وی متوجه است، معصوم می‌باشد.  
- به ضرورت تواضع وعدم تکبر اصرار ورزیده بر فرو رفتن در عیش و لذت و خوشگذرانی شدیداً انکار می‌کرد، در راه نزدیک سازی میان طبقه‌های جامعه کار می‌نمود، وی درطول زندگی خود لباس بسیار ساده و پیوند شده میپوشید، پیروانش نیز همینطور می‌کردند، ولی نواسه‌هایش بعد از وی درعیش و نعمت زندگی به سر می‌بردند.

- در عروسی و وقت ختنه از محافلی که در آن مصرف زیاد و اسراف صورت گیرد منع نموده آن را تحریم کرده بود.

- عروسی را توسط کم کردن مهر، ساده ساختن ولیمه [طعامی که در محفل عروسی خورده می‌شود] و تحریم رقص، ساز، و دایره زدن آسان ساخته بود.

- گریه را بالای میت منع نموده بود، استفاده از رقیه [چیزی که نزد مریض خوانده می‌شود و بر آن دمیده می‌شود] و تعویذ را حرام ساخته بود، در مقابل تنباکو نوشی، کشت و تجارت آن شدیداً مبارزه نموده آن را جدا حرام ساخته بود.

- در پیروان خود حدود شریعت را، مثل قصاص، جدا کردن پنجم حصه غنیمت، مصادره دزدان و شراب خواران نافذ ساخته بود، از فروری ۱۸۸۵م جمادی الاولی ۱۳۰۲هـ بنام خود سکه زد.

- در منطقه تحت نفوذش نظام اسلامی را پیاده نموده امور مالی را تنظیم کرد و موظفین را برای جمع آوری زکات تعیین نمود.

- در دهم ربیع الاول سال ۱۳۰۰هـ مهدی به این فکرگردید که دعوتش جهانی گردد، بناء اعلان نمود که پیامبر ﷺ به وی بشارت داده که در ابیض نماز خواهد خواند بعد از آن در بربر، بعد از آن در مسجد الحرام در مکه، بعدا در مسجد مدینه، بعدا در مسجد قاهره، بیت المقدس، بغداد، ودر کوفه، (منشورات المهدی دار الوثائق المکزیه - ص ۴۲۵، ۴۶۶- خرطوم ۱۹۶۹م).

بعضی انتقادات که به اجتهادات مهدی وارد می‌شود:

- ۱- مهدی هر کسی را که مخالفش بود و یا در مهدیت وی شک نموده به وی ایمان نمی‌آورد کافر می‌دانست.
- ۲- زمان قبل از خود را زمان جاهلیت و زمان فترت می‌گفت.
- ۳- کسی را که در نماز تنبلی می‌کرد مثل کسی می‌دانست که نماز را ترک نموده است و جزایش آن بود که حدا کشته شود.
- ۴- فتوی داد هر کسی که تنباکو نوشی می‌کند چنان تأدیب و تعزیر کرده شود که یا توبه کند و یا بمیرد.
- ۵- مذاهب فقهی و طریقه‌های صوفیه را به مثابه جوی‌هایی می‌دانست که در بحر عظیم وی فرو می‌ریزند.
- ۶- احیاء موات را [آباد کردن زمین ویرانه و تصرف آن] منع نمود، زیرا آن در ملک کسی داخل نمی‌شود، بخاطر آنکه در تصرف بیت المال قرار دارد.
- ۷- از ازدواج نمودن دختر بالغ بدون ولی و بدون مهر منع نمود.
- ۸- زنان را از پوشیدن زیورات طلائی منع نمود، در حالیکه شرعا برای شان پوشیدن آن جائز است.

### ریشه‌های فکری و اعتقادی:

- مهدی در ادعای مهدیت خود که زمین را پر از عدل و عدالت می‌نماید بعد از آن که پر از ظلم و ستم شده بود، و در تاکیدش بر اهمیت رسیدن نسبش به حسن بن علی علیه السلام، و در مفکوره عصمت و امام معصوم، از شیعه متأثر بود.
- از دعوت امام محمد ابن عبد الوهاب نیز اشیاء ذیل را اخذ نموده بود: ضرورت اخذ مستقیم از قرآن و سنت، باز کردن دروازه اجتهاد، و مبارزه در مقابل آبادی‌های قبرها.
- مفکوره تصوف نقش مهمی در شخصیت و طریقه مهدی داشت.
- از جمال الدین افغانی و از محمد عبده که با افکار دعوتگراش به سوی آزاد سازی کشورهای اسلامی از استعمار اروپائی و وحدت آنان و ضرورت تطبیق شریعت در زندگی مسلمانان، اتصال و ارتباط داشت، نیز اشیائی را اخذ نموده است.
- مهدی به حادثات و واقعات جاری در مصر نیز نزدیک بود، خصوصا به حرکت احمد عرابی که به سوی آزادی و استقلال از سیطره انگلیس دعوت می‌نمود.

**انتشار و جاهای نفوذ:**

- مهدی دعوت خود را از جزیره (آبا) شروع نمود، جائیکه تاحال مرکز قوی مهدیه می‌باشد، وی ارتباط خود را با اقوام مختلف در اطراف سودان محکم کرده بود.
- جنبه مالی دولترا آنچه تشکیل می‌داد که از زکاة، محصولات تجارتي، مالیات بازار، غنایم جنگی، حاصلات زراعتی، حیوانات و مواشی، بدست می‌آمد.
- مهدی و جانشینش تعایشی آرزو داشتند که مهدیت خارج سودان نیز انتقال نماید، ولی این آرزو با سقوط طوکر، سال ۱۸۹۱م از بین رفت.
- همیشه برای مهدیت انصار و پیروان زیادی بوده که آنان را «حزب الأمة» جمع نموده است، حزبی که در واقعات سیاسی فعلی سودان سهم می‌گیرد، ایشان همچنان در امریکا و بریتانیا تجمعات و پیروانی دارند که در راه نشر افکار و عقاید خویش، در میان جوانان مسلمان مسافر به طور عموم و در میان سودانی‌ها به طور خصوص کار می‌کنند.

**مراجع:**

- ۱- محمد أحمد المهدی توفیق أحمد البکری- لجنة ترجمة دائرة المعارف الإسلامية- داراحیاء الكتب العربية - ۱۹۴۴م.
- ۲- المهدی و المهدویة د. أحمد أمين بك - إصدار دار المعارف بمصر.
- ۳- دراسات في تاريخ المهدیة مطبوعات قسم التاريخ - جامعة الخرطوم - أعده للنشر الدكتور عمر عبد الرازق النقر - ۱۹۸۲م.
- ۴- سعادة المستهدی بسيرة الامام إسماعیل عبد القادر الكردفاني - تحقیق المهدی. الدكتور محمد إبراهيم أبو سلیم - ط ۲ - دار الجیل - بیروت - ۱۴۰۲هـ / ۱۹۸۶م.
- ۵- الموسوعة الحركیة «جزاء» فتحی یكن - ط ۲ - دار البشیر - عمان - الأردن - ۱۴۰۳هـ / ۱۹۸۳م.
- ۶- الفكر الصوفي د. عبدالقادر محمود - ط ۱ - مطبعة المعرفة - القاهرة - ۱۹۶۸م.
- ۷- الإسلام في القرن العشرين عباس محمود العقاد.

- ٨- السودان عبر القرون د. مكّي شيبكة- دار الثقافة- بيروت- لبنان- بدون تاريخ.
- ٩- تاريخ السودان و جغرافيته تأليف نعم شقير.
- ١٠- دائرة معارف القرن العشرين محمد فريد وجدي.
- ١١- منشورات المهدي موجودة في الإدارة المركزية في وزارة الداخلية بالخرطوم بأصوله- وقد نشرتها الداخلية السودانية مصورة عن أصل مطبوع بمطبعة الحجر في أم درمان سنة ١٣٨٢هـ/ ١٩٦٣م. في جزئين كبيرين بعنوان «منشورات الإمام المهدي عليه السلام».





## مورمون

### THE MORMONS

#### تعریف:

مورمون یک گروه جدید انشعاب کرده نصرانی است که لباس دعوت را به سوی دین عیسی علیه السلام دربر نموده به سوی پاک سازی این دین، توسط بازگشت به سوی اصل یعنی به سوی کتاب یهود دعوت می نماید، دعوت شان به سوی کتاب یهود بخاطری است که عیسی علیه السلام - به نظر آنان - برای آن آمده بود که یهود را از ظلم و ذلت نجات داده بالای زمین مسلط سازد، این گروه - طوری که خودشان می پندارند - گروه قدیسن معاصر، برای کلیسای یسوع المسیح متعلق قدیسن ایام اخیر، می باشند، که پیامبر و مؤسس آن یوسف سمیث و کتاب مقدسش مورمون می باشد.

#### تأسیس و افراد برازنده:

- یوسف سمیث در ۱۸۰۵/۱۲/۲۳م در شهر شارون مقاطعه وندسور متعلق ولایت فرمونت تولد شد، وقتی به سن ده سالگی رسید با پدر خود به شهر بالمایرا، در مقاطعه اونتاریو ولایت نیویارک سفر کرد.

- در سن چهارده سالگی با خانواده خود به مانستر در همین مقاطعه نقل مکان کرد.

- وقتی به سن پانزده سالگی رسید مردم اطراف خود را تقسیم شده به گروه ها و طایفه ها یافت، مثل: میثودیست، مشیخی، مهمدانی و... در آنوقت احساس اضطراب و تشویش نمود.

- در بهار سال ۱۸۲۰م به یک جنگل رفت و آنجا تنها و منفرد شروع به نماز گزاردن نموده و از خداوند هدایت و رهنمائی می خواست، وی در همین حال قرار داشت که ناگاه - چنانچه وی می پندارد - نوری را بالای سر خود مشاهده نمود که آن نور از دو شخص آسمانی انعکاس نموده بود، و آندو شخص عبارت بودند از (الله و

پسرش عیسی) [العیاذ بالله] و هر دوی آنان وی را از یکجا شدن باتمام این فرقه‌ها و گروه‌ها منع نمودند.

- ادعا می‌کند که بخاطر جرئتی که وی در آشکار کردن این دیدار خود نمود، وحی از وی قطع شد، و مورد ظلم و ستم شدید و تمسخر و استهزاء قرار گرفت، و در ضمن آن دچار لغزش‌های ذلت آوری شد، چنانچه خودش می‌گوید: «بسا اوقات یکجا شدنم با جوامع مختلف مفضی بر ارتکاب لغزش‌های ذلت آور، و آلوده شدن به سبکساری‌های جوانان و به تقصیراتی که در طبیعت بشری موجود است، می‌شد با تأسف این امور مرا دچار انواع تجارب و گناهانی که مبعوض خداوند می‌باشد گردانیده است، ولی بنابر همین اعتراف، چنین فکر کرده نمی‌شود که من گناه بزرگی و یا منکری را مرتکب شده باشم، پس برای من هرگز میلانی به سوی همچون معاصی و گناهان نبوده است» شهادت یوسف ص (۷).

- همچنان ادعا می‌کند که بیگاه ۲۱ ستمبر ۱۸۲۳م فرشته ای که نامش «مورونی» بود، از آسمان بالای وی نازل شده به وی خبر داد که او را به کار مهمی آماده نموده بر او مناسب است که آن کار را انجام دهد، و برایش از کتابی اطلاع داد که بر آن کلماتی برصفحات طلا نقش شده و آن کتاب احوال و اخبار قومی را که در قاره آمریکا در زمانه‌های گذشته سکونت نموده‌اند روایت می‌کند، و همچنان تاریخ اسلافی را بیان می‌کند که اینان از نسل آنان آمده‌اند، همچنان همین فرشته وی را از آن دوسنگ اطلاع داد که درمیان دوقوس نقره ای برای ترجمه کتاب قرار دارد، فرشته وی را از خبر کردن مردم بران صحیفه‌ها منع نموده از نزدش رفت.

- در ۱۸ یانیر ۱۸۲۷م بادختری که نامش ایماهیل بود ازدواج نمود، بعداً نزدیکان خانمش پشتوانه قویی برای وی بودند و درنشر مفکوره‌اش با او همکاری می‌نمودند، زیرا خاندان او از مکانت و منزله خوبی برخوردار بودند.

- در ۲۲ ستمبر ۱۸۲۷م صحیفه‌ها را - چنانچه وی می‌پندارد - تسلیم شد، ولی با این تعهد که بعد از انجام شدن مطلوب توسط وی، آن‌ها را دوباره تسلیم نماید.

- ازمقاطعه مانشستر امریکا کوچ نموده به مقاطعه سوسکویهانا، درولایت بنسلفانیا، آنجا که نزدیکان خانمش بود، رفت و درشهر هارمونی اقامت گزید.

- باهمکاری مارتن هاریس، که بعضی حروف و چیزی از ترجمه را فرا گرفته بود، شروع به ترجمه نمودند، آن را به استاذ تشارلز آنتون و دکتور میتشیل تقدیم نمودند،

آندو اظهار نمودند که آنچه این دونفر دیده‌اند ترجمه ای از لغت قدیم مصر بوده، و کتاب اصل، از حروف قدیم مصری، حروف کلدانی، حروف آشوری و حروف عربی تألیف شده است.

- در ۲۵ مایو ۱۸۲۵م همراه اولیفر کودری، برای نماز در جنگل رفتند، و در آنجا [به گفته آنان] یوحنا معمدان (یعنی سیدنا یحیی عليه السلام) نزد شان پایین شده آندو را امر کرد که یکدیگر را تعمیم نمایند، و همچنان به آنان خاطر نشان ساخت که وی بخاطر نافذ ساختن امر بطرس و یعقوب و رسمی ساختن شان در سرپرستی کلیسای مورمونی، نزد آندو آمده است.

- هریکی از اولیفر کودری، داود ویتمر، ومارتن هاریس ادعا می‌کنند که آنان صحیفه‌ها را دیده‌اند، و همچنان آنان به صحت ترجمه و دقت آن، و به اینکه آن کتاب سجل قوم نافی و برادران لامانی شان است، شهادت می‌دهند.

- در سال ۱۸۳۰، به حضور تعدادی از شخصیات، تأسیس کلیسای یسوع مسیح را برای قدیس‌های ایام اخیر، اعلان نمود.

- یوسف سمیث و پیروانش از نیویارک به شهر کیر تلاند که در مجاورت کلیفلاند در ولایت اوهایو قرار دارد، کوچ نمودند، و آنجا هیکل بزرگی بنا کردند، همچنان به فعالیت تبشیری گسترده‌ای در آن منطقه و در مناطق مجاور آن پرداختند.

- یک هیئت اعزامی، بخاطر تبشیر و بدست آوردن همکاران، به ولایت میسوری فرستاد.

- بعداً مورد ظلم و شکنجه قرار گرفتند، بنابر آن از منازل و مزارع خود صرف نظر نموده به ولایت الینوی کوچ نمودند، و در آنجا آبریزهای دور دست و متروک را، در کناره دریای میسیسیپی خریدند و به درست نمودن آن پرداخته، شهر (نوفر) یعنی شهر زیبا را اعمار کردند.

- یوسف سمیث و برادرش (هایرم) در شهر کاریج، در ولایت الینوی، روی اتهاماتی بر ضد شان، زندانی شدند، در حالیکه آندو در زندان قرار داشتند ناگاه دوشخص مسلح با چهره‌های پوشیده نزد آنان داخل گردیده آندو را با ضربۀ ماشیندار به قتل رسانیدند. این حادثه در ۲۷ یونیو ۱۸۴۴م رخ داد که توسط آن زندگی این پیامبر خیالی به پایان رسید.

- بعد از وی رهبری حرکت و نبوت به بریجام یونج تعلق گرفت، وی با پیروان خود به کوه‌های روکی کوچ نموده و آنجا را به حیث جای اقامت خویش تعیین نمود که بعداً شهر (سالت لیک) را اعمار کردند، وی پلان هجرت کردن‌ها را به سوی (اوتاه) نیز طرح نمود، زیرا درمیان شان هزارها بریطانی و سکاندینافی وجود داشت، همچنان یونج مسؤول این کوچ کردن تأسف انگیز که درسال ۱۸۵۶م واقع شد، شمرده می‌شود زیرا دراثنای این سفر زیاده از دوصد شخص از جمله پیروانش مردند.

- رئیسان کلیسا پیامبران می‌باشند، واین پیامبران پی درپی آمدند که آخرش سبنسر کیمبل بود، تعداد این گروه زیاد شد و تقریباً به پنج میلیون نفر رسید، وفعلاً هم درنمو وازدیاد قرار دارند.

- یک اقلیت از گروه مورمون وجود دارد که با رهبری یونج، بعد از یوسف سمیث موافقت نکردند، وآنان در الینوی باقی مانده درآنجا- به همکاری خانم اول پیامبرشان (ایماسمیث) و همراهی پسر سمیث (جوزیف)- کلیسای یسوع مسیح برای قدیسان معاصر را اعمار نمودند، و نظم آن را دوباره اعاده کردند که مرکز آن (میسوری) بود، البته این کار بخاطر نافذ ساختن وصیت پیامبر مؤسس بود که برای شان گفته بود: «صهیون» در همانجا خواهد بود. گروه‌های منشعب دیگری هم به میان آمد که هرکدام آن‌ها ادعا می‌کرد که صحیفه‌هایی بدست آورده که در آن‌ها کتاب‌های مقدس قدیم وجود دارد.

- یوسف سمیث (۱۸۰۵ - ۱۸۴۴م) مؤسس اول کلیسای یسوع مسیح برای قدیس‌های ایام آخرین سال ۱۸۳۰م بود. همان طور که پیامبر اول برای آن به شمار می‌رود.

- اولیفر کودری، و مارتن هاریس از کسانی‌اند که درمرحله تأسیس و أخذ وحی خیالی شرکت داشتند.

- پیامبران شان که رئیسان کلیسا می‌بودند به ترتیب ذیل آمده‌اند:

۱- یوسف سمیث.

۲- بریجام یونج.

۳- جون تیلور.

۴- ویلفورد وودروف.

۵- لورینزوسنو.

- ۶- یوسف ف ۰ سمیث.
- ۷- هیبرجرانت.
- ۸- جورج البرت سمیث.
- ۹- داود مکای.
- ۱۰- یوسف فیلدنچ سمیث.
- ۱۱- هارولد لی.
- ۱۲- و آخرین شان سبنسر کیمبل که تاحال رئیس و پیامبرشان است.
- در کتاب‌های شان نام‌هایی از قبیل: إلما، یارد، لخی ذکر می‌شود که این‌ها در کتاب مورمون به حیث پیامبر بودند.
- آنان افراد برازنده‌ای در مجلس سنای امریکا نیز دارند که آنان عبارت اند از:
  - جان جاردن جمهوری خواه از ولایت یوتا.
  - اودین هانس جمهوری خواه از ولایت یوتا.
  - بولا هوکینز جمهوری خواه از ولایت فلوریدا.
  - همچنان اشخاص بارزی در مجلس پارلمان امریکا نیز دارند که عبارت‌اند از:
    - جورج هانس جمهوری خواه از ولایت ایواهو.
    - جیمس هانس جمهوری خواه از ولایت یوتا.
    - موریس مودول دیموکرات از ولایت اریزونا.

### افکار و معتقدات:

#### اول: کتاب‌هایی که فعلا نزد آنان مقدس است:

- ۱- کتاب مقدس: معتقداند که آن عبارت است از مجموعه‌ای از کتاب‌های مقدس که مشتمل است بر رهنمائی‌های خداوند برای انسان، و نوشته شده‌هایی است که قرن‌های زیادی را، از دور آدم تا وقتی که عیسی علیهما السلام در آن زندگی می‌کردند، شامل می‌شود، آن را پیامبران زیادی که در قرن‌های مختلف زندگی می‌کردند، نوشته‌اند، و آن به دوبخش تقسیم می‌شود:
  - عهد قدیم: در این کتاب پیشگوئی‌های زیادی راجع به آمد عیسی ﷺ وجود دارد.
  - عهد جدید: که زندگی عیسی ﷺ و تأسیس کلیسا را در آن روز حکایت می‌نماید.

۲- کتاب مورمون: آن دفتر مقدسی است برای آن‌ده از مردمانی که در قاره آمریکا بین سال‌های ۲۰۰۰ ق م الی ۴۰۰ بعد از میلاد زندگی کرده‌اند، این کتاب قصه دیدار فوری عیسی علیه السلام را از اقوام قاره آمریکا، بعد از ایستاده شدنش از میان مردگان (چنانچه اعتقاد دارند)، می‌نماید، این کتاب نزد آنان حیثیت سنگ تهداب را دارد، وانسان مورمونی توسط عمل کردن به تعالیم وی به خداوند نزیگ می‌شود، یوسف سمیث آن را به توفیق و عنایت خداوند به لغت انگلیسی ترجمه نمود، آن را ملکی بنام (مورونی) از آسمان بالای یوسف سمیث نازل کرده بود.

۳- کتاب المبادی والعهود: آن مجموعه‌ای از رؤیاهای جدید است که مخصوص به کلیسای عیسی علیه السلام می‌باشد، یعنی همانطور که در این ایام اخیر به سوی اصلش باز گردانیده شد، این کتاب نظم کلیسا، اعمال و وظائف آن را توضیح می‌نماید، همچنان در آن پیشگوئی‌هایی راجع به حوادث آینده وجود دارد، و در آن اجزائی است که در آن‌ها معلومات صدها سال مفقود شده وجود دارد، و در آن تعالیم کتاب مقدس نیز است.

۴- الخریده النفیسه: که مشتمل است بر:

- سفر موسی: در آن بعضی رویاهای موسی علیه السلام و نوشته‌هایش وجود دارد، که آن سال ۱۸۳۰ م به یوسف سمیث کشف گردید.

- سفر ابراهیم: آن را یوسف سمیث از درج بردی ترجمه نموده، این کتاب از قبرستان قدیم مصر گرفته شده است.

- کتاب‌های خود یوسف سمیث که مشتمل است بر: بخشی از ترجمه کتاب مقدس، مختاراتی از تاریخ کلیسای مورمونی، بندهای ایمان نزد آنان، و دیدن مملکت آسمانی.

- رؤیه فداء الاموات: این کتاب زیارت نمودن عیسی علیه السلام را از جهان روحی روایت می‌نماید، و آن دیداری است که برای رئیس یوسف. ف سمیث در ۳ اکتوبر ۱۹۱۸ م اعطاء گردیده بود.

۵- علاوه بر چهار کتاب مذکور، کلمات وحی و رؤیاهائی که پیامبران شان ذکر می‌نمایند، کتاب مقدس گردیده است، همچنان تمام نشرات، تعالیم و فیصله‌های مجالس، همه این‌ها کتاب‌های مقدس شمرده می‌شود.

## دوم: ارکان ایمان نزد آنان:

همانطور که خود یوسف سمیث وضع نموده است:

- ۱- ایمان به الله که پدر ازلی است، وبه پسرش عسی، وبه روح القدس.
- ۲- ایمان به اینکه انسان‌ها به سبب گناهان شان عذاب می‌شوند، نه به سبب تجاوز آدم.
- ۳- ایمان به اینکه تمام بشر می‌توانند خود را توسط کفاره عیسی نجات دهند، آنهم از طریق اطاعت شریعت انجیل وشعائر آن.
- ۴- ایمان به اینکه اصول وشعائر چهار گانه در انجیل اشیاء ذیل است:
  - \* ایمان به عیسی مسیح پروردگار.
  - \* توبه.
  - \* عماد به طریقه تغطیس، بخاطر مغفرت گناهان.
  - \* نهادن دست‌ها برای بخشش روح القدس.
- ۵- ایمان به اینکه لازم است انسان از جانب خداوند به واسطه پیامبران (ع) خواسته شوند، همچنان نهادن دست بر دست آنانیکه سلطه روحی دارند، تا به انجیل بشارت داده مراسم متعلق بر آن را ادا کند.
- ۶- ایمان به خود تنظیمی که کلیسای قدیم آن را درست نموده، یعنی پیامبران، سرپرستان، معلمین و مشرین...
- ۷- ایمان به فائده زبان‌ها، پیامبری، رؤیا و خواب دیدن، شفاء، و تفسیر زبان‌ها.
- ۸- ایمان به اینکه کتاب مقدس، به اندازه‌یکه صحیح ودرست ترجمه شده کلمه خداوند می‌باشد، و ایمان به اینکه کتاب مورمون کلمه خداوند است.
- ۹- ایمان به هر چیزی که خداوند کشف نموده و به آنچه که حالا کشف می‌نماید و در آینده کشف خواهد کرد که به ملکوت خداوند عز و جلاله تعلق می‌گیرد.
- ۱۰- ایمان به جمع کردن کامل اسرائیل و دوباره اعاده کردن قبائل دهگانه، و اینکه صهیون (اورشلیم جدید) در قاره امریکا تأسیس خواهد شد، و عیسی علیه السلام شخصا مالک و متصرف زمین خواهد شد، و زمین دوباره تجدید شده شکوه فردوسی خود را به دست خواهد آورد.
- ۱۱- ادعا می‌نمایند که در عبادت خداوند قوی، مطابق آنچه ضمیر شان برایشان می‌گوید، امتیاز دارند، و برای دیگران نیز این حق را می‌دهند، بنا بر آن هر چه

می‌خواهند، هر گونه که می‌خواهند و در هر جا که می‌خواهند عبادت می‌نمایند.

۱۲- ایمان به اینکه برایشان لازم است تا به پادشاهان، رؤساء، حاکمان، و به کسانی که قوت قضائی به دستشان است، اطاعت و فرمانبرداری نمایند، همچنان ایمان دارند که اطاعت قانون، احترام و تقویۀ آن لازم و واجب می‌باشد.

۱۳- ایمان بر اینکه بر ایشان لازم است که: امانتدار، صادق، پاک، نیکوکار، و دارندگان فضل باشند، و اینکه کارهای خیر خواهانه برای تمام بشر انجام دهند، آن‌ها در عقب هر کاری که صاحب فضیلت، محبوب، مستحق تقدیر و ستایش باشد سعی و تلاش می‌نمایند.

### سوم: مراتب دینی و تنظیمی شان:

- کهنوت نزد آنان به دو بخش تقسیم می‌شود:

۱- کهنوت ملکيصادق: که آن بزرگ‌ترین کهنوت می‌باشد، توجیه، تبشیر به انجیل و سلطۀ رهبری کلیسا به تصرف وی است.

۲- کهنوت هارون: و آن کهنوتی است که در تمام قرن‌ها به هارون و اولادش سپرده شده است، صاحبان این کهنوت وظیفه داران مراسم ایمان، توبه، و تعمید هستند.

- رئیس کلیسا پیامبر برگزیدهٔ پروردگار و کاهن جهانی می‌باشد.

- مراتب کهنوت هارون:

\* شماس: هر پسر که عمرش هشت سال باشد حق دارد که تعمید نماید، و همچنان مستحق این لقب می‌گردد.

\* معلم: وقتی پسر به چهارده سال رسید مالک این مرتبه می‌گردد.

\* کاهن: وظیفه‌اش تعمید و مبارکی قربانی می‌باشد.

\* اسقف: وی رئیس گروه کاهنان بوده و در امور دنیوی، مثل تعمیرات، جمع نمودن عشر و عطایا، و آماده کردن بودیچه، کار می‌نماید، و در اسرائیل به حیث قاضی شمرده می‌شود.

- مراتب کهنوت ملکيصادق:

\* شیخ: که وظیفه‌اش تدریس، توضیح مسائل، مشاعره، تعمید و سرپرستی کلیسا می‌باشد.



\* سبعون [یعنی مجلس هفاد عضوی]: عضو سبعون دعوت خاصی دارد که می‌تواند تبشیر به انجیل بدهد.

\* کاهن عالی: مراسم داخل کلیسا را وی انجام می‌دهد، البته بخاطر آنکه برکات خاصه بطریقیه چنانچه می‌پندارند حاصل شود.

\* رسول: وی عضو گروه دوازده نفری می‌باشد که آن را پیامبر زنده، به شکل حواریون عیسی علیه السلام تشکیل می‌دهد و آن شاهد خاص عیسی علیه السلام در تمام جهان می‌باشد.

- گروه‌ها و دسته‌های دیگری هم وجود دارد:

- گروه‌های کهنوت ملکیمادق که عبارت‌اند از:

۱- گروه‌های شیوخ: که هر گروه آن مشتمل بر نود و شش شیخ می‌باشد، نه زیاده از آن.

۲- گروه‌های سبعین: که هر گروه آن مشتمل بر هفاد تن بوده نه زیاده بر آن، و هفت رئیس می‌داشته باشد.

۳- گروه‌های کاهنان عالی: این گروه مشتمل می‌باشد به بطارکه و اسقف‌ها، تمام کاهنان عالی که در یک منطقه زندگی می‌نمایند بنام (وتد) [یعنی میخ] یاد می‌شوند.

- گروه‌های کهنوت هارون قرار ذیل است:

۱- گروه شماس‌ها: اعضایش دوازده شماس می‌باشد.

۲- گروه معلمین: که دارای بیست و چهار عضو می‌باشد.

۳- گروه کاهنان: اعضایش زیاده بر چهل و هشت کاهن نمی‌باشد.

#### چهارم: خلاصه افکار و عقاید شان:

- معتقداند که الله به شکل انسان است، گوشت و استخوان دارد، و داخل جسد ملموسش روحی ازلی وجود دارد.

همچنان تأکید می‌نمایند که پروردگار مترقی تر از انسان است، و برای انسانان ممکن است که ترقی نموده به مرتبه پروردگاری برسند: تعالی الله عما یقولون علوا کبیرا «خیلی برتر و عالی است خداوند از آنچه آنان می‌گویند».

- مردان وزنان و همه بشر - بدون تغییر - پسران و دختران الله‌اند.

- انسان - مثل روح - از والدین آسمانی تولد شده، و آن انسان، قبل از آمدنش به زمین در جسد مادی، در منازل ابدی پدر باقی مانده بود، و مسیح روح اول می‌باشد، بنابراین وی پسر بزرگ است.

- عیسی علیه السلام زمین را و آنچه در آن است خلق نموده، همچنان عالم‌های دیگر را نیز به رهنمائی پدر آسمانی خود خلق نموده است، بعد از آن حیوانات را پیدا کرده است.

- مسیح علیه السلام: مادرش مریم عذراء است که وی به شخصی بنام یوسف نامزد بود، روح القدس بر وی آمده وقوت عالی بر وی سایه افکند، و پسر وی پسر خدا است، پسر سلطه الوهیت را از پدر خود به میراث برده و فنا شدن را هم از مادر خود.

- در حالیکه وی در عمر سی سالگی قرار داشت، یوحنا معمدان تعمید وی را انجام داد، چهل روز روزه گرفت تا با شیطان مقابله و محاربه نماید، همچنان از دست وی معجزاتی صادر شد.

- عیسی علیه السلام بخاطر آنکه بر خطیئه و گناه غالب شود، زده شد، عذاب کرده شد، و دار کشیده شد، وی روح خود را نزد پدر خود امانت گذاشته بود، و جسدش سه روز در قبر ماند، بعد از آن روحش به سویش بازگشت نمود، در حالیکه بالای مرگ غلبه حاصل نموده بود، از قبر برخاست.

- اندکی بعد از برخاستنش در امریکا ظاهر گردیده کلیسای خود را تأسیس نمود، بعد از آن به سوی آسمان بالا شد، و بعد از آن در عقیده مسیحیت شرکیات داخل گردید و رجال دین در مقابل هم به جنگ و مقابله پرداختند، و این امر سبب شد که باردیگر عیسی همراه با الله به زمین پایین شوند، که نزول شان بالای یوسف سمیث بود، تا بار دیگر عقیده مسیحیت را همانطور که در اصل بود به زمین باز گردانند.

- حواء دختر برگزیده ای بود که به آدم داده شد، و برای آندو اجازه خوردن از تمام درختان داده شد، بجز درختی که معرفی کننده خیر و شر بود، شیطان آندو را فریب داد و از آن درخت خوردند، بنابر آن فنا پذیرگشتند، و مشغول توالد و تناسل شدند.

- روح القدس: عضو هیئة الهیه می‌باشد، وی جسدی دارد از روح به شکل انسان، وی در یک وقت واحد، تنها در یک جای موجود می‌شود، لکن نفوذش بر همه جا می‌رسد.

- پیامبر مردی است که خداوند وی را خواسته تا نمایندگی وی را در زمین نماید، و به نیابت وی سخن بگوید، پیامبری نزد آنان دوامدار بوده قطع نمی‌شود.

- تعمید: تعمید اشاره ایست به سوی مرگ و قیامت، و به این طریق انجام می شود: شخصیت دینی با شخصی که می خواهد وی را تعمید دهد در آب پایین می شود، بعد آن را در آب غوطه داده دوباره بیرونش می نماید، به این کار زندگی گنهاری به پایان می رسد و زندگی جدید شروع می شود، و آن میلاد دوم گفته می شود.
- قربانی: قربانی ها قبل از مسیح به طریق ذبح حیوانات تقدیم می شد، ولی کفاره مسیح توسط کشته شدنش، این نوع قربانی ها را ختم نمود، و قربانی عبارت از نان و نپیذ همراه با نمازها گردید، و در خلال دیدار جدید قدیس های ایام اخیر، آن را به نان و آب تبدیل کردند.
- روز شنبه را تقدیس و تعظیم می نمایند، زیرا خداوند، بعد از فارغ شدنش از ایجاد کائنات، درهمین روز استراحت و دمراستی نموده است، برخاستن مسیح بعد از دار کشیده شدنش در روز یک شنبه بود، بنابراین عوض روز شنبه روز یک شنبه محل تقدیس قرار گرفته است.
- روزه: عبارت است از امتناع ورزیدن از خوردن و نوشیدن به مدت دو وقت طعام پی در پی، بنابراین یک شخص باید بیست و چهار ساعت روزه بگیرد، پس وقتی کسی از آنان نان شب خورد برایش تاشب دیگر جائز نیست که چیزی بخورد همچنان روزه دار برای رهبر کهنوتی، مال و یاطعامی که مساوی خوراک دو وقت باشد، تقدیم می نماید و آن را عطاء روزه می گویند.
- نوشیدن نبیذ، مسکرات الکولی، تنباکو، ودخانیات را با تمام انواع آن حرام می دانند، و از نوشیدن قهوه و چای امتناع می ورزند، زیرا در آنها مواد مضره وجود دارد، همچنان از نوشیدن مرطبات، و آنچه که در آن از مشروبات صودا و مشروبات فواره و آبهای گازدار وجود داشته باشد، و از الکولا که خطرناک ترین آنها است منع می نمایند و به عدم اسراف در خوردن گوشت نیز توصیه می نمایند، ولی تحریمش نمی کنند، و خوردن میوه ها، سبزیجات، ترکاری ها، و غله ها را مباح دانسته به خوردن گندم به طور خاص تأکید می نمایند، زیرا عقیده دارند که آن به جسم انسان فایده مند بوده سبب حفظ صحت و دوام آن می شود، قابل ذکر است که یوسف سمیث رقص می نمود، شراب می نوشید، در پهلوانی شرکت می کرد، وی چنین نوشته می گوید: «انسان بخاطری پیدا شده که از زندگی خود فائده بگیرد».

- تعدد همسران را جائز دانسته برای مرد اجازه می‌دهند که هر قدر می‌خواهد ازدواج کند، زیرا در این کار زنده ساختن شریعتی است که خداوند در زمانه‌های گذشته آن را مشروع ساخته بود، و این را تنها به دارندگان اخلاق نیکو و عالی اجازه می‌دهند، آنهم به شرطی که قدرت سرپرستی زیاده از یک فامیل را در خود به اثبات برسانند، خود یوسف سمیث از جواز تعدد همسران عملاً استفاده کرده بود، و تا سال ۱۸۹م این عادت ادامه داشت.

- در دوران پیامبرشان ولفورد، در نتیجه فشارهای شدید که از جانب گروه‌های دیگر متوجه شان گردید، و همچنان بخاطر دست یافتن به یکجا شدن با سلطه‌های اتحادی، از تعدد همسران - ظاهراً - دست کشیدند. ولی علی‌الرغم تحریر رسمی و علنی، آنان به طریق مخفی از تعدد استفاده می‌نمایند.

- زنا را مطلقاً تحریم می‌نمایند، و کسی خطاء می‌کند برایش توبه نمودن و رجوع کردن از تمام گناهان ممکن است.

- بالای هر فرد واجب است که ده یک [عشر] کسب نقد خود را، با خوشی و سرور بپردازد.

- عطاء روزه خود را می‌دهند، اشتراکات مختلفی و بخشش‌های بدون سی برای کلیسای خود می‌دهند، بنابر آن کلیسای آنان از کلیساهای غنی و ثروتمند به شمار می‌رود.

### بعضی علامه‌های قیامت:

- \* شرارت‌ها، جنگ‌ها و نا آرامی‌ها.
- \* باز گردانیدن انجیل [یعنی انجیل از نزد انسان‌ها گرفته و برده می‌شود].
- \* ظاهر شدن کتاب مورمون.
- \* لامانی‌ها ملت بزرگی می‌گردند.
- \* اعمار اور شلیم جدید در ولایت میسوری.
- \* خاندان اسرائیل ملت برگزیده خداوند می‌گردد.

### بعد از حساب چند مملکت تشکیل می‌گردد:

\* مملکت آسمانی: این مملکت برای کسانی است که شهادت عیسی علیه السلام را قبول نمودند و به نامش ایمان آورده تعمید نمودند.

\* مملکت زمینی: این برای کسانی است که انجیل را بر روی زمین ترک کردند، لیکن در عالم روحانیت آن را استلام کرده بودند.

\* مملکت سفلی: برای کسانی که انجیل و شهادت عیسی علیه السلام را نه در روی زمین پذیرفته‌اند و نه هم در عالم روحانیت، همراه آنان زنا کاران و فاسقان می‌باشند.

\* تاریکی خارجی: برای کسانی خواهد بود که برای عیسی علیه السلام توسط روح القدس شهادت داده‌اند و قوت پروردگار را دانسته‌اند، لیکن برای شیطان اجازه داده‌اند که بر ایشان غلبه نماید، تا از حق منکر شوند، و با قوت پروردگار مقابله نمایند.

- به دوران «هزار سال نیکبختی» ایمان دارند، که آن از تاریخ آمدن عیسی علیه السلام به زمین شروع می‌شود و هزار سال ادامه می‌کند، و در آن وقت بسیاری از مردگان بر می‌خیزند، و بعضی از آنان به مجرد دیدنش در وقت نزولش، اختطاف کرده می‌شوند، این قیامت اول است. شرارت پیشگان در جسدهای خویش هلاک شده تا انتهاء هزار سال با دیگر مردگان اشرار باقی می‌مانند، که بعد از آن قیامت آخر می‌آید.

- در مدت همین هزار سال محبت و صلح رائج و حکمفرما می‌باشد، شخص عیسی علیه السلام پادشاه می‌باشد، زمین در یکجا جمع می‌شود، و قاره‌های مختلف وجود نمی‌داشته باشد، اطفال بدون ارتکاب گناه و خطاء بزرگ می‌شوند.

- در آن وقت مردن وجود نمی‌داشته باشد، زیرا مردم در یک لحظه از حالت فانی بودن به حالت زندگی جاویدانی تغییر می‌نمایند.

- در اواخر همین هزار سال، برای مدت کوتاهی لگام شیطان رها کرده می‌شود، میان پیروان پیامبران و پیروان شیطان معرکه و جنگ صورت می‌گیرد. آنگاه مؤمنین غالب می‌شوند و شیطان تا ابد رانده می‌شود.

### پنجم: مورمون و یهود:

- در این شکی نیست که یهود نقش فعال و بارزی در حرکت مورمون دارد.

- معتقداند که خداوند به ابراهیم و به پسرش یعقوب وعده نموده که از نسل وی امت برگزیده خداوند خواهد بود.

- یعقوب که نامش (اسرائیل) است، دوازده پسر داشت که آنان به اسباط مشهوراند.

- همان پیامبران مرتکب شرارت‌ها شدند، بنابر آن خداوند آنان را در زمین پراکنده نموده به دو مملکت تقسیم نمود:
- ۱- مملکت شمالی: که بنام اسرائیل یاد می‌شود و در آن ده تن از جمله اسباط زندگی می‌نمودند.
- ۲- مملکت جنوبی: که بنام مملکت یهوذا گفته می‌شد، در آن تنها دو تن از جمله اسباط زندگی می‌کردند.
- اسباط شمالی در معرکه‌ای شکست خورده اسیر شدند، و بعضی از آنان فرار نموده سرگردان در مناطق می‌گشتند.
- بعد از صد سال، حوالی، ۶۰۰ ق. م. مملکت جنوبی به شکست مواجه شد، در آنوقت لحنی و خاندانش اورشلیم را ترک نموده در قاره آمریکا جاگزین شدند، که از اولاده آنان است نافیها، همچنان لامانی‌ها از نسل لحنی شمرده می‌شوند، و سال ۵۸۶ ق. م اورشلیم تخریب گردید.
- دوسبط اسرائیل که باقی مانده بودند اسیر شدند. بناء اورشلیم بعد از مسیح دو باره اعاده گردید، ولی لشکر رومانی‌ها بار دوم آن را تخریب کردند.
- تصریح می‌نمایند که پروردگار وعده نموده که در این زمان بنی اسرائیل را بخاطر تعلیم انجیل جمع خواهد نمود. همچنان موسی پیامبر سال ۱۸۳۶م نزد یوسف سمیث پایین شد و سلطه جمع کردن خاندان اسرائیل را در هیکل کیرتلاند به او داد.
- خاندان اسرائیل فعلا در حالت جمع شدن قرار دارند زیرا سالانه چندین هزار اسرائیل، که به خاندان ابراهیم و یعقوب علیهما السلام تعلق خونی ویا تعلق پسر خواندگی دارند (به گمان آنان) به کلیسا می‌پیوندند.
- دوسبط دیگر، افرایم و منسی در سرزمین آمریکا یکجا خواهند شد، وسبط یهوذا به اورشلیم بازگشت خواهد کرد، همچنان ده سبط مفقود برکاتی را که برای شان وعده شده، از طرف افرایم در آمریکا اعطاء خواهند شد.
- اسرائیلی‌های پراکنده در هر کشور برای جمع شدن در دربار مسیح، درکوه‌های صهیون، دعوت می‌شوند.
- این تجمع کامل برای اسرائیل تاوقتی تمام نمی‌شود که بار دوم نجات دهنده بیاید (چنانچه آنان می‌پندارند).

- در جهان دو پایتخت خواهد بود: اول در اورشلیم، دوم در امریکا، زیرا از صهیون شریعت میاید و از اورشلیم کلمه پروردگار میاید.

### ریشه‌های فکری و اعتقادی:

- یهودیان نقش مهمی در نشأت و ترقی این طائفه داشتند که هدف شان آوردن تفرقه و انشقاق در داخل کلیساهای مسیحی است تا بتوانند بالای آنان سیطره نمایند.  
- کتاب مورمون در همه چیز مشابه به تلمود [نام کتاب یهود] است، گوئی که نسخه‌ایست که از روی آن نوشته شده است.

- دولت اسرائیل تمام امکانات خود را در خدمت این طایفه مسخر نموده در راه استمرار کمک و طرفدار ساختن نصرانی‌ها برای این طایفه، کار و فعالیت می‌نماید.

- بخاطر ارتباط دادن صهیون و یا قدس جدید به سر زمین مقدس امریکا - نظر به اعتقاد آنان - فعالیت می‌نمایند، و انتظار بازگشت مسیح را دارند، کسی که باز خواهد آمد و زمین را تصرف خواهد نمود و آن را پر از جنت‌های جاویدان خواهد کرد.

- درباره فلسطین در کتاب مورمون، در اصحاح دهم، فقره ۳۱ می‌گویند: «بیدار شو و گرد خود را بیفشان ای اورشلیم، بلی... لباس‌های جمیل و زیبای خود را به تن کن ای دختر صهیون، و حدود خود را تا ابد گسترش بده و فراخ نما، تا دیگر مغلوب نگردی، و وعده‌های ازلی پدر تحقق یابد، آن وعده‌هایی که با تو فیصله نمود، ای خانه اسرائیل».

- در اصحاح چهاردهم، فقره (۶) خطاب به مورمون می‌گوید: «قدس را برای سگ‌ها ندهید، خانه‌های خود را پیش روی خوک‌ها نیندازید، که با پاهای خویش آن را پایمال می‌نمایند، آنگاه به شما متوجه شده پاره پاره تان می‌کنند».

- فکر صلیبی و فکر صهیونی در دید شان به سوی فلسطین، موافق به چشم میاید، آنان این سخن را از سال ۱۸۲۵م تکرار می‌نمایند، وقتی که هنور سرزمین فلسطین جزئی از پیکر سرزمین اسلام بود.

### انتشار و جاهای نفوذ:

- به مفکوره مورمون تعداد زیادی از نصارا ایمان آورده‌اند، داعیان آن جوانان پرکار و پرفعالیت بودند، تعداد افراد آن به زیاده از پنج ملیون رسیده است، که هشتاد در صد

آن در ولایات متحدهٔ امریکاند و مرکز شان در ولایت (اوتاه) می‌باشد، زیرا ۶۸٪ مردم این ولایت از افراد همین طایفه است و ۶۲٪ ساکنین مقاطعةٔ بحیره‌های شور، به حیث اعضاء در این کلیسا ثبت نام‌اند که مرکز عمومی شان در ولایت (یوتا) امریکا می‌باشد.

- آنان در ولایات متحدهٔ امریکا، امریکای جنوبی، کندا، و اروپا منتشراند، همچنان در اکثر اطراف جهان شاخه‌ها، کتابخانه‌ها و مراکز نشراتی برای نشر و پخش افکار و عقاید خویش دارند.

- آنان کتب خویش را به طور رایگان توزیع می‌نمایند، و دعوت شان در حقیقت خدمتی برای مصالح اسرائیل و بر آورده ساختن اهداف تعیین شدهٔ شان است، و آنان (۱۷۵) رسالهٔ تنصیری دارند، همچنان مالک یک شبکهٔ تلویزیونی و یازده دسگاه رادیویی هستند، و یک مجلهٔ ماهوار در اسپانیا دارند، و یک روزنامه دارند.

### مراجع:

الف: نشراتی وجود دارد که آن را کلیسای یسوع مسیح برای قدیس‌های ایام اخیره در شهر (سولت لیک) ولایت یوتا، در ایالات متحدهٔ امریکا، تحت این عناوین توزیع می‌نماید:

The Church of Jesus Christ of Latter-day Saints.

Missionary Department.

5- East North Temple.

Street Salt Lake City, Utah 84150 USA.

ب: نشرات شان به زبان عربی:

۱- مبادیء الإنجیل.

۲- دلیل الشعبة.

۳- دلیل القائد الكهنوتي.

۴- كلمة الحكمة.

۵- شهادة یوسف سمیث.

۶- دلیل العائلة.



ج: ماذا عن المورمون - طبع الولايات المتحدة.

د: مقاله ای درباره مورمون در مجله الامه شماره ۲۲ شوال ۱۴۰۲هـ/ آب ۱۹۸۲م.

ه: مقاله ای در موسوعه بریطانیه درباره مورمون.

و: آنان نشراتی به زبان انگلیسی دارند:

- 1- Succession in the Presidency.
- 2- W. H. Y. Families.
- 3- A Family home evening program suggested by the church of Jesus Christ of latter- day saints.
- 4- The Mormons and the Jewish people.
- 5- The Lords Day.
- 6- What the Mormons think of Christ.
- 7- A word of Wisdom. Mark E. Petersen.
- 8- Baptism. How and by Whom administered ?.



## مونیه و یا حرکت توحیدی صن مون

### تعریف:

مونیه یک حرکت مشبوهه است که به سوی توحید ادیان، وذوب شدن آنها در یک قالب دعوت می‌نمایند، تاهمه مردم در قالب صن مون کوریائی که در عصر حاضر، با پیامبری جدید ظاهر گردیده است ذوب شوند.

### تأسیس و افراد برازنده:

- مؤسس این مذهب قسیس ثروتمند صن مون است که در کوریا سال ۱۹۲۰ م تولد گردیده است، وی ادعا نمود که از سال ۱۹۳۶م به بعد با عیسی علیه السلام ارتباط دارد، در عمر بیست و شش سالگی به تحقیق و بررسی زندگی نامهٔ پیامبران و رهبران روحی، مثل موسی، عیسی، و محمد علیهم الصلاة والسلام، وامثال بوذا وکرشنا، شروع نمود همچنان به دانستن و آموختن تعالیم ادیان آسمانی و وضعی، امثال: یهودیت، نصرانیت، اسلام و همچنان بودائیت، هندویت پرداخت.

- در سال ۱۹۷۳م در ولایات متحده رفت و آمد نموده با تعدادی از شخصیات بزرگ آنجا ارتباط برقرار نمود.

- بخاطر فراد نمودنش از پرداخت مالیات به مدت یک سال و شش ماه در زندان فیدرالی کنکتیکت زندانی گردید، ولی پیروانش توانستند که زندانی شدنش را چنین تصویر نمایند که آن شکنجه‌ای بود که در راه عقیدهٔ دینی که با خود دارد، متحمل گردید.

- فعلا منصب و چوکی رئیس مجلهٔ جهانی ادیان را اشغال نموده است.

- از آلمان دیدار نمود ولی سلطنت‌های بون اعلان کردند که وی شخص نامطلوب می‌باشد.

- وی می‌خواهد که در زمانش حادثات مهمی واقع شود، زیرا وی و پیروانش، در طرفداری رئیس ریتشارد نیکسون، در رسوا ساختن ووترجیت، نقش بارزی داشتند.

همچنان در حمایت برنامه‌ها و سیاست رئیس ریگان، در امریکای وسطی خیلی فعالیت می‌نمایند.

- شانج هوان کواک: چوکی همکار رئیس مجلس جهانی ادیان را اشغال نموده از بزرگ‌ترین معاونین مون می‌باشد، ضمن بیانیه خود در مجلس منعقدۀ سال ۱۹۸۵ م در ترکیه، پیامبری مون را اعلان نموده اظهار کرد که برای او از آسمان وحی می‌آید.

- فرانک کوفمان یهودی: در نیویارک زندگی می‌نماید، و پیروی مون را می‌کند، و در مؤسسه وی کار می‌کند، در مجلس ترکیه دانشمندان مسلمان را سوگند داد که (خود را از موقف ادیان دیگر، مثل یهودیت، بودائیت، هندویت با خبر سازند).

- دکتور یوسف کلارک: قسیس کاتولیکی و از همکاران مون می‌باشد، وی عضو مجلس اداره مجلس جهانی ادیان است. و سرپرست مجلس ترکیه نیز بود.

- کوزا: رئیس مکتب مون در هندوراس، در راه انتشار حرکت در امریکای لاتین فعالیت دوامدار می‌نماید.

- موسی دست: رئیس کلیسای مون در ولایات متحده آمریکا.

### افکار و معتقدات:

- می‌پندارد که وی با عیسی علیه السلام در ارتباط بوده و ادعای پیامبری جدید می‌نماید و می‌پندارد که تعالیم خویش را از آسمان اخذ می‌کند.

- شعار وهدف آشکارش همانا کوشش در راه اتحاد ادیان، با وجود اختلاف انواع شان، می‌باشد.

- برای نصارا می‌گوید که پروردگار، مسیحیت را به دور انداخته آن را به رسالت جدیدی تبدیل نموده و آن رسالت توحید و اتحاد می‌باشد که وی به سوی آن دعوت می‌نماید.

از جمله قانون اساسی برای حرکت مونیۀ این است: «هدف اساسی همانا فعالیت در راه اتحاد جهان تحت لواء پروردگار واحد می‌باشد، به قسمی که تمام عوائق و موانع کلیسایی، سیاسی، وطنی، قومی، و اجتماعی از این جهان دور کرده شود.

- در کتاب «المبدأ المقدس» خویش می‌گویند: «رسالت و وظیفه اساسی آدم آن بود که یک خاندان کامل در زمین ایجاد نماید، ولی در نتیجه کار شیطان که خیلی در وظیفه خویش از ابتداء شروع مخلوقات فعال بود، آنچه به آدم وظیفه داده شده بود

متحقق نشد، عیسی آدم را پیدا کرد، ولی در مسئله ازدواج ناکام گردیده قانون تکوین خانواده کامل را ترک نمود، اما ناکامی وی کامل نبود، زیرا جانب روحانیت انسان را زنده نموده بود، جسد انسان همانطور زیر سلطه شیطان قرار داشت، در حالیکه تجدید آن نیز ضروری بود، بناء این کار آدم ثالث را می‌خواهد، که با یک زوجة مثالی یکجا شده تا تحقیق این هدف نیز بخاطر تولد انسان کامل ممکن شود».

- آنان به تحقیق و بررسی قوانین بیانیه می‌پردازند و می‌پندارند که آن اینرا ظاهر می‌سازد که تاریخ و حوادث از سابق مکرر و معین می‌باشد، نظر به همین جدول‌های بیانی چنین معلوم نمایند که در تاریخ مثال‌های مکرری از بشر وجود داشته که آنان برای آن برگزیده شده بودند که پدران کامل شوند ولی شیطان راه آنان را گرفت پس کار شان به نتیجه نرسید، همین خاندان‌های مثالی وجود شان در طول تاریخ، بعد از گذشت هر چهارصد سال می‌بود.

- برای حرکت خویش به این طریقه اعضاء جذب و شکار می‌نمایند که اول شخص را به طرف یک وقت طعام دعوت می‌نمایند، بعد از آن وی را به اشتراک در سفر آخر هفته دعوت می‌کنند.

- افراد جدید را از گفتگو در میان خودشان منع می‌نمایند، و بر آنان لازم است که تا اجتماع دوم در آخر هفته منتظر باشند.

- شخص دعوت شده چندین هفته با معلم خود می‌رود، بعد از آن وی را در یکجا با دیگر افراد نو شمول جمع می‌سازند تا به همه شان یک عقیده را تلقین و تعلیم نمایند و درضمن آن بر تقدیس و تمجید شخصیت مون تاکید نموده، و به ضرورت انکار از عقاید اهالی و جامعه شان پافشاری می‌کنند.

- مون در کتاب توجیهی خود «اقوال الأب الروحي» می‌گوید: «کار دور شدن از فامیل و دوستان تصادفا میسر نمی‌شود، زیرا لابدی است که آن را در زندگی جدید خود تمرین نمائی، که بعد از آن توبتوانی بالای فامیل خویش، دوستان و همسایگان خویش انکار نمایی».

- اگر عضوی بخواهد که از نزد آنان فرار نماید اینکار برایش از چند جهت مشکل خواهد بود:

- ۱- وی از فامیل خود جدا شده توسط عقیده جدید خویش که با عقیده آنان مخالف است دشمنی را با آنان اعلان نموده است، بنابر آن دوباره به سوی آنان نمی‌تواند بازگشت نماید.
- ۲- دماغ و مغز وی را شسته‌اند، و بعد از آنکه بالای وی تسلط روحی حاصل نمودند و او را با وعده‌های آسمانی دروغین فریب داده‌اند دیگر وی به منزله آله مسخر در دست آنان قرار گرفته هر طوری بخواهند حرکتش می‌دهند.
- ۳- در صورت فرار وی گروه مونی‌ه وی را تعقیب نموده دوباره به بازگشت به احاطه شان مجبور خواهند کرد.
- وقتی عضو جدید خود را به آنان تسلیم نمود آنان وی را به فروش گل‌ها و شمع و اادار خواهند کرد، تا علاوه بر درآمد مالی که به بودیجه حرکت می‌افزاید، کمینگاهی برای جذب اعضاء جدید نیز باشد.
- مون در میدان مادیسون جاردن در نیویارک مراسم ازدواج دسته جمعی را ترتیب داد که در آن مجلس ازدواج ۲۰۷۵ پسر و دختر جوان را انجام داد، این درحالی بود که مجلس قومی کلیسائی در امریکا بیانیه‌ای صادر نموده بود که در آن عدم اعتراف به کلیسای مون اعلان گردیده بود.
- مون بر محاربه و مقابله با کمونستی تاکید نموده و به هجوم بر ضد آن پافشاری می‌نماید، و بخاطر مقابله با آنان در جاهای مختلف جهان گروه‌هایی ارسال می‌کند.
- مون بخاطر کوشش در راه تحقیق اهداف خویش چندین مجلس تشکیل داده که از آنجمله است:
  - ۱- مجلس اتحاد یهود در سوئیسرا.
  - ۲- مجلس اتحاد جهان مسیحی در ایتالیا.
  - ۳- مجلس بودائیان در جاپان.
  - ۴- مجلس هندوان در سیریلانکا.
  - ۵- مجلس اتحاد جهان اسلام، که از ۱۹- ۲۲ ستمبر ۱۹۸۵م در نزدیکی اسطانبول ترکیه برگزار گردید، و به هدف کامیابی مجلس، دانشکده الهیات دانشگاه مرمره با آنان همکاری نمود، و از جمله دعوت شدگان تعدادی از شخصیات اسلامی نیز بود.

۶- نزد آنان پلانی برای برگزاری مجالس دیگر از سال ۱۹۸۹-۱۹۹۳م نیز وجود دارد.

- پیروان مون که در مجلس ترکیه اشتراک نموده بودند، اختلافات موجوده میان ادیان را چنان جلوه می‌دادند که با اختلافات فقهی موجوده میان خود مذاهب اسلامی فرقی ندارد، در حالیکه این یک بهتان و افتراء محض است، زیرا اختلاف میان ادیان قبل از همه اختلاف عقیدتی است، و اختلاف بین مذاهب فقهی، جز اختلاف سطحی اجتهادی در فروعات چیز دیگری نیست و در اصول اختلاف وجود ندارد.

- کوفمان یهودی در نشست اختتامی این مجلس گفت: «این مسئله به آن ضرورت دارد که سعی بیشتر به خرج دهیم تا همدیگر را بشناسیم، زیرا ما علی الرغم آنکه به سوی شیء واحد و عقیده واحد منسوب میشویم، با هم اختلاف می‌نماییم، و برای اینکه یکجا و موافق شویم ضرور است که غیر خود را با عقیده‌اش بشناسیم».

- جریده «المسلمون» در شماره (۳۶) خود چنین تذکر می‌دهد که مجلس جهانی ادیان که آن را صن مون سرپرستی می‌کند، تحت اثر مؤسسه جهانی اتحاد ادیان (IRF) کار می‌کند، و آن یکی از نمایندگی‌های دینی انسانی می‌باشد که تابع کلیسای اتحادی‌ها می‌باشد، و آن یکی از حرکات جدید دینی است که صومون آن را در کوریا تأسیس نموده است.

- جریده مذکور تذکر می‌دهد که اهداف مجلس جهانی ادیان، مطابق آنچه یاد داشت خود مجلس ثبت نموده، اشیاء ذیل می‌باشد:

- ۱- شعار دادن به وحدت انسانی.
- ۲- وجود اداء احترام به عقاید و فرهنگ‌های مختلف انسانی.
- ۳- دعوت مردم از تمام ادیان به سوی یک نوع وحدت روحانی، و احترام به خصوصیات هر دین.
- ۴- تشویق به فهم متقابل از معتقدات دینی جهان و ایجاد تعاون میان آنان.
- ۵- همکاری با آنانیکه آرزوی ایجاد نسق و انسجام میان ادیان را دارند، و کمک در تعاون میان سازمان‌های دینی.
- ۶- گسترش خدمت در راه توجیهات نظریه‌های دینی بخاطر حل مشکلات عامه انسانی.

۷- دفاع از حقوق انسان، به طوریکه در آن حق آزادی عقاید دینی و انجام آن حفظ شود.

۸- تأیید علمی از آرزوهای فردی متعلق به معتقدات دینی از طریق وضع نمودن برنامه‌هایی که وظیفه آن تخفیف مشکلات و خوب ساختن حال بشریت باشد.

### ریشه‌های فکری و اعتقادی:

- یهودیان - چون یک اقلیت فساد پیشه‌اند - همیشه در راه پخش نمودن ادعاهائی مبنی بر دور ساختن امتیازات از میان عقاید سعی و تلاش می‌نمایند تا راه را برای داخل شدن شان در میان ملت‌های جهان هموار ساخته، و در آخر تنها آنان بهره ببرند آنهم به سرمایه دیگر ملت‌ها.

- این حرکت هم در مدار آن حرکاتی چرخ می‌زند که در خدمت صهیونیسم مسخر می‌باشند، زیرا همانندی و مشابهت میان این حرکت‌ها دال بر آنست که همه آن‌ها اصل واحدی دارند و به هدف مشترکی کار می‌نمایند.

- ثروت بیحدی که صن مون با آن حرکت می‌نماید به جانبی اشاره می‌کند که وی را تمویل نموده در عقبش می‌ایستد تا از کار و دعوت وی در نابود کردن ادیان و منهدم ساختن اخلاق استفاده نماید.

### انتشار و جاهای نفوذ:

- این حرکت از موجودیت گسترده‌ای در جنوب و وسط امریکا برخوردار می‌باشد، زیرا آنان در تشیلی، ارجوای، ارجنتین، هندوراس، و بولیویا روابط مستحکمی با بزرگان سیاست، دارند.

- در ایرلندا مرکزی و کلیسائی دارند بنام کلیسای توحیدیه، و این هم معلوم است که ایرلندا در تقویه همچون حرکات نقش فعالی می‌داشته باشد.

- آنان در جنوب کوریا استثماری دارند، و حکومت سیؤل برای شان اجازه داده تا کلیسائی برای خود در خارج پایتخت اعمار نمایند.

- آنان در جناح راست حزب جمهوری ایالات متحده امریکا داخل شده‌اند، و در امریکای جنوبی جناح راست دکتاتوری را تشکیل می‌دهند.

- رهبر آنان چندین بلند منزل، شرکت‌ها، طعام خانه‌ها، اراضی، و مغازه‌های جوهر فروشی را در جهان مالک است، همچنان شرکت نشراتی بنام (House Paragon) در



تصرف وی می باشد، و جریده واشنگتن تایمز را نیز تأسیس نموده که (۷۵) هزار نسخه آن در جاپان، نیویارک، ارجوای، و قبرص توزیع می شود، مهمانخانه نیویورکر New Yorker در مانهاتن نیز در تصرف وی است.

### مراجع:

- ۱- جریده هفته وار «المسلمون» شماره ۳۵ - ۲۱ محرم ۱۴۰۶ هـ/ ۵ اکتوبر ۱۹۸۵ م - همچنان شماره های ۳۶، ۳۷، ۳۸.
- ۲- جریده الواشنگتن بوست تاریخ ۲۸/۸/۱۹۸۳ م.
- ۳- به زبان انگلیسی: ( Carol Culter: Ar Religious Cults Dangerous The )  
Mercier Press, Dublin and Cork, (۱۹۸۴).
- ۴- به زبان فرانسوی: ( Gilbert Picard: L, enfer des Sectes, Editions le )  
carrousl - FN Paris, (۱۹۸۴).
- ۵- به زبان اسپانیائی: ( Pepe Redriguez: Esclavos De un Mesias )  
Barcelona, (۱۹۸۴).
- ۶- آدرس مراسلاتی شان در ایالات متحده امریکا قرار ذیل است:  
Council For The World, s Religions  
JAF BOX 2347, New York NY 10116. U.S. A.

آن کتابها و رساله های روان می نمایند که از افکار و نظریات شان تعبیر می کند و بعضی از آنها قرار ذیل است:

- 1- Council For The World,s Religions
- 2- International Religions Foundation, INC.
- 3- Introduction to The Principle, An Islamic perspective

آن کتابی است بنام «المقدمة للمبدأ» که به زبان عربی نوشته شده لیکن محتوای آن به زبان انگلیسی است.



## نصرانیت

### CHRISTIANITY

#### تعریف:

نصرانیت همان دین مسیحیت است که بخاطر تکمیل رسالت موسی علیه السلام، وپیره ساختن تعالیمی که در تورات آمده بود، بالای عیسی علیه السلام نازل گردید، این دین به سوی بنی اسرائیل فرستاده شده بود و به سوی تهذیب وجدانی و ترقی عاطفی و نفسی دعوت می نمود، ولی به سرعت اصول خود را از دست داد و آن باعث شد که دست تحریف و تغییر به سوی آن دراز شود، همین بود که با خلط شدنش به عقاید و فلسفه های شرکی، از شکل و صورت آسمانی خود خیلی دور گردید.

#### تأسیس و افراد برازنده:

- زکریا علیه السلام: وی یکی از انبیاء بنی اسرائیل بود، برای خدمت بیت المقدس در فلسطین کمر بسته بود، و برای سرپرستی مریم برگزیده شد، و در حالت پیری خداوند یحیی علیه السلام را برایش داد.

- یحیی (یوحنا): یکی از پیامبران بنی اسرائیل بود، وی مردم را در نهر اردن تعمید می داد تا از خطایا و گناهان پاک شوند، تعمید عیسی علیه السلام را نیز خود وی انجام داده بود، به امر پادشاه یهودی فلسطین (هیردوس) کشته شد، که سبب آن منع کردن وی پادشاه را از ازدواج با برادرزاده اش بود.

- مریم دختر عمران: عمران یکی از رهبرهای بنی اسرائیل بود، خانمش عقیم بود ولی خداوند برایش مریم را اعطاء کرد، بنابر آن وی نذر نمود که آن را به خدمت بیت المقدس و عبادت در آن رها کند، خود مریم نیکوکار و پاکی بود که خداوند وی را بر تمام زنان عالم شرف داد و برگزید.

- عیسی علیه السلام: در بیت لحم از مادر خود مریم تولد شد، یعنی بدون پدر، زیرا خداوند از روح خود در وی دمیده بود، بنابر آن تولد وی به وجه مذکور حادثه عجیبی بود که توسط آن، برای بنی اسرائیل که غرق در مادیات و تعلق اسباب به مسببات شده بودند،

درسی داده شد، عیسی علیه السلام از جانب خداوند به حیث پیامبر برای بنی اسرائیل مبعوث گردید، و خداوند وی را با چندین معجزه که دلالت به پیامبری وی می‌نمود، تأیید کرد که از آنجمله است:

\* از گل برای شان صورت پرنده را می‌ساخت بعدا در آن می‌دمید و به اجازه خداوند آن گل پرنده می‌شد.

\* کور مادرزاد و پیس را به اجازه خداوند شفاء می‌داد.

\* مردگان را به اجازه خداوند زنده می‌کرد.

\* مردم را از آنچه می‌خوردند و از آنچه در خانه‌های خویش ذخیره می‌نمودند، به اجازه خداوند با خیر می‌ساخت.

\* همچنان توسط نازل ساختن دسترخوانی از آسمان بالای آنان تأییدش نمود، تاعیدی باشد برای اول و آخر شان.

- یهودیان بالایش غضب شدند، و حاکم رومانی که اولاً با ایشان رفتاردرشت داشت بعدا برایش دروغ گفتند و افتراء نمودند، و وی را در مقابل عیسی علیه السلام برانگیختند که بالآخره فرمان صادر نمود تا وی گرفتار شود، و حکم اعدامش را نیز صادر کرد.

- خداوند شکل و صورت عیسی علیه السلام را بالای یکی از یارانش انداخت که می‌گویند وی (یهودای اسخریوطی) بوده [یعنی وی را به صورت عیسی علیه السلام گردانید] و حکم اعدام بالای وی جاری شد، و خود عیسی علیه السلام را خداوند به سوی خود بالا برد.

- حواریون دوازده گانه همانطور که در انجیل متی ذکر شده‌اند:

۱- سمعان، معروف به نام بطرس.

۲- اندرواس، برادر سمعان.

۳- یعقوب بن زبدي.

۴- یوحنا، برادر یعقوب.

۵- فیلیپس.

۶- برنو لماوس.

۷- توما.

۸- متی عشار.

۹- یعقول بن حافی.

۱۰- لباروس ملقب به تداوس.

۱۱- سمعان قانونی (غیور).

۱۲- یهوذای اسخر یوطی.

- هفاد فرستاده گان دیگر هم وجود دارد که می گویند عیسی علیه السلام آنان را اختیار نموده برای تعلیم دادن مسیحیت فرستاده بود.

- می گویند: یکصدو بیست نفر دیگر بود که بطرس درمیان آنان موعظه و تبلیغ نمود، روح آنان مالامال ایمان گردید، بعدا به دعوت سوی نصرانیت پرداختند، و از میان آنان توسط قرعه یک نفر در عوض یهوذا تعیین گردید، و قرعه به نام متیاس بیرون شده باوی دوازده حواری تکمیل گردید.

- بولس (شاول): این یهودی خبیث وقتی در نصرانیت داخل شد، در ویران ساختن مفکوره های درست مسیحیت نقش مهمی داشت، مثل داخل نمودن عقیده تثلیث، قول به الوهیت عیسی علیه السلام و اینکه وی از میان مردگان برخاست و بالا رفت تا در پهلوی راست پدر خود بنشیند، همچنان بدعت عشاء ربانی، وغفران گناهان را اختراع نمود، وی در اینکارهای خود از فلسفه های شرکی اغریقی استفاده نموده بود، همچنان الوهیت و خدائی روح القدس را اعلان نمود، به سوی عدم ضرورت به ختنه دعوت کرد، قصه فداء را اختراع نمود [یعنی این عقیده که عیسی علیه السلام در فداء و عوض گناهان انسان های دیگر اعدام شد]، همین شخص بود که دین مسیحیت را که خاص به بنی اسرائیل بود، دین جهانی ساخت، وی از روی همان بیست و یک رساله، که مجموع الرسائل را تشکیل می دهد و مصدر تشریحی برای نصرانیت به شمار می رود، چهارده سفر تعلیمی نوشت.

### افکار و معتقدات:

#### اول: کتاب ها و انجیل هایش:

- تورات: آن عهد قدیم است که اصل و اساس دین نصرانی به شمار می رود.  
- عهد جدید: یعنی انجیل، انجیل های معتبری که کلیساها در قرن سوم میلادی به آن اعتراف نمودند چهاراند:

۱- انجیل متی: متی یکی از شاگردان دوازده گانه بود که انجیل را به زبان عبرانی و یا سریانی نوشته بود، قدیمی ترین نسخه ای که از آن بدست آمده به زبان یونانی

است، و در این نیز اختلاف وجود دارد که این انجیل را که نوشته و که ترجمه نموده است.

۲- انجیل مرقص: نویسنده آن یوحنا است، کسی که از میان همان هفاد نفر برگزیده شده بود، وی در نشر و پخش نصرانیت در انطاکیه، شمال افریقا، مصر، و روما شخص فعالی بود، و در حوالی سال ۶۲م به قتل رسید.

۳- انجیل لوقا: وی طبیب و یا تصویرگری بود از اصل یهودی، که بابولس درسفر و اقامت خود همراه و رفیق بود، و از شاگردان عیسی علیه السلام نمی‌باشد.

۴- انجیل یوحنا: یوحنا ابن صیاد و از جمله حواریین بود، عیسی علیه السلام او را دوست داشت، بعضی می‌گویند که وی یک شخص مجهول الهویه بوده که در همان اوائل تاریخ نصرانیت تنها فردی بود که قائل به تثلیث و به الوهیت عیسی علیه السلام گردیده بود.

- بالای انجیل‌های چهارگانه چنین ملاحظه می‌شود که آنان مستقیماً از املاء عیسی علیه السلام نوشته نشده، و نویسندگان به آن اندازه دارای اهلیت نبوده‌اند که از علماء دین باشند، علاوه بر آنکه اصل آنان ضائع شده، و کم‌ترین شروط روایت که یک کتاب دینی آسمانی آن را تقضا می‌کند در آن‌ها وجود ندارد.

- اما رسائل عبارت از همان کتب تعلیمی است که نصرانیت معاصر را زیاده‌تر از انجیل‌ها روشن می‌سازد، و آنان را اشخاص مشهور تدوین نموده‌اند، توجه این رساله‌ها به جانب تفسیر مظاهر سلوک و انواع شعائر و مراسم در زندگی نصرانیت می‌باشد.

- انجیل برنابا: که معروف به ابن واعظ است، وی لاوی، قبرصی، و یک شخص پاک و پرهیزگار، و مامای مرقص بود، اولین نسخه‌ای که از آن کشف شد در کتابخانه پنجم بابا سکتس، در روما بود، ولی در اشیاء ذیل بادیگر انجیل‌ها مخالفت دارد:

\* نزد وی (الله) پروردگار عالم و خالق آسمان‌ها می‌باشد.

\* از جمله اولاد ابراهیم علیه السلام، ذبیح همانا اسماعیل است، نه اسحاق.

\* به پیامبری و نبوت محمد صلی الله علیه و آله بشارت می‌دهد.

\* به دار کشیده شدن عیسی علیه السلام را انکار نموده به آن قائل نیست، بلکه می‌گوید:

خداوند شبه و صورت وی را به یهودای اسخر یوطی انداخت.

\* به ختنه تشویق می‌نماید.

\* عیسی علیه السلام را به حیث یک پیامبر می‌شناسد، نه زیاده از آن. این انجیل به عربی نقل داده شده و به عربی چاپ شده است.

### دوم: اجتماعات نصرانیت:

اجتماعات نصرانیت شورائی است که گاه گاهی این شوراها بخاطر گذاشتن قوانین، و صدور فتواها برگزار می‌گردد، در حقیقت این شوراها هیئت تشریحی است، چیزی را نخواهد حلال می‌سازد و چیزی را که نخواهد حرام می‌نماید، از مهم‌ترین آن اجتماعات ذیل می‌باشد:

۱- اجتماع نیقیه ۳۲۵م، در این اجتماع چنین فیصله به عمل آمد که تنها مسیح پروردگار است.

۲- اجتماع اول قسطنطنیه ۳۸۱م: در این اجتماع فیصله نمودند که روح القدس اله و پروردگار است.

۳- اجتماع اول افسس ۴۳۱م: در این اجتماع گفتند که مسیح دو طبیعت دارد: لاهوتی و ناسوتی.

۴- اجتماع خلقیدونیه ۴۵۱م: در این اجتماع گفتند که مسیح دو طبیعت و دو مشیئت دارد.

۵- اجتماع رومه ۱۸۶۹م: در این اجتماع فیصله نمودند که پاپ معصوم است. - همینطور اجتماعات یکی بعد دیگری برگزار می‌شد، و تا امروز ادامه دارد، که از اواخر آنان اجتماع روما ۱۸۶۹م و اجتماع اقلیمی ۱۹۶۷م درجا کرتها بود که بخاطر امضاء پیمان میان همه طائفه‌ها به‌هدف همدستی برای مقابله بامسلمانان در تمام محافل و اجتماعات بین المللی، برگزار گردیده بود، [یعنی فیصله صورت گرفت که در مقابل مسلمانان همه یک دست و یک زبان باشند].

### سوم: فرقه‌های نصرانی:

- موحدین: که آنان عبارت‌اند از:

\* پیروان آریوس که می‌گفت: تنها پدر پروردگار و خدا است، و پسر مخلوق می‌باشد.

- \* بولس شمشاطی و یارانش در انطاکیه: ایشان می‌گویند: عیسی بنده خدا و فرستاده وی بوده و یکی از پیامبران خدا علیهم السلام می‌باشد.
- نسطوریون: آنان یاران نسطور، بطریق اسکندریه سال ۴۳۱ م می‌باشند، وی می‌گفت: مریم فقط انسانی را زاده است، بناء وی مادر یک انسان می‌باشد، نه مادر اله و پروردگار، مذهب نسطوری‌ها تهداب قول به دو طبیعت برای عیسی علیه السلام را گذاشت.
- مذهب کلیساهای شرقی: «ارثوذكس» که در حقیقت فعل متقابل در رد عقیده نسطور می‌باشد، زیرا در اجتماعی که سال ۴۳۱ م در شهر افسس آسیای صغیر برگزار گردیده بود، موافقه خویش را بر عقیده پاپ کیرلس بطرس اسکندریه اعلان نمودند، عقیده‌ایکه می‌گوید: برای عیسی علیه السلام یک طبیعت و یک مشیئت می‌باشد.
- مذهب کاتولیک: که آن مذهب دو طبیعت و دو مشیئت است، این مذهب متأثر از مذهب نسطوریه می‌باشد، روما این مذهب را پذیرفته، و در اجتماع خلقیدونیه سال ۴۵۱ م بر آن پیمان بست.
- مذهب یعاقبه: آنان می‌گویند که مسیح علیه السلام یک طبیعت دارد که آن عبارت از یکجا شدن لاهوت با ناسوت است.
- مذهب مارونیه: این مذهب منسوب به شخصی است که نامش یوحنا مارون بود، کسی که در سال ۶۶۷ م به این دعوت نمود که عیسی علیه السلام دو طبیعت و یک مشیئت دارد، زیرا هر دو طبیعت در یک اقنوم جمع شده بود.
- مذهب پروتستانت: کلیسای آنان به نام «انجیلیه» یاد می‌شود، زیرا آنان تنها انجیل را پیروی می‌نمایند، و فهم آن را مخصوص به رجال کلیسا نمی‌دانند، این مذهب حیثیت انقلابی را در مفکوره نصرانیت دارد که در قدیم آن را آریوس آغاز نموده بود، بعدا به نسطور مرور نموده در انتها به شخصیات کثیری رسید و بارزترین آنان لوثر کنج (۱۴۸۲ - ۱۵۲۹ م) بود، آنان از حق مغفرت، استحاله، منع نماز بالای جنازه، مقصور بودن وظیفه و سلطه کلیسا به وعظ و ارشاد، و منع استعمال لغت غیر مفهوم در نماز، از همه این‌ها انکار می‌ورزند و آن را قبول ندارند.
- بعد از برگزاری اجتماع هشتم ۸۷۹ م کلیساها به دو بخش عمده تقسیم شدند:
- ۱- کلیسای غربی لاتینی بطرسیه، که رئیس آن پاپ در روما می‌باشد.
  - ۲- کلیسای شرقی یونانی ارثوذكس، که رئیس آن بطریق قسطنطنیه می‌باشد.
- سبب تقسیم شدن سؤال آتی بود:



«آیا روح القدس از پدر خارج شده است؟ که این نظریهٔ کلیسای شرقی می‌باشد».  
 «یا اینکه روح القدس از پدر و پسر از هر دو خارج شده؟ که این نظریهٔ کلیسای غربی است».

#### چهارم: معتقدات:

- الوهیت و تثلیث: به وجود پروردگار بزرگ خالق عقیده دارند، زیرا در اصل آنان اهل کتاب‌اند، لیکن همراه با وی پسر (عیسی علیه السلام) و روح القدس (جبرئیل علیه السلام) را شریک می‌سازند، در بیان این مفاهیم و ربط دادن بعضی از آن به بعض دیگر، که اقاویم ثلاثه می‌نامند، میان کلیساها تفاوت و اختلاف شدیدی وجود دارد، اقاویم سه گانه را چنین تفسیر می‌نمایند که آن وحدانیت است در تثلیث و تثلیث است در وحدانیت.

- روز جزاء: معتقداند که در روز آخرت حساب و کتاب به عیسی بن مریم علیه السلام سپرده خواهد شد، زیرا در ذات وی قدری از جنس بشری وجود دارد که آن وی را در محاسبهٔ مردم در مقابل اعمال شان کمک می‌نماید.

- دار کشیدن: به عقیدهٔ آنان عیسی علیه السلام در عوض دیگر مخلوقات به دار کشیده شد و جان سپرد، البته بخاطریکه خداوند جل جلاله از یک طرف بشر را خیلی دوست دارد و از جانب دیگر عدالت کار می‌باشد به همین خاطر پسر یگانهٔ خود را برای نجات جهان از گناهی که آدم علیه السلام در وقت خوردن از درخت حرام مرتکب شده بود نجات دهد، و عیسی علیه السلام به رضای کامل خود به دار آویخته شد و توسط آن بالای همان خطاء و گناه غلبه حاصل نمود. وی بعد از به دار آویخته شدن دفن کرده شد و بعد از سه روز در حالیکه بالای موت غلبه حاصل نموده بود برخاست و به طرف آسمان بالا رفت.

- تقدیس و تعظیم صلیب: صلیب شعار آنان بوده و مورد تقدیس اکثرشان قرار دارد، کسی که صلیب را با خود دارد به این معنی است که وی از پیروان عیسی علیه السلام می‌باشد.

- روزه: روزه عبارت است از نخوردن طعام چرب و طعامیکه از گوشت درست شده باشد و باید بخوردن سبزیجات اکتفا شود. مدت و کیفیت روزه از یک گروه به گروه دیگر شان تفاوت دارد.

- نماز: نماز نزد آنان عدد معلومی ندارد ولی بر نماز صبح و شام تأکید می‌نمایند، و نماز نزد آنان عبارت است از دعاءها، تسبیحات و بعضی اشعار. باید گفت که انتظام در روزه گرفتن و نماز گزاردن کار اختیاری بوده جبری نمی‌باشد.
- تعمید: تعمید عبارت است از فرو رفتن در آب و یا پاشیدن آب بنام پدر [الله]، پسر [عیسی] روح القدس، که آن تعبیری است از پاک شدن نفس از گناهان و خطایا.
- اعتراف: آن عبارت است از اعتراف نمودن شخص به تمام گناهانی که مرتکب شده باشد نزد شخصیت دینی، این اعتراف عذاب را از انسان ساقط ساخته از گناهان پاکش می‌سازد، زیرا آنان ادعا می‌نمایند که همین شخصیت دینی برای شخص مذکور از خداوند مغفرت می‌خواهد.
- عشاء ربانی: چنین می‌پندارند که عیسی علیه السلام یک شب پیش از دار کشیدنش حواریون را جمع نموده برای شان شراب و نان توزیع نمود، نان را پاره پاره کرد تا ایشان آن را بخورند، البته شراب اشاره‌ای بود به خون عیسی علیه السلام و نان به جسدش.
- استحاله (تبدیلی): کسی که از کلیسا در روز نجات [یعنی روز نجات بنی اسرائیل و خروج شان از مصر که مصادف است به ۱۴ اپریل] نان بخورد و شراب بنوشد همین نان و شراب در جسم وی داخل گردیده به منزله آن می‌شود که در شکم خود گوشت و خون عیسی علیه السلام را داخل کرده باشد و بدین وسیله تعالیم عیسی علیه السلام را در خود مزج کرده است.
- گوشت خنزیر را در حالیکه در تورات حرام بود حلال نموده‌اند، ختنه را با وجود یکه در اصل شریعت شان وجود داشت حرام نموده‌اند، همچنان سود خواری و شراب نوشی را حلال می‌دانند، حرام بودن را در زنا و خوردن حیوان خفه شده، خوردن خون و خوردن آنچه که بنام بت‌ها ذبح می‌شود منحصر نموده‌اند.
- در اصل دین آنان رهبانیت وجود دارد که آن دوری از ازدواج می‌باشد لیکن رهبانیت را مخصوص رجال دین نموده‌اند، برای مرد تنها ازدواج نمودن با یک زن را اجازه می‌دهند، تعدد ازدواج را که در اوائل مسیحیت جائز بود منع می‌نمایند.
- طلاق: طلاق را تنها در صورت زنا نمودن زوجه برای مرد اجازه می‌دهند و بعد از آن برای زوجین عروسی نمودن بار دیگر جائز نیست، جدایی و فراقی که توسط موت بمیان میاید در این صورت برای همانش که زنده است جائز می‌باشد بار دیگر ازدواج کند، همچنان در صورتیکه یکی از زوجین نصرانی نباشد نیز جدائی جائز است.

- جوانب روحی: نصرانیت در اصل بخاطر تربیه وجدان و رشد جوانب عاطفی آمده بود که به سوی پرهیزگاری و عدم انتقام جویی دعوت می نمود و بر غرق شدن یهودیان در مادیات انکار می کرد، در انجیل چنین آمده است: «کسی که بر رخسار راستت کوفت تو رخسار دیگر را برایش پیش کن، کسی که قطیفهات را گرفت از لباست نیز منعش مکن» لوقا ۶/۲۸، لیکن علی الرغم آن تاریخ نصرانیت پر از قتل و خونریزی می باشد.

- تکاثر در نسل: آنان گروه های نصرانی خود را بر تکاثر نسل تشویق می نمایند، خصوصا در مناطقی که اکثریت را تشکیل نمی دهند این امر به وجوب می رسد.

- چک مغفرت: آن چکی است که گناهان قبلی و آینده خریدار خود را مغفرت می نماید و آن مثل سهم شرکت ها به فروش می رسد، گاهی برای شخص بنابر همین چک و نظر به مبلغی که برای کلیسا اعطا نموده چند متر اضافه از جنت برایش داده می شود.

- ارتداد و مقابله به آن: کلیسا در مقابل علوم و کشفیات و طرق جدید در فهم کتاب مقدس مبارزه و مقابله نموده تیر خود را در مقابل هر گونه انتقاد رها می نماید و تمام آن ها را بر ارتداد منسوب نموده و در مقابل همه این نظریات به شدت و خوشونت مقابله می کند.

### ریشه های فکری و اعتقادی:

- اساس آن تورات است که آن را عهد قدیم می نامند، و در میان آن روحیه و تعالیم یهودیت انعکاس نموده است، زیرا نصرانیت بخاطر تکمیل یهودیت آمده و خاص نجات دهنده بنی اسرائیل گمراه بود، چنانچه انجیل های شان می گوید.

- امینیوس (ت ۲۴۲) بعد از آنکه مسیحیت را پذیرفته بود و دوباره از آن مرتد شده در دین بت پرستی رومانیه داخل گردیده بود، پاره ای از افکار و عقاید شرکی را در نصرانیت داخل کرد.

- وقتی رومانیا در دین مسیحیت داخل گردید، با خود تمام اباحت فلسفی، و فرهنگ و ثقافت شرکی خویش را به مسیحیت نقل داده در آن خلطش نمودند، همین بود که مسیحیت مختلط گردید.

- مفکورهٔ تثلیث که آن را اجتماع نیقیه ۳۲۵م تثبیت و تایید نمود انعکاسی از افلاطونیةٔ جدیده است که اکثر افکار خویش را از فلسفهٔ شرقیه گرفته بود. افلاطون که متوفی سال ۲۷۰م بود اثر بارزی بالای معتقدات این دین داشت، افلاطون مذکور در اسکندریه شاگردی نمود، بعد از آن به هند و فارس سفر کرد، وقتی بازگشت نمود باخود ثقافت‌ها و مفکوره‌های گوناگون و مختلطی را آورده بود و از آنجمله این گفته‌اش بود که می‌گفت: جهان در تدبیر و حرکتش تابع سه چیز است:

۱- پیدا کنندهٔ زلی اول.

۲- عقل که از وی خارج شده است.

۳- روحی که مصدر بوده و تمام ارواح از آن سرچشمه گرفته‌اند.

وی با این نظریهٔ خود تهادب تثلیث را می‌گذارد، زیرا پیدا کنندهٔ زلی همانا خداوند است و عقل عبارت است از پسر [یعنی عیسی علیه السلام] - به عقیده آنان] و روح همانا روح القدس می‌باشد.

- نصرانیت از دین متراس نیز متأثر گردیده است، این دین تقریباً شش قرن قبل از میلاد در فارس وجود داشته و در تعالیم آن قصه ای مشابه به قصهٔ عشاء ربانی وجود دارد.

- در هندویت: تثلیث، اقایم، دار کشیده شدن به خاطر کفارهٔ گناه، زهد، رهبانیت، دوری از مال بخاطر داخل شدن در ملکوت آسمان‌ها، این‌ها همه در دین هندو وجود دارد، برای پروردگار نزد آنان سه نام وجود دارد که عبارت‌اند از (فشنو) یعنی نگهبان، (سیفا) یعنی هلاک کننده، و (براهما) یعنی پیدا کننده. تمام این چیزها بعد از تحریف نصرانیت به آن نقل داده شد.

- بودائیه که پنج قرن از نصرانیت قدامت و سابقه داشت نیز بعضی از معتقدات و افکار خود را به نصرانیت نقل داده است، وقتی مقارنهٔ ادیان مطالعه و بررسی شود مطابقت عجیبی میان شخصیت بودا و شخصیت عیسی علیه السلام [طبق تصویر آنان] ظاهر می‌گردد (محاضرات فی النصرانیه: تالیف أبوزهره، را مطالعه کنید).

- عقیدهٔ بابلی‌های قدیم نیز در نصرانیت خلط شده، زیرا محاکمه بعل، پروردگار آفتاب، در آن دین مشابه و مطابق به محاکمهٔ عیسی علیه السلام در این دین است.

- می‌توانیم بگوییم که نصرانیت [موجوده] از اکثر دین‌ها و عقایدی که قبل از آن وجود داشت گرفته شده و همین امر باعث گردیده که جوهر و صورت اساسی خود را که عیسی علیه السلام آن را از نزد پروردگار عالم آورده بود، از دست بدهد.

### انتشار و جاهای نفوذ:

- نصرانیت امروزی در اکثر نقاط و بلاد جهان به نشر رسیده است، و در این امر آن را استعمار و تنصیر، که مؤسسات بزرگ جهانی و امکانات فراوان را در دست دارند، کمک نموده است.

- مذهب کاتولیکی خیلی زیاد در ایتالیا، بلجیکا، فرانسه، اسپانیا، و پرتقال به نشر رسیده است.

- کلیسای ارتودکس شرقی اکثر انتشارش در روسیه، بلقان، و یونان می‌باشد و مقر اصلی آن قسطنطنیه است، و تعدادی از کلیساهای مستقل شرقی نیز تابع همین مذهب است.

- و مرکز انتشار پروتستانی آلمان، لندن، دانمارک، هولندا، سویسرا، نرویج، و امریکای شمالی می‌باشد.

### مراجع:

- ۱- في العقائد والأديان د. محمد جابر عبدالعال الحيني - الهيئة المصرية - ۱۹۷۱ م.
- ۲- محاضرات في النصرانية محمد أبوزهرة - ط ۳ - دار الفكر العربي - مصر.
- ۳- مقارنة الأديان «المسيحية» د. أحمد شلبي - ط ۴ - النهضة المصرية ۱۹۷۳ م.
- ۴- أضواء على المسيحية متولي يوسف شلبي - الدار الكويتية - ۱۹۶۸ م.
- ۵- الملل و النحل للشهرستاني - طبعة بيروت.
- ۶- الفصل في الملل و الأهواء و النحل لابن حزم.
- ۷- العقائد الوثنية في الديانة النصرانية محمد طاهر الثير.
- ۸- الأديان في كفة الميزان محمد فؤاد الهاشمي.
- ۹- أديان العالم الكبرى ترجمة حبيب سعيد.

---

---

مراجع بیگانه:

- 1- Ropertson: Pagan Christs.
- 2- Berry: Religions of the World.
- 3- Berry: A History of Freedom of Thought.
- 4- Pflederer: The Early Christian Conception of Christ.
- 5- T.W. Doane: Bible Mythology.
- 6- Harnak: What is Christianity.
- 7- Encyclopedia of Religion and Ethics.
- 8- Khwaja kamaluddin: the sources of Christianity.

## نصیریه

### تعریف:

نصیریه یک گروه باطنی است که در قرن سوم هجری به ظهور رسید، پیروان آن از غلاة شیعه به شمار می‌روند، کسانی‌اند که به وجود جز خداوند در علی علیه السلام قائل شده وی را به خدائی پذیرفته‌اند، هدفشان منهدم ساختن اسلام و شکستن دیوارهای آن است، باهر دشمنی که بالای سرزمین مسلمانان تجاوز نماید آنان همکاراند، استعمار فرانسوی بر سوریه به خاطر فریب دادن و پوشانیدن حقیقت رافضی شان بالای آنان اسم (علویین) را استعمال نموده است.

### تأسیس و افراد برازنده:

- مؤسس این فرقه ابو شعیب محمد بن نصیر بصری نمیری (ت - ۲۷۰هـ) بود، با سه امام شیعه‌ها همعصر بود، که آنان عبارت بودند از: علی هادی (امام دهم)، حسن عسکری (امام یازدهم)، محمد مهدی «خیالی» (امام دوازدهم).
- می‌پندارند که وی دروازه به سوی حسن عسکری، حجت بعد از وی، وارث علمش، و مرجع شیعه بعد از وی می‌باشد، و اینکه مرجعیت و دروازه بودن بعد از غائب شدن امام با وی باقی ماند.
- ادعای پیامبری و رسالت را نموده در حق امامان چنان افراط نمود که آنان را به خدائی نسبت داد.
- جانشین وی در رهبری گروه محمد بن جندب گردید.
- بعد از وی ابو محمد عبدالله ابن الجنان جنبلانی (۲۳۵ - ۲۸۷هـ) جانشین گردید، وی از قریه جنبلای فارس بود، به نام‌های: عابد، زاهد، و فارسی یاد می‌شد، به مصر سفر نموده آنجا دعوت خود را به خصیبه عرضه نمود.
- حسین بن علی بن حسین بن حمدان خصیبه: متولد سال ۲۶۰هـ، وی با استاد خود از مصر به جنبلا آمده، و جانشین وی در رهبری گروه گردید، و در حمایت دولت

حمدانیه در حلب زندگی نمود، و برای نصیریه دو مرکز ایجاد نمود که اول آن در حلب بود به ریاست محمد علی جلی و دیگرش در بغداد به ریاست علی جسری.

- مرکز بغداد توسط حملهٔ هلاکو به بغداد نابود گردید.

- مرکز حلب به لاذقیه منتقل گردیده رئیس آن ابوسعید میمون سرور قاسم طبرانی (۳۵۸-۴۲۷هـ) تعیین گردید.

- حملات کردها و ترک‌ها بالای آنان شدید شد، و این امر باعث گردید که امیر حسن مکزور سنجاری (۵۸۳-۶۳۸هـ) قیام نماید، وی دوبار بر منطقه حمله آورد که در حملهٔ اول ناکام گردیده بار دوم به پیروزی رسید، همین بود که پایه‌های نصیریه را در کوه‌های لاذقیه مستحکم نمود.

- حوالی (۷۰۰هـ/۱۳۰۰م) در میان آنان دولت حاتم طوبانی ظاهر گردید، رسالهٔ قبرصیه را نیز وی نوشته است.

- حسن عجرد از منطقهٔ اعنا ظاهر گردید، و در لاذقیه سال (۸۳۶هـ/۱۴۳۲م) وفات کرد.

- بعد از آن، رهبران تجمعات نصیری دیگری نیز میابیم، مثل شاعر قمری محمد بن یونس کلادی (۱۰۱۱هـ/۱۶۰۲م) نزدیک انطاکیه، علی ماخوس، ناصر لیصفی، و یوسف عبیدی.

- سلیمان افندی اذنی: سال ۱۲۵۰هـ در انطاکیه تولد شد، تعالیم طائفة نصیری را فراگرفت، لیکن توسط یکی از مبشرین، نصرانی گردید و به بیروت فرار نمود، در آنجا کتاب خود را «الباکورة السلیمانية» به نشر رسانید، و در این کتاب رازهای آن گروه را افشا نمود، بعد از آن نصیری‌ها وی را فریب نموده اطمینان دادند، وقتی به سوی شان بازگشت کرد، بر وی حمله نموده خفه‌اش کردند، و جسدش را در یکی از میدان‌های لاذقیه سوختاندند.

- نام تاریخی شان که به آن معروفاند نصیریه است، ولی فرانسه برای آنان دولتی برپا نموده بالای آن نام «دولة العلویین» را اطلاق کرد، این دولت از سال ۱۹۲۰م تا سال ۱۹۳۶م ادامه یافت.

- محمد امین غالب طویل: وی شخصیت نصیری بوده در دوران اشغال سوریه توسط فرانسه، یکی از فرماندهان آن به شمار می‌رفت، کتاب «تاریخ العلویین» را تالیف نمود و در آن از ریشه‌های دین فرقهٔ خویش صحبت می‌نماید.



- سلیمان احمد: در دولت علویین سال ۱۹۲۰م، منصب دینی را اشغال نمود.
- سلیمان مرشد: وی گاو چران بود، لیکن فرانسوی‌ها وی را با خود گرفته در ادعای خدائی کمکش کردند، وی برای خود پیامبری هم انتخاب نموده بود که آن (سلیمان میده) چوپان بود، حکومت استقلال، وی را سال ۱۹۴۶م اعدام نموده به دار آویخت.
- بعد از وی پسرش مجیب آمد و ادعای خدائی نمود، ولی او نیز توسط رئیس مخابرات آنوقت سوریه، سال ۱۹۵۱م کشته شد، لیکن فعلا هم گروه مواخسه نصیریه، در وقت ذبح کردن نام وی را یاد می‌کنند.
- می‌گویند که پسر دوم سلیمان مرشد که نامش مغیب است، خدائی خیالی را از پدر خود به میراث گرفت.

### افکار و معتقدات:

- نصیریه علی علیه السلام را پروردگار می‌دانند، و می‌گویند: ظهور روحانی وی در جسد جسمانی فانی مثل ظهور جبرئیل در صورت و شکل بعضی اشخاص است.
- ظهور (علی پروردگار) در صورت ناسوت تنها بخاطر انس و الفت دادن مخلوقات و بندگانش بود.
- عبد الرحمن بن ملجم قاتل حضرت علی را دوست دارند و از وی اظهار رضامندی می‌نمایند و لعنت کننده وی را نسبت به خطا می‌کنند، البته به این پندار که وی لاهوت را از ناسوت نجات داده است.
- بعضی از آنان می‌پندارند که علی بعد از جدا شدنش از جسدی که وی را محبوس ساخته بود، در مهتاب سکونت اختیار نمود، و دیگران شان معتقداند که سکونت وی در آفتاب می‌باشد.
- معتقداند که علی حضرت محمد صلی الله علیه و آله را آفرید، محمد صلی الله علیه و آله سلمان فارسی را آفرید، و سلمان فارسی یتیم‌های پنجگانه را آفرید که آنان عبارت‌اند از:
  - ۱- ابوذر غفاری: وظیفه دار و متصرف در دوران و چرخش ستاره‌ها.
  - ۲- مقداد بن اسود: وی را پروردگار و خالق مردم و متصرف رعدها می‌دانند.
  - ۳- عبد الله بن رواحه: متصرف در بادها و وظیفه دار قبض ارواح بشر.
  - ۴- عثمان بن مظعون: وظیفه دار معده، حرارت جسد و مریضی‌های انسان.

- ۵- قنبر بن کادان: موظف نفخ ارواح در بدن‌ها.
- پسر نصیر به حلال بودن محارم و حلال بودن لواطت میان مردان قول نمود.
- آنان مثل دیگر فرقه‌های باطنیه شبی دارند که در آن شب زنان با مردان خلط می‌شوند.
- شراب را احترام نموده آن را می‌نوشند، و بخاطر آن درخت انگور را نیز احترام می‌نمایند، از کندن و قطع کردن آن خیلی می‌هراسند، زیرا آن اصل شراب می‌باشد، شرابی که آن را «نور» می‌نامند.
- در یک روز پنج وقت نماز می‌گزارند، ولی نمازیکه در تعداد رکعات مخالف بوده سجده در آن وجود ندارد، احیاناً رکوع وجود می‌داشته باشد.
- نماز جمعه نمی‌گزارند، قبل از اداء نماز طهارتی از قبیل وضو و دور ساختن جنابت نمی‌کنند.
- مساجد عمومی ندارند بلکه در خانه‌های خویش نماز می‌گزارند، و نمازشان با تلاوت خرافات همراه می‌باشد.
- آنان قداساتی دارند شبیه به قداسات نصارا، مثل:
- \* «قداس الطیب لکلی أخ حیب».
- \* «قداس البخور فی روح ما یدور فی محل الفرح والسرور».
- \* «قداس الأذان وباللله المستعان».
- به حج قائل نیستند و می‌گویند: حج رفتن به مکه کفر و عبادت بت‌ها است.
- به زکاتی که معروف میان ما مسلمانان است قائل نیستند، بلکه مقداری معین به شیوخ و بزرگان خویش می‌پردازند، و می‌پندارند که مقدار آن پنجم حصه درآمد ایشان است.
- روزه نزد آنان دوری از زنان در ماه رمضان است.
- اصحاب کرام را شدیداً بد می‌بینند، و ابوبکر، عمر، و عثمان رضی الله عنهم را لعنت می‌نمایند.
- می‌پندارند که عقیده هم ظاهر دارد و هم باطن، و تنها آنان‌اند که اسرار باطنی را دانسته‌اند، که از آنجمله است:
- \* جنابت: عبارت است از دوستی با دشمنان و ندانستن علم باطنی.
- \* طهارت: عبارت است از دشمنی با دشمنان و دانستن علم باطنی.

\* روزه: آن حفظ رازی است که تعلق به سی مرد و سی زن دارد.  
 \* زکات: توسط آن اشاره به شخصیت سلمان شده است.  
 \* جهاد: عبارت است از لعنت فرستادن به دشمنان و افشا کنندگان اسرار.  
 \* ولایت: عبارت است از اخلاص به خاندان نصیری و بد دیدن دشمنان آن.  
 \* شهادت: شهادت آن است که اشاره شود به سوی صیغه (ع. م. س.).  
 \* قرآن: قرآن طریق تعلیم اخلاص به علی است، سلمان تحت نام جبرئیل قرآن را به محمد ﷺ تعلیم داد.

\* نماز: عبارت است از پنج نام که آنان عبارت‌اند از: علی، حسن، حسین، محسن، و فاطمه، و محسن همانا (سر و راز مخفی) می‌باشد، زیرا آنان می‌پندارند که محسن جنین بود که فاطمه سقط نموده بود، ذکر این اسماء از غسل، جنابت و وضوء کفایت می‌کند<sup>(۱)</sup>.

- علماء مسلمانان بر این اجماع و اتفاق نمودند که: مناکحه [زن دادن و زن گرفتن] با نصیری‌ها جائز نیست و خوردن گشت حیوانی که آنان ذبح کرده باشند حلال نمی‌باشد، بالای جنازه‌شان نماز خوانده نشود، در قبرستان مسلمانان دفن نشوند، استخدام آنان در سرحدات و جبهات جائز نیست.

- ابن تیمیه می‌گوید: «گروهی که بنام نصیریه یاد می‌شوند - آنان و دیگر فرقه‌های قرامطه باطنیه - کافرتر از یهود و نصارا می‌باشند، بلکه نسبت به بسیاری از مشرکین، آنان کافرتراند، و ضرر شان به مسلمانان زیاده تر و بزرگ تر از ضرر کافران حربی مثل تاتار، فرنگ، و غیره می‌باشد، آنان همیشه با دشمنان مسلمانان یکجا بوده‌اند، با نصارا یکجا شده در مقابل مسلمانان قرار گرفتند، بزرگ‌ترین مصیبت نزد آنان غالب شدن مسلمانان بر تاتار بود، تاتارها که داخل خاک اسلام گردیدند و خلیفه مسلمانان را در بغداد، با دیگر مسلمانان به قتل رسانیدند، به کمک و همکاری همین گروه بود.

- عیده‌ها: آنان عیده‌های زیادی دارند که بر خلاصه عقایدی دلالت می‌نماید که در عقیده آنان خلط شده، و از آن جمله است:

۱- عید نوروز: در روز چهارم نیشان، که آن روز اول سال فارس می‌باشد.

۱- یعنی کسی که این اسماء را یاد کند به غسل و وضو ضرورت ندارد. م

- ۲- عید غدیر، و عید فراش، و زیارت روز عاشوراء در دهم محرم، که آن یاد بود شهادت حسین در کربلاء است.
- ۳- روز مباهله و یا روز چادر: در نهم ربیع الاول که آن گرامی داشت دعوت پیامبر ﷺ است از نصارای نجران برای مباهله.
- ۴- عید اضحی و یا عید قربان: که نزد آنان در دوازدهم ذو الحجه می‌باشد.
- ۵- از عیدهای نصارا نیز تجلیل می‌نمایند، مثل: عید غطاس، عید عنصره، عید قدیسه برباره، عید میلاد و عید صلیب که آن را به حیث تاریخ شروع زراعت، چیدن میوه‌ها، و شروع معاملات تجاری، و عقد اجاره دادن و اجاره گرفتن، برای خود گرفته‌اند.
- ۶- روز (دلآم) را نیز تجلیل می‌نمایند، و آن روز نهم ربیع الاول می‌باشد، این تجلیل را بخاطر اظهار خوشی و سرور به قتل حضرت عمر بن الخطاب رضی الله عنه، برگذار می‌نمایند.

### ریشه‌های فکری و اعتقادی:

- معتقدات خویش را از وثنیت و بت پرستی قدیم اخذ نموده‌اند، ستاره‌ها را تقدیس و تعظیم نموده آن را مسکن علی رضی الله عنه می‌دانند.
- از افلاطونیة جدید نیز متأثر گردیده‌اند، و از آنان مفکوره فیض نورانی بالای اشیاء را نقل نموده‌اند.
- عقاید خویش را بر مذاهب فلاسفه مجوس بنا نهاده‌اند.
- از نصرانیت و غنوصیة مسیحیت اشیائی را اخذ نموده انتقال داده‌اند، و بر آنچه نزد آنان است از قبیل تثلیث، قداسات، و مباح گردانیدن شراب، تمسک نموده‌اند.
- مفکوره تناسخ و حلول را از معتقدات هندی و آسیای شرقی نقل داده‌اند.
- ایشان از شیعه‌های عالی و افراطی‌اند، بنابراین مفکوره آنان مطابق به اکثر عقاید شیعی می‌باشد، یعنی عقایدی که شیعه‌ها به صورت عموم و سبئیة (کروه عبدالله بن سبأ یهودی) به صورت خصوص به آن قائل‌اند.

### انتشار و جاهای نفوذ:

- نصیری‌ها منطقه جبال النصریین را در لاذقیه به حیث وطن اختیار نموده‌اند، و در این اواخر در شهرهای مجاور آن، در سوریه منتشر گردیده‌اند.

- تعداد زيادی از آنان در غرب اناضول [آسيای صغير] نیز وجود دارند، که بنام «تختجيه و حطابون» معروفاند، و مردم شرق اناضول آنان را بنام «قزل باشی» یاد می‌کنند.
- در بخش‌های دیگر ترکیه و البانيا بنام بکتاشيه معروفاند.
- تعدادی از آنان در فارس و ترکستان نیز هستند که بنام (علی الهی) یاد می‌شوند.

### مراجع:

- ١- الجذور التاريخية للنصيرية الحسينية عبدالله - دار الاعتصام - القاهرة - العلوية ١٤٠٠هـ / ١٩٨٠م.
- ٢- الملل و النحل أبو الفتح الشهرستاني.
- ٣- شرح نهج البلاغة ابن أبي الحديد- دار الكتب العربية- القاهرة.
- ٤- رسائل ابن تيمية رسالة في الرد على النصيرية.
- ٥- الباكورة السليمانية في سليمان أفندي الأذني- بيروت- ١٨٦٤م. كشف أسرار الديانة النصيرية.
- ٦- تاريخ العلويين محمد أمين غالب الطويل- طبع في اللاذقية عاصمة دولة العلويين عام ١٩٢٤م.
- ٧- خطط الشام محمد كرد علي- ط دمشق ١٩٢٥- ج ٣/ ٢٦٥- ٢٦٨- ج ٦/ ١٠٧- ١٠٩.
- ٨- دائرة المعارف مادة نصيري. الإسلامية
- ٩- إسلام بلا مذاهب د. مصطفى الشكعة- ط دار القلم- القاهرة- ١٩٦١م.
- ١٠- تاريخ العقيدة المستشرق رينيه دوسو- نشرته مكتبة أميل النصيرية ليون و بداخله كتاب المجموع بنصه العربي.
- ١١- الأعلام للزركلي ٢/ ٢٥٤ ط بيروت- ١٩٥٦م.
- ١٢- تاخ الألب العربي ٣/ ٣٥٧- ط دار المعارف- ١٩٦٢م. لبروكلمان

- ١٣- الحركات الباطنية د. أحمد محمد الخطيب، مكتب الأقصى، عمان. في العالم
- ١٤- دراسات في الفرق د. صابر طعيمة- مكتبة المعارف- الرياض-
- ١٤٠١هـ/١٩٨١م.

١٥- L. Massirnon Opera Minora, Beyrouth 1963.

## نورسیه در ترکیه

### تعریف:

نورسیه و یا جماعت نور یک جماعت دینی و اسلامی است که ساختار آن، نسبت به حرکات سازمان یافته، به طریقه‌های صوفیه نزدیک‌تر می‌باشد، مؤسس آن در دعوت به سوی حقائق ایمان و کار در راه تهذیب نفس ترکیز و تأکید نموده، می‌خواست یک حرکت اسلامی در مقابل موج علمانی ماسونی ایجاد نماید، موجی که ترکیه را بعد از سقوط خلافت عثمانی، و تسلط اتاترک بر حکومت ترکیه، خراب نمود.

### تأسیس و افراد برازنده:

- مؤسس آن شیخ سعید نورسی (۱۸۷۳ - ۱۹۶۰ م) می‌باشد، وی از والدین کردی، در قریهٔ نورس نزدیک به بحیرهٔ (وان) در مقاطعهٔ هزان، اقلیم بتلس، در شرق اناضول، چشم به جهان گشود، تعلیمات ابتدائی را در قریهٔ خویش فرا گرفت، وقتی جوان شد آثار ذکاوت و نجابت بروی نمایان گردید، به حدی که ملقب به «بدیع الزمان» و «سعید مشهور» گردید.

- در عمر هجده سالگی علاوه بر حفظ قرآن کریم، به علوم دینی، و بخش بزرگی از علوم عقلی اطلاع حاصل کرد، و به تیراندازی، پهلوانی و اسب سواری آشنائی حاصل نمود، و بر نفس خود زهد و سختگیری را لازم گردانید.

- به مدت پانزده سال به حیث مدرس، در شهر (وان) ایفاء وظیفه نمود و در همانجا دعوت ارشادی و تربیوی اش شروع گردید.

- به استانبول انتقال نمود تا «الجامعة الزهراء» را به شکل «الجامع الأزهر» مصر، تأسیس نماید، تصادفاً در آنجا شیخ بخیت، شیخ جامع ازهر نیز موجود بود، وی از بدیع الزمان خیلی اظهار خوشی و اعجاب نمود.

- به حیث عضو در عالی‌ترین مجلس علمی دولت عثمانی که آن «دار الحکمة

الاسلامیة» بود، تعیین گردید.

- وقتی متحدین در استانبول داخل شدند و آنجا را اشغال نمودند، وی پیشاپیش مجاهدین برضد آنان قرار داشت.
- در سال ۱۹۰۸م بعد از دور شدن عبدالحمید به دسیسهٔ جمعیت اتحاد و ترقی - گروهی که بخاطر پنهان ساختن دسایس و بداندیشی‌های شان در مقابل اسلام و مسلمانان، شعار «وحدت، آزادی، اصلاحات» را سر می‌دادند - بدیع الزمان گروهی تشکیل داد بنام «الإتحاد المحمدي»، وی نیز عین شعارهای اتحادی‌ها را سر میداد ولی به مفهوم اسلامی آن، فریکاری آنان را که در عقب شعارهای خویش پنهان نموده بودند آشکارا می‌نمود و حقیقت ماسونیةٔ شان را برملا می‌ساخت.
- ماسونی‌ها (قره‌صو) یهودی را بخاطر مقابله با وی فرستادند، ولی دیری نگذشت که قره‌صو از نزد وی خارج شد و چنین می‌گفت: «نزدیک بود که این مرد عجیب مرا با صحبت و گفتار خود در اسلام داخل نماید».
- در جنگ جهانی اول به حیث صاحب منصب در لشکر ترکی داخل گردید، و هر بیگانه به شاگردان و عساکر خود در علوم قرآن درس می‌داد.
- روس‌ها وی را اسیر نموده به سایبیریا تبعیدش نمودند، ولی توانست که فرار نموده از راه آلمان به بلغاریا، از بلغاریا به ترکیه و استانبول خود را رساند.
- وقتی مصطفی کمال اتاترک (۱۸۸۰ - ۱۹۳۸م) در اناضول اعلان نافرمانی و بغاوت نمود، خواست که بدیع الزمان را نیز طرفدار خود سازد، بنابراین قصر بزرگی و مقام‌های بلندی برایش وعده نمود، ولی وی قبول نکرد و به صورت کلی سیاست را ترک نموده این شعار را به خود اخذ نمود «أعوذ بالله من الشيطان والسياسة»، و مصروف عبادت و تربیه و تزکیةٔ نفوس گردید.
- علمانی‌هایی که بعد از زوال خلافت بر ترکیه حکومت می‌کردند، از دعوت وی در هراس بودند، و شدیداً با وی مقابله و معارضة می‌نمودند، همین بود که زندگی‌اش را غرق حبس و تعذیب نمودند، که گاهی از زندان به تبعید نقلش می‌دادند و گاهی از تبعید به محاکمه می‌بردندش.
- محکمه‌ها چندین بار حکم اعدام را در مقابل او صادر نموده بودند، ولی از ترس قیام نمودن، طرفداران و پیروانش از اجراء آن صرف نظر می‌نمودند.



- در سال (۱۳۲۷هـ) به سوریه رفت و در دمشق اقامت نمود، در مسجد اموی سخنرانی نمود که بنام «الخطبة الشامیة» معروف گردید.
- آخر عمر خود را در اسبارطه، به دور از مردم سپری نمود، سه روز پیش از وفاتش بدون اجازه رسمی، به (اورفه) رفت، که آنجا فقط دو روز زندگی نمود، وفاتش در ۲۷ رمضان سال ۱۳۷۹ هـ بود.

### افکار و معتقدات:

- مفکوره این جماعت همان است که خود مؤسس آن نوشته، حتی تقریباً ذکر از دیگران را نمی‌یابی که چیزهای اضافی مهمی بر آن مفکوره از خود بجا گذاشته باشند.
- جماعت، قرآن کریم و حدیث پیامبر ﷺ را چراغ راه خویش قرار داده از هدایت آن‌ها هدایت می‌گرفتند و برای آندو کار و فعالیت می‌نمودند.
- این دعوت بخاطری به پاخاست که عقیده اسلامی را در قلب پیروان خود زنده سازد، بنابراین بر وی لازم بود که با آن اوضاع مشکل و شرائط تنگ به تکتیک و مهارتی برخورد نماید که مناسب آن اوضاع باشد، اوضاعی که مجرد نسبت دادن خود به اسلام جرمی پنداشته می‌شد که قانون در مقابل آن مجازات می‌کرد.
- بدیع الزمان شخص متواضع و پرهیزگاری بود که از جاهای اشتباهی پرهیز می‌نمود و شعار همیشگی‌اش این بود: «دع ما یریک إلی ما لا یریک» یعنی آنچه تو را در اشتباه می‌اندازد بگذار و به طرف آنچه برو که تو را در اشتباه نمی‌اندازد.
- دوری از سیاست و آن را از وسوسه‌های شیطان پنداشتن، البته این مفکوره وقتی برایش پیش شد که چندین بار بین کمال و بدیع الزمان مقابله و مصادمه رخ داده بود، مصطفی کمال می‌خواست که شیخ را در صف خود بیاورد، همین بود که سعید نورسی در سال ۱۹۲۱م انقره را ترک نموده به (وان) رفت و سیاست را پشت سر انداخته از آن اینطور استعاده می‌نمود «أعوذ بالله من الشيطان والسياسة» و این تاریخ، فاصله‌ای میان دو مرحله شمرده می‌شود: سعید قدیم و سعید جدید.
- بدیع الزمان وقتیکه در محبس (اسکشیر) محبوس بود، برای محکمه گفت: «شما از من پرسیدید که آیا به طریقه‌های صوفیان سروکار و تعلق دارم یا نه؟ من در جواب می‌گویم: این زمانه ما زمان حفظ ایمان است، نه حفظ طریقه، بسیار کسانی‌اند

که آنان بدون طریقه داخل جنت می‌شوند، ولی هیچ یکی بدون ایمان داخل جنت نمی‌شود».

- وی می‌گفت: «به خدا سوگند که علی‌الرغم مکاری و دسیسۀ وزیر پلید بریطانیا، نفس خود را برای قرآن وقف نموده زندگی خود را فدای آن خواهم کرد» مرادش از وزیر بریطانیائی همان وزیر مستعمرات بریطانیی غلادستون بود که گفته بود: «خیلی وقت شده که قرآن همراه مسلمانان باقی مانده است، و آنان [تا وقتیکه قرآن همراه شان باشد] در مقابل ما قرار خواهند داشت، بنابراین بر ما لازم است که قرآن را از زندگی شان دور سازیم».

- همچنان از اقوال وی است: «اگر برای من هزار روح هم باشد در فدا نمودن آن برای حقیقتی از حقایق ایمان تردد نخواهم نمود... من تنها بر ملت اسلام اعتراف می‌نمایم. من این سخنان را در حالی برای شما می‌گویم که در پیش روی برزخی که شما آن را زندان می‌گویید قرار دارم، و منتظر گروهی ام که مرا به آخرت می‌برند...».

- همچنان وی می‌گفت: «همانطور که به شیخ با وقار مناسب نیست که لباس رقاصان را به تن نماید برای استانبول نیز مناسب نیست که اخلاق اروپا را به تن نماید».

- اتهام‌های مهمی که در محاکم متوجه بدیع الزمان می‌شد در اشیاء ذیل ممکن است خلاصه شود:

- ۱- فعالیت در راه نابود ساختن دولت علمانی و انقلاب کمالی.
  - ۲- برانگیختن روحیۀ دینداری در ترکیه.
  - ۳- تشکیل گروه مخفی.
  - ۴- حمله بر مصطفی کمال اتاترک.
- لیکن چنان با برهان و منطق فصیح از این تهمت‌ها جواب می‌داد که محاکم را جای دعوت خود گردانیده بود و تعداد پیروانش در آن افزایش می‌یافت [یعنی توسط جواب‌های منطقی‌اش تعدادی برای او جذب می‌شد].
- مؤسس، فعالیت و دعوت خود را در راه مقابله و مقاومت در مقابل موج علمانی وقف نموده بود، آن موج علمانی که در اشیاء ذیل انعکاس می‌نمود:
- \* الغاء و نابود کردن خلافت عثمانی.

\* تبدیل نمودن قوانین اسلامی به قوانین مدنی، و به طور مشخص به قانون سویسرا.

\* الغاء تعلیم دینی.

\* منع نوشتن به حروف عربی و لزوم آن به حروف لاتینی.

\* تبدیل اذان از کلمات عربی به کلمات ترکی.

\* الزام نظریهٔ طورانی و اینکه (ترک اصل تمدن‌ها است).

\* الزام نمودن بالای مردم که بر سر خود کلاه نمایند [یعنی در عوض دستار].

\* تبدیل نمودن رخصتی رسمی روز جمعه به روز یکشنبه.

\* مخصوص ساختن پوشیدن جبههٔ سیاه [یکنوع لباس است] و دستار سفید به

رجال دین.

\* ترجمهٔ قرآن کریم به لغت ترکی و توزیع آن در مساجد که اینکار سال ۱۳۵۰هـ/۱۹۳۱م صورت گرفت.

\* تحریم تجلیل از عید قربان و عید فطر و لغو نمودن تاریخ هجری، و آوردن تغییرات در نظام میراث.

\* غرب گرائی و مشابهت با آنان در عادات، تقالید و دیگر رسوم‌های شان.

\* محو ساختن عقیدهٔ اسلامی در قلوب مردم عام، خصوصا در قلوب طبقهٔ نوجوان.

- جوانان جماعت، در عفت و پاکی ممتاز هستند، جوانانی‌اند که در عصر گسترش فساد، و کثرت اسباب آن و در عصر لجام گسیختگی دین خویش را محکم گرفته‌اند.

### انتقاداتی هم بالای جماعت وارد می‌شود:

- آنان نتوانستند سازمان اسلامی منظمی تأسیس نمایند که بتواند جلوی مکر و دسیسهٔ یهود را، که در اکثر نواحی و جوانب زندگی سیاسی داخل گردیده بود و با اسلام و مسلمین دشمنی داشت، بگیرد، لیکن انصاف آنست که اقرار نماییم: اوضاع و شرائطی که تأسیس جماعت را احاطه کرده بود، جز به همان شکلی که ظاهر گردید به دیگر اشکال برایش اجازه نمی‌داد.

- تأسیس جمعیت «الإتحاد المحمدي» توسط بدیع الزمان عکس العملی بود که به زودی منحل شد، علاوه بر آن متحدین در مقابلش قرار داشتند، و بخاطر نابودی خودش و دعوتش دسیسه می‌نمودند و پلان طرح می‌کردند.

- دور شدن این جماعت از سیاست از سال ۱۹۲۱م اثر منفی و نامطلوبی بر پیروانش گذاشت، زیرا تعدادی از آنان شکار احزاب علمانی گردیدند.
- همچنان بالای شیخ انتقادی که وارد می‌شود عدم همکاری‌اش با شیخ سعید کردی بود، وی انقلابی را در سال ۱۹۲۵م بر ضد مصطفی کمال اتاترک براه انداخت و در پهلوی خلافت ایستاد، و بین وی و بین کمالی‌ها جنگ‌های سهمناکی در (دیار بکر) واقع گردید و در آن هزاران مسلمان کشته شد.
- نزد بعضی افراد جماعت نور- در این اواخر - احساس گوشه گیری و جدائی وجود دارد و این احساس قدرت داخل شدن را در میان طبقات اقوام مسلمان بخاطر دعوت و رهنمائی شان، از بین می‌برد.
- این جماعت بعد از وفات مؤسس آن متفرق گردیده به سه بخش عمده و از هم متنافر تقسیم گردید:

\* بخشی به حزب سلامت پیوست.

\* بخشی گوشه گیری را به خود لازم ساخت.

- \* و بخشی هم با حزب سلامت دشمنی نموده با حزب عدالت یکجا گردید، حزبی که آن را (دیمیریل) سرپرستی می‌نماید، تمام امکانات و تأییدات در اختیار همین بخش قرار دارد، و فعالیت گسترده‌ای بخاطر تخریب افکار جوانانش روان است، و از آنجمله است سازمان (ینی آسیا جی لر) این سازمان روزنامه‌ای نشر می‌نمود بنام «ینی آسیا» این روزنامه با روزنامه دیگری بنام «ینی نسل» مشترکا در تشهیر و بدگوئی حزب سلامت و رهبر آن نجم الدین اربکان فعالیت می‌گردند.

### ریشه‌های فکری و اعتقادی:

- جماعت نور یکی از گروه‌های اسلامی است که دارای مفکوره و عقیده اهل سنت و جماعت می‌باشد.
- جماعت طریقه تربیه را در پیش گرفته در راه حفظ ایمان در قلوب کار می‌نمود، بنابراین از بعضی وجوه به طرق صوفیه مشابهت دارد.
- بعضی بالای این جماعت نام «المدرسة الیوسفیه» را اطلاق می‌نماید، یعنی پیروان آن [مثل یوسف علیه السلام] در راه عقیده خویش زندان و تعذیب را قبول نموده دست به طغیان و سرکشی نمی‌زنند، بلکه با دلیل، منطق، صبر و شکیبائی پیش آمد می‌نمایند.

## انتشار و جاهای نفوذ:

- جماعت نور از منطقه کردیه، شرقی اناضول شروع شد، و به زمین روم واسبارطه و ماحول آن گسترش یافت و بعد از آن به استانبول منتقل گردید.
- این دعوت به تمام سرزمین ترکیه رسید، و باتمام تنظیم‌های موجوده در آنوقت رقابت نمود.
- تعداد اعضای آن زیاده بر یک میلیون رسیده بود، که بعضی از آنان عمر خود را در نوشتن و توزیع نمودن رساله‌های نور صرف می‌کرد، دختران جوان فعال نیز در این جماعت زیاد بود.
- این جماعت پیروان و مددگاران در پاکستان و هند نیز دارد، همچنان در امریکا درچوکات طلاب ترکیه که پیروان این مکتب‌اند، کار و فعالیت می‌نمایند.

## مراجع:

- ۱- بدیع الزمان (نظرة عامة عن مصطفى زكي عاشور. حياته وآثاره)
- ۲- النورسي (حياته وبعض آثاره) د. محمد سعيد رمضان البوطي.
- ۳- جوانب غير معروفة من حياة الاستاذ نجم الدين شاهين. سعيد النورسي.
- ۴- الموسوعة الحركية «جزءان» فتحي يكن- دار البشير- عمان- الأردن- ۱۴۰۳هـ/ ۱۹۸۳م.
- ۵- العلمانية و آثارها على الاوضاع عبدالكريم مشهداني- منشورات المكتبة الإسلامية في تركيا. الدولية بالرياض- مكتبة الخافين بدمشق- ط ۱- ۱۴۰۳هـ/ ۱۹۸۳م.
- ۶- الحركة الإسلامية الحديثة في مصطفى محمد- طبع في ألمانيا تركيا. الغربية- ط ۱- ۱۴۰۴هـ/ ۱۹۸۴م.
- ۷- المثوي العربي النوري للنورسي- ترجمة الدكتور محمد عبد السلام كفافي مع الشرح و الدراسة - مكتبة العصرية-بيروت- ۱۹۶۶م.
- ۸- مقال عن بدیع الزمان النورسي مجلة الأمة- بقلم الدكتور عماد الدين خليل- عدد ذي الحجة ۱۴۰۵هـ.

- ۹- الرجل الصنم کمال أتاتورك تألیف ضابط ترکی سابق - ترجمه عبدالله عبد الرحمن - مؤسسه الرسالة - بیروت - الشركة المتحدة - ط ۲ - ۱۳۹۸ هـ / ۱۹۷۸ م.
- ۱۰- شیخ سعید زیاده از (۱۳۰) رساله تألیف نموده که در آن‌ها مشکلات مختلف دینی، روحی، نفسی، و عقلی را، در پرتو و روشنائی قرآن کریم و تفسیر آن حل نموده است، و استاد احسان قاسم اصلاحی تعدادی از آن رسائل را به زبان عربی ترجمه نموده که از آنجمله است:
- ۱- قطوف أزاهیر النور مطبعة العاني - بغداد - ۱۹۸۳ م.
  - ۲- الحشر دار الکتات - بغداد - ۱۹۸۳ م.
  - ۳- الای الکبری مطبعة العاني - بغداد - ۱۹۸۳ م.
  - ۴- الإنسان و الایمان دار الاعتصام - القاهرة - ۱۹۸۳ م.
  - ۵- حقائق الایمان مطبعة العاني - بغداد - ۱۹۸۴ م.
  - ۶- زهرة النور مطبعة العاني - بغداد - ۱۹۸۴ م.
  - ۷- الملائكة مطبعة الزهراء - الموصل - ۱۹۸۴ م.
  - ۸- الشکر مكتبة القدس - بغداد - ۱۹۸۴ م.
  - ۹- الشیوخ مطبعة الزهراء - الموصل - ۱۹۸۴ م.
  - ۱۰- الایمان و تکامل الانسان مكتبة القدس - بغداد - ۱۹۸۴ م.
  - ۱۱- همچنان از رسائل سعید النورسی:
- ۱- إشارات الإعجاز في مظان المجاز (اولین تألیفش به زبان عربی)
  - ۲- الصیقل الإسلامی.
  - ۳- التفكير الإیمانی.
  - ۴- ذو الفقار.
  - ۵- رائد الشباب.
  - ۶- الخطة الشامیة.

۷- الخطوات الست (شیخ در این کتاب از توطیه‌ها و دسایس انگلیس سخن می‌گوید، این کتاب در روشن ساختن شعله انقلاب ضد انگلیس در قلوب مردم سهم فعالی داشت، انقلابی که سبب سرعت راندن آنان گردید).





## هندویت

### تعریف:

هندویت دین شرکی و بت پرستی است که اکثر اهل هند آن را پذیرفته‌اند و تشکیل آن خیلی مسیر طولانی را از قرن پانزدهم قبل از میلاد تا امروز پیموده است، دیانتی است که علاوه بر ارزش‌های روحی و اخلاقی داری مبادی قانونی و تنظیمی نیز می‌باشد و چندین پروردگار نسبت به کارهای مختلف متعلق به آنها، اتخاذ کرده‌اند بنابر آن برای هر منطقه پروردگاری، و برای هر کار و پدیده‌ای پروردگاری گرفته‌اند.

### تأسیس و افراد برازنده:

- برای دین هندویت مؤسس معین یافت نمی‌شود، و برای اکثر کتاب‌های آن تألیف کنندگان مشخص معلوم نیست بلکه تشکیلات دین و کتب آن در گذشت زمانه‌های دور و درازی تکمیل گردیده است.
- جنگجویان آریائی که در قرن پانزدهم قبل از میلاد به هند آمده‌اند، اولین تأسیس کنندگان دین هندویت به شمار می‌روند.
- دین فاتحین جدید دین سابقه‌های هندی‌ها را به کلی محو و نابود نکرد، بلکه با آن خلط گردیده هر یکی از دیگری متأثر گردید.
- در قرن هشتم قبل از میلاد دین هندویت توسط کاهنان براهمه ترقی نمود، آنان کسانی بودند که می‌پنداشتند در طبیعت آنان عنصر الهی وجود دارد.
- بار دیگر در قرن سوم قبل از میلاد توسط قوانین (منوشاستر) ترقی کرد.

### افکار و معتقدات:

- می‌توانیم که هندویت را از میان کتاب‌هایش، مفکوره‌شان نسبت به پروردگار، عقایدشان، طبقاتشان، و بعضی مسائل مفکوره‌ای و اعتقادی دیگر، درک نماییم.

### اول: کتاب‌های‌شان:

هندویت خیلی زیاد کتاب‌هایی دارد که فهم آن‌ها مشکل و لغت شان ناآشنا می‌باشد، کتاب‌های زیاد دیگری تالیف شده که آنان را شرح می‌نماید، و کتاب‌های دیگری برای اختصار این شروح تالیف گردیده که همه آن‌ها به نزد شان مقدس می‌باشد، و مهم‌ترین آن‌ها کتب ذیل است:

۱- الویدا: در این کتاب زندگی آریائی‌ها، و مدارج ارتقاء زندگی عقلانی از سادگی به سوی احساس فلسفی دیده می‌شود، همچنان در این کتاب دعاهائی وجود دارد که به شک و تردید به پایان می‌رسد، و نیز در آن خدا پرستی وجود دارد که به وحدة الوجود بالا می‌رود، این کتاب از چهار کتاب تشکیل شده که آنان عبارت‌اند از:

\* ریج ویدا: به ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد باز می‌گردد، در این کتاب اولاً ذکر خدای خدایان (اندرا) آمده، بعد از آن ذکر خدای آتش (اغنی) بعد از آن ذکر خدای (فارونا) بعد از آن خدای سوریه (یعنی خدای آفتاب).

\* یساجور ویدا: آن را راهب‌ها در وقت پیشکش نمودن قربانی‌ها تلاوت می‌نمایند.

\* ساما ویدا: اشعار آن را در وقت اقامت نمازها و دعاها می‌خوانند.

\* آثار ویدا: عبارت است از افسون‌ها و تعویذاتی برای دفع جادو، توهّم، خرافات، افسانه‌ها و شیاطین.

\* هر یکی از این ویداها مشتمل بر چهار جزء‌اند که عبارت است از:

\* سمهتا: که مذهب فطرت را انعکاس می‌دهد، دعاهای آن را سکان هند قبل از آمدن آریائی‌ها، برای آلهه خویش تقدیم می‌نمودند.

\* البراهمن: آن را براهمی‌ها برای کسانی که در بلاد شان سکونت دارند تقدیم می‌نمایند، و انواع قربانی‌ها را بیان می‌کنند.

\* آرانیاک الغایات: آن عبارت از نمازها و دعاهائی است که توسط آن شیوخ، هنگام اقامت شان در مغاره‌ها، جنگلات، و علفزارها، تقرب حاصل می‌نمایند.

\* آبانشادات: و آن اسرار و مشاهدات نفسی عرفاء صوفیه است.

۲- قوانین (منو) این کتاب در قرن سوم قبل از میلاد، زمان ویدای دوم وضع شده، یعنی زمان غالب شدن هندویت بر الحادی که به صورت (جینیه و بودائی) ظاهر شده بود. این قوانین عبارت است از شرح ویداها که در آن شعائر هندویت، مبادی و اصول آن بیان می‌شود.

۳- مها بهارتا: کتاب حماسه هندی است که به الیاده و اودیسه یونانیان مشابهت دارد، مؤلف آن (ویاس) پسر (بوسرا) عارف می‌باشد، و آن را سال ۹۵۰ ق. م تألیف نموده است، این کتاب جنگی را که میان امراء خاندان مالکه واقع شده بود بیان می‌کند که در آن جنگ آلهه (خدایان) - به گمان آنان - نیز شرکت نموده بودند.

۴- کیتا: این کتاب از وقوع و کیفیت یکی از جنگ‌های حکایت می‌کند که میان امراء خاندان ملکیه واقع شده بود و همچنان در این کتاب نظریات فلسفی و اجتماعی به کرشنا نسبت داده شده است.

۵- یوجا واستتا: این کتاب مشتمل بر شصت و چهار هزار بیت می‌باشد، ابتداء تألیف آن از قرن ششم شده و طی گذشت مرحله دور و درازی، توسط تعدادی از مردم به تکمیل رسیده است، در این کتاب بعضی مسائل فلسفی و لاهوتی نیز وجود دارد.

۶- رامایانا: اعتناء و توجه این کتاب به افکار سیاسی و قانونی بود، و در آن خطبه‌های یکی از پادشاهان بنام (راما) نیز وجود دارد.

### دوم: مفکوره هندویت درباره خدایان:

- توحید و یکتاپرستی: توحید به معنی دقیق و درست آن یافت نمی‌شود، ولی وقتی متوجه یکی از خدایان خویش شدند، به تمام معنی به طرف وی متوجه می‌شوند، حتی که دیگر خدایان از چشم شان پنهان می‌گردد، و آنرا بنام رب الارباب و خدای خدایان یاد می‌کنند.

- تعدد و یا چند خدائی: می‌گویند که برای هر طبیعت نافع و یا ضاره پروردگاری هست که عبادت کرده می‌شود: مثل آب، هواء، دریاها، کوه‌ها... بنابراین پروردگارهای زیادی وجود دارد که توسط عبادت و قربانی به آنان تقرب حاصل می‌نمایند.

- تثلیث: در قرن نهم قبل از میلاد کاهنان تمام خدایان را در خدای واحد که عالم را از ذات خود بیرون نموده است، جمع کردند و آن را به نام‌های ذیل نامگذاری کردند:

\* براهما: به این اعتبار که وی پیدا کننده است.

\* فشنو: به اعتباری که وی حافظ و نگهبان است.

\* سیفا: به این اعتبار که وی هلاک کننده می‌باشد.

پس کسی که یکی از خدایان سه گانه را عبادت می‌کند همه‌اش را عبادت کرده است و یاهمان واحد عالی مقام را عبادت کرده است، وهیچگونه فرقی میان آن‌ها موجود نیست، آنان به این کار خود دروازهٔ تثلیث را برای نصارا باز نمودند.

- هندوها به تقدیس و تعظیم گاو اتفاق دارند.

- هندوها عقیده دارند که پروردگار آنان همچنان در انسانی حلول نموده که نام آن کرشنا می‌باشد، در این شخص پروردگار با انسان یکجا شده و یا به عبارت دیگر لاهوت در ناسوت حلول نموده است، آنان از کرشنا طوری سخن می‌گویند که نصارا دربارهٔ عیسی علیه السلام می‌گویند، شیخ ابو زهره مقارنه و موازنه ای در میان این دو طائفه بر قرار نموده مشابهت عجیبی را، بلکه مطابقت و توافق را میان شان ثابت نموده است، و در آخر مقارنه و موازنه چنین گفته است: «بالای نصارا لازم است که اصل دین خود را جستجو و تحقیق نمایند».

- یکی از آنان می‌گوید: «بزرگ‌ترین پروردگار به نزد طبقهٔ پایین، توده‌ای از خشت پخته است که تمثیل کنندهٔ مادر قریه و یا شیطان آن که سرپرستی قریه را می‌نماید، می‌باشد».

### سوم: طبقات در جامعهٔ هندوی:

- از وقتی که آریائی‌ها به هند رسیدند طبقات را تشکیل دادند و تا حال آن طبقات باقی است، و دور کردن آن ممکن نیست، زیرا آن - چنانچه آنان عقیده دارند - تقسیمات ابدی از خلق و ایجاد خداوند می‌باشد.

- طبقات در قوانین منو به ترتیب آتی آمده است:

۱- براهمه: آنان کسانی‌اند که پروردگار، براهما آنان را از دهن خود پیدا کرده است، معلم، کاهن و قاضی از جملهٔ آنان می‌باشد، و ایشان‌اند که در حالات ازدواج و وفات مرجع و ملجأ همه‌اند، و پشکش نمودن قربانی‌ها هم بدون حضور داشت آنان جائز نیست.

۲- کاشتر: آنان کسانی‌اند که پروردگار آنان را از بازوهای خود خلق نموده است، درس می‌خوانند، قربانی‌ها را تقدیم می‌نمایند، و برای دفاع باخود سلاح می‌داشته باشند.

- ۳- ویش: آنان کسانی‌اند که پروردگار ایشان را از ران خود آفریده است، زراعت می‌نمایند، تجارت می‌کنند، و مال جمع‌آوری نموده بالای مراکز و معهدهای دینی مصرف می‌نمایند.
- ۴- شودر: آنان کسانی‌اند که پروردگار آنان را از پاهای خود آفریده است، ایشان با سیاه پوستان اصلی طبقهٔ منبوذین [طبقهٔ پایین] را تشکیل می‌دهند وظیفهٔ آنان خدمت سه طبقهٔ شریف سابق الذکر، و دیگر کارهای حقیر و پلید می‌باشد.
- تمام آنان برای این نظام طبقاتی نظر به عقیدهٔ دینی گردن نهاده‌اند.
  - برای مرد جائز نیست که از طبقهٔ بالاتر از طبقهٔ خود زن بگیرد.
  - برای مرد جائز است که از طبقهٔ پایین‌تر زن بگیرد، ولی به شرطی که از طبقهٔ شودر یعنی طبقهٔ چهارم نباشد.
  - برا همه برگزیده‌ترین مخلوقات‌اند، حتی که به پروردگارا ملحق شده‌اند، برای آنان حق است که هرچه می‌خواهند از مال‌های غلامان خویش بگیرند، یعنی از طبقهٔ شودر.
  - برهمی یکه کتاب مقدس را می‌نویسد گناهانش مغفور و بخشیده می‌شود، ولو که هر سه عالم را با گناهان خود تباه کرده باشد.
  - برای پادشاه - به هر اندازه که مشکلات بیاید - جائز نیست که از برهمی‌ها کمک مالی و یا خراج بگیرد.
  - اگر برهمی مستحق کشتن شود برای پادشاه فقط این جائز است که سرش را بتراشد، ولی دیگران کشته می‌شوند.
  - برهمی که هنوز ده ساله است از شودری که به صد سال رسیده چنان تفوق و برتری دارد که پدر بر پسرش می‌داشته باشد.
  - برای برهمی این درست نیست که در بلاد خود از گرسنگی بمیرد.
  - (مطابق قانون منو) طبقهٔ منبوذین (یعنی طبقهٔ پایین) پایین‌تر از چهار پایان و ذلیل‌تر از سگان‌اند.
  - این از سعادت و نیکبختی منبوذین است که براهمه را خدمت نمایند، البته برای شان اجر و پاداشی هم نیست.
  - وقتی یکی از منبوذین به طرف برهمی دست دراز نماید و یا عصا بلند کند که آن را بزند دستش قطع می‌شود، و اگر به پای خود بزند پایش بریده می‌شود.

- وقتی یکی از منبوذین قصد مجالست را با برهمی نماید پادشاه، نشین آن را داغ نموده از منطقه تبعیدش می‌نماید.

- وقتی یکی از منبوذین ادعا نماید که وی برهمی را تعلیم می‌دهد، باید روغن چوشانده در دهنش انداخته شود.

- کفاره کشتن سک، گربه، بقه، چلیپاسه، زاغ، بوم، و شخص طبقه منبوزه برابر است.

- در این اواخر در احوال منبوذین اندکی خوبی آمده، آنهم از ترس استفاده جوئی از حالات شان و داخل شدن شان در ادیان دیگر، خصوصا نصرانیت که با ایشان مقابله می‌نماید و همچنان کمونستی که توسط مفکوره مقابله طبقات آنان را به سوی خود دعوت می‌نماید.

#### چهارم: معتقدات شان:

معتقدات شان در کارما، تناسخ ارواح، انطلاق، و وحدة الوجود ظاهر می‌شود:

۱- کارما: «قانون جزاء» یعنی نظام کاینات الهی به عدالت خالص استوار می‌باشد، عدالتی که حتما واقع شدنی است یا در زندگی موجوده و یا در زندگی آینده، ممکن است جزاء یک زندگی در زندگی دیگر باشد، زمین همانطور که دار آزمایش است دار جزاء و پاداش نیز می‌باشد.

۲- تناسخ ارواح: وقتی انسان وفات نمود جسدش فناء و نابود می‌شود، روحش می‌رود و در جسد دیگری که مطابق اعمال وی در زندگی اولش است، داخل می‌شود، و روح در این جسد دوره جدیدی را شروع می‌کند.

۳- انطلاق: از عمل نیک و عمل فاسد و بد زندگی جدید و دو باره به میان می‌آید، تا در این زندگی روح نظر به اعمال گذشته‌اش در دوره سابقه یا اجر و پاداش داده شود و یا غذاب کرده شود.

\* کسی که در چیزی رغبت نکرده باشد و در آینده هم نکند، و از بند خواهشات آزاد شود نفسش مطمئن گردد، روح وی به سوی حواسش باز نمی‌گردد، بلکه می‌رود تا با براهما متحد شود.

\* بالای این اصل شان انتقاد می‌شود که تصوف و سلبيت را بهتر از اعمال صالحه گردانیده زیرا که این را طریق اتحاد به براهما پنداشته‌اند.

۴- وحدة الوجود: تجرید فلسفی هندوان را به این عقیده رسانیده است که انسان توانائی خلق نمودن افکار سازمان‌ها و مؤسسات را دارا می‌باشد، همچنان می‌تواند که آن‌ها را حفظ نماید و یا خراب کند، بنابراین انسان با پروردگارا متحد شده و نفس، عین قوت خالقه می‌گردد.

\* روح مثل خدایان، ازلی، ابدی، دوام دار، و غیر مخلوق است.  
 \* علاقه و رابطه میان انسان و خدایان مثل رابطه میان شعله آتش و خود آتش، و مثل رابطه میان هسته و درخت می‌باشد.  
 \* تمام کاینات ظهور وجود حقیقی است و بس و روح انسانی جزئی از روح عالی می‌باشد.

#### پنجم: افکار و معتقدات دیگر:

- جسد بعد از موت سوزانیده می‌شود، زیرا این کار برای روح اجازه می‌دهد که به شکل عمومی و مستقیم بالا رود و به زودترین فرصت به ملکوت اعلی برسد، همچنان سوزانیدن، روح را به صورت کامل از غلاف و پرده جسم نجات می‌دهد.  
 - وقتی روح نجات میابد و بالا می‌رود سه عالم در پیش روی قرار دارد.  
 \* یا عالم عالی: که عالم ملائکه است.  
 \* یا عالم انسان‌ها: که مقر بنی آدم است توسط حلول.  
 \* و یا عالم دوزخ: که آن جای عاصیان و گنهگاران می‌باشد.  
 - تنهایی دوزخ وجود ندارد، بلکه به هر نوع گنهگاران دوزخ خاصی وجود دارد.  
 - بعث و برانگیختن در عالم دیگر تنها برای ارواح خواهد بود، نه برای اجسام.  
 - برهمی به چهار مرتبه ترقی می‌نماید:  
 \* شاگرد: که در زمان خردی اش می‌باشد.  
 \* مالک خاندان.  
 \* ریاضت و عبادت در جنگلات برای سالخوردگان.  
 \* فقیر: و آن کسی هست که از سلطه جسد بیرون شده و حالا روح بروی حکمفرما گردیده است، این شخص به خدایان نزدیک می‌گردد.

- زنی که شوهرش وفات نماید بعد از وی دیگر ازدواج نمی‌کند، بلکه در بدبختی همیشگی زندگی نموده مورد اهانت و تحقیر قرار می‌گیرد و مرتبه‌اش کم‌تر از مرتبهٔ خادم و مزدور می‌باشد.
- گاهی زن بخاطر نجات از عذاب و بدبختی که در انتظار وی است، بعد از وفات شوهرش خود را می‌سوزاند، در هند قانون جدید این کار را تحریم نموده است.
- دین هندو عقد نکاح را میان اطفال در حالیکه هنوز راه رفته نمی‌توانند جائز می‌داند، و گاهی چنین اتفاق می‌افتد که پسر می‌میرد و دختر از ابتداء جوانی بیوه می‌شود، ولی قانون جدید هند آن را تحریم نموده قبل از جوانی اجازه نمی‌دهد.
- شخص هیچ ارزش ندارد مگر در صورتی که در جماعتی داخل باشد و آن جماعت در جماعت بزرگ‌تر داخل باشد، زیرا توجه و اهتمام به جماعت‌هاست، نه به اشخاص و افراد.
- چنین به نظر می‌رسد که سطح اقتصادی هندوان رو به پایین می‌رود، زیرا بعضی طبقات آن مثل طبقهٔ براهمه، کار نمی‌کنند، بخاطری که کار به منزله و مرتبهٔ عالی آنان سزاوار نمی‌باشد.
- نظام طبقاتی اساس تکافوی فرصت‌ها را معطل می‌سازد.
- هندویت حرکت اصلاحات داخلی را که در قالب «بودائیه و جینیه» ظاهر گردیده بود و همچنان حرکت اصلاحی خارجی را که در قالب اسلام انعکاس نموده بود نپذیرفته در مقابل هر دو مقاومت کرد و افکار و معتقدات خویش را حفظ نمود.
- رهبر هند «گاندی» می‌خواست که دوری و فاصله‌ای را که میان طبقات و منبذین وجود دارد گاهش دهد، ولی کوشش‌هایش به باد رفت، بلکه خودش قربانی کوشش‌هایش گردید.
- گروه «سیک» نیز می‌خواست که یک دین مشترک از هندویت و اسلام تشکیل دهد، ولی ناکام گردیدند، زیرا به زودی در خود منحصر شده، گروه جداگانه‌ای گردیدند، حتی ازدواج را هم با دیگران ناجائز دانستند.

### ریشه‌های فکری و اعتقادی:

- در قرن پانزدهم قبل از میلاد ساکنان هند از جملهٔ سیاه پوستان اصلی بودند که دارای افکار و عقاید ابتدائی بودند.



- بعد از آن جنگجویان آریائی آمدند، و در راه به ایرانی‌ها عبور نمودند، و معتقدات شان از بلادی که به آن عبور نموده بودند متأثر گردیده بود، وقتی در هند مستقر شدند بین عقاید اختلاطی صورت گرفت که از آن دین هندویت تولد گردید، دینی که در آن عقاید و افکار ابتدائی از قبیل عبادت طبیعت، آباء، و گاو، به شکل خاص وجود دارد.

- در قرن هشتم قبل از میلاد وقتیکه مذهب برهمنیت وضع گردید و قول به عبادت برهما نمودند، هندویت ترقی نمود.

- باد شدید دو حرکت قوی یعنی بودائیه و جینییه در مقابل هندویت وزیدن گرفت.

- در قرن سوم و دوم قبل از میلاد قوانین (منو) ظاهر گردید، و به دین هندویت قوتش را دوباره اعاده نمود.

- مفکوره تثلیث از دین هندی به دین نصرانی منتقل گردید.

- مفکوره تناسخ، حلول، و وحدة الوجود به سوی بعضی مسلمانان گمراه منتقل گردید و این عقاید در نزد بعضی از متصوفه [صوفی تراشان] ظاهر گردید، همچنان نزد اسماعیلیه و دیگر فرقه‌های گمراه مثل احمدیه ظاهر گردید.

### انتشار و جاهای نفوذ:

دین هندویت در شبه قاره هند، همراه اختلافی که در تمرکز آن وجود داشت حکومت می‌کرد، ولی میان مسلمانان و هندوها در نظریه شان درباره کاینات، زندگی و گاو فاصله بعیدی وجود داشت که هندوان آن را عبادت می‌کردند و مسلمانان ذبحش نموده گوشتش را می‌خوردند، همین بود که تقسیم به میان آمد و برپا شدن دولت پاکستان با هر دو بخشش، شرقی، و غربی اعلان گردید، که اکثر ساکنین آن را مسلمانان تشکیل می‌دادند، و دولتی هم برای هندوان که اکثر ساکنین آن را هندوها تشکیل می‌دادند باقی ماند، و مسلمانان در آن دولت اقلیت بزرگی را تشکیل می‌دهند.

### مراجع:

۱- آدیان الهند الکبری دکتور احمد شلبي - ط ۶ - مكتبة النهضة - المصرية - ۱۹۸۱ م.

۲- محاضرات في مقارنات الأديان الشيخ محمد أبو زهرة - مطبعة يوسف - مصر.

۳- حقائق عن الهند منشورات قلم الاستعلامات الهندي.

- ۴- حضارة الهند غوستاف لوبون.
- ۵- أديان العالم الكبرى آن را حبيب سعد از انگلیسی مختصر نموده است.
- ۶- الله عباس محمود العقاد.
- ۷- تاريخ الإسلام في الهند عبد المنعم النمر.
- ۸- فلسفة الهند القديمة محمد عبد السلام.

#### مراجع بیگانه:

- 1- Weech and Rylands: Peoples and Religions of India.
- 2- Hinduism Ed. By Lewis Renou.
- 3- A Short History of the World.

## وجودیه

### تعریف:

وجودیه یک حرکت مفکوره ای است که ارزش انسان را خیلی بالا برده و بر یکه تاز بودن آن تاکید می‌نماید، و اینکه انسان صاحب مفکوره، آزادی و اختیار بوده به رهنمائی ضرورت ندارد، حرکت مذکور مجموعه‌ای از نظریات متباین و دور از هم می‌باشد، و یک نظریه فلسفی واضح و روشن نمی‌باشد، نظر به همین تذبذب و اضطراب تا حال نتوانسته در میان سائر عقاید و افکار جای خود را بگیرد.

### تأسیس و افراد برازنده:

- پژوهشگران مفکوره‌های غربی به این عقیده‌اند که مؤسس مکتب وجودیه «سورین کیر کجورد» (۱۸۱۳ - ۱۸۵۵م) می‌باشد. و از جمله تألیفاتش: «رهبه و اضطراب» است.

- مشهورترین رهبرهای معاصر آن: جان بول سارتر، فیلسوف فرانسوی متولد سال ۱۹۰۵م می‌باشد، وی یک شخص ملحد بوده با صهیونیسم همکاری می‌نماید، چندین کتاب و روایاتی دارد که مذهبش را انعکاس می‌دهد، از آنجمله است: الوجودیه مذهب انسانی، الوجود و العدم، الغثیان، الذباب، الباب المغلق.

- همچنان از شخصیات این حرکت: قسیس کبرییل مارسیل می‌باشد، وی معتقد است که میان وجودیه و نصرانیت تناقض و منافاتی وجود ندارد.

- کارل جاسبرز: فیلسوف آلمانی.

- بسکار بلیز: مفکر فرانسوی.

- و در روسیه: بیرد یائیف، شیسوف، سولوفیف.

### افکار و معتقدات:

- از خدا، پیامبران علیهم السلام، کتب خداوند، و از تمام غیبیات و از هر چیزی که ادیان با خود آورده‌اند منکراند و به آن کفر می‌ورزند، آن را موانع پیشرفت انسان به

سوی مستقبل می‌دانند، الحاد را مبدأ و طریق خویش قرار داده و به نتایج ویرانگری که در پی دارد رسیده‌اند.

- به وجود انسانی ایمان مطلق دارند و آن را مصدر هر مفکوره می‌دانند.
- معتقداند که سابقه‌ترین چیز در وجود همانا انسان است که قبل از آن عدم بوده و هیچ چیزی وجود نداشته است، و وجود انسان بر ماهیتش مقدم می‌باشد.
- معتقداند که ادیان، و نظریات فلسفی که در طی قرون وسطی و قرن جدید رائج بوده مشکل انسان را حل نکرده است.
- می‌گویند که آنان در راه باز گردانیدن اعتبار کلی برای انسان، مراعات تفکیر شخصی وی، آزادی وی غرایز و احساسات آن کار خواهند کرد.
- به آزادی مطلق انسان قائل بوده می‌گویند که به خود انسان تعلق دارد که وجود خود را هر قسمی که می‌خواهد و اراده دارد ثابت کند، بدون اینکه چیزی وی را مقید سازد.
- می‌گویند: بالای انسان لازم است که گذشته را دور اندازد، و از تمام قیود انکار نماید، چه قید دینی باشد، یا اجتماعی، یا فلسفی، و یا منطقی.
- دینداران آنان می‌گویند: جای دین ضمیر و قلب است، زندگی و آنچه در آن است تابع اراده و خواست مطلق شخص می‌باشد.
- به ارزش‌هایی که ثابت باشند و زندگی و روش مردم را رهبری نموده بانظم سازد باور و عقیده ندارند، بلکه هر انسان هر چه خواست می‌کند، و برای هیچکس اجازه نیست که بالای دیگران موازین اخلاقی مشخصی وضع نماید.
- مفکوره آنان مفضی به گسترش بی‌نظمی اخلاقی، اباحت جنسی، لجام گسیختگی و فساد گردیده است.
- علی‌الرغم آنچه به انسان قائل شده‌اند مفکوره شان دارای سمات دنباله روی اجتماعی، و شکست پذیری در مقابل مشکلات گوناگون می‌باشد.
- وجودی راستین نزد آنان کسی است که هیچگونه رهنمائی را ازخارج قبول نمی‌کند، بلکه خود را به نفس خود رهبری نموده بدون اینکه مقید به قیدی و یا محدود به حدی باشد در خواست‌های شهوات و غرایز خود را می‌پذیرد.
- وجودیه فعلا دو مکتب دارد که یک آن دیندار و دیگرش ملحد و بی‌دین می‌باشد، همین مکتب دوم است که رهبری وجودیه به دست وی می‌باشد و مراد از مفهوم

مشهور و متداول وجودیه که در سر زبان‌ها است نیز مکتب دوم می‌باشد، بنابراین وجودیه بر الحاد و بی‌دینی استوار می‌باشد.

- مفهوم وجودیه در حقیقت سرکشی بر واقعات تاریخی و جنگ در مقابل میراث بزرگی است که جامعه انسانی آن را به جا گذاشته است.

- وجودیه امروزی حیثیت شاخه‌ای از شاخه‌های متعدد صهیونستی را دارد که از میان آن صهیونست کار و فعالیت می‌نماید، و فعالیت آن توسط از بین بردن ارزش‌ها، عقاید و ادیان صورت می‌گیرد.

### ریشه‌های فکری و اعتقادی:

- وجودیه عکس العمل در مقابل تسلط کلیسا و حکمفرائی خشک و شدید آن بالای انسان بنام دین، بوده است.

- از علمانی و دیگر حرکاتی که نهضت اروپا را همراهی نموده دین و کلیسا را ترک کرده بودند متأثر گردیده است.

- از سقراط نیز متأثر گردیده‌اند که وی این قاعده را گذاشته بود (نفست را توسط نفست بشناس).

- از رواقی‌ها نیز متأثراند که آنان سیادت و سرداری نفس را لازم نموده بودند.  
- همچنان از حرکات مختلفی که به سوی الحاد و اباحت دعوت می‌نمودند متأثر هستند.

### انتشار و جاهای نفوذ:

- بعد از جنگ جهانی اول در آلمان ظاهر گردید، بعد از آن در فرانسه و ایتالیا و غیره به نشر رسید، از ناگواری جنگ‌ها و خطرناکی آن بالای انسان وسیله‌ای برای سرعت انتشار خود بدست آوردند.

- افکار منحرف و اباحت شان در فرانسه، آلمان، سوئد، نسا، انگلتر، امریکا، و غیره میان پسران و دختران جوان نشر گردیده سبب بی‌نظمی اخلاقی، اباحت جنسی، و بی‌پروائی در مقابل ارزش‌های اجتماعی و در مقابل ادیان گردید.

### مراجع:

۱- الوجودیه و واجهات الصهیونیه د. محسن عبد الحمید.

- ٢- مباحث في الثقافة الإسلامية د. نعمان السامرائي.
- ٣- سقوط الحضارة كولين ولسن.
- ٤- دراسات في الفلسفة المعاصرة د. زكريا ابراهيم.
- ٥- الوجودية المؤمنة و الملحدة د. محمد علاء.
- ٦- عقايد المفكرين في القرن العشرين عباس محمود العقاد.
- ٧- المذاهب المعاصرة و موقف الاسلام منها د. عبد الرحمن عميرة.

## یزیدیه

### تعریف:

یزیدیه یک گروه منحرف است که سال ۱۳۲هـ در عقب سقوط دولت اموی نشأت نمود، در ابتداء پیدایش خود یک حرکت سیاسی بود که بخاطر بازگردانیدن مجد و عزت بنی امیه به میان آمده بود، ولی اوضاع محیط و عوامل جهل گروه را منحرف ساخته به تقدیس یزید بن معاویه و شیطان، که آن را (طاووس ملک) و عزازیل می‌گویند، کشانید.

### تأسیس و افراد برازنده:

- شروع: وقتی دولت اموی سال ۱۳۲ در جنگ «الزاب الکبری» در شمال عراق سقوط نمود، امیر ابراهیم بن حرب بن خالد بن یزید به شمال عراق فرار نموده شکست خوردگان اموی را جمع کرد، و به سوی مستحق بودن یزید در خلافت و ولایت دعوت نمود، و ادعا کرد که یزید سفیانی منتظری است که به زمین باز خواهد گشت، و زمین را بعد از آنکه پر از ظلم شده پر از عدل خواهد نمود.

- اینکه منطقه کردها را به حیث پناهگاه خویش اختیار نمودند سببش این بود که مادر مروان دوم که دولت اموی در دوران وی سقوط کرد، از جمله کردها بود.

- عدی بن مسافر: وی در مقدمه فراریان از سلطه عباسی بود، از لبنان به حکاریه کردستان کوچ نمود، نسبش به مروان بن حکم می‌رسد، لقبش شرف الدین ابوالفضائل است، با شیخ عبد القادر ملاقات نموده از وی تصوف را اخذ نمود، سال ۱۰۷۳م و یا ۱۰۷۸م تولد گردیده بود و بعد از نود سال زندگی وفات کرد و در لالش در منطقه شیخان عراق دفن گردید.

- صخر بن صخر بن مسافر: معروف به شیخ ابوالبرکات، باکاکایش عدی همراهی نمود، و جانشین وی گردید، و وقتی وفات کرد در پهلوی قبر کاکایش در لالش دفن گردید.

- عدی بن ابی البرکات: ملقب به ابو المفاخر، و مشهور به کردی سال ۶۱۵هـ/۱۲۱۷م وفات کرد.

- پسرش شمس الدین ابومحمد معروف به شیخ حسن جانشین وی گردید، سال ۱۱۹۴هـ/۱۷۹۱م تولد گردیده بود، توسط وی فرقه یزیدیه منحرف گردید، از دوستی یزید و عدی بن مسافر به تقدیس آندو و تقدیس شیطان پرداختند، بعد از آنکه کتاب «الجلوة لأصحاب الخلوة» و کتاب «محک الإیمان» و کتاب «هدایة الأصبحاب» را تألیف کرد در سال ۱۲۴۶هـ/۱۸۳۰م وفات نمود، وی نام خود را نیز در کلمه شهادت داخل کرده بود، چنانچه الحال نزد بعضی از یزیدی‌ها یافت می‌شود.

- شیخ فخر الدین برادر شیخ حسن: ریاست دینی و فتوا مخصوص اولاده وی گردید.

- شرف الدین محمد پسر شیخ فخرالدین: وی در سال ۱۲۵۷هـ/۱۸۴۱م در حالیکه به سوی سلطان عزالدین سلجوقی روان بود، در راه کشته شد.

- زین الدین یوسف بن شرف الدین محمد: به مصر سفر نمود و در طلب علم و عبادت بیرون گردید، و سال ۷۲۵هـ در تکیه عدویه در قاهره وفات کرد.

- بعد از آن به سبب جنگ‌هایی که میان آنان و میان مغل، سلجوقی‌ها، و فاطمی‌ها واقع گردید، تاریخ شان پنهان و مجهول گردید.

- در آن دوران شیخ زین الدین ابوالمحاسن ظاهر گردید، که نسب خود را به برادر اصلی ابوالبرکات عدی می‌رسانید، وی امیر یزیدیه درشام تعیین گردید، ملک سیف الدولة قلاوون وی را، بعد از آنکه نظر به کثرت طرفدارانش خطر پنداشته می‌شد، زندانی نمود، و در زندان وی وفات کرد.

- بعد از وی پسرش شیخ عزالدین آمد، مقرر وی درشام بود، به لقب امیر الامراء ملقب گردید، می‌خواست که یک انقلاب امویه را به راه اندازد، بنابراین سال ۷۳۱هـ زندانی شد و در زندان وفات کرد.

- دعوت و حرکت شان به طور دوامدار مورد شکنجه و فشارحکام قرار گرفت، و منطقه شیخان در عراق به حیث مرکز یزیدی‌ها باقی ماند، مخفی کردن اسرار مهم‌ترین نشانه‌های این طریقه بود.

- آخرین رئیس یزیدیه، امیر ابویزید اموی توانست که سال ۱۹۶۹م اجازه بازگشائی مکتبی را برای دعوت یزیدیه در بغداد، جاده رشید، بگیرد که هدف از آن زنده ساختن عربیت طائفه اموی یزیدی بود، و وسیله رسیدن شان به آن، نشر دعوت قومی همراه با تأیید حقایق روحیه و زمانی بود، شعار شان عرب اموی القومیه و یزیدی العقیده بود.



- آخرین امیر برای آنان امیر تحسین بن سعید امیر شیخان بود.
- می‌توانیم که کلام را خلاصه نموده بگوییم: این حرکت چندین مرحله را طی نموده است:
- \* مرحله اول: حرکت اموی سیاسی، که در دوستی یزید بن معاویه انعکاس کرده بود.
- \* مرحله دوم: تبدیل شدن حرکت به طریقه عدویه در زمان شیخ عدی بن مسافر اموی.
- \* مرحله سوم: پنهان شدن شیخ حسن به مدت شش سال، بعد از آن خارج شدن وی با کتاب‌هایش که در آن‌ها با شعائر و تعالیم درست اسلامی مخالفت کرده بود.
- \* مرحله چهارم: خروج کامل از اسلام، تحریم خواندن و نوشتن، و داخل شدن عقاید فاسد باطنی در تعالیم شان.

### افکار و معتقدات:

#### اول: مقدمه برای فهم معتقدات یزیدیان:

- جنگ کربلا که در آن حسین بن علی علیه السلام کشته شد، در دوران یزید واقع گردیده بود.
- شیعه‌ها یزید را لعنت نموده وی را متهم به زندیق شدن و نوشیدن شراب می‌گردند.
- بعد از سقوط دولت اموی‌ها یزیدیه به حیث یک حرکت سیاسی شروع به کار نمود.
- یزیدی‌ها یزید را دوست داشتند و لعنت وی را بد می‌دیدند.
- بعداً لعنت را مطلقاً بد دیدند.
- بعد از آن مشکلی پیش روی شان قرار گرفت که آن لعنت شیطان درقرآن کریم بود، همین بود که از آن هم انکار کردند و درهرجای قرآن کریم که کلمه لعن و یالعت، شیطان و یا پناه خواستن از شیطان وجود داشت، آن را توسط شمع محو نمودند، و دلیل شان این بود که این چیزها در اصل قرآن نبود، بلکه آن را مسلمانان افزوده‌اند.
- بعد از آن به تقدیس و تعظیم شیطان، درحالی‌که وی درقرآن ملعون می‌باشد، شروع کردند، فلسفه تقدیس شیطان نزد آنان به چند چیز برمی‌گردد که عبارت‌اند از:

- ۱- زیرا وی به آدم سجده نکرد، بنابراین وی - به نظر آنان - اولین موحد و یکتا پرست شمرده می‌شود که وصیت پروردگار را در مورد عدم سجده غیرش، فراموش نکرد، در حالیکه ملائکه فراموش نموده سجده کردند، و امر سجده کردن به آدم علیه السلام یک امتحان بود که در آن شیطان کامیاب گردیده اولین موحد و یکتا پرست شمرده شد، و خداوند در مقابل آن این پاداش را برایش داد که وی را طاووس ملائکه و رئیس آنان ساخت.
- ۲- همچنان بخاطر ترس از وی او را تعظیم و تقدیس می‌نمایند، زیرا وی خیلی قوی است به حدی که در مقابل پروردگار جرأت نموده اوامرش را ترک کرد.
- ۳- همچنان وی را بخاطر شجاعت و دلوری‌اش در عصیان و سرکشی تمجید و تقدیس می‌نمایند.
- ابلیس آدم علیه السلام را فریب داده وی از درخت ممنوع تناول نمود، بنابراین شکمش ورم کرد و خداوند وی را از جنت خارج نمود.
- شیطان از جنت رانده نشده بلکه خودش بخاطر سرپرستی گروه یزیدیه به روی زمین پایین گردیده است.

### دوم: معتقدات شان:

- پنداشتن شیطان به حیث (طاووس ملائکه) سبب شده که آنان تمثال طاووس را که از مس به شکل خروس، و به اندازهٔ مشت بسته درست گردیده است، تقدیس و تعظیم نمایند، آنان بخاطر جمع نمودن اموال با همین تمثال در قریه‌ها گشت می‌نمایند.
- درهٔ لالش در عراق مکان مقدس است که در میان کوه‌های بلند واقع گردیده، بیت عذری نامیده می‌شود، آن دره پوشیده از درختان بلوط و چهار مغز است.
- مرجه در وادی لالش مکان مقدس شمرده می‌شود، نامش مأخوذ از مرجهٔ شام است، در بخش شرقی آن کوه عرفات و چشمهٔ زمزم قرار دارد.
- نزد آنان مصحف رش (یعنی کتاب سیاه) وجود دارد که در آن تعالیم و عقاید این گروه ثبت گردیده است.
- شهادت نزد آنان: اشهد و احد الله، سلطان یزید حبیب الله، «یعنی گواهی میدهم که خدا یک است و سلطان یزید دوست خداوند است».

- روزه: در هر سال سه روز در ماه کانون اول شرقی روزه می‌گیرند که آن مصادف است با عید میلاد یزید بن معاویه.
- زکاة: زکاة توسط طاووس جمع آوری می‌گردد که آن را قوال‌ها جمع نموده به ریاست گروه می‌سپارند.
- حج: هر سال در دهم ذو الحجه بر کوه عرفات در مرجه نورانیة لالش در عراق می‌ایستند.
- نماز: در شب نصف شعبان [یعنی شب براءت] نماز می‌گزارند، و آن نمازی است که عوض نماز تمام سال برای شان می‌باشد.
- حشر و نشر بعد از مرگ: در قریه باطط در کوه سنجار خواهد بود، در آنجا ترازوی اعمال نزد شیخ عدی که با مردم محاسبه می‌کند گذاشته خواهد شد، و گروه خود را گرفته داخل جنت خواهد نمود.
- به چیزهای باطلی سوگند یاد می‌کنند که از آنجمله است سوگند به طوق سلطان یزید، و آن عبارت از یک طرف لباس است.
- به قبرها و زیارت‌ها رفت و آمد زیاد دارند، مثل قبرهای شیخ عدی، شیخ شمس الدین، شیخ حسن و شیخ عبد القادر جیلانی، و برای هر قبری خدمتگاران وجود دارد، آنان در روشن کردن قبرها از تیل و شمع استفاده می‌نمایند.
- ازدواج به این طریقه می‌باشد که اول عروس از جانب داماد بوده می‌شود، بعد از آن خاندان‌های دو طرف آمده قضیه را حل و فصل می‌نمایند.
- رنگ کبود را تحریم می‌نمایند، زیرا رنگ کبود از بارزترین رنگ‌های طاووس می‌باشد.
- خوردن کاهو، کرم، کدو، فاصیلیه، گوشت خروس، گوشت مرغ، ماهی، گوشت آهو، و گوشت خوک را حرام می‌دانند، همچنان گوشت طاووس را که نزد آنان مقدس است حرام می‌گویند، زیرا آن مشابه ابلیس می‌باشد که وی طاووس ملائکه می‌باشد.
- تراشیدن بروت را حرام می‌دانند، بلکه آن را دراز و به شکل نامناسبی می‌گذارند.
- وقتی دائره ای بر زمین در اطراف یزیدی رسم کنی وی از آن دائره تا وقتی خارج نمی‌شود که بخشی از آن را محوکنی، زیرا وی عقیده دارد که شیطان تو را به این کار امر نموده است.

- خواندن و نوشتن را دین شان تحریم می‌نماید، و بر علم صدر [یعنی بر حفظ و یاد] اعتماد می‌نمایند، و این امر مفضی بر گسترش جهل و بی‌سوادی در میان شان گردیده و در انحراف و افراط شان دربارهٔ یزید، عدی و ابلیس افزوده است.
- نزد آنان دو کتاب مقدس وجود دارد که عبارت‌اند از: «الجلوة» که از صفات پروردگار و وصیت‌های وی سخن می‌گوید، و دیگر آن «مصحف رش» و یا «کتاب سیاه» است، این کتاب از پیدایش کائنات، ملائکه، و تاریخ پیدایش فرقهٔ یزیدی و عقیدهٔ شان صحبت می‌نماید.
- معتقداند: همان شخصی که پسر یزیدی را هنگام ختنه‌اش در کنار می‌گیرد آن شخص برادر مادر پسر می‌گردد و بالای پدر طفل لازم است که از آن شخص تا وقت مرگ حمایت و دفاع نماید.
- یزیدی در وقت طلوع آفتاب و در وقت غروبش روی به طرف آفتاب دعا می‌نماید بعد از آن زمین را بوسیده روی خود را در آن می‌مالد، و دعائی هم در وقت خواب نمودن نیز دارند.
- آنان عیدهای خاصی هم دارند مثل: عید سال نو میلادی، عید مربعانیه، عید قربان، عید جماعت، عید یزید، عید خضر الیاس، و عید بلنده، آنان شبی دارند به نام شب سیاه «شفر شک» در آن شب چراغ‌ها را خاموش نموده محارم و شراب را حلال می‌دانند.
- در کتاب‌های خویش می‌گویند: «فرمانبرداری نمایید و آنچه خدمتگاران من به شما تلقین می‌نمایند بپذیرید، و آن را نزد بیگانگان مثل یهود، نصارا، و مسلمانان افشا نکنید، زیرا آنان نمی‌دانند که تعلیم من چیست، کتاب‌های خویش را نیز به آنان ندهید تا آنان را تغییر ندهند در حالیکه شما نمی‌دانید».

- عدی بن مسافر با شیخ عبد القادر جیلانی صوفی ملاقات نموده بود، آنان به حلول، تناسخ، و وحدة الوجود قول نموده‌اند، قول و عقیده شان درباره ابلیس مشابه به قول حلاج است که وی ابلیس را پیشوای موحدین می‌دانست.
- دین نصرانی را احترام می‌نمایند، به حدیکه دست‌های قسیس‌ها را می‌بوسند و با آنان عشاء ربانی را<sup>(۱)</sup> تناول می‌نمایند و معتقداند که شراب حقیقتاً خون عیسی علیه السلام نمی‌دهند که ریش نوشنده آن لمس کرده شود.
- «تعمید» را نیز از نصارا اخذ نموده‌اند، آنان طفل را به چشمه آبی که «عین البیضاء» نام دارد بخاطر تعمید می‌برند تا در آنجا تعمید داده شود، بعد از آنکه به یک هفته رسید وی را به نزد قبر شیخ عدی، آنجاکه زمزم نیز هست برده در آب می‌گذارندش و نامش را به آواز بلند گرفته از وی می‌خواهند که طفل، یزیدی و مؤمن به (طاووس ملک) باشد یعنی به ابلیس.
- وقتی اسلام در منطقه کردستان داخل گردید اکثر ساکنین آن به دین زردشتی بودند، بعداً تعدادی از تعالیم این دین و عقیده به سوی یزیدیه انتقال داده شد.
- عقاید مجوسی و بت پرستی نیز در میان شان داخل گردید، و یزید را به مرتبه خدائی بالا بردند، مراتب نزد آنان قرار ذیل می‌باشد: (الله - یزید - عدی).
- (طاووس ملک) نشانه و ثنی از ابلیس است که نزد آنان از تقدیس و تعظیم فوق العاده برخوردار می‌باشد.
- از شیعه‌ها «برائت» را اخذ نموده‌اند که آن عبارت است از کره ساخته شده از خاک، حاکی که از زاویه شیخ عدی گرفته شده است، این کره را هر یزیدی بخاطر تبرک باخود می‌داشته باشد، این کار پیروی از شیعه‌های جعفری است که آنان نیز با خود حاکی را [بنام خاک کربلا] حمل می‌نمایند، وقتی یزیدی می‌میرد آن خاک در دهنش نهاده می‌شود، و در غیر آن وی کافر می‌میرد.
- به صورت عمومی: منطقه‌ایکه این گروه در آن منتشر گردیده پر از دیانات مختلف می‌باشد مثل: زردشتی، بت پرستان، طبیعت پرستان، یهودیت، نصرانیت، پرستندگان آلهه آشور، بابل، و سومر، و صوفیه اهل خطوه، این دیانات به درجه‌های مختلف در

۱- در این باره به همین کتاب به بحث نصرانیت مراجعه کرده شود.

یزیدی تأثیر نموده‌اند، البته جهل و بیسوادی در انحراف و دوری شان از اسلام افزوده است.

### انتشار و جاهای نفوذ:

- این طائفه که شیطان را تقدیس و تعظیم می‌نمایند، در سوریه، ترکیه، ایران، روس، و عراق منتشر گردیده‌اند، آنان مسافرینی که نسبتاً تعداد شان اندک و ناچیز است، در لبنان، آلمان غرب و بلجیک نیز دارند.

- تعداد شان تقریباً به ۱۲۰ هزار نفس بالغ می‌گردد که هفتاد هزار آن در عراق و باقی در اطراف و اقطار دیگر می‌باشند. همه آنان مرتبط به ریاست خاندان اموی می‌باشند.

- ایشان از جمله کردها می‌باشند، مگر بعضی از آنان که از اصل عربی‌اند.

- زبان شان زبان کردی است و به همین زبان کتاب‌ها، دعاها و ملاحظات دینی شان نوشته شده است.

- آنان مکتب رسمی و آشکاری دارند بنام «المکتب الأموي للدعوة العربیة» که آن در جاده رشید در بغداد موقعیت دارد.

### مراجع:

- ۱- الیزیدیة تألیف سعید الدیوه جی.
- ۲- الیزیدون فی حاضرهم و ماضیهم تألیف عبد الرزاق الحسنى.
- ۳- الیزیدیة أحوالهم و معتقداتهم تألیف الدكتور سامي سعید الأحمـد.
- ۴- الیزیدیة و اصل عقیدتهم تألیف عباس العزاوي.
- ۵- الیزیدیة و منشأ نحلتهـم تألیف أحمد تیمور.
- ۶- الیزیدیة تألیف صدیق الدمـلوجي.
- ۷- الیزیدیون تألیف هاشم البناء
- ۸- ما هي الیزیدیة؟ و من هم تألیف محمود الجندی- مطبعة الیزیدیون؟ تضامن- ط ۱-

- ٩- كرد و ترك و عرب تأليف ادموندز - ترجمة جرجس فتح الله.
- ١٠- مباحث عراقية تأليف يعقوب سر كيس.
- ١١- الأكراد تأليف باسيل نيكتن.
- ١٢- مجموعة الرسائل والمسائل تأليف شيخ الإسلام ابن تيمية.
- ١٣- رحلتي إلى العراق تأليف جيمس بكنغهام - ترجمة سليم طه التكريتي.
- ١٤- جريدة التأخي العراقية بغداد ١٦ / ٩ / ١٩٧٤ م.
- ١٥- العراق الشمالي تأليف الدكتور شاكر خصبك.
- ١٦- تاريخ الموصل تأليف سليمان الصايغ.





## یهود دونه

### تعریف:

آنان گروهی از یهودیان اند که بخاطر فریب و دسیسه علیه مسلمانان اسلام را ظاهر نموده یهودیت خویش را پنهان کرده اند، در منطقه غرب آسیای صغیر سکونت نموده در شکستن دولت عثمانی و الغاء خلافت از طریق انقلاب جماعت اتحاد و ترقی سهم گرفته بودند... و همیشه تا حال در مقابل اسلام توطیه و دسیسه می نمایند. آنان مهارت خاصی در میدان اقتصاد، ثقافت و نشرات دارند، زیرا همین چیزها اسباب تسلط بر جامعه به شمار می رود.

### تأسیس و افراد برازنده:

- مؤسس آن سباتای زیفی (۱۶۲۶ - ۱۶۷۵م) می باشد، وی یک یهودی اسپانی الاصل بوده که در ترکیه تولد و نشأت نموده است، تأسیس آن سال ۱۶۴۸م بود، یعنی وقتیکه اعلان نمود که وی مسیح بنی اسرائیل و نجات دهنده موعود شان می باشد.
- خطر سباتای بزرگ گردید، بنابر آن حکومت های عثمانی وی را توقیف نموده علماء در ادعاهایش با وی مناقشه و مناظره نمودند، وقتی دانست که قتلش به فسیله رسیده است اظهار رغبت به سوی اسلام نمود.
- اصل دعوت ویرانگرش از موقف جدیدش که به حیث یک مسلمان ظاهر گردید و به حیث رئیس دربانان مقرر شد، آغاز می گردد که پیروان خویش را نیز امر نمود تا ظاهراً مسلمان شوند و درباطن به یهودیت خویش ثابت باشند.
- از دولت درخواست نمود که به وی اجازه دهد تا در صفوف یهودیان دعوت نماید، و دولت برایش اجازه داد، آنگاه وی از این فرصت بزرگ استفاده نموده با کمال خباثت در راه ضرر رسانیدن به اسلام کار و فعالیت نمود.
- بعد از گذشت زیاده از ده سال به حکومت معلوم شد که اسلام آوردن سباتای به فریب بوده، بنابراین وی را به البانیا تبعید نمود و در آنجا درگذشت.

از جمله مهم ترین شخصیات این گروه بعد از تأسیس کننده وی:

- سارا: دوشیزهٔ پولندی که به سباتای ایمان آورده با وی ازدواج کرده بود.
- نصحان یهودی: که به حیث فرستادهٔ سباتای به سوی مردم تعیین گردیده بود.
- جوزیف ییوسوف: وی جانشین سباتای و پدر زن دوم وی بود بنام (عبد الغفور افنای) فعالیت می‌کرد.
- مصطفی حلی: رئیس فرقهٔ (قره قاش)، این فرقه یکی از سه فرقه بود که از دونمه جدا شده بودند.
- کتاب‌های طبع شده و متداول ندارند، و لیکن نشریه‌های سری زیادی دارند که در میان خود شان متداول می‌باشد.

### افکار و معتقدات:

- معتقداند که سباتای همانا مسیح بنی اسرائیل و نجات دهندهٔ یهود می‌باشد.
- می‌گویند که جسم سابقهٔ سباتای به آسمان بالا رفت و به امر خداوند به شکل ملکی که چادر و دستار می‌پوشد بازگشت نمود تا رسالت خود را تکمیل نماید.
- اسلام را ظاهر می‌کنند و یهودیت را باکمال کینه توزی و دسیسه‌گری در مقابل اسلام پنهان می‌نمایند.
- روزه نمی‌گیرند، نماز نمی‌گزارند، از جنابت غسل نمی‌کنند، و گاهی بعضی شعائر اسلامی را در بعضی از مناسبات مثل عیدها بخاطر مکر و فریب ظاهر می‌سازند.
- عروسی و ازدواج را با مسلمانان حرام می‌دانند، و افراد آن گروه به طرز زندگی، عقاید و افکار گروه خویش اطلاعی حاصل کرده نمی‌توانند مگر بعد از عروسی.
- آنان عیدهای زیادی دارند که از بیست عید تجاوز می‌نماید، و از آنجمله است: محفل خاموش ساختن روشنائی‌ها [یعنی مجلس چراغ کشی] و ارتکاب فواحش و کارهای ناروا، و معتقداند که تولد یافتگان آن شب اشخاص بابرکت خواهند بود.
- ایشان لباس خاصی دارند، زنان شان پاپوش‌های زرد به پا می‌کنند و مردان کلاه‌های پشمی سفید به سر نهاده آن را با دستارهای سبز می‌پیچانند.
- سبقت در سلام دادن به غیر خویش را حرام می‌دانند.
- باحجاب زن مقابله می‌نمایند و به سوی بی‌حجابی، بی‌نظمی و تعلیم مختلط دعوت می‌نمایند تا جوانان ملت را فاسد سازند.

### ریشه‌های فکری و اعتقادی:

- عقیده ایشان یهودیت خالص می‌باشد، بنابراین آنان عادات اساسی یهود را دارا می‌باشند مثل: خباثت، فریب، هوشیاری، دروغ، بزدلی و خیانت، تظاهر شان به اسلام فقط بخاطر ضربه زدن اسلام از داخل آن می‌باشد.
- آنان رابطه محکمی با ماسونیه دارند، و بزرگان دونمه از جمله بزرگان ماسونیه بود
- مطابق طرح و پلان صهیونیزم جهانی فعالیت می‌نمایند.

### انتشار و جاهای نفوذ:

- اکثریت بزرگ شان فعلا در ترکیه می‌باشند.
- همیشه در ترکیه وسائل سیطره بر نشرات و اقتصاد را تا حال مالک‌اند، و مناصب خیلی حساس را در حکومت اشغال نموده‌اند.
- ایشان در عقب ایجاد (جماعت اتحاد و ترقی) قرار داشتند و اکثر اعضایش نیز از جمله آنان بود، و از همین موقعیت خود در راه علمانی ساختن ترکیه مسلمان استفاده نمودند و بسیاری از جوانان فریب خورده مسلمان را در خدمت اهداف ویرانگر خویش گماشتند.

### مراجع:

- ۱- یهود الدونمه محمد علی قطب.
- ۲- وثائق منظمات و عادات السباتاي ابراهیم غالانتي.
- ۳- مجموعة مقالات عن الدونمه علاء الدین غوسه.



## یهودیت

### تعریف:

یهودیت همانا دین عبرانی‌های نسل ابراهیم علیه السلام است که معروف به اسباط و از بنی اسرائیل می‌باشند، کسانی که خداوند موسی علیه السلام را با تورات، به حیث پیامبر به سوی ایشان فرستاد.

### تأسیس و افراد برازنده:

- موسی علیه السلام: شخصی از بنی اسرائیل بود، وی در دوران فرعون مصر رمسیس دوم (۱۳۰۱ - ۱۲۳۴ ق.م.) در مصر بدنیا آمد، مادرش بعد از تولد، وی را در صندوق کرده در نهر انداخت، نهر صندوق را در قصر فرعون برآورد و موسی علیه السلام در همان قصر تربیه گردید، وقتی جوان شد یکی از مصریان را گشت و سبب فرارش به مدین گردید در آنجا نزد شعیب علیه السلام به چوپانی پرداخت و شعیب علیه السلام یکی از دو دختر خود را در نکاح وی در آورد.

- در راه بازگشت به مصر، خداوند جل جلاله در سیناء به سوی وی وحی فرستاد و امرش کرد که وی با برادرش هارون به سوی فرعون بروند تا او را دعوت نموده بنی اسرائیل را نجات دهند، بنابر آن موسی علیه السلام به سوی فرعون رفت ولی فرعون دعوت را نپذیرفت و از آنان روی گردانید. موسی علیه السلام با بنی اسرائیل از مصر خارج شد، البته این واقعه در سال ۱۲۱۳ ق.م. در دوران فرعون منفتاح که جانشین پدر خود رمسیس دوم گردیده بود به وقوع پیوسته بود، فرعون بالشکر خود آنان را تعقیب نموده به آنان رسید ولی خداوند وی را غرق نموده موسی علیه السلام و قومش را نجات بخشید.

- در صحراء سیناء موسی علیه السلام به کوه بالا رفت تا با پروردگار سخن گوید، و نسخه تورات را تسلیم شود، ولی وقتی بازگشت نمود بنی اسرائیل را در اطراف گوساله‌ایکه سامری از طلا برای شان درست کرده بود، به پای عبادت نشسته یافت، و آنان را زجر و منع کرد، وقتی آنان را به داخل شدن فلسطین امر کرد آنان امتناع ورزیده گفتند:

﴿إِنَّ فِيهَا قَوْمًا جَبَّارِينَ﴾ [المائدة: ۲۲] ﴿فَأَذْهَبَ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ﴾

﴿المائدة: ۲۴﴾ یعنی: آنجا قوم ظالمی قرار دارد، تو با پروردگارت بروید و جنگ کنید، ما همینجا نشسته‌ایم، همان بود که خداوند بر آنان غضب شد و ایشان را چهل سال سرگردان در صحراء گذاشت و موسی علیه السلام در خلال همین سال‌ها، بدون اینکه در فلسطین داخل شود وفات نموده در یک تپه سرخ دفن گردید.

- برادرش هارون علیه السلام نیز وفات نمود و در کوه هور دفن گردید، مؤرخین می‌گویند: کسانی که با موسی علیه السلام بودند همهٔ شان در دشت وفات کردند، به استثناء دو نفر که یکی از آن‌ها یوشع بود.

- یوشع بن نون: رهبری را بعد از موسی علیه السلام به دوش گرفت و از راه شرق اردن بنی اسرائیل را در اریحا داخل نمود، یوشع علیه السلام سال ۱۱۳۰ ق م وفات کرد.

- سرزمین مفتوحه میان دوازده سبط [یعنی دوازده قبیلهٔ اولاد یعقوب علیه السلام] تقسیم گردید که در آن‌ها قاضیانی از جملهٔ کاهنان حکومت می‌کردند، در این دوران یک قاضیه نیز بنام دבורه ظاهر گردیده بود، این دوران عشائری بدائی تقریباً یک قرن - مطابق اندازهٔ تاریخ نویسان - ادامه یافت.

- آخرین قاضی‌ها صموئیل شاعون بود که پادشاه شان مقرر گردید و همین شخص را قرآن کریم بنام طالوت یاد کرده است، وی بنی اسرائیل را در جنگ‌های شدیدی بر ضد اطرافیان شان رهبری نمود، داود علیه السلام یکی از لشکریانش بود، در یکی از معارک داود علیه السلام بالای جالوت که فرمانده فلسطینیان بود، غلبه و پیروزی حاصل کرد، و از آن به بعد داود علیه السلام به حیث فرمانده با اهمیت تبارز کرد.

- داود علیه السلام: پادشاه دوم در میان شان تعیین گردید، و سلطنت در اولادش به طور میراثی باقی ماند، اورشلیم (قدس) را پایتخت مملکت خود قرار داد و هیکل قدس را اعمار نموده تابوت [صندوقی که در آن اشیاء متبرکه نهاده شده بود] را به آنجا نقل داد، حکومتش چهل سال دوام کرد.

- سلیمان پسر داود علیهما السلام: جانشین پدر خود گردید، و ستارهٔ اقبالش طلوع نمود به حدیکه با فرعون مصر شش‌سوق خویشی کرد، لیکن در اواخر پادشاهی اش ملکش رو به کاهش نهاده منحصر به غرب اردن گردید.

- رحبعام جانشین وی گردید، و سال ۹۳۵ ق م به حیث پادشاه تعیین شد، ولی از بیعت و متابعت اسباط برخوردار نشد، بنابر آن بنی اسرائیل از وی اعراض نموده جانب برادرش یربعام را گرفتند، همین بود که مملکت به دو بخش تقسیم شد:
- \* مملکت شمالی که بنام اسرائیل یاد گردید و پایتختش شکیم بود.
- \* مملکت جنوبی، به نام یهوذا و پایتختش اورشلیم بود.
- در هریکی از دو مملکت ۱۹ پادشاه حکومت نمود، در مملکت یهوذا پادشاهی به اولاده سلیمان عليه السلام تعلق گرفت، ولی در مملکت اسرائیل پادشاهی در چندین خاندان انتقال می کرد.
- عاموس: پیامبری بود که تقریباً در سال ۷۵۰ ق م ظاهر گردید، وی سابقه ترین پیامبران دوران قدیم است که گفتارهای شان به طریقه نوشته شده به ما رسیده است، زیرا وی در ایام یربعام دوم (۷۸۳-۷۴۳ ق م) زندگی کرده است.
- سال ۷۲۱ ق م یهودیان اسرائیلی در قبضه آشوریها افتادند، یعنی در دوران ملک سرجون دوم پادشاه آشور، بنابراین از تاریخ بدور افتیدند و سال ۵۸۶ ق م مملکت یهوذا به دست بابلیها افتاده بود، و نبوخذ نصر (بختنصر) اورشلیم و معبد را خراب نموده یهودیان را به بابل اسیر برد، و این همان ویرانی اول بود.
- سال ۵۳۸ ق م قورش پادشاه فارسی بابل را اشغال نمود و برای آنان اجازه بازگشت به فلسطین را داد، ولی تعداد کمی از آنان بازگشت کرد.
- در سال ۳۲۰ ق م حکومت فلسطین به اسکندر بزرگ تعلق گرفت و بعد از وی به بطالسه رسید.
- سال ۶۳ ق م فلسطین را رومان اشغال نموده و به قیادت با مبیوس بر قدس قبضه کردند.
- سال ۲۰ ق م هیروودوس هیکل سلیمان را جدیداً اعمار نمود و آن تا سال ۷۰ م باقی ماند، و در این تاریخ امپراطور تیطس شهر را ویران نموده هیکل را سوزانید، و این همان ویرانی دوم می باشد، سال ۱۳۵ م اوریانوس آمد تا به صورت کامل علایم شهر را از بین ببرد و از شر یهودیان توسط قتل و نابود ساختن شان خود را رهائی بخشید، وی در جای هیکل مقدس هیکل شرکی بنام (جویتار) اعمار کرد، این هیکل شرکی تا زمان امپراطور قسطنطین دوام نمود و در زمان وی آن را مسیحیها نابود ساختند.

- در سال ۶۳۶م مسلمانان فلسطین را فتح نموده رومان را از آن بیرون کردند، و صفرونیوس که بطریق نصارا بود بالای مسلمانان شرط نهاده بود که فردی هم از یهود در شهر باید سکونت نکند.
- در سال ۱۸۹۷م حرکت جدیدی را یهودیان تحت اسم صهیونیزم، بخاطر ایجاد دولت اسرائیل در سرزمین فلسطین شروع کردند، (به بحث صهیونیزم رجوع کرده شود).
- اشعیا: در قرن هشتم قبل از میلاد میزیسته، و از مشاورین ملک حزقیا پادشاه یهوذا (۷۲۹-۶۶۸ ق. م) بوده است.
- ارمیا: (۶۵۰-۵۸۰ ق. م) غلطی‌های قوم خود را آشکار کرد از سقوط اورشلیم خبر داده بود، تابعیت را برای پادشاهان بابل اعلان کرد، همین بود که مورد شکنجه و ظلم یهودیان قرار گرفت.
- حزقیال: در قرن ششم قبل از میلاد ظهور نمود به بعث وبرانگیخته شدن و حساب قول نموده به آمدن مسیحی که از نسل داود علیه السلام می‌باشد و پادشاه یهود می‌گردد، پیشگوئی نمود، وی در دوران سقوط مملکت یهوذا زندگی می‌کرد، بعد از اشغال اورشلیم به بابل تبعید کرده شد.
- دانیال: از آینده ملت اسرائیل خبر داد، زیرا وی مشهور به تعبیر نمودن خواب‌های رمزی بود، وی ملت خود را وعده نمود که توسط مسیح نجات خواهند یافت.

### افکار و معتقدات:

#### اول: گروه‌های یهودی:

- ۱- فریسیون: یعنی سختگیران، که احبار و ربانیون گفته می‌شوند، ایشان متصوفین و احباری‌اند که ازدواج نمی‌کنند، و مذهب خویش را از طریق وصیت حفاظت می‌نمایند، به روز قیامت، ملائکه و جهان دیگر عقیده دارند.
- ۲- صدیقین: تسمیه این گروه به این نام از قبیل تسمیه شیء به ضد آن است، زیرا ایشان مشهور به انکاراند [نه به تصدیق]، از قیامت، حساب، جنت، و دوزخ منکراند، همچنان از تلمود، ملائکه، و مسیح منتظر نیز منکراند.



- ۳- متعصبین: مفکورهٔ شان نزدیک به مفکورهٔ فریسیون است، ولی ایشان به عدم گذشت و به تجاوز متصفاند، در اوائل قرن اول انقلابی را به راه انداختند که در آن رومانی‌ها و یهودیانی را که با رومانی‌ها همکاری نموده بودند به قتل رسانیدند، بنابر آن ایشان بنام سفاکین مشهور شدند.
- ۴- کاتبان: توسط کتابت و نویسندگی خویش با شریعت آشنائی حاصل نمودند و وعظارا وظیفهٔ خویش قرار دادند، ایشان بنام حکماء و سادات یاد می‌شوند، و لقب هر یکی از آنان «أب» می‌باشد، نظر به مدارس و مریدهای شان خیلی ثروتمند گردیده‌اند.
- ۵- قاریان: آنان تعداد اندکی از یهوداند که بعد از سقوط فریسیون ظاهر گردیده اتباع شان را به خود جذب کردند، تنها به عهد قدیم اعتراف دارند، به تلمود قائل نبوده به آن اعتراف ندارند، زیرا ایشان در شرح نمودن تورأ دعوای استقلال می‌نمایند.
- ۶- سامریون: آنان طائفه‌ای از متهودین‌اند که از غیر بنی اسرائیل در یهودیت داخل شده‌اند، در کوه‌های بیت المقدس سکونت داشتند، پیامبری موسی، هارون، و یوشع بن نون علیهم‌السلام را پذیرفته و پیامبری دیگر پیامبران را که بعد از آنان بودند نمی‌پذیرند، در میان ایشان شخصی بنام الفان، صد سال پیش از عیسی علیهم‌السلام ظاهر گردید و دعوای پیامبری نمود، این گروه به دو بخش تقسیم شده‌اند: فرقهٔ دوستانیه که پیروان الفان بودند، و فرقهٔ کوستانیه، یعنی گروه متصوف، قبلهٔ گروه سامریون سوی کوهی است بنام کوه غریزیم که میان بیت المقدس و نابلس واقع است زبان شان غیر از زبان عبرانی یهودیان می‌باشد.
- ۷- سبئیة: پیروان عبدالله بن سبأ که بخاطر نابود ساختن اسلام از داخل خودش ظاهراً در اسلام داخل گردید، وی کسی بود که کودتای ضد عثمان رضی‌الله‌تعالی‌عنه را از قول به عمل پیاده نموده فتنه را برانگیخت، و همین شخص بود که احادیث دروغین و موضوعی را برای تقویةٔ موقف خود افتراء نمود، بنابر آن می‌توان گفت که رهبر فتنه‌ها و اختلافات سیاسی و دینی در اسلام همانا وی بود.

دوم: کتاب‌های آنان:

- عهد قدیم: این کتاب نزد یهود و نصارا مقدس می‌باشد، زیرا آن کتابی هست مشتمل بر: شعر، نثر، حکمت‌ها، امثال، قصه‌ها، افسانه‌ها، فلسفه، تشریح، غزل، مرثیه و... و به دو بخش تقسیم می‌شود:

۱- توراه: که آن مشتمل به اسفار پنجگانه می‌باشد: سفر تکوین و یا خلق - سفر خروج - سفرلاوین (اخبار) - سفر عدد - و سفر تثبیه - و این کتاب به نام اسفار موسی یاد می‌شود.

۲- اسفار انبیاء:

و آن به دو قسم است:

الف: اسفار انبیاء متقدمین: یسوع (یوشع بن نون) قضاة - صموئیل اول - صموئیل دوم - ملوک اول - ملوک دوم.

ب: اسفار انبیاء متأخرین: اشعیا - ارمیا - حزقیال - هوشع - یوئیل - عاموس - عوبدیا - یونان (یونس) - میخا - ناحوم - حبقوق - صفیا - حجی - زکریا - ملاخی. مکتوت‌ها:

۱- مکتوب‌های بزرگ: مزامیر (زبور) - امثال (امثال سلیمان) - ایوب.

۲- مجله‌های پنجگانه: نشید الانشاد - را عوث - مرثیه‌ها (مرثیه‌های ارمیا) جامعه - استیر.

۳- کتاب‌ها: دانیال - عزرا - نحمیا - اخبار روزهای اول - اخبار روزهای دوم.

- همین کتاب‌های مذکور نزد یهود و همچنان نزد نصرانی‌های پروتستانی مقبول و پذیرفته شده‌اند.

- ولی کلیسای کاتولیکی هفت کتاب دیگر را به آن‌ها علاوه می‌نماید که عبارت‌اند از: طوبیا - یهودیت - حکمت - یسوع بن سیراخ - باروخ - ستمدیدگان اول - ستمدیدگان دوم. همچنان اسفار ملوک را چهار می‌دانند، اول و دوم آن را عوض دو سفر اول و دوم صموئیل اول و دوم می‌گردانند.

- استیر و یهودیت هر یک از این دو افسانه‌ایست که از زنی حکایت می‌کند که زیر دست حاکمی از غیر بنی اسرائیل قرار داشت و از حسن و جمال خود در راه دور ساختن ظلم از یهود استفاده نموده و دیگر خدماتی به آنان کرده است.

- تلمود: این کتاب عبارت از روایات شفاهی است که آن را حاخام‌ها از یک دیگر نقل نموده و آن را حاخام یوضاس سال ۱۵۰م در کتابی بنام «المشنا» یعنی شریعت

تکرار شده جمع نمود و آن نسبت به تورات موسی عليه السلام حیثیت تفسیر و بیان را دارد، سال ۲۱۶م ربی یهوذا زیادات و روایات شفوی را تدوین نمود، مشنا در کتابی بنام (جمارا) شرح گردید و از همین مشنا و جمارا تلمود تشکیل می‌شود که نزد یهود از اهمیت زیادی برخوردار بوده که بر منزلت تورات نیز تفوق دارد.

### سوم: عیدهای آنان:

- ۱- عید نجات: و آن جشن خروج بنی اسرائیل از مصر می‌باشد که از بیگانه چهاردهم ابریل شروع گردیده بیگانه ۲۱ آن به پایان می‌رسد، در این ایام خوراک شان نان فتیر می‌باشد.
- ۲- روز تکفیر: در ماه دهم سال یهودی می‌باشد، در این مراسم هر شخص ۹ روز خود را برای عبادت و روزه فارغ می‌سازد، و آن روزها بنام روزهای توبه یاد می‌شود، در روز دهم که روز تکفیر است یهودی نه می‌خورد و نه می‌نوشد بلکه روز خود را در عبادت می‌گذارند، زیرا در این روز - به گمان خودشان - تمام گناهانشان بخشیده می‌شود و به آمدن سال نو آماده می‌گردند.
- ۳- زیارت بیت المقدس: بالای هر یهودی که بالغ و از طبقه ذکور باشد زیارت بیت المقدس هر سال دو بار ضروری می‌باشد.
- ۴- ماه نو: با نو شدن هر ماه تجلیل می‌گرفتند و به خاطر خوشحالی سرنی‌ها در بیت المقدس به صدا میامد و آتش‌ها افروخته می‌شد.
- ۵- روز شنبه: در این روز کار و مشغولیت نزد آنان جائز نیست، زیرا این روز - به عقیده آنان - روزی است که پروردگار در آن استراحت نموده است، یهودیان به این اجماع نموده‌اند که وقتی پروردگار از آفریدن آسمان‌ها و زمین فارغ گردید، بر عرش خود قرار گرفت و به پشت خود استراحت نموده یک پای خود را بالای دیگر نهاد.

### چهارم: إله و پروردگار:

- یهودیان در اصل اهل کتاب و یکتا پرست بودند.
- ولی به سوی تعدد، تجسیم و نفع جوئی میل می‌کردند، از همین جهت پیامبران زیادی بسوی شان ارسال گردید، زیرا هر باری که در مفهوم الوهیت و توحید در میان

شان انحرافی رخ می‌داد پیامبری فرستاده می‌شد تا ایشان را به جاده صواب باز گرداند.

- اندکی بعد از بیرون شدن شان از مصر کوساله را معبود گرفتند، عهد قدیم چنین روایت می‌کند که موسی علیه السلام ماری از مس برای شان درست نموده بود، و بنی اسرائیل آن را بعدا عبادت کردند، همچنان مار بزرگ (افعی) نزد آنان مقدس است زیرا در آن حکمت و هوشیاری انعکاس نموده است.

- نام پروردگار نزد آنان یهوه است، و آن پروردگار معصوم نیست، بلکه خطأ و لغزش می‌نماید و در پشیمانی واقع می‌گردد، به دزدی امر می‌نماید، و بسیار بی‌رحم، متعصب، و ویرانگر در دفاع از جماعت خود می‌باشد، وی تنها خدای بنی اسرائیل بوده و دشمن دیگران می‌باشد، وی در ستونی از ابر پیشاپیش جماعتی از بنی اسرائیل حرکت می‌نماید.

- عزرا هست که تورات موسی را بعد از نابود و ضایع شدنش پیدا کرد، به همین جهت و به خاطر تجدید اعمار هیکل توسط وی عزرا را پسر خدا گفته‌اند، قرآن کریم او را بنام عزیر یاد می‌کند.

### پنجم: افکار و معتقدات دیگر:

- معتقداند که از جمله پسران ابراهیم علیه السلام همانا اسحاق که متولد از ساره است، ذبیح الله می‌باشد، ولی درست آنست که وی نه بلکه اسماعیل علیه السلام می‌باشد.

- در روز شنبه تجاوز نمودند، جزاء آن این شد که تعدادی از آنان به بوزینه و خنزیر تبدیل گردیدند.

- در دین آنان به استثناء اشارات بسیط و سطحی چیز با اهمیتی درباره قیامت، جاویدان ماندن، پاداش، و عذاب ذکر نشده است، زیرا این امور از جوهر و ترکیب فکر مادی یهودی بعید می‌باشد.

- ثواب و عذاب در دنیا داده می‌شود، ثواب همانا پیروزی و تأیید است و عقاب عبارت است از ناکامی، ذلت و بردگی.

- تابوت: عبارت است از صندوقی که آن را حفاظت می‌نمایند و در آن با ارزش‌ترین چیزهایی را که مالک‌اند از قبیل دارائی‌ها، سندها و کتاب‌های مقدس، نگهداری می‌کنند.

- مذبح: جای خاصی است برای افروختن عطریات که آن را پیش روی پرده ای می‌گذارند که پیش روی تابوت قرار دارد.

- هیکل: عبارت است از بنائی که داود علیه السلام امر نموده سلیمان علیه السلام آن را اعمار کرد، و در داخل آن محراب (یعنی قدس الاقداس) را بنا کرد، همچنان در داخل آن مکانی را آماده ساخت که در آن تابوت پیمان پروردگار نهاده می‌شود.

- کهنات: این منصب به اولاد لیفی که یکی از پسران یعقوب بود مخصوص می‌باشد، بنا بر این تنها آنان‌اند که حق تفسیر نصوص و تقدیم قربانی‌ها را دارند، و مالیات از ایشان گرفته نمی‌شود، شخصیات آنان وسیله ای‌اند که توسط آنان به خداوند تقرب جسته می‌شود، بدین ترتیب آنان از پادشاهان هم قوی‌تراند.

- قربانی‌ها: در اوائل علاوه بر حیوانات و میوه جات قربانی‌های انسانی را نیز شامل بود، سپس پروردگار به جزئی از انسان اکتفاء نمود، و آن عبارت از همان جزئیست که در وقت عملیه ختنه از انسان قطع می‌شود، بنابر همین عقیده یهود تا امروز ختنه می‌نمایند، بر علاوه آن میوه جات و حیوانات نیز در پهلوی آن وجود دارد.

- معتقداند که آنان گروه برگزیده خداوند می‌باشند، و ارواح یهودیان جزئی از الله جل جلاله می‌باشد، وقتی یکی از امی‌ها (جوییم) کسی از اسرائیلی را بزند گوئی وی عزت خدا را زده است، و فرق میان یهودی و غیر یهودی به اندازه فرق میان انسان و حیوان می‌باشد.

- فریبکاری با غیر یهودی، دزدیدن مالش، قرض دادنش با سود زیاد، شهادت دروغ بر ضدش و وفاء نکردن به سوگند برایش، این‌ها همه برای یهودی جائز می‌باشد، بلکه آنان اینکارها را سبب تقرب به دربار خداوند می‌دانند، زیرا غیر یهودیان - در نظر آنان - همچون سگ‌ها، خوک‌ها و چهارپایان‌اند.

- تلمود درباره عیسی علیه السلام می‌گوید: یسوع ناصری در موج‌های دوزخ میان آتش و قیر قرار دارد، و مادرش مریم وی را از سپاهی «باندارا» به طریق نا مشروع بدست آورد، کلیساهای نصرانی به منزله پلیدی‌ها بوده و وعظ کنندگان در آن‌ها مانند سگ‌های عوعو کننده‌اند.

- به سبب تنگی اوضاع و شدتی که بالای شان واقع گردیده بود مفکوره مسیح منتظر به حیث یک ملجأ، و یافتن محل امید و چشم داشتن، نزد شان به میان آمد.

- عهد قدیم از حادثه ننگینی حکایت می‌کند که در خانه داود علیه السلام واقع شده است و می‌گوید: برای ابشالوم بن داود خواهر اصلی زیبایی بود بنام ثامار و او را دوست داشت، دختر برادری داشت از پدر بنام امنون، امنون قصد ثامار را داشت، و چنین شد که امنون از پدر خود خواست تا ثامار را حاضر سازد که برایش طعامی آماده نماید، وقتی خواهرش ثامار حاضر شد امنون مکان را خلوت نموده با وی بدون رضایت و به اکراه زنا نمود، ثامار گریه کنان و فریاد کنان بیرون شد، وقتی ثامار به برادر حقیقی خود ابشالوم قضیه را خبر داد ابشالوم به خاطر انتقام گیری از امنون نزد خود پلانی طرح نمود، بنابراین امنون و برادرانش را به سوی طعامی دعوت کرد و به برده‌های خود توصیه نمود که طعام و شراب امنون را ثقیل سازند تا آنکه نشه شود، بعد از آن وی را به قتل برسانند.

- آنان می‌گویند: یعقوب علیه السلام با پروردگار گشتی گیری کرد، و لوط علیه السلام بعد از نجات یافتن و رفتنش به کوه صوغر شراب نوشید و با هر دو دخترش زنا کرد، و داود علیه السلام در نظر پروردگار قبیح و ناپسند بود.

- تورات موسی علیه السلام بعد از تخریب هیکل در دوران بختنصر ناپدید گردید، وقتی بار دوم در دوران ارتحشتا ملک فارس نوشته شد مغایر از اصلش و تحریف شده آمد. خداوند تعالی می‌گوید: ﴿يُحْرِقُونَ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِ وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ﴾ [المائدة: ۱۳] یعنی «کلمات تورات را از جاهایش تغییر می‌دهند، و بخشی از آنچه برای شان پند داده شده بود فراموش کردند».

- دین شان خاص به خود شان بوده دروازه بر روی دیگران بسته می‌باشد.

- الله تعالی می‌گوید: ﴿ضَرَبْتُ عَلَيْهِمُ الدِّلَّةَ أَيَّنَ مَا تُقْفَوْنَ إِلَّا بِحَبْلِ مِّنَ اللَّهِ وَحَبْلِ مِّنَ النَّاسِ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ وَضَرَبْتُ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةَ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ﴾ [آل عمران: ۱۱۲] یعنی: «آنان به ذلت و فقر گرفتار شده‌اند، و به غضب خداوند مبتلا می‌باشند سببش آنست که ایشان به آیات خداوند کفر می‌ورزیدند و پیامبران را بدون مجیبی به قتل می‌رسانند، و این هم به سبب نافرمانی و تجاوز شان است».

- الله تعالى فرموده است: ﴿كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَن مُّنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ﴾ [المائدة: ۷۹] یعنی: «آنان چنان بودند که از کار بدی که انجام می‌دادند یکدیگر را منع نمی‌کردند، حقا که کار ناپسندی انجام می‌دادند».

- پسر بزرگ اولین کسی است که میراث می‌گیرد و حق دو برادر را مستحق می‌شود، و در میراث فرقی میان پسر متولد به طریق مشروع و متولد به طریق نامشروع وجود ندارد.

- بعد از عروسی، زن مشابه برده برای شوهر است، دارائی زن مال شوهر می‌شود، ولی بخاطر اختلافات زیاد بعدا این فیصله صادر شد که خود مال به زن تعلق دارد ولی شوهر می‌تواند از آن نفع بگیرد.

- کسی که به بیست سالگی برسد و عروسی نکند مستحق لعنت می‌گردد، تعدد زوجه‌ها بدون حد و اندازه شرعا جائز است. ولی ربانیون آن را به چهار زن محدود ساخته‌اند، و قاریان همانطور مطلق گذاشته‌اند.

### ریشه‌های فکری و اعتقادی:

- پرستش گوساله از مصری‌های قدیم که قبل از خروج آنان در آنجا بودند گرفته شده بود، همچنان مفکوره قدیم مصری مأخذ و مصدر اصلی اسفار عهد قدیم شمرده می‌شود.

- فکر بابلی و فارسی نیز از مصادر و مأخذ عهد قدیم شمرده می‌شود (کتاب - الله - ص ۱۱۷ تألیف عباس محمود عقاد را مطالعه کنید).

- مهم‌ترین ماخذی که بالای آن اسفار عهد قدیم اعتماد نموده همانا تشریح حمورابی است که تقریبا به سال ۱۹۰۰ ق م باز می‌گردد این تشریح در سال ۱۹۰۲ م کشف گردید که در ستون سیاهی از سنگ حفر گردیده است، و آن سابقه دارترین و مشهورترین تشریح سامی تا امروز به شمار می‌رود.

- تلمود به تناسخ قائل می‌باشد، و آن مفکوره‌ایست که از هند به بابل رفته و حاخام‌های بابل آن را به مفکوره یهودی نقل داده‌اند.

- از فکر مسیحی نیز متأثر گردیده‌اند، بنابراین می‌بینی که می‌گویند: «ای پدر ما سبب ساز که به شریعتت باز گردیم، ای پادشاه ما: ما را به عبادتت نزدیک گردان، و ما را به توبهٔ نوح درحضورت باز گردان».

- در بعضی از مراحل خدایان بلعیم و عشتارت، خدایان آرام، خدایان صیدوم، خدایان مؤاب، خدایان عمون و خدایان فلسطینی‌ها را عبادت کرده‌اند (سفر القضاء: ۶/۱۰).

### انتشار و جاهای نفوذ:

- عبری‌ها اصلاً در منطقهٔ اردن و فلسطین زندگی می‌کردند، بعداً بنی اسرائیل به مصر انتقال کرد، بعد از آن به فلسطین کوچ کردند تا آنجا جامعهٔ یهودی را تشکیل دهند، لیکن بسبب تکروی، تکبر، تعصب و دسیسه‌گری شان تحت شکنجه قرار گرفته رانده شدند، بنابر آن در کشورهای جهان پراکنده گردیدند، و بعضی از آن‌ها به اروپا، روسیه، دولت‌های بلقان، امریکتین، و اسپانیا، رسیدند و بعض دیگر شان به داخل جزیرهٔ عرب روآوردند که با طلوع اسلام از آنجا نیز بیرون کرده شدند، و تعدادی از آن‌ها هم در افریقا و آسیا زندگی نمودند.

- از ابتدای قرن گذشتهٔ میلادی به جمع نمودن پراکنده‌های خویش در سرزمین فلسطین آغاز کرده‌اند و آنان را به این کار صهیونیزم و استعمار تشویق و ترغیب نموده‌اند.

- در این شکی نیست که یهودیان موجوده - که تقریباً به پانزده میلیون بالغ می‌گردند - هیچ رشته و رگی با عبرانی‌های قدیم اسرائیلی که از نسل ابراهیم علیه السلام بودند، ندارند زیرا اینان مردمان مختلطی از اقوام روی زمین‌اند که عوامل استعماری آنان را به سوی یهودیت سوق داده است، اما آنانی که فعلاً از اصول و نسل اسرائیل هستند آنان امروز - خصوصاً در اسرائیل - از یهودیان طبقه پایین به شمار می‌روند.

### مراجع:

- ۱- إظهار الحق رحمة الله الهندي.
- ۲- اليهود: نشأتهم و عقیدتهم و مجتمعهم زکی شنوده - ط ۱ - مکتبه نهضة مصر -



- ٣- تاريخ الأقباط زكي شنودة.
- ٤- الله عباس محمود العقاد.
- ٥- خطر اليهودية العالمية على الإسلام عبد الله التل. و المسيحية
- ٦- مقارنة الأديان «اليهودية» د. أحمد شلبي - ط٤ - النهضة المصرية - ١٩٧٤ م.
- ٧- اليهود في تاريخ الحضارات الاوّل غوستاف لوبون - ترجمة عادل زعير - طبعة عيسى البابي الحلبي.
- ٨- التوراة: عرض و تحليل د. فؤاد حسين.
- ٩- تاريخ بني إسرائيل من أسفارهم محمد عزة دروزة.
- ١٠- الأديان و الفرق و المذاهب المعاصرة عبد القادر شيبه الحمد- مطبوعات الجامعة الإسلامية بالمدينة المنورة.

## مراجع بيگانہ:

- 1- Berry: Religions of the World.
- 2- Reinach: History of Religion.
- 3- Smith J. W. d: God and man in Early Israel.
- 4- Kirk: A Short History of the Middle East.
- 5- Max marigolis and Alexander marx: A History of the Jewish People.
- 6- Hertzl: The Jewish State.
- 7- Weech: Civilization of Neer East.
- 8- Wells: A Short History of the World.



به کمک و توفیق خداوند ﷺ مراجعه و بررسی کتاب توسط بنده فقیر مولوی محمد  
طاهر عطائی به تاریخ ۱۶ صفر ۱۴۲۲هـ. ق ۱۹ ثور ۱۳۸۰هـ. ش عصر چهارشنبه  
تکمیل گردید.

والله أعلم بالصواب.